منشور برادری

مجموعه سخنرانی ها، مصاحبه ها، پیام ها و

ملاقات های

دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان

استاد شهید عبدالعلی مزاری «ره»

حقوق ملیّت‌ها به معنی برادری ملیّت‌ها است

نه دشمنی ملیّت ها

(از سخنان رهبر شهید استاد مزاری)

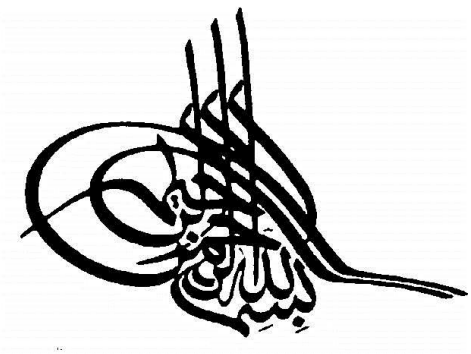

شناسنامه کتاب

منشور برادری

مقدمه و تحقیق از: مرکز فرهنگی ـ اجتماعی سراج
نوبت چاپ: دوم تابستان ۱۳۸۶ش
تعداد صفحات و قطع: ۵۰۰ صفحه ـ وزیری
خدمات کامپیوتری عظیمی ۰۹۱۲۵۵۳۲۸۱۶

فهرست مطالب

پیش گفتار چاپ دوم ۱
پیشگفتار ۹

بخش اول: قسمت اول

مجموعه سخنرانی‌های رهبر شهید استاد شهید عبدالعلی مزاری(ره)

قبل از تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان

معیارهای ارزشی، در جامعه ۱۴
نگاهی به مبارزات گذشته ۱۷
استعمار، عامل تفرقه ۱۷
ما طرفدار تجزیه افغانستان نیستیم ۱۸
اسلام و احیای ارزش‌های الهی ۱۹
جنگ مکتبی ۲۱
معیار عملکرد احزاب ۲۲
حکومت اسلامی، اساس مبارزات رهایی بخش ۲۴
ضرورت آگاهی مکتب ۲۵
درس‌هایی از انقلاب اسلامی افغانستان ۲۸
اوّلین جرقه‌های انقلاب علیه دولت ۲۹
روسیه و هدف از تعویض مهره‌ها در افغانستان ۳۰
تجاوز نظامی روسیه ۳۱

شکست توطئه‌های روسیه ۳۲
جوانان و تربیت مارکسیستی ۳۴
فرار ارتشیان ۳۴
رفتار وحشیانه با غیر نظامیان ۳۵
برگشت ظاهر شاه، طرح توافق دو ابر قدرت ۳۶
شکست مذاکرات ژنو ۳۸
خواست ملت افغانستان ۳۹
سمینار نهضت‌های آزادی بخش ۴۰
علل تجاوز ابر قدرت شرق در افغانستان ۴۱
همه باید برای آزاد کردن لبنان و قدس بجنگیم ۴۳
دخالت ابر قدرت‌ها در امور کشورهای اسلامی ۴۵
عملکرد یکسان ابر قدرت‌ها ۴۷

قسمت دوم

مجموعه سخنرانی‌های رهبر شهید استاد شهید عبدالعلی مزاری(ره)

بعد از تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان

اخلاق در راه وحدت ۵۰
وظایف هیأت در قبال وحدت ۵۱
وحدت تشکیلاتی شرعی و قانونی ۵۲
نقش مرجعیت در جامعه تشیع ۵۳
شهید سجادی در پرتوی کلام رهبر شهید(ره) ۵۶
سهم گیری در انقلاب ۵۶
عفو و گذشت ۵۷
وحدت خواهی ۵۸
شیعیان افغانستان، پیروان واقعی حضرت علی(ع) ۶۱
جوش و خروش وحدت ۶۱
فضایل حضرت علی(ع) ۶۲
سختگیری حضرت علی(ع) در بیت المال ۶۲
مظلومیت علی(ع) ۶۳
خطراتی که حزب وحدت را تهدید می‌کند ۶۴
مهار جنگ‌های داخلی به برکت وحدت ۶۵
تبلیغات علیه شیعیان افغانستان ۶۸

یک بیگانه بین شیعه وجود ندارد ۶۹
کودتای تنی ۷۱
وابستگی با مرگ برابر است ۷۲
دخالت بیگانگان در امور افغانستان ۷۴
خدایی شدن مردم ۷۶
خواستگاه وحدت و همگرایی ۷۷
چگونه حزب وحدت شکل گرفت؟ ۷۸
مدیریت قوی حزب وحدت ۷۹
توطئه علیه شیعیان و هزاره‌ها در افغانستان ۸۰
کتمان هویت ۸۱
ریشه اختلافات ۸۴
حزب وحدت، خواستگاه مردم افغانستان ۸۶
مظلومیت امام صادق(ع) در افغانستان ۸۷
بنیانگذاران وحدت ۸۸
امضای منشور وحدت ۸۹
پیام آوران وحدت ۹۰
مظلوم‌ترین آیه در قرآن ۹۱
بی شرط بودن وحدت ۹۱
حزب وحدت تنها راه نجات ۹۳
شرایط وحدت ۹۴
شورای عالی نظارت و تحقق شرایط ۹۵
افتخار تشکیلاتی ۹۷
کشکول مداحی ۹۸
حزب وحدت اسلامی و راه‌های حل بحران افغانستان ۱۰۰
کمک‌های الهی ۱۰۱
راه حل قضیه‌ی افغانستان ۱۰۳
روس‌ها و ارائه راه حل مسأله‌ی افغانستان ۱۰۳
طرح سازمان ملل متحد ۱۰۳
طرح انتخابات ۱۰۵
طرح حزب وحدت اسلامی افغانستان ۱۰۶
شیعیان افغانستان و ضرورت همبستگی ۱۱۰
حکومت انحصاری ۱۱۱

استفاده درست از بیت المال ۱۱۲
دست شیطان ۱۱۳
اوّلین سنگ بنای وحدت ۱۱۵
وحدت، محصول همگرایی توده ها ۱۱۶
شرایط اعضای شورای عالی نظارت ۱۱۷
شورای عالی نظارت و عضویت روشنفکران ۱۱۹
دست آوردهای وحدت ۱۲۰
حزب وحدت و پلان‌های نظامی ۱۲۲
حزب وحدت و تلاش‌های صلح جویانه ۱۲۳
خون شهید ابراهیم شاه، وحدت را بیمه کرد ۱۲۴
میزان وحدت ۱۲۵
حزب وحدت و عبور از تنگناها ۱۲۷
نفوذ دشمن در صفوف مجاهدین ۱۲۷
شخصیت آقای ناصری ۱۳۰
ضرورت تشکیل حزب وحدت ۱۳۲
امضای میثاق وحدت ۱۳۳
مشروعیت حزب وحدت ۱۳۴
ادعای پوچ تعهد شکنان ۱۳۵
اهداف هیأتی اعزامی حزب به خارج ۱۳۶
مشکل تراشی‌ها در راه وحدت ۱۳۷
قضاوت تاریخ ۱۳۹
شرط گذاری‌ها ۱۴۰
رسالت اصلی حوزه‌های علمیه ۱۴۲
نقش حزب وحدت در پیروزی مجاهدین ۱۴۴
زخم خونین ۱۴۵
مزار کلید فتح افغانستان ۱۴۹
ما روی مصالح ملت و انقلاب دست به تعرض نزدیم ۱۵۱
برکات وحدت ۱۵۲
ورزش یک مسأله‌ی اسلامی و جهانی ۱۵۵
خاطره‌ای از زندان ۱۵۷
گزارشی از سخنرانی استاد مزاری پیرامون آخرین تحولات سیاسی کشور، در کابل ۱۶۰
حکایت روزهای درد ۱۶۳

هزاره، لیاقت و شایستگی ۱۶۵
گزارشی از سخنرانی استاد مزاری به مناسبت تجلیل از سالروز رحلت پیامبر اسلام(ص) و شهادت امام حسن مجتبی(ع) در غرب کابل ۱۶۸
ما اگر خود را اصلاح کنیم، خداوند ما را یاری خواهد کرد ۱۷۱
هزاره باید مرد باشد ۱۷۳
مرگ شرافتمندانه ۱۷۴
تحمیل جنگ‌های ناخواسته علیه حزب وحدت ۱۷۸
خواسته‌ی ملیت‌های ازبک، هزاره و ترکمن ۱۷۹
تار و مار شدن مهاجرین در راه برگشت به وطن ۱۸۰
اتمام حجت به مردم تاجیک ۱۸۱
تحمیل جنگ پنجم ۱۸۲
تخریب مسجد در چنداول ۱۸۲
زندانیان هزاره در پنجشیر ۱۸۴
طرح مجلس حل و عقد ۱۸۵
توزیع پول و ایجاد اختلافات ۱۸۵
جرم مردم افشار چه بود؟ ۱۸۶
کشتار غیر نظامیان ۱۸۷
غارت خانه و دکان‌های چنداول ۱۸۸
یک طرفه نباید قضاوت کرد ۱۸۸
ما طرفدار جنگ نیستیم ۱۹۰
گزارشی از سخنرانی استاد مزاری در مراسم بازگشایی دانشگاه کابل ۱۹۱

بخش دوم: قسمت اول

مصاحبه‌های رهبر شهید استاد شهید عبدالعلی مزاری(ره)

قبل از تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان

مصاحبه‌های استاد مزاری بـــا رسانـه‌ها و مطبـوعات داخلی و خارجی ۱۹۶
مصاحبه‌ی استاد مزاری با روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۵۸/۳/۱۹ ..... ۱۹۶
مصاحبه استاد مزاری با روزنامه اطلاعات در ۱۳۶۰/۱۲/۲ ..... ۲۰۴

بخش دوم: قسمت دوم

مصاحبه‌های رهبر شهید استاد شهید عبدالعلی مزاری(ره)

بعد از تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان

مصاحبه‌های استاد مزاری بعـد از تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان ۲۱۲
مصاحبه‌ی استاد مزاری با رادیو بی بی سی در رابطه با ادعاهای داکتر نجیب ۲۱۲

مصاحبه‌ی استاد مزاری با خبرنگاران فرانسه ۲۱۳
اظهارات استاد مزاری درباره شورای اهل حل و عقد ۲۱۴
مصاحبه‌ی استاد مزاری با خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در آستانه اولین سالگرد پیروزی مجاهدین، ثور ۱۳۷۲ در کابل ۲۱۵
مصاحبه‌ی مهم دبیرکل حزب وحدت اسلامی با هفته نامه‌ی کابل ۲۲۷
مصاحبه با استاد مزاری درباره موقف حزب وحدت در شرایط فعلی کشور ۲۳۹
مصاحبه‌ی استاد مزاری در رابطه با شایعات تازه در شهر کابل ۲۴۰
مصاحبه با دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان در کابل ۲۴۲
مصاحبه‌ی استاد مزاری با رادیو بی بی سی در رابطه با جنگ‌های کابل ۲۴۳
مصاحبه‌ی استاد مزاری با خبرنگار فرانس پرس ۲۴۴
مصاحبه‌ی اختصاصی کیهان با رهبر استاد مزاری «چهره‌ی بی‌نقاب کابل جنگ زده» ۲۴۶
مصاحبه‌ی اختصاصی کیهان با استاد مزاری ۲۴۸
مصاحبه‌ی مهم خبرنگار مجله‌ی «الوطن» و رادیو فرانسه با استاد مزاری ۲۵۰
مصاحبه‌ی استاد مزاری با خبرنگار فرانس پرس ۲۵۸
مصاحبه‌ی استاد مزاری با خبرنگاران بی بی سی ۲۶۰
مصاحبه‌ی استاد مزاری با خبرنگاران فرانسوی ۲۶۱
مصاحبه‌ی استاد مزاری با رادیو بی بی سی ۲۶۵
مصاحبه‌ی رهبر حزب وحدت اسلامی در مورد طالبان و تحولات اخیر ۲۶۵
مصاحبه‌ی معصومه طرفه با استاد مزاری ۲۶۷
مصاحبه‌ی کسری ناجی با رهبر حزب وحدت اسلامی در کابل ۲۶۹
مصاحبه‌ی استاد مزاری با خبرنگاران صدای آمریکا و بی بی سی ۲۷۰
مصاحبه‌ی خبرنگار رادیو بی بی سی با استاد مزاری ۲۷۲
گزارشی از مصاحبه‌ی استاد مزاری با خبرنگاران صدا و سیمای ایران ۲۷۵
مصاحبه‌ی استاد مزاری با رادیو بی بی سی در مورد نقض آتش بس ۲۷۶
مصاحبه‌ی استاد مزاری با رادیو بی بی سی در رابطه با اجلاس اسلام آباد ۲۷۷
مصاحبه‌ی استاد مزاری با خبرنگار بی بی سی، در رابطه با ملاقات جنرال دوستم ۲۷۸
مصاحبه‌ی استاد مزاری با خبرنگار بی بی سی، در مورد سفر جنرال دوستم به کابل ۲۷۹
مصاحبه‌ی استاد مزاری با خبرنگار جمهوری اسلامی ایران ـ کابل ۲۷۹
مصاحبه‌ی استاد مزاری با روزنامه رسالت، در رابطه با مذاکرات ریاض ۲۸۱
مصاحبه‌ی استاد مزاری با رادیو بی بی سی، درباره شرایط آتش بس ۲۸۱
مصاحبه‌ی استاد مزاری با خبرنگار جمهوری اسلامی ایران ۲۸۲
مصاحبه‌ی استاد مزاری با میرویس جلیل در رابطه با آتش بس موقت در کابل ۲۸۴

مصاحبه‌ی استاد مزاری، سخنگوی احزاب مؤتلفه‌ی اسلامی که به تاریخ ۱۳۶۴/۵/۱۰ در هتل استقلال تهران با جمعی از خبرنگاران داخلی و خارجی انجام گرفت..... ۲۸۴

بخش سوم

پیام‌ها و نظرهای رهبر شهید استاد مزاری(ره)

پیام‌های استاد مزاری به مناسبت‌های مختلف..... ۲۹۷
پیام استاد مزاری به کنگره شهید علامه بلخی..... ۲۹۷
پیام دبیر کل حزب وحدت اسلامی به وزیر امور خارجه‌ی ایران..... ۳۰۱
پیام استاد مزاری به مهاجرین، طلاب و علمای خارج از کشور..... ۳۰۲
پیام استاد مزاری به امت مسلمان و سلحشور کابل..... ۳۰۳
پیام استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی به مهاجرین مقیم ایران و پاکستان..... ۳۰۴
پیام استاد مزاری به مناسبت عاشورای مشهد، به رهبر معظم انقلاب ایران حضرت آیت اللّه خامنه‌ای دامت برکاته الشریف..... ۳۰۷
پیام دبیر کل حزب وحدت اسلامی به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران..... ۳۰۸
پیام استاد مزاری به اهالی کابل..... ۳۱۳
پیام استاد مزاری در رابطه با حادثه‌ی اخیر کابل..... ۳۱۳
پیام امتنانیه‌ی استاد مزاری به مردم و مسئولین حزب وحدت اسلامی..... ۳۱۴
پیام استاد مزاری خطاب به مردم شهیدپرور کابل..... ۳۱۵
پیام استاد مزاری به مهاجرین مقیم اروپا و آمریکا در رابطه با توطئه‌ی خائنانه‌ی اخیر..... ۳۱۸
گزارشی از پیام رهبر شهید در دومین مجمع شیعیان افغانستان ـ در تهران..... ۳۲۱
سخنان استاد مزاری در اجلاس حقوق بشر، به میزبانی حزب وحدت در کابل..... ۳۲۴
نظر استاد مزاری در رابطه با موانع یک دولت فراگیر در افغانستان..... ۳۲۴
نظر حزب وحدت اسلامی در برابر پیشنهاد صدارت برای گیلانی..... ۳۲۶
اعلامیه‌ی هیأت اعزامی حزب وحدت اسلامی به خارج از کشور به ریاست استاد مزاری در رابطه با ادعاهای نجیب اللّه..... ۳۲۶
نامه جامعه اسلامی افغانستانی‌ها در کانادا، عنوانی دبیر کل حزب وحدت اسلامی و پاسخ آن..... ۳۲۷
پاسخ دبیر کل حزب وحدت اسلامی..... ۳۲۸
نظر استاد مزاری، در رابطه با قانون اساسی پیشنهادی..... ۳۲۹

بخش چهارم

ملاقات‌های رهبر شهید استاد شهید عبدالعلی مزاری(ره)

گزارشاتی از ملاقات‌های استاد شهید مزاری..... ۳۳۲

گزارشی از ورود دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان به کابل ۳۳۲
دیدار هیأت فرهنگی، سیاسی ایران با دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان ۳۳۳
ملاقات هیأت صلح مناطق مرکزی با استاد مزاری ۳۳۳
ملاقات جمعی از هنرمندان کشور با استاد مزاری ۳۳۳
دیدار وزیر اطلاعات و کلتور با استاد مزاری ۳۳۴
ملاقات وزیر امور خارجه با استاد مزاری ۳۳۵
ملاقات سفیر چین با استاد مزاری ۳۳۵
ملاقات آقای جنتی معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران با استاد مزاری ۳۳۶
دیدار وزیر صنایع با استاد مزاری ۳۳۶
ملاقات رئیس مجتمع فرهنگی جهاد دانش، با استاد مزاری ۳۳۶
ملاقات سفیر هند با دبیر کل حزب وحدت اسلامی استاد مزاری ۳۳۷
ملاقات علاءالدین بروجردی معاون آسیا و اقیانوسیه وزارت امور خارجه‌ی ایران، با استاد مزاری ۳۳۷
ملاقات وزیر ترانسپورت با استاد مزاری ۳۳۸
ملاقات اعضای کمیسیون فرهنگی با استاد مزاری ۳۳۸
دیدار جنرال همایون فوزی و جنرال مؤمن با استاد مزاری ۳۴۰
ملاقات جنرال فوزی و جنرال غیبی با استاد مزاری ۳۴۰
دیدار جنرال مجید روزی و جنرال مؤمن با استاد مزاری ۳۴۱
ملاقات سفیر جمهوری اسلامی ایران با استاد مزاری ۳۴۲
ملاقات جنرال حمید گل با استاد مزاری ۳۴۲
ملاقات سفیر پاکستان با دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان ۳۴۳
دیدار ارغندی وال نماینده‌ی خاص حزب اسلامی با استاد مزاری ۳۴۴
دیدار جمعی از قومندانان فرقه‌ی ۰۹۳ با استاد مزاری ۳۴۴
دیدار موسفیدان دشت آزادگان و نمایندگان مهاجرین افشار با استاد مزاری ۳۴۴
ملاقات استاد عرفانی و قوماندان علوی با استاد مزاری ۳۴۵
دیدار نماینده‌ی سازمان ملل با استاد مزاری ۳۴۶
دیدار جنرال مجید روزی با استاد مزاری ۳۴۷
ملاقات اعضای انجمن‌های فرهنگی انصار الزهراء و فاطمه الزهراء(س) با استاد مزاری ..۳۴۸
ملاقات گلبدین حکمتیار صدر اعظم دولت با استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت ۳۴۹
جنرال عبدالمجید روزی با استاد مزاری ملاقات نمود ۳۵۰
ملاقات معاون وزیر خارجه‌ی جمهوری اسلامی ایران با استاد مزاری ۳۵۰
ملاقات قوماندانان گروپ اپراتیفی حزب وحدت اسلامی با استاد مزاری ۳۵۲
ملاقات معاون سفارت جمهوری اسلامی ایران با استاد مزاری ۳۵۳

ملاقات فرماندهان ولایت هرات و بادغیس با استاد مزاری ۳۵۴
ملاقات فرستاده‌ی ویژه‌ی انجنیر گلبدین حکمتیار با استاد مزاری ۳۵۵
ملاقات نماینده‌ی سازمان ملل متحد با استاد مزاری ۳۵۵
گزارش رادیو بی بی سی، در مورد مذاکرات بین استاد مزاری و جنرال دوستم ۳۵۶
دیدار هیأت عالی رتبه‌ی اتحاد اسلامی با استاد مزاری ۳۵۶
ملاقات جنرال عبدالرشید دوستم با استاد مزاری ۳۵۸
دیدار محترم محمد همایون جریر با استاد مزاری ۳۶۰
ملاقات اعضای انجمن اسلامی جوانان با استاد مزاری ۳۶۰
دیدار مشاور سر منشی سازمان ملل متحد در افغانستان با استاد مزاری ۳۶۲
ملاقات علامه عابد حسین با استاد عبدالعلی مزاری، دبیر کل حزب وحدت اسلامی ۳۶۳
ملاقات تورن جنرال واثق و مولوی میر افغان با استاد مزاری ۳۶۴
ملاقات معین وزارت تعلیم و تربیه با استاد مزاری ۳۶۵
ملاقات جمعی از معاونین و رؤسای وزارت خانه‌های دولت اسلامی با استاد مزاری ۳۶۶
دیدار ورزشکاران کلپ (کلوپ) میهن با استاد مزاری ۳۶۷
ملاقات نمایندگان مؤسسات خیریه، با استاد مزاری ۳۶۸
ملاقات سرپرست وزارت احیاء و انکشاف دهات با استاد مزاری ۳۶۹
دیدار جنرال و افسران و روشنفکران تشیع هزاره با استاد مزاری ۳۶۹
دیدار مسئولین مجتمع فرهنگی شهید واحدی با استاد مزاری ۳۷۰
ملاقات قومندانان و مسئولین نظامی حزب وحدت اسلامی با استاد مزاری ۳۷۱
سرکنسول دولت روسیه در افغانستان با استاد مزاری ملاقات نمود ۳۷۲
ملاقات نایب سفیر عربستان سعودی با استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت ۳۷۳
دیدار سید اسحاق گیلانی با استاد مزاری ۳۷۴
دیدار قومندانان ولایت فراه و هلمند با استاد مزاری ۳۷۶
دیدار دگر جنرال حسام الدین با استاد مزاری ۳۷۶
ملاقات سفیر عربستان سعودی در کابل با استاد مزاری ۳۷۸
دیدار جمعی از قومندانان مناطق مختلف حزب وحدت اسلامی با استاد مزاری ۳۷۹
ملاقات داکتر عبدالرحمن با استاد مزاری ۳۸۰
ملاقات اعضای کمیته دومین سمینار بررسی مسایل سیاسی افغانستان با استاد مزاری ۳۸۰
دیدار استاد توانا با استاد مزاری ۳۸۲
ملاقات آقای بهرامی دبیر اوّل سفارت جمهوری اسلامی ایران با استاد مزاری ۳۸۲
دیدار فرستاده‌ی سیاف با دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان ۳۸۳
ملاقات استاد محمد محقق رئیس شورای ولایتی مزاری شریف با استاد مزاری ۳۸۴

ملاقات قوماندانان جنبش ملی اسلامی در کابل با استاد مزاری ۳۸۵
دیدار جنرال مجید روزی و جنرال همایون فوزی با استاد مزاری ۳۸۵
ملاقات استاد خلیلی و آیت اللّه فاضل با استاد مزاری ۳۸۶
ملاقات انجنیر حکمتیار با استاد مزاری ۳۸۷
ملاقات اعضاء شورای صلح مناطق غرب کابل با استاد مزاری ۳۸۷
دیدار عده‌ی از محاسن سفیدان و متنفذین منطقه‌ی علاءالدین با استاد مزاری ۳۸۹
ملاقات داکتر صادق مدبر و آقای واثق با دبیر کل حزب وحدت استاد مزاری ۳۹۰
دیدار جمعی از قومندانان ولایت هرات و بادغیس با استاد مزاری ۳۹۰
دیدار شورای عالی آزادگان با استاد مزاری ۳۹۱
دیدار قومندانان جنبش ملی اسلامی افغانستان با استاد مزاری ۳۹۴
ملاقات حشمت اللّه مجددی با استاد مزاری ۳۹۵
ملاقات سفیر سودان در کابل با استاد مزاری ۳۹۶
دیدار کمیسیون صلح اتحاد و وحدت با استاد مزاری ۳۹۸
دیدار دگر جنرال فوزی با استاد مزاری ۴۰۲
ملاقات نماینده‌ی یونیسف سازمان ملل با استاد مزاری ۴۰۳
ملاقات نمایندگان مردم بهسود با استاد مزاری ۴۰۳
ملاقات نایب سفیر فرانسه با استاد مزاری ۴۰۴
ملاقات دگر جنرال فوزی با استاد مزاری ۴۰۵
ملاقات محمد همایون جریر و ارغندیوال با استاد مزاری ۴۰۶
ملاقات نایب سفیر هند با استاد مزاری ۴۰۷
ملاقات موسفیدان و نمایندگان منطقه‌ی افشار با استاد مزاری ۴۰۷
دیدار استاد مزاری از بیماران شفاخانه‌ی کارته سه ۴۰۹
ملاقات نمایندگان هیأت صلح با استاد مزاری ۴۱۰
ملاقات مسئولین تیم میوند با استاد مزاری ۴۱۲
دیدار ریش سفیدان و محترمین ولسوالی ورس با استاد مزاری ۴۱۳
ملاقات نایب سفیر ترکیه با استاد مزاری ۴۱۴
ملاقات مسئول تنظیم نسل نو هزاره با استاد مزاری ۴۱۵
ملاقات مسئولین ولایت میدان با استاد مزاری ۴۱۶
ملاقات آقای همایون جریر با استاد مزاری ۴۱۶
ملاقات سفیر ایران با استاد مزاری ۴۱۷
دیدار متنفذین ولسوالی بهسود با استاد مزاری ۴۱۷
دیدار سرپرست صلیب سرخ با استاد مزاری ۴۱۹

دیدار هیأت ایرانی به سرپرستی آقای طاهریان و دیدار فرستاده‌ی ویژه‌ی رئیس جمهور و صدر اعظم پاکستان با دبیر کل حزب وحدت اسلامی استاد مزاری ۴۲۲
دیدار مردم ده قابل با استاد مزاری ۴۲۳
دیدار استاد مزاری با اهالی افشار ۴۲۵
ملاقات اعضای شورای عالی آزادگان با استاد مزاری ۴۲۶
دیدار اعضای مجتمع فرهنگی جهاد دانش با استاد مزاری ۴۲۷
ملاقات اعضای مجمع خدمتکاران صلح با استاد مزاری ۴۲۸
ملاقات رئیس مرکز صلیب سرخ با استاد مزاری ۴۳۰
ملاقات آقای حدادی سفیر ایران با استاد مزاری ۴۳۱
ملاقات وزیر امور خارجه‌ی پاکستان با استاد مزاری ۴۳۲
دیدار جلال الدین حقانی با استاد مزاری ۴۳۶
اهدای جوایز مسابقات قرآن کریم، توسط استاد مزاری ۴۳۸
ملاقات محصلین اعزامی به خارج از کشور با استاد مزاری ۴۴۰
دیدار قومندان‌های حزب وحدت با استاد مزاری ۴۴۱
ملاقات محمود مستری نماینده‌ی سازمان ملل با استاد مزاری ۴۴۲
ملاقات نایب سفیر جاپان در پاکستان با استاد مزاری ۴۴۶
ملاقات اعضای کمیته‌ی صلح غرب کابل با استاد مزاری ۴۴۸
ملاقات اعضای انجمن شعر و ادب کابل با استاد مزاری ۴۴۹
ملاقات قومندانان حزب وحدت اسلامی با استاد مزاری ۴۵۱
دیدار روشنفکران شهر کابل با استاد مزاری ۴۵۲
ملاقات مسئول مؤسسه‌ی W. I. S. N با استاد مزاری ۴۵۴
ملاقات نمایندگان افشار کابل با استاد مزاری ۴۵۴
ملاقات نمایندگان مردم ناومیش و کجران با استاد مزاری ۴۵۵
ملاقات نمایندگان شورای مساجد با استاد مزاری ۴۵۶
ملاقات مسئول دفتر نمایندگی حزب وحدت در لندن با استاد مزاری ۴۵۸
دیدار هیأت ایرانی با استاد مزاری ۴۵۹
ملاقات نماینده‌ی سازمان اوکندن وینچر با استاد مزاری ۴۶۰
ملاقات شورای مساجد با استاد مزاری ۴۶۱
دیدار اسماعیل خان والی هرات با استاد مزاری ۴۶۴
ملاقات اهالی دارالامان با استاد مزاری ۴۶۷
ملاقات محصلین انستیتوی طب کابل با استاد مزاری ۴۶۷
ملاقات چنگیز پهلوان با استاد مزاری ۴۶۸

ملاقات اعضای شورای مساجد کابل با استاد مزاری..... ۴۶۸
ملاقات پهلوان نجف با استاد مزاری..... ۴۶۹
ملاقات جمعی از اهالی غرب کابل با استاد مزاری..... ۴۷۰
ملاقات روشنفکران غرب کابل با استاد مزاری..... ۴۷۰
ملاقات قوماندانان خطوط مقدم جبهه با استاد مزاری..... ۴۷۱
ملاقات شورای مساجد کابل با استاد مزاری..... ۴۷۲
ملاقات مسئولین تعاون اسلامی با استاد مزاری..... ۴۷۳
ملاقات محصلین عازم خارج از کشور با استاد مزاری..... ۴۷۳
ملاقات نمایندگان و محاسن سفیدان مسجد سجادیه و سرکاریز با استاد مزاری..... ۴۷۴

پیش گفتار چاپ دوم

آنچه در این مجموعه تقدیم خوانندگان محترم می‌گردد یکی از سه مجموعه از گفتارها، بیانیه‌ها و گفتگوهای استاد شهید عبدالعلی مزاری(ره) دبیر کل فقید حزب وحدت اسلامی است که در سال ۱۳۷۳ به دست گروه ستم پیشهٔ طالبان به شهادت رسید. این مجموعه، چنان‌که توضیح خواهیم داد، از جهت متن و زمینهٔ تاریخی و سیاسی به برهه‌ی مهم از تاریخ سیاسی معاصر افغانستان تعلق دارد، و از این حیث از گوشه های مهم تاریخ این دوره روایتی مستقیم و بی واسطه در اختیار خواننده قرار می دهد و درعین زمان طرز تفکر و اندیشه‌ی یکی از بازیگران مهم این دوره تاریخ از کشور را با صداقت و بی‌پیرایگی ای که در آن موج می‌زند، منعکس می‌کند. زبان به کار رفته در این مجموعه صریح، بی تکلّف و آشکار است، گوینده و نویسنده باورهای خود را با صراحت و بدون پرده پوشی بیان کرده است، و ظاهرسازی و تصنع اهل سیاست در آن کمتر به چشم می‌آید.

آنچه در این مجموعه گرد آوری گردیده حکم مواد خام تاریخی را دارد که به نظر می‌آید برای فهم دقیق و تحلیل انتقادی آن علاوه بر توجه به ویژگی زبانی که بدان اشاره گردید، لازم است که اولاً در کنار آثار دیگر ایشان، خصوصاً فریاد عدالت[1] و

---

۱. فریاد عدالت نام کتابی است که مصاحبه‌های شهید مزاری در آن گردآوری و به سال ۱۳۷۳ش به اهتمام شهید سید محمد سجادی منتشر شده است.

احیای هویت[۱] و ثانیاً در پرتو زمینه‌ی تاریخی و گفتمانی آن مطالعه گردد. ویژگی زبانی این متن حکایت از ویژگی‌های فردی و ذاتی پدیدآورندۀ متن دارد که چگونه باورهای سیاسی خود را با صراحت و صداقت و به زبان عامۀ مردم بیان می‌کند و به همین دلیل، در این مجموعه ما با متنی شدیداً رسمی و تصنعی رایج در میان اهل سیاست روزگار خود مواجه نیستیم؛ و در عین حال، تا حدودی حاکی از باورهای عمومی مخاطبان اصلی و اولیۀ این متن هم هست، وروشن می سازد که چگونه باورهای مخاطبین توسط صاحب این متن در برخی از موارد برای روشن ساختن افکار آن‌ها نسبت به پاره‌ای از اتهاماتی که مخالفان وی متوجه او و گروه سیاسی اش می‌کرده است، مورد استناد واقع شده است.

اما قرار دادن آن در زمینۀ تاریخی و سیاسی اش و مطالعه آن در این چارچوب دست‌کم از دو جهت به ما در فهم درست آن کمک می‌کند: اول این‌که این نوشته‌ها و گفته‌ها به مثابۀ حاشیه و تعلیقه ای بر یک سلسله از حوادث عمدتاً سیاسی به مثابه یک متن است؛ توضیح این‌که سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها و گفتگوهای این مجموعه در واقع یا عکس العمل و واکنش نسبت به رویدادهایی است که پیش از آن رخ داده است یا ناظر است به پیش بردن امر مهمی چون تأسیس حزب وحدت و تثبیت آن، رفع موانع و مشکلاتی که بر سر راه آن وجود داشته است و یا ناظر به رد و نقد بعضاً جدلی مواضع دیگر بازیگران عرصه سیاست در آن دروه است. بنابراین توجه به مطالعه تاریخی این مجموعه موجب می‌شود که آن‌را در بافت و موقعیت تاریخی خود آن ببینیم. دوم این‌که توجه به متن تاریخی یک پیام، سخنرانی و گفتگو مشخص می‌کند که به کدام گفتمان تعلق دارد، چون همان‌گونه که توضیح خواهیم داد شهید مزاری در طول زندگانی سیاسی خود دو گفتمان نسبتاً متفاوت را تجربه کرده است.

مراد ما از گفتمان حاکم بر این مجموعه، چارچوب نظری کلان صاحب سخن در امور سیاسی، ملی و دینی است. به اعتقاد ما دانستن گفتمان حاکم بر این مجموعه، به

---

۱. احیای هویت نام کتابی است که سخنرانی‌های شهید مزاری در آن گردآوری گردیده و به سال ۱۳۷۴ش توسط مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان (که فعلاً به مرکز فرهنگی ـ اجتماعی سراج تغییر نام یافته است) منتشر شد.

این دلیل در فهم درست و دقیق آن کمک می‌کند که گفتمان حاکم بر یک متن در تعیین معنای آن نقش دارد. بنابراین، اجزا و مفرادت یک متن را باید در چارچوب گفتمان حاکم بر آن قرار داد و تفسیر کرد.

اکنون با توجه به نقش و اهمیتی که زمینهٔ تاریخی و وابستگی گفتمانی این مجموعه در فهم آن دارند به ترتیب هریک را جداگانه توضیح خواهیم داد.

از نگاه متن و زمینه تاریخی و سیاسی، این مجموعه، ده سال از پر حادثه ترین سالهای تاریخ معاصر افغانستان را در بر می‌گیرد؛ سالهای دهه شصت و سال‌های نخست دهه‌ی هفتاد هجری شمسی از یک‌سو سال‌های جهاد مردم افغانستان بر ضد اشغال کشور توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق و حلقه های مارکسیستی وابسته به آن به حساب می‌آید، اما از سوی دیگر برای گروه‌های قومی که در گذشته در حاشیه‌ی قدرت قرار داشتند سال‌هایی به شمار می‌آیند که به تدریج در کنار جهاد به فکر ایجاد پایگاه‌های جدید قدرت افتادند تا در فردای پیروزی بتوانند مردمی را که پایگاه قدرت آن‌ها محسوب می‌شدند، از حاشیه به متن بیاورند. لکن در عمل سال‌های پایانی جهاد و سقوط حکومت طرفدار شوروی، با جنگ شدید قدرت که به ویرانی پایتخت و ظهور طالبانیسم منجر شد، همراه گردید. اوایل دههٔ هفتاد سالهای آغازین نزاع خونین و طولانی گروه‌های گوناگون قومی، مذهبی و سیاسی کشور تحت تأثیر مداخلات منطقه ای و بین المللی بود که نتوانستند یک دولت مشروع و فراگیر ملی را به وجود آورند. در این نزاع خونین زیاده خواهی، انحصار جویی، استراتژی های اقتدارگرایانه مانند استراتژی جا به جایی قدرت قومی از سوی برخی از جریان‌ها و استراتژی حفظ و اعاده قدرت قومی از سوی برخی دیگر، و مطالبات عدالت طلبانه برخی از گروه‌های قومی و مذهبی در فضای آکنده از بدبینی و در فقدان یک محور ملی و طرح سیاسی روشن، جامع و فراگیر، موجب شد که در کشور توافق بر سر هویت ملی و مؤلفه‌های دولت ـ ملت ساز به حد اقل ممکن خویش سقوط کند و کشوراز حکومتی که از حداقل مشروعیت برخوردار بوده و به ابتدایی ترین نیازهای شهروندان خود پاسخ گوید، محروم گردد. در این برهه چنانکه اشاره کردیم برای برخی از گروه‌های قومی و مذهبی مشارکت در ساختن دولت مشروع و فراگیر که در آن برابری سیاسی و مذهبی همه

اقوام و مذاهب تأمین شده باشد، در اولویت بود؛ آرمانی که بسیاری آن را برنمی تافتند.

اما مزاری به لحاظ تعلق گفتمانی، نخست به جریانهای مبارز اسلامی که تا حدودی تفسیر نو از اسلام و آرمانهای اجتماعی و سیاسی و معنوی آن ارائه می دادند، وابسته بود. جریانهای مبارز اسلامی نیز به دلیل تنوع قومی و مذهبی افغانستان و هم به دلیل آرمانهای اجتماعی و مدنی متفاوت، چنان که می دانیم در قالب چندین گروه پا به عرصه سیاست و مبارزه گذاشتند، اما آنچه در آن برهه تاریخی علی الخصوص در جریانهای مبارز شیعی بیشتر جلب توجه می‌کند، اینست که می خواستند تفسیری از اسلام ارائه دهند که در پناه آن هم از هویت اسلامی در برابر هجوم مظاهر تجدد غربی در میان طبقه متوسط و قشر مرفه کشور و در برابر هجوم ایدئولوژی مارکسیستی تحت عنوان یک ایدئولوژی ریشه ای و انقلابی که تحولات وسیع و فراگیر اجتماعی و سیاسی و اقتصادی را به نفع لایه های پایین اما گسترده جامعه وعده می‌داد، محافظت نمایند و هم در پناه آن به آرمان های عدالت خواهانه اجتماعی، مذهبی و قومی خویش نایل آیند؛ چون عدالت خواهی و رسیدن به جامعه ایده آل در میان قشر آگاه مردمی که بار بیشترین تبعیض و محرومیت را بر دوششان احساس می کردند، انگیزه لازم را برای مبارزه جدی فراهم می آوردند.

به موجب این تعلق گفتمانی خود در دوره نخست از زندگی سیاسی ـ فکری خود که عمدتاً شامل دهه پنجاه می شود بیشتر به دنبال فراگیری آموزه های اساسی اسلام مبارز، کادر سازی برای مبارزه، برقراری ارتباطات با کانونهای الهام بخش مبارزه، بوده است. در دوره دوم (دهه شصت) اولویت نخست ایشان چنان که از مطالعه قسمت‌هایی از این مجموعه برمی‌آید، تجهیز و سازماندهی مجاهدین و شرکت مستقیم در جهاد بوده است و لذا می توان او را یکی از چهره های استوار جهاد نامید. او این جهاد را اسلامی و مبتنی بر آموزه‌های اسلام سیاسی و انقلابی به شمار می‌آورد و اعتقاد داشت که براساس اسلام انقلابی و سیاسی می‌توان جامعه مبتنی بر عدالت و برابری سیاسی را به وجود آورد و گروه‌های حاشیه را در متن جای داد.

اما اهتمام اصلی او دوره پایانی زندگانی سیاسی اش معطوف به ساختن دولت ملی، مشروع و فراگیر بوده‌است که از همه اقوام و مذاهب کشور به عدالت نمایندگی کند.

در این رویکرد جدید که می‌توان آن‌را متفاوت از گفتمان اسلام‌گرایی سیاسی به حساب آورد، که تا حدود بسیار از الزامات خود این دوره که دوره‌ی تشکیل و تأسیس دولت جدید افغانستان بود ناشی می‌شد، شاهد ترکیب سه عنصر اسلام‌گرایی، عمل-گرایی(پراگماتیسم) ـ البته نه به عنوان یک نگاه فلسفی بلکه عمدتاً به عنوان یک روحیه و منش سیاسی ـ و گونه‌ی معتدل از ملی‌گرایی قومی ـ افغانی در اندیشه و عمل او هستیم. این رویکرد با این ویژگی‌ها آن‌گونه که توضیح خواهیم داد می‌تواند رویکرد گفتمانی جدید او به حساب آید که توجه به آن می‌تواند در تحلیل بخش‌هایی از این مجموعه که به دوره‌ی تأسیس و تثبیت حزب وحدت مربوط می‌شوند، لازم و مفید خواهد بود.

در این دوره او سعی کرد نخست با همکاری بسیاری از مسئولان احزاب شیعی یک رهبری سیاسی متمرکز و فراگیر را برای جامعه شیعه و هزاره به وجود آورد و تا حدودی در نیل به این هدف موفق شد و برای اولین بار در تاریخ این مردم یک حزب سرتاسری را بنیان گذاشت. دوم در جریان یک مبارزه سخت و دشوار؛ که تا پای جان ایستاد، به قامت یک رهبر پر شور، الهام بخش و فداکار برای جامعه شیعه و هزاره جلوه گر شد و بسیاری او را رهبر خویش خواندند. و سوم این که در این دوره شاهد دو تحول مهم در عمل و نگاه سیاسی او هستیم. اول این که استراتژی «نگاه به درون» و مبارزه در چهارچوب علایق ملی را محور فعالیتهای سیاسی خود و حزب وحدت قرار داد. بر اساس این استراتژی، همگرایی در چهارچوب علایق مذهبی و نژادی دیگر، وجهه همت او بود. دقیقا بر اساس همین استراتژِی نگاه به درون بود که سیاست همگرایی را در سطح منطقه ای و بین المللی دنبال می کرد.

دوم این‌که او در این دوره مطالبات مدنی جامعه شیعه و هزاره را به عنوان اولویت-های حیاتی که به صورت زنده و گویا با زندگی واقعی آن‌ها مربوط می‌شد، بر بسیاری از شعارهای دیگر مقدم شمرد. این دو رویکرد جدید، مبارزات او را به واقعیات کشور در سطح ملی و جامعه شیعه و هزاره افغانستان سازگارتر نمود و سبب شد که امروز در نزد بسیاری به عنوان یک چهره برجسته اسلامی و ملی شناخته شود که به سرنوشت تاریخی مشترک ملت خود عشق می ورزید و تا پای جان در راه آن فداکاری کرد.

اما در باب چاپ مجدداین مجموعه روشن ساختن دو نکته لازم به نظر می‌آید: نخست این‌که هدف ما که از چاب این مجموعه چیست و دوم این‌که چه کارهای جدیدی در این چاپ نسبت به چاب پیشین صورت گرفته است.

هدف نخست از چاپ این مجموعه حفظ آن به عنوان اثری زنده و مستند از تاریخ معاصر کشور است و در قدم دوم قراردادن آن در اختیار علاقه مندان و پژوهشگران تاریخ معاصر افغانستان. باید افزود که ما به گذشته خودهم‌چون آیینه، واقع بینانه و به دور از هرگونه مطلق‌گرایی و مصلحت اندیشی روزمره نگاه کنیم و مجموعه هایی از این دست را فرا روی خود و پژوهش‌گران کشور و جهان قرار دهیم تا از لابلای آن حقایق تاریخی آشکار و وجدان و حافظه تاریخی ما از غنای لازم برخوردار گردد. هدف سوم ما زنده نگه داشتن یاد و خاطره فداکاری و صداقت کسی است که تا پای جان برای مردم خویش به پیش رفت. اما با همه این‌ها لازم به یاد آوری است که چاپ این متن بیش از آنکه به معنای تبلیغ یکسو نگرانه از یک شخص باشد، ارائه مجموعه مستندات تاریخی برای تحلیل و نقادی است. به همین دلیل محکوم به همان احکامی است که هر متن تاریخی می تواند باشد، به این معنا و مفهوم که در معرض برداشتهای متفاوت وگاه متضاد قرار دارد. تلّقی ما آنست که با صداقت کم نظیری که در شهید مزاری وجود داشت احتمال نقل و استنادهای خلاف واقع از سوی ایشان ***عقلائی*** به نظر نمی رسد، امآ در عین حال احتمال اشتباه و یا اعتماد به تحلیل های نیروهای سیاسی و امنیتی حزب در آن زمان دور از انتظار نیست. بنابراین، این حق را به مورخین بی طرف و اصحاب نظر قائلیم که نقدهای عالمانه و عاری از غرض ورزیهای شان را نسبت به گفته های که در این مجموعه گردآوری گردیده و یا نسبتهای که در آن داده شده است ابراز دارند. ومعتقدیم که جز در سایه این گونه نقادی ها خورشید حقیقت از افق تاریخ این سرزمین طلوع نخواهد کرد. مادام که ما خود را مالک تمام حقیقت و طرف مقابل را در خطای مطلق به شمار آوریم امکان تفاهم و رسیدن به یک حافظه تاریخی مشترک میسر نخواهد بود.

باید افزود همانگونه که در آغاز تذکر دادیم تنها بر مبنای همین کتاب نمی‌توان در مورد افکار شهید مزاری قضاوت کرد، در واقع این مجموعه در کنار دو مجموعهٔ دیگر،

یعنی احیاء هویت وفریاد عدالت تا حدودی می‌توانند تصویر کلی، نه هرچند بسیار دقیق، از افکار ایشان به دست دهند. به همین دلیل تصمیم بر این بوده و هست، که آن دو مجلّد هم در یک جلد دیگر تنظیم و به عنوان جلد دوّم در اختیار خوانندگان محترم قرار داده شود. در واقع مقدمهٔ پیش رو هم در اصل بر ای هر دو جلد تهیه شده بود و نوع نگاهی که در این مقدمه صورت گرفته است ناظر به تمام این سه اثر است.

نکتهٔ دوم اینکه این مجموعه قبلاً در تیراژ محدود و با کیفیت نه چندان مطلوب از سوی بنیاد رهبر شهید به صورت زیراکسی تکثیر شده بود، دراین چاپ که به اعتباری می توان آن را چاپ اول هم خواند کارهای صورت گرفته است که عمدتاً عبارت اند از: ۱. بازخوانی و تصحیح اغلاط تایپی موجود در چاپ قبلی ۲. ترتیب مجموعه بر اساس ترتیب تاریخی، به این صورت که در هر بخش یک نظم و تسلسل تاریخی حاکم گردیده به گونهٔ که اگر کسی خواسته باشد مطلبی مربوط به یک دوره خاص را بیابد نیازی به صرف وقت زیاد ندارد.۳. الحاق برخی تصاویر متناسب با متن به منظور غنامندی بیشتر آن. ۴. درج ارجاعات متن به صورت پاورقی و استخراج آنها از داخل متن. و پاره کارهای شکلی که به زیبایی اثر کمک می کند مانند صفحه بندی طراحی جلد و...

و اما کارهای که لازم و در نظر بود که انجام شود ولی بنا به دلایلی انجام نشد یکی استخراج فهرست اعلام، اماکن، آیات و احادیث بود، ودوم نگارش پاورقی های بر متن که زمینه تاریخی وشأن نزول متن را برای خوانندگانی که خود در آن صحنه حضور نداشتند و یا از نسلهای متأخر هستند وکلاً آن صحنه ها را به صورت مستقیم لمس نکرده اند روشن سازد. بسیار ی از گفته ها و نوشته های شهید مزاری ممکن است برای مخاطبان نسل جدید بدون دانستن آن پس زمینه ی که در آن وارد شده اند مفهوم نباشد، ویا موجب شود افرادی دوره های حیات سیاسی ایشان را نتواند از هم تفکیک نماید و به همین دلیل گاه برداشتهای متضاد از کلام ایشان صورت گیرد. در حالیکه اگر آن توضیحیه‌ها افزوده می‌شد این احتمال به میزان زیادی کاهش می یافت. این مأمول به وقت دیگر موکول گردید، امّا خود واضح است که کاملاً از دستور کار

خارج نگردیده است و اگر فرصتی دست دهد انجام خواهد شد.

لازم است در این مجموعه از همکاری دوستانی که در نمونه خوانی، تایپ و صفحه بندی و دیگر مطالب فنی همکاری کرده اند یادی صورت بگیرد، از دوستان مان آقایان قاسمعلی رحمانی و سید حمید الله جعفری که با جدّیت و پشتکار بسیار ما را در بازخوانی و تصحیح اغلاط یاری رساندند، از آقای ضیایی و دوستان مقیم هالند که هزینه تهیه و چاپ این مجموعه را فراهم کردند، از آقای کریمی که مجموعه تصاویر شهید مزاری(ره) را در اختیار ما قرار دادند و دیگر دوستانی که به نحوی در به فرجام رسیدن این کار به ما مساعدت نموده اند صمیمانه سپاسگزاریم.

مرکز فرهنگی ـ اجتماعی سراج

۱۳۸۶/۹/۱۵

پیشگفتار چاپ اول

در راستاری میراث‌های بازمانده از رهبر شهید، استاد عبدالعلی مزاری «ره»، همانطوری که بارها گفته شده، یکی هم همانا «حزب وحدت اسلامی افغانستان»، به عنوان بزرگترین میراث سیاسی آن قافله سالار «ریسمان بدوشان» تاریخ، در حیات خونین اجتماعی ماست؛ از سوی دیگر، در میدان فکر و نظر نیز، میراث گران سنگی از آن «سید الشهدا» کربلای وطن، بر جای مانده است که سطر سطر آن از دردمندی، صلابت، عظمت، پاکی، اخلاص و احیاگری موج می‌زند.

با چنین برداشت و باورمندیی از شخصیت سترگ «مزاری» بود که، در روزهای آغازین سال ۱۳۷۴ در عین سنگینی اندوه افول آفتاب آرزوهایمان، بر اذهان و احساس ها، جمعی از همسنگران و رهروان آن عزیز سفر کرده، به منظور حفظ، جمع آوری و نشر آثار و افکار جاودانه او، نهادی را به نام «بنیاد رهبر شهید بابه مزاری» به وجود آوردند و بعد، این «بنیاد...» علی رغم وجود موانع بسیاری، از جمله حاکمیت وضعیت نظامی در منطقه، در ضمن خدمات آموزشی ـ فرهنگی و اجتماعی، در زمینه‌ی تبیین افکار و تدوین آثار رهبر شهید نیز، تلاش‌هایی را در داخل کشور انجام داد که متأسفانه، به خاطر نبود امکانات چاپ و نشر آن در آن شرایط ثمره‌ی آن تلاش‌ها و کارها، پس از حوادث تلخ و ناگوار سال ۱۳۷۷ همه در کام قصاوت وحشیان سپاه جهل و جنایت، به تاراج رفت و ما نتوانستیم به سینه‌ی تاریخش بسپاریم.

بنابراین، در آستانه‌ای یادبود چهارمین سالگرد شهادت رهبر شهید، در خارج از

کشور، جمعی از یاران و رهروان او، تصمیم به ادامه‌ی کار و تجدید تلاش‌های «بنیاد...» گرفته و در نتیجه دو یادواره‌ای را به نام های:

۱ـ سومین سمینار شناخت شخصیت رهبر شهید، به مناسبت چهارمین سالگرد شهادت استاد شهید و یارانش.

۲ـ میزگرد تبین اندیشه سیاسی رهبر شهید، در پنجمین سالروز شهادت رهبر را برگزار کردند که باز هم، با تأسف باید یادآور شویم که تا هنوز، از قرار دادن آن، به دسترس عموم، عاجز مانده ایم. و سومین ثمره‌ای این آغاز مجدد تلاش‌ها «منشور برادری» است و در همین راستا، نکاتی را لازم به یادآوری می‌بینیم:

۱ـ نام «منشور برادری» برای مجموعه حاضر گزینشی است، از جانب ما که با عطف توجه به کلیات مضامین آن برگزیده شده است. اما متأسفیم که، به خاطر فراهم نبودن امکانات لازم، نتوانستیم، این مجموعه را پیراسته تر از این و آراسته به طرح‌ها و عکس‌های هنری، در تیراژ بایسته به شما علاقه مندان، پیشکش نماییم؛ ولی امیدواریم در عین ناگواریی‌های عالم غربت و هجرت، به کمک و یاری مردم عزیز و شرافتمند خویش، گام‌های بعدی را مطمئن تر و مستحکم تر برداریم.

۲ـ مجموعه حاضر، بدون تردید، گوشه‌ی کوچکی از کارنامه فکری و آرمانی رهبر شهید بوده که پیش از این، به صورت کتاب چاپ نشده است، و «بنیاد...» بر آن است که در قدم‌های بعدی، مجموعه‌ای دیگری را نیز در این راستا تقدیم کند.

۳ـ در مجموعه حاضر که بخشی از آثار رهبر شهید را احتوا می‌کند، صرف اصلاحات جزئی و ضروری ویرایشی صورت گرفته است و از هر گونه دخل و تصرفی جداً پرهیز گردیده و همانگونه که می‌بینید، محتوای این آثار بسیار گسترده، گوناگون و شامل دوره‌های مختلف حیات پر ثمر «استاد» است، که به ترتیب زمانی و تاریخ ایراد و انجام آن‌ها تنظیم گردیده و ما بر این باور بوده و هستیم که اندیشه و شخصیت «استاد» همان گونه که خود گفته بوده است، تصویر شود.

۴ـ بر اساس مصوبه‌ی هیأت رهبری مردم ما و وارثان راه و آرمان آن شهید در حمل ۱۳۷۴ در شهر مزار شریف، «بنیاد...» تنها مرجع قانونی و دارای صلاحیت در امور حفظ، تصحیح و نشر آثار رهبر شهید می‌باشد، بدیهی است که سندیت و اعتبار

هر گونه اقدامی در جهت نشر و تکثیر آن آثار، منوط به مشورت و هماهنگی قبلی با این «بنیاد...» خواهد بود.

۵ـ انگیزه‌ای که در شرایط زمانی حاضر، ما را ترغیب به کار نشر آثار موجود رهبر شهید نمود، اقدامات و تشبثات مذبوحانه‌ای اشخاص و جریان‌هایی است که، در جهت مخدوش ساختن سیمای وارسته رهبر شهید و تحریف راه و رسمش، با ایراد اتهامات کینه توزانه، بر رفتار مبارزاتی آن اسوه‌ی آزادگی و غیرت جاودانه مردم ما، در جستجوی تطهیر لکه‌های خیانت خویش اند.

۶ـ بنابراین، از همه‌ی علاقه مندان و رهروان راه «بابه» عاجزانه تقاضامندیم که با راهنمایی‌ها و ارسال هر گونه اثری از رهبر شهید (سخنرانی، مصاحبه، پیام، نامه، عکس و خاطره و...) ما را یاریگر و مددکار باشند.

با وجود سعی و کوشش مقدور «جمع» ما در جهت تنظیم، ویرایش و آرایش بهتر «منشور برادری» باز هم اعتراف می‌کنیم خالی از نقایص و کاستی‌های احتمالی نخواهد بود و لذا با عتذار از روح بلند «بابه ملت» راهنمایی‌ها و تذکرات اساتید ژرف بین و اندیشمندان گرامی، موجب امتنان و چراغ راهمان در چاپ و کارهای بعدی خواهد بود.

در خاتمه لازم به تذکر می‌دانیم که تمام زحمات حروفچینی و تایپ این اثر را طلبه مهاجر رضا نعیمی یکی از فرزندان معنوی رهبر شهید متحمل شده بودند که متأسفانه در آخرین لحظاتی که کتاب زیر چاپ می‌رفت دار فانی را وداع کردند. که بدین وسیله برای روح آن مرحوم هم از خداوند بزرگ غفران و رحمت استدعا می‌نماییم.

بنیاد رهبر شهید بابه مزاری

اول سرطان ۱۳۷۹هـ ق ـ قم

بخش اول

قسمت اوّل:

قبل از تشکیل حزب وحدت اسلامی

معیارهای ارزشی در جامعه

لا حول و لا قوة الاّ باللّه العلی العظیم، اعوذ باللّه من الشیطان الرجیم، بسم اللّه الرّحمن الرّحیم، الحمدللّه رب العالمین و الصلوة و السلام علی محمد و آله الطاهرین.

اما بعد، قال اللّه الحکیم فی قرآن واجب التعظیم: ان اللّه لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم.[1]

خداوند تبارک و تعالی در این آیه شریفه یکی از سنت‌های لایتغیرش را، راجع به یک قوم و یک جامعه بیان می‌فرماید.

خداوند تبارک و تعالی یک قوم و یک جامعه را تغییر نمی‌دهد مگر تا وقتی که آن قوم و آن جامعه خودش را تغییر بدهد. امروز انقلابات و تحرکاتی که در جهان اسلام به وجود آمده، این آیه را خوب تفسیر و معنی کرده است. یعنی یک قومی را که سنت و اخلاق و ایمان در آن حاکم است، هیچ وقت دچار ظلم و دیکتاتوری (نمی کند) و به باد فنا و عذاب نمی‌دهد، مگر تا آن وقتی که مردم خودش تغییر کند. یعنی از این مسیر الهی به آن مسیر شیطانی و طاغوتی کشانده شود، کم کم مسأله اخلاق‌های ضد الهی و ضد انسانی آن جامعه را فرا بگیرد، آن وقت دچار تغییر می‌شود و این نظام عوض می‌شود و این مردم نابود می‌شود، این یکی از سنت‌های الهی است که قابل

---

۱. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۱۱.

تغییر نیست.

اگر یک ملتی دچار گمراهی و ضلالت است، تن به ظلم داده، تن به جنایت داده، این را خدا عوض نمی‌کند تا آن وقتی که این مردم خود را عوض کند، از این اخلاق بیرون بیاید، از این جنایت بیرون بیاید.

وضعیت ایران در زمان شاه

شاهد بزرگ این قضیه مسأله ایران است، یعنی ملت ایران در زمان شاه (اکثر این برادران ایران رفته اند، یا به عنوان این که زیارت امام هشتم را قصد کرده اند، یا برای زیارت مکه از ایران عبور کرده اند، یا برای زیارت امام حسین(ع) رفته‌اند و از ایران عبور کرده اند، یا هم به عنوان کارگر و کار کردن رفته اند)، این‌ها دیدند جامعه آن روز ایران چه بود و چه اخلاقی حاکم بود در آن روز اخلاق اسلامی و الهی در آنجا حاکم نبود اخلاق دیکتاتوری حاکم بود، می‌دیدند که اخلاق ایرانی و افغانی در آنجا چقدر در تضاد بود.

یعنی یک نفر افغانی را انسان نمی‌دانست و در آن جا دیدند که در ایران نماز خیلی کم خوانده می‌شد در آنجا دیدند که قمار چقدر رایج بود در آنجا دیدند، آنقدر شراب فروشی وجود داشت که کتاب فروشی وجود نداشت. در آنجا دیدند که چقدر فاحشه خانه وجود داشت که البته الفاظ آنجا را برادران کارگر یا غیر کارگر بلد است که معروف بود به گمرک ایران، یک منطقه خاصی بود چند هزار فاحشه آنجا وجود داشت و شاه هم برای آن‌ها دکتر تهیه کرده بود که آن‌ها را معاینه بکنند تا مرض مسریه از یکی به دیگری سرایت نکند. آن جامعه به آن حال در آن جا زندگی می‌کرد با این حال بود، ولی بنام اسلام در واقع ضد اسلام، شاه هم آنقدر قدرت داشت که چهارصد هزار نفر ارتش مسلح به سلاح پیشرفته دنیا مجهز بود.

شصت هزار مستشار آمریکا در ایران، وجود داشت، تمام منابعش را می‌برد و می‌خورد و اخلاقش را هم غربی درست کرده بود. در آن جا ملت زیر بار ذلت زندگانی می‌کرد و می‌گفت: شاه خدای روی زمین است. در تمام موترهایش نوشته بود که: «شاه ظل اللّه».

البته در همه وقت، در همه زمان در همه مکان مردم، تمام ظلم‌ها و دیکتاتوری‌ها

را با مذهب توجیه می‌کند. یعنی وقتی که می‌گفتند شاه ظل اللّه، حدیث جعل کرده بودند آخوندهایی هم مداح بودند. من یادم هست وقتی که در ایام محرم و رمضان در اطراف ایران می‌رفتیم که روضه بخوانیم و موعظه بکنیم در آن جا برای اوّلین بار قول می‌گرفت که اگر شاه را دعا می‌کنید این جا هستید و الا نه، کسانی هم که مخالف با آن سنت بود شبانه از آنجا فرار می‌کرد و می‌رفت.

این ملت با این ذلت و بدبختی با این لجن، وقتی که شروع کردند به تغییر دادن و خود را آماده کردن برای خدا و اطاعت از امر خدا، در دنیا اثبات کردند، با دست خالی شاه را با چهارصد هزار ارتش و آمریکای جنایتکار را که در دنیا ابر قدرت به حساب می‌رفت ذلیلانه از این کشور بیرون کردند. این ملت خود را تغییر داده بود، برگشتند به دامن اسلام و از رهبران اسلام اطاعت کردند (و) توانستند (استقامت کنند). امروز هم روسیه مخالف است با ایران، هم انگلستان مخالف است، هم آمریکا، هم چین، این ملت ایستاده و دنیا را درس می‌دهد، این جا است که کمک‌های الهی پشت سر هم می‌آید. وقتی که آمریکا دخالت نظامی در ایران کرد نه ارتش ایران اطلاع پیدا کرده بود نه هم ملت.

هواپیماها (ی آمریکا به) ایران آمد که گروگان‌ها را ببرد و جای امام را هم بزند، خدا این جا کمک کرد که در دشت طبس هواپیماها با هم برخورد کردند و آنجا سوختند، این جا است که خدا به دنبال تغییری که این ملت خود را داد کمک می‌کند، و آن ملت را تغییر می‌دهد. این یک مسأله‌ای است که در دنیا امروز ثابت شده است. شما هم که امروز می‌خواهید از آن جریان فلاکت بار قبل بیرون بیایید، آماده شوید که خود را تغییر بدهید، یعنی خود را تغییر بدهید. این طور مبارزه در افغانستان ابعاد مختلف دارد. امروز در دنیا مکتب می‌جنگد نه اسلحه، امروز اگر آمریکا است برای مکتب کاپیتالیستی می‌جنگد. امروز اگر روسیه است برای مکتب سوسیالیستی می‌جنگد. امروز اگر ایران می‌جنگد برای مکتب اسلام می‌جنگد.

اسلحه قدرتی ندارد! ملت غیور ایران به رهبری امام خمینی این قائد اعظم جهان اسلام وقتی که پیروز می‌شود با دست خالی پیروز می‌شود مسأله ایمان و خون امروز دنیا را به تکان آورده است.

نگاهی به مبارزات گذشته

برادرها و دوستان! در افغانستان خیلی تحولات از دیر زمان به وجود آمده بود، و این ملت در تاریخ قهرمان بوده ولی برای چه است که حکومت عدل الهی را اختیار نمی‌کرده برای چه در دوران انگلستان افسر انگلیسی می‌گوید: «اگر افسرم جرمنی باشد و مرد جنگی ام افغانی باشد من با دنیا می‌جنگم.» این را یک افسر انگلیس می‌گوید انگلستان که ابر قدرت شرق و غرب در دنیا به حساب می‌رفت همین افغانی‌ها بود که در جنگ کابل و جلال آباد ۱۷ هزار سرباز انگلیسی را نابود کرد، [با این همه شجاعت] کجا شدند این ها؟ چرا نتیجه نگرفتند از زیر باران جستند زیر ناودان نشستند؟

آن قدر این ملت مبارزه می‌کرد علیه انگلستان و کسی را که داد از افغانیت می‌زد، داد از ملت می‌زد ملت او را رئیس ایستاد می‌کرد و امین قرار می‌داد، شش ماه بعد معلوم می‌شد که مزدور انگلیس بوده این بار علیه او قیام می‌کرد، این علت را باید پیدا کرد. گرچه در مسأله مبارزه کردن ما در دنیا اثبات کردیم که می‌توانیم خوب مبارزه کنیم، در این طول تاریخ که شکست خوردیم علتش چیست؟ باید علت را پیدا کنیم. در دوران بچه سقاو، وقتی که مبارزه در افغانستان مطرح شد و اوج گرفت، استعمار انگلیس در همان وقت مطرح کرد که نادر را بیاورد. بچه سقاو کی بود که بعد از او نادر مستقر شد؟ این برای چه بود که (انگلیس) مسأله شیعه و سنی را مطرح کرد، مسأله افغان و هزاره را مطرح کرد... آن روز شما (مردم هزاره) غیرت زیی بودید افغان‌ها محمد زیی بودند...

استعمار، عامل تفرقه

چقدر دوستی دوام کرد؟! ۶ ماه بعد از آن باز هزاره گک شدید همان... این‌ها مال استعمار است، در اسلام نه هزاره مطرح است، نه افغان مطرح است، نه ازبک مطرح است، نه تاجیک مطرح است، فقط در اسلام مسأله لا اله الا اللّه و تقوا مطرح است. وقتی که در هر برهه از زمان مسأله نژاد پرستی را و مسأله تسنن و تشیع را مطرح می‌کنند [بدانید که] این مال استعمار است تمام حکومت‌های وقت در افغانستان چه از نوع شاهی، چه از جمهوری چه از کمونیستی همه‌اش از این تاکتیک (استعماری) استفاده کرده اند، حتی در منطقه اگر کسی خان است یا ارباب است، از مسأله قومیت ازبک و

تاجیک و ترکمن استفاده می‌کند بیدار شوید و آگاه شوید! علت اینکه (مردم) در جنگ بچه سقاو و جنگ انگلیس، این همه شهید دادند ولی نتیجه نگرفتند، چیست؟ مسأله بی سوادی و بی فرهنگی است.

وقتی که ناآگاه بودی، وقتی که فرهنگ اسلام را پیاده نکردی، به نام اینکه این از افغانستان است، مسلمان است، جان می‌دهد (بعد) او مزدور آمریکا و یا روسیه از آب بیرون می‌شود. حال که آمدید با سیلی به صورت ابر قدرت شرق یعنی روسیه زدید و درس دادید، که با بالاترین قدرت، با صد هزار ارتش مجهز با توپ و تانک و طیاره بالای شما آمد و نتوانست کاری بکند؛ از این باید چه بهره بگیری؟ بهره‌اش این است که به اسلام برگردی و اسلام را بفهمی و برای این اسلامی که شما (جان) فدا می‌کنید، مزایای آن را بدانید و دنبال این تفرقه‌ها نروید، در اسلام معیار، حق و باطل است. در اسلام معیار عدالت و ظلم است. حضرت علی(ع) که شما دنبال او و شیعه او هستید، به امام حسن(ع) وصیت می‌کند: کن للمظلوم عوناً و للظالم خصماً.[۱]

این جمله علی(ع) سیاست داخلی و خارجی و عام، بنیان تشیع را مشخص و معین می‌کند، برای امام حسن(ع) گفتن لازم نیست، این را برای ما و شما می‌گوید. یعنی برای ما و شما درس می‌دهد.

ما طرفدار تجزیه افغانستان نیستیم

از طرح مسأله امام خمینی و ایران برادران اهل سنت گمان نکنند که افغانستان را ما می‌خواهیم تجزیه کنیم، ما افغانستان را می‌خواهیم ملحق کنیم به ایران، نه این مسأله مطرح نیست، مسأله، مسأله سیاست اسلام است که امروز امام می‌گوید، مبارزه کنید در سایه قرآن و در سایه اسلام، تکیه به شرق و غرب نکنید! یعنی نه تکیه به مکتب مارکسیستی کنید و نه تکیه، به مکتب کاپیتالیستی به این دو مکتب تکیه نکنید؛ قرآن می‌فرماید: و لا ترکنوا الی الذین ظلموا.[۲] ـ تکیه نکنید بر کسانی که ظلم می‌کند ـ ما که می‌گوییم خمینی رهبر است، ما که می‌گوییم دنبال رو خمینی هستیم، برای این است که سیاست اصیل اسلامی را پیاده می‌کند، ما به دنبال آن سیاستی که از قرآن و اسلام

---

۱. غررالحکم و درالکلم، ج۲، ص۱۰۵.

۲. سوره‌ی هود، آیه‌ی ۱۱۳.

برای ما درس می‌دهد، می‌رویم نه برای اینکه ما امروز شیعه‌ها را تجزیه می‌کنیم، می‌بریم به ایران ملحق می‌کنیم، این مسأله نیست و لو در اسلام مرز نیست و لو در اسلام مرز کفر و ایمان مطرح است. در هر جای که ایمان حاکم است، خاک اسلام است و در هر جای که کفر حاکم است خاک کفار است، ولی این، زمان لازم دارد تا آن وقتی که مردم آگاهی پیدا کنند و جلو این دیکتاتورها را بگیرند. در این جا است که در طول تاریخ ما مبارزه کردیم ولی از مبارزه خود نتیجه نگرفتیم. و قرآن هم خبر می‌دهد که سنت الهی بر این جاری شده است که ما هیچ قومی را تغییر نمی‌دهیم. یعنی از حالی به حالی، یعنی از ذلت به عزت نمی‌بریم و از عزت به ذلت نمی‌بریم مگر این که آن قوم خودش را تغییر بدهد.

برگردیم اسلام را یاد بگیریم و آگاهی پیدا کنیم و حق را بشناسیم، بعد معیار قرار بدهیم، اشخاص و هر کسی با آن حق برابر بود حق است و هر کس با آن برابر نبود باطل است امروز در افغانستان مبارزه مطرح شده است.

پیامبر اسلام وقتی که می‌اید سیزده سال مبارزه فرهنگی می‌کند؛ یعنی برای مردم فقط قرآن می‌خواند، هیچ مسأله سلاح گرفتن مطرح نیست. سیزده سال مبارزه فرهنگی می‌کند، سر جاده ایستاده می‌شود قرآن می‌خواند، مردم جمع می‌شوند، پیامبر را سنگ باران می‌کنند. هفده سال را همینطوری سپری می‌کند، تعدادی از مسلمان‌ها قاری قرآن می‌شود، حافظ قرآن می‌شود می‌آیند جمعیتی تشکیل می‌دهند... بعد از سیزده سال در مدینه می‌آید، تشکیل سپاه می‌دهد و مسأله مبارزه مسلحانه را مطرح می‌کند.

اسلام و احیای ارزش‌های الهی

در ایران هم امام پانزده سال برای احیای مبانی فکری اسلام مبارزه می‌کند فقط تکیه می‌کند بر آگاهی مردم، می‌اید بعد از پانزده سال حکومت تشکیل می‌دهد... می‌گوید فقط مرز ما مرز اسلام و کفر است... در افغانستان ما، قبل از این که مبارزه فرهنگی بیاید قبل از این که مزایای اصلی اسلامی،بیاید پیاده شود (قبل از این که مردم) آگاه شود که یک مجاهد چه مزایا دارد؟... اسلام چه برنامه دارد؟ این‌ها برای مردم گفته نشده قرآن ۲۱۴ آیه درباره جهاد دارد. تمام شرایط جهاد را روشن می‌کند. کل مسأله این است که جهاد مسلحانه با جنگ و جدال دیگران فرق دارد، در اسلام

لشکر جایی را آتش زده نمی‌تواند، مال را از بین برده نمی‌تواند، پیرمردی را کشته نمی‌تواند، طفل کوچک را کشته نمی‌تواند، بنایی را خراب نمی‌تواند، اگر کسی فرار کرد دنبالش زده نمی‌تواند (و روی) این مبناها، یک مجاهد اسلامی هیچ وقت برای تفنگ جهاد نمی‌کند، یک مجاهد اسلامی برای غنیمت گرفتن جهاد نمی‌کند.

جهاد ما امروز با جهاد زمان پیغمبر فرق دارد. یعنی ما با کسانی جهاد می‌کنیم که این‌ها یک تعدادشان مرتداند و یک تعدادشان اغفال شده است. یعنی وقتی کسی به جنگ می‌رود باید نمونه اسلام را عمل کند تا این مردم به حرکت و هیجان بیاید و اثبات کند که عمل آن‌ها بد است و عمل ما خوب است. اگر لشکر حفیظ اللّه می‌آمد لشکر تره‌کی می‌آمد مسجد را خراب می‌کرد بناها را خراب می‌کرد و آتش می‌زد، حیوانات را می‌کشت، پیرزن و پیرمرد را می‌کشت، اموال (مردم را) تاراج می‌کرد می‌برد، اگر ما بیاییم مثل آن‌ها عمل کنیم، عمل ما با عمل آن‌ها چه فرق دارد؟ و اصل در اسلام مسأله عمل مطرح است. مسأله لفظ مطرح نیست. اگر کسی عملا اسلام را اثبات نکند، در عملش نمایان نباشد، آیا می‌تواند مسلمان باشد؟! اگر یک لا اله الا اللّه گفتن (باشد) هم تره‌کی می‌گفت هم حفیظ اللّه می‌گفت هم ببرک می‌گوید... در هر جلسه که افتتاح می‌کند با قرآن افتتاح می‌کند که اتفاقاً هنوز این جریانات در منطقه ما نیست. یعنی وقتی که رؤسای منطقه ما در یک منطقه می‌روند برای حل و فصل یک جریان هنوز قرآن نمی‌خوانند. پس اگر محض قرآن خواندن مطرح است لا اله الاّ اللّه گفتن، این‌ها همه مسلمان است... یعنی آن ایمانی ارزش دارد که مطابق آن عمل شود، عمل معیار است، از عمل باید شناخت. اگر مسأله این است که در زمان ظاهر شش تا آخوند جمع می‌شدند، المتوکل علی اللّه محمد ظاهر شاه می‌گفتند و دعا می‌کردند. امروز هم یک جمعی از علماء را هم تره‌کی داشت هم حفیظ اللّه و هم ببرک، این‌ها هم همه تحصیلکرده نجف و مصرند، آخوند قلابی جور کرده نیست، بلکه آخوند تحصیل کرده است. پس چرا با این‌ها می‌جنگیم... باید تطبیق کنیم که آیا عمل ما با ببرک فرق دارد یا ندارد؟ فقط همین قدر که مثل آخوندهای قبل هر کسی موی سر داشت می‌گفت او کافر است. همین طور همین قدر که فلان دانشجو از روسیه آمده کافر است... آیا آن عمل بدی که آنها انجام می‌دهد ما در منطقه خود انجام نمی‌دهیم؟!

جنگ مکتبی

مسأله مسأله عمل است، امروز در دنیا جنگ مکتب است. یعنی یک مارکسیست وقتی که مارکسیستی عمل می‌کند، محال است که معارف مارکسیستی را بلد نباشد و بگوید من مارکسیست هستم... اگر یک کسی غرب گرا است مزدور آمریکا است و فرمول حکومت آمریکا را بلد نیست غلط می‌کند که بگوید من آمریکایی هستم...

ما هم، که مسلمان هستیم باید اسلام را بدانیم و بفهمیم دنبالش عمل کنیم، فقط جنگیدن مطرح نیست اگر جنگیدن مطرح است خیلی‌ها در جنگیدن قهرمان است. گویا ۱۲ یا ۱۳ نفر مملکت کوبا را گرفت ولی مارکسیست است. چین را با این عظمتش که یک میلیارد، جمعیت دارد چند نفر مبارز رفته گرفته، تسخیر کرده... تنها مبارزه مطرح نیست، یعنی در دنبال آن باید یک آدم مکتب را بشناسد بعد به آن مکتب عمل کند، بعد به دیگران بفهماند... امروز در افغانستان، به شوخی سه سال گذشته یعنی از جنگ افغانستان سه سال گذشته، تا هنوز نفهمیدیم که تا حالا ما چه کار کردیم و چه کار نکردیم؟ فقط از آوارگی و بدبختی‌ها شکایت می‌کنیم از این که چهار تا مسجد در منطقه بود از بین رفت، مدرسه از بین رفت، امروز همین روسیه، می‌خواهد توسط دست نشاندگانش در افغانستان حکومت کند هم آمریکا هم چین.

در مسأله اتیوپی، شانزده سال اریتره جنگید علیه آمریکا، روس‌ها آمد یک کودتای نظامی انجام داد قدرت را از آمریکا گرفت. هشت سال است تا حالا، همان ملت علیه روسیه می‌جنگد. در اینجا روسیه به این آسانی‌ها از افغانستان نمی‌رود، شما فکر می‌کنید به همین شوخی که ما داریم، همین روسیه بیرون می‌رود؟ نه، روسیه این جا مدتی هست باید بجنگیم و طوری آماده کنیم خود را وقتی که روسیه بیرون برود فوراً خطر آمریکا متوجه افغانستان است مزدورهای زیادی تربیت کرده دارد که بیاورد مثل ظاهرو...

در اسلام مسأله شیعه و سنی و قومیت مطرح نیست، در زمان همین ظاهرشاه رسماً مکتوب نوشته شده است که بچه‌های مردم شما را در مکتب نگیرد. یعنی استعمار و استثمار از چه راهی می‌اید و بالای یک ملت چطور حکومت می‌کند، فقط از راه بی سوادی، از هیچ راه دیگری نمی‌اید شما این همه اختلافات را که در این جا می‌بینید

خاطر منافع چند تا شخص است.حالا، مسأله شیعه و سنی مطرح بود کم بود، مسأله تاجیک و افغان مطرح بود کم بود، مسأله ازبک و هزاره مطرح بود (کم بود) که قدرتمندان در دامن احزاب افتاده... در هیچ جای این مسأله مطرح نیست پیش امام هم گفتم مسأله گروه گرایی حرام است یعنی چه؟ گروه گرایی حرام است یعنی حزب داشتن حرام است، قرآن می‌گوید: الا ان حزب اللّه هم المفلحون الا ان حزب اللّه هم الغالبون.

خدا خودش مسأله حزب را مطرح کرده است؟! با اینکه در قرآن مطرح کرده که مؤمن در راه اللّه می‌جنگد و کافر در راه طاغوت. امام خمینی هم که اوّلین بار در ایران آمد مسأله حزب جمهوری اسلامی را مطرح کرد (پس) گروه گرایی که حرام است به معنای حزب داشتن نیست. گروه گرایی حرام است به معنایی این است که آزادی مردم را سلب کند، گروه گرایی به این معنی است که معیار اسلامی را از دست بدهد، معیار فقط معیار حزبی باشد. هر کس در نصر باشد و هر کس در حرکت باشد، (این را معیار قرار بدهد) آقایان خوب بدانند این گروه گرایی حرام است.

معیار عملکرد احزاب

در اسلام معیار فقط [عمل] صالح است و حزب به عنوان یک مدرسه است... چهار نفر همفکر با همکاری هم یک جریان را مطرح می‌کنند، کتاب اسلامی می‌آورند، می‌خوانند و با برنامه مردم را آگاه می‌کنند، این یک مدرسه شد... اگر این بدل شد به این صورت که هر کس به حرکت نرفت کافر است، این از منطقه فرار بکند... این حرام است، اگر آمد در نصر هم این مسأله مطرح شد خلاف اسلام است. از امروز اعلام می‌کنم: ما نه حرکت را کافر می‌دانیم و نه نصر را ـ ما نه نصر را تبلیغ (کردیم)...

مردم باید از اسلام آگاه شوند، حزب باید یک مدرسه باشد، من از امروز اعلان می‌کنم که اگر یک کسی خود را منتسب به نصر می‌گیرد و خلاف اسلام عمل کرده، مجرم است، همه باید جلوش را بگیرند. اگر به حرکت کسی آمد، خلاف اسلام (عمل) کرد و تجاوز کرد مجرم است. این بعد بگوید من نکردم فلانی کرد، غلط می‌کند. حزب معنایش این است، مسأله حرکت و نصر مطرح نیست. اینهایی که در منطقه قدرت داشتند، اینهایی که در منطقه سلطه داشتند، وقتی که پایه‌های حکومت‌شان متزلزل شد

در دامن حرکت سقوط کرد، اینها حرکت را برای خود وسیله درست کرده اند.

شما مردم اغفال نشوید، حرکت از بالا این کار را نمی‌کند. وقتی کسی که در یک جریان قرار می‌گیرد، این از جریان دیگر سلاح گرفته نمی‌تواند، مگر این‌ها رفته از اتحادیه سلاح نیاوردند، باز هم نفر رفته است. این‌ها چه رقم حرکتی است... حرکت همچو، جنایتی را انجام نمی‌دهد مخالفت ما با حرکت نیست. مخالفت ما با تجاوز است با جنایت است. شما مردم مسلمان حق دارید که اگر نفر خیانت کند، جلوش را بگیرید، اگر کسی به نام حرکت خیانت می‌کند جلوش را بگیرید، معیار اسلام است منتهی اسلام را بشناسید...

شما که حزب را نشناخته اید، چه مسأله در آورده، در چهارکنت، این‌ها در اسلام مکتب توحید است[1] تا دیروز پرچم اسلام مکتب توحید بالای سرشان بود. از اتحادیه که همه می‌داند یک جریان مائوئیستی است و از چین الهام می‌گیرد، این‌ها می‌روند سلاح می‌آورند، ما نگفتیم این‌ها را که چرا این کار را کردید؟ شعله‌ای‌ها را محاکمه کردن نگذاشتند همین‌ها بودند، امروز هم آمده خودشان را به دامن حرکت انداخته‌اند فردا حرکت را هم رها می‌کنند.

معیار باید عمل باشد و تقوا، سه سال از جریان افغانستان گذشته، مکتب از بین رفته، مدرسه از بین رفته، تمام جریان از دست مردم خارج شده است. ما در چهارکنت کاری نمی‌کنیم چند نفر را فرستادیم که از مردم دفاع کند، مدرسه را باز کردیم که بیایید درس بخوانید، در کجا، حرکت نوشته کرده که کتاب‌ها را نخوانید یا کسی در مرامنامه حرکت نوشته کرده که کتاب‌ها را نخوانید، این‌ها بچه‌های طلبه را می‌برند، از آن‌ها تحقیق می‌کنند که چرا در سیاست دخالت کردید. یعنی سیاست را از دین جدا می‌دانند. این‌ها در کمیته امر کرده است، نگذارید که این کتاب‌ها را بخواند، کتاب‌های آقای مطهری است، کتاب‌های دکتر (علی شریعتی) است، کتاب‌های آقای طالقانی است، کتاب‌های امام خمینی است... بعد هم در تمام جا حرف می‌زنند که این‌ها در مذاکره حاضر نیستند، شما دیدید که من شرایط مذاکره را نوشتم آوردم به شما مردم ابلاغ کردم که در این شرایط من حاضرم چرا قبول نکردند؟

---

۱. یکی از احزاب شیعی افغانستان.

این‌ها در این جا اعلام می‌کنند که شما سلاح آورده‌اید از ایران سند نیاورده‌اید اگر سند می‌آوردید، ما سلاح را در اختیار شما قرار می‌دادیم، حسینی که از دنبال سلاح آمده بود سند آورد چرا سندش را رد کردید،[1] این‌ها خود را می‌خواهند غیر از خود کسی را نمی‌خواهند.

حکومت اسلامی، اساس مبارزات رهایی بخش

روز اوّل وعده دادند، که این سلاح را در اختیارش می‌گذاریم، روز دوم رد کردند سند از جبهه نیاورده بود، از حالا اعلام می‌کنیم: ما همگی در هر جای که هستیم، اساس حکومت اسلام را ولایت فقیه می‌دانیم. طبق امر امام باید عمل بکنیم و طبق امر امام باید جهاد بکنیم، ما نه مخالف سرمایه دار هستیم، نه مخالف ارباب هستیم، نه مخالف آخوند هستیم، نه مخالف کسانی دیگر، ما فقط مخالف جنایت کار و متجاوز هستیم، مخالف سید هم نیستیم. ما اگر اصلاحات اراضی کردیم مثل ایران حکم یک مرجع را انجام می‌دهیم. یعنی خلاف فتوای امام خمینی حرکت کردن را غلط می‌دانیم، این‌ها پیش سرمایه دار رسیدند، می‌گویند این‌ها سرمایه شما را می‌گیرند، اگر پیش ارباب رفت می‌گویند این‌ها مخالف ارباب است.

بلی! ما مخالف خیانتیم اگر پیش آخوند آمدند می‌گویند آخوندها را مرتجع می‌داند. بلی آخوندهای که ظاهر شاه را المتوکل علی اللّه محمد ظاهر شاه، می‌گفتند ما دشمن می‌دانیم امروز ببرک را اولوالامر می‌گوید، ما با این‌ها می‌جنگیم، ما سید را احترام داریم با آن معیار قرآن و اسلام نوکرش هم هستیم. این جا است که اگر این تبلیغات به عنوان یک گروه انجام می‌شود این گروه گرایی است حرام است.

یک کمی هم به خود بیایید ممکن است این انقلاب ۱۶ ـ ۲۰ سال طول بکشد، چه می‌شود؟! در نتیجه ما همین طور خون بدهیم و هدر، یک کلمه از معارف اسلامی یاد نگیریم یک کلمه حرف حق را یاد نگیریم... یعنی مبارزه می‌کنیم با اخلاق اسلام، مبارزه می‌کنیم با امام اسلام، مبارزه می‌کنیم با آن معیاری که اسلام تعیین کرده است.

مبارزه نکنیم که مال مردم را برویم و بیاوریم و نام این همه جهاد را در سراسر

---

۱. منظور از حسینی، شهید حسینی دره صوفی است.

دنیا به باد فنا بکشیم در منبر قبل هم گفتم حالا هم به عنوان اتمام حجت می‌گویم مردم! فردا روز قیامت نگویید که این مسأله را آخوندها نگفته است، امروز مال حزبی حلال نیست. فقط سلاحی که با شما می‌جنگد می‌توانید بگیرید، این‌ها اگر کفرش اثبات بشود مرتد است. مالش به ورثه منتقل می‌شود مال یک مسلمان دیگر به هیچ وجه جایز نیست که بیاوریم. مال از دو حال خارج نیست یا مال بیت المال است مثل تفنگ‌های که از آن‌ها گرفته می‌شود از حکومت افغانستان که با پول نفت یا پول گاز یا همین مالیاتی که شما می‌دهید خریده شده است یا از روسیه است فقط سلاحش را می‌توانید بگیرید.

امروز به شما اعلان می‌کنم که مال حزبی را آوردن حرام است،[1] بعد از این، جنگ پیش می‌اید مال حزبی حرام است از برای خدا... مگر شما پیروی علی(ع) نیستید در زمان جنگ با لشکر معاویه خلخال از پای زن یهودی بیرون می‌کند، علی(ع) گریه می‌کند می‌گوید: اگر مسلمانی برای این کار بمیرد حق دارد آن وقت شما مسأله شیعه و سنی را مطرح می‌کنید. چنان که کردید؟! این برنامه‌های استعمار است. یعنی هم حکومت‌های مارکسیستی و هم حکومت‌های شاهی این تفرقه را در بین مردم انداخته... در (شهر) مزار می‌گوید که شما جمهوری هزاره جات می‌خواهید، غلط می‌کنید که جمهوری هزاره جات می‌خواهید مثل آن قضیه است که سه نفر رفته بود در یک باغ در آمده بود خربوزه را برده بود، صاحب باغ آمد یکی از این سه نفر ملاّ بود یکی سید بود و یکی هم کلان قوم بود. باغبان آمد دید سه نفر است تنها هم هست زورش به این‌ها نمی‌رسد، گفت این آقا که حق دارد، اولاد پیغمبر هم که حق دارد شما آخوند چرا این کار را کردید؟ آقا گفت راست می‌گوید من از حق جدم استفاده می‌کنم شما برای چه؟ و...

ضرورت آگاهی مکتب

این جا است که باید تغییر در خود ایجاد کرد اخلاقاً عقیدتاً و عملا چیزی را یاد گرفت و به دنبالش رفت که خدا قوت، نصرت و یاری خواهد کرد تا کسیکه برای خود از نگاه مکتب و ایدئولوژی فهم پیدا می‌کند به یک مکتب، به دنبالش عمل نمی‌کند آن مکتب محکوم به شکست است.

ما در چهارکنت، چیزی دیگر نمی‌خواهیم فقط همین را می‌خواهیم که شما از اسلام

---

۱. منظور از حزبی کسانی هستند که وابسته به حزب کمونیستی خلق و پرچم بودند. (مصحح)

آگاه شوید از زبان هر کس که آگاه می‌شوید چه حرکت باشد و چه نصر باشد. شما سه سال مبارزه کرده‌اید مکتب‌ها از بین رفته بچه‌های شما بی سواد نماند در کوچه‌ها نگردد شیغی باز و قمار باز و فاسد نشود، بفرستید مدرسه نمونه‌اش را هم دیدید، پنج ـ شش ماه می‌شود که کار را در چهارکنت شروع کردیم امروز شما می‌بینید چهار تا آیه را می‌خواند، شما گوش می‌دهید. در زمان پیغمبر هم همین طور بود مسأله مدرسه برنامه‌ای نبود، مسأله از این قرار بود که پیغمبر مردم را آگاه می‌کرد.

آن‌ها به دیگران می‌گفت، در مسجد و در خانه، حالا اگر بخواهید یک مکتب برقرار کنید چهار تا معلم بخواهید، امکان ندارد، بودجه لازم دارد. تصمیم بگیرید از اسلام چیزی بفهمید به دیگران هم بگویید آگاه شوید که این انقلاب خنثی نشود. از دیر زمان مردم مبازه کرده‌اند مردم افغانستان مخصوصاً تشیع آن وقت هم، خفه شده است. شش ماه این‌ها به فرقه مشری تشریفاتی برسد، شش ماه بعد یا زندان برود یا کشته شود یا تبعید. آن چه در افغانستان کمبود بوده مسأله فرهنگ و سیاست است، از نگاه جنگیدن هیچ وقت کم نبوده و حالا هم کم نیست با معیار اسلامی باید بجنگیم تمام حرکت (ها) را الهی بکنیم امروز در اسلام اثبات شده این مسأله که عقیده و ایمان بر تمام توپ و تانک‌ها غالب است، هیچ توپ و تانکی نمی‌تواند بالای عقیده یک ملت تأثیر نماید به شرطی که کمر را بسته کنید آگاه بشوید.

داستانی درباره ایرانی‌ها نقل می‌کنند، در اصفهان وقتی که محمود افغان آن جا را می‌گیرد، می‌بیند که چاقویش در جیبش نیست آن‌ها را می‌گوید: تکان نخورید تا من چاقویم را بیاورم. آن‌ها تکان نمی‌خورند تا چاقویش را می‌آورد آن‌ها را می‌کشد... ولی وقتی که تغییر کرد و رهبر لایق پیدا کرد و در دامن اسلام آمد و به فرهنگ اسلام آگاه شد... اگر شما هم برگردید به اخلاق اسلام و مسایل اسلام نه آن وقت، در بین شما حزب اختلاف انداخته می‌تواند و نه مسأله شیعه و سنی مطرح است... در عمل مردم پیدا است هر کس عمل اسلامی کرد قبول کنید و لو دشمن‌تان باشد...

ما پابند مقررات اسلام هستیم، نه احزاب

من از الآن اعلان می‌کنم که ما نه کارت داریم، نه ما کسی را به حزب نصر دعوت می‌کنیم، نه هم کسی را مانع می‌شویم از این که به حزب حرکت نرود، یا به جنبش نرود... ما می‌خواهیم از مردم دفاع کنیم و مدرسه‌ای را هم باز کردیم می‌خواهیم بچه هایشان را تربیت کنیم هر کس از طرف ما به نام نصر خلاف انجام بدهد، حق دارید شما مردم جلویش را بگیرید بیایید بگویید ما جلویش را می‌گیریم ما نه حرکت

را کافر می‌دانیم و نه جنبش[۱] را کافر می‌دانیم و نه تنها نصر را مسلمان می‌دانیم. فقط مبنی و حرکت ما امر مرجعیت است. اگر اصلاحات یک روز به وجود آوردیم طبق امر مرجع است. یعنی ولایت فقیه را قبول داریم همان طوری که در ایران حاکم است شما این را ضد بای حساب می‌کنید، ضد سرمایه دار حساب می‌کنید، ضد ارباب حساب می‌کنید، هر چه می‌کنید ما در مقابل تجاوز ایستادنی هستیم ما زیر بار خیانت و جنایت نمی‌رویم، حالا شما هر چه حساب می‌کنید. ما هم در چهارکنت اعلان کردیم، برادرهای که امروز در دامن حرکت است فردا معلوم نیست با حرکت باشد با این‌ها فیصله کردیم که هر کس در هر سنگر رفت کسی حق ندارد جلوش را بگیرد. مبارزه در چهارکنت اجباری نیست. کسی حق ندارد جلوش را بگیرد... هر کسی چه طرفدار ما باشد و چه هم بی طرف کسی مجبور کند به سنگر بردن یا مانع شود از سنگر بردن در مقابلش می‌ایستیم. این نه ربطی به حرکت دارد و نه به نصر و هر کس هم جنایت کند زیر پرده نصر و حرکت توجیه بکند غلط است جلوش را بگیرید!

من هم حرف‌های خود را در همین جا تمام می‌کنم حاج شیخ می‌خواند در آخر برای شما؛ حالا این سنت آخوندی است که شما را رها نمی‌کنند، منتهی این مسأله را بگویم که خطری که امروز در پشت پرده متوجه ملت است، از همه کرده مسأله کمونیست‌ها است و آمریکا چون ما و شما روسیه را شناختیم روسیه با هر قیافه که بیاید در مقابلش می‌ایستیم ولی در مقابل آمریکا و چین این‌ها مزدورانی دارند در منطقه که باید بایستیم و آگاه شوید که این انقلاب خنثی نشود و خون جوان‌ها ضایع نشود![۲]

والسلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته

---

۱. منظور جنبش اسلامی مستضعفین است.

۲. سخنرانی رهبر شهید در چهارکنت، سال ۱۳۶۰ش.

درس‌هایی از انقلاب اسلامی افغانستان

(بحث ما) راجع به مسأله انقلاب اسلامی افغانستان در سال ۱۳۵۷ بود. یعنی در ثور ۵۷ بود که کودتای روسی در افغانستان به وقوع پیوست، البته قبل از زمان داود یک سری مقدمات چیده شده بود، برنامه ریزی‌هایی در ارتش افغانستان شده بود که چنین مسأله‌ای در افغانستان به وقوه بپیوندد. لذا در زمان داودخان که خودش از جمله کسانی بود که طرفدار سیاست روسیه (بود) و بیشتر قراردادهای اقتصادی و نظامی را با روسیه بست، و خودش هم که بر سر قدرت آمد و رئیس جمهوری افغانستان را در دست گرفت، توسط کودتا که به کمک ارتشیانی که طرفدار روسیه و تعلیم دیده در روسیه بودند روی کار آمد. ولی یک سفری بعد از پنج سال ریاستش در کشورهای اسلامی که طرفدار غرب بودند، انجام داد و پس از این مسافرت تغییرات در سیاست خارجی داود به وجود آمد. روس‌ها از این تغییرات خوششان نیامد. وقتی که برگشت، از آنجا که قبلا حزب مارکسیست افغانستان، جناح پرچم را در دولت شرکت داده بود یکسری را از دولت منفصل کرد و یکسری از حزب بیرون آمد و در دولت باقی ماند. به خاطر این سیاست، روس‌ها برای بار دوم توسط ارتشیانی که طرفدار روسیه بودند دست به کودتا زدند، و در ثور ۱۳۵۷ این کودتا به وجود آمد و به وقوع پیوست و در نهایت مارکسیست‌ها در افغانستان پیروز شدند.

اوّلین کشوری که کودتاچیان را به رسمیت شناخت روسیه بود و این‌ها وابسته بودند، هیچ اختیاری از خود نداشتند و در برنامه‌های مارکسیستی که پیاده کردند،

خیلی تند عمل کردند و با شدّت پیش رفتند. لذا ناآرامی سراسری در بین مردم افغانستان به وجود آمد و هیچ قشری از اقشار مردم، در افغانستان وجود نداشت که مخالف دولت موضع نگرفته باشد و مخالف نشده باشد. چه از قشر دانشجو و دانش آموز، معلمین و دهقانان، مالدارها و کسانی که زمین داشتند، روحانیون و اقشار مردم، کارگران معادن، معادن ذغال سنگ و لاجورد و بعضی معادن دیگر در افغانستان، پالایشگاه گاز و نفت و همه یک دست علیه این دولت اعلام نارضایتی کردند و دستگیری‌های عمومی در افغانستان شروع شد. در آن وقت حتی در بین ارتش، یک کسی که نماز می‌خواند برایش جرم بود و دستگیر می‌شد. در یک شب از مکتب‌های لیلیه افغانستان هشتصد دانشجو فراری شد، همین طور مسأله دستگیری و زندان و کشتار و اختناقی که دولت دست نشانده روس در افغانستان به وجود آورد. مدتی طول نکشید که مردم دست به مبارزه مسلحانه زدند.

اوّلین جرقه‌های انقلاب علیه دولت

اوّلین بار که مردم در این جا مبارزه مسلحانه را شروع کردند نورستان بود، بعد مسأله مزار و دره صوف در ۲۶ دلو ۱۳۵۷ شروع شد، نه روز یا شش روز بعد، چهارکنت شروع کرد، همین طور در ۲۴ حوت، مسأله هرات پیش آمد. در اوّل که کم کم مبارزه مسلحانه شروع شده بود، عوامل دولتی متهم می‌کردند بر این که این‌ها وابستگان به خارج‌اند و از خارج آمده اند؛ مسلح آمده‌اند از پاکستان اند. این‌ها را متهم می‌کردند که یک سری سرمایه دار هستند، فئودال اند. ولی ملت قهرمان و رشید افغانستان به جهان این مسأله را به زودترین فرصت اثبات کرد که هیچ خارجی در این مبارزات دست ندارد هیچ فئودال و سرمایه دار و زمین داری در این انقلاب سهم ندارد خود مردم اند.

شاهد و گواه این مسأله، مسأله هرات بود که در ۲۴ حوت ۱۳۵۷ مردم قهرمان هرات پادگان نظامی «زلمی کوت» هرات را گرفتند، تصرف شدند، شهر هرات را آزاد کردند، ولی دولت دست نشانده روس آمد و در این جا از تفرقه و مکر و فریب کار گرفتند. خودروهای نظامی و ارتش را از قندهار با پرچم‌های سبز لا اله الا اللّه به هرات وارد کردند ودر این شهر حدود ۲۵ تا ۳۰ هزار مردم بی گناه را به خاک و خون

کشیدند و این قیام عمومی هرات باعث این شد که تمام مردم مناطق قیام کنند؛ باقی مناطق یکی پس از دیگری، ولسوالی‌ها را تصرف شدند و ظرف سه ماه اکثر مناطق افغانستان را آزاد کردند، غیر از شهرهای بزرگ که در دست آن‌ها ماند. در این جا بود که مبارزات را به داخل کابل کشاندند و حملات در کابل هم شروع شد و این مسأله بود که مبارزات مردم آن قدر شدت یافت که این جا روس‌ها باز شروع کردند، به توطئه دیرینه «تفرقه انداز، حکومت کن» که از دیر زمان حکومت‌های دست نشانده در افغانستان اعمال کرده بودند و این‌ها با اینکه خودشان دائم خلاف تفرقه و نژاد و قوم و مذهب شعار می‌دادند، از این مسأله برگشتند به همان شعار کهن انگلستان، باز از مسأله تفرقه مذهبی شروع کردند.

لهذا در این جا بود که در زمان صدر اعظمی حفیظ اللّه امین مردم وردک را خواستند و گفتند که تمام افتخارات و مسایل گذشته افغانستان وابسته به پشتون بوده و الآن هزاره‌ها یعنی شیعه ها، می‌خواهند این افتخارات را از شما بگیرند مملکت شما را تجزیه بکنند وابسته به ایران بکنند، شما باید سلاح بگیرید و از افتخارات و سرزمین‌تان دفاع بکنید. مسأله نژادی و مذهبی را مطرح کردند ده هزار مردم وردک را سلاح دادند که سر مردم هزاره جات حمله کنند و این ملت شریف و قهرمان وردک و آگاه و انقلابی، این سلاح را از دولت گرفتند سر خود دولت حمله کردند. این جا فهمیدند که این مسأله تفرقه و این توطئه تفرقه (بالای) این ملت رشید دیگر الآن کارگر نیست.

روسیه و هدف از تعویض مهره‌ها در افغانستان

لهذا روس‌ها مجبور به عوض کردن مهره شدند، و در صدد شدند که حفیظ اللّه امین را عوض بکنند و تمام این جنایات را بگردن امین بیاندازند تا شاید بتوانند مردم را آرام کنند که امین پیش دستی کرده تره‌کی را از بین برد.

باز دولت روسیه اوّل کشوری بود که حکومت دوم به رهبری امین را به رسمیت شناخت و امین، تمام این جنایاتی را که خودش در دوران صدر اعظمی به رهبری تره‌کی انجام داده بود به گردن رهبر کبیرشان انداخت، دوازده هزار زندانی را اعلام کرد که این‌ها را تره‌کی از بین برده است و کشته شده‌اند و باقی را یک مقدار گفتند

آزاد می‌کنیم، قانونیت، عدالت، مصونیت اعلام کردند، جمعیت العلماء اعلام کردند، شروع کردند به رنگ کردن مساجد و تکایای مردم امین، چهره مذهبی به خودش گرفت و باز این هم دردی را دوا نکرد. در آن روز دادی زد که من آرزویم در افغانستان این است که یک روز یک کشوری سوسیالیستی ببینم و روس‌ها از او حمایت می‌کرد؛ باز این عدالت، قانونیت و مصونیت دردی را دوا نکرد و مردم را نتوانستند خاموش کنند، و انقلاب روز به روز شراره‌اش بالا می‌گرفت، به آن سر حدی رسید که روس‌ها حس کردند با این وضعیت اگر به زودترین فرصت دخالت نظامی نکنند انقلاب افغانستان پیروز می‌شود و مردم افغانستان حکومت را از دست امین می‌گیرد و یک حکومت اسلامی این جا برقرار می‌شود که خطر عظیم برای شرق و غرب به وجود می‌آید.

تجاوز نظامی روسیه

لهذا با توافق همتایش آمریکا، افغانستان را در یک شب اشغال نظامی کرد. در آن وقت که نظامیان روسیه در افغانستان داخل شد، ببرک در تاجیکستان پیام داد، رادیوی افغانستان در دست طرفداران حفیظ اللّه امین بود، این (رادیو) داشت از این جا اوصاف و بیانات امین را پیاده می‌کرد... و ببرک از تاجیکستان پیام داد، روس‌ها یک شبه دخالت کرد و امین را از بین برد، ببرک با صد هزار ارتش روسیه به افغانستان آمد و روس‌ها از سقوط حتمی دولت، در دست مجاهدین با این دخالتش جلوگیری کرد. باز این جا که ببرک آمد عفو عمومی اعلام کرد، مسأله طرح جمهوری‌های مستقل برای اقوام و اقشار مردم افغانستان را وعده داد، باز همان مسأله تفرقه بیانداز را دنبال کردند، تمام سران مردم شیعه را خواستند که شما در طول تاریخ از نگاه مذهبی و سیاسی محروم بودید، ما الآن برای شما یک جمهوری مستقل می‌دهیم که از نگاه مذهبی و سیاسی و فرهنگی آزاد باشید. فقط در امور دفاعی و سیاست خارجه زیر نظر دولت مرکزی باشید.

اما مردم قهرمان تشیع قاطعانه این را رد کردند و از این جا گفتند که ما فقط اسلام را می‌خواهیم و ضد مارکسیست هستیم و ضد هر خارجی که (به کشور) خیانت کند. توطئه دیگری را که در این جا روس‌ها به کار گرفتند مسأله نزدیکی با ایران را مطرح

کردند. پیام داد برای آقای خمینی و این پیام را به صورت جزوه درست کرده و عکس امام را در تلویزیون مطرح کردند تا بین شیعه و سنی اختلاف ایجاد کنند. باز این‌ها بر ایشان دردی را دوا نکرد و ملت رشید و انقلابی افغانستان خوب درک کرده بود که این دشمن اسلام و مسلمین و دشمن شیعه و سنی است. لهذا به حرف‌های‌شان گوش ندادند، مبارزات آن قدر شدت گرفت که هشتاد درصد سرزمین خود را آزاد کردند. روس‌هایی که در این جا با ارتش مجهز یعنی همان ارتش سرخ آمده بودند، برای یک هفته توقع داشتند که مبارزین افغانستان را سرکوب می‌کنند و مسأله افغانستان را خاموش می‌کنند و برمی گردند، مدت هاست که در آنجا آمدند و یک وجب زمین را که در دست مسلمانان آزاد شده بود روس‌ها گرفته نتوانستند.

(روی این جهت) توطئه دیگری را در دست گرفت. آن توطئه این بود که ۴۵٪ یا ۶۰٪ (که جزء) ارتش سرخ از مناطق مسلمان نشین بود وارد خاک افغانستان کردند، فکر می‌کردند که این‌ها با مردم افغانستان همزبان، هم نژادند و می‌توانند در صفوف ملت و مجاهدین رخنه کنند.

شکست توطئه‌های روسیه

لهذا این توطئه‌ها با آن زرنگی و هوشیاری انقلابی ملت افغانستان دفع شد، بر عکس به ضرر روس‌ها تمام شد، این جا مردم مسلمان که در ارتش روسیه بودند از نژاد ازبک و تاجیک و ترکمن، وقتی که در افغانستان آمدند، این جا نه تنها شکست توطئه‌های روسیه در افغانستان اثری منفی برای مجاهدین نگذاشت بلکه مجاهدین اثرات مثبت بالای روحیه آن‌ها گذاشت و آن‌ها در صدد شدند که با مجاهدین در رابطه و در تماس باشند. سلاحشان را برای مجاهدین بدهند و از آن‌ها کتاب دعا،

قرآن بگیرند. روس‌ها سخت احساس خطر کردند این‌ها را با ارتش روسیه اصلی عوض کردند و از کشورهای اروپایی در افغانستان آمده بودند که الآن ۱۰٪ از (سربازان) سرزمین مسلمان نشین در ارتش روسیه در افغانستان نیست.

در این جا بود که روس‌ها ناچار شدند تاکتیک را عوض کنند، یعنی آن برنامه‌ای که در اروپای شرقی و کشورهای مسلمان نشین تحت حکومت روس به اجرا گذاشته بود و پیروز از آب در آمده بود و تجربه (آزمایش) شده بود که پیروزی را برای روس‌ها به وجود آورده بود، همان را در دست گرفت، و آن تشکیل جبهه‌ای ملی پدر وطن (بود). به خیال خام خودشان خیال می‌کردند که این انقلاب در افغانستان وقتی که شروع شده از طرف سرمایه داران و زمین داران است و کسانی که تقسیم اراضی بر ضررشان بود و مصادره اموال به ضررشان بود، سرمایه هایشان را گرفته این‌ها قیام کردند. از آن شعاری شصت ساله‌ای که این‌ها در دوران حکومت مارکسیست در روسیه و از روسیه در جهان پخش کرده بودند عقب نشینی کردند، فعلا اعلام کردند که همه اموال مصادره شده را برمی گردانیم و زمین‌هایی را که به قول خودشان که چندی قبل شعار می‌دادند که این‌ها زمین خوارانند و فئودال اند، دشمن مستضعفین یا دشمن کارگران و دشمن دهقانان است، از این‌ها گرفتند و به این‌ها به عنوان مالکانی وطن پرست برگشتاندند و جبهه ملی پدر وطن را تشکیل داند، شاید بتوانند از این راه، بر ملت مسلمان افغانستان ضربه وارد کنند. بر اراده آهنین این‌ها خدشه وارد کنند و این‌ها را بتوانند سریع تسلیم کنند.

این جا بود که باز مردم قهرمان افغانستان و انقلابیون مسلمان و هوشیار افغانستان، این توطئه را خنثی کردند. یعنی شروع کردند به افشاگری این مهره‌های کثیف و ترور و کشتار این‌ها (لذا)، معاون اوّل جبهه ملی پدر وطن زده شد، تمام توطئه‌های این‌ها خنثی شد. اوّل شروع کرده بودند این‌ها از بین ارباب قبایل دو تا معاون برایش تعیین کرده بودند یکی از نژاد پشتون و یکی از نژاد هزاره که به اصطلاح هم مسأله مذهبی را دامن می‌زد و هم مسأله قومی را دامن می‌زد و این دو تا نفر هم نفرهای کهنسال و پیرمردی بود که در دوران تاریخ گذشته در مقابل حکومت‌های قبل مبارزاتی برای نژادشان انجام داده بود از محبوبیت هم برخوردار بودند.

این‌ها را آوردند، اغفال‌شان کردند و به عنوان معاون اوّل و دوم مطرح کردند تا مردم را از راه تبعیضات نژادی و مذهبی در زیر پرچم جبهه ملی پدر وطن بکشانند. ولی این مردم قهرمان افغانستان آن قدر هوشیار و زرنگ شده بودند که دیگر گول این دسیسه‌های خارجی و روس‌ها را نخورند. لهذا همین‌ها را که قبلا در میان‌شان محبوبیت داشت ترور کردند. مجاهدین این‌ها را کشتند و مردم برای کشته شدن این‌ها جشن گرفتند و این توطئه خنثی شد.

جوانان و تربیت مارکسیستی

توطئه سوم را شروع کردند، روس‌ها (تشکیلاتی) را به عنوان جوانان پیش آهنگ و دفاع از انقلاب تأسیس کردند. برای تربیت دراز مدت، نزدیک ده‌ها هزار بچه مسلمان را پائین تر از سن شانزده ساله، در حزب وارد کردند آن وقت هم بردند در روسیه در این جا طرح داشت و این طرحش این بود که این‌ها را یا مارکسیست درست کنند یا اگر مارکسیست درست نتوانستند حداقل اخلاق اسلامی‌شان را خراب کنند که تا در آینده یک مجاهد، یک سلاح به دست در مقابلشان نباشد.

این جا بود که باز مردم مسلمان و قهرمان افغانستان این توطئه را خنثی کردند، یعنی اکثراً بچه هایشان را در مناطق آزاد شده فرستادند یا به خارج فرستادند و قاطعانه در مقابل این طرح هم ایستادند و نگذاشتند که این طرح روس‌ها عملی شود در این جا بود که طرح دیگری ریختند.

فرار ارتشیان

وقتی ارتش روسیه در افغانستان آمد ارتش افغانستان از بین رفته بود، چون که ارتش افغانستان ۹۰ هزار نفر بود، این ۹۰ هزار از بین رفته یا کشته شده بود، در دست مجاهدین یا فراری شده بود یا به مردم افغانستان تسلیم شده بود (و تقریباً) به ۲۰ هزار رسیده بود. لهذا (روس ها) طرح ریختند که ارتش از بین رفته افغانستان را احیاء کنند و شروع کردند از پانزده به بالا تا ۴۰ ساله را به دوره سربازی گرفتند، در مقابل ماهی ۳ هزار تنخواه معین کرده بودند تا بتوانند در این دوره‌های متعدد دو هدف را بگیرند که این دو هدف را روس‌ها در افغانستان پیاده کنند. هدف اوّلش احیای ارتش

بود و هدف دوم خاموش کردن مبارزات شهری در بین شهرهای بزرگ و حملات شدیدی که شبانه به مراکز دولتی انجام می‌شد، در این جا این مسأله را خاموش کنند چون دوران مبارزه برای مردم در همین سنین است.

باز هم این توطئه را خنثی کردند و این توطئه هم دردی را برای روس‌ها دوا نکرد و بلکه مردم رفتند در مناطق آزاد شده سلاح گرفتند و بچه‌ها در این دوران یا در ارتش هم که رفتند آنجا ضربه زدند فرار کردند به مجاهدین تسلیم شدند، یا در خارج آمدند شروع کردند به کار کردن و پول تهیه کردن برای مجاهدین.

از این جهت که ارتش را احیاء بکنند ارتشی که به ۲۰ هزار رسیده بود، بعد از ۵ سال زحمت روس‌ها به ۳۰ هزار رساندند و ۹۰ هزار را هنوز تکمیل نتوانسته و در رابطه با مسایل حملات شهرها، مجاهدین با هوشیاری انقلابی شان، مسایل را همان طور داغ نگه داشتند و این توطئه دولت خنثی شد.

لهذا مرتب در این جا سفارت روسیه و کاخ ببرک کارمل، مورد هجوم واقع می‌شود و مبارزات کشانده شد به شهر، باز هم در این جا نتوانستند خاموش کنند، یا کنترل کنند، این توطئه‌های متعدد روس‌ها بود که در افغانستان به کار برده بودند.

رفتار وحشیانه با غیر نظامیان

توطئه دیگری که در این جا باز به دست گرفتند مسأله‌ای بمباران غیر نظامی‌ها و بمباران‌های شیمیایی بود. و از بمب‌های ضد نفر به شکل قلم و چراغ دستی و این‌ها پخش می‌کردند که مردم بی گناه و غیر نظامی را از بین ببرند و ضربه بزنند و ایجاد وحشت و ترس بکنند تا دست بردارند از حمایت مجاهدین که این هم به جایی نرسید، مناطق زراعی مردم را زدند و مزارع مردم را آتش زدند تا مردم را تحت فشار قرار بدهند و این‌ها خنثی شد و کاری نتوانست از پیش ببرد.

بعد از دخالت روس‌ها که آن روز ایجاد وحشت عجیبی در سراسر شهرهای تحت سلطه افغانستان ایجاد شده بود و وحشت برای تمام مسلمانان تمام منطقه به وجود آمده بود، ملت قهرمان افغانستان یک شبه بعد از نزدیک یک ماه از دخالت نظامی روس این وحشت را شکستند. مخصوصاً مردم کابل شب برآمدند سر بام هایشان نعره اللّه اکبر سر دادند فردایش هم یک تعداد غسل کردند کفن پوشیدند شروع کردند به

تظاهرات کردن و کلانتری‌ها را تصرف شدند که در این تظاهرات همه اقشار مردم شرکت کردند. خواهران بیشتر شرکت کردند حتی زن‌هایی که بچه‌هایی در سینه‌شان بود... روی تانک رفتند و یک بار ثابت کردند در دنیا که مردم افغانستان با دست خالی در مقابل تانک ایستاده است. و این تانک‌های که شما (روس ها) آوردید کابل را و تمام خیابان‌ها را با تانک پوشاندید (ما از آن هراسی نداریم) این جا است که آن وحشت و رعبی که برای مردم پیش آمد از بین رفت، قهرمانی ملت افغانستان اثبات شد. در پهلوی این مسأله، مزار، پلخمری، بغلان، سمنگان اعتصاب عمومی کردند و دست به تظاهرات زدند.

البته روس‌ها در این جا وحشیانه رفتار کردند، از زمین و هوا مردم بی دفاع را زدند و این تظاهرات را شکست دادند و صدها کشته و زخمی به جای گذاشتند، نزدیک صد هزار نفر دستگیر شد، و صدها هزار نفر که در کشورهای همسایه آواره است. ولی این همه توطئه‌های روس را خنثی کردند و این ببر کاغذی که از روس‌ها در سطح جهان جلوه کرده بود اثبات کردند که ببر کاغذی است.

هیولایی که از آن درست شده بود هیولایی پوچی است، وحشتی که در مطنقه ایجاد کرده بود و تمام سرمایه‌ها و منابع طبیعی کشورهای اسلامی را آمریکا می‌بلعید به عنوان این که ما از شما در مقابل روس‌ها حمایت می‌کنیم، این‌ها را بی اعتبار کردند و به دنیا ثابت کردند که روس‌ها با این همه تجهیزات ارتش در مقابل یک مردم پا برهنه و دست خالی هیچ شدند. و سیاستش نابود شد در مقابل روس‌ها تا این دوران، نزدیک تا آخر سال ۱۳۶۷، ۵۲ هزار کشته در افغانستان دادند و از نگاه سیاست خارجی و نظامی شکست خوردند، دست دراز کردند به سوی همتایش برای مذاکره و دست ذلت را به سوی آمریکا پیش کردند که مذاکره بکنند و یک نفری را در افغانستان باز حاکم بکنند که مرعوب روسیه و آمریکا باشد، یعنی هر دویشان توافق بکنند.

برگشت ظاهر شاه، طرح توافق دو ابر قدرت

لهذا رفتند سراغ ظاهر، ظاهر خائن را که هر دو تا بر سر حکومت ظاهر موافق بودند مطرح کردند و حکومت موقت را مطرح کردند، حتی در آن وقتی که در سال

۱۳۶۲ دولتی در حال تبعید سر و صدایش پیش آمد که مطرح شود، خود سربازان روسیه و حکومت دست نشانده روسیه در افغانستان از این حکومت تبلیغ می‌کرد و این را برای مردم تبریک می‌گفت. چون روس‌ها آن وقتی که در افغانستان دخالت کردند، سه چهار تا هدف مشخص داشتند که در این عقب نشینی کرده بودند و از یکی دو تا هدف‌شان دست برداشته بودند، با این ۵ سال یا ۶ سال مبارزه مداوم مردم افغانستان شکست خوردند، هدف اوّلش مسأله کنترل کردن منطقه سوق الجیشی و منابع طبیعی افغانستان و هدف دوم مهار کردن انقلاب اسلامی در افغانستان و جلوگیری از نفوذ این انقلاب به جمهوری‌های مسلمان نشین روسیه، و هدف چهارم دست یابی به آب‌های گرم بود، که شش سال در این منجلاب بودند، اما نتوانستند یک وجب زمین آزاد شده را از دست مسلمانان خارج کنند.

از این که به آب‌های گرم دیگه الآن نمی‌رسند عقب نشینی کردند. فقط برای این که این انقلاب اسلامی را مهار بکنند و در افغانستان یک حکومت اسلامی اصیل به وجود نیاید تا ضرری برای ابر قدرت‌ها نباشد و مخصوصاً برای روسیه، سراغ ظاهر (شاه) رفتند، خواستند که در ظاهر یک حکومت اسلامی باشد ولی در باطن ضد مردم، مزدور شرق و غرب باشد. از این جهت بود که سخت از حکومت در حال تبعید روس‌ها این جا تبلیغ می‌کردند و تبریک می‌گفتند. حتی کسانی که مأمور دولت بودند از جبهه ملی پدر وطن سلاح داشتند، عکس‌های ظاهر را پخش می‌کردند و تبریک می‌گفتند، از قبیل شیر آقای چنته عکس‌های ظاهر را پخش می‌کرد و سلاح از طرف پدر وطن گرفته بود و این مسأله بود که باز مردم قهرمان افغانستان به هیچ کدام گوش نداد با این صداها و نفرها مبارزات مسلحانه‌شان را آن چنان شدت داد که از این مسأله مأیوس شدند که این مسأله اثری ندارد.

در آن وقت که مسأله حکومت ظاهر، در حال تبعید بود و مذاکره روم به شدت ادامه پیدا کرد، سفیر روسیه در پاکستان اعلام کرد که ما نود و پنج درصد توافق کردیم و به توافق رسیدیم. سر مسأله افغانستان با پاکستان و حکومت دست نشانده مان در افغانستان که به تدریج از افغانستان خارج می‌شود. دلال بین المللی، رئیس سازمان ملل، که لانه جاسوسی آمریکا و روسیه است، غیر از طرح‌های آمریکا و روسیه هیچ

طرحی را در دنیا مطرح نمی‌کند، اعلام کرد که مذاکره پیش رفته، دارد مسأله صلح پذیرفته می‌شود و روس‌ها از این جا (افغانستان) عقب نشینی می‌کنند.

شکست مذاکرات ژنو

در این موقع بود که مجاهدین قهرمان افغانستان ضربه‌های خرد کننده‌ای را بر سر ارتش روسیه و اشغالگران روس و حکومت دست نشانده روس وارد کردند، یک دفعه برای جلسه بعد که در ژنو جمع می‌شدند دچار مشکلات شدند و جلسه به پایان رسید و این مسأله خنثی شد و ملت افغانستان اعلام کردند... برای آمریکا و دست عاجزانه به طرف آمریکا دراز کردند و بر سر میز مذاکره با آمریکا نشسته و مسأله خاورمیانه را در مقابل مسأله افغانستان معامله کردند، این دو ابر جنایتکار معامله کردند که مسأله فلسطین را به نفع اسرائیل تمام کنند. روس‌ها دیگر این جا به دروغین حمایت از فلسطین نکند.

در مقابل آمریکا هم بگذارد که این جا مسأله افغانستان را با نظر خود روس‌ها مطرح بشود. باز این مسأله خواب و خیالی بیش نیست مطمئن باشند. در این مسأله، همانطور که تا حالا تمام طرح‌های روسیه را این ملت قهرمان خنثی کردند، این طرح را خنثی خواهند کرد و جواب رد، باز خواهند داد، برای این که مجاهدین افغانستان اعلام کردند که با روسیه از راه تفنگ و سلاح مذاکره دارند، هیچ مذاکره دیگر ندارند تا حالا، همین طور که افغانستان، قبرستان روسیه است این سربازان روسیه از این جا زنده نخواهند رفت.

ملت افغانستان باید این سرزمین‌های اشغال شده از قبیل بخارا و تاجیکستان را که روس‌ها اشغال کرده آزاد بکند، همان طوری که با روس‌ها مبارزه کردند و ثابت کردند که این ملت روس‌ها را به زانو در آورد، جواب آمریکا و آمریکایی‌ها را خواهند داد و کسانی که به حمایت از آمریکا در افغانستان چشم طمع بسته به حکومت، آن‌ها را سر جایشان خواهند نشاند. این ملت اثبات می‌کند و اثبات کرده در طول تاریخش که ضد خارجی بوده و ضد هر خارجی که چشم طمع به این سرزمین دوخته مخالف است با او، فرق نمی‌کند چه آمریکا باشد چه روس‌ها باشد. همان طوری که در مناطق آزاد شده الآن مسأله مرگ بر روس‌ها و مسأله مرگ بر آمریکا هماهنگ پیش می‌رود و

شعار این ملت، این است که یک حکومت اسلامی مستقل در افغانستان به وجود بیاورد (و به) هیچ چیزی دیگر راضی نخواهد شد.

خواست ملت افغانستان

این جا است که ان شاء اللّه، در این مذاکره که روس‌ها با آمریکایی‌ها در دست گرفته، در خاورمیانه و در این جا در هر دو جایش ناکام خواهد شد، همانطوری که ملت لبنان در خاورمیانه آمریکا را به زانو در آورده است، خودش را فراری داد و همتای فرانسوی‌اش را فراری داد و اسرائیل هم با آن وضع فجیع که در لبنان در حال فرار است و جشن می‌گیرند وقتی که سربازان و ارتشیان اسرائیل از لبنان جان سالم می‌برند، در افغانستان هم همین روز را سر روس‌ها ملت قهرمان افغانستان می‌آورد و تا حکومت اسلامی از پای نمی‌ایستند.

من معتقدم سرزمینی که به زور اشغال شده باید به زور آزاد شود و غیر از این راهی دیگر را مجاهدین قبول ندارند و هیچ گونه حق مذاکره‌ای حتی در دنیا، برای (هیچ) کسی قائل نیستند که با سرنوشت‌شان بازی کند با حیثیت‌شان بازی کند، قیّمی برای مردم افغانستان غیر از خودشان در خارج قائل نیستند.[1]

---

۱. سال ۱۳۶۱ هـ ش.

سمینار نهضت‌های آزادی بخش

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

الحمد للّه رب العالمین و الصلوة و السلام علی محمد و آله الطاهرین. اما بعد، قال اللّه الحکیم فی قرآن واجب التعظیم: و نرید ألا نمنّ علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمّة و نجعلهم الوارثین.[1]

درود بی پایان بر شهدای اسلام، خصوصاً بر آن شخصیت‌ها که امروز شدیداً به وجودشان نیاز است و جایشان خالی است، شخصیت‌هایی هم چون مرحوم شهید استاد مطهری و مرحوم شهید مظلوم آیت اللّه دکتر بهشتی و شهید سید محمد باقر صدر در عراق و هم چنین شهید علامه بلخی در افغانستان، که امام امت و رهبر عالی قدر اسلام درباره این شهداء تعبیر درستی دارد که این‌ها سرمایه‌های عظیم برای ملت‌ها هستند و واقعاً هم این شهداء، اگر امروز در افغانستان و عراق می‌بودند، مسأله افغانستان و عراق حل بود.

و درود بی پایان بر شهدای لبنان و افغانستان و جنگ تحمیلی عراق بر ایران در جبهه‌های غرب و جنوب، و سلام بر رهبر بزرگ جهان اسلام امام خمینی این نایب بر حق (امام زمان(عج) و) رهبر مستضعفان جهان، که در این برهه از زمان، خداوند این

---

۱. و ما خواسته‌ایم تا بر آنان که در زمین به محرومیت کشانده شده، منت نهاده آنان را به امامت و میراث بری بر حاکمیت زمین برسانیم! سوره قصص، آیه‌ی ۵.

نعمت بزرگ را به جهان اسلام و مستضعفین ارزانی داشته است. و سلام بر امید امام و امت، فقیه عالی قدر آیت اللّه العظمی منتظری که امروز را، (یعنی) روز تولد منجی عالم بشریت روحی فدا را؛ روز «جهانی مستضعفین» اعلام کردند. این روز، روز امید نجات مستضعفین است و آغاز مرگ مستکبرین و این فقیه عالی قدر هم چنان که امید امام و امت ایران است، امید اسلام هم است.

و اما این جا مطالبی را باید عرض کنم خدمت برادران، اوّل از برادران سپاه و خصوصاً واحد نهضت‌های آزادی بخش سپاه که به دنبال فرمایش فقیه عالی قدر دعوت کردند از نمایندگان نهضت‌های آزادی بخش جهان که در این جا جمع شویم، سپاسگزاری کنیم و آرزومندم نتیجه بگیریم از این جمع شدن. من فکر می‌کنم این جمع شدن فوائد بسیاری دارد که اهم آن در سه محور است:

اولا: باید تجارب و عوامل پیروزی و رشد انقلاب کبیر اسلامی ایران را بشناسیم؛ تا این تجربیات را در نهضت‌های جهان اسلام به کار ببریم.

ثانیاً: بازگویی دردهای جهان مستضعفین به یکدیگر در این سمینار، تا درصدد رفع آن‌ها و یافتن راه حل برای آن دردها و مشکلات برآئیم.

و ثالثاً در ارتباط با مظلومیت انقلاب اسلامی افغانستان. به حق باید عرض کنم خدمت برادران که این انقلاب و این ملت به قدری مظلوم است و این نهضت به قدری مظلوم است که شاید تاریخ هنوز نمونه‌اش را ندیده باشد و امیدوارم بعد از این گردهمایی‌ها دیگر ملتی و نهضتی این مظلومیت را نبیند.

علل تجاوز ابر قدرت شرق در افغانستان

برای این که وقتی انگیزه تجاوز روسیه به افغانستان مطرح می‌شود و آن کارهایی که در افغانستان کرده و آن فداکاری‌های را که این ملت مظلوم در مقابل ابر قدرت شرق تجاوزگر انجام داده است، هنوز ملت‌ها نمی‌دانند، هنوز نهضت‌های اسلامی نمی‌دانند، شهدایی را که افغانستان در راه اسلام تقدیم کرده، هنوز آن طوری که حق دارند از آنان تجلیل نشده است. اکنون موضوعات فوق را قدری بررسی می‌کنیم:

نخست انگیزه تجاوز روسیه را باید بررسی کنیم. تحقیقاً انگیزه تجاوز، در بین شرق و غرب یک چیز است و آن مسأله کشورگشایی به سبک مدرن آن و غارت منابع

طبیعی و نابود کردن اسلام و مسلمانان است. اگر برادران در این شک دارند. اگر آمریکا را در دنیا تنها «جهانخوار» می‌بینند و نه روسیه را، باید اعمال روسیه را بررسی کنند. آیا روسیه نبود که هفتاد میلیون مسلمان را در «بخارا» له کرد و سرزمین‌هایشان را گرفت؟ و اکنون به حدی در خفقان به سر می‌برند که به هیچ وجه نمی‌توانند در این گونه مجالس و گردهمایی‌هایی شرکت کنند؟ آیا این با خفقان رژیم‌های آمریکایی فرق دارد؟ مگر مطامع آنان (روس‌ها) با مطامع آمریکا فرق می‌کند؟ مگر بخارا یک روز سرزمین اسلامی و دانشگاه اسلامی نبود؟ در آنجا مگر نشر احکام اسلامی نمی‌شد؟ چرا امروز خبری از آن نیست؟ مسلمانان شوروی را در افغانستان علیه ما به جنگ می‌فرستند، فکری بکنید! نمی‌دانم که به چه زبانی عرض کنم و با چه زبانی از برادران گلایه کنم؟ هنوز که هنوز است بین استعمار روسیه و آمریکا فرق گذاشته می‌شود. چگونه بگویم که در سطح جهانی کارهای روسیه و آمریکا هماهنگ انجام می‌شود. امروز درد ملت خودم را باید روشن تر برایتان بگویم، این سربازان مسلمان شوروی قرآن را مخفیانه خریداری می‌کنند و می‌برند به روسیه، این درد نیست؟ آیا شما درباره هفتاد میلیون مسلمان (شوروی) تا حالا فکر کرده اید؟ آیا این‌ها وقتی در افغانستان وارد شدند چه کار کردند، که این ملت قیام کرد؟ هر چه قرآن و کتب اسلامی دستشان آمد آتش زدند. هان‌ای مسلمین! آیا این قرآن، قرآن افغانی بود، یا اسلامی؟ امروز در افغانستان در بین پیرمرد و پیرزن و بزرگ و جوان، یک سنت دیرینه شده است، هر جا که روس‌ها حمله می‌کنند و مردم شکست می‌خورند، از تمام اموالشان هیچ چیز برنمی دارند، غیر از قرآن، چرا که می‌فهمند این‌ها دشمن قرآنند، من کسی را در مشهد دیدم از مهاجرین افغانی که از نزدیک مرز روسیه با افغانستان مهاجرت کرده بود، یعنی از منطقه «بدخشان» پیرزنی با پیر مردی، بعد از طی دو ما مسافرت که پاهایشان ورم کرده بود، شب در مشهد رسیدند. وقتی که ما فردایش آن‌ها را دیدیم چیزی در دست‌شان نبود، غیر از دو سه تا جلد قرآن کریم، گفتم برادر و خواهر! مگر در ایران قرآن نبود که قرآن آوردید؟ گفتند: از ترس روس‌ها آوردیم چون روس‌ها وقتی که در آنجا مسلط شدند قرآن‌ها را آتش می‌زنند.

امروز ما در افغانستان نزدیک به یک میلیون شهید داده‌ایم ولی هنوز دنیا خبر

ندارد، نزدیک به چهار سال است، حدود صد و پنجاه هزار زندانی سیاسی از ما گرفته‌اند که از سرنوشت‌شان خبری نداریم، زن و بچه و پدر و مادرهایشان نیز نمی‌دانند که آیا عزیزان آن‌ها زنده‌اند و یا مرده و شهید شده اند؟ نمی‌دانم این سازمان‌های بین المللی که آلت دست ابر قدرت هایند در کجا هستند؟ امروز ما نزدیک به چهار میلیون آواره و مهاجر داریم، در کدام انقلاب دنیا این همه مظلومیت بوده و در مقابلش این همه بی تفاوتی؟ درباره مهاجرین ما در خارج به عنوان یک مسلمان عمل نشده که هیچ، بلکه به عنوان یک انسان آواره هم عمل نشده است، چرا؟ نمی‌دانم. آیا شما می‌دانید در دنیا وقتی که کسی مهاجر و آواره می‌شود از نیازهای اوّلیه‌اش که «سواد آموزی است» برخوردارند؟ در هیچ یک از کشورها برای مهاجرین و آوارگان افغانی حق سواد آموزی وجود ندارد.ای کاش می‌دیدند که وضع بهداشت و زندگانی در داخل افغانستان چگونه است، این ملت چطور و با چه شرایطی مبارزه می‌کنند؟ اکثر اوقات نان جو و علف صحرا می‌خورند و در مقابل ابر قدرت شرق و کشورهای «پیمان ورشو» مبارزه می‌کنند. در آن وقتی که آن‌ها با بم و هواپیماهای بم افکن و تانک‌ها و زره پوش‌ها علیه این ملت یورش بردند به هیچ چیز رحم نکردند، نه پیر، نه جوان، نه کودک، نه زن و نه مرد، اگر امروز ایادی آمریکا در مصر به ناموس زندانی‌های مصری تجاوز می‌کنند و مستضعفین جهان حق دارند که ناله کنند و اعتراض کنند. عین این اعمال و جدی تر از آن را روس‌ها با ناموس مسلمانان افغانی انجام می‌دهند. آیا ما مسلمان نیستیم؟ که نه کسی فریاد ما را می‌شنود و نه (چیزی) می‌گوید و نه سر و صدایی است. آیا شما باور ندارید که این همه جنایت را این‌ها (روس‌های پلید) انجام داده اند؟ به خاطر خدا و رسول اللّه، به افغانستان مسافرت کنید، ببینید جنایت‌های روس‌ها را و از این تلقی بیرون بیایید که در دنیا تنها آمریکا جنایت کار است.

همه باید برای آزاد کردن لبنان و قدس بجنگیم

ما علاوه بر آنکه روسیه را عامل به وجود آمدن صهیونیزم در دنیا می‌دانیم، آن را مولود پلید آمریکا هم می‌دانیم، ولی در حد خودش. امروز روسیه استعمارگر و وحشی در افغانستان جنایت می‌کند، تعجب در این است که حتی از این برادرانی که در نهضت‌های رهایی بخش جهان حضور دارند، عده‌ای «مرگ بر روسیه» را هم در این

شرایط قبول نمی‌کنند! ببینید، بررسی کنیم شاید آن قدر که ما برای لبنان و نسبت به تجاوز به آن ناراحتیم، شما ناراحت نباشید. یک پیشنهاد عملی: بیایید که همگی برویم، در لبنان و قدس بجنگیم. ما حاضریم که برویم و بجنگیم. اما برخی از شما حاضر نیستند، که بگویند مرگ بر روسیه! این سر جایش که در لبنان تجاوز شده، ولی این را هم بگویم که ما برابر شیعیان لبنان شهید داده ایم. چهار برابر شیعیان لبنان آواره داریم. آیا این جنایت روسیه، ما را وادار نمی‌کند که بگوییم مرگ بر روسیه؟ بله قبلا در دنیا یک معادله بود که در هر جا که نظام، نظام روسی بود، اگر ملت‌ها و مستضعفین قیام می‌کردند، در مقابلش می‌گفتند، این جنبش آمریکایی است. ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تولد جدید اسلام، در صحنه مبارزه، برادران! باید این معادلات را مبارزات جدید قرار بدهیم، ما نمی‌گوییم که در جنبش و گروه‌ها وابستگی نیست. ولی می‌گوییم ملت‌های مسلمان هیچ وقت وابسته نیستند. بلی، درباره وابستگی همین قدر بگویم که این دردی است که استعمار بر سر ما و شما آورده است. در مبارزات جدید بعد از این پیروزی‌هایی که اسلام به دست آورده، یک تجدید نظری باید کرد. در مبارزات اگر وابستگی؛ اسارت نیاورد، که مسلماً می‌آورد، اگر وابستگی انحراف نیاورد، که مسلماً می‌آورد، این وابستگی‌ها و کمک گرفتن از شرق و غرب را محاسبه کنیم، در آن جایی که شرق تجاوز می‌کند، نهضت‌هایی که از غرب کمک می‌گیرند، راضی نشوند و علیه آن اعتراض بکنند. در آنجایی هم که غرب تجاوز می‌کند آنهایی که از شرق کمک می‌گیرند کتمان نکرده و اعتراض کنند، حداقل وابستگی، بالاترین موفقیت برای ابر قدرت هاست. پس باید تجدید نظری در روش‌های مبارزاتی‌شان بکنند و اسلام را به عنوان یک مکتب جامع در تمام ابعاد قبول کرده و به عنوان یک سنگر، در مبارزه قرار داد. و از آنجا به ابر قدرت‌ها حمله کرد که این طرح صد سال پیش سید جمال الدین بوده و می‌گفت: اسلام مکتبی است همه جانبه، برای مبارزه با توطئه‌های یکسان استکبار جهانی!

باید اسلام را چه از نظر فکری و مبارزاتی و چه از نظر اقتصادی، سنگر قرار داد و سنگرهای کفر را کوبید، نه اینکه اسلام را چیزی قرار داد که وقتی که دیگران آمدند و حمله کردند ما از اسلام دفاع کنیم. در ایام قبل از پیروزی انقلاب تمام دانشمندان

و متفکرین و مجاهدین اسلامی، در ایران حالت دفاعی به خود گرفتند، اگر مسأله آزادی غرب مطرح می‌شد، بعضی شروع می‌کردند برای توجیه کردن، که آزادی‌های اسلام را با غرب تطبیق بدهیم، اگر حقوق بشر در سازمان ملل مطرح می‌شد، ما شروع می‌کردیم به توجیه کردن حدود اسلام. هکذا مسأله کار و کارگر که در شرق مطرح می‌شد، یک عده از دانشمندان و متفکرین ما رفته اند، برای توجیه کردن این که در اسلام چه مساواتی است و چه جریانی است؟ و اگر کسی در مبارزه قدم برداشت در صدد می‌شود تا مبارزات موجود را با مبارزات اسلامی تطبیق دهند. از این مسأله برگردیم، می‌گویم تمام چیزهای لازم در اسلام هست، شما اگر تجربه کنید در ظرف سه سال وقتی که انقلاب اسلامی ایران پیروز شد، این‌ها شروع کردند، به این که توجه‌ها را از اسلام برگردانند، باید از این جا دشمن را بزنیم، این حالت باید الگوی مجاهدین و رهبران نهضت‌ها باشد. اولین شخصی که این فکر اسلامی و جهانی را مطرح کرد مرحوم شهید محمد منتظری بود که حق شایانی بر نهضت‌ها و این رژیم اسلامی دارد. یعنی اوّل در ایران این فکر را ایشان مطرح کرد که باید نهضت‌ها را جمع کرد و این‌ها را در مقابل استکبار جهانی مسنجم کرد، اگر چه امروز با آن فکر عمل شده ولی بنیانگزارش ایشان بود، خدایش رحمت کند.

دخالت ابر قدرت‌ها در امور کشورهای اسلامی

ایشان در اوّل پیروزی انقلاب در زمان دولت موقت این مسأله را مطرح کرد که جنایتکاران شرق و غرب نمی‌گذارند این انقلاب نوپا رشد کند، از این که آن‌ها جنگی را روزی علیه ایران شروع کنند، باید ما برویم فلسطین اشغالی و در آنجا با صهیونیست‌ها بجنگیم. که آن روز دولت موقت این مسأله را قبول نکرد، مسئولین ایران هم نتوانستند هضم کنند. فکر می‌کنم اگر آن روز این مسأله را قبول می‌کردند، دیگر جنگ تحمیلی عراق به وجود نمی‌آمد، اگر این نیروی عظیم اسلامی علیه صهیونیسم جهانی در آنجا بکار گرفته می‌شد، امروز مسلماً این غده سرطانی از بین رفته بود. ولی در این جا که آمدند و جنگ را شروع کردند مسأله عربیت را دامن زدند مسأله عرب و فارس را مطرح کردند و با هزار مسأله و تبلیغات استعماری ایران را متهم کردند که از اسرائیل دارد سلاح خریداری می‌کند. ولی اگر این حرکت عملی

علیه صهیونیسم آن زمان آغاز می‌شد، دیگر مسأله پیش نمی‌آمد.

حالا هم اگر شما تصمیم نگیرید که در سرزمین‌های اشغالی مانند بخارای عزیز و قدس عزیز جنگ را شروع کنیم، در همه کشورهای شما این‌ها خواهند آمد و زمین‌ها را اشغال خواهند کرد. بعد ما از شما خبری نخواهیم داشت و شما هم از ما، برای شما بگویم که ملت قهرمان و شجاع افغانستان، روسیه تجاوزگر را در افغانستان به بن بست رسانده و آن چنان سیلی به صورتش زده که الآن دنبال رفیق دیرینه‌اش آمریکا رفته است و مذاکرات و کنفرانس‌هایی تشکیل می‌دهند تا توافق کنند که از آنجا آبرومندانه تر برگردند. بدانید اگر این ملت نبود (هیچ وقت روسیه حاضر به خروج از افغانستان نمی‌شد) چون هدف روس‌ها تنها افغانستان نیست و روسیه (در واقع) آب‌های گرم را می‌خواست و برای رسیدن به هدفش افغانستان را انتخاب کرده بود.

ولی این را بدانید، ان شاء اللّه، همین طور که اسلام عزیز، در جنگ تحمیلی عراق بر ایران ثابت کرد که شروع کردن جنگ به دست آن‌ها بود، ولی خاتمه دادن از دستشان خارج است، در افغانستان هم عین همین مسأله اتفاق افتاد. ان شاء اللّه هیچ وقت نمی‌توانند شعله جهاد مقدس ملت افغانستان را خاموش کنند، ما در مسیر مبارزه به افغانستان اکتفا نخواهیم کرد و بخارای عزیز را نیز از دست روس‌ها خواهیم گرفت.

صحبتم در این جا درباره مظلومیت (مردم و انقلاب) افغانستان بود، ما نزدیک به یک میلیون شهید داده‌ایم و حالا هم داریم شهید می‌دهیم، برای نمونه یک چیز را برای شما عرض می‌کنم، بعداً شما خودتان پی به مظلومیت این ملت خواهید برد. در افغانستان امروز مجروح با شهید یک حکم را دارد، فرقش در پنج الی ده روز است. یعنی آن که شهید می‌شود با آن فردی که زخمی می‌گردد، چند روز بعد به علت نبودن پزشک، همین عزیزان ما دردمندانه به خدای خود می‌پیوندند! مسأله بهداشت که برای این ملت اصلا فراهم نیست. این‌ها ملتی هستند که با این مظلومیت، با نان جو و گیاه مبارزه می‌کنند و در مقابل یک تجاوزگر که تمام امکاناتش را پیمان ورشو تأمین می‌کند مقابله می‌کنند، ولی یک پزشک در بین این‌ها وجود ندارد و (متأسفانه) هنوز هم در دنیا این مسأله منعکس نشده است. ولی با تمام این مشکلات ۷۵٪ یا ۸۰٪ از خاکش آزاد شده است. این مسأله را برای شما عرض کنم، بعد از انقلاب اسلامی

ایران که با رهبری خردمندانه امام، و ارشاد علماء مسئول، ملت را مذهبی بار آورده است. (و لیکن) در تمام جهان الآن مانند ملت افغانستان مردم مذهبی پیدا نخواهیم کرد. فقط تکیه به خدا و قرآن و مکتبش دارد، که در مقابل این جنایتکار مردانه ایستاده‌اند و هشتاد درصد زمین‌های اشغالی را آزاد کرده اند. الآن برادرانی در جهان اسلام هستند که مبارزات طولانی در پیش دارند و تجربیات زیادی در این زمینه دارند، ولی هنوز یک وجب از خاکشان آزاد نشده است، ولی از شهامت و جوانمردی این ملت با این وضع هنوز دنیا مطلع نیست، چون کسی نمی‌رود به افغانستان، تا اوضاع مبارزاتی امت ما را از نزدیک مشاهده کند.

عملکرد یکسان ابر قدرت‌ها

وقتی بچه‌های جوان روسی، به افغانستان می‌آیند و ما سؤال می‌کنیم که در روسیه وضع دینداری چگونه است؟ می‌گویند: همان پیرمردها یک چیزهایی را هنوز می‌خوانند ولی هیچ چیز نمی‌دانند، آری! این هدف مشترک همه ابر قدرت‌ها است که اسلام را نابود کنند. شما اگر در تاریخ و تحولات سیاسی فلسطین و در پیدایش اسرائیل و جنگ اعراب و در تاریخ جنگ ایران و عراق و در تاریخ جنگ افغانستان دقت کنید، برنامه‌های یکسان ابر قدرت‌ها را می‌یابید.

از هر دو طرف یکسان عمل می‌شود، یعنی وقتی که کشور اسلامی ایران با عراق مبارزه می‌کند، تمام میک‌ها و تانک‌ها را روسیه می‌دهد، مسأله کردستان به دست ایادی روسیه به وجود آمد. در مسأله ترکمن صحرا عوامل آن‌ها بود و بعد از پیروزی فتح المبین که واقعاً افتخاری است، روس‌ها از مرزهای افغانستان می‌آیند و مرزهای ایران را بمباران می‌کنند، این را چه توجیه می‌کنید؟ اگر توطئه‌ها یکی نیست، اگر این‌ها دلشان نمی‌خواست که جنگ را شروع کنند پس خاتمه‌اش را خودشان بکنند. آیا این همه مهاجر یهودی که از روسیه آمدند به اسرائیل و این غده سرطانی را در آنجا تشکیل دادند، چگونه توجیه می‌نمایید؟ آیا درباره‌اش هیچ فکر کرده‌اید یا نه؟ امروز ملی گرایی و مسأله التقاط فکری و لیبرالیسم که مکتب‌های وابسته به شرق و غرب هستند، در مقابل انقلاب اسلامی افغانستان نه ایستاده اند؟ آیا امروز که ۸۰٪ از خاک افغانستان آزاد شده و نزدیک به پیروزی است ان شاء اللّه. مگر در ایتالیا کنفرانس

سوسیالیستی تشکیل نمی‌دهند تا نماینده و مهره آمریکا با دولت دست نشانده ببرک صحبت می‌کند، بعد هم سوسیالیست‌ها در ایتالیا جمع می‌شوند و ایادی آمریکا و روسیه روی این توطئه‌ها بحث می‌کنند. آیا این توطئه‌ها طرح ریزی شده از جانب هر دو ابر قدرت نیست؟ آیا باز می‌شود این مسأله را طرح کرد که روسیه بگونه‌ای عمل می‌کند و آمریکا طوری دیگر؟ خیر! این تصوری ساده‌لوحانه است.

من فکر می‌کنم که از این جا باید تجدید نظری شود، برای کلیه نهضت ها، که از این وابستگی‌ها رها شوند، نجات قدس عزیز نه در واشنگتن هست، نه در کرملین، فقط با برگشت به قرآن و مکتب، مسلمانان می‌توانند، مقتدرانه قدس عزیز را آزاد کنند. در این جا مسأله‌ای را باید نتیجه بگیریم که این گردهمایی و بیان دردها و شنیدن آن؛ دردی را دوا نمی‌کند. بلکه باید برادران از انقلاب اسلامی ایران به عنوان نمونه و الگویی که در منطقه پیروز شده است، بنا به وظیفه اسلامی، تا آخرین قطره خون حمایت کرده و آن را پیروز نگه دارند. زیرا مسأله این نیست که چون این پیروزی در ایران شده، ما این پشتیبانی را می‌کنیم، اگر جلوتر از آن، همین پیروزی نصیب ملت مسلمان افغانستان می‌شد، می‌بایست همه ما به عنوان نهضت‌های آزادی بخش حسب وظیفه شرعی و مبارزاتی و مکتبی مان از آن حمایت می‌کردیم، خداوند به همه ما و شما توفیق عنایت فرماید.[1]

والسلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته

۱. سخنرانی رهبر شهید در سمینار سراسری نهضت‌های آزادی بخش جهان در هتل استقلال تهران، ۱۳۶۱ش.

قسمت دوم:

از مجموعه سخنرانی های رهبر شهید استاد عبدالعلی مزاری (ره)

بعد از تشکیل حزب وحدت اسلامی

اخلاق در راه وحدت

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

خدمت انور شما عرض می‌شود که در رابطه با مسأله حزب وحدت، فکر نمی‌کنم و نمی‌کردم و بعد از این هم فکر نمی‌کنم که حزب وحدت منهای این گروه‌ها و یک گروه دهم باشد، این مسأله نیست. چون برادران در صحبت هایشان این بود که یک حزبی را آنجا جور کرده آمده‌اند سر ما تحمیل می‌کنند.

ما خدمت برادران عرض می‌کنیم که اگر برادران برای آینده حزب وحدت، برای تضمین و بقایش نگرانی دارند، ما به امضاء و قرآن آقایان شک داریم، لذا ما آینده حزب وحدت را (پیش بینی) نمی‌توانیم که بگوییم تا آخر اختلافی و انشعابی پیش نمی‌آید. اما در این ده ماه که... از عمرش گذشته، کسانی که در داخل بوده تعهد سپرده و این تعهد را حفظ کرده منتهی ما این را خدمت برادران روشن کنیم که ما این جا که جمع شدیم روی مبنای تشکیلات گروه‌ها جمع شدیم یعنی احزاب را اوّل آوردیم متحد ساختیم بعد در رابطه با اشخاص و دسته‌های مسلح و دسته‌های سیاسی در اخیر اساسنامه برنامه داریم که امروز این جا خواندیم و تعداد برادران گوش کردند.

روی وضعیت احزاب هم، دو تا قانون وجود دارد، احزاب یا دارای شورای رهبری است (یا شورای مرکزی، و اگر شورای مرکزی دارد) شورای مرکزی‌اش بیاید با صلاحیت از طرف او امضاء بکند و اگر رهبری است با صلاحیت رهبری بیاید امضاء بکند. ما تعهدی که در بامیان کردیم این دو تا معیار رعایت شده است، آقای بهشتی

آنجا سمت رهبری دارد، در شورای اتفاق نماینده هایش آمده امضا کرده و شش نفر را این جا مشخص کردند که با این‌ها هم مذاکره بکنید، در یک وقت این دو نامه نوشته شده است.

که بعد از این... از اعضای شورای مرکزی گروه‌ها آمدند با صلاحیت دو بار امضاء کردند در داخل بلکه سه بار امضاء کردند در داخل، یک بار در جاغوری امضاء کردند دو بار در بامیان امضاء کردند ـ چند بار دیگر در داخل است که خود برادران می‌دانند من نمی‌دانم و جناب آقای جاوید این جا اشاره می‌کند که شورای نظارت اصلا اسمش بحث نشد آقای هاشمی و آقای محقق این جا هست، بحث شده و در آن مصوبه هم که امضاء کردیم اسم شورای نظارت آمده است و از ایشان هم خواستم که از طرف آقای محسنی شما صلاحیت دارید، گفتند: آری!

وظایف هیأت در قبال وحدت

لذا بعد از این که این طوری است ما روی آن مبنا روی آن تشکیلاتی که در بامیان به وجود آمده هیأت بودیم از آنجا آمدیم، مجموعه هیأت هیچ وظیفه‌ای برای مذاکره با گروه‌هایی که این جا هست ندارد، هر کس که آن جا امضاء کرده موظف است با گروهش با صلاحیت بوده بی صلاحیت بوده شورای مرکزی‌اش کم معرفی کرده زیاد معرفی کرده این تشکیلات برای بار اوّل گروهی به وجود آمد، مؤظف است آن نماینده هایش جواب گروهایش را بگوید.

ما برای اعلام مواضع حزب وحدت و ایجاد نمایندگی در خارج آمدیم، از برادران مسئول که در این جا هستند، به وجود بیاوریم و دفترها را ادغام بکنیم، این وظیفه ما بوده است. هیچ وظیفه برای اینکه فلان گروه بحث دارد نداشتیم تا حالا هم روی تقاضای برادران و روی مسؤلیت در مقابل منافع تشیع داشتیم با هر کسی هم که مذاکره کردیم و بعضی‌ها که حاضر به مذاکره نشدند مکرراً ما نفر فرستادیم، بعضی‌ها هم رفتند حالا هم می‌گوییم این (کار) اشتباهی بوده است و برادرهای هم که آنجا تعهد کرده با این تعهد اعضایشان احترام گذاشته تا حالا حرف نزده ما از ایشان تشکر می‌کنیم.

همان طوری که کسانی رفته به عنوان گروهش امضاء کرده رو به قبله قرآن را

برداشته که از طرف گروه ام امضاء می‌کنیم این برادران آمده رعایت کرده ما از این مسأله تشکر می‌کنیم. هیچ شرطی را و هیچ مسأله را بعد از توافق از طرف گروه، ما وظیفه نداریم که بپذیریم و هیچ مذاکره را هم وظیفه نداریم که بکنیم، از نگاه شرعی آن‌ها فیصله شده بود، در بامیان که نحوه اعمال ولایت فقیه در افغانستان برود پیش شخص رهبر جهان اسلام و رفتیم و گفتیم و الآن مطمئنیم و هیچ خدشه نداریم.

لهذا و این وظیفه برادران است که با اعضایش که آنجا رفته از طرف رهبری اش، از طرف شورای مرکزی اش، امضاء کرده یا قانع می‌کند یا صلاحیت داشته یا نداشته اعلان بکند، فلان نفری که آمده امضاء کرده صلاحیت نداشته آن وقت است که حزب وحدت وظیفه پیدا می‌کند که با این گروه که در وحدت نپیوسته چه برخورد بکند و چه صحبت بکند؟ لهذا این وظیفه ما نبوده و (یک بحث) عوضی است.

وحدت تشکیلاتی شرعی و قانونی

از نظر ما وحدت این جا از نظر شرعی (کارش) تمام شده است، از نظر عرفی تمام شده، از نگاه تشکیلات تمام شده، ما خارج از شورای مرکزی، خارج از رهبری در گروه پذیرفته نمی‌توانیم و حتی هیچ کس را نسبت به این شرایط، ما مذاکره هم برای بعد نداریم. چون هیچ تضمینی نیست، نه در امضاء تضمین است، نه در سوگند تضمین است، نه در مسایل دیگر، تضمین نیست. مشکل از این جا است آنچه که در آینده است، آینده را که هیچ کس تضمین نمی‌تواند. اگر روحانیت می‌گویید در همین شصت نفر شورای مرکزی، شاید ۵۵ نفر تمامی آن روحانی باشد، اگر نفس روحانیت تضمین است در این مسأله (موجود است).

اما در رابطه با شروط جناب آقای محسنی ما پذیرفتیم از قول خود هم برنمی گردیم ولی ما به نفع تشیع هم نمی‌دانیم، بعد از این هم نمی‌دانستیم، برای این که مشکلی را که ۱۴۰۰ سال حوزه نجف نتوانستند حل بکند نزدیک هشتصد سال ـ نهصد سال حوزه

قم نتوانستند حل بکند مگر می‌تواند این را شش نفر حل بکند!

یکی از مسایلی که در این جا مطرح است و وظایفی که آورده مطرح کرده، مسأله وجوهات است و مرجعیت است و تعیین مرجعیت است و تعیین مرجعیت امام را ۱۲ نفر از حوزه قم مشخص کرد و نوشت، همه‌اش هم امروز قانع هستید که آن‌ها مجتهد بوده کی قبول کرد؟ آمد در رأس یک حکومت هم قرار گرفت و دنیا هم به رهبری جهان اسلام قبول داشت، مگر توانستند که مسأله مرجعیت را یکی بکند هر آخوندی که از خانه‌اش بیرون می‌شود از اوّلش مبنایش این است که بروم درس بخوانم یک خط وکالت از فلان آغا بیاورم ۶ تا طلبه تربیت بکنم، مبنای آخوندی این است، تنها سه هزار و پنج صد نفر طلبه در قم دارید، یک هزار آن واجد شرایط این مسأله است، مگر ما می‌توانیم بگوییم این شش یا ده نفر مرجع باشد؟ مگر می‌توانیم بگوییم که از فلان مرجع تقلید نکن؟ این یک چیزی است که مبنایی است در قلبش است و در برداشتش است اصلا شدنی نیست.

۶۵ نفر که از خبرگان الآن آمده‌اند که همه‌تان قبول دارید که این‌ها خبره است. آقای خامنه‌ای را تأیید کرده‌اند رهبری‌اش را کسی قبول کرده واقعاً آقایان قبول دارند؟ این یک چیزی است که اوّل اختلاف از این جا است و این به ضرر تشیع است. ولی برای این مسأله که ما ارزش قائل شدیم به آقای محسنی قبول کردیم با نماینده‌اش امضاء کردیم و الا یک آخوند حاضر نمی‌شود از وجوهات کسی که مربوطش باشد دست بردارد یا از وکالت!

نقش مرجعیت در جامعه تشیع

در افغانستان معروف است، فلان آغا از فلان مرجع تقلید کرده، آقای دیگر گیر کرده که این، چه می‌گوید؟ از فلانی اگر گفت از مرجع دیگر تقلید کنید، همه‌تان می‌دانید این مسأله را. امام یک رهبر بدون منازعه بوده در جهان اسلام، در فرانسه نامه نوشت آقای عالم و آقای صادقی (پروانی) را تأیید کرد و دستور داد که وکلای من وظیفه دارد، در افغانستان به این‌ها مراجعه بکنند و وجوهات را مصرف بکند که خیلی از علمای که این جا هست وکالت داشت از امام، شما و خدا و وجدان‌تان در طول ۱۱ سال یک بار گفتید و خواستید؟ این چه مسأله است که این را بیاوریم در این جا

محدود بکنیم و نمی‌توانیم. باعث اوّل نزاع در این جا است. همین که آقایان می‌گوید جای خودش، اما مثل این است که هزار نفر طلبه در صف است و درس خارج هم تمام کرده خوب هم می‌فهمد و همه‌اش می‌گوید در شورای عالی نظارت باشد. وکالت خط داشته باشد قابل حل نیست، یک چیزی که در حوزه، امام (ره) در رأس امور بوده در این جا گفته حوزه را نظم بدهید و برنامه ریزی بکنید و امتحان بگیرید و یکسری علماء را بفرستید برای نماز و برای مسایل گفتن نرفتند.

این چطور شد که با این حوزه مقتدر، این مسأله قابل حل نیست، ولی برای چهار تا شیعه افغانستان قابل حل است، آن هم به قول ابراهیم شاه شهید در آنجا مردم امام جعفر صادق(ع) را قبول ندارد، بعد ما بسنجیم برای این که این یک چیزی است که در افغانستان قابل قبول نیست ما تمام احترام را گذاشتیم تا این جا آمدیم بعد از این هم ما اختیار هم نداریم، جنگی که در آن جا خاموش شده صلحی که برقرار شده جنگ‌های ضد دولت که اعلان شده همه‌اش روی مبنای حزب وحدت بوده و همان حزب وحدتی که پیش آقای خامنه‌ای بردیم گفته مورد تأیید است و این که برادران در رابطه با مسأله دولتی صحبت می‌کند برنامه حزب وحدت از روزی که تشکیل شده، این بوده که هر کسی که متهم به دولتی بود، به شورای مرکزی گرفته نشود، خود آقایان می‌داند که ما کی‌ها را رد کردیم و قبول کردند اعلامیه داده شده که پیگیری شود و نفرها دستگیر شود و سه نفر هم کمیته ویژه تشکیل دادیم، چطوره که این آقایانی که همه تضمین را برای احزابش دارد، این همه دسته دسته رفتند در آنجا گرفتند، من در یک جلسه دیگر هم در این جا بحث کردم اگر بنا باشد دامن این مسأله را باز بکنیم و بالا بزنیم، بعد معلوم می‌شود که کی رفته و و کی گرفته؟ ما نخواستیم این مسأله را بگوییم.

لذا وظیفه ما این جا است، طبق آن مبنا هیأت وظیفه هایش این بوده، الآن جمهوری اسلامی بعد از تأیید ولی فقیه که نمی‌خواهد اعلان بکند ـ و برادران هم که پشیمان شده نمی‌پذیرند هیأت رسالتش در همین جا تمام است با هیچ کس مذاکره ندارد، صلاحیت هم ندارد، هر کی در گروهش است آنجا آمده امضاء کرده رهبری بوده گفته با صلاحیت آمدیم امضاء کردیم، تشکیلات شورایی بوده با تشکیلات شورائیش تمام

شده است، ما وظیفه مذاکره نداشتیم.

این جا هم از خاطر جمع شدن تشیع رفتیم، عذر کردیم، نشستیم، تا این جا نتیجه نداد، نتیجه معکوس داد، برادرانی که آمده با صلاحیت از طرف گروه‌ها امضاء کرده با این هیأت است، ما چند روز این جا هستیم، اگر برادران صلاحیت داشت قانع می‌کند گروهایش را، حرفی نداریم که جمهوری اسلامی هم بپذیرد که حزب وحدت شد، چون از نگاه مقام رهبری که بگویید، تمام شده و اگر نتوانستند اعلان بکنند گروه اعلامیه بدهد که این افراد بی صلاحیت بوده، ما نرفتیم، ما دیگر بحث نداریم، برادرانی هم که تا حالا لطف کرده تحمل کرده روی قرآن ما، روی امضاء ما، احترام گذاشته، در دلشان همه چیز بود، حرف نزدند ما از ایشان صمیمانه تشکر می‌کنیم روی این مبنا که رفتند، با این صلاحیت امضاء کردند و گروه‌ها را گفتیم منحله!

حالا که از نو بناست این جا (صحبت شود) ما در این جلسات حق شرکت، حق نشست نداریم، آقایان اختیار دارند در این جا وحدت می‌کنند یا نمی‌کنند، گروهی قبلی‌اش را ادامه می‌دهند یا دیگری را ادامه می‌دهد، وظیفه ما در همین جا تمام است و ختم.[1]

والسلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته

۱. سال ۱۳۶۸ش، تهران.

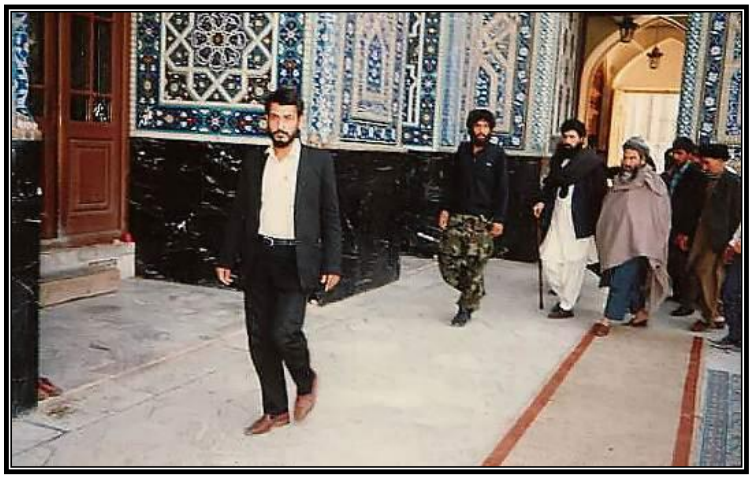

شهید سجادی در پرتوی کلام رهبر شهید(ره)

با عرض معذرت از محضر اساتید و طلاب عزیز و دانشمندان حوزه علمیه مشهد مقدس که من هیچ گونه آمادگی برای صحبت کردن نداشتم، فقط طبق امریه خانواده این شهید عزیز که برای من شهادتش از نگاه روحی و روانی اثرات فوق العاده گذاشته، چون در زندگانی ایشان از آن مدتی که با شخصیت ایشان آشنا بودم سرم اثر داشت، (لذا) آمدم که چند دقیقه‌ای مزاحم وقت شما عزیزان بشوم، بسیار مناسب است که درباره شخصیت این شهید، صحبت شود و این مجلس برای آن دایر شده که روضه خوانی شود و آن علاقه‌ای که خودش داشت سینه زده شود و نوحه سرایی شود که در وصیت نامه‌اش تذکر داده که من به هیچ کدام این مسایل صلاحیت ندارم. تقدیر و زمان این طور پیش آورد که تکلیف این جهاد به دوش ما افتاد و امروز از این که چندین سال با ایشان در سنگر مبارزه بودیم، لازم می‌بینم که چند کلمه‌ای درباره زندگی ایشان صحبت کنم. ما با این شهید عزیز و این شخصیت بزرگ از سال ۱۳۵۵ آشنا شدیم. در همین مشهد مقدس از آن وقت که آشنا هستیم از ایشان اخلاص، عرفان، صداقت و تلاش درباره انقلاب تا حالا دیدم.

سهم گیری در انقلاب

چهار تا نمونه این مسأله را خدمت شما بیان می‌کنم و دیگر درباره‌اش آن دوستان که از سابق با ایشان آشنا بودند مخصوصاً برادر دانشمندش که خودش در وصیت نامه

خود گفته که زندگی نامه را تدوین کن و بیرون بده. شاید برای انقلاب و برای مردم ما مفید باشد که این‌ها را خدمتتان بعداً تدوین می‌کند و در جریان قرار می‌گیریم، ظاهراً سه بار یا چهار بار ایشان، در دوران انقلاب در افغانستان با کتاب و با یک سری وسایل فرهنگی رفت. شما می‌دانید کسی که طلبه است در حوزه است، در رفاه است، انقلاب هم این جا پیروز شده به عظمت و برکت انقلابش روحانیت هم این جا جایگاه خاصی پیدا کرده. مشکلات افغانستان تحمل کردن و رفتن کار آسانی نیست، با این که ایشان در آن سفری که رفته بود زندانی شد و سخت‌ترین شکنجه را دید، باز که آزاد شد، آمد و مدتی طول نکشید که برگشت. وقتی که برگشت تمام مناطق شیعه نشین را به عنوان احیاء مدارس دینی از طرف حوزه که رفته بود راه رفت. مدارس را بررسی کرد در آن سفر هم باز دچار همین مشکلات زندان و دستگیری و شکنجه شد و بحمداللّه خلاص شد، بعد از این جا وقتی که کسی می‌رود در خارج یعنی خارج از ایران برای افغانستان شما می‌دانید، در حوزه معمول است که سه ماه یا چهار ماه شهریه‌اش را برایش می‌دهد و این سید بزرگوار وقتی که در آنجا رفت نزدیک چهار سال در افغانستان ماند و متأسفانه شهریه‌اش هم قطع شده بود و این مسایل را هم می‌دانست و هیچ فشار اقتصادی و روانی بر روحیه‌اش اثر نکرد، این یک شاخصه بسیار مهم است در زندگی ایشان که فکر می‌کنم، در بین جامعه ما یا کم نظیر است یا بی نظیر این یک مسأله.

عفو و گذشت

مسأله دوم: بالای ایشان در این سفر سوء قصد شد، وقتی که می‌خواست وضوء بگیرد و برای نماز خواندن آماده شود و خود را آماده بکند با خدایش در راز و نیاز باشد، این جا سرش فیر شد و زخمی شد و این نفر هم دستگیر شد، این‌ها مسأله‌ای نیست که شما فکر بکنید که چرا این طور شد؟ چون در افغانستان زیاد بوده و زیاد شده (است.) اما آن نقطه‌ای که می‌خواهم در این جا بیان بکنم و قابل ارزش است، آن مسأله‌ای است، این نفری که به ایشان سوء قصد کرده بود همه مسایل را هم اعتراف کرد. به گناهش هم اعتراف کرد که: من با این قدر وعده و وعید می‌خواستم فلانی را بکشم! برادران به ایشان نامه نوشتند، چون این نفر در جای دیگر زندانی بود، خودش

در لعل بود. گفتند الآن اعتراف کرده! چکار می‌کنید؟ این از شخصیت‌های بزرگ است و از شاخصه‌ای است که برای کم نفر پیدا می‌شود عفو با قدرت، همان که جدش علی(ع) می‌گوید. و ایشان عفو کرد و گفت که من بخشیدم، این ارزش داشت، تکان دهنده بود و الا در افغانستان شما می‌دانید با چه بهانه‌های مردم را کشتند! با چه بهانه‌های واهی مردم از خانه‌اش برده کشته شده، یک کسی که در وقت وضوء سرش فیر می‌شود و دشمنش دستگیر می‌شود و اعتراف می‌کند که من برای کشتنش این تصمیم را گرفته بودم و این عفو می‌کند به عقیده من این شاخصه، شاخصه بزرگی است و می‌ارزد.

این عزّت و این شرف و این مسایل، همه‌اش برمی گردد، به این خانواده بزرگ و این حوزه بزرگ که شخصیت‌های این چنین به جامعه تحویل دادند، و تلاش کردند و الا می‌توانست با این مسأله غوغایی راه باندازد که صدها نفر دیگر هم کشته شود، قاتل را به دست خودش عفو کرد. گفت: من بخشیدم و گذشتم. به عقیده من این نقطه بسیار بارزی در زندگی ایشان است.

وحدت خواهی

مسأله دیگری که می‌خواستم در زندگی ایشان تذکر بدهم، آن مسأله وحدت و وحدت خواهی ایشان بود. برادران عزیز در این جا هستند و تاریخ این مسأله را شاید در آینده انقلاب هم ثبت بکند، به حق ما می‌توانیم برای وحدت بنیانگذار این وحدت، این سید بزرگوار را بگوییم، امکان دارد.

خیلی‌ها آمدند و این میثاق را امضاء کردند، خیلی‌ها هم آمدند و منشور وحدت به وجود آوردند ولی پایه گذاری این وحدت را، آن مجمعی که در پنجاب تشکیل شد، با پیشنهاد این سید بزرگوار بود که برادر عزیزمان جناب حاج آقای عرفانی حضور دارد و این پیشنهاد را ایشان کرد، در این جا سمیناری دایر کنیم، سه روزه یا چهار روزه، از تمام مسئولین چند ولسوالی دعوت کنیم و در رابطه‌ی وحدت صحبت کنیم، این مسأله با پیشنهاد ایشان شد و با صحبت ایشان به وجود آمد و بیشترین اداره این سمینار را هم ایشان انجام دادند.

اگر چند من خودم، در این سمینار نبودم، بنا شد که وقتی تعیین شود و از مسؤلان

داخل دعوت شود در پنجاب، سمینار بعدی برای وحدت گذاشته شود که از این جا پایه گذاری شد، دعوت شد از تمام مسئولین جهادی از قسمت شمال، ارزگان، پروان، میدان، بامیان، جوزجان و همه در لعل جمع شدند، از این جا این مسأله گسترش پیدا کرد و بهسود آمد و در جاغوری منشور وحدت امضاء شد که برادر عزیزمان آقای عرفانی این مسأله را آورد، در خدمت شما برادران و این را مطرح کرد. برنامه بعدی بامیان بود، در برنامه بعدی تعدادی از احزاب وعده گرفته بود که چون رهبرانشان در خارج اند، اجازه بگیرند و بیایند، در بامیان با صلاحیت این وحدت را تکمیل کنند که باز در بامیان وقتی که جلسه دایر شد، این هم زمان بود، با رحلت رهبر بزرگ جهان اسلام حضرت امام که بدون شک و تردید گفته می‌توانم که برای این وحدت، این روح بزرگ و این عزای دردناک، برای جهان اسلام و مخصوصاً برای شیعیان افغانستان بسیار مؤثر بود که این وحدت تشکیل شود. چون وقتی که این مصیبت بزرگ واقع شد، چهل روز عزای عمومی در مناطق آزاد شده اعلام شد و روضه خوانی و عزاداری شروع شد که شما باز فریاد این سید مظلوم را درباره امام در همین جلسه نگاه کردید و او چطور عاشقانه از امام و خط امام داد می‌کشید در آن مناطق و این هم اثر داشت که بعد از چهل روز برادران دوباره در بامیان جمع شود برای میثاق وحدت.

باز مسایلی که در آنجا من خودم در حضور این برادران بودم، نقش تعیین کننده و فعال را این سید بزرگوار، برای تدوین میثاق وحدت و تعیین اساسنامه و این‌ها داشت، از جمعی که تعیین شده بود که میثاق وحدت را تدوین بکند، یکی‌اش باز سجادی عزیز بود. آن روز که بنا بود همه این میثاق را امضاء بکنند بعد از امضاء شدنش در تصویب نامه‌اش که فیلم ویدئوی‌اش موجود است باز آن عشق و علاقه‌ی که داشت خواندن این مسأله را خودش کرد و این سیر تاریخی وحدت را در آنجا گفت که این‌ها ضبط شده و فیلم پری شده. لهذا ایشان اثر فوق العاده در به وجود آمدن این وحدت داشت، از این بابت است که ما به قاطعیت گفته می‌توانیم که بنیانگذار این وحدت که خواست تمام مردم ما و تمام شهدای ما و تمام مجاهدین ما است، این سید بزرگوار و مجاهد عارف و مخلص می‌باشد.

امروز شما که جمع شده‌اید از خاطر شهادت این شهید بزرگوار ما، در واقع این

عمل شما احترام گذاشتن به انقلابتان و ارزش هایتان است.

سجادی عزیز به خاطر شما چهار سال از خانواده‌اش برید و رفت در افغانستان کار کرد و زحمت کشید، چهار ماهه مأموریت گرفته بود که برگردد تا وقتی که من در ایران آمدم خانواده این‌ها شهریه‌اش قطع بود من متأسفم، متأثرم... روی این بود که جمهوری اسلامی ایران برای مجمع شیعیان پول زیادی مصرف کرده بود و نفر زیادی را هم خواسته بود از همه نقاط دنیا برای انسجام تشیع و استحکام وحدت، ما از این برادران که زحمت می‌کشند تشکر می‌کنم، زحمت کشیدند وظیفه اسلامی‌شان را انجام دادند از این حقیر هم دعوت کرده بودند و اصرار داشتند که باشیم. من احترام کردن به سجادی با رفتن در مجمع را اولی تشخیص دادم و آمدم به عنوان وظیفه شرعی گفتم اگر امروز به سجادی احترام نمی‌گذاریم، به انقلاب و مردممان احترام نمی‌گذاریم. چون مثل ایشان فداکار، همان طوری که اوّل گفتم یا بی نظیر است یا کم نظیر، لذا از این جهت بود و وظیفه شرعی ام بود با برادران هم گفتم که نمی‌توانیم شما هر چقدر که اصرار کنید من احترام سجادی را مقدم می‌دانم از خاطر که مادر پیرش و خانواده رنجدیده اش! دلشان نرنجد در این جلسه شرکت نمی‌کنم، با این جنازه می‌روم در مشهد تا مراسم تدفین و این‌ها تمام بشود.[1]

یاد یادآور، (بیوگرافی شهید عبدالحمید سجادی) انتشارات مجله حبل اللّه، شماره، صفحه ۱۴.

---

۱. سخنرانی رهبر شهید در مشهد مقدس، ۱۳۶۹ش.

شیعیان افغانستان، پیروان واقعی حضرت علی(ع)

لا حول و لا قوة الا باللّه العلی العظیم، اعوذ باللّه من الشیطان الرجیم. بسم اللّه الرحمن الرحیم. الحمدللّه رب العالمین و الصلوة و السلام علی محمد و آله الطاهرین و بعد قال اللّه فی قرآن واجب التعظیم: ان اللّه لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم.[1]

برای روح شهدای اسلام و مخصوصاً شهدای مظلوم افغانستان صلوات ختم بفرمایید. (صلوات).

با تشکر از احساس پاک شما برادران، با اینکه مسجد ضیق است و در تکلیف هستید، ولی مطمئناً همانطور که قبلا خدمت شما عزیزان عرض کردم، این احساسات و جوش و خروش سرچشمه می‌گیرد از این که، شما واقعاً برای سرنوشتتان و برای آرمان شهدایتان، برای آینده‌تان فکر می‌کنید. و الاّ، از طرف خودم مطمئناً برای شما عرض می‌کنم که ما نه لیاقت این احساسات را داریم، نه سخنرانی آن چنانی که آن هم در حوزه علمیه قم، در نزد اساتید بزرگ و دانشمندان عزیز و طلاّب محترم، قطعاً صحبت کردن در خور شأنی که مورد توجه شما قرار بگیرد، از ما ساخته نیست.

جوش و خروش وحدت

ولی، مطمئن هستم که تمام این مسأله و این جوش و خروش، از خاطر وحدت و حزب وحدت است. از این جهت، امشب همانطور که در بهشت زهراء خدمت شما

---

۱. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۱۱.

برادران عرض کردم، ما وقتی که از داخل آمدیم، حرف‌هایی زیادی داریم نه از باب این که یک سخنور باشیم، یا یک سخنران و یا یک خطیب، نه، از باب این است که یک مقدار تجربه از داخل افغانستان، یک مقدار درد و یک مقدار رنج آوردیم (تا) برای شما طبیبان حقیقی جامعه بازگو کنیم و از شما بخواهیم که برای آینده جامعه‌تان و مشکلات جامعه تان، راه و جوابی را در نظر بگیرید. این است که امشب که متعلق است، به مولای متقیان و مظلومان، حضرت علی(ع) بسیار مشکل است که برای شخصیتی که دنیا و دانشمندان و نویسندگان و متفکران و سیاستمدارها درباره فضیلت و خصلت این مرد عاجزاند ـ آن هم در جامعه ایران، در حوزه قم ـ محضر روحانیت عزیز من حقیر درباره این شخصیت صحبت کنم.

فضایل حضرت علی(ع)

مسلماً شما از ما بهتر و خوب تر خصلت‌ها و فضایل این رهبر جهان اسلام و جهان انسانیت را می‌دانید. لهذا، خوب است از باب این که ادای احترام کرده باشیم، نه از زبان یک مسلمان، بلکه از زبان یک مسیحی این مرد را وصف کنیم. آن جرج جرداق مسیحی است که آن وقت که انقلاب حضرت امیر(ع) را با انقلاب کبیر فرانسه مقایسه می‌کند، می‌فرماید: که چه ظلمی کرده ام که دریا را، اقیانوس را، با جویی کوچک مقایسه کرده ام. انقلاب علی(ع) اقیانوس بزرگ است، امّا انقلاب کبیر فرانسه جوی کوچکی است، آن مرد درباره حضرت علی(ع) می‌گوید ـ چنانچه که در مثل این شب که شبی ٢١ رمضان است وقتی حضرت امیر(ع) جان به جانان تسلیم می‌کند، بین گلیم می‌پیچد ـ : «عدالت از جهان بشریت برچیده شد در آن شب». این مسیحی است که درباره علی(ع) فرموده است.

باز درباره علی(ع) از زبان مبتکر اسلام که پیامبر گرامی اسلام(ص) است، بگوییم. درباره علی(ع) در آن شبی، یا در آن روزی، یا در آن جنگی که حضرت امیر(ع) طرف لشگر، در جنگ عمرو ابن عبدود می‌رود، می‌فرماید: «کل اسلام رفت به سوی کل کفر». این مسأله آسان نیست.

سختگیری حضرت علی(ع) در بیت المال

باز درباره مردی که آن وقت که می‌اید حاکم می‌شود در ظاهر، یعنی در آن وقت که خلافت برای علی می‌رسد.

آن قدر از بیت المال حیف و میل شده بود، در دوران خلفای قبل که یکی از صحابه، وقتی که از دنیا می‌رود، وقتی که مابقی اموالش را در بین وراثش تقسیم می‌کند، طلا را با سبد بخش می‌کند. آن طور در اطرافشان انبوه نموده که نفری که طلا تقسیم می‌کند دیده نمی‌شود، علی(ع) در این وقت آمد، خلیفة المسلمین شد. در این وقت خزانه مسلمان‌ها در دست علی قرار گرفت، عقیل برادر بزرگ علی(ع) وقتی که می‌رود در شب خدمت حضرت امیر(ع) که از صورتش علامت گرسنگی پیدا بوده است، می‌رود در نزد علی که تو خلیفة المسلمین هستی، بیت المال در دست تو قرار گرفته است، باید برای عقیل که برادر بزرگ تو است، کمک بیشتر کنی.

عجیب است! عقیلی که هیچ وقت حضرت امیر(ع) از عقیل جلو نشده است، به عنوان احترام هر وقت که عقیل حرکت کرده است، حضرت امیر(ع) کفش هایش را جفت کرده است، تا عقیل ننشسته، علی به احترامش ایستاده است، ولی وقتی که با این حالت دستان طفلانش را گرفته می‌رود، حضرت امیر در جوابش چه می‌گوید؟ می‌گوید: عقیل آمدی مرا وادار کنی برای خیانت به بیت المال؟ می‌گوید: این جا بنشین شب تاریک شود، می‌رویم به بازار و این دکان را باز می‌کنیم، چون برای فرزندان شما آن سهمیه‌ای را که در بیت المال دارد می‌دهم کفایت نمی‌کند، اضافه این مسأله را از این دکان برمی داریم. عقیل تعجب می‌کند می‌گوید: یا علی مرا وادار به دزدی می‌کنی؟

قربانت شوم علی(ع)! همان طور که جرج جرداق مسیحی می‌فرماید که عدالت بشریت و انسانیت در بین گلیم شد و با دفن علی رفت. این جا است که می‌گوید: این که مسأله‌ای نیست، مال کسی است مشخص، امکان دارد که من یک وقتی رضایتش را بگیرم، اما تو که مرا وادار به دزدی بیت المال می‌کنی، که تمام مسلمین در آن شریک است، این را علی (چه) جواب بگوید؟

این است که این شب چون متعلق به این مرد بزرگ بود، این مردی که واقعاً در تاریخ، در زندگی‌اش و بعد از زندگی‌اش حالا هم، مظلوم‌ترین امام ما است.

مظلومیت علی(ع)

همانطور که مرحوم دکتر (شریعتی) در یکی از کتاب هایش می‌گوید: «مظلوم تر از علی در جامعه انسانیت نگذشته است». همین علی(ع) را در مثل همین شب، وقتی که در شب نوزدهم ضربه را زد، در محراب، سر و صدا در جامعه پخش شد که علی را در محراب با ضرب شمشیر زدند و افتاده است! مردم (شام) تعجب کردند که علی و محراب؟! علی و نماز؟!

همان طوری که در اوّل، خدمت شما عرض کردم از باب اینکه، این شب متعلق است به مولای متقیان، عرض ارادتی از فضایل این حضرت در محضر شما یاد کرده باشم. ولی من معتقدم که باید در افغانستان رفت و سراغ شیعیان علی و مظلومیت علی را باید در چهره شیعیان افغانستان و پیروان واقعی حضرت علی(ع) جستجو کرد که تمام این مظلومیت و تمام این اتهاماتی که در طول تاریخ برای علی(ع) گفته‌اند و جامعه آن روز و امروز درباره علی ظلم کرده‌اند و ظلم می‌کنند، درباره شیعیان افغانستان صادق است. واقعاً در این جا ما پی می‌بریم که این شیعیان چون راه علی(ع) و مصیبت علی(ع) و همه این‌ها را پذیرفته است این‌ها شیعیان راستین علی(ع) هستند، ان شاء اللّه.

خطراتی که حزب وحدت را تهدید می‌کند

می خواستم در سه محور بحث کنم، در رابطه با شیعیان افغانستان، مسأله بعدی، مسأله حزب وحدت اسلامی افغانستان است که الآن به وجود آمده است، درباره نحوه به وجود آمدنش و ضرورتش، برادران عزیز در چند شب گذشته صحبت‌هایی کرده اند. آن که من می‌خواهم خدمت عزیزان عرض کنم، اگر وقتم ایفا کرد، بیان کنم که این حزب وحدت در آینده و فعلا چه خطراتی متوجه‌اش است و برادران عزیز و دانشمندان و طلاب محترم باید این خطرات را متوجه باشند و این پدیده میمون و مبارک را حفظ کنند، چون وحدت درست است که به وجود آوردنش سخت است و سخت بود، اما حفظش و نگهداری‌اش و به ثمر رساندنش سخت تر است.

آن سه موضوع اوّل را که می‌خواستم خدمت برادران عرض کنم که واقعاً روی این سه تا موضوع حساب شده، در طول ده سال، برنامه ریزی شده است، برای قتل عام بعدی شیعیان. وقتی که موجودیت تشیع در خطر است، مسلماً موجودیت حزب وحدت

در خطر است. چون حزب وحدت جدا از سرنوشت تشیع، سرنوشتی ندارد، این سه تا مسأله در طول ده سال که به وجود آمد و یا بعضی هایشان تهمت است، این تهمت چرا؟

مسأله اوّل، مسأله جنگ‌های داخلی است. در رابطه با جنگ‌های داخلی، خدمت عزیزان عرض کنم که ما در این جا منکر این مسأله نیستیم که در گذشته جنگ داخلی بود.

شاید هم عوامل متعدد در این باره (وجود) داشت که الآن جایش نیست که در این جا تشریح بکنیم، که کدامش را ما تقصیر داشتیم و چقدرش از خارج و از دست‌های دشمن و از عقب ماندگی جامعه ما سرچشمه گرفته است. در این باره لازم به بحث نیست. فقط آن که می‌خواستم در این جا بحث بکنم که تا امروز روی این مسأله سرمایه گذاری شده است و تبلیغ شده است. حتی خود شیعیان و دانشمندان و طلابشان هم قبول کرده اند، این را می‌خواستم عرض کنم که آنچه تبلیغ می‌شود، نیست.

مسأله دوم، که باید این جا بحث بکنیم، مسأله وابستگی تشیع به نظام جمهوری اسلامی (ایران است) که این تبلیغات در سطح جهانی آن قدر تبلیغ شده است که طلاب عزیز سؤالات زیادی را در این دو روز که خدمتشان بودیم، مطرح می‌کردند که چقدر وابسته هستید و آینده‌تان و آینده تشیع چه می‌شود؟

مسأله سوم، اتهام دولتی بودن حزب وحدت (است).

این سه تا، اوّل مسأله اتهام جامعه تشیع و بعد مسأله حزب وحدت. می‌خواستم این مسأله را خدمت عزیزان ـ چون دانش و فهم سیاسی، اندیشه و تفکر و راه علاج باید در حوزه علمیه قم باشد ـ و شما علماء، از این جهت می‌خواستم این مسایل را خدمت شما بیان و روشن کنم.

مهار جنگ‌های داخلی به برکت وحدت

مسأله اوّل، آن چنان که تبلیغ شده است که مردم تشیع در طول ده سال، جنگ داخلی داشته و علیه روس و دولت دست نشانده روس، مبارزه نکرده است. این اتهام است و تبلیغ، که رویش سرمایه گذاری زیادی شده است، چون در یک انقلاب تا وقتی که ارزش جهادی در یک جامعه را از او نگیری، نمی‌توانی بعد قتل عامش کنی، این

مقدمه است برای تبلیغات و نتیجه آخر.

شما می‌دانید از وجود جامعه افغانستان و سنت‌هایی که در افغانستان بود و هست و رسومات و عقب ماندگی که در جامعه افغانستان از اثری حکومت‌هایی ظالمانه قبل و نظام‌های گذشته، طبیعی است که یکسری اختلافات وجود داشت. اما بیاییم مقایسه کنیم، واقعاً جامعه تشیع جنگ داخلی داشته است، یا برادران تسنن و هفتگانه؟

در سال ۵۹ که تا آن وقت یک تیری از تشیع به طرف یک تشیع دیگر فیر نشده بود، در منطقه مقر و لوگر، در بین دو تا جریان برادران تسنن، هزار نفر یک جا کشته شد.

هیأتی از پاکستان فرستادند که بین این‌ها صلح بکند، قومندانی که در آنجا بود هیأت پاکستانی را که از گروه‌های خارج از این دو گروه برای حلّ این مسأله رفته بود، همان جا گرفت و بندی (حبس) کرد.

آن قدر در بین این برادران در سمت شمال، هرات، هلمند، قندهار، لوگر و... آنچه را که رسانه‌های خبری دنیا پخش کرده است، اگر آمارگیری شود یک هزارمش را مردم تشیع جنگ نداشته است. چطور شد که در دنیا آن‌ها جنگ داخلی ندارند، و با روس مبارزه کرده و با روس جنگ کرده است و با دولت دست نشانده روس مبارزه دارد، ولی تشیع جنگ داخلی دارد؟

در یکی از صحبت‌های برادران که این جا به عنوان شکرانگی حزب صحبت می‌کرد به اسم آوردند که چهل هزار نفر شیعه در جنگ‌های داخل کشته شده است که تعجب کردم و بهت زده شدم.

این به این معنا نیست برادران عزیز! که شما خیال بکنید برای این مسأله که ما الآن بهت زده‌ایم و می‌گوییم نه، این قدرها کشته نشده است. ما برای یک جوان شیعه راضی نبودیم که کشته شود، ولی برای این مسأله مسلم است مسأله دارد، برای این که چرا شمایی که ده سال مبارزه کردید و بالاترین ارزش‌ها را خلق کردید و زنده کردید و این ارزش شما چطور زیر سؤال می‌رود؟ این را مطمئن باشید که من در دو هزار حتی هزارش هم معتقد نیستم که در بین شیعیان کشته شده باشد. درست است که ما جنگ داشتیم، ولی گفتم یک هزارم برادران تسنن ما جنگ نداشتیم.

چرا از آن‌ها در دنیا بوق نشد، با این که تمام رسانه‌های گروهی و تبلیغی در دست آن‌ها بود، در نشریات خود آن‌ها اقلا اگر مراجعه بکنیم، در همین اخیر که دولت موقت تشکیل دادند، گفتند: ما یک دست و یک پارچه هستیم، قضیه تخار، قضیه شوخی نبود، در هلمند همین نسیم آخوند زاده، آن قدر جنگید که طرفش رفت به دولت تسلیم شد، در قندهار و جاهای دیگر. امیدوارم که دوستان و عزیزان یک نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی افغانستان بکنند و گول این همه تبلیغات را نخورند. این‌ها حساب شده است، این مسأله را برای شما گفته می‌توانم که بله اختلافاتی بود، تبلیغاتی بود، ولی گفتم که یک صدم و یک هزارمش هم باز برنمی گشت به خود مسئولین تشیع، باز دستانی بود، تبلیغاتی بود، مسائلی که از خارج وارد می‌شد.

من اسنادی دارم در این مسأله، با یکی از فرماندهان برادران هفتگانه و از رهبرانش، آن قدر ما در داخل صمیمی بودیم، که مجاهدین ما در جنگ‌های ضد دولت یکجا با هم شرکت می‌کرد، در سطح تبلیغات خارج با هم تبلیغ می‌کردیم و هماهنگ بودیم که در نشریه‌های زیادی پخش شد که این دو یک حزب است. برای کوبیدن رقیبانش به نام دو حزب، در تشیع و تسنن به وجود آمده است!

در یکی از سمینارها در ایران هر دوی ما پهلوی هم، نشسته بودیم، به سؤالات پاسخ و جواب می‌گفتیم، از اقدامات ایران که امروز مرکز تشیع به حساب می‌رود آن قدر مسأله تبلیغات جهانی بالا گرفته بود برای ذبح کردن ما، که از (طرف) اطلاعات سؤال شده بود که شما با این حزب (هر دوی ما پهلوی هم نشسته بودیم) یکی هستید برای سرکوب کردن مخالفینتان؟ که من به آن رهبر حزب نشان دادم این سؤال را.

پیش همین برادر من رفتم در پیشاور گفتم: با این خوانینی که با مردم ما جنگیده‌اند و از منطقه فراری شده‌اند و مردم اینها را دوست ندارد و این‌ها سابقه سوء در بین مردم دارند و شما این‌ها را مسلح نکنید. این حقایق تلخی است که باید برای شما بگویم. گفت: چشم، دفترش را از بغلش کشید و قلم را گرفت یکی یکی اسم برد و گفت: هر چه به ما مربوط است یا به تنظیم اتحاد، ما جفتمان به شما تعهد می‌سپاریم که این‌ها را سلاح ندهیم و شما در داخل درد سری نداشته باشید. من هم خیلی خوشحال بودم که یک طرف قضیه را حل کردم که مشکلات دوباره در منطقه تشیع

نشین از این بابت عارض نمی‌شود ـ همان طوری که از اوّل برای شما گفتم من یک گوینده‌ی خوبی نیستم، اما یکسری تجربیاتی دارم ـ قشنگ تمامی این فراری‌ها را از ما لیست گرفت و دو ماه بعد همه را مسلح کرد و فرستاد به داخل که تا آخرین نفس هم جنگ داشتیم که به برکت میثاق وحدت حلّ کردیم و در بعضی جا هنوز نتوانستیم حلّ کنیم. این است مسأله، و این‌ها سلاح می‌دادند و کمک می‌کردند برای چه؟

باز از یک خان بگویم، که نامش خان است و خودش واقعاً متفکر است و واقعاً برای درد ملتش می‌سوزد خودش صحبت می‌کرد، وقتی که پاکستان آمدم همه گروهها با من تماس گرفت، حتی دولت پاکستان که بیا، تو محور خوانین هستی، در طول تاریخ خانی کرده‌ای و بزرگی کرده‌ای و همه تو را قبول دارد! بیا هر قدر سلاح می‌خواهی ما برایت می‌دهیم. این مرد می‌گفت که من برای این کسانی که از افغانستان با ما آمده بودند گفتم: این‌ها برای ما سلاح نمی‌دهند که ما مردم تشیع را مسلح بکنیم، این‌ها سلاح می‌دهند که ما بین خود بجنگیم، این مسایلی بود که در این باره خدمت شما بیان می‌کردم.

تبلیغات علیه شیعیان افغانستان

مسأله دوم، مسأله وابستگی است، تعجب در این جا است که حتی در بین طلبه ها، در بین روشنفکرهای ما، در بین حوزه قم، از این مسأله حرف می‌زنند که چه قدر مردم تشیع به جهوری اسلامی وابسته است؟ یعنی بیگانه‌اید شما گروه‌های جهادی، و نیروهای جهادی، چون کسی که به خارج وابسته است، روی منافع خارج حرکت می‌کند، روی منافع ملتش حرکت نمی‌کند!

امّا مسأله که ما از نگاه فرهنگی و از نگاه مذهبی و اعتقادی، در طول تاریخ شیعه با مراجع شان، با رهبرانشان، پیوند ناگسستنی دارد، این سرجایش هست و هیچ کس منکرش نیست.

باز این مسأله تنها برای ما نیست، یعنی برادران اهل تسنن عین مسأله را در مراکز علمی و در مراکز دینی‌شان دارند. خیلی ناجورتر و نامعقول تر از ما دارند، منتها امروز مسأله که مطرح است، مسأله سیاسی و اقتصادی و مسأله نظامی است. ولی این برادران اگر چشم باز بکنند، در افغانستان، نگاه بکنند که چقدر پول و سلاح از طرف وهابی‌ها

و غرب، برای آن برادران رفته است، حتی مهاجرینی که در پاکستان هست روز ۹ میلیون دلار مصرف‌شان است، از نگاه نظامی، من فکر می‌کنم که از نگاه اقتصادی درست است ما ده سال گرسنه زندگی کردیم، برای ما چیزی نرسید، مطمئن باشید که اگر می‌رسید، امروز این وحدت هم به وجود نمی‌آمد. چون شما می‌بینید در طول ده سال، با فشار برادران هفتگانه را متحد کردند و از هم پاشیدند.

چون با زور اقتصاد و توانایی مادی، آن هم از منابع مختلف و وابستگی‌های مختلف، سرچشمه می‌گیرد. از نگاه نظامی شما باید در نظر داشته باشید، مسأله جلال آباد، مسأله شوخی نبود و کل کارشناسان آمریکا، سعودی و پاکستان، این جا سرمایه گذاشتند و رفتند و جنگیدند، آنچنان که خود مجاهدین بعداً اعتراف کردند، که ما این پلان را نداشتیم. شما یک بار مقایسه بکنید این مسأله را، شیعیان افغانستان و برادران هفتگانه را، در کجا ایران پلان جنگی داشته است؟

یک بیگانه بین شیعه وجود ندارد

در کجا رفتند؟ در یک جان نشان بدهید، در حالی که آن جا کشته دادند، اعراب، اسیر دادند پاکستانی‌ها و اعتراف کردند و مجاهدین هم اعتراف کردند، بعد چطور شد که شیعه وابسته است، ولی برادران وابسته نیست؟ در مسأله‌ی سیاسی وقتی که آمدند، در یک شرایط حساس با برادران تشیع، نیروهای جهادی تشیع توافق نامه امضاء کردند. وقتی که سفیر آمریکا در پاکستان نارضایتی‌شان را نشان داد و ایران را کوبید، چرا این توافق به هم خورد؟ این ثمره وابستگی است یا نه؟ در وقتی که این معادله را به هم زد، برادران مجاهد شیعه وقتی که رفتند و گفتند شما ۶۰ کرسی را قبول کنید، تمام مسئولین ایران موافق بودند با این مسأله و فشار آوردند که شما باید ۶۰ کرسی را قبول کنید، تحلیلشان هم این بود که «قطار در حال حرکت است، قطار می‌رود و شما می‌مانید». چون این‌ها جامعه افغانستان را نمی‌شناختند، حتی مقام رهبری پیغام دادند: «نظر من این است که شما ۶۰ کرسی را قبول کنید». و برادران تشیع در تاریخ درخشانشان اثبات کردند و ثابت شد هم در دنیا و هم در ایران، شما شاهدش بودید، که ما به مصلحت مردم تشیع تشخیص ندادیم و قبول نکردیم. باز هم ما وابسته هستیم و برادران ما وابسته نیستند؟

اگر فراموش نکرده باشیم ظاهراً در سال ۶۰ بود که وزارت خارجه ایران طرح داد، برای راه حل سیاسی در مسأله افغانستان، باز هم گروه‌های تشیع رد می‌کند این مسأله را ـ مخصوصاً که از همه مزدورتر [گویا] نصر منحله بود، اولین بیانیه را داد و در تاریخ ثبت شد.

چطور ما وابسته هستیم و این‌ها وابسته نیستند؟ شما بدانید که این وابستگی به ایران، برای این نیست که ما علیه جمهوری اسلامی موضع داشته باشیم، این تبلیغ و این ترویج و شایعه پخش کردن برای قربانی بعدی است که سه بار در تاریخ تشیع این مسأله تکرار شده است. این بار چهارمش است که مقدمه می‌چینند، در زمان ناصرالدین شاه، به دست عبدالرحمان خان به عنوان طرفدار ایران ۶۵٪ مردم تشیع نابود شد و این بار باز آمادگی می‌گیرند. این مسأله دوم بود که برادران باید دقت کنند و مسایل حساس است برای آینده‌شان فکر کنند.

در طول انقلاب اسلامی، یک فرمانده شیعه به دولت تسلیم نشد

مسأله سوم، وابستگی مردم تشیع به دولت وابسته روس است! این آنجایی است که شما را برای قربانی کردن آماده کرده است. بیایید در طول تاریخ ده ساله انقلاب، یک گشت[1] چشم باز کنید و یک گشت ببینید، شما می‌توانید در طول یازده سالی که از عمر این انقلاب گذشته، یک نفر فرمانده شیعه را پیدا کنید که با ۱۰۰ نفر مسلحش، به دولت ملحد تسلیم شده باشد! بخواهید و بگویید که در کجا و کی؟

اما، بیایید از برادران حساب بگیرید، در هرات، در بادغیس، از فرماندهان مهم هفتگانه غیر از اسماعیل خان کسی نمانده، همه به دولت تسلیم شده است. تورن غلام رسول فرمانده کل حزب اسلامی در هرات، شیر آغا، فرمانده کل حرکت انقلاب در هرات و هکذا شما حساب بکنید، کجاست؟ در هلمند آن که رادیو اعلام کرده، در قندهار آن وقتی که آقای حکمتیار با پول و سلاح آمد به قندهار، همین سال گذشته بود که باید علیه دولت جنگ راه انداخت، تمام رسانه‌های گروهی دنیا مسأله را تبلیغ کرد که این‌ها معاهده امضاء کرده با دولت و جواب داده که نمی‌جنگیم.

در میمنه پهلوان رسول با چهار هزار نفر مسلح، به دولت تسلیم شد. گِلم جم، از

---

۱. گشت = یکبار. مصحح.

«امرخ» الآن بزرگترین ملیشه و بزرگترین ملیشه و بزرگترین کماندوی جنگی دولت هست، مجاهد بود تسلیم شد، پهلوان غفار در سرپل تسلیم شد که اکثر برادران می‌دانند. هم چنان در لوگر و جاهای دیگر. بعد چطور است که این برادران وابسته به دولت نیست؟ ولی شیعه که در طول یازده سال یک فرمانده‌اش را کسی نمی‌تواند بگوید به دولت تسلیم شده، وابسته به دولت است؟ اگر تسلیم شده است اعلام کنند.

کودتای تنی

بالاتر از این مسأله، شما می‌دانید کودتای اخیر را که به دست شهنواز تنی که از خلقی‌های سر سخت و مخالف آشتی ملی نجیب بود، یعنی مخالف هر نوع مصالحه با مجاهدین، ولی روی مبنای فاشیستی طرح ریختند، تندروترین مارکسیست با تندروترین مسلمان، در ظاهر طرح شورا و حکومت تشکیل دادند. چطور است که این برادران به دولت ارتباط ندارند؟ ولی شیعیان ارتباط دارند؟

و این که در رابطه با حزب وحدت این مسأله را مطرح می‌کند، خدمت عزیز شما عرض کنم این توطئه دیگری است برای تشیع، چون حزب وحدت وقتی که در بامیان به وجود آمد، سفیر آمریکا در یکی از اردوگاه‌ها با آقای حکمتیار نشسته، و جلسه اختصاصی تشکیل داد، گفت چه تدبیری است؟ شما قبلا می‌گفتید که این‌ها آن طور اختلاف دارند که ابداً نمی‌شود جمع شد؟! این‌ها که الآن جمع شدند؟ دشمن خوب حساس بود، متأسفانه دوستان بی تفاوت بودند. بعد در آنجا روی این مسأله بحث می‌کنند و پلان می‌سنجند، گلبدین می‌گوید: راه این مسأله این است که بگوییم به دستور دولت تشکیل شده است. چون شما می‌دانید، تاریخ مبارزات عراق و ایران و افغانستان را با انگلیسی‌ها مکرراً مطالعه کرده اید، در آن وقت که روحانیت نقش اصلی را در مبارزه علیه انگلیس داشت، انگلیس‌ها یک راه کوبیدن و از مردم منفصل کردن یک روحانی مبارز، این را می‌دانست که معرفی بکند که با انگلیس‌ها رابطه دارد، لهذا نامه می‌نوشت، شایعه پخش می‌کرد که فلان روحانی با انگلیس رابطه دارد، چون از جامعه باید منفصلشان کنند.

حزب وحدت، امروز برای دشمن بسیار خطرناک تر از این است که برای دوستان امید بخش باشد. (تکبیر حضار).

این مسأله بسیار حساس است. چطور می‌شود، نجیب وقتی که اعلام می‌کند در همین اخیر که ۸۰ هزار نفر مجاهد به من تسلیم شده است، اینان کی هستند، باید سؤال کرد ۸۰ هزار نفر مجاهد را اعلام می‌کند که به نجیب تسلیم شده ولی نمی‌گوید از کدام گروه، ولی بعد نجیب می‌نشیند کنفرانس تشکیل می‌دهد، می‌گوید که نیروهای نه گانه آمد قوماندان هایش به من تسلیم شده و حزب وحدت هم به حمایت از من و به پیشنهاد من به وجود آمده است. شما در همین اخیر در هرات وقتی که نجیب آمد از رادیوها شنیدید که چهار هزار نفر از نیروهای مجاهد به افتخار نجیب آمدند تسلیم شدند. اینها از کی بودند؟ چرا روی مسأله دقت نمی‌کنید؟ در این اخیر باز هم ۲۵۰۰ نفر تسلیم می‌شدند که این حادثه به وجود آمد. زدند[1] که باز هم آنچه که به ما گفتند، نیروی حزب اللّه به این زدن دست داشتند ولی اوّل هم جمعیتی‌ها تأیید کرد و بعد در سطح جهانی گفتند نه، و شما هم باور کردید.

وابستگی با مرگ برابر است

این مسأله سرنوشتتان هست، چون یک رژیمی که باعث کشته شدن بیش از یک میلیون شهید شده است و چهار میلیون آواره و ۶۰ فی صد خاک و خانه مردم را خراب کرده با این (دولت)، همکاری و وابسته شدن برای هر کس به مرگ برابر شدن است.

این اتهام را برای چه می‌زنند؟ این جا مطرح شده است که به دستور بچه سید کیان حزب وحدت به وجود آمده است، برادران هم این را می‌گویند! ولی ما از آقای حکمتیار سند داریم، در همین اخیر که خودش «کریاب» را فرستاد که در آب نقره هم کریاب بندی شد، با بچه سید کیان قرار داد امضاء کرده در دو نسخه یکی‌اش پیش گلبدین است و یکی‌اش پیش بچه سید کیان، این‌ها دولتی نیستند، ولی حزب وحدت دولتی است؟ با دستور بچه سید کیان.

متأسفم از اینکه دانشمندان و طلاب و آن هم در حوزه علمیه قم، و این توطئه استکبار جهانی را علیه شیعیان افغانستان درک نمی‌کنند و این‌ها هم این مسأله را

---

۱. در هرات گروهی از مجاهدین به دولت تسلیم شد، خالقیار نخست وزیر نجیب برای ملاقات آن‌ها آمده بود که مجاهدین مخالف بالای تسلیم شدگان و خالقیار فیر کردند، چند نفر کشته، از جمله خالقیار زخمی شد.

می‌گویند. لهذا خطراتی که برای حزب وحدت بود و تهدید می‌کند این‌ها ماند، وظایفی که برادران در قبال حفظ این مسأله بگیرند و عمل بکنند این‌ها ماند.

اگر در ایران بودیم و کار حزب وحدت به جای رسید که ان شاء اللّه می‌رسد، خدمت شما برادران این خطراتی که الآن از نگاه جهانی و داخلی علیه حزب وحدت هست، این‌ها را خدمتتان به عرض می‌رسانم که چه راهی را باید پیش بگیریم که وابسته نباشیم؟ و آرمان این حزب تحقق پیدا کند. از نگاه عملی، خدمتتان به عرض می‌رسانم.[1]

والسلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته

۱. سخنرانی رهبر شهید در ۲۱ رمضان ۱۴۱۰ (۱۳۶۹) به مناسبت تجلیل از شهدا در مسجد امام حسین(ع) در قم.

دخالت بیگانگان در امور افغانستان

لا حول و لا قوة الا باللّه العلی العظیم. بسم اللّه الرحمن الرحیم. الحمدللّه رب العالمین و الصلوة و السلام علی محمد و آله الطاهرین.

قال اللّه تعالی فی قرآن واجب التعظیم: ان اللّه لا یغیروا ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم.[1]

برای روح بزرگ شهدای اسلام، مخصوصاً شهدای گمنام افغانستان و روح بزرگ رهبر کبیر جهان اسلام امام خمینی (ره) صلوات ختم بفرمایید. (صلوات)

اولا، عید سعید فطر را برای شما مهاجرین و روزه داران و زحمت کشان و از وطن‌تان دور، در این عالم غربت و مهاجرت که میزبانی و مهمانی خدا را گذراندید و امروز به آخر رساندید، این عید سعید را برای شما تبریک می‌گویم.

اما صحبتم امروز، درباره این آیه شریفه است که خداوند تبارک و تعالی برای بشریت اعلام می‌کند، یک سنت لایتغیر را، یک سنتی که جامعه‌های بشریت باید توجه داشته نشد، و آن سنت این است که خدا اعلام می‌کند که من سرنوشت شما را تغییر نمی‌دهم مگر در آن وقتی که خود شما سرنوشتتان را تغییر دهید.

یک سؤال این جا مطرح است، آن این که، چرا من این آیه را امروز خدمت شما برادران تلاوت می‌کنم و به دنبال آن صحبت؟

آن برای این است که شما اگر توجه کنید در تاریخ افغانستان عزیز و سرنوشت

---

۱. سوره رعد، آیه‌ی ۱۱.

خودتان، حالت‌های که قبل از انقلاب در افغانستان داشتید و آن حالت‌هایی که در دوران مبارزه برای این ملت دست داد و آن حالتی که بعد از شکست روس‌ها برای مردم ما نصیب شد که الآن هم ادامه دارد، من فکر می‌کنم که علماء و دانشمندان و متفکرین و مهاجرین عزیز، اگر این سیر تاریخی افغانستان را مطالعه کنند خوب درک می‌کنند که این آیه شریفه چطور تفسیر شده است.

در آن روزی که کودتای ننگین هفت ثور، توسط روس‌ها در افغانستان به وجود آمد، قبل از این، اگر یک نظر بیاندازیم در سراسر افغانستان آن چنان استعمار و حکومت ظالم و جابر گذشته روحیه مردم ما را خرد کرده بود که شما می‌دیدید به چشم سر ـ آن که نیمه سال اند، یعنی تازه جوان، در اوّل انقلاب نبودند تا از قبل می‌دانستند ـ در تمام مناطق، اگر یک عسکر در منطقه می‌آمد مردم فرار می‌کرد، در خانه هایشان می‌رفتند و می‌گفتند: سپاهی آمده، شما دقت کنید که این حالت را همه شما دیده بودید خاصتاً که در آن وقت، کوچی‌ها که در مناطق هزاره جات می‌آمد سر موری[1] و در خانه کالایش را پیاده می‌کرد و می‌گفت: سال دیگر من از این جا پول می‌خواهم، برای ما باید حلوای سرخک پخته کنید، شما شاهد این مسأله بودید.

چطور شد؟ چه چیز باعث شد که شما مردمی که از یک سپاهی می‌ترسیدید، ولی امروز آمدید در مقابل یک حکومت ایستادید! این همین تغییری است که خدا برای شما اعلام کرده است. آن روز سرنوشتتان، که با آن ذلت، با آن بدبختی تن داده بودید، خدا هم شما را به حال خودتان گذاشته بود. ولی وقتی که حکومت مارکسیستی روی کار آمد، آن چنان به مقدسات شما، به مقدسات دین، به مقدسات مردم افغانستان، جسارت کرد و توهین کرد که آن وجدان خداییتان به تحرک آمد. نمونه‌اش ده ماه از کودتای ننگین هفت ثور گذشته است، که مردم قهرمان «دره صوف» در ۲۷ دلو ۵۷ حرکت می‌کنند، ۶ روز بعد مردم قهرمان چهارکنت در چهارکنت حرکت می‌کنند، در ظرف سه ماه در چهارکنت ۱۷ بار حمله عمومی صورت گرفت، مردمی که از یک سپاهی می‌ترسیدند، ولی با تفنگ شکاری و چره ای[2] ـ در تمام ولسوالی

---

۱. موری = پنجره مدوری است که در خانه‌های قدیم، در پشت بام‌ها جهت روشنایی می‌گذاشتند، مانند نورگیر حالای منازل یک طبقه.

۲. چره‌ای = نوعی تفنگ شکاری است.

چهارکنت شاید ده میل تفنگ ۳۰۳ برنو، نبود ـ ۱۷ بار حمله دشمن را دفع کردند.

خدایی شدن مردم

خوب بعد از این که آمدند، آیا با این حرکاتشان الهی شده بودند؟ مسلماً! من یک نمونه‌اش را برای شما ذکر می‌کنم وقتی که در منطقه حمله می‌شد، مجبور بودند که با چوب، تبر، کلنگ، قیچی، و غیره، جبهه برای جهاد بروند و خانواده‌ها و خانه خود را ترک می‌کردند و می‌رفتند طرف کوه، دو چیز را برمی داشتند. هر وقت که (کمونیست ها) در منطقه حمله کرده، تمام هستی مردم را برده و هیچ کس چیزی بر نداشته، ولی دو چیز را برمی داشتند، از این معلوم می‌شود که این مردم الهی بوده و حرکتشان الهی و برای خدا بوده، تمام پیرزن‌ها و پیرمردها یکی قرآن را برمی داشتند، دیگری مرمی را، مرمی را برای جنگیدن با دشمن، قرآن را برای حفاظت از اینکه دشمن آتش نزند. و این مسأله شوخی نیست، این تغییری که این طوری آمده تا دیروز از سپاهی فرار می‌کردند ولی امروز در ظرف سه ماه ۱۷ بار حمله دشمن را دفع کرده، شاید هم مسأله جنگ‌های بعدی خیلی شدیدتر از جنگ اوّل باشد ولی آن روزی که هیچ نقطه حرکت نکرده و هیچ نقطه تکان نخورده، تمام نقاط افغانستان به دست مارکسیست‌ها است، ولی این دو منطقه حرکت می‌کنند، با برف و با وقت نامساعد این یک تغییر است، این یک مسأله‌ای است که آیه شریفه را خوب تفسیر می‌کند.

مسأله‌ای که لازم بود این جا خدمت برادران عرض کنم، آن مسأله این است که امروز هم بسیار در حوزه‌ها و در جاهای دیگر رویش بحث است که عامل اختلاف خارج است یا داخل؟ می‌خواهم این مسأله را روشن کنم که برای آینده افغانستان سرنوشت ساز است. من معتقدم چه عامل را عامل استکبار جهانی بدانیم، چه عامل را عامل خط فکری اصیل و غیر اصیل بدانیم، چه عامل را مسأله خودخواهی و جاه طلبی بدانیم، من معتقدم همه این‌ها از خارج است از داخل نیست و این مسأله را می‌خواهم برای شما ثابت کنم.

از اوّل کودتای مارکسیستی، مارکسیست‌ها از کجا آمدند؟ و این فکر مارکسیستی در افغانستان، از خود سرزمین افغانستان سبز کرده، یا از روسیه و چین وارد شده؟ مسلماً کسی در این جا نمی‌تواند بگوید که در افغانستان، طبیعتاً مادرها و پدرها فرزندی

را به وجود آورده که مارکسیست باشد، این‌ها مال روس‌ها و چینایی‌ها است. اگر در این جا ارتش سرخ روسیه آمد دخالت کرد در افغانستان، این از خارج آمد یا از داخل سبز کرد؟ حتی اختلاف قبل از مبارزه و انقلاب که مسأله مرجعیت مطرح بود و علماء اختلاف داشتند و اختلاف فکری داشتند یکی از یک مرجع تبلیغ می‌کرد و آن دیگری از مرجع دیگر، آیا این، از خارج آمده بود یا از داخل؟ من فکر می‌کنم کسی در این جا نمی‌تواند ادعا بکند که مسأله اختلاف مرجعیت از خارج نبود از داخل بود، اگر بیاییم در افغانستان در طول ده سال مبارزه بچسبیم و بررسی کنیم این مسأله را که آیا فکر اسلامی و فکر امریکایی از خارج آمده یا از داخل؟ باز مسلماً این مسأله از خارج رفته در داخل، اگر بیاییم در این جا بررسی کنیم که احزاب عامل تفرقه و اختلاف بوده، این احزاب از خارج رفته در داخل یا در خود داخل بوده؟ مسلماً این مسأله روشن می‌شود که اختلاف و عامل اختلاف در خارج بوده نه در داخل.

خواستگاه وحدت و همگرایی

وقتی که ما سال گذشته در مرکز بامیان جمع شدیم یک ساعت روی مسأله وحدت بحث شده و جلساتی تشکیل شده بود، در خارج و در داخل قرار گذاشته بود که (همه) از خارج به داخل بیایند، در بامیان جمع شوند و وحدت را به وجود بیاورند. در آنجا که آمدیم خدا را شاهد می‌گیرم در آن وقتی که میثاق وحدت امضاء می‌شد در مناطق سمت شمال و مناطق ارزگان جنگ بود و ما پیش خود فکر می‌کردیم که ما در خارج مشکلی نداریم، مشکل ما داخل است. به نظر ما یک چیز منطقی هم می‌آمد، برای چه؟ برای اینکه در داخل از هر خانه پنج ـ شش نفر کشته شده، در داخل، خانه و زندگی مردم تاراج شده، در داخل مردم مهاجراند، در داخل امنیت به هم خورده، در هشت سال نمی‌توانستند از این منطقه به آن منطقه بروند. ما فکر می‌کردیم وقتی که میثاق را امضاء می‌کردیم در فکر غرق بودیم که چطور برای این مردمی که خودمان هم باور داریم که سواد ندارند، فکر سیاسی ندارند، عقب مانده اند، چطور توجیه کنیم که منافع تشیع و منافع افغانستان و اسلام ایجاب می‌کند که از گذشته‌تان صرف نظر کنید. این را متحیر بودیم و این را در فکر بودیم که می‌توانیم به این مشکلات فائق آییم یا نه؟

چگونه حزب وحدت شکل گرفت؟

بعد از اینکه بلافاصله در مزار میر هاشم آقا که یکی از سادات محترم و اجداد سادات افغانستان است که اصلش از سبزوار رفته، در آنجا مزاری دارند. در روزهای حساس، تمام مردم بامیان در جلسات عمومی‌شان در آنجا جمع می‌شوند، از روح این سید بزرگوار استمداد می‌کنند برای مشکلاتشان. ما هم این کار را کردیم، آنجا جمع شدیم و این قطعنامه یا میثاق نامه را می‌خواستیم بخوانیم، تمام گروه‌ها در آنجا از طرف رهبریشان یا شورای مرکزیشان صلاحیت تام داشتند و آمدند که میثاق را امضاء کنند، رو به قبله ایستادند و سخنرانی کردند و سه کس را این جا حاکم و ناظر قرار دادند:

ـ یکی، خدا.

ـ دو، وجدان.

ـ سه، مردم.

گفتند شما شاهد باشید! شما مردم؛ که ما گروه‌های خود را این جا منحل کردیم و حزب وحدت را به وجود آوردیم، همه‌شان گفتند، ما از طرف گروه مان این کار را کردیم، اگر شورای مرکزی داشتیم از طرف شورای مرکزی این صلاحیت را به دست آوردیم که امروز گروه (خود) را منحل بکنیم و (میثاق را) امضاء بکنیم، اگر رهبری داشتیم از طرف رهبری این صلاحیت به ما داده شده که امروز میثاق را امضاء کنیم و گروه‌اش را منحل کنیم. به مردم خطاب کردند، گفتند: که اگر روزی بعد از این ما دوباره برگشتیم و گفتیم که گروه قبلی مان، شما بیایید تف در صورتمان بریزید.

این برنامه‌ای بوده که انجام شده، بعد از این بلافاصله هیأت‌های متعددی تعیین شد و فرستاده شد، برای شمال، برای ارزگان و برای غزنی، متأسفانه به این اصل که متوجه نبودیم یکبار دیگر متوجه شدیم. در این جا هیأتی هم تعیین شد که در ظرف ۴۵ روز بروند در خارج، تمام مسئولین در خارج را دعوت کنند بیایند در داخل، چون یک میثاق امضاء شده بود و بس. بقیه تشکیلات را خودشان به وجود بیاورند، اساسنامه بسازند، مرامنامه بسازند، تشکیلات حزب را جور کنند، برای مسئولین ایران هم نامه نوشتند به عنوان حامیشان، به عنوان حامی انقلابشان، به عنوان پیوند اعتقادی و

فرهنگیشان، که ما چنین کاری کردیم بعد از این اگر ما را حمایت می‌کنید، حزب وحدت اسلامی افغانستان را حمایت کنید.

هیأت که (در مناطق) رفت، همه در وقت موعود آمدند، جنگ‌ها را خاموش کردند، مهاجرین را برگشتاندند، امنیت را برقرار کردند. متأسفانه هیأتی که در خارج آمده بودند ۴۵ روز تمام شد یک ۴۵ دیگر هم گذشت در ۴۵ سوم هم نیامدند، صدای هم از بیرون اعلان نشد برای این مسأله که در داخل جنگ خاموش شده! مسأله جنگ خاموش کردن و امنیت برقرار کردن این دو تا کلمه یک دقیقه وقت نمی‌گیرد. ولی اگر برویم در پیامدش و بررسی کنیم ماه‌ها طول می‌کشد، این حرفی کوتاهی است ولی معنا و مفهوم درازی دارد، باید ده سال خسارات جنگ را بررسی بکنیم، ده سال از این منطقه به منطقه دیگر رفته نمی‌توانستند، ولی خلاصه می‌شود بگویم جنگ خاموش شد، امنیت برقرار شد. این کاری هست که این جا به گفتن وقت نمی‌گیرد، ولی به کار کردن کاری آسانی نیست. برادری در این منطقه بوده و برادر دیگر در آن سنگر، هشت سال پدرش مرده نتوانسته دو برادر جمع شوند، مادرش مرده نتوانستند جمع شوند این کاری آسانی نبود.

بلافاصله از این جا (از خارج) برادرهای ایرانی گفتند که: آن وقت می‌شود این مسأله تثبیت شود که نیروهای رزمی بروند مبارزه و جنگ مشترک علیه دشمن انجام بدهند، در منطقه چهارکنت و شولگر آن منطقه‌ای که هشت سال دو صد خانه مهاجر داشت و نتوانست صلح بیاورند، نیروهای مشترک از چهار گروه تشکیل دادند، رفتند «تنگی صیاد» را بند کردند، دو روز شاهراه سالنگ قطع شد و صد و پنجا (عراده) موتر و تانک را منهدم کردند و پنجاه و چهار موتر را با بارش غنیمت گرفتند. اگر این برای کسانی که زبان داشت در خارج، آن مردم که تبلیغ داشت در خارج، معادلات را در سطح بین المللی برای افغانستان بر هم می‌زد. متأسفانه حزب وحدت زبان نداشت در خارج، دوستانش هم نخواست تبلیغ بکند، این مسأله شوخی نبود، این مسأله مثل آن مسأله می‌ماند که درباره مرحوم بهشتی (ره) می‌گویند که بهشتی از خصلت‌های خوب و برجسته‌اش این بود که مدیریت خوب داشت.

مدیریت قوی حزب وحدت

مدیریت خوب یک کلمه است، از زبان بیرون می‌شود، اگر وقتی اداره یک مملکت را مطالعه کنیم می‌فهمیم که این کلمه چقدر مفهوم دارد و چقدر زیبایی دارد، بعضی وقت‌ها است که سبب پیروزی یک انقلاب و حفظ یک مملکت می‌شود، بعضی وقت است که باعث شکست و نابودی یک مملکت می‌شود، یعنی عدم مدیریت یک مملکت را ساقط می‌کند و مدیریت خوب یک مملکت را آباد، این جنگ بر هم زدن و جنگ داخلی را حذف کردن و امنیت برقرار کردن، معادل این مدیریت است. حالا وقتی که آمدیم در این جا، من برای شما مجاهدین، برای شما مهاجرین، برای شما طلاب، برای شما دانشمندان، برای شما متفکرین، امروز با قاطعیت اعلام می‌کنم و خبر می‌دهم و می‌گویم که در مناطق شیعه نشین دیگر جنگ نیست، دیگر جنگ داخلی نیست، در تمام مناطقش امنیت برقرار است، آماده است که (شما بروید و) تمام برنامه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی را در آنجا پیاده کنید. اگر یک روزی این امنیت بهم خورد و جنگ دوباره شروع شد، عاملش را من مطمئناً برای شما می‌گویم، از خارج است نه از داخل! اگر یک روز بررسی شود که حزب وحدت این مسأله را کمیسیون مشخصی تشکیل داده که عاملین جنگ داخلی و عاملین اختلاف بررسی شود، آن روز ثابت خواهد شد که (ریشه) این (جنگ داخلی) از خارج است نه از داخل.

امروز شما را شاهد می‌گیرم در این جا، در مقابل این مسأله‌ای که اعلام می‌کنم امنیت برقرار است، شما باید شاهد باشید که این امنیت را در آینده کی بهم می‌زند؟ چه حساب بکنیم، بر اینکه استکبار جهانی یعنی امریکای جنایتکار از غرب تصمیم دارد که وحدت مردم تشیع افغانستان را بشکناند، باز از خارج است و آله دستش هم در خارج است.

توطئه علیه شیعیان و هزاره‌ها در افغانستان

تعجب من در این جا است و بسیار متأسفم، بسیار تعجب می‌کنم در طول این همه مدت، این همه مهاجرت و این همه فشار برای مردم ما بود، کم اعلامیه داده شد که این برادرکشی و این اختلاف بد است، کم اقدام شد از طرف طلاب و دانشمندان، نمی‌گویم اقدام نشد، اقدام شد ولی کم. اما اینکه بیایند بگویند برای حمایت از حزب وحدت و وحدت اعلامیه داده بشود، این یک چیز طبیعی است، این باید باشد چون از

نگاه اسلامی، از نگاه منافع تشیع و منافع اسلام و منافع ملت و مردم افغانستان ایجاب می‌کند که از وحدت حمایت کند، تأسف من در این جا است که این اعلامیه‌های ضد وحدت (برای) چیست؟ مسلماً مفهومش این است که شما بد کاری کردید که در افغانستان جنگ را خاموش کردید! مسلماً مفهومش این است که کاری خوبی نمی‌کنید که برادرانتان را نمی‌کشید! مسلماً در این مبنا این اعلامیه داده می‌شود که کاری بدی است! مسلماً جوابش این است که دوباره شما بجنگید!

شما ملت خودتان ناظر باشید، ما این را با قاطعیت برای شما می‌گوییم، اگر کسی هم شک دارد هیأت بفرستند تمام مناطق تشیع نشین را بررسی بکنند که جنگ نیست و امنیت برقرار است. امروز ما مطمئنیم صد در صد که از داخل دوباره این جنگ شروع نمی‌شود. اگر جنگی در آینده شروع شد، این مسأله ریشه‌اش در خارج است نه در داخل. یک نمونه هم از اقدام استکبار جهانی برای شما بیان می‌کنم، شما شاهد بودید و شما می‌دانستید در این جا وقتی که شورای مشورتی در پاکستان تشکیل شد و آنجا بنا بود که برادران تشیع با این مسأله شرکت کند و رسانه‌ها اعلان می‌کرد و آقای صبغت اللّه مجددی در تهران آمد با سخنگوی ائتلاف قبلی قراردادی را امضاء کرد، بنا بود در این جا مسأله هشت گانه و هفت گانه خاتمه پیدا بکند، دیگر به عنوان هفت گانه و هشت گانه ملت افغانستان اختلاف نداشته باشد. در این شرایط سفیر آمریکا در پاکستان مصاحبه می‌کند و ایران را با روسیه یکنواخت می‌کوبد و می‌گوید این‌ها می‌خواهند در افغانستان خط خودشان حاکم شود و آن چنان سر هفت گانه فشار آورد که هشت گانه را از این قرار داد منفصل می‌کند ورد می‌نماید شما این را شاهد بودید. این مسلماً در خارج بود نه در داخل، هیچ برادر در داخل از قومندانان و فرماندهان هفت گانه و هشت گانه، اقدام نکردند... همه خوشحال بودند و دعا می‌کردند که عجب کاری شد، بعد از این که دنیا اعتراف کرده که ما قهرمانیم و روس‌ها را بیرون کردیم، داریم سرنوشت آینده خود را تعیین می‌کنیم، آمریکا آمد با سعودی دخالت کرد و این مسأله را به هم زد.

کتمان هویت

بعد مسأله در این مطرح شد، این‌ها را ممکن است در آینده تاریخ روشن کند و از

اینکه امروز روز تاریخی است باید بگویم. مسأله این شد که شیعه آن قدر نیست دروغ است، شما را ایران بزرگ کرده و خودتان بزرگ نبودید، در حالی که در سال ۵۷ وقتی مردم قهرمان «دره صوف» حرکت کرد با «چهارکنت»، من در پیشاور بودم آن روز هفت تا حزب هم نبود آن روز دو سه تا حزب از برادران تسنن، در آنجا بود. جمعیت و حزب اسلامی، ظاهراً جبهه نجات هم بود، با برادران در یک جلسه نشسته بودیم گفتند انقلاب اسلامی افغانستان علیه حکومت دست نشانده روس بیمه شد، گفتم چرا؟ گفتند: هزاره جات حرکت کرد. بعد از اینکه هزاره جات حرکت کرد دیگر روس‌ها توان این مسأله را ندارند که (انقلاب اسلامی را) بشکنانند.

آن روز که ما قهرمان بودیم! آن روز که ما غیرت زیی بودیم! ولی چطور شد که وقتی قرار داد آمد گفتند ۲ یا ۳٪ این (طرح) مال خود برادران ما نبود مال آمریکا بود، سفارت آمریکا عکس العمل نشان داد مسأله را به هم زد و بحث در این آمد که الآن روس‌ها رفته و دولت کابل به زودترین فرصت سقوط می‌کند، کل دنیا این مسأله را می‌گفتند و برادران ایرانی ما هم باور کرده بودند. گفتند: صد نفر در شورای مشورتی نه، شصت نفر. همه گفتند خوبست، برادران ایرانی به خاطر دلسوزی که از قافله عقب نمانند، ولی برادران پاکستان و عمال آمریکا گفتند ۲ درصد. اگر ۲ درصد است چرا ۶۰ کرسی می‌دهید؟ ۲۰ میلیون کلدار معامله کردند، برای احزاب هشت گانه که شما ۶۰ کرسی را بپذیرید. این مسأله‌ای بود که سر انقلاب و خون شهدای شما در آن تاریخ معامله می‌شد و این را، گرفتنش را خبر دارم، جایش را خبر دارم و شخصی که گرفته خبر دارم. این شد، ولی برادران ائتلاف و نیروهای جهادی که در خارج بود، مقاومت کرد هم در مقابل دشمن مثل آمریکا، هم در مقابل برادران دوست ما مثل ایران، حتی رهبر عزیز جهان اسلام آیت اللّه خامنه‌ای تلکس دادند که شما ۶۰ کرسی را بپذیرید من حتمی نمی‌گویم، ولی نظرم این است که صلاح شما این است. ولی برادران قهرمان شما ایستادند و این مسأله را قبول نکردند و ۲۰ میلیون کلدار هم هدر رفت و ثابت شد که نه، شرایط افغانستان را کسی درک نکرده و مردم افغانستان مردمی است که تصمیمشان را خودشان می‌گیرند، این یک مسأله است.

آمریکا نمی‌خواست، حزب وحدت شکل بگیرد؟!

شما باید شاهد این مسأله باشید ولی وقتی که حزب وحدت تشکیل شد، از همه پیش سفیر آمریکا در اردوگاه حزب اسلامی آمد آقای حکمتیار را خواست، در آنجا گفتند این چه پدیده‌ای است، چطوراست شما می‌گفتید که این‌ها آن چنان نفاق دارند که دیگر قابل جمع شدن نیست؟ آقای حکمتیار دلیل نداشت، این جا گفت: این (وحدت) با اشاره دولت تشکیل شده، این را تبصره کرد. متأسفانه علمای دلسوز و دانشمندان عزیز دارند این حرف دشمن را یا تبلیغ می‌کند یا قبول کرده اند، چطور دشمنی در دنیا پیدا می‌شود که (بخواهد) حزب تشکیل شود.

نمونه‌ای را این جا برای شما بگویم که گلابزوی یک وقتی که روس‌ها بود در افغانستان در یک جلسه با کشتمند و مشاور روسی طعنه کاری کرده بود و گفته بود که من خوب خدمت کردم در بین قوم خود و به نفع حکومت مارکسیستی یا کشتمند؟ کشتمند گفته بود این مشاور روس را ما در این جا شاهد می‌گیریم، بیاییم ببینیم که چقدر پول دولت را تو مصرف کردی و چقدر من، چقدر من نتیجه گرفته ام و چقدر تو؟ مشاور روسی در این جا گوش می‌کرد، کشتمند استدلال کرد، گفت: در ظرف سه ماه هزاره جات تمام ولسوالی هایش و مناطق‌اش را آزاد کرد و ولسوالی‌های زیادی از برادران اهل تسنن را هم آزاد کرد، کابل تهدید می‌شد که به زودترین فرصت سقوط کند و من دست اندرکار شدم که در بین قوم‌های خود اختلاف ایجاد کنم! تو به پکتیا پول و سلاح فرستادی بیا حساب بکن که چقدر پول و سلاح شماها فرستادید و چقدر پکتیا را خاموش کردی، من قیمت یک تانک را در هزاره جات مصرف نکردم ـ این حرف سال ۶۲ کشتمند بود، آن چنان در بین خود می‌زنند که اصلا در فکر این هم نیست که کابل سقوط بکند یا نکند. مشاور روس را گفت تو بررسی کن!

دشمنی که آمده این طور دست گذاشته در بین مردم ما بعد چطور می‌شود که وحدت به اشاره کشتمند و نجیب به وجود بیاید، بعد برود راه حیرتان را بند کند و شاهرگ حیاتی کابل را قطع کند این را نجیب تشکیل داده! بعد دولت آباد را که ۱۵۰۰ خانه را دشمن متصرف شده بود و مردم مهاجر شده بود، در ظرف دو ماه نیروهای حزب وحدت آمد پاکسازی کرد و گرفت این (وحدت) را دشمن برای جنگ کردن در مقابلش تشکیل داده؟ متأسفم! یا مسأله پلخمری، وقتی که نیروهای قهرمان

حزب وحدت وارد جنگ شد ۱۵ تا موشک «اسکاد» را به غنمیت گرفتند، که ما اگر در خارج زبان می‌داشتیم معادلات بین المللی را درباره افغانستان بهم می‌زدیم، که نداشتیم. باز ما به اشاره کشتمند و نجیب به وجود آمده ایم!! متأسفم!

ریشه اختلافات

ولی امروز شما بررسی کنید بعد از این که حزب وحدت تشکیل شد ظرف نه ماه، برادران گروه‌های قبلی که در طول ده سال در پاکستان نرفته بودند، فقط «شوری» بود و برادران «حرکت» و نیمه دفتری هم «نصر» داشت به خاطر مهاجرین خود. ولی در ظرف هشت ماه همه گروه‌های نه گانه رفتند در پاکستان دفتر باز کردنی شدند، شما خوب دقت کنید که آیا این اختلاف از داخل سرازیر می‌شود یا از خارج؟ یک کس بازخواست نمی‌کند که چرا با ذلت می‌روند پیش این گروه‌ها برای ۵ ـ ۱۰ میل تفنگ مصاحبه می‌کنند و سرنوشت تشیع را لکه دار می‌کنند، چرا شما نمی‌بینید این حرف را؟ وقتی نماینده خاص آمریکا در پاکستان می‌اید همین آمریکای که وقتی ما با هفت گانه توافق کردیم، می‌گوید شیعه ۲٪ نیست، ایران قدرت طلبی می‌کند، در این جا (توافق را) به هم می‌زند. ولی نماینده‌اش در مصاحبه خود اعلام می‌کند که من در این سفر آمدم با دو تا جریان دیگر ملاقات می‌کنم، ترکمن‌ها و شیعیان! که من در یک جلسه اعلان کردم قبلا می‌خواستم که بگویم خطراتی که این وحدت را تهدید می‌کند بازگو کنم که موفق نشدم الآن خدمت شما برادران این مسأله را بازگو می‌کنم شواهد زیاد داریم ما در این جا که صلاح نیست الآن بگویم، که چطور آمریکا آمده این وحدت را بشکند، چطور سعودی آمده در این شرایط حساس دنبال شیعیان راه افتاده، سعودی که اصلا وجود شیعه را در افغانستان قبول ندارد، در این وقتی که ما حزب وحدت را تشکیل دادیم و جنگ‌ها را خاموش کردیم و هنوز درست اعلام نشده، برادران مشکل تراشی می‌کنند.

سفرهای در سعودی است، دقت کنید و دنبالش بروید که کی رفت و چطور تعریف بکنیم این مسأله را؟ و این مسائل است که شما مردم و شما طلاب و شما روحانیت، مسؤلیت دارید که از این وحدت حمایت کنید و این را حفظ بکنید این مال شما است. اگر شما حفظ نکنید و اگر شما هوشیار نباشید، قطعاً جنگ دوباره شروع می‌شود و

اختلاف دوباره می‌آید، چرا؟ تمام دست‌های استکبار وارد میدان شده و دارد مسأله را دنبال می‌کند و می‌خواهد این مسأله (وحدت) را بشکناند.

خطرات زیادی برای این وحدت است. فقط یک چیز این جا ضامن حفظ این وحدت است که شما مردم هستید، ما غیر از شما مردم، غیر از شما طلاب، غیر از شما مهاجرین، چه در داخل، چه در خارج کسی را نداریم، نه پول داریم، نه امکانات داریم، نه سلاح داریم، هیچی نداریم. فقط شما مردم را داریم، استکبار همه چیز را دارد. همه هم وارد شده، همانهایی که وجود شما را قبول ندارد و امروز پول سرازیر کرده تا تفرقه و نفاق را برای شما بیاورد.

متأسفانه از اینکه وقتم تمام شده و برادران عزیز فرمودند که سر ظهر است و وقت تمام است و راه حلّ مسأله افغانستان و نظر حزب وحدت ماند که این را هم برای شما صحبت می‌کردم، متأسفم از اینکه وقت تمام شده، هوا هم گرم است و شما هم تکلیف دیدید در همین جا تمام می‌کنم.[1]

والسلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته

۱. متن سخنرانی رهبر شهید «ره» در حرم بی بی معصومه(س) ۱۳۶۹/۲/۷.

حزب وحدت، خواستگاه مردم افغانستان

لا حول و لا قوة الاّ باللّه العلی العظیم. اعوذ باللّه من الشیطان الرجیم، بسم اللّه الرّحمن الرّحیم، الحمدللّه رب العالمین و الصلوة و السلام علی محمد و آله الطاهرین. اما بعد قال اللّه الحکیم فی قرآن الواجب التعظیم: و اعتصموا بحبل اللّه جمیعاً و لا تفرقوا.[1]

با تشکر از برادران مهاجر و مجاهد و طلبه‌های عزیز که جمع شده‌اند در این هوای گرم تا در جریان حوادث افغانستان و مسأله وحدت قرار بگیرند و اطلاع پیدا کنند و با تشکر از برادرانی که به اسم ستاد زحمت کشیدند و این جلسه را فراهم کردند و از هیأت حزب وحدت اسلامی افغانستان دعوت کرده‌اند در این استان اصفهان و با تشکر از برادران شورای افاغنه که در اصفهان همکاری کرده‌اند و از کلیّه مسئولین استان که فرصت داده اند، برای برادران مهاجرشان که این جا جمع شوند و درباره مسایل افغانستان جلساتی داشته باشند.

یک مسأله در این جا هست و آن این است که مسأله مهاجرت از طبیعت جنگ است. یعنی در هر جای که جنگ هست مهاجرت را به دنبال دارد. وقتی که مهاجرت پیش بیاید طبیعی است یک سری مشکلات برای افرادی که مهاجر شده‌اند و یک سری مشکلات برای آن کشوری که میزبان مهاجرین است پیش می‌آید. باز ما تشکر می‌کنیم از مسئولین استان اصفهان که یک بار سنگین انقلاب ما را در قسمت خودشان

---

۱. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۰۳.

تقبل کرده و از جاهای دیگر با مهاجرین بیشتر برخورد خوب کردند.

همان طوری که اصفهان برای انقلاب ایران پیشتاز بوده و بیشترین شهید را داده است باز در انقلاب افغانستان هم سهم بیشتر (داشته) و کمک بیشتری برای مهاجرین کرده است.

انتظار هم همین بود و این را هم خدمت برادران عرض بکنم که از طبیعت مهاجرت یکسری مشکلات است، هیچ وقت باید با مردم دست و پنجه نرم نکرد باید با عامل؛ آن چیزی که مهاجرت را به وجود آورده است با او باید دست و پنجه نرم کرد و او را باید از بین برد که تا این ناراحتی‌ها و این نابسامانی‌ها رفع شود. در این جا دو تا مسأله‌ای است که مناسبت دارد درباره‌اش صحبت شود.

مظلومیت امام صادق(ع) در افغانستان

یکی وفات رئیس مذهب تشیع، حضرت امام صادق(ع) است که مناسبت دارد در مورد این مسأله صحبت شود، از جهت این که امام صادق(ع) روحش در چه چیز خوشنود می‌شود، مسلماً در مسأله افغانستان، آن قدر امام صادق(ع) مظلوم است که هنوز اسم امام صادق(ع) و مذهب امام صادق(ع) در آنجا رسمی نیست. در آنجا در تاریخ‌های گذشته، پیروان حضرت صادق، دستورات حضرت صادق(ع) را عمل می‌کردند ولی مخفیانه! هنوز برای وفات حضرت صادق، تعطیلی رسمی در آنجا نیست. هنوز در آنجا مبارزه است که اسم حضرت صادق برده نشود. مسلماً در این شرایط مسأله وحدت و وحدت تشیع برای حضرت صادق(ع) بسیار یک مسأله بزرگ است، و مسلماً روحشان شاد می‌شود از این مسأله. از این جهت در رابطه وحدت تشیع مظلوم در افغانستان باید صحبت شود.

مسأله دیگری که مناسبت دارد در این جا، این مسأله سالگرد امام کبیرمان و امام عزیزان و امام جهاد و امام سیاست و امام انقلاب و امام شجاعت، امام خمینی (ره) است. این است مناسبتی که تمام شیعیان و تمام مسلمان‌ها و تمام مستضعفین باید از این سالگرد تجلیل بکنند و قدرتشان را در جهان نشان بدهند، با صحبت کردن در این رابطه مناسبتش همین وحدت است. چرا؟ چون این وحدت به برکت روح بزرگ این امام عزیز در سرزمین افغانستان، در مناطق مرکزی به وجود آمد، باید برادران مهاجر

و مجاهد و طلاب عزیز بدانند، برکت روح این امام بود که این وحدت به وجود آمد و الاّ (به وجود آمدن وحدت) مشکل بود.

همان طوری که برادر عزیزمان تاریخ وحدت و اقدامات برنامه وحدت را مفصل، برای شما بیان کردند. ما می‌خواستیم در رابطه، از دست آوردهای این وحدت در ظرف یک سال، در داخل و خارج صحبت کنیم ولی یکی از برادران در این جا سؤالی را مطرح کردند، در رابطه با وحدت که این وحدت را چه کسانی به وجود آوردند و کسانی که (وحدت را) نمی‌خواهند روی چه دلیل است؟ از این که برادران این مسأله را ارجاع دادند به من، الآن لازم می‌بینم درباره این سؤال مختصر صحبت کنم. اگر وقت برایمان یاری کرد، در رابطه با دست آوردهای وحدت صحبت می‌کنم. چون اعلامیه‌های که دادند، بیانیه‌های تحلیلی که برای وحدت دادند، به آن‌ها هم اشاره‌ای در این رابطه دارم که این وحدت را چه اشخاصی به وجود آورده است؟ و روی این اشخاص سؤال دارم.

بنیانگذاران وحدت

سؤال را از این جهت لازم می‌بینم که بنیانگذاران وحدت را و مراحل قانونی وحدت را برای عزیزان بیان کنم. همان طوری که برادر عزیزمان آقای محقق زاده صحبت کرده، در سال ۶۷ حرکتی به وجود آمد، در داخل، احساسی به وجود آمد که باید با هم بنشینیم و مسایلمان را با هم حل کنیم.

در اوّلین بار در منطقه بهسود جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای هادی با حاج آقای صادقی ترکمنی با هم نشستند، در چه شرایطی نشستند؟ در شرایطی نشستند که برادران مجاهد و مبارز در سنگر بودند و سنگر نشین بودند، از این منطقه به منطقه‌ای دیگر کسی قدرت نداشت که برود و دردشان را به دیگری بگوید. آن قدر امنیت به هم خورده بود که هیچ کسی اطمینان نداشت که از این منطقه به منطقه دیگر برود، در حالی که از هر دو طرف دلشان می‌خواستند که این جنگ را خاموش کنند و امنیت را برقرار نمایند. شما خوب می‌دانید این را، که ایشان معلول است و نمی‌تواند پیاده بگردد؛ در همین حال از راه‌های بیراهه رفتند با آقای صادقی نشستند، گروه‌های که در میدان حضور داشتند این‌ها را جمع کردند به نام «شورای هماهنگی» و تصمیم

گرفتند که جنگ‌ها را خاموش بکنند. در این راه از مو سفیدان، از آخوندهای منطقه، از علمای که خود را بی طرف می‌گفتند کمک بگیرند و این جنگ را خاموش بکنند. این در شرایطی است که یک و نیم سال از عمر این ائتلاف می‌گذرد. در ورس جنگ بوده، در غزنی جنگ بوده، در شمال هم جنگ بوده. من اوّل در یکی از صحبت‌ها گفتم و از برادران ائتلاف و نظام جمهوری اسلامی تقدیر کردم که ائتلاف در عصر خودش در جمهوری اسلامی کاری کرد. منتهی این را هم باید برادران و نظام جمهوری اسلامی و مسئولینش بپذیرند که در طول عمر ائتلاف یک هیأت یا یک نامه در داخل نفرستاد که بگویند ما ائتلاف کردیم و شما نجنگید و این کار را نکردند، ولی این برادران کار را شروع کردند.

امضای منشور وحدت

متأسفانه در این شرایط که این کار را شروع کردند در یک کمین گیری اشتباهی جناب آقای هادی کمین خورد و پنج تا مرمی به ایشان اصابت کرد...[1] در این جا بود که آن منطقه دیگر که از جنگ داخلی می‌سوخت و به فریاد آمده بود، مسئولین جمع شدند در پنجاب و کنگره تشکیل دادند... که در این جلسات ما نبودیم، فقط برادران این کار را کردند. از تمام مسئولین ولایت‌ها خواستند در سطح دو نهاد یعنی مسئولین پاسداران جهاد و سازمان نصر افغانستان جمع شدند تمام مسئولین از ارزگان و شمال و از همه جا درباره ضرورت وحدت صحبت کردند.

در لعل کنگره دیگری دایر گردید و منشور وحدت امضاء شد، فشرده که خدمت شما عرض کنم، همانطوری که برادرمان گفتند، در بهسود و جاغوری منشور وحدت در بین شش گروه امضاء شد که هیچ کدام آن شرایط و اجزایی که در منشور وحدت در جاغوری در بین احزاب تعیین شده بود تغییر نکرد، یعنی همان کاری که در آن جا شده بود قرار گذاشتند که با برادران حرکت اسلامی هم صحبت شود. چون جناب آقای هادی وقتی که مجروح شده بود، برای تداوی خارج آمده بود، برادر عزیز ما آقای فیاض و برادر شهیدمان حاج ابراهیم شاه شهید... از وحدت خواهان دعوت کردند

---

۱. این جمله مفهوم نبود.

و در پایگاه‌شان استقبال کردند و پذیرایی کردند. آن جا از برادران وقت خواستند و گفتند که مسئولین ما، رهبر ما در خارج است، ما را وقت بدهید که ما برویم از خارج اجازه بیاوریم، آن وقت به وحدت شما می‌پیوندیم.

پیام آوران وحدت

بعد از آن که از جاغوری متفرق شدند، یکی از برادران که خارج آمدند، به عنوان پیام‌آور وحدت که برادر عزیز ما آقای محقق زاده مسایلش را در خارج به تفصیل برای شما صحبت کرد که در این جا در کنار زیارت حضرت معصومه(س) همه تعهد کردند، وحدت را امضاء کردند همه گروه ها، به جز حزب اللّه که باقی ماند دیگران همه وحدت را امضاء کردند. فقط برادران دعوت در این جا گفتند که اعضای شورای مرکزی ما کم است. همین را گفتند و بس.

در ۲۲ سرطان در بامیان، ببخشید، پیش تر از این در ماه جوزا در بامیان قرار بود که همه اعضای شورای مرکزی حزب وحدت در داخل، در بامیان جمع شوند. لهذا ما آمدیم در بامیان. این جا است که من بعد از یک سال و خورده از سمت شمال طبق نامه‌ها و دستوراتی که برادران از بامیان دادند، من بامیان رفتم. این مراحلی را که در داخل و خارج طی کرده در هیچ کدامش من دخل نداشتم، ولی کتباً مرتب تأیید می‌کردم که هر چه شما می‌کنید ما را هم قبول است.

در جاغوری وقتی که اعضای شورای مرکزی حزب وحدت تعیین می‌شد برادران از طرف سازمان نصر قبلی مرا در شورای مرکزی تعیین می‌کنند. لهذا نامه مشترک از برادران جاغوری می‌رسد که شما بیایید در فلان وقت در بامیان، ما هم آمدیم در بامیان و در همین وقت بود که برادران عزیز ما جناب آقای هادی و آقای فیاض و آقای عصمت اللّهی و آقای مدرسی و آقای انوری از خارج آمدند در داخل، از این‌ها هم دعوت کردند که در بامیان بیایند، چون قبلا هم در داخل برای وحدت کمک کرده بودند که برادران گفتند با اجازه رهبر این مسأله را ما امضاء می‌کنیم.

در خارج هم صحبت‌هایی شد که خود آقای محسنی هم در آن شرکت کرده بود. بعضی از برادران که آمدند در وقتی بود که مسأله رحلت جانگداز امام پیش آمده بود و این مصیبتی بود بسیار عظیم برای تمام مسلمان‌های افغانستان و مخصوصاً برای

شیعیان.

چهل روز برادران عزای عمومی اعلام کردند،اگر دکان بود، بازار بود، ماشین بود همه سیاهپوش شد و این کاری که برادران کردند و از روح امام استفاده کردند، این بود که این جا مسأله وحدت را، جلساتش را، مذاکراتش را تعطیل کردند گفتند: عزاداری عمومی است از طرف همه احزاب نه گانه، که تا این تاریخ، این مسأله برگزار نشده بود. لهذا در بامیان، در پروان، در میدان و در ولسوالی‌های غزنی، جاغوری، ارزگان، سمت شمال همه مشترکاً، این عزاداری را برقرار کردند و عزا گرفتند و روح امام، آن قدر اثر کرده بود که در ۲۲ سرطان قرار بود که در بامیان بیاییم مسأله خصومت و جنگ و دشمنی دیگر در چهره قومندان‌ها دیده نمی‌شد. آمدند در این جا از این روح بزرگ کمک گرفتند و جلسات را شروع کردند.

مظلوم‌ترین آیه در قرآن

همان طوری که برادر ما بیان کرد که در منطقه جاغوری تمام مسئولین منشور وحدت را امضاء کردند. بعداً در خارج هم طی جلسات مکرری این وحدت تأیید شد. اما وقتی که برادران ما در بامیان آمدند، در آنجا در جلسه اوّل که نشستیم روی مسأله ضرورت وحدت، وقتی که بحث شد و تجربه ده ساله ارزیابی شد، من این آیه شریفه را که خدمتتان اینجا تلاوت کردم از این جهت بود که من در آن جلسه، همین آیه را تلاوت کردم و تعبیرم این بود که مظلوم‌ترین آیه در قرآن این آیه «و اعتصموا» است. چون همه کس، این را عنوان مجلس قرائت می‌کند ولی کسی پیدا نشده که به این آیه عمل کند، ما آنجا یادآور شدیم: ما جمعی که این جا هستیم، بیاییم یک بار تعهد بسپاریم که به این آیه عمل کنیم، این آیه و اعتصموا روی این مبنا است که من در این جلسه خدمت‌تان تلاوت کردم. واقعاً این آیه مظلوم است، همه کس از این آیه کمک می‌گیرد ولی به این آیه عمل نمی‌کند.

بی شرط بودن وحدت

لهذا اگر مشاهده کرده باشید در میثاق وحدت هم این ایه آمده است. در وقتی که میثاق وحدت امضاء می‌شد از برادران سازمان نصر قبلی ما دو نفر بودیم. یعنی از

اعضای شورای مرکزی من بودم و آقای حکیمی آقای صادقی نبود. چون مادرش مریض شده بود و رفته بود، باقی برادران هم در مناطق دیگر و یا در خارج بودند. از برادران حرکت اسلامی ظاهراً در آنجا پنج نفر حضور داشتند که این میثاق را امضاء کردند و از اعضای شورای مرکزی هستند و برادران در آنجا صحبت کردند و فرمودند: ـ ما معتقدیم، مسلماً عقیده داریم که این برادران این حرف را راست گفته‌اند ـ از طرف آقای محسنی بی شرط بودن وحدت است، آقای محسنی در وحدت یک شرط دارد، آن شرط هم این است که وحدت بی شرط باشد، کسی که وحدت می‌کند در وحدت شرط قرار ندهد. این مسأله را برادران در آنجا گفتند. چون قبلا در وحدت ما شرط داشتیم ده پانزده سال... و این را برادران گفتند در شرایطی که افغانستان، قرار داشت و حرکتی که برادران در پاکستان، در مقابل تشیع کرده بودند، ایجاب می‌کرد که همه برادران این مسایل را قبول کنند که وحدت بدون شرط باشد.

روی این مبنا مسأله وحدت در آنجا مورد بحث قرار گرفت. از برادران پاسداران جهاد اکثریت قاطعشان در داخل بودند، هم منشور وحدت را امضاء کردند و هم میثاق وحدت را. شورای مرکزی که برای پاسداران جهاد، در اساسنامه‌اش مشخص شده و چاپ هم شده، این‌ها همه‌شان میثاق وحدت را امضاء کرده و قبول کرده اند. از برادران نهضت هم همین طور، چون جلسه جاغوری را منعکس کردند، برای خارج و برادران گفتند که در داخل شما هر چه تصمیم می‌گیرید، مورد قبول است. برادران نیروی اسلامی، همان طوری که آقای محقق زاده گفت همگی قبول دارند. برادران جبهه، فقط سر کمیّت اعضای شورای مرکزی‌اش بحث کرد. شورای مرکزی شورای اتفاق انقلاب اسلامی بعد از سه روز (میثاق وحدت را امضاء کردند).

وقتی که ما میثاق وحدت را امضاء کردیم، در ارزگان مختصری جنگ وجود داشت، در غزنی هم ناآرامی‌هایی بود. لهذا هیأت‌های را فرستادیم. هیأتی را که در شمال فرستادیم ابراهیم شاه شهید بود و برادرمان شفیق که در اینجا هست، که این‌ها رفتند در آن وقتی که آدم کشته می‌شد در منطقه، و این جنگ را خاموش کردند به برکت همین وحدت. هیأتی که به غزنی رفت اوّل در ظرف سه روز مسأله صلح با شورا برقرار شد، در ظرف یک هفته آقای بهشتی را برادران بردند در ورس و ازش دعوت کردند

به وحدت. در ارزگان دو تا هیأت فرستادند و تا حدی جنگ خاموش شد و برادران آمدند، در بامیان و این از ثمرات این وحدت بود.

بعد همان طوری که برادرمان آقای محقق زاده فرمود، بلافاصله بعد از میثاق وحدت، هیأت به خارج آمد که چهل و پنج روز وقت داشت. متأسفانه ۴ ماه ماندند خارج. وقتی که این هیأت از خارج آمد، از طرف برادران این جا شرط مطرح شد. ما تعجب می‌کنیم، یک کسی که شرط را بی شرطی وحدت می‌داند بعد دوباره شرط می‌کند.

حزب وحدت تنها راه نجات

خوب، جلسات و صحبت‌های این هیأت منجر به این شد که دو تا هیأت از خارج بیاید. یکی از طرف نظام جمهوری اسلامی، چون ما از آنجا نامه نوشته بودیم، یک نامه برای مسؤلین خودمان نوشته بودیم که این جا بیایید شرکت کنید در جلسه بامیان، اساسنامه، مرامنامه و تشکیلات حزب را به وجود بیاورید. یک نامه هم به جمهوری اسلامی نوشته بودیم که ما حزب وحدت را به وجود آوردیم تقاضا کرده بودیم که شما حزب وحدت اسلامی افغانستان را به رسمیت بشناسید و کمک کنید. لهذا وقتی این دو تا هیأت از خارج آمد، جلسات متعددی داشتیم و این هیأت‌ها حزب وحدت را تأیید کردند و گفتند تنها راه نجات تشیع در شرایط فعلی حزب وحدت است. هیأتی که از جمهوری اسلامی آمده بود برگشت و یک کمک مالی هم به حزب وحدت کردند که شما مشکلاتتان را حل بکنید و بیایید در خارج، به محض اینکه هیأت شما در خارج رسید، حزب رسمی از طرف مردم تشیع فقط حزب وحدت اسلامی افغانستان است.

این هیأت را که مرخص کردیم، هیأت شورای ائتلاف تشریف آوردند و این برادران آنجا آمدند. ما از نگاه قانونی با میثاق حزب وحدت، با امضایش کار گروه‌ها را تمام شده گرفته بودیم. باز که هیأت ائتلاف آمد این‌ها را آقای ابراهیمی در این جا از ایشان خواسته بود که شما با صلاحیت تام از طرف مسؤلین گروه‌های که در خارج است باید بروید و بگویید: نامه را در شورای ائتلاف، گرفته‌اند از این‌ها و از طرف شورای ائتلاف

هم بگویید که با حزب وحدت مذاکره می‌کنید. وقتی که این‌ها آمدند در بامیان، برادران روی آن مشکلاتی که داشتند، تعدادشان در ارزگان بود، تعدادشان در بهسود و تعدادشان در غزنی و آن جلساتی که باید معتبر می‌بود که باید دایر شود، افراد حضور نداشتند، ۲۰ ـ ۲۵ روز برادران معطل شدند، به اندازه سر ما فشار آورده بودند که من خودم شخصاً ماشین گرفتم، رفتم برادران را از پروان جمع کرده آوردم، به حاج آقای هادی خبر دادم از بهسود که بیاید و این جلسه دایر بشود.

شرایط وحدت

ما از برادران انتظار داشتیم که حالا این‌ها مسئولین خارج هستند، سال‌ها در داخل نیامده اند، حالا اگر یک سالی در این جا آمده ماندند کاری نیست. ولی برادران قبول نکردند. آقای هادی وقتی که از بهسود حرکت کرد راه ماشین از دره کالو بند شده بود، ایشان را در سه روز، نفرهای مجاهد با آن زحمتی که ایشان قبول کردند پشت کرده از راه برف تیر کردند؛ آمد در بامیان، جلسات شروع شد. جلسات وقتی که شروع شد ما از برادران سؤال کردیم که شما با وحدت چه حرف دارید؟ آقای محقق افشار گفت: که ما از نگاه کمیّت اعضای شورای مرکزی در وحدت بحث داریم. گفتم: دیگر چیزی نداری؟ گفت: نه.

از آقای جاوید سؤال کردم که شما چه حرف دارید با وحدت؟ گفت: از ما سه تا شرط مطرح است. اگر این شرایط پذیرفته شد ما با وحدت دیگر حرفی نداریم. گفتم: بفرمایید این شرط‌ها چیست؟

ـ گفت: یکی تشکیل شورای عالی امامیه، یکی هم عاملین جنگ‌های داخلی باید محاکمه شوند، یکی هم عوامل دولت که در منطقه مجاهدین نفوذ کرده این‌ها باید محاکمه شوند.

بعد گفتم: آیا از طرف رهبرتان صلاحیت دارید یا ندارید؟ چون ما قبلا شنیده بودیم که وحدت شرط نداشته باشد، حالا که شرط به وجود آمده در رابطه با این شرایط شما صلاحیت دارید یا ندارید؟ ایشان فرمدند: که ما اصل شرایط را حذف

نمی‌توانیم ولی برای تکمیل کمیت و کیفیتش صلاحیت داریم. گفتم: خوب وقتی که صلاحیت دارید ما وارد بحث می‌شویم.

از حزب اللّه سؤال کردم، گفتند ۶ تا شرط داریم و هیچ گونه صلاحیت نداریم که این شرایط را رویش بحث بکنیم، اگر شما قبول می‌کنید این شش تا شرط را، وحدت از نظر ما پذیرفته شده است.

از نماینده شورای اتفاق سؤال کردم که شما چه؟ گفت: از ما رهبری در داخل است و آقای بهشتی این جا رهبر است و تصمیم گیرنده آن است. ما فقط آمدیم از طرف شورای ائتلاف و به نتیجه اگر برسیم این جا وحدت را امضاء کنیم.

جلسات شروع شد با محقق افشار، سه نفر را ما پنج نفر قبول کردیم تمام شد و اعضای شورای مرکزی خود را به حزب وحدت معرفی کرد. با آقای جاوید بحث کردیم که دو تای از این‌ها را حزب وحدت قبلا مصوبه دارد؛ یعنی جنگ‌های داخلی بررسی شود مصوبه خود حزب وحدت است، عوامل دولتی دستگیر شوند و محاکمه شوند مصوبه خود حزب وحدت است. قبل از شما دادگاه ویژه تشکیل داده، اعلامیه داده و این چیز تازه‌ای از طرف شما نیست.

اما حرف سر شرط اوّل شما است که بحث شود در آن، که شورای عالی امامیه به عنوان امامیه در رأس یک حزب سیاسی در افغانستان درست نیست چرا؟ برای اینکه ما زیادی از برادران اهل تسنن داریم که از اوّل، نشان داده و پیام داده و تأیید کرده‌اند که ما به حزب وحدت می‌پیوندیم، که تا آن وقت هم افراد زیادشان پیوسته بودند. از این جهت به عنوان شورای عالی امامیه به صلاح مردم تشیع نیست. چون تشیع یک اقلیت است. برای آینده وقتی تشیع می‌تواند نقش داشته باشد که با برادران اهل تسنن به یک تفاهم و وحدت برسند. لهذا رد کردیم.

شورای عالی نظارت و تحقق شرایط

از اوّل هم هیأتی که از طرف جمهوری اسلامی آمده بود، در رابطه با اعمال ولایت فقیه بحث بود و مقصد این بود که ما برویم پیش رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت

اللّه خامنه ای، این مسأله را بیان بکنیم و تعدادی از علما که در ده سال انقلاب تمام فشار مبارزه را این‌ها قبول کرده و مردم هم این‌ها را قبول دارند، خدمت ایشان مطرح بکنیم، آن صلاحیت ولایی را برایمان بدهد). روی این مبنا با برادران جلسه کردیم، چه بهتر است که حالا هم شرط آقای جاوید تحقق پیدا بکند و هم آن مشکلی که در رابطه با اعمال ولایت داریم عملی شود. بعد از بحث و صحبت‌های زیادی ایشان توافق کرد بنام شورای عالی نظارت و رأی گیری کردیم، اکثریت قاطع رأی دادند که شورای عالی نظارت در رأس حزب باشد. بعد بحث سر این آمد که این (شورای عالی نظارت) در داخل تشکیل شود یا در خارج؟ این را شورای مرکزی داخل تعیین بکند یا کسی دیگر؟ بعد از بحث و گفتگوی زیاد به رأی گیری گذاشتیم و با اکتریت (آراء) تصویب شد که کمیت، کیفیت، شرایط و صلاحیتش را شورای مرکزی در داخل تعیین بکند. لهذا موافقتنامه با همین شکل امضاء شد و شرایطی که آقای جاوید گفته بود تمام شد و به برادرانی که آنجا بودند ابلاغ کردند که شرایط ما تحقق پیدا کرد. اما شورای اتفاق در آن وقت مسأله‌اش مانده بود. بعد از این جلسه، ما هیأتی فرستادیم پیش آقای بهشتی و دو نفر از آنجا به عنوان هیأت ناظر آمده بودند و نزدیک ۲۰ روز شورای مرکزی را نظارت کردند و عمل کرد حزب وحدت را دیدند و گزارش دادند به آقای بهشتی. بعد از آن، ایشان دو نفر را مشخص کرد که بیایند به شورای مرکزی و نامه داد، یکی پسرش و یکی هم آقای فصیحی را که بروند شورای مرکزی، میثاق وحدت را امضاء بکنند. و در رابطه با اعضای شورای مرکزی با حزب وحدت بحث بکنند و آقای شریفی را مشخص کرد از آنجا که برود خارج عضو هیأت حزب وحدت اسلامی باشد. بعد با این تفصیلی که خدمت شما عرض کردم، هم حرف این ایرانی‌ها (شورای ائتلاف) متأسفانه مغرضانه است و هم این سؤال مغرضانه است که این حزب وحدت را کی به وجود آورده است و چه شخصی؟ چون در اعلامیه‌ها اشاره می‌شود به این، که حزب وحدت را من به وجود آورده ام یا امثال من، من الآن اعلام می‌کنم که درست است در مسیر، با دعوت برادران ما برای امضای میثاق وحدت در بامیان

رفتیم. این مسلماً توهین است، برای تمام نیروهای جهادی و مسئولینی که طی دو سال جلسات و (امضاء) میثاق و منشور بیایند این جا اعلامیه بدهند که حزب وحدت را من به وجود آورده ام. من کوچک تر از آن بودم و هستم. مسلماً تمام مسئولین احزاب، چه آن‌هایی که خود را رهبر می‌گیرند در یک گروه و چه آن‌هایی که شورای مرکزی دارند باتفاق (همه) این حزب وحدت به وجود آمده و متعلق به هیچ گروهی، به هیچ شخصی نیست.

منتهی یک مسأله ما این جا داریم و آن مسأله این است که بعد از آن که در بامیان آمدیم در جای دیگر هم حاضر می‌شویم. ما وقتی که سازمان نصر را به وجود آوردیم یک جمعی بودیم و در آنجا قسم و سوگند یاد نکردیم. یکدیگر را می‌شناختیم، اعلامیه دادیم و جمع شدیم و مرامنامه ساختیم و اساسنامه و هیچ قول و تعهد نکردیم، ولی این فرق را حزب وحدت داشت که از جمع برادرانی که امضاء کرده‌اند دو بار به قرآن و وجدان و خدا سوگند یاد کردند، در مقدس‌ترین مکان که مسجد و خانه خدا باشد، این یک جلسه بود. جلسه دوم که میثاق وحدت یا منشور وحدت را در بین مردم اعلام می‌کردند در مزار سید هاشم آقا بود.

مراسم تحلیف شورای مرکزی را بگویم که مراسمش این است، که قرآن را پیش رو می‌گذارند رو به قبله این مراسم تحلیف را انجام می‌دهند که برادران انجام دادند.

افتخار تشکیلاتی

ما این جا دو تا مسأله را باید یادآور شویم که این دو تا مسأله باعث این شده است که برادران بگویند حزب وحدت را یا شخص مزاری به وجود آورده یا گروهش، بله ما در تشکیلاتمان این افتخار را داشتیم و داریم که از طرف گروهمان وقتی که می‌رفتیم امضاء می‌کردیم چیزی را، دیگر مخالفتی وجود نداشته تا حالا و بعد از این هم وجود نخواهد داشت، این را داشتیم. این یک افتخار تشکیلاتی است. این یک افتخاری است که برای سازمان نصر بوده، که یکیش به عنوان شورای مرکزی می‌رفته جایی، کاری می‌کرده دیگریش حق نداشته مخالفت بکند و تا حالا (هم) عمل کرده، این یک مسأله.

مسأله دوم این بوده که ما به تعهد خود پا بندیم، یعنی وقتی قرآن را زیارت کردیم و خدا را شاهد گرفتیم و از هیچگونه عملی که به نظر ما در رابطه با پیشبرد حزب وحدت باشد، صرف نظر نکردیم. این دو تا دلیل بوده است که برادران بگویند حزب وحدت را فلان شخص به وجود آورده یا فلان گروه، و الا غیر از این دو تا مسأله که در هر دویش هم افتخار می‌کنیم. دیگر اینکه ما بیشتر در رابطه با حزب وحدت کار کرد و نقش داشته باشیم نبوده، همه برادران نقش داشته، همه برادران فکر کرده و همه برادران تشخیص داده که تنها راه نجات ما این است. حالا خود برادران این سؤال را باید برای خود روشن بکنند که چه کسی با حزب وحدت مخالفت می‌کند و کی می‌خواهد؟ این را از خودش باید بروید سؤال بکنید که شما وحدت را قبول ندارید یا این که می‌خواهید وحدت تکمیل شود؟

در رابطه با شورای عالی نظارت با اینکه ما معتقد بودیم در این مسأله که این برای علماء یک مقدار اختلاف ایجاد می‌کند و چاره نداشتیم، هم به لحاظ اینکه ولایت اعمال شود و هم آقای جاوید راضی شود. حالا هم یکسری علماء مرتب اظهار مخالفت می‌کنند که چرا من در شورای عالی نظارت نیستم؟ چون کسی که درس طلبگی خوانده و برای طلبه شدن رفته یک اصل مسلم است که از اوّلش هر آخوند برای این می‌رود، حوزه درس می‌خواند که یک روز از مرجعی خط وکالت بگیرد و در منطقه‌اش برود مدرسه بسازد و طلبه داری بکند و این یک اصل مسلم است در تشیع.

تعدد مراجع را که نه نجف حل توانسته و نه قم، با رهبری قاطع امام خمینی (ره) باز هم مسأله مرجعیت در ایران و نجف حل نشد؛ یعنی امام یک رهبری بود که تمام مسلمان‌های مخلص قبول‌شان داشتند و تمام حوزه به ولایتش پابند بود ولی مرجعیت را ایشان نتوانست حل بکند.

کشکول مداحی

(حال) چطور می‌شد یک حوزه پر قدرتی که رجال علمی و استادان بسیار بزرگ دارد، مسأله مرجعیت را حل نمی‌تواند! بعد در تشیع مظلوم افغانستان که حضرت امام

صادق(ع) آن جا رسمیت ندارد بعضی‌ها می‌اید مرجعیت را حل می‌کند؟! این مثل آن داستانی است که می‌گوید در هرات در زمان حکومت شاه عباس یا نادر افشار، مداحی که کشکول در گردنش بود مداحی می‌کرد در هرات، شاه خواست از او که بگوید حق با علی بود یا با عمر؟ شاه از یک مداح می‌خواهد! مداح هم کشکول و تبر زینش را گذاشت چند بار عقب رفت و بعد گفت: شاه عالم! اگر اجازه بفرمایید ما هم حرفی بزنیم. گفت: بفرمایید. گفت آن وقتی که علی(ع) خودش حیات داشت و پیروانش هم دنبالش ایستاده بودند؛ عمر هم خودش حیات داشت و پیروانش هم دنبالش ایستاده بودند؛ این مسأله حل نشد. (و تو) با این تبرزین و کشکول ما می‌خواهی حل کنی؟! این گپ هم مثل همین می‌ماند. حوزه نجف وقتی که ۸ تا از مراجع... نوشتند که فلان آقا اعلم است حل نشد، طلبه‌ها رفتند دنبال انصاری... حوزه علمیه قم وقتی که ۱۲ مجتهد نوشتند و گفتند که امام (ره) اعلم است که حق هم نوشتند حل نشد، آقای میلانی،این جا بود، آقای خوانساری بود، آقای گلپایگانی بود، حالا هم هست و آقای نجفی بود و هست و باقی آقایان.

بعد چطور می‌شود این همه‌اش را خلاصه کرد سر مردم تشیع مظلوم افغانستان. این را هم مربوط می‌کنید به شش تا آخوند یا شش تا نه، ده تا، ده نه، بیست. با اینکه تنها در قم ۳۵۰۰ نفر طلبه داریم به دور از مشهد و تهران و خود افغانستان، آیا این عملی است که ۲۰ تا آخوند تصمیم بگیرند که بگویند الا و لابد این مرجع است و آن دیگری‌اش نه؟! ما در این مسأله وارد نشدیم. ما در این مسأله بحث نکردیم. نه اینکه زیان وحدت است؛ بلکه فنا کردن مردم تشیع است. باز هم آقایان در آنجا با صلاحیت بودند، این مسأله را پذیرفتند و امضاء کردند و به پایگاه‌های‌شان هم اعلان کردند و دوباره این شده ده تا شرط...[۲۱]

---

۱. این سخنرانی کامل نیست.

۲. سخنرانی رهبر شهید (ره) در جمع مهاجرین مقیم اصفهان، ۱۳۶۹ش.

حزب وحدت اسلامی و راه‌های حل بحران افغانستان

لا حول و لا قوة الا باللّه هو العلی العظیم اعوذ باللّه السّمیع العلیم من الشّیطان الرجیم. بسم اللّه الرّحمن الرّحیم، الحمدللّه ربّ العالمین و الصلاة و السلام علی محمد و آله الطّاهرین. اما بعد قال الحکیم فی قرآن واجب التعظیم: ان تنصر اللّه ینصرکم و یثبّت اقدامکم.

به روح شهدای اسلام و مخصوصاً شهدای عزیز گمنام افغانستان و مخصوصاً سه تا شهید که امروز سالگردشان است، شهید واحدی، شهید رضایی و شهید امینی، در مثل همین روز در زندان پلچرخی در سال ۵۹ به دست رژیم سفاک کابل اعدام شدند و در راه این انقلاب و این ملت جانشان را اهداء کردند؛ صلوات بلند بفرستید.

با تشکر از برادران عزیز مهاجر و مجاهد و علماء کرام، که امروز زحمت کشیدند در این مسجد حضور به هم رسانیده‌اند تا در جریان قضایای افغانستان قرار بگیرند. این آیه شریفه را که خدمت شما عزیزان تلاوت کردم، خداوند تبارک و تعالی در این آیه می‌فرماید که اگر کسی و یا اشخاصی و یا ملتی خدا را یاری کرد، خدا هم آنان را یاری می‌کند. تمام مفسرین این آیه را تفسیر کرده‌اند که مراد از یاری خدا، یاری دین خداست و مسلماً شما مردم قهرمان، سلحشور و شجاع در این دهه که گذشت دین خدا را در افغانستان یاری کردید. نه تنها در افغانستان بلکه در سراسر جهان، تمامی آن حصارهای را که مارکسیزم برای به زنجیر کشیدن انسان‌ها گسترده بود و هفتاد سال دوام داشت، این‌ها را شما شکستید. چطور شکستید، آیا شما واقعاً در مقابل روسیه،

یک ابر قدرت که تمام زرادخانه‌های شرق در اختیارش بود، سلاح داشتید؟ نه! یعنی در آن وقتی که در افغانستان، مزدوران دست نشانده روس، به تمامی مقدسات اسلام توهین کردند و تمام ارزش‌های ملی شما را زیر پا کردند، شما حرکت کردید به انگیزه یاری دین خدا.

کمک‌های الهی

دو داستان از اوایل انقلاب افغانستان، برای شما بیان می‌کنم. و عجیب است واقعاً آدم پی می‌برد که این ملت چطور به یاری دین خدا شتافته است و خدا چطور به آن وعده‌اش وفا کرده است و این‌ها را یاری کرد. بار اوّل که در منطقه دره صوف انقلاب شروع شد، تنها نقطه‌ای در افغانستان بود که در مقابل حکومت دست نشانده روس قیام کرد. با چه؟ با تفنگ‌های قدیمی و کهنه، با مرمی‌های دست پر، با باروت‌های که خودشان ساخته بودند، با تبر، قیچی، شاخی،[1] مسأله عجیب است. در سال ۵۹ در چهارکنت وقتی که آمدند بالای مردم بیچاره که هیچگونه سلاحی نداشتند، حمله کردند، ولی مردم با استفاده از تاریکی شب بالای دشمنان حمله کرده هفتصد نفر را نابود کردند و از کوه پراندند. هشتاد نفر از آن‌ها را با شاخی آهنی (چهار شاخ) زده و نابود کرده بودند، همه‌ای کارشناسان روسیه نظر داده بودند که مرمی وقتی از یک طرف بدن داخل می‌شود و سوراخ کرده از طرف دیگر بیرون می‌شود، سوراخ طرف دیگر بدن بسیار بزرگ است. عجیب است، این‌ها سلاحی پیدا کرده‌اند که سوراخ این طرف بدن که مرمی داخل شده با آن طرف که (مرمی) خارج شده یک طور است. گفتند، حتماً این سلاح را خمینی ساخته و در اختیارشان قرار داده است. این جا بود که شما به یاری دین خدا رفتید و خدا هم شما را کمک کرد.

ـ داستان دیگر: در بامیان شبی که نیروهای مجاهد ارزگان، ورس، پنجاب و لعل آمدند و بر سر ولایت حمله کردند، روس‌ها هم در آنجا حضور داشتند، مردم با تبر بر تانک حمله کردند. البته آنجا نزدیک هفتصد نفر شهید شد که بعد از فتح بامیان، اجساد تعداد از آن شهیدان بیرون شد، ولی این مسأله نبود، مسأله در این بود که

---

۱. شاخی = وسیله‌ای است که با آن خرمن‌ها را باد می‌دهند و کاه و علوفه را جمع می‌کنند و در برخی از مناطق به ن چهارشاخ می‌گویند.

روس‌ها آنجا لب زیر دندان گرفته بودند و می‌گفتند در برابر این مردمی که با تبر بر سر تانک حمله می‌کند، نمی‌شود مقاومت کرد.

نتیجه‌ی این مقاومت و یاری خداوند چه شد؟ این شد که ارتش سرخ روسیه را برای اوّلین بار در دنیا شما شکست دادید و این شکست تنها از افغانستان نبود، دیوار آهنین که در دور روسیه کشیده شده بود و هیچ خبرنگار و هچ سیّاحی نمی‌توانست اطلاع پیدا کند که در بین این دیوار آهنین چه می‌گذرد، این شکسته شد. این، از مبارزه‌ی شما بود. امروز شما می‌دانید وقتی که باقر معین مسافرت می‌کند در مناطق آسیایی مرکزی، مرتب در بی بی سی گزارش می‌کند، این از اثر مبارزات شما مردم است. امروز که در اروپای شرقی، یکی پس از دیگری دیوار مارکسیزم فرو می‌ریزد؛ این از مبارزات شما است.

در سال ۱۳۵۸ یادم هست، وقتی که ما در ایران بودیم و ارتش سرخ روسیه آمد افغانستان را اشغال کرد؛ امام عزیزمان (امام خمینی (ره) برای سفیر روسیه گفت: که شما در افغانستان بیایید؛ شما می‌توانید امروز افغانستان را با زورتان اشغال کنید ولی مانده نمی‌توانید در افغانستان. و یک روز شما را چریک‌های افغانستان آنچنان سیلی بزنند که سر از خاک نتوانید بردارید.

آن روز این مسأله را و این حرف را باور دنیا نمی‌آمد. ایرانی‌ها هم باورشان نمی‌آمد؛ ولی نمی‌توانستند در مقابل امام چیزی بگویند. در آن شرایط که ما این جا بودیم، در یکی از مصاحبه‌ها یا در یکی از سخنرانی هایم گفته بودم که ما افغانستان را از چنگال روس‌ها در آینده آزاد خواهیم کرد؛ و هم ما آسیای میانه و آسیای مرکزی را به حرکت (در) خواهیم آورد. آن روز این حرف را کسی باور نمی‌کرد، ما را مسخره می‌کرد. تحلیل گران سیاسی می‌گفتند: ارتش روسیه در هر جای که رفته؛ در آنجا ماندگار شده و برنگشته است. امروز که روس‌ها در افغانستان آمده اند، برای ماندن است نه برای برگشتن. می‌گفتند: شما در خانه‌ی خود، چیزی را درست نمی‌توانید و در جای دیگر حرف می‌زنید؟! ولی امروز دیدید که این مسأله در دنیا اثبات شد؛ هم حرف امام و هم آن چیزی را که ما گفته بودیم، در مناطق روسیه تحقق پیدا کرد.

امروز از مجاهدین قهرمان افغانستان؛ کسی است که می‌رود در تاجکیستان قرآن

پخش می‌کند، اعلامیه پخش می‌کند و ترور انجام می‌دهد. دنیا این خبر را منعکس می‌کند! امروز آذربایجان اسلامی، شورش کرده و قیام کرده، آزادی و حکومت اسلامی می‌خواهد، این تحقق پیدا کرد. امروز کشمیر که یکی از حامیان دولت دست نشانده روسیه ـ دولت هند ـ بود، که در طول ۱۲ سال حمایت کرد مردم قهرمان کشمیر قیام می‌کند و نهضت راه انداخته است، که دنیا هم امروز متوجه آن است. این حرکت (ها) را شما به وجود آوردید.

راه حل قضیه‌ی افغانستان

یک مسأله را که می‌خواستم این جا خدمت شما عرض کنم که در قم هم وعده داده بودم ولی وقت کفایت نکرد و امروز خدمت شما به عرض می‌رسانم. آن مسأله این است که حل مسأله افغانستان از چه راهی است؟ حزب وحدت اسلامی افغانستان برای این مسأله چه طرحی دارد؟ این مسأله‌ای است که باید امروز خدمت شما بیان کنم و موضع حزب وحدت را روشن کنم.

از آن روزی که ارتش روسیه شکست خورد و زمامداران روس، تصمیم گرفتند، از این منجلابی که (خود)، را غرق کرده چطور بیرون بیایند؟ راه‌های حلّ از طرف کسانی و اشخاصی درباره‌ی افغانستان مطرح شده، و در این مدت همه‌شان تجربه شده که راه حل نبوده است.

روس‌ها و ارائه راه حل مسأله‌ی افغانستان

یک راه حل هم از طرف روسیه و دولت کابل مطرح است و آن آشتی ملی و حکومت ائتلافی است. شما می‌دانید که از سال ۶۶ این مسأله را مطرح کردند تا حالا پول زیاد مصرف کرده‌اند و داد زده‌اند و تبلیغ کرده اند. این مسأله (از سوی نیروهای مجاهدین) قبول نشد. یک چیز طبیعی هم هست برای اینکه یک نظامی که باعث کشته شدن بیش از یک میلیون مردم ما شده باشد و پنج میلیون نفر از مردم ما را در خارج آواره کرده باشد و شصت فی صد خانه‌های مردم ما را از بین برده باشد، هیچ آدم عاقلی این راه حل را نمی‌تواند بپذیرد. (تکبیر حضار)

طرح سازمان ملل متحد

راه حل دیگر از طرف سازمان ملل و کلا غرب مطرح شده است که یک حکومت بی طرف در افغانستان تشکیل شود که نه دولت مارکسیستی روسیه در آن نقش داشته باشد و نه مجاهدین. این دولت (دولت کمونیستی داکتر نجیب) جایش را برای آن دولت تخلیه کند و مجاهدین هم سلاحشان را زمین بگذارند و این مسأله‌ای است که در دنیا مطرح شد و رویش تبلیغ و بحث شد و ما دیدم که این هم عملا جا نیفتاد. چرا؟ برای این که (طرح سازمان ملل یک) چیزی غیر معقول و غیر منطقی است. یعنی یک کسی (روی کار بیاید) که رفته در اروپا خوابیده و در ده سال مبارزه‌ی مردم افغانستان رنج ندیده و زحمت و دربدری نکشیده است چطور می‌شود که ملت (افغانستان) این مسأله را بپذیرد و بگوید، ما مبارزه کردیم، فرزندانمان را شهید دادیم، هستی مان را از دست دادیم ولی آن کسی که در اروپا (بوده) جنگ نکرده، باید بیاید زمام (امور) ما را به دست بگیرد و این راه حل، راه حل نیست.

راه حل مطرح شده از سوی اتحاد هفتگانه‌ی مجاهدین مقیم پاکستان

راه حل دیگری از طرف برادران هفتگانه مقیم پاکستان مطرح شد، و آن تشکیل شورای مشورتی و تعیین حکومت موقت و از بین بردن حکومت نجیب و جایگزینی این حکومت موقت بود. و این هم نزدیک یک سال و نیم است که مطرح شده و راه حلّی نبود که نتیجه بدهد چرا؟ برای این که این جا هم شتابزدگی به کار رفت و هم حقوق ملت در نظر گرفته نشد. این جا هم انحصارطلبی شد. اگر این حکومت موقت تشکیل نمی‌شد، مسلماً مجاهدین قهرمان ما این دولت (دولت داکتر نجیب) را سقوط داده بودند و جایش یک حکومت دیگری را جایگزین کرده بودند. (تکبیر حضار)

و این‌ها نه تنها مردم ما را و مردم مبارز تشیع را نادیده گرفتند، بلکه تمام فرماندهان که در داخل ثقل جنگ و مبارزه را در ده سال بر دوش داشتند، نادیده گرفتند. تمامی ملیت‌هایی را که ده سال شهید دادند و آواره شدند و خانه و کاشانه‌شان را از دست داده اند، این شورای مشورتی و دولت موقت در نظر نیاورد و این هم تمام شد و به جایی نرسید. در این جا یک مسأله مطرح است و آن مسأله این است که می‌گویند، در این جا چون شیعیان شرکت نکردند، از این جهت حکومت موقت شکست خورد و این شکست به گردن مردم تشیع بود.

ما این جا این مسأله را روشن می‌کنیم برای این برادران که اینها خودشان تنگ نظری کردند و عهد شکنی کردند و این مسأله را به وجود آوردند. نه تنها مجاهدین شیعه که تمامی مجاهدین داخل را نادیده گرفتند. شما در مصاحبه‌ها و در بیانیه‌های قهرمانانی که در سنگرها می‌جنگند از برادران هفتگانه، دیدید و شنیدید.

ما از این برادران می‌پرسیم، اگر ما واقعاً افغانی هستیم، اگر ما یک چهارم مردم افغانستان را تشکیل می‌دهیم، اگر ما ده سال مبارزه کردیم که تمامی مناطق ما آزاد است، چطور می‌شود وقتی که برادران می‌روند با روسیه وارد مذاکره می‌شوند، مجاهدین ما را اصلا در جریان نمی‌گذارند؟ آن هم در کجا؟ در مکه! می‌روند مذاکره می‌کنند که ما خبر داریم. این جاست که این حق کشی و نادیده گرفتن مردم ما را آن‌ها انجام دادند، نه ما! بعد روس‌ها از این برادران کرده حق بین و واقع بین (تر) بودند، آمدند و گفتند: نه، کل مجاهدین شما نیستید در ایران هم یک مقدار هست، گفتند چون با شما مذاکره کردیم با این‌ها هم مذاکره می‌کنیم. این مسأله به دوش آن برادران هست. در شورای مشورتی مطرح می‌شود، سخنگوی وقت هفتگانه، تهران می‌اید با سخنگوی مجاهدین شیعه‌ی افغانستان قراردادی را امضاء می‌کند، شما شاهد هستید که ما در داخل و خارج به این قرارداد، هیچ اعتراضی نکردیم و این قرارداد را امضاء کردیم، چون افغانستانی هستیم، باید در افغانستان زندگی کنیم، با اینکه ترکیب این حکومت را قبول نداشتیم. ولی آن برادران این تعهد را شکستند. بیایید از این برادران سؤال کنید که این تعهد شکستن از نگاهی سیاسی در دنیا درست بود یا از نگاه عرف یا از نگاه شرع؟ این را ما نکردیم، برادران کردند. ما شرکت نکردیم، قومندانان داخل شرکت نکردند و آقایان به زور کله‌شان حکومت موقت را تشکیل دادند و بیشتر از یک سال از عمرش گذشت، چکار کرد؟ این طرح هم شکست خورد.

طرح انتخابات

طرح دوم را ریختند، طرح انتخابات! که در واقع آن، انتخابات نیست؛ انتصابات است. باز این جا به اشتباهشان پی نبردند که برای این طرح باز قومندانان داخل و مجاهدین شیعه را بخواهند از ایشان مصلحت و مشوره بگیرند و با اتفاق نظر این طرح را بیرون بدهند. این طرح را یک طرفه مطرح کردند که شما شاهد مسأله هستید.

طرح حزب وحدت اسلامی افغانستان

اما طرح حزب وحدت اسلامی افغانستان: ما معتقدیم که در کل انقلاب‌های دنیا، دو روال برای حل مسأله وجود دارد. و تا حالا چه آمریکایی ها، چه روس ها، چه برادران که در پیشاور بودند، این دو روال طبیعی را عمل نکردند. یک روال در انقلاب ها، چه انقلابی که پیروز شده است و چه آن انقلابی که در حال پیروز شدن است، تشکیل شورای انقلاب است. شما تمام انقلاب‌های دنیا را وقتی که بررسی بکنید، چه از اسلامی، چه از مارکسیستی و چه از لیبرالی، باید این روال را طی بکند. چرا؟ برای این که ملت وقتی که ده سال دنبال مبارزین بودند و پشت سر مجاهدین ایستادند و حمایت کردند، حق طبیعی مجاهدین است که شورای انقلاب تشکیل بدهند و زیر نظر این شورا، حکومت موقت تشکیل شود. چون ده سال سنگینی مبارزه و جهاد را بر دوششان گرفته‌اند و این یک روال طبیعی است و در دنیا هم نمونه دارد.

راه حل اوّل: بنابراین، طرح اوّل ما این است، که برادران به وحدت برسند و این طرح یک مقدمه دارد که حزب وحدت خودش این مسأله را عمل کرد. یعنی شورای انقلاب آن وقت تشکیل می‌شود که مجاهدین به وحدت برسند، این شرط اوّل است. اگر مجاهدین وحدت نکنند، هیچ طرحی در افغانستان حل کننده‌ی (بحران) نیست. عملا در ظرف ده ماه گذشته گروه‌های تشیع این مسأله را عمل کردند و شد. ما از برادران تسنن خود تقاضا می‌کنیم و دست دراز می‌کنیم در این شرایط حساس بیایند کنار هم بنشینند تفاهم بکنند و وحدت. به غیر از این مسأله راهی وجود ندارد.

شورای انقلاب در هر شرایطی امکان تشکیل دارد چه حکومت سقوط کرده باشد چه سقوط نکرده باشد و این یک راه است که اگر برادران حاضر باشند برای این مسأله، ما حاضریم و در دنیا هم نمونه داریم و روال طبیعی انقلاب‌ها همین بوده باید از سنت انقلاب‌های دنیا استفاده کرد و برای پیروزی نمی‌شود غیر طبیعی حرکت کرد.

راه حل دوم: دوم راهی است که غرب خیلی این را دامن می‌زند و (بعضی) برادران هفتگانه هم پنج و شش ماه است که مرتب رویش مانور تبلیغی می‌دهند و آن مسأله‌ی انتخابات است. دو راه اصولا در یک انقلاب وجود دارد. یا برای یک انقلاب، انقلابیون تصمیم می‌گیرند که آن شورای انقلاب است، یا اگر بگویند کل ملت در این مسأله

سهم دارند، آن انتخابات سرتاسری هست، نه انتصابات، که برادران مطرح کرده اند.

وقتی که انتخابات را قبول کردیم باید انتخاباتی باشد که تمامی اقشار ملت، مرد و زن، پیر و جوان، آن که در اروپا خوابیده است، آن که مهاجر هست و آن که در سنگر هست، در آن سهم داشته باشند. نمی‌شود که دو پهلو برخورد کرد، هم نامش را گذاشت انتخابات هم در عمل انتصابات باشد.

من تعجب می‌کنم! از حامیان غرب این برادران که خودشان را از نگاه حمایت از حقوق بشر و حمایت از انسان‌ها و حقشان در دنیا سردمدار جلوه داده‌اند و صدایشان، گوش جهانیان را کر کرده است، ولی وقتی مطرح می‌شود که در افغانستان هفت نفر از زن‌ها در انتخابات شرکت کنند، هیچ اعتراضی نمی‌کنند؟! زن‌هایی که ثقل این انقلاب را آنها بدوش داشتند. چرا؟ برای این است که این فرزندان که شهید شده اند، این مادرها تربیت کرده بودند. مسأله‌ی ۳ حوت ۵۸ را این خواهران در افغانستان به وجود آوردند، چطور می‌شود که این‌ها شرکت نداشته باشند. لهذا، در این رابطه حزب وحدت اسلامی افغانستان طرحی را تدوین کرده است برای انتخابات که همه‌ی اقشار ملت از مرد و زن، از آن که مهاجر هست، از آن که مجاهد هست، حق دارند در این انتخابات شرکت کنند و آن هم رأی گیری روی نفوس باشد نه جغرافیا، که تشکیلات ظالمانه‌ی گذشته بر ملت‌های محروم در افغانستان ظلم کردند و حق کشی کردند. به زودترین فرصت این طرح (طرح انتخابات و یا شورای انقلاب از سوی حزب وحدت) بیرون داده می‌شود از این که شرایط، شرایط جنگی است ما باورمان نمی‌اید که در چنین شرایطی انتخابات برقرار کرد. لهذا، ناظران معتبر از کشورهای اسلامی و بین المللی باید نظارت کنند تا حق هیچ کس ضایع نشود. این جا یا نیروی جهادی و مبارز حق دارد سرنوشت ملت و مردمشان را تعیین کنند که ده سال زحمت انقلاب را کشیده، یا حق برای قاطبه‌ی مردم داده شود. نمی‌شود در این جا مثل شتر مرغ برخورد کرد، در جایی که بار است مرغ می‌شود و در جای که گفته شود بپر، شتر است. در یک جا بگوییم که مردم جهادگر و مجاهد تعیین بکنند، در جای دیگر بگوییم نه ایشان حق ندارند باید یک کسانی سرنوشت را تعیین بکنند که ده سال دستشان به آب گرم و سرد نخورده است.

این مسأله است که راه حل پیشنهادی حزب وحدت، همین دو راه است، هر کدام را که برادران قبول دارند، ما قبول داریم. شورای انقلاب تشکیل می‌دهند، یک حق مسلم مجاهد مردان ما است که ده سال مبارزه کرده اند. ملت هم این حق را برای آنان داده است. اگر می‌گوییم نه، تمام مردم در این شرایط باید شرکت کنند و سرنوشتشان را تعیین بکنند، باید این مسأله را بپذیرند که انتخابات روی نفوس باشد و تمام زن و مرد و پیر و جوان حق داشته باشند که شرکت بکنند، چه مجاهد چه مهاجر، چه آن که در اروپا است چه آنی که در پاکستان و ایران است و یک ناظر معتبر هم وجود داشته باشد تا این انتخابات تحقق پیدا کند.

راه حلی را که برای انقلابمان حزب وحدت ارائه کرده همین است. وقت هم تمام است یک مسأله را به عنوان تذکر خدمت برادران عرض کنم و آن اینکه تبلیغات راه افتاده که حزب وحدت نظر دارد که مهاجرین را برگرداند، نه، این دروغ است و ما الآن تکذیب می‌کنیم البته مسأله را سازمان ملل مطرح کرده که مهاجرین برگردند، در پاکستان هم این را مطرح کرده است که صبغت اللّه و سیاف مصاحبه کرده و شما در جریان آن هستید.

مهاجرین عزیز ما، خود اختیار دارند که به مناطق برمی گردند یا برنمی گردند تا آن وقتی که انقلابشان پیروز شود، این یک مسأله. مسأله‌ی دیگر که می‌خواستم خدمت شما عزیزان صحبت کنم این است که گفته شده یکسری از کسانی را که کارت ندارند در مشهد و بیرجند جمع می‌کنند و به اردوگاه می‌برند که (ما) از قضیه خبر نداریم، فقط همین جا برادران نوشته دادند. وقتی با مقامات جمهوری اسلامی صحبت کرده بودیم به ما قول داده بودند، لذا، وزارت خارجه که الآن هم خدمت (شما) اعلام می‌کنم (موافقت کرده بود تا) برای عزیزانی که کارت نداشتند کارت داده شود. و این در صحبت‌ها مطرح شد که اگر انتخابات را برادران هفتگانه بپذیرند، مهاجرین عزیز ما که در خارج است حق رأی داشته باشند و رأی بدهند و این را ما مطرح کردیم که یک تعداد از برادران مهاجرین ما کارت ندارند و این برادران برای ما قول دادند که ما این‌ها را کارت می‌دهیم و هیچ وقت این مسأله در بین ما مطرح نشده که مهاجرین را در اردوگاه ببرند. ما با این مسأله مخالفیم، از نظام جمهوری اسلامی و مسئولین

محترم آن تقاضا داریم که این کار را نکنند و این برای خودشان هم خوب نیست. در وقتی که مسأله‌ی افغانستان از نظر دنیا دارد تمام می‌شود، برای مهاجرین ما هم خوب نیست و برای این‌ها (باید) کارت بدهند و در انتخابات شرکت بکنند. اگر انتخابات برای تمام مجاهدین که ذینفع‌اند مورد توافق واقع شد که مسلماً بعد از انتخابات یک مجلس قانونی که به وجود می‌آید، مسأله افغانستان حل می‌شود. آن وقت برادران عزیز مهاجر ما قطعاً به کشورشان و منطقه‌شان محترمانه و داوطلبانه، خودشان می‌روند و لازم نیست کسی فشار بیاورد و جمع بکند. این مسأله بود که خدمت شما عرض کردم دیگر همین جا مسأله را تمام می‌کنم و شما را به خدا می‌سپارم.[۱]

والسلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته

۱. سخنرانی رهبر شهید در تهران، ۱۳۶۹/۲/۲۱.

شیعیان افغانستان و ضرورت همبستگی

لا حول و لا قوة الاّ باللّه العلی العظیم، اعوذ باللّه السمیع العلیم، من الشیطان الرجیم، بسم اللّه الرحمن الرحیم، الحمدللّه رب العالمین و الصلوة و السلام علی محمد و آله الطاهرین. اما بعد قال اللّه الحکیم فی قرآن واجب التعظیم: و اعتصموا بحبل اللّه جمیعاً و لا تفرقوا.[1]

با درود فراوان به روح بزرگ امام عزیزمان و رهبر جهان اسلام امام خمینی (ره)، با درود فراوان به روح شهدای مطهر جهان اسلام از صدر اسلام تا این زمان حاضر و مخصوصاً شهدای گمنام افغانستان، سلام به پیشگاه ولی امر مسلمین و رهبر عزیز جهان اسلام حضرت آیت اللّه خامنه ای، با تشکر از کسانی و مسئولینی که زحمت این جلسه را کشیدند و وسایلش را فراهم کردند و برادرانی را از دورترین نقاط جهان در این جا جمع کردند، تا درباره‌ی مسأله افغانستان و انقلاب اسلامی افغانستان و مردم مظلوم شیعه افغانستان تبادل نظر شود.

بر خود لازم می‌بینم قبل از اینکه وارد بحث اصلی شوم، خدمت برادران عزیز اولا روشن کنم که صحبت‌های این جانب، آن [چه را] که فکر کردم در این جلسه ضروری باشد بررسی سیر تاریخی این وحدت در خارج و داخل، و دست آوردهای این وحدت است. مسلماً این احساس را در این جا ما مشاهده کردیم از برادران عزیز که در این

---

۱. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۰۳.

موضوع، موافق باشند و انتظار هم داشته باشند، وقتی که این موضوع مطرح می‌شود. از این همه وقتی که [برادران] گذاشته در این مسأله، چند تا تذکری که لازم می‌بینم در رابطه با این مجمع، از وقتی که به وجود آمده [بگویم] که به عنوان یک وظیفه شرعی احساس می‌کنم، در این جا برای برادرانی که دست اندرکار این مسأله هستند پیشنهادی کرده باشم. بدون اینکه خدای نخواسته یک وقت تعبیر شود از این که ما در این جا موافقی این مسأله نبودیم، نه! خدا را شاهد می‌گیریم. روی منافع مردم و ملت ما، این پیشنهادات را می‌کنم.

حکومت انحصاری

تذکر دیگری که [لازم است] خدمت برادرانی که در این جا از عزیزان و دانشمندان و مسئولین، جمع شدند این فرصت برایشان آمده، صحبت‌های شده که اکثریتش را شخصاً این جانب به نفع مردم (تشیع) تشخیص نمی‌دهم. البته یک سری بوده، نمی‌گویم این حوادث در افغانستان نیست، من فکر می‌کنم که در این جا اگر برادران در این مسأله می‌پرداختند که ما برای مردم تشیع چه بکنیم؟ چه برنامه بریزیم؟ از اینکه دیگران چه کردند، فکر می‌کنم خوب بود و خوب باشد برای آینده و برادران درک کنند. برای این که ما یک افغانی هستیم و می‌خواهیم در افغانستان زندگی کنیم، می‌خواهیم در کنار آن برادران باشیم و مسائل مان را حل کنیم، ما هیچ وقت نیتی برای این مسأله نداریم خدای نخواسته که آن برادران را حذف کنیم، اوّلا، از توان ما نیست! (ثانیاً)، می‌خواهیم آن حکومت انحصاری را که در طول تاریخ به وجود آورده بودند، از انحصار بیرون بیاید و گسترده شود، این خواست مردم ما است.

من فکر می‌کنم بعد از تاریخ‌های ممتدی که شیعیان افغانستان گذرانده اند، با این جریان که همه افغانی اند، همه دردها را با استخوانهایشان لمس کرده‌اند و ده سال انقلاب را سپری کرده اند، از درد تشخیص دادن گذشته باشد. چه خوبست که دنبال دوایش برویم، نگوییم دیگران برای ما چه کردند و این به نفع مردم تشیع نیست؛ برای اینکه در کل مناطق شیعه یک دکتر وجود ندارد، برای اینکه در تمام مکاتب که بناست حزب وحدت فعال بکند یکدانه کتاب وجود ندارد، برای اینکه یک بیمارستان نیست، برای اینکه در سطح بین المللی مطرح شده که (شیعه) افغانستان ۲ ـ ۳ درصد است،

(برای رد این نظریه) آمار تهیه شود، مدارک تهیه شود، و در دنیا عرضه داشته شود؛ روی این برنامه‌ها اگر صحبت بکنیم خیلی مفید است به نظرم، از اینکه بما چه کردند؟ ولی وقتی که ما نجنبیدیم، وقتی که ما از حق خود دفاع نکردیم، هر کس باشد می‌کند. این یک تذکری بود که خدمت برادران بسیار عزیز و گرامی می‌خواستم تذکر دهم.

استفاده درست از بیت المال

آن تذکری که برای گردانندگان این مجمع بود، و لازم می‌دیدم، آن عبارت از این است که، با این اسم ـ اگر چه برادران همه حمایت کردند ـ با این (گونه) جمع کردن ها، من فکر می‌کنم به نفع مردم تشیع نیست، می‌شود این کار را به یک اسم دیگر هم کرد، با این که در این جا هیچ جهت دهنده‌ی درباره صحبت‌ها وجود ندارد، با این که در این جا هیچ برنامه‌ی تنظیم نشده که در چه باره صحبت شود. برادران در این جا وقتی که فرصت برایشان دست دادند، آن طرف دیوار و آن طرف دروازه را هم نمی‌بینند و این شاید به صلاح نباشد و این امکانات جمهوری اسلامی که امکانات اسلام است و امکانات عمومی است، چه فرق می‌کند برای جمهوری اسلامی و برای شیعیان یا مسلمان ها، این جا گذاشته می‌شود که خوب استفاده شود، در اینجا برنامه ریزی به قدر کافی نشده. من از کمیسیون‌های دیگر اطلاع ندارم در یک کمیسیون که خود ما آنجا بودیم، از باب نمونه خدمت شما عرض می‌کنم. این جا نشستن ما، نفس کشیدن ما، نان خوردن ما، خواب کردن ما، همه از بیت المال مسلمین مصرف می‌شود. در این کمیسیون هشتاد نفر بودند، من نمی‌دانم در کجای دنیا و در کجای کمیسیون‌ها این مسأله است که در یک ـ دو ساعت هشتاد نفر در یک کمیسیون گذاشته شود که این‌ها چه (چیز) را بررسی کنند؟ [البته] از کمیسیون‌های دیگر معذرت می‌خواهم من از آنها اطلاع ندارم. ولی اگر می‌خواهند این مسأله دست آوردهایی داشته باشد، آن کسانی که متخصص در این مسأله هستند ـ که دوستان حتماً هستند ـ چند نفر یک چیزی تهیه بکنند، رویش بحث بکنند، در تاریخ این مسأله بماند، بیرون هم داده شود. این تذکراتی بود که خدمت برادران و مسئولین (مجمع) عرض کردم.

تذکر دیگری هم که باز عاجزانه خدمت برادران می‌گویم، از آن جهتی که حوادث افغانستان و این حادثه‌ی جدیدی که به این جا آمده، لازم است که برای برادران بازگو

بکنم. اگر یک وقت از وقتم گذشت، عفو می‌خواهم و تحمل کنند که این مسایل را در جریان گذارم.

دو، یا یک تذکری که در این جا مطرح شده قبل از این که وارد اصل بحث شوم، باز خدمت برادران عاجزانه، خواهشانه و مخلصانه عرض می‌کنم که برادران این آیه‌ی شریفه را که عنوان کردم خدمتشان و در بهشت زهراء هم این مسأله را گفتم و این آیه‌ی قرآن به عقیده این جانب مظلوم‌ترین آیه در قرآن می‌باشد، که همه کس، تمام اقشار حتی آن کسانی که معتقد به اسلام هم نیستند از این آیه استفاده می‌کنند. مارکسیست‌ها را شما خوب می‌دانید که در این وقت‌ها خوب قرآن خوان شده اند. و علیه این آیه رفتار می‌کنند. این آیه‌ی مظلومی است در اوّل تأسیس حزب وحدت، من خدمت برادران گفتم بیایید یک بار تعهد بکنیم که به این آیه عمل کنیم و حالا هم از شما برادران این مسأله را تقاضا دارم. وحدت، ضرورتش و مسایلش [کاملاً واضح و روشن است] من فکر می‌کنم، در ده سال تجربه، تجربه‌ی تلخ! به ما اثبات شده باشد که این راهی که می‌رویم نجات دهنده نیست، باید وحدت بکنیم و بیایید به این آیه، عمل بکنیم و به این ریسمان الهی چنگ بزنیم.

دست شیطان

من در بهشت زهرا صحبت کردم، خدا را الآن شاهد می‌گیرم هیچ نظری در این مسأله نبوده که سوء تفاهم شود که من نظر داشته باشم به کسی، اصلا در این مسأله، ما و شما دیگر مطرح نیست، همه، ماییم و یک جا و یک دست، اگر این را هم نباشیم، حتماً شکست می‌خوریم، من در آنجا، در تعبیرم داشتم که این وحدت را در داخل همه پذیرفتند و شما ملت عزیزی که در این جا مهاجر شدید [اعم] از طلاب، دانشمندان، مهاجرین و همه حمایت کردید. من فکر می‌کنم که هر کس سر راه این وحدت سنگ باندازد، تعبیر داشتم هر جانی و جاه طلب که... خدا را شاهد می‌گیرم که این را برای هیچ شخصی، هیچ کسی، هیچ گروهی نظر نداشتم، این یک اصل طبیعی بود با این حمایت با این ضرورت [که هیچ کس توان مخالفت ندارد]. ما این جا نفی نمی‌توانیم که الآن مخالف این وحدت، دولت کابل نیست. یا آن مسایلی که در غرب می‌گذرد یا وهابی‌ها [مخالف] نیست، این‌ها هم جانی است و هم جنایت کرده، بی اندازه خیانت

برای این ملت کرده اند، این مبنایی بود که گفته شد و نظری به کسی نداشت، شاهد این مسأله را از کلام رهبر عالی قدر جهان اسلام آقای خامنه‌ای داریم. آقای خامنه ای، در آن سفر قبلی که با هیأت آمدم ـ در صحبتی که داشتند، برادران پاکستانی هم بودند، گفتند: در راه اخلالی به وحدت هر دستی بالا شود آن دست، دست شیطان است.

اما مطلبی که خدمت برادران باید عرض کنم امروز: سیر تحولات تاریخ انقلاب افغانستان از روز اوّل که انقلاب شروع شد و انقلاب در ایران پیروز شد و جریان‌های سیاسی به وجود آمدند. آن روز فکری بود برای این مسأله که برای وحدت کاری بکنیم که روی این مبنا برادر عزیزمان جناب حاج آقای صادقی، این مرد سنگر و جهاد از داخل زحمت کشیدند، آمدند، گروه‌ها را جمع کردند، این جا جبهه‌ی آزادی بخش را تشکیل دادند. این یک پدیده نبود، که امسال در سال، ۱۳۶۸ به وجود آمده باشد که برادران بگویند که چطور یک شبه سبز کرد.

من این تاریخ را الآن خدمتتان عرض می‌کنم، [که وحدت] در آنجا به وجود آمد، دنبال این مسأله نیستم که از طرف کی شکسته شد، چطور بود؟ طبیعی مسأله، این است که ما فکر بکنیم، آن روز این تجربه را ما نداشتیم و این ضررها را ندیده بودیم. فکر می‌کردیم هر گروه که تشکیل می‌شود تعیین کننده در افغانستان است و آینده را رقم می‌زند آن حکومت را پیاده می‌کند، این یک اصل بود. طبیعی بود که در این جا این مسأله شکست می‌خورد، در یک وقتش این مسأله خوب بود، نتیجه‌اش هم خیلی خوب بوده در همان وقت، اوّلین کنفرانس اسلامی از وزرای خارجه‌ای جهان اسلام برای حمایت از انقلاب افغانستان در اسلام آباد به وجود آمد که تمام مجاهدین افغانی اعم از شیعه و سنی با نمایندگی ایران با وقت [گرفتن] ایران وارد آن کنفرانس شدند که آن روز استکبار جهانی یا کشورهای مرتجع منطقه، حاضر نبودند، مجاهدین را ـ با وقتشان ـ به کنفرانسی راه بدهند که برای خودشان و حمایت خودشان تشکیل شده بود. آنجا این جبهه‌ی آزادی بخش با این که عمر کمی داشت ولی تعیین کننده بود، چرا؟ به محض ورود جناب آقای محسنی و آقای صادقی در این کنفرانس، ضیاء الحق همین طور بدو، بدو آمد سراغ این‌ها به محض این که عباء و قباء را دیده بود، گفت:

شما از مناطق شیعه نشین هستید؟ گفتند بلی! گفت: ما ارادتی خاصی به مبارزه‌ی شما داریم ما حاضریم همه نوع کمک بکنیم برای شما. بگذریم از این که در این جا ناپختگی‌هایی بود، مسایلی بود، از سه جا یک کمیته تشکیل شد برای جذب کمک به انقلاب افغانستان و حمایت از انقلاب افغانستان، که یکی‌اش ایران بود، پاکستان بود و... از طرف انجمن یا کنفرانس اسلامی، این‌ها نمایندگی داشتند که در «ژنو» که بروند آنجا بحث بکنند. در آنجا وزیر خارجه ایران این مسأله را بیان کرد، ما به فیصله رسیدیم که ثلث این کمک‌ها در مناطق شیعه نشین برود، این از اثر همان جبهه‌ی آزادی بخش بود.

دنبال این مسأله باز در سال ۶۳ و ۶۴ برادران ما اقدام کردند برای وحدت، ۹ ماه رویش کار شد، در همین ایران، روی حوادثی این مسأله بهم خورد و برادران در این جا به این نتیجه رسیدند که فرماندهان عزیز داخل [این مساله را ادامه بدهند و آن‌ها هم برای] کسانی که در این جا برای وحدت تلاش می‌کردند نامه نوشتند که فکر نمی‌کنیم (همان طوری که) تجربه‌ی هفتگانه در پیشاور ثابت کرده، این تلاش‌های شما در ایران که اقدام شده نتیجه ببخشد. بیایید در داخل، این وحدت این جا آمده است که به وجود بیاید.

اوّلین سنگ بنای وحدت

در سال ۱۳۶۵ حرکتی در داخل افغانستان شروع شد که وحدت به وجود بیاید و صلح، منتهی مشکلاتی که در آنجا بود، شرایطی که بود، این علت‌ها را این جا نمی‌شود بیان کرد وقت هم نیست، شاید صلاح هم نباشد، و این حرکت و تلاش در سال ۱۳۶۷ منجر شد بر این که یک منشور وحدت در جاغوری امضاء شود که شما در جریانش هستید، نمایندگان از این جا آمدند کمیسیون وحدت این جا تشکیل شد از برادران علمای عزیز که سهم بسیار فعال برای به وجود آوردن این وحدت داشتند، بحث کردند گروه‌ها را جمع کردند، نظر خواهی کردند و نتیجه گرفتند. بعد هم روی همین تلاش‌ها بنا شد بر این که برادران بیایند در بامیان سال ۱۳۶۸ جمع شوند.

ببخشید البته که در این جا می‌خواستم فهرست این حرکت را بگویم مسأله ائتلاف که امروز خیلی هم دشمنان و آنهای که قطعاً وحدت را نمی‌خواهند منتهی توسط این

آیه‌ی شریفه برای این وحدت خورده گیری می‌کنند، سوء تفاهم نشود که ما [نمی خواهیم] خدمت این برادران عزیز را و این تلاشی را که کردند نادیده بگیریم.

من فراموش کرده ام، در سال ۶۵ یا ۶۶ است ظاهراً که برادران این جا جمع شدند شورای ائتلاف را به وجود آوردند. این یک تلاشی بود که در نفس خودش گام (مثبت) بود و در این مقدمه، همان طوری که برادران، جناب آقای عالمی صحبت کردند و در مقدمه‌اش نوشته است برای وحدت، سه سال این‌ها زحمت کشیدند در مقطع خودش کار کرده اند، اما در بعد سیاسی. مشکلاتی که در داخل بود، اثری آن چنانی نگذاشته این مسأله، سه سال تجربه شد و آن دردی را که سراغ دوایش می‌رفتیم پیدا نکردیم. در این جا، با اینکه شیعه را در این اخیر مخصوصاً از نگاه سیاسی خوب پر قدرت طرح کردند ما به این برادران صمیمانه ارادت داریم و قبول داریم که در اخلاص اینها، حسن نیت این ها، یک ذره شک نیست و این‌ها با اخلاص مطرح کردند و این را هم باید قبول کنند که درد این جامعه و مشکل این انقلاب و این مردم تشیع را نتوانستند این‌ها حل بکنند. در این جا مسأله‌ی دیگری را که خدمت شما تذکر بدهم و لازم هم، است که باید تذکر بدهم، این جا بحث می‌شود به عنوان مسأله دوئیت، ائتلاف و اتحاد، مسلماً مطرح کردن این مسأله به نفع مردم تشیع نیست، نقض غرض است.

این جا مطرح می‌شود که این (وحدت) در بامیان به وجود آمده، مسلماً این مسأله من فکر می‌کنم اگر این طور مطرح شود که این وحدت را یک چند نفری محدود رفته در بامیان به وجود آورده، این شاید خیانت برای وحدت باشد. من معتقدم که این وحدت متعلق به شما است و دستاورد تلاش شما، از ائتلاف و علماء و شخصیت‌ها و همه این طلبه‌ها است، ولی [اجلاس و] تحقق‌اش بعد از دو سال حرکت شما آمده در بامیان منعقد شده، با نمایندگی تام الاختیار این گروه ها، همین گروه‌هایی که در ائتلاف بودند و زحمت کشیدند، آمدند، آنجا همین وحدت را با همان صلاحیت که من در بهشت زهراء گفتم [به وجود آوردند] خدا را شاهد می‌گیرم که من هیچ غرضی در این مسأله نداشتم، این با تلاش شما است، با تلاش این علمای بزرگ است.

وحدت، محصول همگرایی توده ها

متأسفانه با عرض معذرت باز هم خدمت این عزیزان عرض می‌کنم برای این که

از این مسأله سوء استفاده نشود، ما در جلسه‌ی دیروز خدمت تان، عرض کردیم که وحدت احزاب است. حالا اگر کسی فکر کند این وحدت احزاب است و در، برابر وی باقی ملت بسته است، ما این را خیانت به وحدت و مردم تشیع می‌دانیم، نه! این وحدت، متعلق به همه‌ی ملت است با تلاش همه‌ی شما به وجود آمده اگر شما علماء این جا تلاش نمی‌کردید، احزاب را جمع نمی‌کردید از سال‌های ۶۶ و ۶۷ اگر [تلاش نمی‌کردید] این (وحدت) به وجود نمی‌آمد. از آن وقتی هم که به وجود آمد شما اگر اعلامیه نمی‌دادید، شما اگر حمایت نمی‌کردید، آنجا برادرانتان توان این را نداشتند که این وحدت را به وجود بیاورند، این دست آورد تلاش همه‌ی شما است، اگر آنجا می‌گوییم که در اوّل باید احزاب جمع شوند، این طبیعی است که نفاق که در آنجا پیش آمده بوده وسیله این احزاب قرار گرفته بود! پشت سرش هزارها علت دیگر بوده، ما در آنجا هم گفتیم که این احزاب سبب بدبختی و نفاق به تمام معنا نیست، عامل‌های زیادی داشته حالا شاید هم، یک جهت منفی، در این قسمت احزاب داشته باشند و جهت‌های مثبت زیادی هم این احزاب داشته ولی زمانش تمام شده.

آن روز که می‌آمدند در اوّل احزاب تشکیل می‌شد همه‌اش با این مبنا حرکت می‌کردند که ما هر کدامی ما، بتوانیم در افغانستان حکومت اسلامی پیاده کنیم و ما می‌توانیم سرنوشت مردم را تعیین بکنیم، ده سال زحمت کشیدند و در این راه تلاش کردند، امروز تجربه ثابت کرد که حل کننده نیست؛ اگر این جا گفتیم وقت این احزاب تمام شده، در دل برادرها نگردد که ما الآن خود ما از همان جریان‌ها و همان احزاب قبلی هستیم، حالا ما به احزاب توهین بکنیم، [نه! احزاب] اثرات مثبت‌اش را گذاشته ولی وقتش تمام شده، ائتلاف اثرات مثبتش را گذاشته ولی وقتش تمام شده، از نگاه قانونی اگر هر اجتماعی، هر سیاستمداری و هر دانشمندی به یک فرمول خاص با یک مسأله برخورد نکند اِن قلت، قلت، هیچ تمام نمیشه. ما گام اوّل را برای این برداشتیم که شما علما و شما شخصیت‌ها می‌گفتید این گروه‌ها نفاق ایجاد کرده، ما این‌ها را جمع کردیم به عنوان گروه، حزب وحدت را تشکیل دادیم، نمی‌گوییم این خالی از عیب است خالی از نقص است، ولی آماده است، زمان گذاشته است که بعد شما تکمیل کنید.

شرایط اعضای شورای عالی نظارت

مسأله‌ی دیگری که در این جا عرض می‌کنم، ما برای شخصیت ها، علماء، دانشمندان، محصلین و تحصیلکرده‌ها در این حزب وحدت جا باز کردیم و جا گذاشتیم، آن شورای عالی نظارت است و این را هیچ مربوط نکردیم به احزاب، انحصاری نکردیم که باید از احزاب باشد، این جا فیصله کردیم برای این که هم از احزاب باشد، هم از غیر احزاب باشد ۹ نفر که بالاترین مقام برای تصمیم گیری در این حزب است و سمت رهبری شرعی و سیاسی را دارد. در این جا ما این مسأله را با ۹ نفر که تأیید شد، سه نفرش از دکترها و تحصیل کرده و شش نفرش از روحانیت مبارز و مجاهد و کسانی که تلاش کردند، و در این جا وقتی که آمدند روی شرایط بحث شد برای حزب طبیعی مسأله است که این جا گروه‌ها با این شرایط، یازده تا شرط برای این مسأله وضع شده، کسی که دارای این یازده شرط باشد، برای شورای عالی نظارت کاندیدا شود و جا باز کند. این طبیعی است که در این جا فعالیت ده ساله‌شان جایی که ده سال در افغانستان باز کرده و تلاش کرده، وزنه‌ی علمی‌اش همه‌ی این قسمت‌ها در نظر گرفته شده، باز همین را هم برادران، محدود کرده، به خاطر این که دچار این مشکل نشوند و ناچار بودند. برای اینکه نگویند که باز گروه‌ها در این جا حضور داشته خودشان به خودشان رأی داده، لذا دو ساله گذاشتند که بعد از دو سال در کنگره تمام صاحب نظران و تمام دانشمندان بیایند کاندیدا شوند و این جا رأی بیاورند.

ما در این جا به طور نمونه خدمت برادران عرض می‌کنیم که در داخل در اوّل برای جمع کردن مجبور بودیم گروهی مطرح کنیم ولی ظرف هشت ماه از تاریخ این حزب وحدت که می‌گذرد، الآن به شما گفته می‌توانم که ۹۰٪ مسأله گروهی در داخل حل شده، دلیلش هم برای این است که ما این جا بیش از ۳۰ نفر از دانشجو و دکتر و دانشمند و روحانی کاندید کردیم قانوناً باید ۱۲ نفر از این‌ها صلاحیتش تعیین می‌شد و این ۱۲ نفر صلاحیتش تعیین شد و این جا رأی داده شد و کسانی که یک نفر از گروهش در آنجا در این مجمع و در این شورای مرکزی وجود نداشت رأی آورد. اگر اینجا صرفاً مسأله گروهی می‌بود، اگر در این جا، این مسأله مطرح می‌شد که هر کسی به گروه سابقش رأی بدهد نباید اینهایی که یک نفر از گروه آنها در شورای مرکزی حضور نداشت رأی می‌آوردند.

از باب مثال جناب آیت اللّه بهشتی که اصلا وحدت را قبول کرده بود تا هنوز نماینده‌اش نیامده بود و عضویت پیدا نکرده بود، [ایشان] کاندید شد و رأی آورد و از برادران بی طرف و علمای مستقل که زحمت بیشتر این وحدت را این‌ها کشیدند و تلاش کردند در این جا کاندید شدند این‌ها کاندید کردند و رأیی کافی نیاوردند. در نهایت از احزاب کسانی که این جا کاندید شدند، کسانی بودند که رأی آوردند اما رأی علمای مستقل را نیاوردند. یعنی مبنا، مبنای طبیعی خود را گذرانده، مبنای این است که هیچ ریشه‌ی گروهی در آن جا الآن نیست. و در رابطه با مسأله‌ی دکترا [هم، شرایط] مشخص شده، خوب است برادرانی که در اروپا هستند و آنهایی که در این جا آمده‌اند و این پیغام را به آن عزیزان بگویم، و این تبلیغی که دائم... می‌شود واقعیت ندارد.

برادرانی که در این جا مسئولند نوشته دادند که وقت شما تمام شده و از یک کسی دیگر را هم تمام کردید، منتهی با عرض معذرت ما اوّل گفتیم خدمت این برادران که ما مجبوریم یک سری حوادث را که در داخل گذشته خدمتشان بگوییم و آن که برایشان خیلی خوششان می‌اید دست آوردهای این وحدت است، که من الآن فشرده تاریخش را گفتم اگر موافق‌اند برادران باید این تحمل را بکنند که چند دقیقه صحبت بکنم اگر موافق نیستند اختیار با خودشان و مسئولین است، من همین جا تمام می‌کنم. (تأکید و اصرار حضار بر ادامه صحبت).

شورای عالی نظارت و عضویت روشنفکران

حضور انور با سعادت شما عرض شود، در این جا در رشته دکترا چهار تا رشته مشخص شده که آن، دکترا در اقتصاد، دکترا در حقوق، دکترا در سیاست و دکترا در جامعه شناسی باشد. لهذا از منورین و دانشمندان و این‌های که محصل اند، تیپ روشنفکراند حدود ۱۰ ـ ۱۲ نفر کاندید شدند و هیچ کدامشان به این رشته‌ها نبودند و هیأت داوران به خاطری که به این رشته‌ها نبودند رد کردند و یک نفر که شرعیات را تحصیل کرده بود او را تأیید کردند، با این مبنا که شرعیات هم (جزء) حقوق است شاید در ایران هم همین طور باشد، ولی در افغانستان متأسفانه اینطور نیست بعد ما تحقیق کردیم ـ خود ما هم وارد نبودیم در رشته‌ی تحصیلی جدید ـ تحقیق کردیم که

دو تا پوهنحی (دانشکده) دارد یکی پوهنحی حقوق است و یکی پوهنحی شرعیات. لهذا یک سری برادران اعتراض کردند که اصلا خلاف اساسنامه است، حالا ما این جا اعلان می‌کنیم، برای برادران که اگر در این چهار رشته دکترا داشته باشند از برادران عزیز و مبارزه‌اش هم در طول ده سال اثبات شده باشد، جایش باز است. این چطور در انحصار چهار تا گروهی است که اصلا این طرح را ندارند؟ من متأسفم از این گونه برداشت.

اما دست آوردهای این حرکت. من معتقدم که این متعلق به همه‌ی شماست و محصول زحمت‌ها و تلاش‌های همه‌ی شما است، ما فقط سنگ اوّل را گذاشتیم باقی سنگ‌ها در اختیار شماست که بیایید بگذارید و این را آباد کنید که شاید راه نجات برای مردممان باشد. منتهی از اوّل سنگ، دیگر شروع نکنید برای این که [بگویند] این جایش کج است یا آن جایش کج است. چون غیر از خدا و معصومین(ع) کسی دیگری در عالم نیست که کار اشتباه نداشته باشد و این اشتباه را همه معترفند، منتهی برایش زمان گذاشتند که همه درک بکنند.

نمونه‌ی برای شما ذکر می‌کنم. نظام جمهوری اسلامی به وجود آمد، قانون اساسی‌اش این جا با وجود حضرت امام (ره) در رأس این جامعه، تدوین شد بعد از ده سال قانون اساسی را تغییر دادند که نواقص دارد. پس اوّل صلاح همین بوده که اوّل سنگ را گذاشته [و اگرچنین] نبود همان جا می‌گفت که با این نظام همکاری نکنیم قانونش نقص دارد؟ و این شاید به صلاح جامعه نباشد.

دست آوردهای وحدت

حضور با سعادت شما که عرض شود، در این جا وقتی که این مسأله به وجود آمد که همان طور قبلا هم خدمت شما عرض کردم در بهشت زهراء بعضی برادران بودند، ما این را از برکت روح بزرگ امام عزیزمان می‌دانیم، حرکت‌های فردی درباره‌ی وحدت شروع شده بود ولی رحلت این مرد تاریخی زمینه ساز این وحدت شد. تا وقتی که ما تجلیل برای امام گرفته بودیم که از شیعه و سنی در آنجا آمدند، صحبت کردند، در بامیان، در لولنج، در آنجا تا همین وقت هم بسیاری از فرماندهان ما آشتی نکرده بودند از این منطقه به منطقه‌ی دیگر رفته نمی‌توانستند، ولی این روح بزرگ آن چنان

اثر گذاشت، بعد از چهل روز عزاداری که برای امام اعلان شده بود، از طرف مردم تشیع افغانستان در کابل، دیگر کدورت در دلشان نبود، در بامیان آمدند آنجا بحث کردند از مسئولین و از احزاب، همین‌هایی که در شورای ائتلاف هستند، بیش از صد نفر از فرماندهان و مسئولین، با اختیارات از طرف گروه هایشان آمدند، رو به قبله دست را روی قرآن گذاشتند، سوگند یاد کردند و این میثاق را امضاء کردند. در مزار سید هاشم آقا رفتند، آنجا اعلان کردند انحلال گروهایشان را و هر یکشان گفتند: این جا سه تا مسأله است، خدا است که این قرآن خداست، ملت است و وجدان است. گفتند: ما به خدا سوگند یاد می‌کنیم و شما ملت را حاکم قرار می‌دهیم و وجدان خود را هم شاهد می‌گیریم که ما از این سوگند برنمی گردیم، ما گروه‌های خود را منحل کردیم تا این جا معتقدانه با این گروه‌ها آمده بودیم ولی در این جا خدمتشان تمام شد و راه حل برای افغانستان نیست.

این نمونه را هم خدمت شما عرض کنم شاید در آنجا همه‌ی برادران این مسأله را گفتند که ما در گروه‌های قبلی مان قرآن نکرده بودیم. شخصاً خودم در سازمان نصر قرآن نکرده بودم ولی در حزب وحدت (این کار را کردم) با خدا تعهد کردم و مطمئنم که راه نجات ملت این وحدت است غیر از این راه دیگر نیست و از برادران هم که آمده بود خواستم باز هم می‌خواهم که اگر راه غیر از وحدت سراغ دارند بیایند [بگویند] ما قبول داریم و ملت هم قبول دارند، فقط نجات می‌خواهیم، امکان دارد یک روز تاریخ این حزب وحدت هم پوره و تمام شود. یعنی یک وحدت بزرگ در افغانستان به وجود بیاید بین برادران شیعه و سنی، آن روز بگوییم تاریخش تمام شده و ختم شده این توهین به حزب وحدت نیست شما را الآن در جریان این حوادث بگذارم که شاید ده سال گزارش داشته باشید که از این منطقه به آن منطقه هیچ فرمانده قدرت نداشت که برود. صدها خانه آواره شدند و صدها بچه‌ی شیعه بود که این‌ها قربانی شدند. همان طوری که برادران صحبت کردند و فرمودند، من هم این جا خدمت شما عرض می‌کنم که در افغانستان این مسأله فجایعش از برادران تشیع، برابر برادران هفتگانه (تسنّن) نیست این جنگ داخلی‌اش نبوده، منتهی از آن‌ها بوق نشده در سطح بین المللی، ولی از ما را (بوق کرده) همه قبول کردند که در داخل جنگ داخلی است. فلهذا

این مسأله را هیچ کس تصورش نمی‌آمد که در ظرف یک ماه ـ دو ماه خاتمه پیدا بکند. در ظرف یک ماه ـ دو ماه هیأت‌های اوّل بعد از میثاق وحدت وقتی که تعیین شد، در دره صوف جنگ ادامه داشت و بچه‌های شیعه کشته می‌شد، در ارزگان گاهگاهی جنگ ادامه داشت، در غزنی جنگ ادامه داشت، هیأت‌های تعیین شد، ما آنجا فکر می‌کردیم شاید برادران عزیز در خارج هم فکر می‌کردند، مانع بزرگ این وحدت در داخل است. برای این که در آنجا جوان کشته شده، خانه خراب شده، آواره شده، اگر برای آن مردم که از نگاه سطح فکری هم پایین‌اند که استعمار این کار را در طول تاریخ کرده و حالا هم می‌کند (اگر ما) برایش بگوییم منافع تشیع و ملت، می‌گوید برادرم کشته شده، بچه ام کشته شده، منافع چه است؟!

ما این (چیزها) را فکر می‌کردیم خدا را شاهد می‌گیرم، این هیأت‌ها به محضی که رفتند، مهاجرین که هشت سال آواره بودند برگشتاندند و جنگ را خاموش کردند مردم استقبال کردند و یک استقبال عجیب که برای ما این واقعاً روحیه بود. اما (در اینجا) یک ذره فکر نمی‌کردیم چه از طرف دوستانی که حامی انقلاب اسلامی افغانستان است چه از نگاه شخصیت‌های که در طول ده سال در خارج زحمت این انقلاب را کشیده که در خارج یک ذره مانع داشته باشیم! فکر نمی‌کردیم! ولی ما هر چه فکر می‌کردیم، این موانع را در داخل فکر می‌کردیم.

حزب وحدت و پلان‌های نظامی

یک قلم در یک جا ۴۰۰ میل سلاح غارت شده بود از یکدیگر، بیاید آقایان این را چه رقم محاسبه کنند؟ ولی این ملت گذشت، همین منطقه‌ی که هشت سال برادر از برادر دیگر خبر نداشت بعد از میثاق نامه گروپ‌های عملیاتی تشکیل دادند همین عملیاتی که برادر عزیزمان آقای عالمی فرمودند، در شاهراه سالنگ انجام دادند، در دولت آباد انجام دادند، در بغلان انجام دادند و در غزنی انجام دادند. در این جا طرح دوم مسأله بود که باید جنگ علیه دولت باشد، بسیج شود، دو تا ولایت را در نظر گرفتند که این‌ها را حزب وحدت باید آزاد بکند برنامه ریختند، هیأت تعیین کردند، شورای نظامی تشکیل دادند و شش صد نفر مسلح آماده کردند که سر ولایت غور بروند متأسفانه دست‌های کار می‌کنند، آن همان دستانی است که رهبر عالیقدر اسلام

گفته دست شیطان است. در همین وقت درگیری در غور می‌شود هم در بین شیعه و سنی و هم در بین جمعیت و حزب. این طبیعی مسأله است که (تصمیم اوّل ما) خنثی شد.تصمیم دوم را برادران گرفتند سر غزنی، شش صد نفر از خارج منطقه تعیین کردند، دو تا هیأت بلند پایه بفرستند در آنجا که ولایت غزنی را آزاد بکند که باز متأسفانه در آنجا مانع خلق شد، این کار ساده‌ی نیست.

رزمندگانی که در بینشان به مدت ده سال جنگیده بودند به این عنوان که این منافق است و کافر است با این تبلیغات، ولی امروز جمع می‌شوند عملیات مشترک انجام می‌دهند برادر عزیزمان در این جا آقای مرتضوی آمدند، و ما صمیمانه تشکر می‌کنیم که این احساس را کردند که در آن راه که رفته اند، بیراهه است، آمد و برادران از سال ۱۳۶۶ تلاش می‌کردند در داخل، مسأله‌ی شورای انقلاب اتفاق را که درگیری داشتند این را با حزب وحدت همکار شد با دو تا شخصیت مؤثر حزب وحدت در آن وقت، الآن که همه یکی‌ایم که آقای صادقی و آقای اکبری در ظرف سه روز جنگ ده سال را خاتمه دادند و آقای بهشتی را برگشتاندند در منطقه این کار ساده‌ی نیست. و این کاری است که صدها جوان خونش ریخته شده، از آن روز تا امروز یک ذره در آن قطعنامه‌ی ۲۰ ماده‌ی که امضاء شده، تخلف نشده، یک ذره! من نمی‌گویم با این برنامه که مواضع سیاسی کار مهمی نیست، در دنیا هست و گفته‌اند تجربه هم ثابت کرده که میوه‌ی مبارزات نظامی را سیاسی می‌چشد، این هست دوشادوش باید بروند، ولی یک ملت که دارد خون می‌دهد و کشته می‌شود جوانش نابود می‌شود این اولویت دارد و هر راه نجاتی که باشد باید اوّل جلو این نابود شدن را بگیرد بعد از این که این را حفظ کرد، بعد مواضع سیاسی، تبلیغاتی است، من نمی‌گویم که این مهم نیست، تعیین کننده است.

این دست آورد عظیمی بود و برای برادران که به یک شرایط حساس آن هم موضع گیری نادرستی، دولت موقت که برادران را حذف کرد و یک حساسیت عجیب در داخل و خارج به وجود آورد.

حزب وحدت و تلاش‌های صلح جویانه

حزب وحدت موفق شد که ده تا هیأت بفرستد، با فرماندهان داخل توافق کنند،

هماهنگی ایجاد کند، این باعث فاجعه دوم نشود در افغانستان و این برادران تأیید کردند هیأت فرستادند و از حزب وحدت تقدیر کردند، حتی این اظهار را کردند که ما امیدمان از پیشاور قطع شده تنها امیدمان امروز بامیان است. این از یک برادری که ده سال از گروهش تدارک دیده و امکانات برایش رسیده، این دست آورد کوچکی نیست، این دست آورد بزرگ است در این انقلاب.

امروز اگر حزب وحدت مانع سر راهش ایجاد نشود با یک تفاهم کوچک با این برادران، دولت کابل را ساقط می‌کند، منتهی طبیعی است که یک سری موانع داریم، همین عزیزان به ما نامه نوشتند که چطور است از خارج اعلان نمی‌شود، حزب دهم نباشیم، اگر برای اسلام و مردم تشیع و برای این ملت دلتان می‌سوزد، دیگر این را مطرح نکنید که... نیستیم، ما که آمدیم در این جا از ده روز، حاجی آقای صادقی نیلی شاید یک ماه بین برف، زحمت کشیدند این جا آمدند برای تفاهم و همت شما، حالا شرایط طوری آمد که مجمع این جا پیش آمد که نه ما توانستیم خدمت شما بیاییم و این صحبت را بکنیم و نه شما. این را دیگر نباید... من ـ فکر می‌کنم ـ اگر کسی دامن بزند به این شکلی، به نفع مردم ما نیست و تصمیمات نافع زیادی در آنجا بوده که در... فرق نیست.

خون شهید ابراهیم شاه، وحدت را بیمه کرد

یک مسأله این جا خدمتتان عرض بکنم و تمام. زیاد ناراحت نباشید و معذرت می‌خواهم از برادران از این که وقت قانونی گذشته. آن حادثه ناگوار برای پیکر اسلام و مردم تشیع شهادت ابراهیم شاه شهید است و این جنگ ده ساله را در سمت شمال این مرد رفت خاموش کرد که بعد از شهادتش برادران از آن جا شعر فرستاده بودند، کجا شد این درخت را که نشاندی از بی آبی از بین نرود! واقعاً شعری که آن روز آمد در بامیان خوانده شد همه گریه می‌کرد و این آزمایش بزرگ بود برای حزب وحدت و خون این شهید این وحدت را در داخل بیمه کرد. شما می‌دانید آن قدر آمریکا و عربستان سعودی و برادران پاکستان برای حکومت موقت سرمایه گذاری کردند که من تعبیرش را نمی‌توانم بکنم، وارد هم نیستم، یک قلم آمریکا خودش اعلام کرد که ۷۱۲ میلیون دلار برای مجاهدین در یک سال کمک کرده، این سرمایه گذاری است!

ولی دولت موقت را به وجود آورد که مسأله... تخار نتوانستند حل بکنند که هم اعتبار خارجش ساقط شد و هم داخلش.

همین آزمایش بر سر راه حزب وحدت بود، خدا را شاهد می‌گیرم با این که قوماندان‌هایی بودند، نفرهایی بودند، شاید ده سال با هم جنگیدند ولی به احترام روح امام بزرگ برای نجات این ملت به اسرع وقت... گرفت و خبر شدند که این قضیه پیش آمد، آنجا دستورالعملی عجیبی بود و برنامه‌ی عجیبی رفته بود، در آنجا، خبر شدند پیش از این که از برادران حرکت قبلی بروند، هیأتی با صلاحیتی [از حزب وحدت] رفت در منطقه وارد شد (آن طرف مقابل) فیصله کرده بود ـ شما می‌بینید که این کمال قساوت است یک سید که این قدر زحمت کشیده، ده سال مبارزه کرده [حالا او را] کشته و دوباره (جسدش را) آتش می‌زنند، این در کجاست؟ ما مطمئناً این شهید را و این قربانی را برای حزب وحدت می‌دانیم، این قربانی وحدت است ـ فیصله کرده بود که کسی حق ندارد شهید بگوید. کسی حق ندارد مرده‌اش را بردارد کسی حق ندارد فاتحه بگیرد. با حزب هم تفاهم کرده بود که هر کمکی بخواهید ما در خدمت شما هستیم ولی وقتی که حزب وحدت وارد شد در این جا این فاجعه را آن طور تمام کرد که یک نفر ضایعه دنبالش نبود با اخلاص [و همکاری] تمام عوامل را گرفتند، آوردند و (از شهید) تجلیل کردند بامیان تکان خورد، بغلان تکان خورد به احترام وحدت. ما شهدایی کمی نداشتیم، ولی مردم احساس می‌کرد که این برای چیست و از چه سرچشمه گرفته؟

(از سوی) برادران اهل تسنن، جناب آقای صادقی دعوت شده در تاله و برفک، حالا پنج تا گاو کشتند، بیست موتر نفر از یک جای جمع شدند فاتحه گرفتند که بی سابقه بود و این شهید بزرگوار این وحدت را بیمه کرد و برای دوست و دشمن ثابت شد که این وحدت پایه دار است که اگر خدای نخواسته یک ذره اعمال غرض می‌شد فاجعه آفریده می‌شد، که تمام دامن تشیع را می‌گرفت. این دست آورد کوچکی نیست.

میزان وحدت

ما آمدیم خدمت شما که این دردها و این مشکلات خود را بگوییم، و این احساس مردم را بگوییم و مطمئن شدیم که شما در خارج، این مشکلات ما را درک کردید و

این اعلامیه‌های شما و این حمایت‌های شما و این احساس شما مطمئن می‌کند که این وحدت مستحکم شده و برادران هر چه پیشنهاد، داشته باشد، حزب وحدت برایش زمان گذاشته. مبنا این است که شیعه یک حزب باشد اوّل، برای بعدش یک حزب شدن مردم افغانستان است، باز با عرض معذرت خدمت برادران عرض می‌کنم، این نوع سخنرانی‌های که در این جا شده به نفع مردم تشیع نیست. مطمئناً جاسوس‌های استکبار جهانی از این جلسات غافل نیستند و عین این جلسه را خواهند منعکس کرد و نکنید که، یک بار دیگر مردم تشیع را در قربانگاه بکشانید، [لذا، بیایید] بگوییم در افغانستان چکار می‌کنیم، چکار بکنیم. از این بگذریم که دیگران چه کردند و چه می‌کنند؟

برای این برنامه از مسئولین جمهوری اسلامی هم عاجزانه تقاضا می‌کنم که من این اسم و این مسایل را به نفع مردم تشیع نمی‌بینم. گردهمایی و اصل تفاهم و مسایل را ضروری می‌دانم، همانطوری که برادران گفتند چرا در ده سال نشد؟ بیاییم در راه عملی، بیاییم در این منطقه تشیع مظلوم که این جا چهار میلیون [انسان] که مسلماً از آمار سال ۴۸ به دست آمده که شیعیان ۴ میلیون است، یک دکتر در منطقه‌اش وجود ندارد. بیاییم در اینجاها کار کنیم، بیایید در این ده سال که مکاتبش از بین رفته بچه هایش بی سواد مانده، آنجا با یک هزینه خیلی کم می‌شود مکاتب را فعال کرد، بیایید این کارها را بکنیم از اروپا هم کمک بگیرید.

امروز برای شما بگویم، مراجع وقتی که عنایت فرمودند که مدارس فعال شود اکثر این مدارس استاد ندارد، بنا ندارم که از برادران گلایه کنم ولی آغوش این ملت برای شما باز است زمینه‌ی خدمت آماده است. آن عذری که قبلا بود که این گروه نمی‌گذارد آن گروه نمی‌گذارد، هم برداشته شده. با تشکر از برادرانی که تحمل کردند لازم بود که یک مقدار در جریان (اوضاع) داخل بگذارم از مسئولین هم که قبول (زحمت) کردند، با این که وقت قانونی جلسه گذشته معذرت می‌خواهم.[1]

والسلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته

---

۱. سخنرانی رهبر شهید(ره) در اوّلین مجمع شیعیان افغانستان در تهران، ۱۳۶۹ش.

حزب وحدت و عبور از تنگناها

بسم اللّه الرحمن الرحیم، لا حول و لا قوة الا باللّه العلی العظیم، اعوذ باللّه السّمیع العلیم من الشّیطان الرجیم، الحمدللّه رب العالمین و الصلاة و السلام علی محمد و آله الطّاهرین. اما بعد قال الحکیم فی قرآن واجب التعظیم: فضل اللّه المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً.

صلوات نثار روح شهدای گمنام افغانستان و مخصوصاً شهدای عزیز که این جلسه به مناسبت سالگرد شهادت آن عزیزان برگزار شده و برای روح عالم بزرگ و مجاهد توانا آیت اللّه ناصری، نثار روح این عزیزان صلوات بلند ختم بفرمایید.

با عرض تسلیت خدمت شما عزیزان! طلاب عزیز، دانشمندان عزیز، به مناسبت رحلت رئیس مذهب تشیع حضرت امام صادق(ع) و این عالم بزرگ که متعلق است به حوزه‌ی علمیه و شما دانشمندان و مهاجرین عزیز تسلیت عرض می‌کنم. این آیه‌ی شریفه را که خدمتتان عرض کردم به این مناسبت است که در این روزها شرق و غرب تصمیم دارند و تصمیم گرفته‌اند که مجاهدین جان بر کف افغانستان را که ده سال افتخار آفریدند، نقششان را برای تعیین سرنوشت افغانستان نادیده بگیرند و کم اثر جلوه بدهند.

نفوذ دشمن در صفوف مجاهدین

متأسفانه آن وقتی که شرق و غرب تصمیم می‌گیرند ایادی آن‌ها که معمولا با آن تشکیلات جهنمی‌شان در تمام صفوف مسلمین رخنه کرده است، به زمزمه در می‌آید

و آن تصمیم را بین مردم مطرح می‌کند و می‌گوید و مبارزات مجاهدان را زیر سؤال قرار می‌دهد، انتقاد می‌کند تا اهداف شوم اربابانشان، در مورد افغانستان عملی شود. لهذا خداوند بزرگ خالق کائنات در این آیه‌ی شریفه می‌فرماید که: ما فضیلت دادیم آن کسانی را که قیام کردند و مبارزه کردند از آن کسانی که نشسته است و قیام نکرده است.

این فضیلت چیست؟ می‌گوید فضیلت بسیار بزرگ و اجر عظیم، شما می‌دانید، هر تعریفی درباره‌ی موضوعی یا جمعی یا اشخاصی که صادر می‌شود، عظمتش برمی گردد بر عظمت تعریف کننده. اگر یک کسی که می‌اید یک کسی را ستایش می‌کند از افراد عادی باشد اثرش را در جامعه آن چنان ندارد که بگوید فلان فرد، فلان شخص، فلان حوزه یا فلان جریان او را، تعریف کرد. اگر ببینیم این تعریف از یک رئیس جمهور صادر شود، در سطح روزنامه و رادیوها پخش می‌شود که فلان رئیس جمهور، درباره‌ی فلان موضوع این چنین فرمودند. اگر بیاوریم این را در رابطه با شخصیت علمی، مراجع و اساتید برگردیم، باز عظمتش به همین است که تعریف کننده‌ی آن حرف که درباره‌اش گفته و از آن صادر شده آن چه کس است؟ لهذا اگر یک طلبه وقتی فاضل است درس خوانده، زحمت کشیده است استادش اگر نوازش می‌کند برایش عظمت و بزرگی است. اگر بالاتر می‌رود، مرجع وقت، از این تقدیر و تشکر می‌کند، عظمتش چند برابر می‌شود. اگر ببریم یک حوزه همه‌اش برای این شخص تصدیق می‌دهد و تمجید می‌کند شخصیتش خیلی بالا می‌رود.

این جا است با این مقدمه برای (شما) عزیزان روشن می‌شود که این کلام خدا که خالق همه‌ی کائنات است چقدر برای مجاهدین و آن کسانی که قیام کرده است، فخر و عظمت و فضیلت است. چون کلام، کلام عادی نیست. من تعجب می‌کنم در این وقتی که ایادی غرب یعنی ظاهر شاه خائن از غرب صدا در می‌آورد و می‌گوید که: مردم افغانستان رهبری مجاهدین را در مجموع قبول ندارند، این را شما از رادیوها شنیدید و دانستید و فهمیدید، از کابل هم مزدور روسیه و دولت جنایتکار نجیب تغییرات را به وجود می‌آورد و اعلان می‌کند که مردم از مجاهدین حمایت نمی‌کند و باید مجاهدین و مردم افغانستان خلع سلاح شوند. این دو نقطه‌ای است که از غرب و

شرق علیه مجاهدین صدا بیرون شده است و اعلان شده است. این جا است که شهید مطهری استاد بزرگ حوزه و متفکر قرن حاضر درباره‌ی شرق و غرب (می گوید): مانند دو تیغه‌ی قیچی است برای بریدن ریشه‌ی اسلام.

متأسفانه از این که وقت گذشته است، جلسه طولانی شده است، اگر چند من صلاحیت این را ندارم که بیایم در حوزه‌ی علمیه قم، در مکان علم و دانش و فضیلت، من طلبه‌ی ناچیز برای بزرگان، دانشمندان، و اساتید صحبت کنم. ولی از اینکه از یک منطقه‌ی ستمدیده‌ی افغانستان که در طول قرن‌های متمادی زجر و محرومیت دیده، آمده ام، وقتی هم که در حوزه‌ی علمیه قم آمدم، خدمت عزیزان گفتم، حرف گفتنی برای شما از داخل زیاد دارم و متأسفانه تا حالا آن وقت برایم میسر نشد، گرچه من یک سخنران و یک گوینده نیستم ولی می‌توانم دردهای مردم را که در آنجا دیدم برای شما طبیبان حقیقی جامعه در میان بگذارم. می‌خواستم امروز در چند موضوع صحبت کنم ولی از این که باز هم وقت کم است و شما هم خسته شده‌اید و جلسه هم طولانی (شده) است، ببینم که چقدر این مطالب را خدمت شما عزیزان می‌توانم به عرض برسانم:

۱ـ مسأله‌ی که در این جا مطرح بود و باید ما (بیان کنیم این است که) تشکیلات حزب وحدت، در داخل که به وجود آمده است به چه نوع، به چه سبک و به چه روش بوده است؟ که شما را در جریان بگذارم که آنجا روشن می‌شود که این اعلامیه‌ها و این موضع گیری‌ها و این تبلیغات چقدر درست و چقدر نادرست (است) و اینکه چرا اینقدر، (این تبلیغات) روی این مسأله و روی ما مطرح است و روی گروه قبلی ما، این را هم باید روشن می‌کردم که متأسفانه صحبت‌ها مرتب تکرار می‌شود. چون موضوعات یا نزاع‌ها و بحث‌ها روی یک موضوع است که آن وحدت است. لهذا من در این باره در جلسه‌ی که با طلاب عزیز و مهاجرین عزیز و مجاهدین جان بر کف در اصفهان داشتم مفصل صحبت کردم و این مورد را که چرا ما مورد این سؤال قرار گرفتیم آنجا روشن کردم، از اینکه جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای صادقی نیلی یک مقداری صحبت کرده است، وارد نمی‌شوم.

۲ـ مسأله‌ی دیگری که می‌خواستم مطرح کنم مسأله‌ی شخصیت بزرگ آقای

ناصری(ره) است که این چه شخصیتی بوده در افغانستان، چه زحماتی درباره‌ی جهاد و مبارزه انجام داده یا قبول کرده است؟

۳ـ مسأله‌ی دیگری که در این جا مطرح است و باید مطرح کنم آن مسأله‌ی است که حزب وحدت، تا حالا که آمده، نتیجه‌ی کارش چه می‌شود و ما که به عنوان هیأت هستیم چه تصمیم داریم؟ این مسأله بود که ضروری است خدمت برادران به عرض برسانم.

۴ـ مسأله‌ی اتفاق شرق و غرب، درباره‌ی افغانستان و مسأله‌ی سمینار یا کنفرانس جهانی اهل‌بیت(ع) که مرتبط بود به رهبر معظم جهان اسلام، در این رابطه‌ها و مسأله‌ی اینکه زمزمه در حوزه در جزوه ها، در صحبت‌ها مشخص می‌شود که مسأله‌ی تشکیلات مذهبی و سیاسی را می‌خواستم در این جا روشن کنم.

این موارد بود که خدمت عزیزان می‌خواستم در میان بگذارم و صحبت کنم، و در جریان قرار بدهم. از اوّل شروع می‌کنیم و ببنیم که در کجا می‌رسیم.

فکر می‌کنم از اینکه درباره‌ی وحدت و کارهای که تا حالا به وحدت انجام شده و در آینده هیأت حزب وحدت و دوستان حزب وحدت و حامیان وحدت چه کار باید بکنند؟ این را اوّل مطرح می‌کنم اگر رسیدم در رابطه با مسایل بعدی هم صحبت می‌کنم. این جا یک چیزی که ضروری می‌بینم که این جلسه برای آن دایر شده شخصیت آقای ناصری است، خوبست چند کلمه اوّل در این رابطه خدمت برادران عرض کنم و بعد وارد مطلب بعدی (شوم).

شخصیت آقای ناصری

آقای ناصری شخصیتی است که در اوائل انقلاب، اوّل که مارکسیست‌ها روی کار آمدند شما می‌دانید که نزدیک نه ماه مارکسیست‌ها در تمام مناطق مسلط شدند. یعنی حکومتشان را در تمام مناطق به وجود آوردند و هیچ مخالفتی در اوّل نبود، اگر مخالفت‌های از طرف نیروهای مبارز و روحانیت مبارز بود مخفی بود. لهذا در بهار ۵۸ آقای ناصری از جمله کسانی است که دست به قیام می‌زند، در منطقه‌ی ناهور و جغتو، و... این‌ها قیام می‌کنند که مسلماً مصداق این آیه‌ی شریفه که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید که: ما فضیلت دادیم آن کسانی را که قیام کردند، مصداق مسلمش حضرت

آقای ناصری، در رابطه با قیام علیه حکومت مارکسیستی واقع است. این فضیلتی بسیار بزرگی است که هر قدر درباره ایشان، دانشمند و آیت الله و متفکر و مبارز بگوید و همه کس تعریف کند، برابر این کلام بزرگ الهی برای این مرد تعریف نیست.

من در اول عرض کردم که این جلسه برای شهداء و آقای ناصری برقرار شده است و جناب آقای صادقی هم در رابطه با آقای فصیحی و شهدای گمنام که به مناسبت سالگردشان این جلسه برقرار شده است صحبت کردند. اگر بنا شود که یکایک این شهداء و زندگی نامه هایشان را ما صحبت کنیم، لازمه‌اش این است که ما درباره‌ی وحدت و مسایل سیاسی جاری افغانستان صحبت نکنیم. لهذا ما از برادران تقاضا می‌کنیم که خدا هم می‌داند، حوزه هم می‌داند، مردم هم می‌داند، این جلسه برای شهداء و برای آقای فصیحی و ناصری برقرار شده و اجرش را هم کسانی که زحمت کشیده ما تقاضا می‌کنیم که از خدا بخواهند و ما هم از دربار حضرت باری تقاضای اجر برای این برادران می‌کنیم، منتهی از این که مرتب نوشته می‌دهند ما خواهش می‌کنیم که این کار را نکنند.

این یک مسأله بود، در آن وقتی که ایشان قیام کرد با حاج آقای صادقی نیلی، که در این جلسه حضور دارند و شما از صحبتهایشان استفاده کردید، از ارزگان قیام کردند. البته قبل از این هم در سال ۵۷ چهارکنت و دره صوف هم قیام کرده بود، در این کاری نداریم. ولی بحث در این است که در اوّل (تعداد) زیادی از علماء ـ قصد جسارت ندارم، ولی می‌خواهم که یک واقعیت تاریخ را بیان کنم ـ فرار برا برقرار ترجیح دادند، آمدند در خارج، ولی این شخصیت‌ها قیام کردند. آن هم باور هیچ کس نمی‌آمد که می‌شود در مقابل یک حکومت مارکسیستی که در پشت سرش روسیه است، ایستاد و مبارزه کرد. این را الآن کسی درک نمی‌کند، هر چه ما بگوییم آن شرایط سخت بود و خودگذری لازم داشت و شجاعت لازم داشت، چون مردم ما الآن ده سال که مبارزه کردند، برایشان، قیام کردن و مبارزه یک چیزی عادی شده، از این جهت من فکر می‌کنم مسلماً مصداق این آیه‌ی شریفه این عالم ربانی است.

مسأله بعدی که در خصوصیت و زندگی این شخصیت علمی و افتخار جامعه‌ی تشیع افغانستان بود، آن است که ذوجنبتین بود. یعنی در آن وقتی که مبارزه علیه

مارکسیزم و حکومت مارکسیستی بود پیش گام بود. در آن وقتی که با تحریکات ابر قدرت‌ها و خائنین به انقلاب و دست‌های که کار می‌کرد برای انقلاب برای تخریبش و خنثی کردن نقش مجاهدین، که متأسفانه الآن هم هست، باز جنگ‌های داخلی وقتی پیش آمد این مرد نیروی را به نام نیروی صلح تشکیل داد، این جا است که باید دقت کرد، این جا است که عظمت یک شخص را باید شناخت. این آقایان که در خارج صلح می‌گویند، گاه گاهی اعلامیه می‌دهند و گاه گاهی جلسه برقرار می‌کنند، به علت این که در طول ده سال در خارج بودند و توان رفتن به داخل را نداشتند و ملت ما نمی‌تواند از این‌ها اعلامیه‌ی صلح بپذیرد. ولی آقای ناصری در آن جای که جنگ بود در آن جای که جوان شیعه کشته می‌شد، در آن جای که خطر بود، اقدام کرد و تلاش کرد تا آن حدی که در توانش بود صلح برقرار کرد. این افتخار بسیار بزرگ است برای این شخصیت، فکر می‌کنم که هم مرد جنگ بود و هم مرد صلح. لهذا از این جهت می‌گویم، برای این که خداوند تبارک و تعالی این فضیلت را برای این شخصیت‌ها ارزانی داشته و گفته است کافی می‌باشد.

ضرورت تشکیل حزب وحدت

مسأله‌ی دیگر وحدت است. شما همان طوری که در جریان هستید، ما در داخل چون شما طلبه‌ها و دانشمندان، علماء که در قم تحصیل می‌کردید از جنگ‌های که در داخل پیش آمده بود رنج می‌بردید و برای شما یک نقطه بسیار نارحت کننده بود، یک چیزی مسلم است. آیا توان نداشتید (برای رفع جنگ‌های داخلی) اقدام بکنید یا نکردید این مسأله‌ی دیگری است. از این که شما ناراحت بودید از این مسأله یک چیزی مسلم است.

لهذا هم در حوزه و در مجامع سیاسی، در بحث‌های سیاسی بحث می‌شد که این مشکلات و این گرفتاری‌ها مال گروه‌ها است. یعنی گروه‌ها اگر نمی‌بود این درگیری‌ها به وجود نمی‌آمد این کشتارها نمی‌بود. این به عنوان یک نکته منفی دائم در پای گروه‌ها گفته شده است و گفتید و بعد از این هم خواهید گفت، لهذا ما الآن در این مسأله بحث نداریم، وارد هم نمی‌شویم که این حرف حق بوده یا ناحق، این حرف درست بوده یا نادرست، اگر این گروه‌ها نمی‌بودند، طبیعت این انقلاب، این جنگ را داشت یا نداشت؟

این مسائل سرجایش باشد، ولی این ناراحتی را داشتید و این سؤال‌ها را برای گروه‌ها می‌کردید.

لهذا تلاش‌های که در داخل و خارج انجام می‌گرفت برای این بود که این گروه‌ها باید وحدت بکنند هیچ وقت بحث برای این نبود که این احزاب همه‌ی مردم را احتواء نکرده و در جنبش نگرفته، بیاییم یک گروه تشکیل بدهیم که همه‌ی مردم در آن گروه باشد. این بحث نبود بحث در این بود که جنگ نباشد، صلح باشد وحدت باشد بین گروه‌ها تلاش‌های که در خارج، شما عزیزان انجام دادید و علماء مسؤول دیگر، در این راستا بود. لهذا در ادامه‌ی این تلاش‌ها برادران در داخل جمع شدند، نشست کردند از سال ۶۷ که شما در جریان هستید.

امضای میثاق وحدت

تعداد از گروه‌ها گفتند که رهبری و شورای مرکزی ما در خارج است، باید از خارج ما صلاحیت بیاوریم. وقت گذاشته شد خارج هم آمد، جلساتی متعدد گذاشته شد که شما از من بهتر می‌دانید. ولی در سال ۶۸ در بامیان همه‌ی گروه‌ها جمع شدند و گفتند که از طرف گروه مان با صلاحیت و با اختیار تام آمدیم که وحدت کنیم و فقط این مسأله انجام شد و میثاق امضاء شد. شما می‌دانید و در جریان هستید، از نظر ما این میثاق امضاء کردن هر کس، از طرف گروهش مسأله تمام بود. لهذا هیأت را که فرستادیم روی این مبنا فرستادیم که اعضای شورای مرکزی که در خارج است داخل بیایند و برای مقامات جمهوری اسلامی هم نامه نوشتیم که ما وحدت کردیم و نه جریان یک جریان شدیم و شما کمک‌های سیاسی و فرهنگی‌تان را در این رابطه انجام بدهید، مسأله خیلی طبیعی بود.

ولی آمد این جا به مشکل برخورد که شما در جریان هستید، ۴۵ روز ما وقت گذاشته بودیم که آقایان بیایند تا آن روز فقط منشور و یا میثاق بیست ماده‌ای وحدت را امضاء کرده بودیم، هیچ سند دیگری در حزب وحدت امضاء نشده بود. در اوّل سنبله قرار گذاشته بودیم که تمام شخصیت‌های جهادی و گروه‌های قبلی بیایند و تشکیلات (حزب وحدت) را به وجود بیاوریم و این ۴۵ روز متأسفانه چهار ماه طول کشید در خارج.

ولی طبیعی بود که ما وقتی گروه‌های قبلی را ملغا کرده بودیم، مجبور بودیم که تشکیلات دیگری را به وجود آوریم و منطقه را اداره کنیم. این که می‌گویم برای آن کسانی است که در داخل است و زحمت جنگ و مبارزه را کشیده درک می‌کنند، ولی متأسفانه آن کسانی که در ده سال یک دفعه هم که شده رنج داخل رفتن را هم ندیده درک نمی‌کنند که اداره‌ی مردم یعنی چه؟

لهذا ما آنجا جمع شدیم که الآن بی تشکیلات باشیم، مردم را به حال خودش واگذاریم یا تشکیلاتی را به وجود آوریم، تشخیص دادیم که تشکیلات را به وجود آوریم. و این هیأت منجر شد به این که دو تا هیأت که از خارج به داخل بیاید هر دویش هم آمد.

مشروعیت حزب وحدت

هم از نظام جمهور اسلامی هم از مقام رهبری ـ که این آقایان زیاد در این مسائل صحبت می‌کنند و از مشروعیت و عدم مشروعیت، این مسأله است که از این جهت خدمت شما عزیزان لازم می‌دانم بگویم ـ هیأت از طرف مقام رهبری آمد، مردم را دید، این وحدت را دید و قبول کرد و قول داد که تنها حزب برای مردم تشیع حزب وحدت باشد. این مسأله در این جا انجام شد، البته یک تشکیلاتی که ما موافق نبودیم و نیستیم و به نفع تشیع نمی‌دانیم که این مسأله را در اصفهان صحبت کردم و باعث اختلاف هم همون است، ولی چون مبنا بر این بود که الآن شیعه را جمع بکنیم و به مردم اثبات بکنیم که ما صادق هستیم، کسانی که بهانه می‌تراشد باید بهانه را از دستش بگیریم. این مسأله را قبول کردیم، با این شرط که مقام رهبری مشروعیت این‌ها را باید تأیید بکند.

هیأت ائتلاف آمد در آنجا و ما از این عزیزان سؤال کردیم، از نگاه ما ائتلاف تمام شده است. چون ائتلاف منهای احزاب نیست، احزاب چون آمدند با صلاحیت، حزب‌شان را منحل اعلام کردند و میثاق را امضاء کردند. دیگر ائتلاف نیست، ولی شما این مسأله را متأسفانه در خارج قبول نکردید و برای این ائتلاف یک هویت مستقل قائل شدید. حال از شما درخواست می‌کنیم که شما از طرف ائتلاف صلاحیت دارید یا از طرف احزاب قبلی‌تان صلاحیت دارید؟ همه گفتند آری باز هم میثاق و یا توافقنامه

در بین ما امضاء شد. دعوت هم کردند که به محض هیأت در خارج برسد حزب قانونی و موضع قانونی تشیع مربوط است به حزب وحدت، هر چه شما هیأت زود بیایید.

این مسأله بود در آنجا خود این دو تا هیأت از عزیزان، چه از برادران ایرانی ما و چه از برادران افغانی آمدند، در بین شما صحبت کردند و شما می‌دانید که تمام مردم تشیع افغانستان وحدت را پذیرفته است، حتی تعبیر یکی از برادران ایرانی بود که: این (یک) موج است که در داخل به وجود آمده و هر کس در جلو این موج بایستد نابود می‌شود و نمی‌شود مهار کرد، باید این موج را در جهتش قرار داد و این را هدایت کرد. ما یک نفر در داخل ندیدیم که مخالف این وحدت باشد، این را گفتند.

و (متأسفانه) برادران که آمدند از تعهدشان گذشتند و امضایشان را زیر پا کردند و تعهد (به) قرآن را هم نادیده گرفته و گفتند ما تحت تأثیر و چیزی قرار گرفتیم، یکی فشار مردم که این وحدت را می‌خواست و یکی هم این‌ها کلاش داشت و ما نمی‌توانستیم (نه) بگوییم. جناب حاج آقای هاشمی این جا حاضر است خدا را شاهد می‌گیرم و خصلتم هم این بوده است. من برخوردهایی را که با برادران ایرانی کردم در آنجا با این برادران افغانی نکردم که من در آنجا سمت سخنگویی هم داشتم، سخنی نگفتم که مبادا این برادران ما اذیت شوند و برنجند.

ما برای این برادران بازار را تعطیل کردیم تمام نظامی‌ها را در راهشان بیرون کردیم برای تشریفات، ما برادران که در داخل بودیم و معتقد نبودیم، برای اینکه سلاح در راه کسی فیر شود، می‌گفتیم سلاح بعد از این فقط علیه دشمن و مزدوران روس فیر شود. شادیانه در راه این‌ها توپ فیر کردیم، من تعجب می‌کنم که این برادران چطور تشخیص دادند که ما به زور کلاش امضای آقایان را گرفتیم، این را کاری نداریم. حال آن‌ها می‌دانند قضاوتشان و وجدانشان و آخرتشان.

ادعای پوچ تعهد شکنان

ولی این مسأله را می‌خواهم برای شما بیان کنم که این را اعتراف کردند که همه‌ی مردم (وحدت را) می‌خواستند و ما نتوانستیم مخالف افکار عمومی حرف بزنیم. در خارج هم که شما در جریان هستید که همه طلاب و مهاجرین چه می‌خواستند، من

تعجب می‌کنم که چرا از این برادران سؤال نمی‌شود که الآن در راه وحدت چه کسی مانع خلق کرده، اگر امضاء برادران، قرآن برادران، و تعهد برادران، ارزش نداشته باشد با چه چیزی می‌شود برای وحدت تضمین به وجود آورد؟

من یک مسأله را در جلسه گفتم، الآن خدمت شما روشن می‌کنم، گفته شده در این که ما گفتیم فقط دو تا وظیفه داریم، یکی اعلان حزب وحدت و دیگری ادغام دفاتر، این را کلمه زورگویی تلقی کردند و گفتند که مناسب سخنگویی حزب وحدت نیست. می‌خواهم این کلمه را خدمت شما روشن کنم: همان طور که در اوّل خدمت شما بیان کردم که این وحدت، وحدت احزاب است. تا دو سال بعد از دو سال ما پیش بینی کردیم که بله یک تعداد از مردم ما طلاب و دانشجویان بوده که جذب احزاب نشده است، این را درک کردیم بعداً در آنجا قرار گذاشتیم، بعد از دو سال که ریشه‌ی گروه گرایی و حزب گرایی قطع شد و مردم یک دست شد، در تشکیلات تجدید نظر به وجود می‌آوریم و بازنگری می‌کنیم، روی لیاقت و روی صلاحیت و روی ارزش‌های انسانی و اسلامی، تشکیلات به وجود می‌آوریم. لهذا وقتی که این مسأله را قبول کردیم که این تشکیلات، تشکیلات حزبی است از احزاب، طبیعی این مسأله است که از فلان گروه اگر می‌گوید مخالفت می‌کند، این دیگر به من ربط ندارد آن کس که امضاء کرده از طرف آن گروه، مربوط به آن شخص است یا گروه خود را می‌آورد و صلاحیت دارد به وحدت، یا تکلیف خودش را روشن می‌کند. لهذا ما در بامیان نشستیم و صحبت کردیم و گفتم من نمی‌خواهم عضو هیأت باشم و بروم خارج.

اهداف هیأتی اعزامی حزب به خارج

برادران با اتفاق گفتند شما به گروه کار ندارید شما سه تا وظیفه دارید: یکی اعلان حزب وحدت و یکی ادغام دفاتر و نمایندگی‌های حزب وحدت و دیگری جذب حمایت جمهوری اسلامی ایران و کشورهای که طرفدار انقلاب اسلامی افغانستان هستند. این سه تا وظیفه را به ما داده اند، ما به لحاظ منافع تشیع، حتی مسائلی را که نباید در زندگی ام مرتکب می‌شدم و انجام می‌دادم، چه از نگاه اخلاقی و چه از نگاه سیاسی و فقط برای منافع تشیع، این مسأله را قبول کردم. وقتی که برادران هیأت، این مسأله را از من خواست که شما با این برادرانی که اشکالاتی وارد می‌کنند وارد مذاکره شوید و

بروید، قبول کردم و آمدم آنجا، هم گفتم این خلاف وظیفه ام است، الآن هم (که) خدمت شما عزیزان می‌گویم خلاف وظیفه ام است و وظیفه‌ی من این نیست. هر گروهی که حرفی دارد به آن کسی که نماینده‌اش آمده امضاء کرده با او باید حرف بزند، ما از نگاه قانونی، چه شورایی بوده احزاب و چه رهبری، مسأله‌ی حزب وحدت را از نگاه حقوقی تمام کردیم، از نگاه شخصی هم تمام شد، وقتی که آمدیم در خارج یک نکته‌ی را که من به برادران عرض کنم آن مسأله این است که از زبان من گفته شده است که مسأله در بن بست است، [باید بگویم] در این رابطه، به بن بست است، ندارد.

مشکل تراشی‌ها در راه وحدت

این بن بست، برای این بود که از الآن خدمت شما می‌گویم وقتی قبول می‌کنید وحدت، وحدت احزاب است، در احزاب برای وحدت کردنش دو راه بیشتر وجود ندارد یا شورایی مرکزی دارد که باید این شورای مرکزی‌اش وحدت را صحه بگذارد یا هم رهبری دارد که رهبری‌اش باید صحه بگذارد. درباره‌ی حزب وحدت، هر دوی این جریان تمام شد. ولی در جلسه‌ی که داشتیم یک مورد را خدمت شما عرض می‌کنم که در این رابطه گفتم، وحدت در بن بست است. الآن هم می‌گویم، در بن بست است، حزب دعوت اسلامی آقای شیخ زاده در آن جلسه بحث کرد.

ما از ایشان خواستیم که حاج آقا! معلم بابه، در سال ۶۷ وحدت را امضاء کرده، به این ادعا که از طرف شورای مرکزی در داخل صلاحیت عام و تام دارد که وحدت بکند، شما این مسأله را خدشه کردید که ایشان از ما اجازه نداشت، آقای محقق (افشار) که از طرف شما سخنگوی ائتلاف بوده، یک وقت این (آقا) آمده با شورای ائتلاف، در بامیان، با این توضیح که از ایشان بازخواست کردیم [وقتی] آمد. زیرا آدم مار گزیده از ریسمان الگک[1] می ترسد، چون قبلا صلاحیت ها، زیرش زده شده و نقض شده بود، جناب آقای محقق، شما صلاحیت دارید یا ندارید؟ گفتند: بلی بنده صلاحیت دارم، فقط درباره کیفیت شورای مرکزی تعداد را می‌خواهیم بالا ببریم، آن هم به این عبارت،

۱. آلگگ = ابلق.

نه به این معنی که ما مستحق هستیم از نگاه نفوس و جهاد خود. گفتند همان مسامحه‌ی که در دیگران کردید چرا در ما نمی‌کنید؟ این تعبیرش بود. گفتم باشد، این اگر تأمین شد شما دیگر صلاحیت دارید؟ گفت بلی. و بحث کردیم توافق کردیم و امضاء شد. آقای شیخ زاده در این جا می‌گفت: آقای محقق اصلا صلاحیت نداشت. در آنجا ما تصویب کردیم و مصوبه دادیم به آقای محقق که شما از ۷ نفر (حتی) ۶/۵ نفر هم حق ندارید در شورای مرکزی قبول کنید.

من به ایشان گفتم که من در این شک می‌کنم که خود شما از کجا صلاحیت دارید؟ چون اگر سخنگوی که در شورای ائتلاف به عنوان سران احزاب مطرح است، صلاحیت ندارد. جنابعالی چطور صلاحیت دارید؟ بعد هم اگر فرض کنیم سر این مسأله که شورای مرکزی شما ۱۰ نفر آمدید معرفی کردید که ما نمی‌شناسیم، آمدیم امضای ۱۰ نفر را گرفتیم. ده نفر دیگر هم سربلند می‌کند که این‌ها اصلا در شورای مرکزی نبود از این جهت و بعدش خواهم گفت، من گفتم: مسأله در بن بست است. الآن هم می‌گویم در بن بست است آقایان به هیچ تشکیلات و ارزش خودشان معتقد نیستند، که من این مسأله را در اصفهان روشن کردم و گفتم: که چرا ما، مورد اتهام قرار گرفتیم که گروه ما حزب وحدت را به وجود آورده است. در حالیکه اوّل میثاق را امضاء کردیم از گروه ما و شورای مرکزی ما ۲ نفر بود و کسی دیگر نبود. از آقایان ۹ نفر یا ۱۰ نفر از شورای مرکزی‌شان آمدند، میثاق امضاء کردند، ولی ما این افتخار را داشتیم که یکی ما اگر تصمیم می‌گرفتیم کسی دیگری مخالفت نمی‌کرد، در ۱۰ سال اثبات کردیم و بعد از این هم اثبات می‌کنیم. ولی افتخار ما است که برای ضعف وحدت مطرح شده، یکی هم صداقت ما است. من در مجمع شیعیان افغانستان، گفتم در نصر سوگند یاد نکرده بودم، ولی در حزب وحدت، سوگند یاد کردم، قرآن که بالاترین ارزش حجت اسلامی است، ما در پیش رو، رو به قبله گذاشتیم بیش از صد نفر سوگند یاد کردند و امضاء کردند. آن‌هایی که به این قرآن بی اعتنایی کردند تقصیر ندارند، من بیچاره‌ی که از آن روز این قرآن را زیارت کردم و سر از پا نشناختم تقصیرم این است!

این‌ها را گفتم و هست، بلی! از این جهت که آقایان به تشکیلاتشان ارزش قائل نباشند مسأله بن بست است، چون یک جریان امکان دارد فرضاً صد هزار عضو داشته

باشد، با صد هزار که نمی‌شود تک تک رفت، وحدت کرد. باید با قانون برخورد کرد، قانون چه است؟ یا شورای مرکزی است یا رهبری است، آقایانی که در ده سال سنگ رهبری آقای بهشتی را به سینه زده، من تعجب می‌کنم در وحدت که او پذیرفته امضاء کرده است، چطور شده که آقای بهشتی الآن دیگر رهبر نیست! این‌ها است که تاریخ رویش قضاوت می‌کند، درست، که الآن جهان آزاد است این جا می‌تواند اعلامیه بدهد، هر که را زیر سؤال قرار بدهد.

قضاوت تاریخ

ولی تاریخ مبارزه‌ی تشیع روی این مسأله قضاوت خواهد کرد، نسل آینده روی این فکر خواهد کرد که، کی بوده در راه وحدت سنگ می‌انداخته؟ این یک مسأله بود که باید بیان می‌کردم، بعد در جریانی که ما در تهران قرار گرفتیم، مسلماً شما در جریان آن جلسه نیستید و لازم است که آن جلسه را من خدمت برادران عرض کنم.

نماینده‌ی رهبری، آقای ابراهیمی خواستند در تهران از همه که باید بیایید این جا و تکلیف وحدت روشن شود همه جمع شدند و آقای محسنی که شرایط داشت نیامد. این جا است که چرا؟ این‌هایی که از بامیان تا این جا آمده، همه‌اش ما را ضد ولایت فقیه می‌گفتند، این‌ها برگشتند؟ نیامدند.

ما به عنوان یک افتخار پیرو ولایت فقیه بودیم و هستیم و خواهیم بود. ما معتقدیم، همان طوری که امام عزیزمان رهبری جهان اسلام امام خمینی (ره)، در وصیت نامه‌اش هم گفته: اسلام دو تا است، روحانیت و دو نوع اسلام مطرح شده. یکی اسلام آمریکایی، یکی اسلام ناب محمدی (ص). «صلوات حضار» در طول عمری شریفش داد کشیده و فریاد کشیده در جهان اسلام که وای از اسلام آمریکایی، در ۵۵ سال قبل در کتاب کشف الاسرار، ایشان سه تا مسأله را مطرح می‌کند به عنوان خطر: یکی مارکسیسم را، یکی وهابیت را، یکی آخوند نماها و اسلام آمریکایی را. ۵۵ سال قبل، ولی در وصیت نامه‌اش و صحبت‌های اخیرش مارکسیسم را وقتی که نامه‌ی پیامبر گونه‌اش را به گورباچف نوشت که واقعاً این مسأله‌ی تاریخی بود که دنیا مبهوت ماند، تا آن وقتی که محتوای نامه فاش نشده بود، کل غرب رسانه‌هایش تبلیغ می‌کرد که از خاطر جنگ ایران و عراق نوشته، یعنی به روس‌ها تسلیم شده، ولی وقتی که محتوای نامه افشا شد،

و فاش شد که امام گرباچف را به اسلام دعوت نموده، مثل یک پیغمبر، مثل آن دعوت که پیامبر گرامی اسلام در آن وقت که در امپراطوری رم نامه نوشت همه مسخره می‌کردند! ولی تاریخ الآن درک می‌کند. امام هم یک همچنین کاری کرد، بعد تمام رسانه‌های غرب سکوت کردند دیگر چیزی نگفتند (چراغ اسلام را) در آنجا روشن کرد. کمونیست از بین رفت به موزیم[1] تاریخ‌ها باید پیداء کرد.

لهذا در وصیت نامه‌اش که آخرین وصیت نامه سیاسی و الهی امام است. در این جا دیگر کمونیسم حذف شد. مسأله اسلام آمریکای و وهابیت رویش تکیه شده، اگر ما دروغ نمی‌گوییم، اگر ما شعار نمی‌دهیم که پیرو ولی فقیه و خط رهبری هستیم با این‌ها (اسلام آمریکایی) سری سازش و مسائل نداریم. این‌ها حذف نشده‌اند از جهان، بلکه در حال پیشروی هستند، تنها اسلام ناب محمدی(ص) می‌تواند جلوش را بگیرد.

این مسأله‌ی عجیب در این جا بود و هست و تبلیغ می‌شد. ولی در این جلسه آمد نماینده‌ی ولی فقیه با این عبارت سؤال کردند، با این که از نظری حقوقی و حقیقی تمام گروه‌ها تمام شده بودند، گفتند: ولی فقیه را قبول دارید یا ندارید؟ طبیعی بود که آن کسانی که معتقد به ولایت فقیه بودند نمی‌توانستند بگویند ما ولایت فقیه را قبول نداریم. گفتیم بله قبول داریم.

حاجی آقای صادقی نیلی گفت: پس تمام است مسأله. وقتی که ولایت فقیه را قبول داریم، ولی فقیه مسأله را تمام کرده، چاقوی برای میوه خوری بود انداخت و گفت: ببرّید هر جوری که شما می‌برید، ما قبول داریم.

شرط گذاری‌ها

این جلسه‌ی بود که هیچ کس این را بیرون نگفته، چون به ضررشان بود. متن تنظیم شد که نماینده‌ی ولی فقیه صلاحیت داشته باشد هر رقم مسأله را اعلان کرد اعلام بکنیم. ما امضاء کردیم نوبت به آقایان که رسید مشروط امضاء کردند و گفتند اگر شرط‌های ما پذیرفته شود ما قبول داریم، اگر شرط‌های ما پذیرفته نشود ما قبول نداریم.

---

۱. موزیم = موزه.

این را هیچ کس بیرون نگفته، یعنی ولایت فقیه را آقایان مشروط قبول دارند که اگر خواست هایشان را تأمین کرد ولایت فقیه خوب، اگر تأمین نکرد نه. تعجب می‌کنم در این جا، وقتی که امام در نجف مبارزه می‌کرد علیه شاه، آقایان در این جا تبلیغ می‌کردند، مگر می‌شود که در دنیا یک شاه شیعه است و علیه آن مبارزه کرد! این را گفته‌اند و شما طلاب جوان همه‌ی شما می‌دانید، ولی همین آقایان الآن، در آن وقت امام را قبول نداشتند می‌گفتند: ما از امام باسوادتر هستیم. ما وقتی که زیارت بیت امام رفتیم، ما چون علاقه داریم و آرمان ما هست هر چه که داریم در این راه گذاشتیم و هیچ پشیمان نیستیم. وقتی که دیوار امام را دیدیم دیگر حال این را که صحبت کنیم نداشتیم، پسر امام در آنجا صحبت کردند و یک سری مشکلات که گفته شد در آنجا مطرح شد و پسر امام در ضمن گفت: که امام را در نجف می‌گفتند «تارک الصلوة»؟!.

خیلی عجیب است ما درباره‌ی حضرت علی(ع) تعجب می‌کردیم که چه مردمی است که علی(ع) را بگوید «تارک الصلوة» علی که این همه پیامبر درباره‌ی (فضیلت)اش (سخن) گفته است، ولی وقتی که آمدیم، آن هم از علماء، از دانشمندان و از آن‌هایی که در مکتب امام صادق(ع) درس می‌خواند بگویند که «امام تارک الصلوة» است! دیگر حساب باقی تمام است.

کسی که در این راه گام برداشته همه نوع مسائل را باید قبول کند، این را فرزند امام گفت ولی این آقایان آن وقت می‌گفتند: که امام به اندازه ما سواد ندارد. آن مسأله‌ی که ما می‌خواستیم در این جا صحبت بکنیم و هست و مثل آن نامه‌ی امام جا افتید،[1] مسأله‌ی مقام رهبری حضرت آیت اللّه خامنه‌ای است. تمام دشمنان اسلام تمام دشمنان نهضت اسلامی دقیقه شماری می‌کردند، برای این مسأله که مانع برای پیشرفتشان تنها امام است و شکستن این انقلاب با نبود امام [آسان] می‌شود. این را کل رسانه‌های بین المللی تبصره کرده و نوشته، وقتی که «بعد از رحلت حضرت امام(ره)» در ظرف ۴۸ ساعت مجلس خبرگان، که می‌شود از مجتهدین حوزه به حساب آورد و از فضلای حوزه و مغزهای تشیع، بعد از ۴۸ ساعت که رهبری حضرت آقای خامنه‌ای را تصویب کرد، برای تمام دشمنان اسلام مأیوس کننده و برای دوستان اسلام

---

۱. افتید = افتاده.

و مخلصین اسلام امیدوار کننده بود.

بسیار به جا انتخاب کردند. اگر خدای نخواسته غیر از ایشان در شرایط فعلی انتخاب می‌شد به رهبری، امروز که اوج ترقی اسلام است، در دنیا و مکتب اسلام، مسلماً اسلام ضربه می‌دید. و ما افتخار می‌کنیم رهبری ایشان را، نمونه برجسته‌ی این رهبری (در تشکیل) این کنفرانس جهانی اهل بیت روشن شد و اقدامی برای اسلام و مردم تشیع، این شخصیت کرده که اگر این عملی شود که ما مطمئنیم ایشان این مسأله را عملی می‌کند و شخص ایشان اقدام کرده که در طول ۱۴۰۰ سال تشیع نشده. ما همین طور که احساس می‌کنیم و عقیده ما این است که امروز حزب وحدت، سبب نجات مردم تشیع است در افغانستان و این کنفرانس اگر ادامه پیدا کند و این تشکیلات اگر به وجود بیاید سبب نجات کل تشیع و اسلام است.

این «کنفرانس جهانی اهلبیت (ع)» از ابتکارات شجاعانه و عاقلانه‌ی ایشان در این شرایط بود. همان طوری که امام وقتی از فرانسه حرکت می‌کرد، تمام سیاستمداران دنیا چه در ایران، چه در خارج، گفتند: نیایید، امام گفت: من به عنوان یک وظیفه می‌روم. مثل شخصیت‌های بهشتی و مطهری هم به این عقیده بودند که امام نباید بیاید. چون خطر را دیده بودند و می‌گفتند: امکان دارد در فرودگاه (امام را) بزنند مزدوران آمریکا و این را گفتند به امام، شما احتمال نمی‌دهید که در فرودگاه بزنند گفتد: چرا؟ گفتند: انقلاب نابود می‌شود، گفت: من به خدا تعهد نکرده ام که انقلاب را پیروز کنم، من به خدا تعهد کرده ام که به وظیفه‌ی خود عمل می‌کنم آن در دست خداست که انقلاب را پیروز می‌کند یا نه.

شجاعانه گفت و آمد و این انقلاب پیروز شد و نجات پیدا کرد. امروز هم سیاستمداران رفتند پیش رهبر معظم انقلاب و گفتند این به صلاح نیست که امروز کنفرانسی به نام کنفرانس جهانی اهل بیت مطرح شود و سیاست ایجاب نمی‌کند. شجاعانه تصمیم گرفتند و گفتند: نه! اصل اسلام بنیان اسلام، عزت اسلام پیامبر و اهل بیت پیامبر بودند، و این را اقدام کرد و برنامه بسیار ارزنده‌ی است.

رسالت اصلی حوزه‌های علمیه

من معتقدم در کل تاریخ گذشته‌ی تشیع حوزه، که البته افتخارات داشت و در عین

حال بی نظمی‌های بود، نتیجه نداشت دلیلش این بود که برنامه مشخص نداشت، ارتباط نبود در جهان تشیع، این مسأله در این جا تجسم پیدا کرده بود. و این مسأله است که هیچ، این مسائلی که این‌ها مطرح می‌کنند و باز نشخوار می‌کنند آن مسائلی را که قبل از انقلاب می‌کردند و هزار و چند صد سال مسیحیت تبلیغ کرد، که دین از سیاست جدا است و حوزه‌های علمیه این مسأله را پذیرفت و قبول کرد. ولی امام (ره) آمد این مسأله را روشن کرد که نه! سیاست عین دیانت است، حوزه‌ها تعیین کننده سیاست است.

لهذا الآن اظهار می‌شود که ما در آینده‌ی تشیع، تشکیلات مذهبی لازم داریم و تشکیلات سیاسی آن چنان اثری ندارد. این قشنگ همان مسأله‌ی است که قبلا پذیرفته بودند ولی زحمت ۵۰ ساله‌ی امام در حوزه بود که مسأله سیاست عین دیانت را تشخیص دادند و گفتند و در دنیا جاه افتاد.

از این که وقت تمام شده و برادران اعلام کردند که در ساعت ۶ جلسه‌ی دیگری است، در این جا صحبت‌های بعدی من ماند خدمتتان اگر یک زمان وقت پیدا کردم، خدمت برادران بعداً عرض می‌دارم و الا در همین جا مسأله را تمام می‌کنم و شما را به خدا می‌سپارم.[1]

والسلام

۱. سخنرانی رهبر شهید(ره) به مناسبت تجلیل از شهدای گمنام افغانستان، در مسجد اعظم قم ۱۳۶۹/۳/۴.

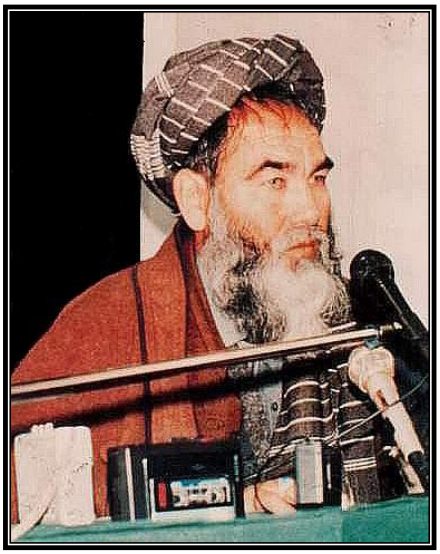

نقش حزب وحدت در پیروزی مجاهدین

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم اللّه الرّحمن الرّحیم، الحمدللّه رب العالمین و الصلاة و السلام علی محمد و آله الطاهرین و اما بعد قال اللّه الحکیم فی قرآن واجب التعظیم: فضل اللّه المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً.

برای روح شهدای عزیز اسلام و مخصوصاً شهدای افغانستان قهرمان صلوات ختم بفرمایید. (صلوات حضار).

حضور شما عزیزان، امروز، این آیه‌ی شریفه و کلام اللّه مجید خوب تفسیر و توضیح و روشن، معنایش بیان شده است. مجاهدین قهرمان افغانستان، با اتکاء به این آیه‌ی شریفه چهارده سال تلاش کردند، مبارزه کردند و امروز شما ثمرش را می‌بینید. این دیگر درباره‌اش صحبت کردن و توضیح دادن فکر می‌کنم چیزی بی جا است. خوب است که در این جا سیر تحولاتی که منجر به این پیروزی شد که برای بسیاری از عزیزان و دنیا شاید پوشیده باشد، برای شما یک گوشه‌ی آن را بیان می‌کنم.

اوّل مقدمهً پیش از این که، این جریان تاریخی و سرنوشت ساز را به عرضتان برسانم، خوب است که دو تا تاریخ انقلاب که تحریف شده است، زحمت را کسی کشیده و حکومت را کسی دیگر اشغال کرده، در تاریخ برای شما عرض کنم:

۱ـ در آن وقتی که مردم روسیه دست به انقلاب زدند و می‌خواستند که از

دیکتاتوری (تزاری) روس خلاصی پیدا کنند. مردم قیام کردند، به خیابان‌ها ریختند، آمدند، شعار دادند و نقش اساسی را در این انقلاب داشتند. ولی حزب کمونیستی منحوس روس آمد، دست آورد این انقلاب را دزدید، هفتاد سال این مردم را به لجن کشاند، آن وقت قتل عام کرد، عنعناتش را، فرهنگش را و مزایای اجتماعی‌شان را نابود کرد.

این در تاریخ ثابت شد و شما اطلاع دارید، ولی هنوز که هنوز است آن دسایسی که به کار بردند، دست‌های که این چنین انقلاب را منحرف کردند روشن نشده است.

۲ـ انقلاب الجزایر، یک میلیون و نیم مردم مسلمان الجزایر مثل شما شهید دادند فرانسوی‌های جنایتکار را، فجیعانه و ذلیلانه از کشورشان بیرون کردند، ولی یک تعداد از سیاستمداران حرفه‌ای عمّال خارج آمدند ثمره‌ی این انقلاب را بلعیدند.

لهذا بعد از مدت‌ها زمان، مردم الجزایر درک کردند، شما خوب آگاه هستید و می‌دانید که مردم وقتی که آمد با دموکراسی قلابی غرب، وقتی که اعلام کرد که بیایند آزادانه از راه رأی گیری سرنوشتشان را تعیین کنند. باز دیدیم که مردم قهرمان الجزایر به میدان ریختند و آمدند سرنوشت‌شان را تعیین کردند و گفتند که اسلام می‌خواهیم نه غیر آن، دیدیم که ابر قدرت‌ها و همین جبهه‌ی ملّی خائن الجزایر برای رأی مردم ارزش قائل نشد، آن چنان این مردم را سرکوب کرد که ۳۰ هزار مجاهد و آزادی خواه الجزایر در زندان‌های مخوف زندگی می‌کنند، این تاریخ است.

زخم خونین

امروز در مسأله‌ی افغانستان عزیز، با فداکاری مجاهدین واقعی و راستین افغانستان، با شهدایی که بیش از یک میلیون شهید تقدیم راه این آزادی شده است، ۵ میلیون آواره، ۱۴ سال زجر و ویرانی، وقتی که تحول و آن وعده الهی تحقق پیدا می‌کرد، این‌هایی که ادعای حکومت دارند و حکومت تشکیل دادند و از خارج آمدند، این‌ها که در افغانستان تشریف نداشتند. تعجب است، عجیب است، همه دانستند که این حکومت بقا ندارد، از یک سال، دو سال پیش در این فکر بودند که این قدرت را بگیرند. خیلی از سردمداران جنایتکار افغانستان، برای حفظ حیاتشان، زد و بندهای زیاد داشتند که (حکومت را) تحویل بدهند. شما در جریانش هستید همه‌ی دنیا باور کرده بود این

مسأله را که دیگر حلّ نظامی تمام شده و نقش ندارد، مسأله نظامی، باید این مسأله حلّ سیاسی شود، از راه حلّ نظامی مأیوس شده بودند، بعد از مأیوس شدن این‌ها چقدر (امکانات) مصرف کرده بودند، برای خرابی افغانستان از دو طرف آن آماری که از طرف روس‌ها اعلام شده بود ۳۲ میلیارد دالر در ظرف نه سال برای کوبیدن مردم افغانستان و خرابی اعلام کرده اند. ۳۰ میلیارد دالر عربستان سعودی برای جلوگیری تجاوز روس که افغانستان تمام شده است، از پاکستان و خلیج باید دفاع کرد، مصرف کردند، ۹ میلیارد و خورده‌ای آمریکایی‌ها هم مصرف کردند، روس‌ها که اعتراف کردند که «این زخم خونین است» باید از افغانستان نجات پیدا کرد. معاون صدر اعظم روس گفته بود که ما آن چنان داغ شده هستیم که در افغانستان دیگر جرئت نداریم که فکر تجاوز و دخالت داشته باشیم.

این بازوان پر توان شما (بود)، دنیا هم می‌داند که ملت قهرمان ما، نه بهره‌ای از این ۳۲ میلیارد پول روس‌ها داشته در طول چهارده سال تاریخ انقلاب افغانستان، نه هم ۳۰ میلیارد دلار پول سعودی، با شکم گرسنه، پای برهنه ایستادند، مبارزه کردند. خوب است که این جا یک داستانی که در سال ۵۷ در پشاور اتفاق افتاده بود با رهبران که آنجا (بودند) در اوّل دیدار داشتم برای شما مردم بازگو کنم.

سال ۵۷ سالی بود که کودتای مارکسیستی در افغانستان پیروز شده بود، برای اوّلین بار دین، اسلام، نماز خواندن، قرآن خواندن در این مملکت اسمش بردن جرم بود. علماء تعداد زیادشان اسیر شدند و در این راه شهید شدند، تعدادی هم فرار کردند، رفتند در خارج.

یک داستانی که در جاغوری پیش آمده بود، خوب است این را بگویم بعد آن حرفی (را) که رهبران آن روز می‌زدند.

از کابل راپور رفته بود، در آنجا خبر داده بود که به ما شصت تا شیخ بفرستید.م ولسوال آنجا پس برای کابل خبر داده بود که ما شصت تا آخوند هم در جاغوری نداریم، شما از ما شصت تا شیخ خواستید! من تعجب می‌کردم چون در مناطق ما آخوند و شیخ یک مفهوم داشت. سؤال کردم از علماء که مفهوم این چیست که آن گفته شصت تا شیخ می‌خواهم، ولی ولسوال گفته ما شصت تا آخوند هم نداریم؟ آنها

توضیح دادند، به من و گفتند که در منطقه کسانی که در خارج تحصیل کرده باشند این‌ها معروف‌اند به شیخ، کسانی که در داخل در مدرسه‌های داخلی باشند، این‌ها نامشان آخوند است. طبیعتاً آن کسی که در داخل تحصیل می‌کند با آمدن کسانی که از خارج می‌آیند، اضافه است. این روزگار این مملکت بود. از جمله‌ی این علماء، یکی از جاغوری فرار نکرد، همان را گرفتند نابود کردند. حالا چقدر در مزار، چقدر در کابل خودتان بهتر می‌دانید. خوب در این شرایط ما رفتیم در پشاور هر کسی دفترکی باز کرده بود و ماشین هم نداشتند، خوب همه‌ی دفاتر را گشتیم وحشت عجیب در خارج وجود داشت باورشان نمی‌آمد که مردم قهرمان افغانستان در مقابل این کودتا می‌ایستند و روس‌ها را آن چنان مجبور می‌کند که دخالت هم بکنند باز شکست بخورند، این باور کسی نمی‌آمد.

ما در آنجا بودیم و به همه‌ی دفاتر رفته و با رهبران نشستیم، صحبت کردیم، از آنجا هم تصمیم داشتیم که بیاییم در کابل، آن روز در فکر این مسأله بودیم که از داخل شهر گروپ‌های مقاومت تشکیل شود. خوب بعد از نشست‌ها و صحبت‌ها در آنجا بودیم که احوال آمد که «دره‌ی صوف» قیام کرده ـ در ۲۶ دلو ۵۷ ـ طولی نکشید سه روز بعدش گفتند «چهارکنت» قیام کرده، یادم هست شاید صلاح نباشد که اسم آن نفر را الآن ببرم، برای این که امروز آن موجودیت شما را انکار می‌کند گفت: الآن انقلاب تضمین پیدا کرد. آمد به عنوان یک خبر خوش در جلسه این مسأله را بیان کرد. گفتم: چه شد؟ گفت: مردم هزاره جات قیام کرده، امروز انقلاب تضمین پیدا کرد و این (انقلاب) دیگر شکست نمی‌خورد. من خندیدم، یعنی همین روز را پیش بینی می‌کردم و فکر می‌کردم، گفتم: در یک انقلاب دیگر هم مردم ما غیرت زیی بود. ولی بعد از این که دیگران به حکومت رسیدند دیگر این لقب را نداشتند یا زندان بودند یا تبعید. این تحولاتی که در این جا پیش آمده دقیقاً همان مسأله است... یک ماه پیش از جریان تحول مزار، شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان در مقر بامیان بود، گزارش از شمال آمد که تعدادی از افسران ارتش تماس گرفتند که ما با مجاهدین همکاری می‌کنیم و این نظام را سرنگون می‌کنیم، شما چه می‌گویید؟ این مسأله‌ی بود که در آن روز همه چشمشان دوخته شده بود به حلّ سیاسی، حتی کشورهای هم جوار

و میزبان و حتی آن کسانی که سی میلیارد دالر پول مصرف کرده بودند (به اندازه ی) شصت سال بودجه افغانستان! می‌گفتند: غیر از راه حلّ سیاسی دیگر راهی در افغانستان برای تغییر قدرت وجود ندارد.

مزار شریف چگونه سقوط کرد؟

شورای مرکزی جلسه تشکیل داد و این مسأله را مورد بحث قرار داد، گفتیم حرف حرف خوبی است. با چند تا تضمین و مقدمه، مقدمات انجام شود و تضمین گرفته شود، این کار، کار بسیار زیبا است. خوب، این مقدمات چه بود؟ گفتیم نزد مجاهدین و قوماندانان داخل هیأت بفرستیم، جلسه کنیم، (به) شورای ولایتی حزب وحدت در مزار دستور داده شد که با این برادران جلسه کنند، توافق کنند، ما توافق مجاهدین را وقتی که گرفتیم مسأله را اقدام می‌کنیم. شرایطی که ما مطرح کردیم در آنجا به برادرها وظیفه دادیم که این کار را انجام بدهند چند چیز بود:

۱. یکی این است که افسران باید تعهد بسپارند که حکومت اسلام صد در صد که حقوق همه‌ی جامعه را تأمین کند (به وجود بیاید)، با این مسأله همکاری کنند، تا تحقق این مسأله سلاح بر زمین نگذارند.

۲. مسأله‌ی دوم: این تحولات در مزار متوقف نشود و تعهد گرفته شود که باید کابل سقوط کند.

۳. مسأله‌ی سوم: مسأله‌ی تجزیه و این‌ها در افغانستان مطرح نباشد، برادران عزیز در آنجا نشستند جلسه کردند به این توافقات رسیدند. هیأت‌های که در این جا باید بفرستیم که الآن تحول شروع شود غیر از آقای مسعود دیگر قوماندان‌ها تشریف نداشتند، در پاکستان رفته بودند و جلسه می‌کردند که در حلّ سیاسی افغانستان قوماندان‌ها هم سهم داشته باشند. یعنی مسأله‌ی نظامی دیگر نه.

هیأت بلند پایه‌ی حزب وحدت در پنجشیر رفته با آقای مسعود جلسه کردند، در آن وقتی که در مزار تماس گرفته بود با حزب وحدت از افسران ارتش، ثارندوی این‌ها ۱۳ نفر نامه نوشته بودند که اگر حزب وحدت با این مسأله موافقت بکند ما حاضر هستیم حرکت را شروع کنیم. ما برای این مسأله که باید نظر قوماندان‌ها گرفته شود، و خونریزی نشود و اختلاف پیش نیاید هیأت بلند پایه‌ی را پیش آقای مسعود

فرستادیم که آقای مسعود از جریان خبر نداشت؛ بگذریم از این که تبلیغ می‌کنند و می‌گویند. شاید یک روز این اسناد بیرون داده شود و (برای) مردم روشن شود. خوب این مسأله را ما مطرح کردیم. ما آن روز پافشاری می‌کردیم بر سر این مسأله که این‌ها باید به یکی از احزاب اسلامی تسلیم شوند. آقای مسعود می‌گفت: نه! این مشکل است این نمی‌شه بیایید آزاد بگذاریم که این‌ها هویتی مستقل برایشان انتخاب می‌کنند یا به احزاب تسلیم می‌شوند یا می‌پیوندند.

مزار کلید فتح افغانستان

ما با این موافقت کردیم و این قطعنامه را امضا کردیم دو تا شورا در این جا در نظر گرفته شد. یکی شورای نظامی و جهادی در شمال و در مزار شریف تشکیل شود از همه‌ی نیروهای جهادی و این برادران هم شرکت داشته باشند. بعد از سقوط مزار که کلید افغانستان است و ثابت شد که بوده است، بعد از این هم خواهد بود. شورای جهادی دوم در سطح بالا، یا در پلخمری یا چاریکار دایر شود، این توافق نامه امضاء شد. تحول شروع شد، قومنده داده شد، که برادران مزار را بگیرند. شما در جریان هستید و رادیوها را گوش کردید! اوّل کسی که این تحول را بیرون انعکاس داد حزب وحدت بود، همه غافلگیر شده بودند. یک چیز (را) هم این جا برای شما توضیح بدهم، شورای نظامی که تشکیل شده بود تقسیمات منطقه‌ای شده بود که، کی از کدام منطقه وارد شهر شود، مجاهدین قهرمان حزب وحدت وارد شهر شد، بعد از ظهر زد و خورد (نموده) دور فرقه دهدادی را گرفتند، شهر آزاد شد همه وارد شدند. ما اعلام کردیم روی واقعیت و صداقتی که داشتیم، نخواستیم برای مردم مان و دنیا مکر و نیرنگی را بازی کنیم، گفتیم همه شرکت داشت و اسامی همه را گفتیم. چون برادران وارد نشده بودند، مانده بودند و [در اصل] خبر تردید داشتند، شما دیدید و شنیدید از سطح رهبران و قوماندانان همه تردید کردند که مزار هنوز آزاد نشده. دو روز بعدش تأیید کردند. شما مصاحبه‌ها را خوب دقیق در نظر داشته باشید. این تحول که پیش آمد کلید پیروزی که در دست مجاهدین افتاد، این‌ها که غافلگیر شده بودند، شروع کردند، برای این مسأله که توطئه‌ی بریزند.

تعهد بعدی این بود که شورای عالی جهاد تشکیل شود از تمام مجاهدین بیایند و قدرت را در دست بگیرند که باز در «جبل السراج» چاریکار این جلسه برقرار شد و

در این جا شورای جهادی ۲۰ نفره تشکیل شد که مسئول و رئیس در این جا آقای مسعود تعیین شد، معاونش، مسئول شورای ولایتی مزار حزب وحدت جناب آقای محقق تعیین شد و جنرال دوستم هم مسئول نظامی. متأسفانه فقط ریاستش اعلان شد دیگرش نه، خوب برنامه بود، که چهار هزار نیرو در چاریکار تجمع بکنند و وارد کابل شوند. مسائل سیاسی راه افتاد تماس گرفتن‌ها راه افتاد، پاکستان فعال شد، طرح کودتا ریختند. باز با همه‌ی این همه تخلفات این برادران تصمیم گرفتند، ۳۰۰۰ هزار نیرو تجمع دادند که بیایند و وارد کابل شوند. فیصله شده بود که مجاهدین در کابل وارد نشوند، برای اینکه خونریزی می‌شود، خدای ناخواسته مردم و اهالی کابل چور و چپاول نشود، باز هم [بر خلاف تعهد] وارد شدند و خبر نکردند، این جا باید تشکر کنم از برادران کابل که واقعاً فداکاری کردند، واقعاً زحمت کشیدند، حضورشان را در این جا تثبیت کردند، مجاهدین قهرمان و عزیز شهری حزب وحدت در کابل بودند. (تکبیر حضار).

و یک سری مسئولین آن چنان خودگذری کردند که باید یادآور شوم که بسیار زحمت کشیدند که اگر ملت ما برای این فداکاری ارزش قائل نشوند، خوار می‌شوند. وقتی که به ما پیغام دادند که کابل وضعش خوب نیست، اگر یکی از تصمیم گیرندگان شما کابل وارد نشود، امکان دارد موقف‌های که برادران در کابل دارند از دست برود. من رفتم خدمت یکی از شخصیت‌های عزیز، گفتم راهی وجود ندارد، حاج آقا یا خودت برو یا مرا اجازه بدی که بروم کابل. تعبیری که داشت ـ که من برای این مسأله بسیار تحت تأثیرم ـ (تکبیر حضار) گفت: فقط با این که از نگاه شخصیتم، از نگاه جهادم از نگاه خطری که وجود دارد، امکان دارد این مسأله برای من مناسب نباشد، ولی من این حرف را برایت می‌گویم و اطمینان می‌دهم که اگر مرا به ارزش یک کلوخ برای نجات مردم فکر می‌کنی که مفید باشم بالای آب بگذاری که مردم ما از این جا گذر کند، من در اختیار شما هستم. این حرفی بود که آن روز هم ترس بود، هم خطر بود، هم بدنامی بود، همه چیز بود، کابل هنوز فتح نشده بود، گفت: من آماده هستم هر آن که می‌گویی ماشین آماده کنید.[1]

لهذا ماشین آماده شد و شب ساعت ۱۱ حرکت کرده وارد کابل شد تا توانست

---

۱. این شخص قرار شنوا آقای زاهدی غزنوی بوده است.

این‌جا را سر و سامان بدهد. این داستانی بود که ما دیدیم و شما مطلع بودید که هیچ کسی این جا نبود، از آن روز تا امروز سه بار در کابل تهاجم صورت گرفته و نیروهای قهرمان شما در کار این برادران عزیز که در اوّل تعهد کرده بودند که تا حالا به تعهدش عمل کرده و سخت پایبند است، دفاع کردند.

ما روی مصالح ملت و انقلاب دست به تعرض نزدیم

یک چیزی طبیعی بود، دنیا هم برای ما حق می‌داد، چهارده سال جهاد کردن، هزارها نفر شهید دادن، صدها هزار آواره دادن، بعد این چنین نقش کلیدی را هم در این تحولات داشته باشد و بعد نادیده گرفته شود و دولت تشکیل بدهند و بگویند اینان بعداً مسأله‌شان حلّ می‌شود. برای دنیا و آن کسی که یک ذره شعور دارد، برای ما یک مجوز درست و حسابی بود که این جا می‌جنگیدیم و هیچ کسی نمی‌توانست در این مسأله ما را بگوید که به انقلاب خیانت کردید. ولی ما روی مصالح ملت و انقلاب دست به تعرض نزدیم، فقط گفتیم از مردم مان، از مناطقی که در دست داریم دفاع می‌کنیم. هر کسی در این جا بیاید و هر متجاوزی را جواب خواهیم گفت. (تکبیر حضار).

شما خوب می‌دانید که در این جا قدرت و پست‌های کلیدی را در اختیار آقایون گذاشته، آنچه خواستند قبول کردند، چرا جنگیدند؟ این سؤالی است که باید آن‌ها در مقابل ملت جواب بدهند. مسأله‌ای که هست در این جا که باید یادآور شوم، این برادران که آمدند، این تحول را به وجود آوردند که الآن نزدیک سه ماه کمتر می‌شود در تعهدش با همه‌ی عهدشکنی‌های مجاهدین یک ذره تخلف نکردند، بعد از این هم نخواهند کرد. ملت باید قدر این‌ها را بدانند... ده هزار نفر وارد شد، باز این نیرو، نیروی شمال عزیز بود و این افسران عزیز خط محاصره را شکستند و آمدند. الآن هم دنبال این جو سازی و تبلیغات نروید که این‌ها را جو سازی می‌کند و رسانه‌های استکباری به عنوان جنایت کار مطرح می‌کند. این‌ها کلید پیروزی هستند و بعد از این هم خواهند بود، نیروهای قهرمان شمال تعیین کننده است. نیروهای حزب وحدت اسلامی امروز از ستون فقرات انقلاب است و به حساب می‌آید. (تکبیر حضار).

هر کس این خیال خام را کرده که مثل روسیه و الجزایر می‌تواند صاحب اصلی این انقلاب را حذف کند، این خیال خامی بیش نیست ما فقط نمی‌خواهیم که آشوب کنیم. ما نمی‌خواهیم که دنیا بگوید که در انقلابشان خیانت کرد، سر چوکی می‌جنگند. ولی

هستیم، کسی قدرت حذف کردن این جا را ندارد، به شرط که شما مردم آگاه باشید، تزلزل از خود نشان ندهید، برای خوش خبری و موزه پاکی باز دسته دسته برای این حکومت وارداتی تبریکی نروید. چون در چهارده سال پشتوانه‌ی این مجاهدین عزیز شما مردم بودید، اگر امروز شما صحنه را ترک نکنید، امروز حزب وحدت و نیروهای مقاوم سمت شمال، نیروهای نیست که کسی بتواند حذف کند. این خیال خام وقتش گذشته است. چیزی را که ما این جا با شهید دادن به دست آوردیم با کابینه تشکیل دادن از دست نخواهیم داد. (تکبیر حضار).

این شرایط، بسیار شرایط حساس است برای ملت ما، توطئه‌های زیادی چیده شده و برنامه ریزی شده که این انقلاب را از مسیرش منحرف کنند. فقط بیداری شما، هوشیاری شما، همکاری شما، این مسأله را تضمین می‌کند. من یک چیزی این جا به برادران عزیز و قوماندانان عزیز و مسئولین عزیز توصیه می‌کنم، این پیروزی از لطف الهی بود، شکر خدا را به جا بیاورید و نعمت الهی را فراموش نکنید.

برکات وحدت

این از برکت این وحدت بود که دو سال پیش به وجود آمد و مسئولین خارج و داخل برای این مسأله زحمت کشیدند و برای شما هویت سیاسی دادند، هویت نظامی دادند، حضور اجتماعی دادند و در این وقت پیروزی، نظم، انسجام، و تشکیلات را باید رعایت کنیم.

متأسفم از این که، شورای مرکزی تعدادی از برادران را مسئولیت می‌دهد در یک جای ولی این نظم تشکیلاتی را رعایت نمی‌کند، می‌آیند در جای دیگر و این نقص است. تعدادی از نظامیان عزیز را در یک جای وظیفه می‌دهند، ولی می‌آیند. این پیروزی دو روزه و این غناییم ناچیز نباید باعث این همه بی نظمی شما شود. نظم، انضباط و تشکیلات؛ (باید رعایت شود)، نزدیک است که از این زحمات‌تان ثمر بگیرید، هیچ دور نیست هیچ ناراحت هم نباشید اگر شما حضور داشتید در صحنه، اگر شما ایستادید، دنبال حزب وحدت، دنبال مجاهدین قهرمان و شجاع تان، این مسایل بازی است.

بیشتر از این مزاحم نمی‌شوم، وقت عزیز شما را دیگر نمی‌گیرم، از اینکه احساسات نشان می‌دهید! نشان دادید! زحمت کشیدید، ما از طرف شورای مرکزی نیابتاً و از

طرف خودم اصالتاً تشکر می‌کنم. (تکبیر حضار).

شما باید این انسجام و تشکیلات را رعایت بکنید، برادران عزیزی که در خارج بودند با آن همه سانسوری که استکبار جهانی برای ملت‌های محروم به وجود آورده بود که نباید صدایشان بیرون برود و دنیا خبر شود که محرومین در پیروزی این انقلاب نقش کلیدی را داشته و این برادران زحمت کشیدند، مصاحبه کردند، اعلامیه دادند، تبلیغ کردند، نقش اساسی را در تبلیغ داشتند.

یکی از دوستان را من این چنین همراهش صحبت می‌کردم و تعجب می‌کردم، جای تعجب نبود آن وقت منتهی ما غافل بودیم، گفتم: چرا تبلیغ نمی‌کنید؟ گفتند: سردمداران آزادی و شعار دهنده‌ی آزادی که امروز در دنیا مدعی آزادی است می‌گوید، به خبر نگارش دستور داده که بدون اجازه‌ی سفارت ما با کسی مصاحبه نکنید. شما از این جا، از این نمونه بفهمید که دنیای استکبار برای این انقلاب، برای انحرافش چقدر سرمایه گذاری کرده! آنها که این همه داد می‌زند، برای یک ملحد (سلمان رشدی) که به عقیده‌ی یک میلیارد مسلمان توهین کرده، به عنوان آزادی و آزادی مطبوعات ازش دفاع می‌کند و سمینار تشکیل می‌دهد، در الجزایر که مسلمان‌ها پیروز می‌شوند آن چنان عمل می‌کنند و در مسأله‌ی افغانستان هم این چنین. راضی نیست که خبر جنگی ملت‌های محروم در خارج انعکاس پیدا بکند. این مسأله‌ی استکبار است، از عاملین استکبار چه انتظار؟ ولی فقط یک چیزی در دنیا اینان را به زانو در آورده و آن، عزم راسخ ملت‌های محروم است. یک ابر قدرت را متلاشی کردید، نصف دنیا را آزاد کردید. امیدواریم که دیری طول نکشد که این ابر قدرت دیگر هم متلاشی شود و یک ابر قدرت اسلامی در سرزمین‌های مسلمان نشین به وجود بیاید. (تکبیر حضار) که کفر جهانی الی الابد دفن شود.

زیاد دور نیست، به شرط که ما از خدا دور نشویم و از خدا غافل نشویم، امروز نهضت جهانی در سراسر دنیا، استکبار را به لرزه در آورده، پشت سر هم پیروز می‌شوند. انشاء اللّه.

از این که خسته هم هستم و شما هم خسته هستید! انتظار زیاد کشیدید، باز یک بار دیگر از زحمات شما تشکر می‌کنم. از مسئولین عزیز، معذرت می‌خواهم که وقتشان

را گرفتم.[۱]

والسلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته

۱. سخنرانی رهبر شهید بعد از وارد شدن به کابل در سال ۱۳۷۱، در مجمع کثیری از مستقبلین.

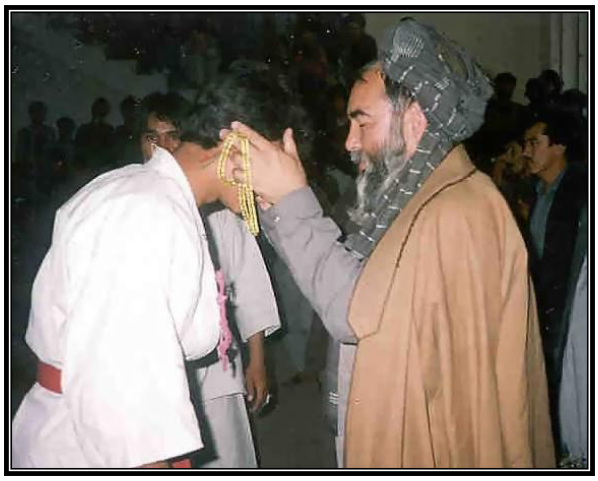

ورزش یک مسأله‌ی اسلامی و جهانی

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم اللّه الرحمن الرحیم، الحمدللّه رب العالمین و الصلاة و السلام علی محمد و آله الطاهرین، اما بعد قال اللّه الحکیم فی قرآن واجب التعظیم: ان تنصر اللّه ینصرکم و یثبت اقدامکم.[1]

با تشکر از مسئول تربیت بدنی حزب وحدت که زحمت کشیده، این جا را آماده کرد که امروز افتتاح شد و (این) یک گام بزرگ برای جامعه‌ی ما و تربیت جوانان عزیز ما است، که از این جهت زحمت کشیدند و این کار بزرگ را انجام دادند تشکر می‌کنم از ایشان و از خدای بزرگ می‌خواهم که به ایشان توفیق بیشتر بدهد که تا به جوانان و مردمشان خدمت بیشتری بکند.

با عرض معذرت از دوستان و اساتیدی که این جا آمدند، از شورای مرکزی، مخصوصاً از برادر عزیزمان آقای شفق (بهسودی) که حقشان بود که ایشان صحبت می‌کردند ولی برادران به ما وظیفه دادند و من هم از باب وظیفه چند کلمه‌ای صحبت می‌کنم.

حضور شما عرض شود که مسأله‌ی ورزش یک مسأله‌ی جهانی و مسأله‌ی اسلامی

---

۱. سوره‌ی محمد، آیه‌ی ۷.

هم است. ارسطو وقتی که بررسی می‌کند، درباره سعادت انسان ها، یا سعادت بشری شش چیز را عامل سعادت برای انسان‌ها و یا جامعه‌ی بشری نظر می‌دهد و مطرح می‌کند. مرحوم استاد شهید مطهری وقتی که نظریات ارسطو را بررسی می‌کند سه چیز (دیگر) را در آن اضافه می‌کند که عامل سعادت است، هم دنیا قبول کرده و هم امروز از نگاه اسلامی تأیید شده که ارسطو این مسائل را به نظر ایشان مطرح نکرده، یکی از این سه چیزی که آقای مطهری مطرح کرده علاوه بر نظریات ارسطو مسأله‌ی ورزش و تربیت بدنی است. ایشان نقد می‌زند و می‌گوید در نظر ارسطو، که نظریاتش جامع نبود.

و از نگاه ملی و سیاسی هم امروز شما می‌دانید که مسأله‌ی ورزش و تربیت بدنی در سطح بین المللی برای یک جامعه و مردم، عزت به حساب می‌آید. شما طی سال گذشته شاهد بودید که وقتی ایران تیمشان شکست خورد در سطح بین المللی یک عده از رادیوهای استکبار جهانی روی این مسأله تبصره می‌کرد.

یکی از شاخص‌های ملی امروز این مسأله است و مخصوصاً برای جامعه‌ها و ملت‌های که محروم بودند، هویت نداشتند و تحقیر می‌شدند در یک مملکت، اگر چنانچه عزتی پیدا بکنند و مطرح شوند با دیگران برابر، طبیعی است که باید در هر رشته در هر چیزی که در آن مملکت ارزش ملی به حساب می‌رود، یک ملت محکوم آن وقت می‌تواند عرض اندام بکند و هویت ملّی‌اش را تکمیل کند که در همه‌ی این رشته‌ها کادر داشته باشد و افراد تربیت شده.

مسأله‌ی دیگری که مهم است این مسأله این است که از نگاه خود اجتماع و بازی‌های سالم، امروز جوامع پیشرفته بسیار پول مصرف می‌کند و توانایی‌اش را خرج می‌کند که مردمشان از بازی‌های ناسالم و از سرگرمی‌های ناسالم، دوری بکنند، یک جامعه اگر توی مسأله‌ی بازی‌های سالم، جوانانی (با تجربه) عرضه کند، علامت پیشرفت و علامت سلامت است.

وقتی که در جامعه می‌بینیم که بچه‌های جوان و کوچک هم سرگرمی می‌خواهند،

اگر سرگرمی سالمی وجود نداشته باشد کشانده می‌شوند در سرگرمی (های) ناسالم و جامعه را به نابودی می‌کشند. از نگاه اسلامی هم درباره‌ی علم از طرف پیامبر گرامی اسلام(ص) آمده که اصلا علم را تقسیم کرده به دو تا علم یکی علم ادیان و یکی علم ابدان. علم ادیان خوب مشخص است که مسأله‌ی شریعت و دین شناسی است و در اسلام هم مسائل طویلی را حوزه‌ها و علماء و مراجع و این‌ها زیاد گفته‌اند ولی علم ابدان، همین (علم) صحت بدن است که یک صورتش این است که درس می‌خواند برای این که داکتر شود، بدن انسان‌ها را تداوی کند و مرضش را تشخیص دهد. یک راه صحت، ورزش است.

خاطره‌ای از زندان

باز هم در این رابطه ما زمانی که در زندان ایران بودیم یک رفیق داشتیم داکتر بود که ۱۳ سال در آمریکا تحصیل کرده بود و ۵ سال هم در علوم جراحی و تشریحی و این‌ها در آمریکا کار کرده بود وقتی که آمده بود به ایران در ایران از کادرهای علمی علوم طبی ایران به حساب می‌رفت ولی چون فکر سیاسی داشت، ایشان را هم گرفته بودند و در زندان اوین ۵ سال محکوم به زندان شده بود.

وقتی که پیش او می‌رفتیم و از او باز خواست می‌کردیم، یکی می‌گفت سرم درد می‌کند، یکی می‌گفت دستمان درد می‌کند یکی می‌گفت پایم درد می‌کند، یکی می‌گفت کمرم، معمولا مسأله‌ی شکنجه و این‌ها مطرح بود، او بدون استثنا برای همه می‌گفت: ورزش، اگر می‌گفتیم سرمان درد می‌کند می‌گفت: ورزش، اگر می‌گفتیم پا درد هستیم رماتیسم داریم، می‌گفت: ورزش. یعنی یک داکتر مجرب بود و خودش هم یک ساعت صبح‌ها می‌دوید بعد عرق ریز، یخ را می‌شکست و در دل آب سرد می‌رفت و می‌گفت: این تکمیل ورزش است. یعنی هر وقت که بدن در این قیام رسید آن قدر مقاومت پیدا می‌کند که میکروب‌ها و مرض نمی‌تواند نفوذ کند.

لهذا شما می‌دانید که یک مرتبه بدن مریض می‌شود، میکروبی می‌شود و داکتر ضرورت دارد، برای این که دواء تجویز بکند. امکان دارد این دواء این میکروب را دفع

بکند ولی میکروب‌های دیگری در بدن به وجود بیاید که عوارض جانبی دارد. ولی ورزش برای بدن دوائیست که علاوه بر این که مرض‌ها را دفع می‌کند و میکروب‌ها را دفع می‌کند هیچ عوارض جانبی هم ندارد. لهذا از این باب ما از بزرگان و شخصیت‌ها و آن‌هایی که بسیار جهان به وجودشان افتخار می‌کند، باز در برنامه‌های کارشان می‌بینیم که ورزش در برنامه کارش بوده (است).

از جمله امام (ره) با اینکه از نگاه سیاسی، از نگاه فقهی، و از نگاه مسائل جهان اسلام آن قدر مشغولیت و گرفتاری داشت، ولی کسانی که با ایشان نزدیک بوده از خدمه‌شان بوده، می‌گویند: ایشان مرتب در شب و روز چند دقیقه‌ی ورزش می‌کردند. یا آیت اللّه مشکینی که الآن از بزرگان و شاخص‌های حوزه‌ی علمیه قم است، ایشان یک ساعت در بیست چهار ساعت مسأله‌ی ورزش و گردش را برای صحت بدنش از لازمه زندگیشان می‌داند.

لهذا از این جهت هم مبنای اسلامی دارد، هم مبنای ملی دارد و هم یک مسأله‌ی سیاسی برای تثبیت هویت یک مردم است. از این جهت برادر عزیزمان زحمت کشیده و کار بزرگی کرده و امیدوار هستم که این گسترش پیدا بکند برای مبارزه، برای حقوق یک ملت، آمادگی (بگیرند) که ضرورت دارد

سلاح به دوش گرفتن و سنگر حفظ کردن جزئش آمادگی بدنی و ورزش است و مبارزات رزمی غیر سلاح است که امروز در دنیا مطرح است و جزء ضروری مسأله است. از این جهت بسیار کار بزرگی است و گام مثبتی است و بسیار خدا را شاکرم و شکرگزارم مردمی که یک قهرمان ابراهیم (داشت)، قهرمان کشتی بود در سراسر افغانستان مردم شیعه‌اش نذر می‌کرد روزه می‌گرفت خیرات می‌کرد برای این که نام از شیعه بشنود. ولی امروز ما خوشحال هستیم و شکرگزاریم که یک مرکزی به نام تربیت بدنی خود مردم مان افتتاح می‌کنیم، صدها جوان آماده است برای انواع تربیت بدنی که این جا از نگاه رزمی و بازی‌های که هست استادند، کمربند گرفته اند، افتخار این ملت است. برای تثبیت هویتشان نقش تعیین کننده هم حالا دارند و هم برای

آینده. از این جهت بسیار سپاسگزاریم و خدا را شکر می‌کنیم که این توفیق را داده و امیدوار هستیم که در همه‌ی ابعاد، مردم ما و ملت ما رشد پیدا بکنند که بتوانند از آن محکومیت بیرون شوند، چه در نظامی، چه در سیاسی و چه در آبادانی کشور از نگاه تخصص، روحانیت و اساتید که تا یک ملتی که آزاد باشند و برای آزادی‌اش فکر بکنند، همه‌ی این ابعاد ضرورت دارد.

از این جهت بیشتر از این وقت شما عزیزان را نمی‌گیرم و تشکر می‌کنم از احساس پاک شما، از مسئولین، از همه تقدیر می‌کنم و این علامت بیدار بودن و علامت احساس این است که به سوی یک ملت شدن حرکت می‌کنید و سرنوشت خود را در همه‌ی ابعاد باید به دست خود بگیرید کامل است. از این جهت تشکر می‌کنم و از بزرگانی که وقتشان را گرفتم معذرت می‌خواهم، از شما جوانان یک دنیا تشکر می‌کنم، از احساس پاک شما![1]

والسلام

۱. سخنرانی رهبر شهید(ره) در مراسم افتتاح مرکز تربیت بدنی حزب وحدت اسلامی افغانستان در کابل.

گزارشی از سخنرانی دبیر کــل حزب وحدت اسلامی پیرامون آخرین تحولات سیاسی کشور، در کابل[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان بعد از ظهر روز یکشنبه ۱۳۷۱/۷/۲۶ در جمع هزاران تن از مردم مسلمان شهر کابل که به خاطر تجلیل از مقام مجاهد شهید جنرال نعمت اللّه ابراهیمی و تأسیس اتحادیه‌ی تعاون اسلامی در مسجد محمدیه گرد هم آمده بودند، پیرامون آخرین تحولات سیاسی کشور سخن گفت.

استاد مزاری ابتدا در ارتباط با صلح و تخلیه مناطق (تحت تصرف حزب وحدت) گفت: ما هیچ گاه طرفدار جنگ نبوده‌ایم و بعد از این هم نخواهیم بود و برای جلوگیری از جنگ و خنثی کردن توطئه‌های بین المللی، مناطقی را که به تصرف در آورده بودیم، تخلیه کردیم و این کار را به نفع مردم خویش دانسته و مصلحت آنان را در برقراری صلح و ثبات و آرامش و امنیت در کشور می‌دانیم.

وی در ادامه‌ی سخنانش، ملت مسلمان افغانستان را در رابطه با توطئه‌های بین المللی مبنی بر ایجاد اختلاف و تشدید تضاد بین برادران پشتون، هزاره، ازبک، تاجیک و سایر ملیت‌ها هشدار داد و گفت: ما در طول دو صد سال با هم دیگر برادرانه زندگی کرده‌ایم و بعد از این امیدواریم بتوانیم به صورت برابر و برادر، زندگی کنیم.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۶۹، پنجشنبه ۷ عقرب ۱۳۷۱ش.

استاد مزاری، در قسمت دیگر از سخنانش با اشاره به تشکیل شورای اهل حل و عقد در آینده‌ی نزدیک، از رسانه‌های خبری و تبلیغاتی خواست که در این زمینه اذهان مردم را روشن ساخته و در این رابطه با این پدیده‌ی نوین سیاسی از دیدگاه‌های مختلف، به بحث و بررسی پرداخته، از نظر اندیشمندان و صاحب نظران استفاده نمایند. استاد مزاری، آنگاه به تشریح کلمه‌ی اهل حل و عقد پرداخت، توضیحات مفید و ارزنده‌ی را پیرامون آن ارائه کرد و گفت: در این زمینه باید به محتوا بیشتر توجه گردد.

وی ضمن اشاره به نظام گذشته در تاریخ افغانستان از شیوه‌های انحصار طلبانه‌ی حکام ستمگر قبلی پرده برداشت و تبعیضات نژادی در افغانستان را برشمرد.

استاد مزاری، ضمن انتقاد از برخوردهای نژادپرستانه و عظمت خواهانه‌ی عده‌ای از جناح‌ها گفت: کسانی بودند که قبلا انتخابات را حرام می‌دانستند و سرانجام در توافقات پیشاور، شورای اهل حل و عقد را پیشنهاد و زیر نظر پاکستانی‌ها و سعودی‌ها امضاء کردند ولی اکنون که شورای اهل حل و عقد بر اساس نفوس تشکیل می‌شود مخالفت می‌کنند و این (عملکرد) به خاطر آن است که این‌ها می‌خواهند به صورت انحصاری در افغانستان حکومت کنند.

استاد مزاری، در قسمتی دیگر از سخنانش با اشاره به احصائیه‌های قبلی گفت: در مناطق... والسوالی‌های وجود دارد که کمتر از پنج هزار نفر جمعیت دارد، و لهذا باید مسایل حل و عقد روی میزان نفوس باشد و اگر در این مرحله نفوس شماری صورت نگرفته، ولی در آینده باید سرشماری صورت گیرد.

وی آنگاه با اشاره به ضرورت تدوین قانون اساسی در کشور از برخورد دولت مردان، در رابطه با ارائه یک قانون اساسی موقت انتقاد کرده و نحوه‌ی تدوین و تهیه‌ی پیش نویس آن را غیر قانونی خواند و گفت: قانون اساسی فعلی یک چیزی مسخره است و آقایان آن را در پیشاور نوشته‌اند و با یک کمیسیون نمایشی آن را به تصویب رساندند و امروز می‌خواهند آن را به وسیله شورای اهل حل و عقد، به تصویب برسانند و این یک عمل غیر قانونی است.

وی پیشنهاد کرد، که قانون اساسی توسط تعدادی از صاحب نظران کشور تدوین و پس از بحث و بررسی و نقد توسط دانشمندان و حقوق دانان به آراء عمومی گذاشته و توسط مردم به تصویب برسد. استاد مزاری، در ادامه سخنانش پیرامون حقوق حقه‌ی زنان در امر تعیین سرنوشتشان، سخن گفته و برخورد کسانی را که می‌خواهند زنان را از عرصه‌های حیات اجتماعی، حذف کنند خلاف اسلام، دانست و گفت: اکنون پس از ۱۴ سال جهاد و مبارزه، مردم ما اجازه نخواهند داد که زنان ما از حقوق حقه‌شان محروم شوند.

وی در بخش دیگری از سخنانش، به مجاهدین توصیه کرد کسانی را که در رژیم‌های قبلی بوده‌اند و اکنون تسلیم شده‌اند تحت فشار و هجوم تبلیغات قرار ندهند و با شفقت و رحمت اسلامی، با آنان برخورد کنند و برخوردهای پیامبر(ص) اسلام را با کسانی که تسلیم شده‌اند در نظر بگیرند.

دبیر کل حزب وحدت اسلامی، در قسمتی دیگر از سخنانش، با تأیید بر ضرورت وحدت و یکپارچگی مردم، نسبت به حرکت‌های تفرقه انگیزانه در میان مردم، هشدار داد و گفت: پشتون‌ها برادر ما هستند و ما با هیچ قومی اختلاف نداریم و تنها در برابر کسانی که علیه ما تجاوز کنند به دفاع برمی خیزیم.

وی در قسمت دیگر از سخنانش گفت: موضع حزب وحدت اسلامی این است که می‌خواهیم با همه، برادرانه زندگی کنیم و حتی به سوی کسانی که قبلا با ما جنگیده‌اند و بعد از این نخواهند با ما بجنگند، دست برادری دراز می‌کنیم.

استاد مزاری، در ادامه‌ی سخنانش با اشاره به ایثار و فداکاری (های) مردم و حضور فعال آنان در صحنه‌های مبارزه، از آنان خواست که بااتحادیه‌ی تعاون اسلامی که برای رسیدگی به خانواده‌های شهداء و معلولین و مجاهدین تأسیس شده هماهنگی کرده و با رعایت عدالت و تناسب نیازها و نیروها در این راستا، همکاری نمایند.

وی در قسمت آخر سخنانش با اشاره به شهادت مجاهد شهید جنرال ابراهیمی از تلاش‌ها و فداکاری‌ها و مبارزات اسلامی وی تجلیل به عمل آورد.[1]

والسلام علی من اتبع الهدی

---

۱. اصل نوار سخنرانی در دسترس ما نبود.

حکایت روزهای درد

اعوذ باللّه السمیع العلیم، من الشیطان الرجیم، بسم اللّه الرحمن الرحیم، الحمدللّه رب العالمین و الصلاة و السلام علی محمد و آله الطاهرین و اما بعد قال اللّه الحکیم فی قرآن واجب التعظیم: فضل اللّه المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً.[1]

خداوند تبارک و تعالی در این آیه‌ی شریفه برای کسانی که جهاد کرده‌اند و قیام کرده‌اند در مقابل دشمنان اسلام، و آن کسانی که نشسته‌اند و قیام نکرده اند، برای قیام کنندگان اجر عظیم قائل شده است.

شما می‌دانید که هر توصیفی را اگر هر شخصی می‌کند با ظرفیت آن شخص در اجتماع حرفش همان قدر عظمت دارد، اگر یک کسی را بیاید یک آخوند محل تعریف کند برای آن محل مشخص است که این حرفی را که این آخوند گفته با دیگران فرق دارد، اگر بیاید این مسأله را یک آخوند شهر بگوید مسلماً ارزش همین یک حرف که از زبان دو نفر بیرون شده فرق دارد در اجتماع، چون از نگاه این که این دو تا فردی که یک کلمه را اداء کرده از نگاه مقام و موقعیت فرق دارند، اثر حرفشان هم در اجتماع فرق دارد. و اگر بیاید این مسأله را یک مرجع بگوید شما می‌بینید که چون عظمت و مقامش بالا می‌رود حرفش همان قدر در جهان اسلام اثرش بالا رفته، در صورتی که حرف با همان حرفی که ملاّی ده گفته هر دویش از نگاه تعریف و تمجید یکی است.

---

۱. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۹۵.

اگر بیاید این حرف را امام بگوید در جهان اسلام عظمتش بسیار بالا می‌رود، کسانی که اسلام را قبول کرده‌اند به عنوان یک تکلیف شرعی از این مسأله پیروی می‌کنند، اگر پیامبر گرامی اسلام(ص) بگوید، جهان اسلام اعم از شیعه و سنی روی این مسأله حساب باز می‌کند و از این اطاعت می‌کند.

اما اگر آمد این تعریف را برای مجاهدین؛ خالق کائنات و مخلوقات کرد، عظمتش مسلماً بالاتر از وصف، بالا می‌رود. لهذا شما مجاهدین عزیزی که در این جا جمع شدید و امروز، برای تجلیل از مقام شامخ جهاد و مبارزه‌ی شما این جلسه تشکیل داده شده است و در قبال‌تان تعریفی داریم که خداوند تبارک و تعالی قائل شده است. آن یک گشت[1] است که اجر داریم و یک گشت از زبان خالقتان اجر عظیم، بسیار این مقام، مقام والاست و بالاتر از تصور انسان‌ها است. این است که خداوند این مسأله را که برای بندگانش اجر قائل شده و فرق قائل شده، اختیار را برای شما گذاشته است که آیا مجاهد باشید که مصداق این آیه‌ی کریمه قرار بگیرید، یا نه؟ این دیگر بستگی به شما دارد.

حضور انور شما که عرض شود، امروز عزت، شرف و حیثیت مردم ما مسلماً در گرو دفاع جانانه‌ی شما بوده و امروز برای مردم ما روز بسیار عزت بخش و عزت آفرین است.

در این جا از موقعیت استفاده می‌کنم، چون فرصتی پیش نیامده بود که در مراسم تجلیل جشن هشت ثور از شما مجاهد مردان و نظامیان عزیز تشکر می‌کنم، این جا از فرصت استفاده می‌کنم از طرف مردم، از طرف شورای مرکزی و شورای نظارت حزب وحدت از شما تشکر می‌کنم که واقعاً این جشنی را که برقرار کردید برای دوستانتان شاد کننده بود و برای دشمنانتان ناراحت کننده؛ و بسیار برای مردم ما غرور آفریدید، برای مردم ما عزت آفریدید، با اینکه شما می‌دانید وارث مردمی هستید و وارث کسانی هستید که در تاریخ افغانستان از مقامات دولت گذشته رسماً مکتوب نوشته می‌شد که از مردم تشیع و از مردم هزاره در وزارت دفاع و حربی پوهنتون گرفته نشود؛ شما وارث یک همچنین تاریخ و یک همچنین محرومیتی هستید. ولی وقتی که بعد از پیروزی

---

١. یک گشت = یک دفعه.

انقلاب برای تجلیل از دومین سالگرد انقلاب، شما رژه‌ی نظامی می‌گذارید، به این ابهت و عظمت! این برای مردم ما بسیار غرور آفرین بود و من به نوبه‌ی خودم از تمام مسئولین نظامی و جزوتام‌ها تشکر می‌کنم و امیدوار هستم که شما برادران عزیز در سالگرد تأسیس حزب وحدت، از این کرده، باشکوه تر و باعظمت تر جشن سالگرد حزب وحدت را که برای مردم ما عزت و سرافرازی خلق کرده است برگزار بکنید و امروز که شما این عزت را برای مردم ما آفریدید، حافظ این عزت شما هستید باید شما امروز که مسأله‌ی ترفیعات نظامی مطرح است، درست است که در ظاهر این مسأله، یک رسم و افتخاری برای نظامیان است و تمام جنرال‌ها رتبه‌ی نظامی می‌گیرند، ولی در حقیقت بار مسئولیت، حفظ شرف و آبروی این ملت برای آینده به شما سپرده شده است و این پای سنگ اردوی منظمی است که امروز حزب وحدت به شما اعطاء می‌کند و این افتخار و این بار مسئولیت را به شما می‌سپارد، لهذا شما وارث مردمی هستید که تا زمان ظاهر، حتی زمان داود در تمام مردم هزاره جات یک جنرال داشت و او «احمد علی خان بابه» بود، که تورن جنرال بود.

هزاره، لیاقت و شایستگی

برای کل مردم تشیع و مردم هزاره این تکیه‌ی قلبشان و تکیه‌ی کلامشان در هر مجلس بود، که از هزاره جات هم یک جنرال هست، در صورتی که «محمد عیسی خان» از «نورستان» از کاتبی تولی تا ستر جنرالی را به عهده گرفته بود؛ اما سابقاً رسم بود کسانی که در وظیفه‌ی مسلکیشان خوب عمل می‌کردند و دقیق بودند، این‌ها را در اردو استخدام می‌کرد. لهذا محمد عیسی خان تا ستر جنرالی پیش رفت و چهار چوکی را کار می‌کرد، ولی ما شاهد این مسأله بودیم، که از قوم هزاره در گردیز (فردی) از اوّل که در عسکری آمده بود مسلکش توپچی بود و این، آن چنان ماهر بود در مسأله‌ی توپچی که در قوای ۳ پکتیا اطلاع داده بود، در روز تطبیقات، که توپچی‌ها بدون معاینه‌ی این نفر نمی‌توانستند فیر کنند و تطبیقات را انجام بدهند، و این آدم پیر شده بود دک ـ دک (لرزه) می‌کرد لِمرَی برید من بود و عجیبش هم این جا بود که رئیس ارکان قول اردوی نمبر ۳، ارکان حرب بود. ظاهراً از آلمان شرق این مرد تحصیلش را گرفته بود، برید جنرال بود آن چنان غرور علمی داشت که در قول اردوی نمبر ۳ به هیچ

کسی اعتنا نمی‌کرد و مسلکش هم مسئول توپچی آنجا بود، در روز تطبیقات پیش از این که همین هزاره‌ی لمری برید من بیاید در آنجا، این آمده بود در میدان تطبیقات چون دستور اردو بود که باید این معاینه را همین هزاره‌ی که از عسکری آمده و به لمری بریدمنی رسیده و پیر شده، این باید انجام بدهد، نشان را بسته کرده بود، امر داده بود که تطبیقات انجام شود. چون قانون عسکری (و) نظامی بود، این ارکان حرب هم نتوانست امر تطبیقات بدهد، این هزاره وقتی که آمد در آنجا برای معاینه، بعد گفته بود که اشتباه بسته کردی؛ بسیار به دماغ این نفربر خورده بود توهین هم کرده بود که تو هزاره ای! چطور، من که ارکان حرب را خوانده ام و امروز مسئولیت توپچی قول اردو را دارم، تو به من می‌گویی که اشتباه است؟ بعد این (هزاره) گفته بود که تو از صلاحیتت کار بگیر همین را تو انداخت بکن، من که می‌گویم تو اشتباه کردی ولی در مرحله‌ی دوم من بسته می‌کنم و می‌زنم نشان را، بعد ببین! وقتی که همین مسأله را رئیس ارکان انجام داد، خطا کرد. تمام صاحب منصبان قوای ۳ جمع بودند همین هزارگی، همین پیرمرد وقتی که نشان را دوباره بسته کرد، هدف را زد.

لیاقت و استعداد، این چنین بود، ولی این یک عمر را لمری بریدمن بود و محمد عیسی خان از کاتبی تولی رفته بود ستر جنرال شده بود چهار چوکی را کار می‌کرد در آنجا، هم قومندان قول اردو بود هم والی بود و هم پروژه ی...[1] ریاستش را به عهده داشت این نفر، شاید امروز اگر هشتاد هزار افغانی آن روز را حساب کنیم هشتاد میلیون امروز است. این استعدادها را گذشته‌های شما هم داشتند ولی شما با این ملت محرومی که این طور تاریخ دارد امروز می‌اید حزب وحدت ۱۲۰ نفر جنرال را ترفیع می‌دهد، این عزت و این غرور و این هویت مال فداکاری شماست، حافظ آینده‌اش هم شما هستید.

لهذا ما همین جا صحبت‌ها را قطع می‌کنیم و بیشتر از این وقت شما عزیزان را نمی‌گیرم، ولی این مسأله را برای شما می‌گویم، که در یک مردم، در یک مملکت، در یک کشور، وحدت ملّی‌اش روی اردو و نظامیانش است. شما باید این مسأله را دقت بکنید. و این پایه گذاری یک اردوی منظم است که امروز حزب وحدت تهداب گذاری

---

۱. این کلمه مفهوم نبود.

می‌کند و برای شما می‌سپارد. برای این که در آینده‌ی افغانستان اگر اردویی ساخته شود مسأله‌ی عمده‌اش باز هم، این جنبش است که خودش اردو ساخته و تسلیحات دارد، حزب اسلامی اردو ساخته و تسلیحات دارد، جمعیت اسلامی اردو ساخته و از خودش تسلیحات دارد و حزب وحدت هم طبق شرایط افغانستان این مسئولیت را قبول کرد و تهداب این مسأله را امروز می‌گذارد و امیدوار هستم که در آینده‌ی اردوی اسلامی افغانستان، (اردوی) حزب وحدت یک رکن اعظم و از تصمیم گیرانش باشد، این بستگی به عملکرد شما دارد. و مسأله‌ی را که می‌خواستم تذکر بدهم اینست، یک مقدار که کمیسیون محترم زحمت کشیده است ـ سه هفته ـ من از زحمت آن‌ها تشکر می‌کنم، مشخص کرده که امروز ترفیعات در این جا داده شود و یک مقدار در جزوتام‌های فرقه‌ها و لواء و این ها، باید در هر فرقه جلسه‌ی برگزار شود، مسئول اپراتیفی حزب، جناب آقای هاشمی با قومندان آن جزوتام به نوبت ترفیعات باقی نظامیان را در آن بخش توزیع می‌کند که بعد منظم کردنش را، خود اپراتیفی به عهده‌اش است. ما در این جا صحبت‌ها را قطع می‌کنیم یک بار دیگر از شما عزیزان تشکر می‌کنم و از کسانی که زحمت کشیده و جلسه را برقرار کرده، کمیسیون محترم، که یک هفته است مداوم شب و روز کار کرده، این ترفیعات را کارتهایش را آماده کرده تشکر می‌کنم.[۱]

والسلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته

۱. سخنرانی رهبر شهید (ره) در مراسم اعطاء رتبه به جنرالان حزب وحدت اسلامی افغانستان.

گزارشی از سخنرانی استاد مزاری به مناسبت تجلیل از سالروز رحلت پیامبر اسلام(ص) و شهادت امام حسن مجتبی(ع) در غرب کابل[1]

مراسم بزرگداشت و تجلیل از سالروز رحلت پیامبر اسلام(ص) و دومین امام بر حق شیعیان جهان حضرت امام حسن مجتبی(ع) با حضور هزاران تن از پیروان آن حضرت و مسئولین سیاسی ـ نظامی حزب وحدت اسلامی افغانستان، بعد از ظهر روز سه شنبه ۱۳۷۲/۵/۲۶ در مدرسه مهدیه دشت آزادگان باشکوه فراوان برگزار شد.

به گزارش خبرنگار وحدت اسلامی، در این مراسم که استاد مزاری، آیت اللّه عالمی بلخابی، آیت اللّه صادقی پروانی، استاد اکبری، اعضای هیأت شورای مرکزی، قومندان گروپ اپراتیفی، قومندانان فرقه‌های ۹۵ ـ ۹۶ ـ ۹۷ حزب وحدت اسلامی و نمایندگان جنبش ملی ـ اسلامی شرکت داشتند، نخست آیاتی از کلام اللّه مجید قرائت گردید و گروه سرود شهید عطایی قطعه سرودی را اجرا کردند و مقاله‌ی توسط یکی از خواهران قرائت شد.

سپس استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان به ایراد سخن پرداخته و رحلت جانگداز خاتم پیامبران و شهادت حضرت امام حسن مجتبی(ع) را به پیشگاه بقیة اللّه الاعظم، حضرت امام زمان(عج) و خانواده‌های شهداء و امت انقلابی تسلیت

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره ۱۱۳، پنجشنبه ۱۳۷۲ش.

گفت. استاد مزاری ضمن تجلیل و بررسی وضعیت مردم جزیرة العرب در زمان بعثت پیامبر اسلام گفت: شما اگر به تاریخ ملیت‌های گذشته از صدر خلقت جامعه انسانی (تاکنون دقت کنید و آن را) در نظر بگیرید، خواهید دید که چه در عصر تمدن، فرهنگ و عظمت آن جامعه و یا در هنگام انحطاط و از بین رفتن آن جامعه تمام، بستگی به افراد و اعمال آن جامعه دارد.

(حالا) شما اگر تاریخ صد ساله‌ای افغانستان را بررسی کنید باز هم می‌بینید که در آن زمان یک عسکر اگر در منطقه‌ی شما و هزاره جات می‌آمد از ترس نمی‌توانستید جواب بگویید و از خود دفاع کنید؛ نعوذ باللّه در آن زمان خدا نبود که بود. مگر شما هزاره نبودید؟ بودید. شیعه نبودید که بودید. اما در این یک سال گذشته، ده جنگ بر شما تحمیل شد و سربلند و پیروز بیرون آمدید، علت چیست؟ مگر غیر از این است که شما تصمیم گرفتید، زیر بار ظلم نروید و ذلت را نپذیرید.

سپس استاد مزاری با بیان این مطلب که وضعیت پیش آمده‌ی کشور یک وضعیت متزلزل و غیر ثابت است اظهار داشت: در جنگ‌های اخیر کابل که شدیدترین جنگ‌ها بود از نظامی و غیر نظامی ما یک هزار نفر زخمی داشتیم، اما در طی دو دوره آتش بس، چهار هزار نفر زخمی داشتیم. لهذا شما مردم، باید بیدار باشید و توطئه‌ی دشمنان را خنثی نمایید.

استاد مزاری با دادن این مژده به مردم که از امروز شورای مرکزی از بامیان به کابل منتقل شده افزود: مسئولین حزب وحدت اسلامی با شما مردم تعهد سپرده که به نفع و صلاح شما مردم کار کنند و با هیچ جریانی، دشمنی نداریم (ولی) ما قبلا تعهد داده‌ایم که از اهداف شما دفاع کنیم و به یاری خداوند، دست هر خیانتکاری را گرفته در بین این مردم رسوا می‌کنیم.

استاد مزاری، در اخیر یادآور شد: برادران و خواهران نباید از صلح و آتش بس ایجاد شده اغفال شوند، مواظب باشید چون توطئه‌ی دشمنان هیچ وقت تمام شدنی

نیست.[۱]

۱. اصل نوار سخنرانی در دسترس ما نبود.

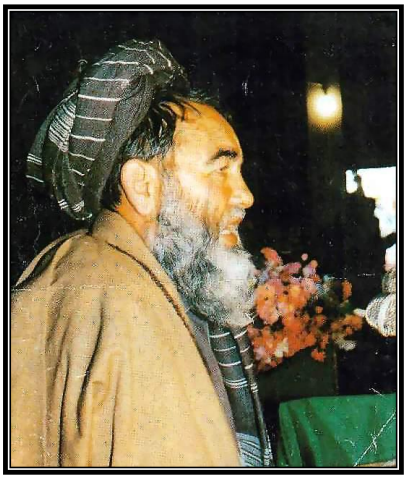

ما اگر خود را اصلاح کنیم، خداوند ما را یاری خواهد کرد

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

قال اللّه الکریم فی قرآن واجب التعظیم: ان تنصر اللّه ینصرکم و یثبت اقدامکم.[1]

خداوند تبارک و تعالی در این آیه شریفه، بندگانش را دعوت می‌کند به این که اگر شما خدا را یاری کردید خدا شما را یاری می‌کند.

مسلماً برای یک ملت آن چه که تاریخ بشریت شاهد آن است، خداوند تبارک و تعالی، این داستان‌های بشریت را به شکل قصص القرآن، برای بندگانش بیان کرده که علت سقوط یک ملت و علت پیروزی یک ملت روی مسأله‌ی اخلاق و پایداری‌اش است. یک ملت وقتی سقوط می‌کند که از نگاه اخلاقی فاسد شده باشد. یک ملت وقتی پیروز می‌شود که اخلاق انسانی و خدایی را برای خودشان خلق بکند. لهذا، در این چهار جنگی که با (عبدالرسول) سیاف گذشت، شما مردم واقعاً در صحنه بودید و خودتان این جنگ‌ها را پیش بردید و خدا شما را یاری کرد و پیروز شدید و سیاف را از کابل (بیرون) کشیدید در پغمان.

متأسفانه یا برای مردم ما غرور پیش آمده بود و یا همین بچه‌های که سلاح به دوششان بود، فاسد شده بودند و آن سنت لایتغیر الهی است که سقوط یک ملت با

---

۱. سوره‌ی محمد، آیه‌ی ۷.

فساد اخلاق است، که متأسفانه دامنگیر مردم و بچه‌های ما شده بود. و لهذا، در این جا مسأله‌ی افشار پیش آمد و دشمن تهاجم وسیع انجام داد. در بین قوماندان‌ها رخنه کرده بود، پول توضیح کرده بود و این شکست پیش آمد. (البته) این مهم نیست آدم در جنگ یک روز شکست می‌خورد و روز دیگر پیروز می‌شود. مهم اراده‌ی یک ملت است، مصمم بودن یک ملت نسبت به سرنوشتشان است. اگر شما مردم مصمم هستید برای این که دفاع بکنید، من مطمئن هستم که این وعده‌ی الهی تحقق پیدا می‌کند و خدا شما را ثابت قدم (داشته) و یاری می‌کند. اگر خدای نخواسته این ذلت دامنگیر ملت ما شده باشد که تصمیم و اراده‌شان را از دست داده باشد، این تباهی است.

برای اصلاح فرزندانتان و کسانی که سلاح به دوش داشته اند، اقدام کنید. (چون مردم ما) نه از نگاه سلاح بیشتر سیاف و مسعود ملعون شکست خورده و نه از نگاه این که آن‌ها نیروی نظامی بیشتر داشته است. فقط چیزی که دامنگیر ما در این جا شد، این فساد اخلاق و بد رفتاری بود. و این یک سنت الهی است که اگر خدای نخواسته، کسی حاضر می‌شود به ناموس کسی تجاوز کند، منتظر این باشد که به ناموسشان تجاوز می‌شود. اگر مال کسی را می‌خورد منتظر این باشد که مالشان را کسی می‌خورد. بچه‌های ما، یک مقدار فاسد شده و بد رفتاری کرده بودند. ولی در افشار، بد رفتار شد، هیچ شیعه‌ای نمی‌تواند وضعیتی را که افشار پیش آمده تحمل بکند و بشنود. این شیعه است و هزاره است اگر یک مردی در بین هزاره مانده باشد، باید این مسأله را جبران بکند. و این شما هستید، که امروز این‌ها تصمیم دارند که عین مسأله را در دشت برچی هم به هم به وجود بیاورند از این جا هم حمله کنند و شما باید مصمم باشید، راهی غیر از دفاع که یک وظیفه شرعی و اسلامی و انسانی است دیگر مردم ما ندارد. من مطمئن هستم که اگر ما خود را اصلاح کنیم و به فساد نرویم و (اگر) بچه‌های ما دزدی کرده می‌آورد خوشحال نشویم و ناراحت بشویم خدا هیچ وقت لطفش کم نیست و دست از حمایت ما برنمی دارد. ما مظلومان تاریخ بودیم، ما نمی‌خواستیم بر کسی ظلم کنیم. ما می‌خواستیم از زیر بار ظلم بیرون برویم. متأسفانه یکسری ظلمی

شد و این دامنگیر مردم شیعه شد.

هزاره باید مرد باشد

الآن هم وقت است، من نمی‌گویم آن‌ها (طرف متجاوز) آدم‌های خوب است آن‌ها خیلی آدم‌های بدی است، دشمن شیعه و دشمن هزاره است. در هر جا که بیاید هزاره بازخواست می‌کند، زن هزاره بازخواست می‌کند، ولی این هزاره باید مرد باشد و از حیثیت و ناموس خود دفاع کند و جلو این بچه‌های را که هستند باید گرفت و اصلاحشان کرد.

ما از نیروهای مسلح حزب وحدت، ۸۰۰۰ نفر را اعاشه و اباته می‌کنیم، اگر امروز یک هزار نفر در اختیار ما باشد که بجنگد و مصمم باشد، من این را برای شما اطمینان می‌دهم ـ به حول و قوه الهی ـ ما این شکست را جبران می‌کنیم و پغمان را هم می‌گیریم به شرط که این هزار نفر در اختیار من باشد.

شما بروید، به این بچه‌ها بگویید، اگر اصلاح نمی‌شوند سلاحشان را بگیرید و به کسی دیگر بدهید. جهاد و دفاع واجب است فرق نمی‌کند پیر باشد یا جوان، اگر سلاح به خانه‌تان دارید، بیرون بکشید و اگر ندارید از همسایه‌ها بگیرید. ما در این جا که آمدیم در ظرف ۸ ماه ۸ تا جنگ را که تیر کردیم، ملت ما یک میل سلاح در اختیار ما نگذاشت که ما یک نفر را مسلح بکنیم. می‌دانستیم که بعضی خانه‌ها ۱۵ میل سلاح و بعضی خانه‌ها ۱۰ میل سلاح، بعضی هم ۵ میل سلاح داشتند. نمونه‌اش افشار است. از افشار صندوق‌های بسته‌ی سلاح بیرون شد و دشمن برد. نگذاشتند در اختیار ما که از ننگ و ناموسشان دفاع بکنیم. ولی الآن هم دیر نشده است. می‌گویند ضرر را هر وقت جلوش را بگیرید نفع است. در مسجدها بسیج شوید، بچه‌های جوانتان را ثبت نام بکنید، لیست سلاحتان را بگیرید، مصمم باشید که دفاع بکنید چاره‌ی غیر از این نیست. اگر یک عده تبلیغ می‌کند در بین شما که اگر این‌ها جنگ طلبی نکند، دولت جنگ نمی‌کند این دروغ است. ما در چهار جنگ دیگر هم جنگ طلب نبودیم چرا جنگیدند؟ آتش بس را هم قبول کردیم چرا جنگ کردند؟ این‌ها دشمن شیعه است و پول

آورده‌اند برای این که شیعه را نابود کنند.

من این را برای شما اطمینان می‌دهم که مراد از یاری خدا در این آیه شریفه، یاری دین خدا است. مسلماً این وضع فجیعی که به وجود آمده یاری لازم دارد. اگر شما دین خدا را یاری کنید خدا نیز شما را یاری می‌کند و قدم‌های شما را ثابت نگه می‌دارد.

این مسأله‌ای است که من معتقدم که اگر یک نفر شیعه و یک نفر هزاره زنده بماند این ننگ را نمی‌تواند قبول کند که این‌ها سر افشار به وجود آورده است، و این دیگر جای این نیست که من برای شما تشریح بکنم تاب شنیدنش را هم خودم ندارم چه رسد که برای شما بیان کنم. و این مسأله‌ای است که در این جا مسأله‌ی مرگ و زندگی مطرح است یا زندگی ذلت بار یا مرگ با افتخار. (تکبیر حضار).

مرگ شرافتمندانه

من معتقدم که شما مردم، مرگ با افتخار را اختیار می‌کنید از زندگی ذلت بار، و مصمم هستید که از خودتان دفاع بکنید. و این بچه‌های که فاسد شده نمی‌خواهند بجنگند و لو از هر کسی باشد، شما جلوش را بگیرید و آن که به ناموس و مال مردم تجاوز می‌کند، جلوش را شما بگیرید، اگر نگیرید، خدای نخواسته تجاوزهای دیگر نیز صورت می‌گیرد. این سنت الهی است و ائمه اطهار(ع) عین این مسأله و این خطابه را دارند. اگر کسی طرف زن دیگری سیل (نگاه) بکند نتیجه و برگشتش این است (که طرف مقابل یا یک ناکسی دیگری عین عمل را در حق زن و ناموس خود او تکرار کند).

ما از اینکه شما احساس نشان می‌دهید، دلگرم می‌شویم و خدمت برادران که از برچی آمده بودند عرض کردیم، که بروید به مسجدها جمع شوید لیست گیری بکنید، پیر و جوان، امروز فقط شیعه و مردم هزاره یک فداکاری می‌خواهد، این قدر که ما در راه این طرف و آن طرف تلف شدیم، دو صد نفر فداکار و داوطلب بیاییم مردم افشار را نجات بدهیم. (تکبیر حضار).

اما متأسفانه این غیرت در نیروهای مسلح نمانده است. من از دشمن و از فجایع

دشمن زیاد رنج نمی‌برم، دشمن دشمن است. از دشمن انتظاری غیر از بدی نیست. اما آن رنجی که من امروز می‌برم این است که امروز چرا مردم ما این قدر مسلحش بی غیرت شده که به ناموسش تجاوز می‌شود؟ این برای من بسیار سخت است، قابل تحمل نیست. (گریه و تأثر شدید حضار) هزاره‌ای که از این جا تا قندهار مردم از او چشم می‌زدند، امروز در بیخ گوشش در افشار تجاوز می‌شود. این برای من بسیار مشکل است. باورم نمی‌آید، در زندگی خود (ببینم که) به زن و پیر و جوان هزاره تجاوز شده ولی این جا صدها جوان باشد. تقاضا می‌کنم که تنها راه این است که باید به حیث دفاعی و فداکاری، زن و مرد هر چه هستید، به صحنه بیایید و آن وقتی که ما بابیل و کلنگ جلو ارتش سرخ روسیه را گرفتیم، امروز چیزی نیست ولی این فقط اراده و تصمیم می‌خواهد.

من خیلی خوشبخت و راضی بودم که کشته می‌شدم، ولی این حرف را نمی‌شنیدم، برای من بسیار ناگوار است چرا؟ برای این که در این مدت حرف شما مردم را من می‌زدم و من می‌گفتم از طرف شما، ولی این ذلت را نمی‌توانم تحمل بکنم و نمی‌توانم بگویم و حتی بشنوم، وضعیتی که در افشار پیش آمده نمی‌توانم بشنوم من تعجب می‌کنم شما پیرو علی(ع) هستید، علی که خلخال زن یهودی را وقتی لشکر معاویه آمده بوده ازش برده بودند، علی(ع) صدا زد که هر مسلمان و انسانی که بشنود و از غصه بمیرد در این مسأله حق دارد. شما پیروی علی(ع) هستید و آن وقت چطور می‌شود که این جا گوش کنید و ببینید که از افشار مظلوم بیاید و بگوید که به ناموس ما تجاوز شده و خانه‌ی ما را بردند، بچه‌ی ما را بردند ولی بعد این جا زنده بمانید. این شرط شیعه بودن نیست. این شرط هزاره بودن نیست.

من هیچ انتظار نمی‌کشیدم که شما هم چون مردمی باشید، و گوش ندهید. اینست که الآن هم برای شما می‌گویم، بروید نفرهای مسلحتان را جمع بکنید و بیاورید، دم[1] این نفرها برای آزاد کردن افشار و نجات مردم، من خودم می‌روم، هیچ باک ندارم

---

۱. دم = پیشروی.

برایم افتخار است که در این جا کشته شوم و بتوانم افشار را از این وضعیت نجات بدهم، و این برای ما عزّت است. و از این که من این جا بنشینم و گزارش را یک بچه‌ی جوان هزاره بیاورد و سلاح هم بر دوشش باشد، به من بدهد که به ناموس شیعه و هزاره تجاوز می‌شود، این برای من مرگ است. این را نمی‌توانم تحمل بکنم و کشته شدن افتخار است و از این جهت است که شما یک راه دارید که یا این ذلت را قبول کنید که امروز سر افشار انجام شده و فردا هم سر شما تکرار می‌شود و یا اینکه بروید مرگ شرافتمندانه را انتخاب بکنید و مردم افشار را نجات بدهید. نجات این مردم هم، با گرفتن قرغه و پغمان است. ما وقتی در آنجا هماهنگ کردیم که شما بروید کوه چهل دختران را بگیرید که از آنجا دیگر شما را ضربه زده نتواند. متأسفانه یک تعداد مردمی که دورنگر نبودند نگذاشتد، بچه‌های ما را که بروند این کوه را بگیرند. در عوض به ما نامه نوشتند که اگر این جا جنگ شود بالای مان سکر (موشک) می‌آید. آن روز جنگ نکردید، ولی امروز سکر نمی‌اید بالای شما؟ گفتم بروید کوه تلویزیون را بگیرید این برای حفاظت شما خوب است، متأسفانه کار شکنی شد و نگذاشتند و این مصیبت سر افشار پیش آمد.

حالا هم اگر تکان نخورید و حمایت نکنید، اگر در سنگر حضور پیدا نکنید، من این را برای شما به عنوان یک اتمام حجّت هم که شده است می‌گویم، که این وهابی ها، به دشت برچی هم حمله می‌کنند هیچ چاره‌ی غیر از دفاع نیست. شما پیرو امام حسین(ع) هستید که مردن را در زیر لحاف ننگ و ذلت می‌داند، ولی چه عرض کنم؟ شیعه علی(ع) و هزاره‌ها که در زمان حکومت معاویه حاضر نشد علی(ع) را سب بکند، از این جا برای معاویه در شام پول می‌فرستاد تا سب علی(ع) را قبول نکد. ولی امروز چطور می‌شود که بر شیعه علی(ع) (در افغانستان) این همه ظلم می‌شود؟ ولی دیگرانشان هیچ توجه ندارند. این برای ما خیلی ناگوار است. مگر این که بگوییم در شیعه بودن ما و هزاره بودن ما شک است. وگرنه شیعه و هزاره این وضعیت را نمی‌تواند تحمل بکند.

من بیشتر از این صحبت نمی‌کنم از این که شما احساس نشان دادید و آمدید این

جا، من دلگرم می‌شوم که شما مصمم هستید و از حیثیتتان دفاع می‌کنید. ولی این بچه‌های مسلح‌تان خراب شده و این ظلمی که این جا آمده است از ناحیه‌ی این هاست. فعلا نمی‌گویم، چیزی صلاح نیست. ولی یک روزی اگر این خطر دفع شد، آن روز می‌گویم که این‌ها چه خیانت کردند به شیعه، این‌ها چه رسوایی‌های را راه انداختند که این مسأله دامن شیعه را گرفت.

من بیشتر از این مزاحم وقتتان نمی‌شوم، باز یکبار دیگر از طرف حزب وحدت، شورای تصمیم گیری و شورای نظارت تشکر می‌کنم از شما مردم که با احساس بیداریی که در شما می‌بینم و امیدوارم که این به عمل بدل شود و این ظلمی که درباره‌ی افشار شده، انتقامش را از دشمنان اسلام بگیریم.[۱]

والسلام

۱. سخنرانی رهبر شهید استاد مزاری بعد از قضیه‌ی افشار در کابل.

تحمیل جنگ‌های ناخواسته علیه حزب وحدت

[1]... دومش، ما چه رفتار می‌کردیم برای برادران و برادران با ما چه برخورد می‌کرد؟! خوب آیا این پاکستانی‌ها گفت، سعودی‌ها گفت، آیا برای آقای ربانی، برای رهبران محترم صلاح بود که با یک ملت به همین شکل برخورد بکند و بگوید که نه؟

فرق نمی‌کند، یک آقای گفته (است) که من اصلا قبول نمی‌کنم! یکی دیگر هم آمده به این شکل، باز ما هیچی نگفتیم. وقتی که آمدند در این جا، این دولت دو ماهه که به وجود آمد...، برای این دولت که آقای مسعود آمد در کنار خیر خانه ایستاده شد که اگر آقای صبغت اللّه اجازه بدهد من وارد می‌شوم و اگر اجازه ندهد نه! این را رادیوها منعکس کردند، یعنی این دولت آقای صبغت اللّه است و این هم دولت آقای مسعود.

ما از مزار، بچه‌های ما در وزارت داخله، شهید دادند و وزارت داخله را بچه‌های مزار ما گرفتند. آیا اگر ما برای حق خود می‌جنگیدیم نمی‌توانستیم صبغت اللّه را منع کنیم که بیا وارد نشو؟ این نیروی که در اختیار خود داریم، آن روز نداشتیم؟ بلکه ما از این حکومتی که هیچ نامی از ما در آن نبود و هیچ شریک نبودیم ـ گفتند حرفش را بعداً می‌زنیم ـ دفاع نکردیم؟ ما کشته ندادیم در وزارت داخله؟ بعد هم آمدیم مذاکره کردیم با آقای صبغت اللّه که خوب حالا ما به این دولت تو شریک هم می‌شویم، توافق کردیم، از رادیو اعلام نشده بود که آقای سیاف سر ما حمله کرد، جنگ اوّل

---

۱. قسمت‌های نخستین این بیانات از ضبط مانده است.

پیش آمد. اگر ما حقی می‌خواستیم که از صبغت اللّه می‌خواستیم، رئیس جمهور او بود، آقای سیاف نبود که از او ما حق خواسته باشیم. این جرم ملت ما بود؟!

خواسته‌ی ملیت‌های ازبک، هزاره و ترکمن

خوب این جنگ تمام شد، این را علام کردیم. اما در این جا توافق ما با صبغت اللّه کی اعلان شد؟ ملت هزاره، ملت ازبک و ملت ترکمن سمت شمال آمده با آقای صبغت اللّه توافق کرده بودند، آیا این‌ها نصف مردم افغانستان نیستند؟ ثلثش هم قبول ندارید؟ این مسأله در این جا توافق شده بود، این آقای مسعود که آمده بود در کنار خیر خانه ایستاد می‌شد، می‌گفت که اگر صبغت اللّه اجازه بدهد من وارد می‌شوم و اگر اجازه ندهد من وارد نمی‌شوم، این توافق نامه را چرا از رادیو اعلام نکرد؟ آقای مسعود برای چه جلوش را گرفت؟ آیا این به حساب ملت ما فکر می‌کرد و این خواسته‌ی ملت ما نبود؟ خواسته ملت ازبک نبود؟ خواسته ملت ترکمن نبود؟ ما که می‌گوییم، از نصف افغانستان، ما با ازبک و ترکمن بالا بودیم این جا آمده بودیم، آیا این (توافق) مال ملت نبود و نیاز نداشت که از رادیواش اعلان شود؟ آن هم در حکومت چند ماهه! باز بیاییم همین طور به سادگی محکوم کنیم که ۲۵۰ سال این‌ها (پشتون ها) ظلم کرده و انحصار طلب بوده؟ که در یک ماه روی آن ۲۵۰ سال را هم شستید!!

آیا این چه بوده؟ قبول نداشتی که نداشتی! ولی مال ملت بوده، اگر آقای چکری ساکش را گرفته در طیاره می‌رود، بالا می‌شود و پایین می‌شود. این را به ملت افغانستان نشان می‌دهید فیلمش را که آقای چکری ساکش را در دست گرفته رفته بالا شده! ولی توافق جنبش شمال و حزب وحدت را لازم نیست که از رادیوی افغانستان پخش شود؟! بعد باید علیه آن موضع بگیری از زبان کی؟ از زبان احمد زی، آقای سیاف که جنگ را بر ما تحمیل کرده، بعد هم از زبان او موضع گرفته شود که این توافقنامه قانونی نیست، چون در داخل افغانستان، در کابل امضاء شده! اگر در پاکستان امضاء می‌شد همه چیز بود! هم قانونی بود، هم مردمی بود، همه چیز بود، ولی چون در کابل امضاء شده این توافق نامه باید از رادیو کابل پخش نشود، بعد هم بگویید که قانونی نیست!

حضور انور شما عرض شود که جنگ دوم شروع شد، جنگ دوم در وقتی است که آقای ربانی روی کار آمد و همین نوراللّه عماد را فرستادند که با ما مذاکره بکند. ما بلافاصله هیأت خود را تعیین کردیم که برود مذاکره بکند و در همین جا که هیأت ما مذاکره می‌کرد در وقت مذاکره‌اش جنگ دوم را شروع کردند. در جنگ دوم آقای مسعود با ۳۰۰ نفر قندهاری در دهبوری به حمایت آقای سیاف با ما جنگید. ما به روی خود نیاوردیم از خاطر این تاریخ مشترک، محرومیت مشترک که بگوییم مسعود هم جنگید و این جنگ پیش آمد، بعد از این جنگ، خواستند که در قرغه بنشینیم ما رفتیم نشستیم. در روز دوم جنگ من اعلامیه آتش بس را یک طرفه امضاء کردم و آقای سیاف امضاء نکرده، آورده من یک طرفه امضاء کردم، نشستیم.

تار و مار شدن مهاجرین در راه برگشت به وطن

بعد از این جنگ ۳۰۰۰ مهاجر ما بعد از ۱۴ سال مهاجرت از ایران حرکت کرده که کابل آزاد شده می‌رویم دیدن کابل و دیدن اقوام؛ بین هلمند و قندهار ۳۰۰۰ نفر تار و مار می‌شود، ما از جناب آقای ربانی بحیث رئیس جمهور خواستیم که یکی دو تا هلیکوپتر بدهند یک هیأت از احزاب بروند، که همین‌ها را به چه جرمی کشتند؟

این رئیس جمهور است؟ این از ملیت‌های محروم است! این امتیاز را که من برای خود می‌خواستم، گفتم مال آقای ربانی! باشد چون ما فرهنگ مشترک داریم، محرومیت مشترک داریم، ملت مستضعف هستیم، روی این معیار، هیأت تعیین شد آقای ربانی دو تا هلیکوپتر را ندادند، تا امروز هم نمی‌دانیم که این ۳۰۰۰ نفر ما در کجا کشته شد و برای چه هم کشته شد. شما و خدا! ۳۰۰۰ گوسفند مردم در یکجا گم شود این را در سطح بین المللی پخش نمی‌کند؟ این را نمی‌گویند؟

ما مگر انسان نیستیم، جزء افغانستان نیستیم؟ پس چی هستیم؟ همان جواب را که در پیش شما مردم تهیه کرده بیاورد و برای ما بگویید.

آیا این اموال بیت المال، این هلیکوپتر را از کجا تهیه کرده آقای مسعود و آقای ربانی، مگر از خون ما مردم نیست؟ مگر ما جوالی کشی کرده مالیات ندادیم؟ مگر آبله‌های دست ما نبوده؟ این چیه؟!

این مسأله پیش آمد که نشد، جنگ سوم پیش آمد که جنگ سوم ملحق شد به

جنگ حزب اسلامی، باز جنگ سوم پنج روز طول کشید، ما روز دومش آتش بس را امضاء کردیم، روز دوم جنگ سوم، آتش بس را امضاء کردیم. تا جنگ حزب اسلامی شروع نشد، آقای مسعود نیامد و کسی را نفرستاد که ما این جنگ را آتش بس کنیم. جنگ حزب اسلامی که شروع شد جنرال مجید را با تعدادی از نیروهای سمت شمال پیش من فرستاد که این جنگ را به هر قیمت می‌شود خاموش بکنید. گفتم من روز دوم آتش بس را امضاء کرده ام، حالا وضعیت خطرناک است، خاموش شد.

این جنگ آقای حکمتیار ۲۱ روز طول کشید. این را برای شما مردم می‌گویم و این را هم می‌خواستم که یک روز برای شما مردم شمالی و برادران تاجیک برابر شوم و این اتمام حجت را برای شما بکنم که ما در وقت شدت جنگ آقای حکمتیار، که آقای ربانی در ارک نشسته نمی‌توانست از شدت سکر، ۴ نفر هیأت تعیین کردیم و در دولت هم شریک نبودیم. یعنی ما به دولت هم عضویت نداشتیم، ما رفتیم در آنجا نفر فرستادیم که ما ملیت‌های محروم هستیم، جنبش ملی ـ اسلامی سمت شمال هم از خاطری که نماینده ازبک و ترکمن هست، ما این‌ها را برایش ارزش قائل هستیم و بعد هم دین‌اش را ادا کرده اند، این‌ها اگر این حرکت را انجام نمی‌دادند تنها (خود یک) حکومت بی طرف بودند و کسی دیگر این جا نبود، بیا ما هر دو به تصمیم گیری شریک باشیم ما را به دولت شرکت بده، آنچه که حق ماست. ما حاضرین کنار تو بجنگیم.

اتمام حجت به مردم تاجیک

این را برای شما مردم شمالی و مردم تاجیک می‌گویم که اتمام حجتی باشد، که ما چقدر گرویده‌ی این محرومیت و این تاریخ مشترک بودیم آقای ربانی... پیش (ما) آقای مسعود خلیلی را فرستاد گفت: من این‌ها را (ازبک و ترکمن را) اصلا به عنوان جنبش قبول ندارم، من و آقای مسعود یک اخوانی هستیم.

من هیچ وقت نه شیعه گفتم نه سنی، نه بعد از این هم می‌گویم، چون شیعه، سنی و این مسائل بازی است، این بازی قدرت هاست، والا در این ۳۰۰ سال هم شیعه بوده و هم سنی، در این جا زندگی کرده. حالا چرا در تقسیم قدرت مردم، شیعه و سنی را مطرح می‌کنند؟ این‌ها بازی است.

البته من نمی‌گویم این‌ها را، ولی آقای مسعود گفت که من یک سنی ام. یعنی

نتیجه‌اش چه؟ که من تویی شیعه را نمی‌توانم تحمل کنم این جا ما ماندیم، شوخی هم نبود، حالا من با حزب اسلامی و دوستم، رفیق هم هستم در یک سنگر هم هستیم، ولی آن روز حاضر بودم در جنگ شرکت بکنم.

(لذا) ما در جنگ بی طرفی خود را اعلام کردیم، حق هم بود برای ما بی طرف بودن، جنگ دو تنظیم بود، ما در هیچ کدامش شرکت نداشتیم، در دولت هم که ما شرکت نداشتیم، بی طرف بودیم. شما مردم خوب شاهدید اگر ببنید که این جنگ خاتمه پیدا کرد، تمام شد، کاری نداریم به این که چه گفتند به رادیو و بعد چطور نشستند، اینهایش را خود شما قضاوت بکنید و می‌دانید.

جنگ با فرقه ۸۰ در تایمنی آن هم از خاطر نفرهای که مردم در راه سید منصور نادری برود بین فرقه ۸۰ و شورای نظار... پیش آمد همان روز ۵۰۰ نفر از مردم ما را به عنوان هزاره گرفتند، به چه جرم؟!

ما اگر رفیق هستیم با جنبش، همین جنبش تو را با تانک هایش به کابل آورده، تو هم دوستی! اگر به عنوان هزاره بودن مجرمیم، که حالا چهار تا مرید هزاره، بچه سید کیان هم داره با چه...

تحمیل جنگ پنجم

[به چه دلیل نفرهای ما را گرفتید؟!] جنگ پنجم سر ما تحمیل شد، خدا را شاهد می‌گیرم هیچ راضی نبودم به این جنگ. با میر هاشم شهید نشسته بودم پیش تلفن هر کسی را احتمال می‌دادیم که این جنگ را بتواند خاموش بکند هم او تلفن می‌کرد، هم من. شما در این جا دیدید که وزارت دفاع و تانک‌های وزارت دفاع رفتند چنداول را چه کردند؟

ما در چنداول ۳۰ نفر مسلح داشتیم، نه پایگاه نظامی ما بود، نه قرارگاه نظامی ما بود و نه محل تجمع نظامی ما بود، ۲۰ ـ ۳۰ نفر برای این بود که حفاظت شود مردم و با تانک‌ها رفتند چطور دکان‌ها را هم زدند و چطور خراب کردند؟ چنداولی که در ۲۲ سرطان سال ۱۳۵۸، دوازده هزار شهید داده است.

تخریب مسجد در چنداول

ولی ملت ما نمی‌تواند این را فراموش کند شما هم از آقای مسعود باز خواست بکنید برای چه (این کار را کردید؟) آیا این ۳۰ نفر را گرفتی؟! [که این ها] در کوچه‌های چنداول بودند تا آن وقتی که هیأت رفت، ولی این تانک‌ها همان مسجد را که خلقی‌ها در سال ۱۳۵۸ به عنوان «درمسال» هزاره‌ها زده بود متأسفانه این‌ها هم زدند. حال همه‌اش را به گردن داخلی و خارجی بیاندازیم، من معتقدم ناانصافی است، چرا دست طرف خود کج نکنیم که ما نااهلیم، ما بی ظرفیتیم، که همه‌اش را بگوییم خارجی‌ها دست دارد، داخلی این طور است، نه! این طور هم نیست.

این مسأله است، باز در این جنگ، حاجی آقای (عرفانی) این جا است حاضرند، روز دوم جنگ ما آتش بس را امضاء کردیم که از رادیو پخش شود، پخش نشد، در عوض اعلامیه به زبان پشتو، هم در بخش پشتوی رادیو و هم در بخش پشتوی تلویزیون پخش شد، سراپا فحش! اعلامیه آتش بس پخش نشد و اعلامیه علیه ما (به عنوان) آشوبگر، دزد، اوباش پخش شد، خوب یک سری گفتند که برای چه؟ ما که آتش بس را امضاء کردیم چرا پخش نکردید؟

میر هاشم که آنجا آمده بود گفت: من جلوش را گرفتم، گفتم: بلی! صبح هم در رادیو پشتو پخش شد، اگر تو جلوش را گرفته بودی، شب در بخش فارسی پخش شد که صبحش پخش نمی‌شد! این برای این بود که آقای مسعود برای دیگران بفهماند که من چطور می‌توانم فلانی‌ها را فحش بدهم. خوب گوش کنید! بعد روز سومش حاجی آقا را فرستادیم، آقای خلیلی گفت من دیگر نمی‌روم. آقای عرفانی با داکتر عبدالرحمن فیصله کردند که امشب اعلامیه (آتش بس) پخش می‌شود، باز شب پخش نشد روز چهارمش آقای ربانی، فوزی را با خان آقا، و با مصلح که دفتردارش هست، سه نفر را فرستاد که شما میانجی شوید. این‌ها آمدند و ما در این جا گفتیم که ما جنگ نکردیم، جنگ را که فرقه هشتاد در داده، الآن جنگ در این جا کشانده شده، من در روز دوم اعلامیه را امضاء کرده ام شما اختیار دارید، هر طور که شما بگویید. گفتند: نیروهای ما بیاید حایل شود، فوزی و خان آقا و مصلح رفتند از این جا، یازده بجه روز بود. ساعت سه تلفن زدند، همین روز آقای عرفانی و این‌ها از صبح تا ساعت ۴ بعد از ظهر نشسته بودند در دفتر، چون داکتر عبدالرحمن قرار گذاشته بود که بیاید این جا،

آتش بس اگر نمی‌شود، صد، صد نفر بگیرند از دو طرف بروند عملا سنگرها را خاموش کنند، تا ساعت ۴ این‌ها منتظر بودند خبری از داکتر عبدالرحمن نشد، بعد آقای فوزی تلفن زد که آقای ربانی، آتش بس را قبول کرده و نیروهای ما حایل می‌شود. گفت: شما آماده هستید؟ گفتم: بلی. گفت: یک نفر صاحب اختیار هم داشته باشید که ما نیروها را که می‌آوریم هر جا گفتیم جایگزین شود کسی مخالفت نکند. گفتم: خوبست، آقای خلیلی این جا آماده است، منتظر است هر وقت که شما حرکت کردید، بلافاصله حرکت می‌کند. ساعت ۴/۵ بود تلفن زد که نیروهای ما از میدان هوایی طرف مکرویان می‌رفتند شورای نظار کمین زد، ما درگیر شدیم، ما دیگر مصلح نیستیم ما حالا درگیریم.

این مسأله بود که این‌ها تا چهار راهی صحت عامه پسته‌ها را گرفتند در درگیری، امشب اعلامیه آتش بس را که ما سه روز پیش امضاء کرده بودیم از رادیو پخش شد با این که درباره‌ی چنداول آن همه مسائل انجام داده بودند باز مردم ما چون راضی به این جنگ نبودند برابر یک جنگ تمام مرمی شادیانه فیر کردند، که من از این مسأله بسیار ناراحت بودم که برای چی؟

فقط از رادیو اعلام شده که اعلامیه آتش بس بین وحدت و شورای نظار (امضاء شده)، شما این‌ها را دقت بکنید و ببینید که مردم ما چقدر روی این پیوند تاریخی‌اش پای بند است و چقدر رویش فکر می‌کند و چقدر ناراحت اند.

اگر ما می‌آمدیم، دل ما در جنگ بود، اگر ما می‌آمدیم این مسأله را زیر پا می‌کردیم جنبش از آن طرف در ظرف دو ساعت ۶۴ قرارگاه آقای مسعود را خلع سلاح کرده بود ما هم ۵ روز بود که جنگ داشتیم از این طرف اگر پیش می‌رفتیم که منطقه را تمام می‌کردیم. ولی مردم ما به محض که این اعلامیه از رادیو خوانده شد فیر شادیانه کردند و دو ساعت هم فیر شادیانه کردند، راکت زدند، احساس مردم ما بود. من ناراحتم در این مسأله، که چرا فیر بکند برای چه؟ خوب، آتش بس شد! این احساس مردم ما بود.

زندانیان هزاره در پنجشیر

بعد هم حضور انور شما که عرض شود از همین جنگ که پیش آمد شاید الآن

۳۰۰ نفر ما در پنجشیر در سموج‌های پنجشیر زندانی باشند، از همین جنگ که آتش بس کردیم. ما این‌ها را به حساب تاجیک نمی‌گذاریم و به حساب شما مردم نمی‌گذاریم ولی ما این‌ها را به حساب آقای مسعود می‌گذاریم، نه من می‌توانم از این مسائل بگذرم نه ملتم می‌توانند بگذرند، ولی به حساب شما نمی‌گذاریم، تا حالا هم اعلام نکرده ـ آتش بس را می‌گویم ـ ۷۰۰ نفر ما از جنگ اوّل و دوم تا حالا پیش سیاف هستند، که متحد آقای مسعود هست و ۳۰۰ نفر ما هم در پنجشیر هستند.

طرح مجلس حل و عقد

خوب این مسأله مجلس حل و عقد آمد، در دنیا مطرح است ما یک جریان هستیم فلسفه‌ی وجودی حزب یعنی مسأله‌ی سیاسی، حزب فلسفه‌ی وجودی‌اش برای سیاست تشکیل شده و الا اگر سیاست را از یک حزب بگیری دیگر فلسفه‌ی وجود ندارد. خوب ما آمدیم با معیار از این مسائل، تا مخالفت کردیم با شورای حل و عقد اعلان هم کردیم، قطعنامه هم امضاء کردیم به رادیوها هم دادیم. این دیگر حالا جرم داشت که ما مخالفت کردیم با آقای مسعود که با ما بجنگد؟ این در کجای دنیاست؟ در دنیا خیلی الآن احزاب مخالف است، مخالف دولت است، حرف خود را هم می‌زنند. اگر ما می‌آمدیم جنگ می‌کردیم، جای جنگ ما در آن جنگی بود که مسعود علیه ما اعلام کرده بود چنداول را هم زده بود، در آن جنگ نیروهای (فرقه) ۵۳ هم وارد شده بود، آنجا جنگ می‌کردیم، که نکردیم. حرف سیاسی خود را می‌گوییم.

توزیع پول و ایجاد اختلافات

خوب این جا جنگ آمد، آقای مسعود در این جنگ برنامه ریخت، سنگرهای ما را خرید پول توزیع کرد، جدا، جدا هم کرد که حزب وحدت شاخه‌ی مزاری جنگ طلب است دیگران با من هستند، هم رادیو را می‌شنیدید، هم گفتند، هم اعلامیه کردند. هیچ برای من سنگین هم نیست که آمده علوم را گرفته، جنگ است، در هفت تا جنگ ما سیاف را از شهر کشیدیم در پغمان رساندیم، حالا این آمده افشار، من در پل سوخته زندگی می‌کنم. این برای من سنگین نیست، کسی که می‌جنگد و جنگ می‌کند پیامدش را هم قبول دارد، ولی مردم افشار چه کرده بود که سیاف با مسعود ریختند، حتی

کسانی را که با او همکاری کرده بودند خانه هایشان را آتش زدند و چور و چپاول کردند؟! این را چه می‌گویند؟ سنگر نظامی گرفتی، دستت درد نکند.

جرم مردم افشار چه بود؟

مردم افشار سه دسته بودند، وحدتی بود، حرکتی بود و بی طرف بود. آیا یک نفر را در افشار گذاشتند به عنوان هزاره و شیعه؟ چرا؟! این که نام خود را وزیر دفاع می‌گذارد، من که یک گروه مخالف هستم با دولت هم مخالفم جنگ که کردم هیچ گفته هم نمی‌توانم که سر قوماندان‌های خود مسلطم. بلی قوماندان‌های ما بیدادی نمی‌کنند، ولی این که به نام وزارت دفاع است. این که خود را حالا دولت قانونی می‌گیرد، این که منتخب مردم است! چرا افشار را آتش زدند؟ چرا طفل‌های هشت ساله را از بین بردند؟

واللهی ما عمل مسعود را به حساب شما مردم نمی‌گذاریم، ولی از توانم به تنهای بیرون است، من مسلط سر کلّ نیرو و نظامیان خود نیستم. من نه این جنگ‌ها را که مسعود کرده، به حساب تاجیک می‌گذارم و نه این جنگ‌های را که سیاف کرده، به حساب افغان. ولی می‌خواستم که یک روز چهار تا ریش سفید برادران تاجیک را پیدا بکنم و این رسالت تاریخی خود را برایشان بگویم که ما رفتنی هستیم و این مردم ماندنی هستند، آینده‌های ما، ما را نگویند که شما چرا این کار را کردید؟ چرا لعنت بکنند! چنانچه که در گذشته می‌کنیم، در گذشته ما می‌گوییم [که چرا این کارها را کردند؟!] من برای نماینده آقای مسعود گفتم که آقای مسعود! من [مثلاً] تا حالا ریش سفیدان و بزرگان خود را می‌کردم برای این که در کنار بچه سقاو خیانت کردید، تنگ نظری کردید، ولی امروز به این نتیجه می‌رسم که آن بزرگان ما مقصر نیستند، چون او هم یک آدمی بود در آن روز، بی سواد از کوه آمده بود. (اما) تویی که تحصیلکرده هستی، تویی که ۱۴ سال علم مبارزه را گرفته ای، تویی که حالا به نام وزارت دفاع منتخب مردم هستی چرا با این مردم این طور رفتار می‌کنی؟ مثلی زده می‌شود که دم خروس را قبول کنم یا قسم ابوالفضل را، خروسی را کسی دزدیده بود پشت سر هم قسم می‌خورد که به ابوالفضل نگرفته ام، دم خروس هم پیدا بود، می‌گفت که حالا دُم خروس را ببینم یا قسم ابوالفضل را؟! آیا ملت دوستی مسعود را ببینم که شاخه مزاری

را می‌کوبد یا جنایت افشار را ببینم؟

کشتار غیر نظامیان

روس‌ها در ۱۴ سال صورت زن را پوست نکرده است، سر زن را نبریده است، طفل هشت ساله را هم نکشته است، این مجاهد بزرگ خدمتکار ۱۴ ساله، این کار را کرده!!

ما این را به حساب شما نمی‌گذاریم از اوّل روزه، از روزی که هیأت آمد تا حالا، آقای مسعود در رادیوی خود اعلان کرده که ما آتش بس را یک طرفه قبول کردیم. شما برای این که ما راست می‌گوییم یا مسعود، چهارتایتان بیایید به این طرف کوه هم بنشینید، ببینید که مردم بی دفاع ما در سرک کارته ۳، کارته ۴، روزی ۴ ـ ۵ شهید می‌دهند یا نه؟

ما که تا حالا اعلان نکردیم که آتش بس را قبول کردیم، کل دنیا هم سر ما تبلیغ کردند که غیر رسمی دست ما نمی‌رسید چطور نمی‌رسید؟! این‌ها که همه شبه اعلام می‌کنند که ما آتش بس را قبول کردیم، چرا می‌زنند؟ از ما اگر خطا خورده می‌رود. حالا آمدیم وقتی که جنگ کردیم سکر ما از سر کوه خطا خورده می‌رود به کارته پروان و خیر خانه می‌خورد، آن‌ها چرا قصد کرده دشت برچی را می‌زند؟ سنگر دفاعی از ما که در همین پوهنتون، زراعت و سیلو است. چرا این‌ها قصد کرده می‌اید دشت برچی را می‌زند؟

همین را یک گشت از آقای مسعود بازخواست بکنید، یادداشت بکنید برای چیه؟

۱۸ یا ۱۳ تا چلچله را در دشت چمتله برده میلهایشان را طرف دشت برچی برای چه عیار کرده؟ اگر ما دروغ می‌گوییم شما بروید ببینید! اگر ایشان راست می‌گوید و اختیار خود را به شما داده، برای چه نیروها را در چمتله تجمع داده، در افشار برای چی سلاح منتقل کرده، این امکانات ثقیله را برای چه آنجا برده؟ اگر راست می‌گوید که صلح می‌خواهد، اگر راست می‌گوید که جنگ نمی‌خواهد، خوب، این‌ها برای چه است؟ ولی دفاع برای ما، هم وظیفه انسانی است و هم اسلامی است و هم ملی است، ما الآن همین طور که پیش شما این مسأله را گفته می‌توانیم، پیش مردم، ما هم این مسأله را گفته می‌توانیم، خدا هم خودش می‌داند که ما در جنگ‌ها غیر از دفاع کاری نکردیم، ما تصمیم گرفته یک گروپ را هم در یک جا نفرستاده ایم، ولی وقتی که جنگ پیش

بیاید دفاع می‌کنیم.

غارت خانه و دکان‌های چنداول

حالا در دروازه لاهوری، در فروشگاه بزرگ افغان، در چنداول، این که دولت است و دولت منتخب مردم است! برای چه دکان‌های مردم را خالی کرده می‌برد؟

دیروز برای چه آمدند، در چنداول که دکان‌ها را خالی بکنند؟ که زد و خورد شد و سه نفر کشته شد.

اگر شما برادران می‌گویید که از مالتان از ناموستان دفاع نکنید که یک مسأله... برای چه؟ شما حالا هر رقم که خودتان می‌سنجید ما از این مسأله استقبال می‌کنیم. (تکبیر حضار) و این را پنهان نمی‌کنم، این همه اقدام کردیم در این مسأله الآن هم به عنوان دشمن، انکار می‌کنند. هیچ وقت هم برای شما قول نمی‌دهم که من با مسعود برادر می‌شوم یا با مسعود دست می‌دهم ولی با ملیت تاجیک برادر هستم، با ملیت پشتون برادر هستم. شما هر راهی که بروید تا بین ملیت‌ها دشمنی نباشد، برادری باشد، ما از این مسأله استقبال می‌کنیم.

شما اگر تاریخ هشت ماهه ملت ما را در کابل با چشم انصاف ورق بزنید و باز بکنید ببینید، ما مردم از سنگ کرده هم سخت تر بوده‌ایم که در کابل طاقت کردیم، ملت ما الآن هر روز که در بازار می‌رود ـ شما بروید دو ساعت در یک جا ایستاده شوید،دم بیگاه ببینید ۱۰۰ ـ ۱۵۰ نفر مردم ما را در برابر باغ وحش و پل آرتن می‌گیرند، برای چه؟ این سلاح دارد این برای جنگ آمده در شهر! برای چه آمده؟

۱۵۰ تا موتر، از ما مردم شمال را، در قره باغ، این تابستان دور دادند هیچ کس دنبالش بیرون نشد که برای چه گناه؟ برای چه؟

یک طرفه نباید قضاوت کرد

من معتقدم آن قدر که مردم ما، مردم هزاره رعایت این نزاکت تاریخی را می‌کرده و این سنت تاریخ را، متأسفانه شما برادران نکردید، و الآن‌اش را هم فکر نمی‌کنید که فهمیدید؟ یعنی برای ما [چه می‌گذرد؟!]، سه هزار نفر ما مثل گوسفند قربانی شدند، کسی بازخواست نکرد، ۱۵۰ تا موتر را از مردم ازبک و هزاره در شمالی دور دادند

نگذاشتند که بیایند، (به بهانه‌ی این که) فلان قوماندان در فلان جا گم شد. مگر از ما کشته نشد، مگر ما اسیر ندادیم که کسی برود راه شمالی را بگیرد آیا ما نمی‌توانستیم در پلخمری بگیریم؟ ما نمی‌توانستیم در مزار بگیریم؟ ما نمی‌توانستیم به عنوان تاجیک بامیان را بگیریم؟ ما نکردیم و نمی‌کنیم، بنا هم نداریم که ما عمل مسعود و ربانی و سیاف را به حساب ملتشان بگذاریم، شما هم نگذارید به حساب مردم ما. این است که ما از این مسأله‌ی که شما آمدید استقبال می‌کنیم، به هر شکل که شما می‌توانید جلو این مظالم را بگیرید، بگیرید. ما حرفی نداریم، منتهی مسأله این است که یک طرفه نباید قضاوت شود، اگر هیأت است در آن طرف هست، اگر از خارج می‌اید در آن طرف است، در این جا بیایید یک مرکز به وجود بیاورید، ما حفاظت شما را می‌کنیم. یک گشت[1] ببیند که چی وضع داریم؟ (تکبیر حضار).

مسلم است در این جا که برچی دور دست است، شرکت نداشته، حالا اگر افشار شرکت داشته، کوته سنگی شرکت داشته، کارته سخی و دهمزنگ شرکت داشته جبهه مقدم بوده، دشت برچی که شرکت نداشته. یاد داشتی را که الآن برادران به ما دادند در دشت برچی یک هزار راهگذر...

اگر افشار شاخه مزاری است، برچی برای چه؟ نفر که روان می‌کنی از هر جا که نماینده می‌خواهی برای چه؟

و این فرصت برای ما دست نیافت که اقلش برای آینده ما این مسأله را به طور مفصل برای مردم خود گفتیم، برای مردم ما این سؤال بود و هست که چرا ما رو در رو قرار گرفتیم و این را من برای مردم خود مجبور بودم توضیح بدهم، ولی این خواست ما بود که شما را هم ببینم بزرگان و ریش سفیدانتان را، این کار شما کار خیری است. به هر شکلی که می‌توانید و هر راه که شما می‌سنجید، ما حرفی نداریم، ما الآن اعلام می‌کنیم این مسأله را که ما تصمیم جنگ نداریم. (تکبیر حضار).

ولی این را برای شما می‌گویم که جنگ، امکانات، هیچ وقت تعیین کننده نیست که آقای مسعود ۱۳ تا ۴۰ BM را می‌برد آنجا جایگزین می‌کند و بگوید که پیروز هستم؟! ۱۴ سال انقلاب هم این مسأله را اثبات کرد که اگر پیروز می‌شد، نجیب می‌شد.

---

۱. گشت = یک بار.

ما طرفدار جنگ نیستیم

ولی این را می‌گویم که اگر جنگ شروع شود این جنگ مثل جنگ‌های قبلی نخواهد بود این را مطمئن باشید. ما طرفدار جنگ نیستیم، ولی یک نفر هم بمانیم در این جا دفاع می‌کنیم و ما هیچ برو برگرد هم نداریم در این مسأله، طرفدار جنگ نیستیم شما هم هر پلان داشته باشید، بیایید خط حایل ایجاد بکنید، ناظر باشید، خصومت‌های بین مردم را پایین بیاورید.

طبیعی است یک سری کسانی که در افشار، در چنداول صدمه دیدند، مسایلی پیش آمد که یک سری خصومت را به وجود آورد ولی نماینده مردم تاجیک و شمالی متأسفانه در این شرایط آقای مسعود به حساب می‌آید، هر چه ما بگوییم نه! اما عمل آقای مسعود، عمل من، و عمل آقای حکمتیار خواهی نخواهی بین ما ملت اثر می‌گذارد، حالی که شما آمدید ۴ تا خیرخواه، می‌خواهید این خصومت از بین برود ما استقبال می‌کنیم. (تکبیر حضار).

دیگر حرفی ندارم، از این که وقت شما را زیاد گرفتم و شما را خسته کردم از این بابت معذرت می‌خواهم.[۱]

والسلام

۱. دیدار نمایندگان تاجیک با رهبر شهید (ره) در کابل، ۱۳۷۲ش.

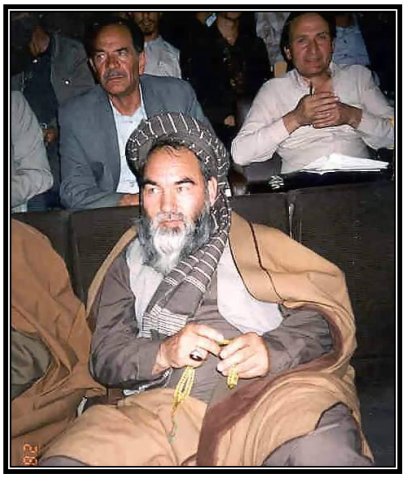

گزارشی از سخنرانی استاد مزاری در مراسم بازگشایی دانشگاه کابل[1]

دانشگاه کابل، پس از یک وقفه‌ی طولانی امروز ۱۳۷۲/۶/۱۷ طی مراسمی با اشتراک استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی و انجینر گلبدین حکمتیار صدر اعظم دولت اسلامی افغانستان رسماً بازگشایی شد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در جریان بازگشایی دانشگاه کابل به همراه دبیر کل حزب وحدت اسلامی و صدر اعظم دولت اسلامی، تعدادی از وزراء کابینه و اعضای شورای عالی نظارت و تصمیم گیری حزب وحدت اسلامی، سفراء و نمایندگان سفارت خانه‌های کشورهای خارجی، هیأت رهبری دانشگاه، اساتید و نماینده‌های احزاب جهادی، دانشجویان و خبرنگاران داخلی و خارجی شرکت داشتند طی مراسمی که در تالار دانشکده‌ی اقتصاد برگزار گردیده بود، داکتر امیر شاه حسن یار رئیس دانشگاه کابل، انجینر حکمتیار و استاد مزاری و خواهر محبوبه رئیس دانشکده‌ی حقوق دانشگاه کابل به ترتیب سخنرانی نمودند.

سخنرانان در جریان سخنرانی‌های‌شان از بازگشایی دانشگاه به عنوان گام مهم و ارزنده در جهت تقویت پروسه‌ی استقرار صلح و امنیت و رشد استعدادهای جوانان میهن یاد کردند و از تمامی احزاب و ارگان‌های سیاسی، جهادی خواستار همکاری جدی و همه جانبه‌شان در این زمینه شدند.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۵ و ۱۱۶، پنجشنبه ۱ میزان ۱۳۷۲ش.

در این مراسم حضرت حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان برای سخنرانی دعوت شدند، استاد مزاری در ضمن (سخنرانی، نخست) از ملاقات با اساتید، فرهنگیان و دانشمندان متعهد اظهار خرسندی نمود و در رابطه با اهمیت آموختن علم از نظر اسلام و پیامبر اکرم(ص) صحبت نموده گفت: پیامبر گرامی اسلامی تمام محدودیت‌ها را در راه تحصیل علم برداشته است، آموختن علم را یک ضرورت و برای زن و مرد واجب می‌داند و از نظر زمان و مکان حدی قائل نیست، تا جایی که علم را گم شده مؤمن (قلمداد می‌کند) ولی متأسفانه مسلمانان، کمتر به کسب علم و دانش توجه دارند و کمتر به این دستور، عمل کرده اند.

استاد مزاری، افزود: خساره‌ی که از بسته شدن دانشگاه بر این ملت وارد شده است بیشتر از هر خساره‌ی دیگر است. اما متأسفانه این خساره از دست کسانی بر ملت (و مردم افغانستان) وارد شده است که خود یا استاد دانشگاه بوده‌اند و یا شاگردی در دانشگاه و این جرمی است نابخشودنی در پیشگاه ملت افغانستان و هرگز عاملین بسته شدن پوهنتون را نخواهند بخشید.

استاد مزاری از پیشنهاد صدر اعظم دولت اسلامی افغانستان، در مورد استعفای مسئولین بلند پایه‌ی دولت (رئیس جمهوری و صدر اعظم) استقبال نموده گفت: رهبران جهادی باید برای دنیا ثابت کنند که برای ملت و مردم خود فکر می‌کنند و ثابت کنند که افغان‌ها همان طوری که مرد جنگ هستند، مرد سیاست نیز هستند و با تشکیل حکومت اصولی زمینه را برای یک انتخابات آزاد و عادلانه فراهم کنند.

استاد مزاری وضعیت یک سال گذشته را تأسف‌آور دانسته گفت: اگر استکبار جهانی هر قدر پول مصرف می‌کرد که به اسلام ضربه بزند، به اندازه‌ی یک سال که خود مجاهدین ضربه زدند نمی‌توانست که (ضربه بزند) و چهره‌ی اسلام را خدشه دار نماید.

استاد مزاری، هم چنین اظهار داشت: که حزب وحدت اسلامی وضع کاملا مشخص و ثابت دارد ما از اوّل گفتیم که تمام مردم افغانستان در جهاد اسلامی، شریک بودند و شهید دادند، زخمی و اسیر دادند و مهاجر شدند. لهذا باید برای همه حق قانونی قائل شویم و هیچ حزبی، قومی و نژادی نمی‌تواند، ادعا کند که به تنهایی جهاد کرده است...،

و ما به خاطر این خواسته‌های بر حق و مشروع خود، جنگ نمی‌خواستیم و نمی‌خواهیم، ولی متأسفانه تعدادی این وضع موجود را پیش آوردند که ما واقعاً متأثر هستیم.

استاد مزاری، خطاب به اساتید دانشگاه و دانشمندان افزود: وظیفه‌ی انسانی و اسلامی شما فرهنگیان ایجاب می‌کند که در صورت عدم توافق رهبران تلاش و کوشش نمایید که هیچ سلاحی قوی تر از سلاح علم و فرهنگ نیست.

آن گاه استاد مزاری در مورد بازگشایی پوهنتون و دانشگاه کابل گفت: از نظر ما هیچ گونه مشکلی وجود ندارد و کوچکترین بی امنیتی نسبت به اساتید و محصلین را تحمل نمی‌توانیم و هر کس سبب این مسأله شود او را دستگیر و خلع سلاح خواهیم کرد. اگر (آن تپه‌های مرتفع و) سر کوه‌های مشرف بر پوهنتون از وجود نیروهای نظامی تخلیه شود، ما حتی یک نفر مسلح را در داخل پوهنتون نمی‌گذاریم. چون که حیات یک ملت بستگی به دانشگاه دارد و دانشگاه باید در یک محیط امن بازگشایی شود. کسانی که از بازگشایی دانشگاه می‌ترسند به این مملکت خیانت می‌کنند چون که با فعالیت دانشگاه مجال این خیانت‌ها کمتر می‌شود.[۱]

۱. اصل نوار سخنرانی در دسترس نبود.

بخش دوم

قسمت اوّل:

مصاحبه‌های رهبر شهید استاد مزاری (ره)

قبل از تشکیل حزب وحدت

اسلامی افغانستان

قسمت اول: مصاحبه‌های استاد مزاری بـــا رسانـــه‌ها و مطبـــوعات داخلی و خارجی

مصاحبه‌ی استاد مزاری با روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۵۸/۳/۱۹[1]

(سرویس سیاسی ـ محمد هادی ضیایی)

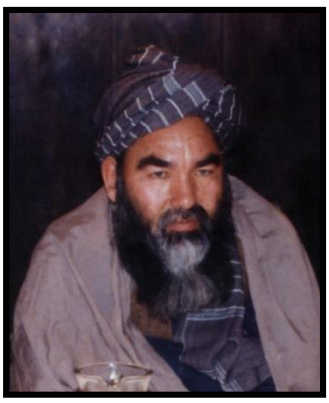

مصاحبه کننده با نام مستعار غلام علی، مصاحبه نموده و اسم حقیقی ایشان در دفتر روزنامه محفوظ می‌باشد.

خبرنگار: خواهش می‌کنم ابتدا خود را و بعد سازمانی را که برای استقلال در آن، فعالیت دارید معرفی کنید!

استاد مزاری: من غلام علی، عضو سازمان نصر افغانستان [هستم] از شما مسئولین روزنامه‌ی جمهوری اسلامی تشکر می‌کنم که برای افشاگری دیکتاتوری‌های که حکومت فعلی [افغانستان] می‌کند، این همکاری را با ما کردید که از ما سؤالاتی درباره جنبش آنجا و فعالیت‌های سازمان‌ها به عمل آورید.

---

۱. شنبه و یکشنبه ۱۹ و ۱۳۵۸/۳/۲۰ در دو قسمت ـ در روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، شماره‌ی ۸ و ۹، سال اول.

سازمان نصر در افغانستان در نقاط مختلف، فعالیت‌های فعلاً در دستش هست از آن جمله در ولایت بامیان، شهرستان، پنجاب و دره صوف، فعلا این مناطق به دست سازمان، از دست حکومت کمونیستی تره‌کی آزاد شده است، سازمان نصر به طور گسترده‌ای در آنجاها فعالیت دارد و بعضی از افراد آن برای تبلیغات به این جا آمده‌اند و به طور مداوم با آنجا ارتباط دارند.

خبرنگار: در افغانستان در حال حاضر چند سازمان اسلامی بر علیه رژیم تره‌کی مبارزه می‌کنند؟

استاد مزاری: سازمان‌های مختلف اسلامی اخیراً در افغانستان به وجود آمده از آن جمله سازمان‌هایی که فعلاً در داخل فعالیت دارند و با دشمن مبارزه می‌کنند سازمان نصر، حزب اسلامی افغانستان، جمعیت اسلامی افغانستان، و چند گروه دیگر در افغانستان فعالیت می‌کنند که یکی از آن‌ها اخیراً [اسمش] فاش شده به نام گروه رعد، چون در آنجا خفقان بسیار (شدید) است، از نظر تبلیغات، هیچ امکان تبلیغات نیست تا افرادش به خارج نیامده اند، اعلام موجودیت امکان ندارد، فقط همان جا در سنگرها مبارزه و فعالیت می‌کنند.

اما در خارج سازمان‌های بسیاری تشکیل شده که تازه اعلام موجودیت کرده‌اند از آن جمله سازمان حرکت اسلامی، پیام مبارز، نهضت اسلامی، کانون مهاجر که این‌ها معمولا در خارج تأسیس شده و همین امسال شروع به تبلیغات کرده‌اند و در داخل فعالیت‌هایی ندارند، بعد از این اگر از این جا، بروند چیز دیگری است. آن‌هایی که (فعلا) در سنگرها در حال مبارزه هستند همین چندتایی است که اسم بردیم.

خبرنگار: برادر غلام علی، آیا این سازمان‌هایی که در حال حاضر در افغانستان فعالیت می‌کنند، با یکدیگر ارتباط دارند و هم چنین این سازمان‌ها در یک منطقه‌ی از افغانستان فعالیت می‌کنند یا در نقاط مختلف هستند؟

استاد مزاری: در بین این سازمان‌ها تفاهمی وجود دارد اما اختلاف نظرهایی هم هست، چون هدف مشترک دارند در بعضی جهات، در مقابل حکومت تره‌کی و از بین بردن آن، در این قسمت، سازمان‌ها مشترکاً فعالیت می‌کنند، هر چه عملیاتی که بر ضد حکومت فعلا انجام می‌گیرد با توافق همه‌ی آن‌ها است، منتها اختلاف نظرهایی

هم در اهداف و در طرز جهت گیری‌های سیاسی دارند که امیدواریم در آینده رفع شود. حزب اسلامی و جمعیت اسلامی در مناطق شرقی افغانستان که به نام کنر و جنوبی اش، به نام پکتیا و بعضی از قسمت‌های شمال شرقی به نام بدخشان فعالیت می‌کنند و سازمان نصر همان طور که قبلا موضعش را اعلام کرده، در مناطق بامیان، شهرستان، دره صوف، دایکندی و ارزگان هست.

خبرنگار: اخیراً کشور ما مواجه شد با اتهاماتی از طرف رژیم تره‌کی به این که مجاهدین افغانی از طریق دولت ایران و یا از طریق دولت پاکستان تقویت می‌شوند و کمک‌هایی به این‌ها (داده) می‌شود، آیا این ادعاهای رژیم تره‌کی صحت دارد یا خیر؟

استاد مزاری: رژیم‌های استعماری و دیکتاتوری معمولا برنامه هایشان این طوری است که وقتی با مبارزه‌ی ملت روبرو شدند، معمولا به کشورهای خارج و هم جوار، اتهاماتی وارد می‌کنند چنانچه که شما هم، این جریان را در حکومت قبلی و دیکتاتوری ایران دیدید و معمولا برادران ایرانی در این جا مبارزه می‌کردند، حتی به خود حضرت آیت اللّه خمینی که رهبر جهان اسلام است، به ایشان اتهام کمونیستی می‌بستند و در آنجا هم این مسأله وجود دارد. چون محیط و جو کمونیستی است و اتهام غربی و خارجی به مبارزان اسلامی می‌بندند، این‌ها به تمام معنی دروغ است و همه‌ی این‌ها یک جنبش ملی است و از داخل ملت هست و هیچ ربطی به کمک‌های خارجی ندارد و برادران هم جوار، از پاکستان و ایران به ما هیچ کمکی در این باره نکردند و این اتهاماتی است که این‌ها درباره‌ی آن‌ها می‌زنند و می‌خواهند راه فراری از مبارزه‌ی با مردم پیدا کنند و چاره‌ای ندارند، جز این که دیکتاتوری و ظلم‌های خود را تقویت کنند. این‌ها تهمت‌هایی است که همه‌ی استعمارگرها برای مبارزین اصیل اسلامی زده‌اند و آن‌ها هم به نوبه‌ی خود این کار را انجام می‌دهند.

خبرنگار: این سؤال برای ما پیش می‌اید که برادران مجاهد افغانی سلاح‌هایی را که علیه رژیم تره‌کی مورد استفاده قرار می‌دهند از کجا به دست می‌آورند؟

استاد مزاری: اتفاقاً سؤال خوبی است، این جریانی است که قبلا هم در افغانستان وجود داشت، همان طوری که شما هم شاید شنیده باشید از قبل، مردم افغانستان خلع سلاح نشده بودند مگر در (زمان) به وجود آمدن حکومت تره‌کی بعضی از نقاط شیعه

نشین، که خلع سلاح شدند، این‌ها از اصل، سلاح محلی خودشان را داشتند (حالا) بعد از مدت یک سال که با حکومت مبارزه کرده‌اند از خود حکومت سلاح‌های زیادی را به دست آورده‌اند و تماماً سلاح‌هایی است که از داخل خود حکومت افغانستان به دست آورده‌اند سربازهای زیادی تسلیم شده اند، اسلحه‌های زیادی از پادگان‌ها به دست ملت افتاده و از آن جا به دست آورده اند، هیچ سلاح خارجی به دستشان نمی‌رسد چون با خارج ارتباط ندارند.

خبرنگار: چند روز پیش خبری داشتیم که تعداد زیادی از ارتش افغانستان با میل خودشان به برادران مجاهد افغانی پیوسته‌اند این خبر تا چه اندازه صحت دارد؟

استاد مزاری: این خبری است که تا حدی درست است. در یک سالی که مبارزه در افغانستان شروع شده چندین بار از ارتش (نفراتی) آمدند و به ملت پیوستند (حتی) ترتیب کودتا دادند. مخصوصاً در جلال آباد حدود زیادی از ارتش به ملت پیوست. اخیراً در پاکستان که از پناهندگان (افغانستانی) تعدادی دیدن کردند، گفته شده که چند هزار ارتش به آنجا آمده و تسلیم مبارزین شدند و هم اکنون، پاکستان، به عنوان پناهنده مواد غذایی آن‌ها را تأمین می‌کند. ارتش ما را چندین بار تصفیه کرده‌اند و ارتش ملی امروز در آن جا وجود ندارد، یعنی تمام مبارزاتی که از طرف دولت (علیه مردم) صورت می‌گیرد همه آن‌ها را مستشاران روسیه هستند که (رهبری می‌کنند).

چنانچه اخیراً طبق خبر دقیقی که (شنیده شده)، حدود چند نفر از مستشاران را در خوست دستگیر و اسیر کرده‌اند این چیزهایی است که به خودشان هم، ثابت شده و تازگی ندارد از این کارها، زیاد در ارتش اتفاق افتاده است.

خبرنگار: ما از صحبت شما این نتیجه را می‌گیریم که اتحاد جماهیر شوروی مستقیماً در این درگیری دخالت دارد آیا این طور است؟

استاد مزاری: بله این (از جمله) مسائلی است که ثابت شده. این همه میگ‌ها (ی سقوط داده شده) و ارتشی‌هایی که ملت دستگیر کرده‌اند پیش ملت ما ثابت است از طرفداری روسیه، این مسأله پیداست و پاکستان پناهنده‌هایی را که راه می‌دهد (حتی) روسیه در آنجا، (پاکستان را) مستقیماً تهدید می‌کند و می‌گوید شما در اوضاع افغانستان دخالت می‌کنید، و ما بی تفاوت نمی‌مانیم، به علاوه از این، در قضایای هرات تانک‌های

بسیاری را از روسیه در آنجا برادران ما مصادره کردند و گرفتند و از بین بردند، شاهد عینی ما در آنجا داریم که حدود ۳۰ الی ۴۰ نفر از مستشارانشان را در هرات از بین بردند این‌ها مسائلی است که ثابت شده است.

خبرنگار: در این صورت چه مقدار از زمین‌های افغانستان به طور تقریب در اختیار برادران مجاهد است؟

استاد مزاری: این (یک) مسأله‌ای است که روزنامه نگاران خارج و رادیوها، این را گفته‌اند که از ۲۸ ولایت افغانستان در ۲۶ ولایت، شورش گسترش پیدا کرده ولی ولایاتی را که آزاد شده و در اختیار ملت است ولایت کنر، پکتیا، بامیان که دوتای اوّل در دست حزب اسلامی و جمعیت و ولایت بامیان در دست سازمان نصر است و آن وقت فرمانداری‌های زیادی از ولا(یا)ت دیگر در اصل در دست ملت است یعنی جنگ در آنجاها، جنگ پارتیزانی است، بعضی وقت ولایت‌ها تصرف می‌شود و بعد سرکوبی هوایی روسیه (شروع می‌شود)، مخصوصاً اخیراً هلکوپترهایی (را به کار گرفته اند) که در دورترین نقاط مردم را می‌تواند به مسلسل ببندد و گلوله هم کار نمی‌کند، اخیراً روسیه ۱۲ تا از این‌ها را به تره‌کی داده است که این‌ها باز هم، دوباره (بعضی ولایت‌ها را) می‌گیرند و بعد ملت تصرف می‌کنند این گسترش (جنگ) در ۲۶ ولایت به طور مداوم (ادامه دارد)، [این ولایات] در دست ملت واقع می‌شود و [دوباره آن ها] می‌گیرند، ولی ۳ ولایت آن در دست ملت ثابت است که هنوز دولت نتوانسته آن‌ها را بگیرد.

خبرنگار: آیا در این مبارزه نابرابر بین برادران مجاهد افغانی و رژیم تره کی، همکاری خود مردم افغانستان، با سازمان‌های اسلامی به چه صورت است؟

استاد مزاری: مردم کاملا با مبارزین متفقاً همکاری دارند، چون اگر همکاری نداشتند نمی‌توانستند آن را در ۲۶ ولایت گسترش دهند، عرض کردم ۲۸ استان است و در ۲۶ ولایت شورش است که این‌ها همه با همکاری مردم است. از نظر مواد غذایی از نظر تمام احتیاجات اولیه، این‌ها را ملت برای مبارزین می‌رسانند والا، کمال همکاری اگر نباشد نمی‌تواند جنبش این طور گسترش پیدا کند در سراسر افغانستان.

خبرنگار: آیا رابطه برادران مبارز ما در افغانستان با روحانیت ایران و به خصوص

امام خمینی در چه سطحی است؟

استاد مزاری: رابطه مبارزین افغانستان و ملت افغانستان با روحانیت ایران، مخصوصاً با امام یک رابطه بسیار عمیق است، مخصوصاً در بین شیعیان افغانی که رهبرشان امام است و در خط امام مبارزه می‌کنند و غیر از اطاعت از امام آن‌ها [چیزی را] قبول نمی‌کنند، مخصوصاً که در (میان) برادران اهل تسنن افغانی بعد از پیروزی انقلاب رهبری امام تثبیت شده، در هرات از شاهدان عینی کسی خبر داد وقتی که مردم (اعم از شیعه و سنی) مبارزه می‌کردند صدای اللّه اکبر از همه جا بود، می‌گفتند که مذهب ما حنفی است و رهبر ما خمینی است تا این حدّ [محبوبیت امام، در میان مردم] است. مخصوصاً خودم دیدم، در آن وقتی که در افغانستان و بودم شبی که امام از پاریس آمد و چند شب بعدش که زد و خوردی بین گارد و نیروی هوایی (واقع) شد من در افغانستان (کابل) بودم [دیدم] که مردم شیعه و سنی آن شب تا صبح گریه می‌کردند و می‌گفتند لبنان ثانی به وجود آمد، ولی خوشبختانه شب دیگر که شب پیروزی بود و (نیروهای گارد) تسلیم شدند [باز هم] تا صبح (مردم) از خوشحالی نخوابیدند و تا صبح رادیوها را گوش دادند و فردا هر خانه‌ای یک گوسفند به عنوان خوشحالی و جشن، قربانی کردند (در آنجا رسم چنین است وقتی جشن می‌گیرند مالهایی را می‌آورند و سر می‌برند) این جریانی است که آن‌ها با این احساسات پاک، به رهبران ایران نگاه می‌کنند مخصوصاً در مناطق شیعه، مبارزات زیاد اوج گرفت. یعنی درست است که دیکتاتوری‌ها و ظلم‌های تره‌کی بود، در تمام افغانستان، استثنایی نداشت بین شیعه و سنی، ولی شیعیان تمام این مسائل را تحمل کرده بودند مگر آن وقتی که دولت تره‌کی شروع کرد به ناسزا گفتن به رهبران مذهبی ایران، آن وقت، در تمام مناطق شیعه نشین مبارزه گسترش پیدا کرد، یکی از کمونیست‌ها از مردم پرسیده بود که اگر امام خمینی امر جهاد در این جا به شما بدهد چه می‌کنید؟ [در جواب] گفته بودند که همه‌ی ما، زن و مرد در این جا بر ضد حکومت (کمونیستی) جهاد می‌کنیم.

یک رابطه‌ی عمیقی است بین مردم افغانستان و رهبریت امام خمینی، چون رهبری امام خمینی اختصاص به ایران ندارد و ایشان رهبر تمام جهان اسلام هستند، امروز

امام، از دیدگاه مستضعفین و محرومین پای فراتر گذاشته که رهبر بشریت به حساب می‌آیند، اختصاصی به ایران ندارند. همه گوش به فرمان هستند. مخصوصاً سازمان نصر افغانستان که در خط امام مبارزه می‌کند، در خط مشی سیاسی امام سیر می‌کند که هیچ انحرافی از این جهت ندارد.

خبرنگار: در حال حاضر رهبری سازمان نصر و رهبری سازمان‌های دیگر اسلامی به عهده چه کسی است؟

استاد مزاری: سازمان نصر رهبر به خصوصی ندارد هیأتی است که به عنوان کمیته‌ی مرکزی، تصمیمات از آنجا گرفته می‌شود و رهبری می‌شود که این‌ها (این افراد) بعضی‌ها در داخل افغانستان هستند و بعضی‌ها در خارج، اما رهبری باقی سازمان‌ها مشخص است مثلا حزب اسلامی به رهبری حکمتیار است. و جمعیت اسلامی رهبرش برهان الدین است، یک سازمان دیگر، به نام جبهه‌ی نجات، رهبرش صبغت اللّه مجددی است و حرکتی هم که در خارج تأسیس شده است از شیعه هاست رهبرش شیخ آصف محسنی است و این‌ها رهبران مختلف دارند ولی سازمان نصر رهبرش [یک] هیأت است یعنی یک گروه. [به عنوان کمیته مرکزی، رهبری سازمان را به عهده دارد].

خبرنگار: چند روز پیش اعلامیه‌ای آوردند که در روزنامه‌ی جمهوری اسلامی درج شود از جانب برادران افغانی (افغانستانی) بود به نام حرکت اسلامی آیا چنین جمعیتی وجود دارد و اگر هست آیا فعالیت این جمعیت در داخل افغانستان است یا در خارج، به چه صورت؟

استاد مزاری: این جمعیتی است که این جا، در قم تأسیس شده و این جا نوشتند که در سال ۱۳۵۸ یعنی سال جاری تأسیس شده، رهبرش شیخ آصف محسنی است این‌ها فعلا فعالیت هایشان در خارج از افغانستان است و در داخل فعالیتی ندارند و امکان دارد کسانی را برای فعالیت، همگام مردم به افغانستان بفرستند ولی قبلا چنین جمعیتی نبوده و فعالیتی نداشته اند.

خبرنگار: البته افغانی هستند؟

استاد مزاری: بله افغانی است و از قندهار افغانستان است.

خبرنگار: در پایان از برادر غلام علی خواستم خواهش کنم بفرمایید که انقلاب اسلامی افغانستان چه انتظاراتی از انقلاب اسلامی ایران دارد؟

استاد مزاری: البته هر جنبش و انقلابی، از کشورهای انقلابی جهان انتظاراتی دارد. مسائلی است که باید حقایقی را کشور انقلابی ایران از طریق تبلیغات منعکس کنند، انقلاب ما در یک کشور خفقانی است که هیچ امکانات تبلیغات در آنجا وجود ندارد و خبرنگارها از خارج به آنجا نمی‌آیند. لهذا در سراسر کشور [با اینکه] این مبارزه گسترش یافته و مناطق زیاد در تصرف مردم در آمده، ولی این مبارزه، انعکاس خارجی ندارد. و شاید [ملاحظاتی است] یا از جهت اوضاع داخلی ایران بوده و یا علت‌های دیگر داشته که پیش خود برادران است. تا به حال رادیوها و روزنامه‌ها (ی ایران) آن چیزی که در افغانستان گذشته منعکس نکرده. به علاوه از این، ما انتظارات بیشتر از این داریم، در صورتی که روسیه در آنجا برای (نابودی) مسلمانان دخالت می‌کند و ما با اینکه، (با شما) پیوند عمیق اسلامی داریم، در اسلام مرز افغانستان و ایران وجود ندارد این‌ها مرزهای استعماری است آنجا برادران مسلمان شما، دارند کشته می‌دهند و زیر سلطه روسیه خرد می‌شوند و برادران ایرانی، در این جهت هنوز اقدامی نکرده‌اند ما (گرچه) همه جهات کمک‌ها را از برادران ایرانی توقع داریم، منتها با شرایط خودشان و مسایلی که این جا پیش آمده، با این شرایط باز هم امیدواریم که برادران، ما را از نظر نیندازند با آنچه که از امکانات و مقدورات‌شان (برمی آیند) به مبارزات اسلامی افغانستان کمک کنند آن‌ها (مردم افغانستان) هم، ان شاء اللّه به پیروزی می‌رسند و یک کشور اسلامی صد در صد در آنجا هم، به وجود بیاید که توأم با انقلاب ایران در منطقه اثر مثبتی داشته باشد.

خبرنگار: در پایان پیامی برای برادران ایرانی و افغانی دارید؟

استاد مزاری: پیام سازمان، برای برادران ایرانی و افغانی همان همبستگی مذهبی و معنوی آن‌ها هست و همکاری‌های که در این زمینه وجود دارد. هم چنین برادران باید با اتحاد کلمه، با همبستگی و همکاری معنوی و مادی این مبارزات را که در ایران پیروز شده، این پیروزی را با وحدت کلمه حفظ کنند، با برادران افغانی هم همکاری نزدیک داشته باشند تا آن انقلاب هم، پیروز بشود و در این منطقه یک منطقه‌ی امن، اسلامی،

به وجود بیاید، برای برادران افغانی در سراسر جهان چه در پاکستان، ایران، کشورهای عربی و چه در داخل تنها پیام ما همان پیروی از مکتب اصیل اسلامی و اتحاد کلمه در مبارزه است در مقابل اجانب که رمز پیروزی ایران هم همین بوده در افغانستان عمل کنند.

مصاحبه استاد مزاری با روزنامه اطلاعات در ۱۳۶۰/۱۲/۲[1]

یادآوری:

برادر «مزاری» یکی دیگر از مهمانان دهه‌ی فجر بود که با او، به گفتگو نشستیم.

برادر مزاری به نمایندگی از طرف سازمان «نصر» افغانستان در مراسم بزرگداشت سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران شرکت داشت. این برادر افغانی که به تازگی از افغانستان آمده است، از آخرین تحولات و اخبار در سرزمین اسلامی افغانستان برایمان سخن گفت. اینک مشروح مصاحبه را با هم می‌خوانیم:

خبرنگار: لطفاً مقداری درباره‌ی آخرین تحولات و اخبار افغانستان برایمان توضیح دهید!

استاد مزاری: اکنون دو سال از جنگ و خونریزی در افغانستان می‌گذرد، طی این مدت روس‌ها هیچ پیشرفتی نداشته‌اند و از حالت تهاجمی به حالت تدافعی در آمده اند. آن‌ها نیروهایشان را در شهرهای بزرگ و در اطراف شاهراه‌ها متمرکز می‌کنند و پس از انجام حملاتی تعدادی کشته می‌دهند و تعدادی را می‌کشند.

شب‌ها مرتب حملات چریکی انجام می‌شود، در این مدت روس‌ها نقش‌های زیادی بازی کرده اند. آن‌ها «جبهه ملی پدر وطن» را پیشنهاد کردند. آن‌ها گفتند که مایلند با (دهقانان و) «زمینداران و طنپرست» دوستی کنند. مغز متفکر «جبهه ملی پدر وطن» ببرک کارمل است و هدف او جذب زمین داران و فؤدال‌ها بود. این طرح دردی را دوا نکرد. آن‌ها منقضی خدمت‌های ۸ سال اخیر را فرا خوانده و به هر یک از آن‌ها (معادل) ۱۵۰۰ تومان حقوق می‌دهند و اگر کسانی باشند که در دستگاه‌های دولتی کار کنند، تمامی حقوق آنان را می‌پردازند.

---

۱. روزنامه‌ی اطلاعات، یکشنبه، دوم اسفند ماه ۱۳۶۰، شماره‌ی ۱۶۶۵۷.

در هفته اوّل احضار ۶۳ هزار نفر از شهر (کابل) خارج شدند. بعضی‌ها را می‌گیرند، ولی بعد از مدتی فرار می‌کنند. جمعیت کابل بیش از ۵۰۰۰۰۰ نفر است.

خبرنگار: وضع اقتصادی مردم افغانستان چگونه است؟

استاد مزاری: وضع اقتصادی مردم اصلا خوب نیست. طرفین آنچه را که در اختیار طرف دیگر بوده، از بین برده اند، در مناطق شیعه نشین گندم به عمل نمی‌اید و جو نیز به سختی به عمل می‌آید، قیمت مواد غذایی در شهرها گران است. گندم در شهر کیلوی هفت تومان است، ولی در مناطق روستایی ارزان تر است. مردم روستا از نظر نمک و چای و غیره در مضیقه هستند و (مردم) در روستاها اکثراً نان جو می‌خورند. در حال حاضر جمعیت افغانستان حدود ۱۸ میلیون نفر می‌باشد، البته سرشماری دقیقی انجام نشده است، از این عده نزدیک به ۶ میلیون نفر، شیعه هستند که با قناعت زندگی می‌کنند.

خبرنگار: اهداف اساسی مبارزان افغانی کدام است؟

استاد مزاری: خواسته‌ی مبارزان اصیل و ملت هر دو یکی است و آن استقرار نظام اصیل اسلامی است که بر اساس متون اسلامی و سیاستی که توسط مکتب تعیین شود، می‌باشد و این همان سیاست نه شرقی نه غربی است، به خصوص در میان افغانی‌ها که دارای روحیه‌ی بالایی علیه نیروهای خارجی هستند و همین که بفهمند کوچکترین وابستگی به خارج باشد، علیه آن مقاومت می‌کنند و یک سری گروه‌های اصیل هستند که این خط را دنبال می‌کنند و آن، همان خط ملت و همان اسلام اصیل و بدون تکیه بر شرق و غرب است. ملت افغانستان حتی از صحبت و تماس و اظهار دردهای ملت توسط رسانه‌های بیگانه راضی نیست. در این میان هم ابر قدرت‌ها و هم برخی از کشورهای منطقه، درصددند از چنین بهانه‌هایی استفاده کنند. بنابراین ابر قدرت‌ها به عنوان‌های مختلف چه از نظر تبلیغات و چه از نظر عوامل و چه از طریق کشورهای مرتجع منطقه که عمال ابر قدرت‌ها هستند، در آنجا دست گذاشته و سعی می‌کنند با ظاهر اسلامی مردم را گمراه کنند.

در انقلاب افغانستان خطوطی [انحرافی] وجود دارد (اما،) برای آن کسانی که در داخل افغانستان و چه در خارج (حضور دارند و) برای این هدف تلاش می‌کنند که

یک اسلام اصیل در افغانستان پیاده شود، لازم است که این خطوط انحرافی را بشناسند تا انقلاب این ملت به انحراف نرود.

البته گروه‌های انحرافی که از چهره‌ی اسلامی استفاده می‌کنند، اختصاص به اهل تسنن [یا تشیع] ندارند، در میان آن‌ها هم، طرفدارن غرب وجود دارند و هم التقاطی و...، امروز یکی از وحشتناک‌ترین مصیبت‌های افغانستان همین گروه‌های انحرافی است.

شوروی با صد هزار قوا (نیرو) کاری نتوانسته است بکند، اما این گروه‌های انحرافی از اختلافات قومی و مذهبی سوء استفاده می‌کنند و ما، ضرباتی را که از دست این‌ها خورده ایم، از قوای روس‌ها نخورده ایم. در منطقه‌ای که من آن جا بودم، دو بار جنگ شیعه و سنی راه انداختند که چهارصد خانه از طرفین سوخت. (گرچه) این‌ها که از خارج اسلحه گرفتند و به جان هم افتادند خوانین بودند (ولی) تأثیر این حادثه بر مردم زیاد بود و این قبیل حوادث باعث می‌شود، مردم از تمامی جریانات متنفر شوند.

و دیگر اینکه عمال خارج سعی می‌کنند که مردم را به انقلاب اسلامی بدبین کنند و مردم به آن راضی شوند، هر حکومتی که امنیت را تأمین کند، بر سر کار بیاید. این گروه‌ها دزدی می‌کنند و دولت هم، تبلیغ می‌کند که مجاهدین دزد هستند تا مردم را به مجاهدین اصیل بدبین کنند و گروه‌های التقاطی طرفدار چین نیز در زیر پرچم این گروه ها، به نام اسلام کار می‌کنند. در همان منطقه‌ای که ما بودیم مائوئیست‌ها جبهه باز کردند. بین سازمان نصر و مائوئیست‌ها زد و خورد شد و پنج نفر از آن‌ها کشته و ۱۸ نفر دستگیر شدند و ما یک نفر زخمی داشتیم، بقیه آنها نیز متواری شدند.

ما می‌خواستیم آن ۱۸ نفر را محاکمه کرده و جزایشان را کف دستشان بگذاریم و تحقیقات هم کردیم. اما، همین احزابی که عمال آمریکا هستند با کمک ارباب‌های منطقه اجازه ندادند که ما آن‌ها را محاکمه کنیم. آن ۱۸ نفر خودشان گفته بودند که ما جزو گروه‌های شعله و سازمان هستیم. اما گروه‌های انحرافی [طرفدار غرب] تصدیق کردند و با مکتوب‌های رسمی تأیید کردند که این‌ها مسلمانند! و در نتیجه در منطقه (به حمایت از آنان) آشوب برپا کردند و ما مجبور شدیم این ۱۸ نفر را آزاد کنیم. ما، اسناد مربوط به این ماجرا را در دست داریم.

خبرنگار: اگر ممکن است قدری درباره وضع بهداشت مردم در افغانستان توضیح

بدهید!

استاد مزاری: از نظر بهداشتی، مردم بسیار در مضیقه هستند. در مناطق بسیاری که توسط مجاهدین آزاد شده حتی یک نفر پزشک وجود ندارد، در این مناطق چندین میلیون نفر بدون پزشک زندگی می‌کنند و حتی یک بیمارستان وجود ندارد، زیرا روس‌ها به هنگام ورود به این مناطق، بیمارستان‌ها را خراب کرده بودند، (لذا) مجاهد زخمی و مجاهد شهید، یکسان است، زیرا زخمی‌ها هم شهید می‌شوند.

در جنگی که اخیراً در منطقه‌ی ما (چهارکنت) واقع شد، حدود ۱۰ روز با آن‌ها جنگیدیم، سی هواپیمای روسی ۱۶ روز، همه جا را بمباران می‌کرد و ۱۷۰ تانک و زره پوش روسی حمله می‌کردند. تعداد زیادی از زخمی‌ها به علت نبودن دارو و مشخص نشدن گروه خون، شهید شدند که در میان آن‌ها ۵۰ نفر مبارز بودند و ۵۰ نفر زن و بچه و کودک. البته مردم حاضرند به مجاهدین خون بدهند، اما وسیله‌ای که خون بگیرد و به محل برساند وجود ندارد و در نتیجه اکثر زخمی‌ها شهید شدند. بنابراین وضع بهداشتی در آنجا بسیار بد است و خدمات درمانی حتی برای زخمیان وجود ندارد تا چه رسد برای بیماری‌های معمولی.

خبرنگار: چه عواملی باعث شده است که تعداد زیادی از مردم افغانستان خانه و کاشانه‌ی خود را ترک کنند و به صورت مهاجر به کشورهای دیگر بروند؟

استاد مزاری: عوامل مختلفی در داخل افغانستان، باعث شده است که مردم مهاجرت کنند. یک عامل، حمله‌ی ناگهانی روس‌ها بود که مردم ترسیدند و فکر کردند که مجاهدین نمی‌توانند در مقابل این حمله مقاومت کنند. عامل دوم مسائلی مربوط به خدمت نظام و فراخواندن منقضی خدمت‌ها بود. کسانی که در شهرها زندگی می‌کردند تحمل زندگی در روستا را نداشتند و به خارج رفتند و عامل سوم وجود گروه‌های انحرافی و ضد انقلاب است که مردم رامجبور به فرار می‌کنند. زیرا یک سری برنامه‌های را روس ها، (به وجود آورده) بود برای تقسیم اراضی که مردم مجبور شدند زمین‌ها را بگیرند، اما گروه‌های طرفدار آمریکا و فئودال‌هایی که با این گروه‌ها (انحرافی) پیوستند، مردم را تهدید کردند که چرا زمین‌ها را گرفتید و شما عامل حکومت «ببرک» هستید و به مردم حمله کردند و آن‌ها را متهم به «خلقی» بودن و

«پرچمی» بودن کردند و یکسری از آن‌ها را کشتند و یک سری را زخمی کردند و مردم هم که حاضر نبودند به سوی روس‌ها که می‌دانستند مارکسیست هستند، بروند و در نتیجه مهاجرت کردند. این مردم فقیر بودند و زمین گرفته بودند، ولی حاضر بودند در سنگر بجنگند و گروه‌های اصیل اسلامی (در این رابطه) اعلام کردند که ما تصرفات داود و ظاهر و ببرک را غیر شرعی می‌دانیم و هیچ یک را با موازین شرعی مطابق نمی‌دانیم و هیچ کس نمی‌تواند زمینی را که مردم در دوران داود و ظاهر و ببرک صاحب شده‌اند پس بگیرد و بعد از پیروزی انقلاب، اسلام خود برای این زمین‌ها برنامه دارد، و آن که از راه حلال گرفته به خودش تعلق دارد و آن که از راه حرام، رشوه و به زور گرفته متعلق به حکومت اسلامی است و حکومت اسلامی آن را بین مستضعفین تقسیم خواهد کرد. ما با دادن اعلامیه جلوی فرار مردم را گرفتیم و حالا نیز به برادران مهاجر خود توصیه می‌کنیم که به کشور خود برگردند، زیرا مناطق زیادی از کشور آزاد شده است و در آنجا می‌توانند به کار و کسب خود مشغول شوند و حتی الامکان به انقلاب اسلامی خود کمک کنند.

مبارزین اصیل فعلا این قدرت را دارند که از این‌ها دفاع کرده و اجازه ندهند کسی به آن‌ها ظلم کند و از کشورهای همسایه مخصوصاً جمهوری اسلامی می‌خواهیم فقط از نظر فرهنگی به مهاجرین کمک کند که این به نفع انقلاب اسلامی است و بودن این مهاجرین در خارج هیچ کمکی به انقلاب اسلامی افغانستان نیست و اگر شهرها خالی شود، این به نفع روس هاست و باعث می‌شود تا همکاری‌های موجود میان مردم و مجاهدین ضعیف شود. لذا ما، بودن برادران خود را در خارج هیچ سودمند نمی‌بینیم.

خبرنگار: می‌دانید که اخیراً شاه حسین اعلام کرده است که سربازان خود را به کمک صدام خواهد فرستاد لطفاً نظر خود را در این باره و نیز درباره جنگ عراق علیه ایران بیان بفرمایید.

استاد مزاری: مسأله کمک اردن و عربستان به عراق چیز تازه‌ای نیست، مثل زمانی که حفیظ اللّه امین و تره‌کی که عمّال روسیه بودند و تمام امکانات را از روسیه می‌گرفتند و علیه ما به کار می‌بردند، اما در نزد مردم پوشیده بود که این جنگ، جنگ روسیه است و اما وقتی که روسیه به افغانستان وارد شد، پرده برداشته شد. (گرچه)

نیرو همان نیرو بود، اما برای مردم آشکار شد. در مورد جنگ عراق هم، همین طور است. جمهوری اسلامی ایران از اوّل هم با آمریکا می‌جنگید، اما اکنون این ماجرا کاملا علنی شده است و جمهوری اسلامی با مقاومت ۱۶ ماهه‌ی خود در تمام مبارزات خود پیروز شده است و حتی رسانه‌های غربی هم به این امر اعتراف دارند. پس این جنگ به نفع جمهوری اسلامی تمام می‌شود و بعد از پیروزی در این جنگ، دیگر کسی جرئت نخواهد کرد مزاحم شما شود.

خبرنگار: در خاتمه اگر مایل به ذکر نکته‌ای هستید، بفرمایید!

استاد مزاری: چون جامعه افغانستان یک جامعه‌ی مذهبی است و ابر قدرت‌ها نمی‌توانند این مسأله را درک کنند، (لذا) تلاش هایشان به جایی نمی‌رسد (و علی رغم آن ها) به اندازه‌ای مردم افغانستان به امام علاقه دارند که هر کسی بخواهد، در مبارزه شرکت کند مجبور است خود را به امام منصوب کند. در خاتمه (نکته‌ی دیگر این که) از مسؤلین جمهوری اسلامی می‌خواهیم که برای ما از رادیو زابل، برنامه‌ی فارسی پخش کنند. [و جهاد و مبارزه ملت ما را به دنیا معرفی نمایند.]

والسلام

بخش دوم

قسمت دوم:

مصاحبه‌های رهبر شهید استاد مزاری(ره)

بعد از تشکیل حزب وحدت

اسلامی افغانستان

قسمت دوم: مصاحبه‌های استاد مزاری بعــد از تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان

مصاحبه‌ی استاد مزاری با رادیو بی بی سی در رابطه با ادعاهای داکتر نجیب[1]

خبرنگار: ادعای دیروز داکتر نجیب اللّه رئیس جمهور افغانستان در یک کنفرانس مطبوعاتی در کابل، در دیدار با مقامات ایرانی در مشهد امروز واکنش تند احزاب مجاهدین افغان (افغانستانی های) مقیم ایران را برانگیخت، عبدالعلی مزاری مسئول کمیته‌ی سیاسی حزب وحدت اسلامی، امروز در گفتگوی با همکارم شهریار رادپور، حتی از توقف رئیس جمهور افغانستان در مشهد اظهار بی اطلاعی کرد.

استاد مزاری: ما از مسافرت ایشان در مشهد اطلاعی نداشتیم، و از طریق رادیوی شما خبر شدیم که گزارش کرده بودید، بعد که از مقامات جمهوری اسلامی سؤال کردیم این‌ها پنهان کردند، تا دیشب که نجیب خودش در مصاحبه‌ی خود فاش کرد که در مشهد آمده با (مقامات) جمهوری اسلامی ایران، مذاکره کرده اند، چون ما، در

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره ۱۲، دوشنبه ۱۲ قوس، ۱۳۶۹ش.

مشهد بودیم یک شایعه‌ی اینجا پخش شده بود که نجیب آمده (حالا) بعد از این که اعلام شده (باید بگویم) حزب وحدت اسلامی افغانستان به هیچ وجه من الوجوه حاضر نیست با رژیمی که بیش از یک میلیون از مردمش را شهید کرده و عامل این همه جنایت است، مذاکره بکند این از نظر ما، اما از نظر اینکه جمهوری اسلامی ایران وارد مذاکره شده این هم از نظر ما خیلی دور بود و خلاف انتظار ما بود که جمهوری اسلامی با این همه شعار انقلابی که دادن، با کسی مذاکره بکند که او بیش از یک میلیون مردمش را شهید کرده و از این جهت این مذاکراتی که انجام شده از نظر ما محکوم است و ما اجازه نمی‌دهیم هیچ کسی را و هم چنین مردم افغانستان نیز بخشیدنی نیست کسی را که از (طرف) مجاهدین حاضر شود با این رژیم مذاکره بکند.

خبرنگار: اگر تماس‌های سیاسی بین دولت میزبان شما و دولت دشمن شما ادامه پیدا بکند شما تکلیف حضورتان در ایران را چه می‌بینید؟

استاد مزاری: برای ما فرق نمی‌کند تا وقتی که ما توافق نکنیم، افغانستان را هیچ کسی نمی‌تواند مسأله‌ی آن را حل بکند، تنها این مسأله در دست مجاهدین افغانستان است و به اراده‌ی مجاهدین افغانستان تعلق دارد و هیچ کشوری نمی‌تواند تغییر بدهد.

مصاحبه‌ی استاد مزاری با خبرنگاران فرانسه[1]

حجت الاسلام استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان بعد از ظهر ۱۳۷۱/۸/۵ طی یک مصاحبه‌ی اختصاصی با خبرنگاران خبرگزاری فرانسه به سؤالات آنان پاسخ گفت:

استاد مزاری در پاسخ به این سؤال که آیا حزب وحدت برای زعامت سیاسی آینده‌ی (کشور) کاندیدای معرفی خواهد کرد گفت؟

حزب وحدت اسلامی در انتخابات شورای اهل حل و عقد، برای زعامت سیاسی آینده، کاندیدا معرفی خواهد کرد.

استاد مزاری در قسمت دیگر از این مصاحبه، پیرامون تمدید ریاست آقای ربانی در شورای رهبری گفتند: احتمالا ریاست ایشان، تا تشکیل شورای اهل حل و عقد

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۷۰، پنجشنبه ۱۴ عقرب ۱۳۷۱ش.

تمدید خواهد شد، ولی مدت دو ماه برای این تمدید زیاد است. وی ضمن تأکید بر تشکیل هر چه زودتر شورای اهل حل و عقد در رابطه با طرح امنیتی شهر کابل گفت: قرار بود امنیت شهر توسط کلیه‌ی احزاب گرفته شود ولی متأسفانه طبق این قرار عمل نشد.

استاد مزاری در پاسخ به سؤال دیگر، مبنی بر این که آیا حزب وحدت حوزه‌ی شش امنیتی را تخلیه خواهد کرد؟ اظهار داشت که حوزه‌ی ۳ و ۶ امنیتی مربوط به حزب وحدت اسلامی و حرکت اسلامی می‌باشد و نیروهای ما آنجاها را ترک نخواهند کرد. وی ضمن رد این شایعه که حزب وحدت اسلامی ساحات پوهنتون کابل و سایر مراکز علمی را ترک خواهد کرد گفت: امنیت این مناطق بر عهده‌ی حزب وحدت اسلامی است و نیروهای ما در این مناطق باقی خواهند ماند.

۱۳۷۱/۸/۵ ـ کابل

اظهارات استاد مزاری درباره شورای اهل حل و عقد[1]

حجت الاسلام مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان با تأکید بر اهمیت تشکیل شورای اهل حل و عقد گفت: چنانچه مشکلی پیش نیاید این شورا باید یک هفته پیش از پایان دوره‌ی آقای ربانی یعنی تا ۲۵ آذر (قوس) ماه تشکیل شود.

استاد مزاری که در مصاحبه‌ی اختصاصی با خبرنگاران صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران سخن می‌گفت افزود: شورای اهل حل و عقد با نظر ریش سفیدان و افراد معتمد، تشکیل می‌شود و بر اساس جمعیت افغانستان حدود ۱۲۰۰ نماینده برای عضویت در آن معرفی می‌شوند.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۷۲، پنجشنبه ۲۸ عقرب ۱۳۷۱ش.

حجت الاسلام مزاری گفت: با معیارهای که برای انتخابات اعضای شورای اهل حل و عقد در نظر گرفته شده است حقوق ملیت‌های مختلف افغانستان تا حدودی حفظ خواهد شد. در این قالب نزدیک به ۲۶۰ نفر از اعضای شورا را شیعیان تشکیل خواهند داد. آقای مزاری هم چنین گفت: مهاجرینی که هنوز به کشور باز نگشته‌اند به هر حزب و گروه، یا ملیتی که تعلق داشته باشند، در انتخابات نمایندگان شورای حل و عقد محاسبه خواهد شد.

دبیر کل حزب وحدت اسلامی گفت: پس از پایان کار شورا که رئیس آینده‌ی دولت اسلامی افغانستان را به مدت یک سال و نیم انتخاب خواهد کرد، حدود یک سوم این تعداد برای مجلس قانون گذاری افغانستان انتخاب می‌شوند و مجلس قانون گذاری افغانستان در طول مدت یک سال و نیم، پیش نویس قانون اساسی کشور را تهیه خواهد کرد و برای تصویب نهایی به آرای عمومی گذاشته خواهد شد.

مصاحبه‌ی استاد مزاری با خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در آستانه اولین سالگرد پیروزی مجاهدین، ثور ۱۳۷۲ در کابل[1]

خبرنگار: یک سال از پیروزی مجاهدین و شکست دولت دست نشانده سپری شد، شما به طور خلاصه از اوضاع یک سال گذشته چه تحلیلی دارید؟

استاد مزاری: بسم اللّه الرحمن الرحیم. یک سالی که از پیروزی مجاهدین افغانستان می‌گذرد متأسفانه در طی یک سال گذشته خلاف انتظار مردم افغانستان و مخصوصاً مردم کابل، برایشان سالی خوبی نبود و انتظار مردم بر این بود که بعد از چهارده سال جنگ و مبارزه، بعد از آن که پیروز می‌شوند یک حکومت مورد قبول همه به وجود بیاید و امنیتشان تأمین شود و دوران شادی و سرور را بگذارنند و برای آبادی مملکت اقدام بکنند، متأسفانه خلاف باورشان و خلاف انتظارشان در ظرف یک سال گذشته، برای مردم افغانستان جنگ‌هایی تحمیل شد که تقریباً ۸ یا ۹ تا جنگ در ایام پس از پیروزی تحمیل شد و خرابی‌های زیاد و مجروحین، معلولین، شهدای زیادی را به جای گذاشت. به طور دقیق اگر مسأله را بررسی بکنیم خرابی‌ها و مصیبتی را که مردم به خصوص مردم کابل متحمل شدند، بسیار سنگین تر از ۱۴ سال مبارزه‌ای که در مقابل

۱. مجله حبل اللّه (با تطبیق به اصل نوار)، شماره ۱۰۶، سال دهم، جوزای ۱۳۷۲ش.

حکومت دست نشانده‌ی شوروی متحمل شده بودند، می‌باشد.

متأسفانه دنیا یک باور از قبل در مورد مردم افغانستان داشتند که مردم افغانستان در مبارزات نظامی‌شان پیروز می‌شوند و در تاریخ مبارزه‌ی مردم ما هم ثابت شده که مردم افغانستان این دومین ابر قدرتی بود که به نابودی کشانید. ابر قدرت اول انگلیس بود که آن روز تمام و یا اکثریت دنیا را تسخیر کرده بود ولی در سرزمین افغانستان آن چنان با مقاومت مردم افغانستان روبرو شد که شکست خورد و شکست ادامه پیدا کرد تا از ابر قدرتی افتاد و تا این که منحصر به انگلستان گردید. ابر قدرت دوم روسیه بود که هفتاد سال حکومت مارکسیستی روسیه، آن چنان وحشتی در دنیا ایجاد کرده بود که نصف سرمایه‌ی دنیا برای جلوگیری از پیشروی روس‌ها مصرف می‌شد، در هر سرزمینی که ارتش سرخ پا می‌گذاشت آزادی و استقلال مردم سلب می‌شد و مردم از استقلال و آزادی دست می‌کشیدند و همسایه هایشان در لرزه بودند که چه وقت هجوم خواهد آورد ولی زمانی پا به افغانستان گذاشت، مردم قهرمان افغانستان نه تنها افغانستان را آزاد کرد که نصف جهان را آزاد کرد، اروپای شرقی مرهون مبارزه‌ی مردم افغانستان است که به آزادی رسیدند، آسیای میانه آزاد شد، خود مردم قبول دارند و کل دنیا می‌داند که این آزادی در اثر مبارزه‌ی سرسختانه‌ی مردم افغانستان به دستشان آمد.

متأسفانه در گذشته باور دنیا همین بوده مردم افغانستان، در مبارزه‌ی نظامی پیروز است ولی در تشکیل حکومت ملی، مردم افغانستان شکست می‌خورد. در یک سال گذشته این باور را دوباره در اذهان جهان و مردم افغانستان زنده کرد که مردم افغانستان از نظر سیاسی ضعیف‌اند و نمی‌توانند مشکلشان را خودشان حل بکند و یک حکومت دلخواه خود را که قاطبه‌ی مردم حمایت بکنند، به وجود آورده نمی‌توانند و این باور یک باور بسیار خطرناک و یک باوری است که برای مردم افغانستان کشنده است، حرف ما این است که این‌هایی که خود را رهبران جهادی می‌نامند باید این باوری را که دنیا در مورد مردم ما دارند باطل کنند، باید ثابت کنند که مردم افغانستان هم چنان که مرد جنگ و مبارزه اند، مرد سیاست و تشکیل دهندگان یک حکومت اسلامی هم هستند.

در این یک سال گذشته (رهبران) بسیار بد عمل کردند، در افغانستان و بی عرضه گیشان را برای مردم اثبات کردند، عنقریب مردم و جهان اسلام را مأیوس ساختند، این‌ها هیچ گونه تعهدی در مقابل مردمشان ندارند، هیچ دلسوزی برای مردمشان ندارند و هیچگاه برای مردمشان فکر نمی‌کنند؛ فقط برای خودشان و قدرت خود فکر می‌کنند. این‌ها هنوز مردم افغانستان را نشناختند، مردمی که باعث شکست اتحاد شوروی می‌شود و باعث آزادی توده‌ها می‌شود و ۱۴ سال مبارزه می‌کنند باید بدانند که مردم دیگر انحصارطلبی را قبول ندارند، لهذا خوب است که هر کس به حق خودش اکتفا بکند زیاده خواهی و سلطه جویی نکند.

در افغانستان قبلا دو باور دیگر نیز وجود داشت، یک باور این بود که مردم مبارزه کردند ولی یک حکومت دلخواه تشکیل نشد، این را فکر می‌کردند یک قوم برای مردم خیانت کرده، به این باور بودند که یک قوم سر باقی اقوام ظلم کرده و حکومتی را که بر قرار کرده به نام اسلام بوده و بسیاری از ملیت‌ها خواهان حقوقشان بودند و فکرشان این بود که با آن قوم مبارزه و مقاومت بکنند، چون آن حکومت را امیران و رؤسا تشکیل می‌دادند و ظلم می‌کردند، دیگر اقوام فکرشان این بود که کل آن قوم بر آن‌ها ظلم می‌کند، ولی در ظرف این هشت ماه اخیر این باور عوض شد برای این که حکومات قبلی یک حکومت اسلامی نبود و از نام اسلام استفاده می‌کردند، برای قدرت طلبی و جاه طلبی‌شان مال یک قوم نبود بلکه یک قبیله و خوانین با همکاری بیگانگان سر مردم مسلط شده بودند و به مدت ۲۵۰ سال خاندانی حکومت کرده بودند، مردم قهرمان ما آن‌ها را با اربابانشان از افغانستان خارج کردند ولی از در بیرون کردند و از پنجره وارد شدند. باید مردم افغانستان امروز بدانند که اگر ۲۵۰ سال ظلم بالایشان شده این، جای انکار نیست، منتها این ظلم نه مال اسلام بود که آن‌ها بنامش حکومت می‌کردند و نه هم مال یک قوم بلکه یک خاندانی که وابسته به خارج بودند که سر باقی مردم ظلم کردند و حق طبیعی مردم را غصب کردند و این که امروز مردم از دولت‌های گذشته شکایت دارند که سیستم حکومات گذشته، ظالمانه بوده این حق مردم است و اگر مردم می‌آیند و نفوس را در انتخابات و تشکیلات اداری مملکت مطرح می‌کنند، باز این حق همه‌ی مردم افغانستان است، و اگر مردم رأی گیری آزاد را مطرح می‌کنند

حقشان است و در اسلام تأمین شده است و آن اسلامی را که مجاهدین حقیقی افغانستان و آن وارثین واقعی شهدا دنبال پیاده کردنش هستند، همه‌ی این مظالم را رد می‌کنند و در طول هشت ماه اخیر با این همه ظلمی که بر مردم صورت گرفت، تاریخ گذشته‌ی افغانستان را، با تصویر روشن و مشخص برای مردم افغانستان بیان می‌کند.

چطور یک کسانی که ۱۴ سال به نام اسلام و مردم افغانستان به عنوان رهبرانش مبارزه می‌کند و به عنوان اسلام خواهی در ظرف ۸ ـ ۹ ـ ۱۰ ماه این همه ظلم را برای مردمش روا می‌دارد، این در کجای اسلام است؟ این در کجای جهاد است؟ این در کجای عدالت اسلامی است؟ و کسانی که اسلام را سپر می‌گیرند و از اسم اسلام و نژاد هم استفاده می‌کنند، ما را به این باور می‌رسانند که نه آن روز، حکومات ظالم گذشته سرچشمه از اسلام گرفته بودند (و نه امروز) بلکه اسلام را وسیله قرار داده بوده و مسأله‌ی نژاد را باز وسیله‌ی دیگری برای برقراری حکومتشان قرار داده بودند، امروز عین همان مسأله در افغانستان تکرار می‌شود و امروز می‌آیند و مدعی اسلامی بودن بیشتر از دیروز هستند و این‌هایی که روایت را بیشتر از آن‌ها می‌خوانند و خود را به عنوان رهبر نهضت اسلامی می‌خوانند ولی می‌بینیم که برای قدرت طلبی و انحصارطلبی این همه ظلم را بر مردمشان با سرمایه‌ی خود این مردم روا می‌دارند. نه امروز این‌ها حکومت اسلامی‌اند و نه ۲۵۰ سال گذشته و باید ببینیم و نتیجه بگیریم که ظلم اشخاص، ظلم قوم نیست و این را به مردم افغانستان با صراحت بیان می‌کنم که مردم افغانستان از اقوام مختلف تشکیل شده و همه برادر و همه از یک سرزمین‌اند و می‌خواهند در یک سرزمین زندگی بکنند و مردم، هیچ کدام دشمن دیگری نیستند و هیچ کس نمی‌تواند قوم یا اقوام دیگر را حذف بکند. اگر به حساب قومیت، به حساب نژاد، ظلم می‌کنند این ظلم مربوط شخص یا اشخاص قدرت طلب است. لهذا برای مردم افغانستان از همه چیز مهم تر برادری و اخوت و دوستی ضرورت دارد و مردم هم تشنه‌ی آن هستند.

لذا ما اطمینان می‌دهیم برای مردم، اگر روزی در این سرزمین حکومت اسلامی واقعی برقرار شود نه در آن حکومت اسلامی تبعیض نژادی وجود دارد و نه حق کشی

وجود دارد و نه تبعیض لسانی و مذهبی وجود دارد، اسلام یک مکتب زنده‌ای است که برای نجات دادن بشریت، در عالم عرض اندام نموده و مکاتب دیگر، روز به روز به طرف بطلان پیش می‌رود ولی اسلام روز به روز حقانیت، جامعیت و عدالتش را به اثبات می‌رساند. امروز بشر سرگردان، دنبال مکتب نجاتبخش اسلام می‌گردد و تشنه‌ی آن است و امید جهان در افغانستان دوخته شده و امید مسلمان‌ها که ۱۴ سال (با مردم ما) همنوایی داشتند و بشریت هم تشنه‌ی عدالت اسلامی است و مردم ما ۱۴ سال را به این امید مبارزه کردند و مردم انتظار و امید حکومت اسلامی را داشتند.

ولی متأسفانه استکبار غرب و دشمنان اسلام به دست خود کسانی که مدعی اسلام خواهی بودند، جهاد و مبارزه را لکه دار ساخت که اگر میلیاردها پول مصرف می‌کرد به این اندازه موفق نمی‌شد که مردم را از اسلام مأیوس بسازد، ولی ما امیدوار هستیم که مجاهدین حقیقی و مردانی که دلشان برای اسلام و مردم افغانستان می‌سوزد، اسلام و مردم را از این حالت نجات بدهند و چشم امید مردم و جهان اسلام را روشن بکنند و از این که خداوند تبارک و تعالی این وعده‌ی حق را به مسلمانان و بندگان خودش داده، مطمئن هستیم، در این راه پیروز می‌شویم و حکومت اسلامی را که حقوق همه را برآورده سازد تشکیل خواهد شد. ولی برای مردم افغانستان سال گذشته سال تلخی بود و مخصوصاً برای مردم ما که هشت تا جنگ را تحمل کردند که از نظر اجتماعی و از نظر شرایط زندگی بسیار سخت و دشوار بود، ولی ما امیدوار هستیم که رهبران جهادی به هوش بیایند و به حال این مردم دلشان بسوزد و از خودخواهی و جاه طلبی و بی قولی بیرون بیایند، به امضاء و تعهدشان ارزش قائل شوند و برای مردم افغانستان احترام قائل شوند و به جان و مال این‌ها و برای ناموس این‌ها احترام قائل شوند و حکومتی که خواست همین مردم است و امنیتی که مردم تشنه‌ی آن است برقرار شود.

خبرنگار: استاد محترم، در این اواخر شاهد فاجعه‌ی بسیار تلخ و دلخراش در منطقه‌ی افشار بودیم در این مورد لطف نموده توضیح بفرمایید، و بفرمایید که با عاملین این جنایت چه نمودید؟

استاد مزاری: البته برای مردم ما و مردم کابل همان طوری که عرض کردم هشت ماه گذشته ماه‌های تلخی بود، ویرانی‌ها و خرابی‌های زیادی را بر مردم تحمیل کردند

و مخصوصاً برای مردم ما، هشت تا جنگ را تحمیل کردند و همه‌ی این جنگ‌ها بسیار ویران کننده و خطرناک (بود) که عاملین جنگ‌ها نابودی مردم ما را می‌خواستند ولی مردم ما با فداکاری و شهامت و شجاعت با یکدستی و با وحدت از خودشان دفاع کردند و دفاع جانانه کردند و دشمن را سرکوب نمودند. متأسفانه اینجا بار دیگر تاریخ تکرار شد و وقتی که عبدالرحمان خان صد سال قبل تصمیم می‌گیرد که یک دولت مرکزی به وجود بیاورد که دولت‌های ملوک الطوایفی و عشیره‌ای را به یک دولت مرکزی تبدیل کند، همه‌ی این دولت‌ها با عبدالرحمن خان مخالفت می‌کنند ولی در آن روز هم مخالفت مردم ما شدید بود و هم عکس العمل عبدالرحمن در قبال مردم ما، در آن وقت هفت سال مبارزه و دوام پیدا می‌کند عبدالرحمن مأیوس می‌شود وقتی که از راه جنگ مأیوس می‌شود برای به اطاعت کشاندن مردم ما از راه دیگری وارد می‌شود، به این شکل که تعداد خائنین ملی به مردم را پیدا می‌کند و آن‌ها را اجیر می‌کند برایشان مقام و منصب وعده می‌دهد که به مردمشان خیانت بکنند.

متأسفانه در آن زمان این توطئه موفق می‌شود، مردم که هفت سال قهرمانانه جنگیدند و دولت مرکزی را به زانو در آورده بودند ولی وقتی که خائنین دست به خیانت می‌زنند مردم ما به شکست روبرو می‌شوند و ۶۲ درصد مردم از بین رفتند یا آواره شده به کشورهای همجوار مهاجرت می‌کنند، برای مردم ما مسأله‌ی بردگی را وضع می‌کند و مسأله‌ی کنیز و غلام را وضع کردند و تا دوران امان اللّه این مسأله ادامه پیدا می‌کند و مردم را خرید و فروش می‌کردند و از قیمت این‌ها مالیات می‌گرفتند و به خزانه‌ی دولت می‌ریختند.

این بار هم که ایادی خارج با برنامه‌ی از قبل طرح شده به سراغ مردم ما آمده و برای حذف مردم ما از صحنه سیاسی اقدام کردند جنگ را علیه این‌ها آغاز کردند و مردم ما ۴ ـ ۵ جنگ را که جنگ‌های بسیار خطرناک و نابود کننده بود پشت سر گذراندند و دشمن را درس داد، در اخیر باز تاریخ تکرار شد، دشمن وقتی از مقابله‌ی مستقیم با مردم ما مأیوس شد، شروع به همان دسیسه‌ی تاریخی نمود که باید تعدادی را بخرند و خائنین را پیدا بکنند که باز و یک بار دیگر به مردم ما خیانت بکنند و ما وقتی از بامیان آمدیم، احساسات مردم را که دیدم عشق و علاقه مردم به وحدت و

یکپارچگی و دفاع مشترک از خودشان، به این باور بودیم که دیگر از این مردم کسی پیدا نمی‌شود که به مردمش خیانت بکند، این باورم بود و می‌گفتم صد سال قبل اتفاق افتاده و از این مردم گذشت و دیگر تکرار نمی‌شود. متأسفانه باز تکرار شد در قضیه‌ی افشار تعدادی از خائنین پیدا شدند که به این مردم خیانت بکنند و سنگرها را بفروشند تعهد بکنند که از این مردم دفاع نکنند با این که این مردم آن چنان برای این‌ها خدمت کرده بود، آن چنان از خودشان مایه گذاشته بود، آن چنان به این‌ها سنگر می‌ساخت و آن چنان با این‌ها غذا می‌رساند که در تاریخ ملت‌ها این گونه فداکاری کم وجود دارد، ولی این‌ها بی شرمانه حاضر شدند که به همین مردم فداکار خیانت بکنند و این فاجعه پیش آمد.

در جنگ مهم نیست که یک سنگر پیروز شود و یا شکست بخورد، این از خصلت و طبیعت جنگ است ولی فاجعه‌ای که به مردم پیش آمد بسیار فاجعه‌ی خطرناک و فاجعه‌ی تکان دهنده بود از چند جهت تکان دهنده بود، از یک جهت این که یک بار دیگر ثابت شد که مواظب خائنین در داخل ملت باشیم و این درسی بسیار بزرگ بود و یک چیز دیگر که نیز ثابت شد، آن روز که عبدالرحمن جنایت را انجام داده بود که لکه‌ی ننگ در تاریخ افغانستان بود و متعلق به قوم پشتون بود و مردم ما به این باور بود که پشتون‌ها به ما ظلم کرده و دشمن ما پشتون‌ها است و این فاجعه اثبات کرد که این مظالم مال اشخاص است، مال اقوام و ملت‌ها نیست، این بار آن چنان فجایع پیش آمد که روی فجایع دوران عبدالرحمن را شست. و این‌ها بر مساجد حمله کردند و آن را ویران نمودند، خانه‌ها را سوزاندند و طفل‌های کوچک و زن‌ها و پیرمردهای ۷۰ ساله را سر بریدند و در این قضیه عمق کینه‌ی درونیشان نسبت به مردم ما فهمیده می‌شود که نسبت به مردم ما چقدر کینه دارند و چقدر منافق‌اند که شعار می‌دهند به نام ملیت‌های محروم، ولی این چنین ظلم را روا می‌دارند. اگر مسأله تنها جنگ بود، بین حزب وحدت و جمعیت و اتحاد بود مردم چه گناه داشتند که آن گونه ظالمانه با آن‌ها رفتار کردند، مردم از وحدت بود، از حرکت بود و بی طرف هم بود تنها به هزاره‌ها ظلم نشد به تمام کسانی که این جا ساکن بودند، ظلم شد و آنها را کشتند و خانه هایشان را ویران کردند، این جا فقط یک مسأله با تکرار تاریخ و تاریخ گذشته

فرق داشت. در گذشته کسانی که آمدند به ملت ما خیانت کردند و ملت ما را به آن وضع نابسامان و نابهنجار گرفتار کردند، خود خائنین در کنار عبدالرحمن به سرداری رسیدند و مدت‌ها سردار بودند و ملت ما دستشان نرسید که آن‌ها را محاکمه کنند و جزا بدهند، ولی امروز این خائنین اکثریت قاطعشان دستگیر شده دوتایشان اعدام شدند و دیگرانش نیز به جزای اعمالشان می‌رسند و مردم ما شاهداند که چطور خائنین به جزای اعمالشان می‌رسند این یک پیروزی برای مردم ما است که خائنین را به جزایشان می‌رسانند تا به خائنین آینده عبرت شود که دیگر به این مردم دست به خیانت نزنند و مردم در داخل و خارج آن چنان احساسات نشان دادند و فداکاری کردند که در تاریخ اینگونه مردم فداکار کم پیدا می‌شود، ما از این جهت بسیار خوشحال هستیم و بسیار مفتخریم که در بین همچو مردم ایثارگر و فداکار هستیم و این‌ها نسبت به سرنوشتشان، آینده‌شان حساس‌اند واز این جهت خوش وقتیم.

خبرنگار: معاهده‌ی اسلام آباد توسط (گروه ها) امضاء شد و کشورهای پاکستان، ایران و عربستان نیز به عنوان ناظر امضاء کردند (ولی) تاکنون موفقیت نداشته، در آینده چه فکر می‌کنید آیا حل کننده‌ی قضایای افغانستان خواهد بود؟

استاد مزاری: متأسفانه همان طوری که قبلا یادآور شدم که نقض این مسأله برمی گردد به کسانی که امروز به عنوان رهبران جهادی قلمداد شده اند، معاهده‌ی اسلام آباد نواقص زیادی داشت. ما با این توافقنامه موافق نبودیم ولی به خاطر آن که اثبات کرده باشیم که ما مانع صلح نیستیم، ما مانع برقراری یک حکومت نیستیم، با این که در محتوای توافقنامه موافق نبودیم، نماینده‌ی حزب وحدت شرکت کرد و این توافقنامه را امضاء کرد. بعد از این که نماینده‌ی حزب وحدت امضاء کرده باید پابند باشیم و این توافقنامه اجرا شود و امید مردم همین توافقنامه بود. متأسفانه این مسأله برمی گردد به همان مسأله‌ی رهبران که قبلا اشاره کردم این‌هایی که به عنوان رهبران مجاهدین است این‌ها باعث تمام این بدبختی‌ها به مردم افغانستان شده یک تعدادشان اصلا از خود اراده ندارند، اصلا پابند به تعهد و امضاءشان نیست فقط دنبال پله‌ی ترازو می‌بینند که کدام طرف قضیه سنگینی می‌کند همان طرف می‌رود، یک تعداد دیگرشان آن چنان قدرت طلب، انحصار طلب است که هنوز مردم افغانستان را درک نکردند،

مردمی که در مقابل اتحاد جماهیر شوروی ایستاده و با دست خالی ۱۴ سال مبارزه کرده و از حقشان دفاع کرده است الآن زیر بار قدرت طلبی و انحصارطلبی نمی‌روند. لهذا از این جهت این‌ها وقتی در پاکستان، دست به سینه می‌گذارند و می‌گویند هر چه شما می‌گویید، ما قبول می‌کنیم، ما صلح می‌خواهیم، ما آرامی می‌خواهیم، ما هیچ گونه نقطه نظر در مسأله نداریم وقتی که امضاء می‌کنند و به داخل افغانستان می‌آیند فراموش می‌کنند، چون به مردم فکر نمی‌کنند و دنبال منافع شخص خود می‌گردند و در توافقنامه، توافق شده بود که ظرف دو هفته صدر اعظم کابینه را با مشوره‌ی رهبران معرفی بکند و قرار گذاشتند که به جلال آباد بیایند و جمع شوند، با مشوره کابینه معرفی شود و تعداد زیادی از این رهبران نیامدند و نماینده هایشان آمدند که بعد از مشوره‌ای با صدر اعظم داشتند تک، تکی این نماینده‌ها نشستند و با صدر اعظم مذاکره کردند و با تقاضای نماینده‌ی جمعیت و نماینده‌ی اتحاد، معرفی کابینه توسط صدر اعظم تا ۹ حمل به تأخیر افتاد و آنجا گفتند که اگر ما نتوانستیم تا ۹ حمل رهبران خود را در جایی غیر از جلال آباد حاضر بکنیم دیگر حق اعتراض نداریم و در آنجا صدر اعظم خواست که هر حزب ده، ده نفر در کابینه معرفی بکنند تا کابینه تعیین شود و اکثریت قاطع معرفی کردند و پیش از ۹ حمل تعدادی از نمایندگان در چهار آسیاب جمع شدند، متأسفانه که از رهبران در آنجا خبری نبود، نیامدند و تخلف کردند و باز در آنجا لیست کابینه را ترتیب دادند و به آقای ربانی فرستادند این یک طرف قضیه بود. طرف دیگر قضیه که در بند توافقنامه، مسأله‌ی آتش بس آمده بود، بعد از توافقنامه اسلام آباد تا حالا مدت سه ماه می‌گذرد، هیچ گونه آتش بس رعایت نشده، نه از ناظرین که تضمین کننده بودند، خبری است و نه هم آمدند بازخواست کنند که چه کسی تخلف کرده، نه از رهبرانی که رفته و امضاء کرده بودند.

ماده‌ی دیگر توافقنامه آزادی بی قید و شرط اسراء بود و تا حالا کسی اسیری را آزاد نکرده و برگشت مهاجرین بود و پنج تا کمیسیون باید تشکیل می‌شد، این کمیسیون‌ها تشکیل نشده و نماینده‌های احزاب نیامدند، لهذا ما معتقدیم که این توافقنامه از روی خودخواهی از بین می‌رود و یک فاجعه‌ی دیگر در اثر این خودخواهی برای مردم ما پیش روست و تا رهبران متعهد به امضاء و تعهدشان نباشند این مصیبت

از سر مردم ما کم نمی‌شود، ما معتقدیم که امروز اگر توافقنامه‌ی اسلام آباد عملی نشود دیگر نه رئیس جمهور در افغانستان قانونی است و نه صدر اعظم و نه کابینه، برای این که امروز در افغانستان انتخابات به وجود نیامده تا مردم رئیس جمهور را انتخاب کرده باشند و حکومت مردمی به وجود آمده باشد، حکومت احزاب بوده و هشت حزب امضاء کرده و خود رهبران آن را نقض نموده، ربانی کابینه‌ی آقای صدر اعظم را اعلام نکرد که هیچ، بلکه چند رهبر را جمع کردند و طرح پنج حزب را ریختند و کابینه‌ای را از طرف خود ترتیب دادند و خلاف توافقنامه عمل کردند زمانی که امضاء هشت حزب نزدشان اعتبار نداشته باشد، امضاء پنج حزب چگونه اعتبار دارد؟

وقتی توافقنامه نقض شود آن معاهده از بین برود، دیگر نه رئیس جمهوری وجود دارد که کابینه تشکیل بدهد و نه احزاب است که بنشینند و طرح بدهند و برنامه ریزی بکنند، حکومتی وجود ندارد، خودشان توافقنامه را نقض کردند و از این جهت امیدی برای آینده وجود ندارد و در جایی امید تفاهم وجود دارد که در پی حذف یکدیگر نباشند. اینجا وقتی که می‌آیند، در این جا برای حذف یکدیگر اقدام می‌کنند، وقتی که بناست در پل چرخی جلسه گذاشته شود، راه پل چرخی مین گزاری می‌شود، برای این است که این‌ها هیچ وقت تحمل یکدیگر را ندارند و هیچ وقت، تصمیم ندارند که بین هم بنشینند و روی آینده‌ی حکومت و منافع مردم فکر بکنند. زمانی که تعهد نباشد و برای حذف یکدیگر تصمیم گیری می‌کنند، کسانی که شب و روز برای حذف یکدیگر گام برمی دارند به مردم فکر نمی‌کنند و دل نمی‌سوزانند این جا (است که) دل ما برای مردم افغانستان و مردم مظلوم کابل می‌سوزد. لهذا تقاضای ما این است که این‌ها به خود بیایند، به حرف و تعهد و امضاءشان ارزش قائل شوند، یک لحظه برای مردم فکر بکنند و یک مقدار برای آینده‌ی مملکت فکر بکنند، که چقدر این مردم و این مملکت را این‌ها به خرابی کشانیده اند؟ برای حذف یکدیگر خود فکر می‌کنند.

ما از بابت که این اعمال را و این روش‌ها را دیدیم برای آینده‌ی مسأله خوشبین و امیدوار نیستیم. از خداوند می‌خواهم که مردم به آرامش برسند و کسانی را که مردم را به این روز کشاندند از سر این مردم برطرف کند تا مردم نفس راحت بکشند و مردم بتوانند حکومت دلخواه‌شان را به وجود بیاورند.

خبرنگار: استاد، میزان حضور نیروهای حزب وحدت اسلامی در شهر کابل به چه صورت است و کلا حزب وحدت اسلامی چه خواسته‌هایی دارد و در راه تأمین این خواسته‌های خود چه تلاش‌هایی داشته؟

استاد مزاری: نیروهای وحدت اسلامی در مرحله اوّل، هدفش دفاع از مردم‌شان است از مردم خود دفاع می‌کند، برای این مسأله مصمم است در هشت جنگی که علیه‌شان تحمیل شده، این مسأله را اثبات کرده و خواهان حقوق اجتماعی و سیاسی برای همه‌ی مردم افغانستان است که یک حکومتی تشکیل شود که اراده‌ی همه‌ی مردم افغانستان در آن حکومت دخیل باشد و حقوق همه در نظر گرفته شود و از یک راه قانونی و تشکیلات گذشته‌ی دولت‌ها که ظالمانه بوده تغییر کند مجلس‌هایی که قلابی بودند بر اساس نفوس به وجود بیاید و از یک راه قانونی حقوق همه در نظر گرفته شود این خواست مردم ما است و از این خواسته حزب وحدت دفاع می‌کند و حامی مردم است و مردم هم از حزب وحدت حمایت می‌کند. نظامیان حزب وحدت در هر شرایطی آماده است از مردمش دفاع بکنند و از حیثیت سیاسی‌شان دفاع می‌کنند.

خبرنگار: در این اواخر اعلامیه‌ی از طرف حزب اسلامی حکمتیار در کابل پخش شده و در آن تذکر داده شده که علیه شیعیان دست به جهاد بزنند، نظر شما در رابطه با این اعلامیه چیست؟

استاد مزاری: این اعلامیه از طرف خاد پخش شده و از طرف حزب اسلامی نیست، چون این‌ها تلاش زیادی می‌کنند و پول‌های زیاد مصرف می‌کنند، برای این که رابطه‌ی حزب وحدت و حزب اسلامی را به هم بزنند، چون وجودشان بستگی به نفاق جامعه دارد و این‌ها با ایجاد نفاق، بین مردم به قدرت رسیدند. ما معتقدیم که این اعلامیه از طرف حزب اسلامی نیست بلکه از طرف خاد که متعلق به شورای نظار است می‌باشد و این‌ها پول می‌دهند که افراد حزب اسلامی اختطاف شود و ایجاد درگیری شود و نفاق بین ملیت‌ها ایجاد شود تا خودشان حکومت بکنند و برای بقاء و چپاول شان، به راحتی ادامه بدهند و ما اطمینان می‌دهیم به مردم، حزب اسلامی و حزب وحدت که از طرف این دو حزب همچو اقداماتی صورت نمی‌گیرد این توطئه مال کسانی است که

وحدت ملیت‌ها را دیده نمی‌توانند و لذا ایجاد نفاق می‌کنند، ما اطمینان می‌دهیم که با هیچ ملیت قصد دشمنی نداریم فقط در مقابل ظلم ظالم حزب وحدت ایستاده است و روزی که یک حکومت اسلامی به وجود بیاید هچیگونه اختلاف بین ما و دیگر اقوام و احزاب وجود ندارد.

فریب توطئه‌ها را نخورید، این اوّلین توطئه نیست، توطئه‌هایی را از قبل انجام داده و این‌هایی که تشنه‌ی قدرت‌اند و جز قدرت هیچ چیزی را نمی‌بینند، به این توطئه اکتفاء نمی‌کنند و مردمی که ۱۴ سال جهاد کردند و در یک سنگر خون دادند این توطئه برای آنها، کارگر نیست و مردم باید هوشیار و بیدار باشند و توطئه‌های دشمن را با هوشیاری‌شان خنثی بکنند و هیچ تزلزلی برای ایجاد یک حکومت اسلامی به دلشان راه ندهند و دستخوش این توطئه‌ها قرار نگیرند.

خبرنگار: همان طوری که اطلاع دارید، این مصاحبه برای مهاجرین خارج انجام شده برای آن‌ها چه پیامی دارید؟

استاد مزاری: کلیه‌ی مردم ما که در خارج‌اند چه آن‌هایی که از دوران ستم عبدالرحمن فراری شدند و در کشورهای همسایه هستند و مقیم شدند و چه مهاجرین عزیز که در اثر ۱۴ سال جنگ در افغانستان مهاجر شدند، پیام ما برای این عزیزان این است که امروز سرنوشت‌شان به سرنوشت مردم کابل گره خورده و حیات آینده‌شان به حیات مردم کابل گره خورده است و تا حالا هم حمایت کردند، حمایت بی دریغی کردند که زبان ما قاصر است از این که بتوانیم وصف و تشکر بکنیم از این مهاجرین و کسانی که در خارج بودند که در تاریخ سابقه نداشته یک همچو اخلاص و همچو حمایتی، این حمایت را ادامه بدهند و این حمایت را تا آن وقتی که خطر از این مردم رفع نشده تا وقتی که این مردم از نگاه حقوق سیاسی و اجتماعی‌شان تثبیت نشوند این همکاری و حمایتشان را ادامه بدهند و برای حیات آینده‌شان حساس باشند و فکر بکنند و ما معتقدیم که تا حالا خوب حمایت کردند و خوب همدردی نشان دادند و امیدواریم که در آینده‌ی نزدیک یک حکومت اسلامی که حقوق همه‌ی ملیت‌ها را دربر داشته باشد تحقق پیدا بکند، حکومت اسلامی که همه‌ی مردم و جهان اسلام تشنه‌ی آن است و این خطر جنگ و نابودی [هم] رفع شود و مهاجرین عزیز سربلند،

با عزت و با آبرو و سرفرازی به کشورشان برگردند و هموطنانشان از مهاجرین استقبال بکنند و پیروزی اسلام را در کابل جشن بگیریم و برادران هم از تحقیر و شکنجه‌هایی که در خارج می‌شوند خاتمه پیدا بکنند و در آبادی و عمران این خانه‌ی مشترک شرکت بکنند، این آرزوی ماست برای آن برادران.

والسلام

مصاحبه‌ی مهم دبیرکل حزب وحدت اسلامی با هفته نامه‌ی کابل[1]

یادآوری:

«هفته نامه‌ی کابل» نشریه‌ی است که زیر نظر دولت بر کنار شده‌ی استاد ربانی تأسیس شده و این مصاحبه را در آن زمان با حضرت استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان انجام می‌دهد که بخش نخست آن را در شماره ۲۲ هفته نامه مزبور، مورخه‌ی ۳۱ سرطان ۱۳۷۲ چاپ شده است و اما متن کامل آن را خبرگزاری وحدت اسلامی از کابل، برای هفته نامه وحدت، ارگان نشراتی حزب وحدت اسلامی خارج از کشور فرستاده است که می‌خوانید:

هفته نامه‌ی کابل: اطلاع به دست رسید که طی آن (خبرنگار ما) آمادگی خویش را برای انجام گفتگو با حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری، دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان پیرامون وضع جاری سیاسی کشور و موضع گیری‌های آن حزب، در قبال قضایای سیاسی اعلام داشت، بالمقابل مقام رهبری حزب وحدت اسلامی موافقت خویش را جهت انجام (چنین) مصاحبه‌ی مفصل با خبرنگار اختصاصی هفته نامه‌ی کابل، به اطلاع ما رسانید. لازم به تذکر است که ژورنالیست جسور ما دوشیزه لیلا یلدا که

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۰۸، ۷ اسد ۱۳۷۲ش.

وظیفه‌ی تهیه‌ی مصاحبه را به عهده گرفت، تا رسیدن به پایگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی از میان افراد مسلح بی شمار و از لابلای توپ و تانگ راهی غرب کابل شده و خطرات احتمالی زیادی را در امتداد راه، پشت سر گذاشته است. اینک بخش نخست این مصاحبه را که در این شماره فراهم آورده است ذیلا مطالعه می‌فرمایید:

وقتی وظیفه گرفتم که مصاحبه‌ی اختصاصی با محترم عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان داشته باشم، یک روز قبل با (دفتر استاد مزاری) تماس تلفنی حاصل نمودم، ایشان برای فردای آن روز، ساعت ۴ بعد از ظهر را اجازه ملاقات دادند، اگر چه رفتن به سمت غرب کابل و مصاحبه با مزاری صاحب، برای دوستان ژورنالیست به خصوص خانم‌ها باور نکردنی و دور از تصور می‌نمود با آن هم فردای آن روز ساعت چهار بعد از ظهر توانستم خود را در منزل ایشان واقع در کارته‌ی ۳ برسانم، در نزدیکی دروازه و دم در، افراد مسلح زیاد بودند، من خودم را به آن‌ها معرفی کردم و یک تن از آنان داخل رفت و بعد از لحظاتی دوباره برگشت در حالی که همه در تعجب بسویم می‌نگریستند، داخل منزل شدم در سالن زیبا و مزین پذیراییم کردند، لحظه‌ای گذشت که محترم مزاری با جمع کثیری از افراد، از اطاق مقابل وارد سالن شدند و در حالی که برای سلام بنده کمتر توجه نمودند از چندین کوچ و چوکی گذشته در صدر سالن قرار گرفت، من هم در چوکی پهلویشان نشستم و بعد از اجازه خودم را معرفی کردم. هنگام معرفی چنین تصور می‌شد که ایشان حضور ذهنی به گفته هایم ندارند ولی یک بار روی حرف هایم لبخند خفیفی روی لبهایش نقش بست و خدا را شکر کردم و جرئت یافتم که سؤالهایم را آغاز نمایم و خود از محترم عبدالعلی مزاری در مورد سیاست جاری (حزب وحدت) پرسیدم.

ایشان چنین گفت: سیاست حزب وحدت اسلامی بارها اعلام شده است، در جهاد افغانستان، همه‌ی مردم افغانستان سهم داشته است باید، برای مرجع قانونی (حکومت افغانستان) همه‌ی مردم سهیم باشند و درباره آینده‌ی افغانستان تشکیل (یک) مرجع قانونی به وجوداید و از آن مرجع قانونی حزب وحدت حمایت می‌کند و تا زمانی که انتخابات دائر نشده است، مرجع قانونی شورای قیادی احزاب است. همین رهبران و

احزاب است که تصمیم می‌گیرند تا دولت تشکیل شود و باید به توافق آن‌ها باشد و روی این مبنا ما توافق نامه‌ی اسلام آباد را با حضور رهبران و یا نمایندگانشان، با این که طبق خواسته‌ای ما نبود مگر همه‌ی رهبران جهادی پای توافق نامه امضاء کردند و حزب وحدت اسلامی هم، از توافق نامه حمایت می‌کند و دولت پاکستان از ما دعوت کرده بود و ما هم موافقت خود را اعلام کردیم و بعد از آن توافق نامه‌ی جلال آباد امضاء شد، در آنجا نیز نمایندگان تنظیم‌ها حضور داشتند، ما همان ملاحظات را که در توافق نامه‌ی اسلام آباد داشتیم و در این جا نیز داریم (ولی از آنجای) که نماینده‌ی ما آن را امضاء کرده بود ما از آن حمایت کردیم. چنین است سیاست حزت وحدت اسلامی که فعلا هم در جهت تحقق این توافق نامه از دولت تشکیل شده حمایت می‌کنیم، توافق نامه باید تحقق یابد تا زمینه‌ی انتخابات آن روز فراهم شود و باز فرصت کرده (زمینه‌ی آن به وجوداید که مردم) سرنوشتشان را خودشان تعیین کنند.

خبرنگار: در طی جنگ‌های خونین بین شورای نظار (و حزب وحدت) هستیم...؟

(ایشان چنین گفت:) در طی جنگ‌های خونین شورای نظار (علیه حزب وحدت) اطفال بی گناه ما در طی آن، کشته و یا زخمی شدند، علت اصلی این درگیری‌ها خودخواهی و تنگ نظری است، ما یک مسأله‌ای را، زیاد در نظر داریم و آن این که طرفدار جنگ نیستیم و جنگ را راه حل کننده‌ی مسائل افغانستان نمی‌دانیم و فهمیدیم که حل مسائل افغانستان از طریق جنگ اشتباه است؛ باید مشکل افغانستان از راه تفاهم و پذیرفتن واقعیت‌های افغانستان، حل شود. هنگام که جنگ در گرفت و روز دوم آن، اعلامیه آتش بس را امضاء کردیم در ایام رمضان هم، چنانکه با وساطت جنرال حمید گل و تعدادی از مقامات پاکستانی گفتند شما به احترام ماه رمضان آتش بس را اعلام کنید (ما قبول کردیم) به هر حال، در ماه رمضان چند بار جنگ بالای ما تحمیل شد و هر بار جنگ پنج الی شش ساعت ادامه داشت (باز هم) ما از هیأت پاکستانی دعوت کردیم تا بیاید ببیند، کی آتش بس را نقض می‌کند...؟! آن‌ها با اینکه وعده دادند نیامدند. در جنگ‌های اخیر بعد از توافق نامه‌ی جلال آباد، هیأت صلح آمد و آتش بس عمومی اعلام شد، ما از برادران تقاضا کردیم که یک نمایندگی در غرب و یک نمایندگی در شرق کابل باید وجود داشته باشد و مشاهده شود، آتش بس را کی نقض

می‌کند؟ آن‌ها قبول کردند ولی نیامدند. باز جنبش، پا در میانی کرد که با ایجاد کمیسیون مشترک جلو جنگ گرفته شود آن را نیز پذیرفتیم، دو نفر از قومندانان ما و دو نفر از قومندانان شورای نظار، قبول کردند که از ساعت ۳ بجه‌ی بعد از ظهر آتش بس اعلام شود و رعایت گردد ولی ساعت ۶ بجه بود که باز آتش باری شروع شد و یک شبانه روز دوام کرد، بر همگان روشن است که مردم شیعه در ایام محرم عزاداری دارند و برای ۱۰ روز آن را تعطیل می‌کنند، مردم شیعه نمی‌خواهند، در ایام عزاداری و روضه خوانی به همین نحو باشد، ما سخت پایبند عنعنات مذهبی خود هستیم و روز هفتم محرم بود که به تعداد دو موتر نفر بر مسجد امام خمینی به خاطر عزاداری و روضه خوانی می‌رفتند و در پل آرتن، آن‌ها را زیر آتش گرفتند که پنجاه نفر زخمی و ده نفر به شهادت رسیدند.

خبرنگار: پرسیدم ولی در ایام محرم از مناطق زیر نفوذ شما نیز پرتاب راکت صورت گرفت که مردم شهر کابل هم شاهد آن هستند.

استاد مزاری: من الآن می‌گویم که در روز هشتم محرم (نیروهای شورای نظار) زیارت سخی را در جمال مینه زدند شما می‌دانید که مردم شیعه به سخی علاقه دارند و در ایام نوروز آنجا جشن‌ها برپا می‌کردند ولی امسال میله‌ی نوروز را شورای نظار نگذاشتند، چند نفر را شهید کردند و در هشتم محرم آنجا را (مورد حمله قرار داده) تکه تکه ساخت به هر حال نمی‌گوییم که ما آن‌ها را نمی‌زنیم، ولی ما آتش بس را نقض نمی‌کنیم، وقتی که آن‌ها مناطق مسکونی را زیر آتش می‌گیرند و جنگ را شروع می‌کنند طبیعی است که ما هم جنگ می‌کنیم. ولی ما آتش بس را نقض نمی‌کنیم مردم نباید، چنین تصور کنند (همین) که راکت طرفشان آمد گویا آتش بس را ما نقض کردیم آن‌ها باید در این جا بیایند ارزیابی کنند که آتش بس را کی نقض می‌کند؟! روز یازدهم محرم ما شاهد پرتاب ۱۵۰ هاوان در مناطق دشت برچی و قلعه‌ی شاده بودیم، طبیعی است که وقتی که آن‌ها ۱۵۰ هاوان فیر می‌کنند ۱۰ یا ۱۵ سکر ما نیز می‌زنیم بعد رادیویی آقای ربانی شب هنگام، همان ده یا پانزده فیر سکر ما را می‌گوید که از طرف حزب وحدت پرتاب گردیده است و یکصد و پنجاه هاوان آن طرف را به حساب نمی‌آورد که از انصاف و عدالت دور است، کسی که خود را رئیس

جمهور مردم می‌خواند رادیویی آن نیز در خدمت مردم می‌باشد، تنها پریروز چهل و هفت نفر زخمی داشتیم و دیروز سی و هفت نفر و امروز بیست و چند نفر زخمی داریم از مناطق مختلف، چون از افشار و گردنه‌ی باغ بالا و بالای کوه ها، مرتب سه ساعت بر ما آتش می‌بارد، برای ما مایه تعجب است که مردم افغانستان چگونه تبلیغ یک جانبه را باور می‌کنند در حالی که کابل تنها طرف شرق نبوده، بلکه به طرف غرب نیز وجود دارد.

خبرنگار: در شهر شایعه است که افراد حزب شما به مسموم ساختن مواد غذایی دست زده است، شما در این رابطه چه نظر دارید؟

استاد مزاری: حرف‌های مذکور خلاف واقع است، زیرا حزب وحدت یک حزب اسلامی بوده و متعهد به قوانین اسلامی است و عمل مذکور را خلاف اسلام و انسانیت می‌داند، باید گفت کار مذکور، کار آنهایی است که خلاف توافق جلال آباد عمل می‌کنند، آنهایی که جنگ می‌کند و امنیت را بر هم می‌زند به خاطر این است که ثابت کند که توافق نامه‌ی جلال آباد تحقق یافته نمی‌تواند، نماینده‌ی ما در پای توافق نامه امضاء نموده است (لذا) به خاطر اجرای توافق نامه ایستاده هستیم، مسلماً کسانی مسبب عمل فوق می‌گردد که میلیاردها پول از بیت المال مسلمین برای تأمین امنیت مصرف کرده است و در یک سالی که گذشت نتوانست امنیت را تأمین کنند، در یک سال گذشته مشکلات (و گرفتاری)های را ایجاد کردند، بین پشتون و هزاره جنگ‌ها را تحمیل کردند، بین تاجیک و هزارها خصومت‌ها را به وجود آوردند ولی همه‌ی آن‌ها با توافق نامه‌ی جلال آباد از بین رفت، حالا پشتون‌ها در مناطق هزاره احساس بی امنیتی نمی‌کنند هم چنان یک هزاره در منطقه‌ی پشتون‌ها حس نمی‌کند که مال و جانم در خطر است! بناء تبلیغات را به راه می‌اندازند که مگر اخوت و برادری را بر هم بزنند و این ترکیب، کار امنیت ملی بوده که میلیاردها پول را مصرف کرده و حالا برای بی امنیتی به مصرف می‌رساند، جاهای مردم هزاره را تار و مار کرده و از آن‌ها با شکنجه اعتراف گرفته که تا بگویند این کار مربوط حزب وحدت است. همان کسی را که تلویزیون، نشان داد امروز این جا آمده بود گفت که چقدر شکنجه‌اش کرده است، می‌خواهند تا از آن‌ها اعتراف بگیرند که عبدالواحد، قوماندان حزب وحدت برایشان

پول وعده کرده است (تا این کار را انجام دهد)، در حالی که عبدالواحد (در اثر خیانت) در قضیه‌ی افشار تا حال زندانی است. و همین گونه در مندوی کابل، در جیب بچه‌های هزاره پیچ کاری را انداخته (تبلیغات کردند) و حال این که در منطقه‌ی تایمنی یک زن از خاد شکر درّه، مواد مسموم کننده را در نان انداخته بود، دستگیر شده است، (لذا) باید گفت که کار، کار امنیت و خاد است چرا که، یک سال می‌شود به خاطر امنیت کابل پول مصرف می‌کند و اکنون پول‌های مذکور را به صورت زهر به دهانشان می‌دهد و به اعمال غیر انسانی دست می‌زند و بدنامی‌اش را به حزب وحدت حواله می‌نماید، در حالی که حزب وحدت هیچگاهی قبول ندارد و هم انگیزه‌ای در این مورد وجود ندارد.مسموم کردن‌ها بر علاوه‌ی این که یک عمل غیر انسانی است (شکست در) موضوع جنگ را نیز نشان می‌دهد، دو گروه در مقابل هم می‌جنگند و اجرای این عمل مفهوم ندارد، زیرا خودش قوی است و می‌تواند جنگ کند، کسی که شکست خورده، دست به چنین عمل می‌زند، در جنگ اخیر به اصطلاح وزارت دفاع ده روز با حزب وحدت اسلامی جنگید و تمام نیروهای خود به شمول (قوای) هوایی، زمینی، اسلحه‌های ثقیله و خفیفه استفاده کردند ولی شکست خوردند و فرار کردند (باز هم) آن ها، آن را، به خاطر پادر میانی آوردند (تبلیغ کردند) ولی به مردم کابل، این مسأله باید روشن شده باشد که حزب وحدت ضعیف نیست تا به چنین اعمالی دست بزند.

خبرنگار: پرسیدم بعضاً به این باورند که اختلاف شما با دیگر احزاب جدی و زیاد است ریشه‌ای قومی و مذهبی دارد، نظر شما در این باره چیست؟

استاد مزاری: تبلیغات مذکور مال دیگران است، مال ما نیست، ما هیچ وقت جنگ را به عنوان پشتون یا هزاره و یا تاجیک آغاز نکرده ایم، زیرا آغازگر جنگ، ما نبوده‌ایم و شروع جنگ را ما به عهده‌ی خود نمی‌گیریم. پانزده مرتبه جنگ بر ما تحمیل شده، هر روز که جنگ آغاز شده و روز دوم میانجی آمده (با این که موضع برتر هم داشته ایم) و ما آتش بس را قبول کردیم. لذا یک تعداد کسانی که در کابل و در افغانستان می‌خواهند تفرقه ایجاد کنند تا خودشان بر حکومت باقی بمانند، این مسأله را دامن می‌زنند، (وقتی) که بین ما و اتحاد(سیّاف) جنگ بود می‌گفتند که جنگ بین پشتون و هزاره است، بعد از جنگ‌های آقای حکمتیار و وزارت دفاع مسأله بین فارسی

زبان و (پشتون) را مطرح کردند، ما نه جنگ اوّل را جنگ هزاره و پشتون می‌دانیم و نه جنگ فعلی را جنگ هزاره و تاجیک، چون ما، در عالم دفاع هستیم، هر کسی که به ما حمله کند وظیفه‌ی ملی و اسلامی ما است که از مردم خود دفاع کنیم، هیچ یک از این جنگ‌ها را به عنوان نژاد و مذهب نمی‌دانیم، بلکه از طرف عناصر قدرت طلب، بر مردم افغانستان تحمیل گردیده است. مردم افغانستان، سه صد سال با هم یک جا زندگی کردند و این جا، هم فارسی زبان بودند و هم پشتون زبان و هم شیعه و هم سنی و تمام اقوام با هم برادر بوده‌اند و دو ابر قدرت انگلیس و روس را شکست دادند و این افتخار بزرگ مردم ما بوده است. افتخارات مذکور مال یک قشر خاص نبوده و توصیه‌ی من برای مردم افغانستان این است که جنگ‌های تنظیمی را به جنگ‌های قومی و مذهبی نکشانند که به نفع مردم افغانستان نیست.

خبرنگار: پرسیدم گفته می‌شود که محترم حکمتیار نتوانسته به کابل بیاید، شما من حیث متحد حزب اسلامی آیا شرایط ورود را برای آقای حکمتیار مساعد می‌بینید؟ آیا دوری صدر اعظم از شهر، مشکلات فراوان به بار نیاورده است؟

استاد مزاری: این مسأله مربوط به آقای ربانی می‌شود، زیرا در شهر نیروهای او، و شورای نظار است، باید امنیت را فراهم سازد که صدر اعظم بیاید داخل کابل، برنامه هایش را پیش ببرد وقتی که وزراء امنیت نداشته باشند و (بعضی) دستگیر گردد، صدر اعظم به هیچ وقت امنیت نخواهد داشت. یا امنیت صدر اعظم فراهم شود و یا اجازه داده شود که صدر اعظم نیروهای امنیتی خود را بیاورد. در صورت عدم پذیرش، مسئولیت به دوش آقای ربانی است و یا هم گذاشته شود که وزارت داخله امنیت شهر را تأمین کند.

خبرنگار: در حال حاضر مناسبات شما با محترم انجنیر گلبدین حکمتیار، در چه سطح است چرا آقای حکمتیار پست مهمی را در کابینه‌اش برای حزب وحدت اختصاص نداده است؟

استاد مزاری: ما در توافق نامه‌ی جلال آباد دو ملاحظه داشتیم، یکی این که سهم احزاب با در نظر داشت موقعیت نظامی‌شان در نظر گرفته شود و دیگر این که جنبش ملی اسلامی در این مراحل سهیم گردد. اکنون نیز ما این دو ملاحظه را داریم که باید

رعایت شود و به نام حزب، برخورد صورت نگیرد.

در رابطه با مسأله‌ای بین ما و آقای حکمتیار باید گفت، تا آغاز رسمی کار کابینه و برطرف شدن موانع در سر راه آن، آقای حکمتیار به تعهدش عمل می‌کند ولی اکنون کسانی هستند که از تحقق این موافقت نامه جلوگیری می‌نمایند.

خبرنگار: با جنبش ملی اسلامی افغانستان چه نوع مناسبات با هم دارید؟

استاد مزاری: استراتژی حزب وحدت این است که از حقوق ملیت‌های محروم حمایت می‌کند.

خبرنگار: لطفاً از روابطتان با جمهوری اسلامی ایران حرف زده و بگویید که آن کشور چه نوع کمک‌هایی را به شما می‌کند؟

استاد مزاری: حزب وحدت اسلامی تنها حزبی است که در دوران ۱۴ سال جهاد و شهادت، در داخل افغانستان تشکیل شده در حالی که تمام گروه‌ها در خارج از کشور، مرکزیت داشتند و هیچ گونه رابطه‌ی خاصی با ایران و کشور دیگری موجود نبوده است. نمایندگی‌های حزب وحدت در خارج، در پاکستان، اروپا و کشورهای صلح دوست دیگر، مانند سایر احزاب بوده و ایرانیان هیچ گونه کمک خاصی به حزب وحدت نکرده و مانند سایر مجاهدین، تنها اجازه داده شده که یک دفتری داشته باشد که البته این کمک را در طول چهارده سال جهاد، به مجاهدین کرده است که حزب وحدت را نیز شامل می‌شود و ما هیچ گونه رابطه‌ی خاصی با ایران نداشتیم. قابل یادآوری است که ما با جمهوری اسلامی ایران رابطه‌ی همسایگی و اسلامی مانند سایر کشورهای اسلامی داریم.

خبرنگار: در کابل شایعاتی وجود دارد که گویا جمهوری اسلامی ایران در جنگ‌های اخیر کمک نظامی کرده است. شما چه نوع اسلحه‌ای را از جمهوری اسلامی ایران دریافت کرده اید؟

استاد مزاری: این یک حرف بسیار غلط و بی منطق، است زیرا حزب وحدت در مناطق شیعه نشین و هزاره جات با ایران سر حد ندارد و مناطق شیعه و هزاره نشین در کابل همه‌ی راه‌های (مواصلاتی) به رویشان مسدود است، ما چگونه و چطور سلاح‌ها را وارد کابل نماییم؟ در طول ۱۴ سال جهاد، تمام احزاب از صدها کشور خارجی کمک

گرفتند، تنها حزبی که هیچ گونه کمک خارجی نگرفته حزب وحدت اسلامی است. در چند جنگی که بر ما تحمیل شده، افرادی خارجی وابسته به احزاب دیگر را یا اسیر گرفتیم یا کشته شده‌اند (که به خبرنگاران گفتیم ببینند) ولی هیچ گروهی اثبات کرده نمی‌تواند و هرگز به اثبات هم، رسانیده نمی‌تواند که یک تن خارجی اعم از ایرانی و غیر ایرانی، در کنار حزب وحدت اسلامی بوده است. اینهای که سرو پا، حیات سیاسی و اقتصادیشان وابسته است و از دنیای خارج اعم از کفر و اسلام کمک گرفته است، ما را وابسته می‌گویند، البته برای مردم، مسأله روشن است و این را، مردم افغانستان می‌دانند که چه کسانی بودند، در این مملکت معامله می‌کردند و حالا هم، معامله می‌کنند و بعد از این هم، معامله خواهند کرد.

خبرنگار: قرار است برای تعیین وزیر دفاع انتخابات صورت بگیرد اگر احمد شاه مسعود دوباره وزیر دفاع تعیین شود آیا شما با او همکاری خواهید کرد؟

استاد مزاری: انتخابات عملی نیست، چون زمینه‌ی انتخابات فراهم نیست، می‌گویند از هر ولایت دو قومندان بیاید، شما می‌دانید که از یک سال و چند ماهی که مجاهدین مسلط شده اند، نتوانستند، یک حکومت مورد توافق را در کابل به وجود بیاورند، ولایات و ولسوالی‌ها فعال نیست و چگونه آن‌ها می‌توانند، دو نفر نماینده‌شان را بفرستند تا وزیر دفاع و زیر داخله را تعیین کنند و وقتی که زمینه‌ی عملی انتخابات وجود ندارد، مهم نیست که نتیجه‌اش را بپذیریم یا نپذیریم.

خبرنگار: در جریان جنگ افراد شما به چور و چپاول مناطق مسکونی پرداخته‌اند که حتی خودم شاهد بودم، شما من حیث رهبر حزب وحدت با عاملین آن چگونه برخورد نموده اید؟

استاد مزاری: ما هیچ گونه اذیت و آزار مردم را قبول نداریم و به کسی هم اجازه نمی‌دهیم که این کار را بکنند و در تنظیم ها، یک عده افراد لاابالی وجود داشته، از این جهت هر جایی که متخلفین را مشاهده کردیم، مرتکبین را دستگیر و جزا دادیم. ما افرادی داریم که اگر (کسی یا) گروپی تخلف کند و ما خبر شویم، بلافاصله آن‌ها را دستگیر می‌کنیم. البته هر کسی امنیت ملی را بر هم بزند یا تفرقه افکنی کند ما آن‌ها را نیز دستگیر می‌کنیم.

خبرنگار: تعداد زیادی از مأمورین دولتی در تحت نفوذ شما زندگی می‌کنند و افراد مسلح شما مانع این افراد از ورود به شهر می‌شوند، شما برای رفع این مشکل چه تدابیری سنجیده اید؟

استاد مزاری: ما مانع رفت و آمد کسی تا آن حد، نیستیم که بدانیم مردم ما را نمی‌گیرند و اذیت نمی‌کنند ولی وقتی که مردم ما را دستگیر می‌کنند و اذیت می‌نمایند، (مسلماً ما هم) مانع رفت و آمد می‌شویم. استادان پوهنتون آمدند و ما گفتیم امنیت استادان پوهنتون را بگیرید که در وقت باز شدن پوهنتون هیچ گونه ممانعتی وجود ندارد، از اوّل اعلام کردیم که مانع رفت و آمد مأمورین نیستیم و قول می‌دهیم آنچه که به ما مربوط است تلاش می‌کنیم (تا مشکل) رفت و آمد مأمورین رفع شود و این را به عنوان یک وظیفه‌ی ملی می‌دانیم. البته آنهای که وظیفه‌شان تأمین امنیت است و به این منظور از بیت المال، پول مصرف می‌کنند خود سبب بی امنیتی می‌شوند.

خبرنگار: بعضاً شنیده شده که افراد مسلح شما اهالی غیر نظامی را به کندن سنگرها وامی دارند آیا این افراد مطابق دستور شما عمل می‌کنند؟

استاد مزاری: ما به مسئولین مذکور (مربوطه) توصیه می‌کنیم و با آن، موافق نیستیم، سنگر کنی را نباید بالای افراد انجام داد و اگر احیاناً چنین کاری انجام گرفته باشد، ما با آن موافق نیستیم و جلو آن را می‌گیریم.

خبرنگار: افراد مسلح شما پوهنتون را که یکی از مراکز علمی کشور است پایگاه نظامی ساخته است و در اثر جنگ خسارت‌های فراوانی بر آن وارد شده است آیا درصدد بازگشایی و ترمیم آن هستید؟

استاد مزاری: از طرف ما هیچگونه مانعی وجود ندارد ولی مسأله جنگ به شورای نظار مربوط می‌شود که قله‌های کوه را در دست دارد و آن ها، وزارت تجارت و پوهنتون را مورد حریق قرار داده و از این جهت (است که) کسی نمی‌تواند از آن ناحیه تردد کند زیرا از بالای کوه‌ها فیر صورت می‌گیرد. پس از (برقراری) آتش بس، در باز شدن پوهنتون از طرف ما هیچگونه ممانعتی وجود ندارد و خرابی‌ها در اثر جنگ، تنها مربوط به پوهنتون نیست بلکه مربوط به تمام مناطق کابل است.

خبرنگار: شنیده می‌شود که شما ۸ نفر را به دار آویختید آن‌ها کی‌ها بودند و

جرمشان چه بوده است؟

آقای مزاری بعد از سکوتی...! از من خواست سؤالم را دوباره تکرار کنم و بعد چنین پاسخ داد.

استاد مزاری: نه، هشت نفر بدار آویخته نشده، ما افراد خود سر را که امنیت مردم را بر هم می‌زدند، دستگیر کردیم که شاید تعدادشان به یکصد نفر می‌رسد که تعداد آن‌ها را به ضمانت آزاد کردیم و تعدادی را، شلاق زدیم و تعدادی را زندانی کردیم و آن‌ها را به دار نیاویختیم ما فقط دو نفر را اعدام کردیم که آن‌ها در سنگر فروشی‌های افشار دست داشتند و سنگرها را به شورای نظار، فروخته بودند که فاجعه‌ی در افشار پیش آمد که، پیر و جوان کشته شدند و اموال و منازل آن‌ها به آتش کشیده شد و تعداد افراد غیر نظامی اسیر شدند و این‌ها را ما به عنوان خائن دستگیر کردیم که بعد از محاکمه به جرمشان اعتراف کردند که دو نفر آن‌ها را اعدام کردیم.

خبرنگار: شما چگونه حقوقی را برای زنان افغانستان قائل هستید؟

استاد مزاری: شورای مرکزی حزب وحدت از ده کمیته تشکیل شده که یک کمیته‌ی آن به نام خواهران است. در تشکیلات حزب وحدت هیچگونه ممانعتی در عضویت خواهران نیست، با همان شرایط برادران، خواهران را نیز در نظر داریم و در مورد خواهرها حقوقی را قائل هستیم که مطابق با موازین و معیار اسلام باشد و باید قوانین اسلامی را رعایت کنیم و بی حجابی را رفع کنیم، زن با حجاب می‌تواند اداره برود و تحصیل کند، ما برای زن‌ها غیر از محدودیت‌های اسلامی هیچ محدودیتی را نمی‌خواهیم، زن می‌تواند در انتخابات شرکت کند و (این موضوع را) باید اضافه کرد که در رهبری و قضاوت و فرماندهی ارتش، در اسلام در مورد خواهران محدودیت (های) آمده است، در غیر آن فرق بین زن و مرد وجود ندارد.

خبرنگار: اگر اجازه‌تان باشد در مورد زندگی شخصی‌تان می‌پرسم، آقای مزاری نگاهی کرد... پرسیدم چند تا فرزند دارید و چند بار ازدواج کرده‌اید و چند تا زن دارید و اعضاء خانواده هایتان در کدام کشور خارجی زندگی می‌کنند؟

استاد مزاری: بعد از تحصیل، به وطن برگشتم در این جا تحولاتی پیش آمد و جنگ شروع شد که موفق به ازدواج نشدم، بعد دو برادرم در جنگ با روس‌ها شهید شدند

که یکی از آن‌ها صاحب چند فرزند صغیر بود و به خاطر مشکلات (زندگی و فرزندان صغیر برادرم) خانمش با من ازدواج کرد، کودکانش را به خاطر تحصیل به ایران فرستادم و تاکنون یک فرزند دارم.

خبرنگار: در طبیعت چه را دوست دارید؟

استاد مزاری: من دنبال این مسأله نبودم، زیرا در ایام جوانی که تمایلات بیشتر است، یا زندانی و یا در کوه‌ها و یا بیشتر در مسائل فرهنگی و مبارزاتی مشغول بودم.

خبرنگار: هنگام فراغت مصروف چه کارهایی هستید؟

استاد مزاری: از اینکه تحصیلاتم در ساحه‌ی دینی است، در اوقات فراغت به مطالعات کتب دینی می‌پردازم، زیرا به مسائل دینی علاقه‌ی فراوان دارم.

خبرنگار: در جهان از کدام کشور و از کدام سیاستمدار خوشتان می‌آید؟

استاد مزاری: البته از هیچ کشور و هیچ شخصی پیروی نمی‌کنم، ما تابع سیاست اسلامی هستیم، امیدواریم که موفق شویم، در افغانستان سیاست اسلامی را پیاده کنیم تا افغانستان اسلامی متکی به هیچ کشور و شخصی نباشد.

خبرنگار: شما به عنوان یک فرمانده، از کشته شدن یک فردی متأثر شده اید؟

استاد مزاری: من هیچ گاهی طرفدار جنگ نبوده ام و راه حل افغانستان را جنگ نمی‌دانم و طرفدار آن نیستم از همین رو، سال گذشته با آقای سیاف، در قرغه نشستی داشتیم و آقای سیاف گفت: ما تصمیم جنگ را نگرفتیم...؟! بعد ما هم گفتیم که طرفدار جنگ نیستیم، اما اگر شما انگیزه‌ی جنگ داشته باشید، حاضریم تا نیروها را از مناطق مسکونی بیرون کشیده در مناطق غیر مسکونی (با هم مردانه) بجنگیم تا معلوم شود که زور با کی است؟ جنگ هیچ گاهی برای من شیرینی نداشته که به عنوان خاطره یاد کنم، همه‌اش تلخ است و از آن بدم می‌اید و از نگاه اسلام محکوم است.

خبرنگار: بزرگترین آروزی شما چیست؟

استاد مزاری: چنانچه قبلا گفتم بزرگترین آرزوی من ایجاد یک حکومت اسلامی است که حقوق همه‌ی ملیت‌ها طبق اسلام به آن‌ها اعاده شود و ما برای این خواست مبارزه می‌کنیم و آن را دنبال می‌کنیم و اگر موفق شویم خوش وقت هستیم.

خبرنگار: آیا شما مثل اکثر رهبران، از روزهای نخست، شوق چوکی دولتی را در

سر دارید؟

استاد مزاری: تا حال برای خودم چوکی نخواستم و بعد از این هم نخواهم خواست، حتی نمی‌خواهم که رئیس جمهور باشم ما فقط حقوق دیگران را می‌خواهیم (که به آن‌ها داده شود) و برای خودم مطرح نیست و در آینده ثابت خواهد شد که هیچ نوع پست را قبول نخواهم کرد. البته برای حقوق مردم هزاره و شیعه در کابل و در پهلوی دیگران اگر حقی برایشان قائل نشوند مبارزه می‌کنیم.

مصاحبه با استاد مزاری درباره موقف حزب وحدت اسلامی درباره‌ی شرایط فعلی کشور[1]

رادیو دری آمریکا: اکرم گیزابی همکار سرویس دری دیروز با عبدالعلی مزاری منشی عمومی حزب وحدت در مورد موقف آن حزب در برابر وضع موجود کابل مصاحبه‌ی کرده است که اینک تقدیم می‌شود.

خبرنگار: جناب آقای مزاری، شما موقف حزب خود را در قبال جریانات کابل لطفاً برای ما بگویید؟

استاد مزاری: حزب وحدت در قبال وضعیت کابل و در حل سیاسی اش، همان موضع قبلی‌اش هست که اعلام کرده بود که هم رئیس جمهور و هم صدر اعظم باید استعفاء بکند. یک دولت موقت تشکیل شود و تا اردوی ملی و اسلامی تشکیل شود و زمینه‌ای انتخابات زیر نظر سازمان ملل مساعد شود.

خبرنگار: اظهاراتی ضد و نقیض می‌شنویم مبنی بر این که حزب شما از جنگ در کابل حمایت می‌کند گویا داخل جنگ‌اند و بعضاً می‌شنویم که نیست. آیا تغییر موقف بوده که بعضاً رخ می‌داده در موضع گیری حزب، یا اصلا از ابتدای مرحله شما در این جنگ کابل بی طرف بودید؟

استاد مزاری: در رابطه با این مسأله که تبلیغات می‌شد، این تبلیغات درست نبود، حزب وحدت یک حزب یکپارچه‌ی مردمی است که از حمایت مردمش برخوردار است. اگر جنگ بکند یا صلح بکند یک موضع دارد. این که ما در این مدت موضع نگرفته بودیم، هر کسی به استفاده‌ی خودش مطرح می‌کرد و این‌ها اشتباه بود. حزب

---

۱. پیک، شماره ۶۷۵، سال سوم، ص ۳، مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۶، (رادیو دری آمریکا).

وحدت طرفدار جنگ نیست و جنگ را راه حل نمی‌داند و راه حلی را که اگر از نگاه قوتهای نظامی، جنبش ملی اسلامی باید شرکت داشته باشد که در کابل حضور دارد، این مسأله را حل بکند، برای باقی احزاب هم طبق شعاع وجودیشان برایشان حق بدهند.

خبرنگار: پس از اوّل موقف شما یکی بوده و او، این که در جنگ‌های کابل شما دخیل نبودید؟

استاد مزاری: (بلی،) چون جنگ را راه حل نمی‌دانیم از این جهت به جنگ دخالت نمی‌کنیم.

خبرنگار: ما شنیدیم که بعضی گروه‌ها علیه جنبش ملی اسلامی شمال، فتوای جهاد داده اند. شما در این مورد چه نظری دارید؟

استاد مزاری: در رابطه با فتوای جهاد، این هم از نگاه شرعی درست نبود و هم از نگاه ملی و هم از نگاه این که حل مسأله‌ی افغانستان را مشکل می‌کند. چون از نظر شرعی فتوا را باید کسی بدهد که اهلیت فتوا را داشته باشد و این کسانی که فتوا داده هیچ کدامشان اهلیت فتوا را نداشته و از نگاه ملی هم امروز جنبش ملی اسلامی مربوط یک ملیت سمت شمال است که نیروهای جهادی و غیر جهادی‌اش در این مسأله شامل‌اند و این فتوا از نگاه ملی و تمامیت ارضی هم بی جا بود. از نگاه حل مسأله‌ی سیاسی افغانستان هم مناسب نبود، برای این که آقای ربانی قبلا جنبش ملی اسلامی را به رسمیت شناخته بود و جنرال دوستم را به عنوان قهرمان و مجاهد خطاب کرده بود و به کفالتش به ریاست جمهوری جا داده بود، روی این مسأله تا آن وقتی که از او حمایت می‌کرد، هم مسلمان بود و هم مجاهد بود ولی وقتی که با وی مخالفت کرد، این را علیه‌اش فتوا بدهد. این در مصالح ملی نبود و حزب وحدت این مسأله را محکوم می‌کند و این را قبول ندارد.

مصاحبه‌ی استاد مزاری در رابطه با شایعات تازه در شهر کابل[1]

در افغانستان عبدالعلی مزاری یکی از رهبران حزب وحدت می‌گوید که حزب او هیچ تغییری اساسی در طرف گیریهای سیاسی‌اش نداده است. حزب وحدت متحد

۱. پیک، شماره ۶۴۳، سال سوم، ص ۱، مورخ ۱۳۷۲/۸/۳۰، (رادیو بی بی سی).

اصلی حزب اسلامی گلبدین حکمتیار نخست وزیر افغانستان است. ولی اخیراً در مورد نزدیک تر شدن این حزب به حزب جمعیت اسلامی که رهبری آن با برهان الدین ربانی رئیس جمهور است، شایعاتی شنیده می‌شد، این شایعات پس از آن قوت گرفت که احمد شاه مسعود وزیر دفاع پیشین و متحد اصلی برهان الدین ربانی برای سفر اعضای شورای اجرایی حزب وحدت از پایگاهشان در بامیان به کابل، هلیکوپترهایی را در اختیار آنان گذاشت.

استاد عبدالعلی مزاری در گفتگوی با میرویس جلیل همکار ما در کابل در مورد علت سفر اعضایی شورای اجرایی حزب وحدت به کابل و شایعه‌ی ائتلاف جدید بین حزب وحدت و احمد شاه مسعود چنین گفت: شورای مرکزی ما قبلا در بامیان بود، و یک شورای تصمیم گیری در کابل داشتیم و مسأله‌ی تصمیم گیری‌های سراسری مملکت چون در کابل گرفته می‌شود و وضعیت حساس در کابل حاکم است، از این جهت حزب وحدت تصمیم گرفت که تصمیم گیری خود را متمرکز بکند در کابل و سه ماه پیش مصوبه شده بود که شورای مرکزی منتقل شود در کابل و در بامیان یک شورای تصمیم گیری باشد و شورای مرکزی حزب در کابل باشد. روی این مصوبه‌ای قبلی انتقال پیدا کردند، هیچ ربطی به مسأله‌ی رابطه‌ی احزاب دیگر ندارد و ائتلاف جدیدی هم روی کار نیست. رابطه‌ی ما با همه‌ی احزاب خوب است، رابطه‌ی حسنه داریم، جنگ نداریم و طرفدار جنگ هم نیستیم با هیچ جناحی.

خبرنگار: شما اخیراً آتش بس با آقای سیاف داشتید، شما گفتید می‌توانید که فعلا آتش بس [کنید] چطور است، آیا جانبین آتش بس را رعایت می‌کنند؟

استاد مزاری: آتش بس از آن وقتی که برقرار شده تا حالا خوب بوده، یعنی نقض کم داشته، گاه گاهی پراکنده نقض می‌شده همین نیروهای که از دو طرف؛ از اتحاد (سیّاف) و حزب وحدت ناظر هست، این‌ها جلو آن نقض آتش بس را می‌گیرند. ما با این خوشبین هستیم، امیدواریم که ادامه پیدا بکند و نقض نشود.

خبرنگار: فعلا زد و خوردهای که میان نیروهای آقای مسعود و آقای حکمتیار در تگاب جریان دارد، موقف نیروهای شما چه است؟ آیا شما تا هنوز در ائتلاف با آقای حکمتیار هستید یا می‌خواهید که ائتلاف جدیدی داشته باشید؟

استاد مزاری: ما چون طرفدار جنگ نیستیم و جنگ را هم راه حل نمی‌دانیم و طرفدار این مسأله هستیم که این جنگ خاتمه پیدا بکند و به نفع دو طرف نیست و ما با همه‌ی احزاب روابط حسنه داریم و طرفدار هیچ کدامشان از نگاه جنگ نیستیم و سعی می‌کنیم که این جنگ هم خاتمه پیدا کند و برای خرابی خانه‌های مردم و این وضعیت و هوای سرد و این‌ها برای مردمان غیر نظامی بسیار تکلیف است، از این جهت متأسف هستیم و سعی و تلاش می‌کنیم که این جنگ خاتمه پیدا بکند.

خبرنگار: یک سلسله افواهاتی پخش شده در شهر کابل که امکان دارد برخوردهای شدیدی دوباره در شهر کابل از سر گرفته شود، شما در این زمینه چه نظری دارید؟

استاد مزادری: نه، ما در مجموع در افغانستان، جنگ را راه حل نمی‌دانیم، مذاکره و تفاهم را راه حل می‌دانیم و سعی می‌کنیم که جنگ در کابل تحقق پیدا نکند.

خبرنگار: شما که روابط خوب‌تری را فعلا با آقای مسعود و آقای حکمتیار دارید، پس چرا در جنگ میانجیگری نمی‌کنید.

استاد مزاری: ما البته این مسأله را مطرح کردیم که میانجیگری بکنیم و حالا هم دنبال این مسأله هستیم ولی از این که قبل از ما از طرف هیأت دولت و کابینه فیصله کرده بود، چند نفر وزرایی را تعیین کرده بود که میانجیگری بکنند. در این جا که آقای بلاغی از حزب وحدت جزء آن هیأت میانجیگری است و امیدوار هستم که این مسأله نتیجه بدهد و جنگ خاتمه پیدا بکند.

مصاحبه با دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان در کابل[1]

در کابل آتش بس که بین رهبر اتحاد اسلامی و عبدالعلی مزاری رئیس حزب وحدت اسلامی از یک ماه پیش تحت نظارت آیت اللّه محسنی برقرار شده بود، شکسته شده است.

میرویس جلیل در گفتگو با آقای مزاری از او پرسید که از مقررات آتش بس در کدام منطقه تخلف شده؟

استاد مزاری:... آتش بس سعی می‌شود که حفظ شود ولی گاه گاهی که نقض

۱. پیک، شماره ۶۵۷، سال سوم، ص ۱، مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۱، (رادیو بی بی سی شام ۱۳۷۲/۹/۲۱).

می‌شود، بعد هم این هیأت ناظر... دیروز هم یک هاوان آمد، سه نفر را شهید کرد. هیأت‌های ناظری که از طرف اتحاد بوده این‌ها رفتند آن طرف، جلوگیری نکردند، ما اینجا به مسئولین که از طرف حزب وحدت بود خبر دادیم که تا با مسئولین آن‌ها صحبت بکنند که جلو نقض آتش بس گرفته شود.

خبرنگار: (تا) هنوز چند تن از اسراء تبادله گردیده؟

استاد مزاری: مجموعاً ۳۵ نفر تا حالا تبادله شده و دیگر تلاش هست که بیشتر صورت بگیرد و جلسات مکرر ادامه دارد.

خبرنگار: اگر نقض آتش بس ادامه داشته باشد بناء شما چه پیش بینی می‌کنید چه واقع خواهد شد؟

استاد مزاری: ما سعی می‌کنیم جلو نقض آتش بس را بگیریم ولی اگر کنترل نشد، طبیعی است که دوباره درگیری پیش می‌اید و امیدوار هستیم که این مسأله پیش نیاید.

مصاحبه‌ی استاد مزاری با رادیو بی بی سی در رابطه با جنگ‌های کابل[1]

خبرنگار: در همین حال، دیروز در غرب کابل زد و خوردهای میان نیروهای دولتی و حزب وحدت اسلامی افغانستان صورت گرفت که در طی آن هفت نفر زخمی شده است. سخنگوی وزارت دفاع افغانستان این زد و خوردها را محلی و بدون برنامه ریزی توصیف کرد. در این مورد امروز ضمن گفتگویی با استاد مزاری رهبر حزب وحدت اسلامی، از او پرسیدم که علت برخوردهای دیروز در غرب کابل چه بود؟

استاد مزاری: (علت درگیری ها) این بوده که نیروهای حزب وحدت تعداد نفری را که از شهر می‌آمده و [آن‌ها را] تلاشی می‌کرده برای اینکه مواد ارتزاقی را از این طرف می‌برند، این مشکلات برای منطقه است. از این مسأله به بعد، در وقت تلاشی، آن‌ها (شورای نظار) یک شاجور (مرمی) سر این نفرها فیر کردند، به واسطه این فیر شورای نظار، که یک دو نفر زخمی شدند و چند نفر دیگر هم که از شهر آمده بودند آن‌ها را گرفته بودند. [از جمله] یک کراچی و آن را که کوچ یکی از برادران تاجیک را از این طرف منتقل می‌کرده بوده، او را گرفته بسیار لت کرده بود.

---

۱. پیک، شماره ۶۸۹، سال سوم، ص ۲، مورخ ۱۳۷۲/۱۲/۱، (رادیو بی بی سی شام ۱۳۷۲/۱۱/۳۰).

درگیری از همین جا شروع شد، و محلی بود، دو طرف که نماینده داشتند قبلا هر چقدر تلاش کردند خاموش نتوانستند، لذا درگیری‌ها تا شب ادامه یافت، امروز صبح هم در تپه‌ی سلام، آن‌ها حمله کرده بودند، اوّل یک پسته‌ی بچه‌های ما را گرفته بودند، بعد دوباره اینها که اقدام کردند دو پسته از آن‌ها گرفتند، پسته‌ی خودشان را هم پس گرفتند، بعد دوباره با میانجیگری هیأت، پسته‌ها را ایلا کردند. امروز از دو طرف اقدام شد که ناظر قوی بفرستند تا جنگ مهار شود، الآن هم تخفیف پیدا کرده...

مصاحبه‌ی استاد مزاری با خبرنگار فرانس پرس[1]

استاد مزاری در مصاحبه‌ی با خبرنگار خبرگزار فرانس پرس، به سؤالات وی در مورد آتش بس، مبادله اسراء و مسائل مرزی و...، پاسخ داد.

استاد مزاری در پاسخ این سؤال خبرنگار که پرسید در مورد آتش بس ایجاد شده و تبادل اسراء چه پیشرفت‌های شده است؟ گفت: از دیر زمان است که بین ما و شورای نظار، موافقت نامه‌ی آتش بس امضاء شد، اما، این آتش بس عملی نگردید و مرتباً از سوی آن‌ها نقض می‌شد. اما، بعد از آمدن جنرال دوستم تا حدودی مشکل حل شده و کمیسیونی تحت نظارت جنبش ملی اسلامی، بین ما و شورای نظار به وجود آمد که بر آتش بس، نظارت کند و اسراء دو طرف مبادله شوند و بر این اساس ما، تعدادی از اسراء شورای نظار را آزاد کردیم ولی آن‌ها اسراء ما را آزاد نکردند، ما سعی داریم مشکل حل شود و جنگ دوباره تحقق پیدا نکند ما مستقیماً با آن‌ها مذاکره داریم تا اسراء آزاد شوند و تا حالا فقط بیست نفر بین ما و آن‌ها مبادله شده است.

استاد مزاری با ذکر این مطلب که تا هنوز واحدهای اداری تشکیل نشده، در پاسخ به این سؤال که کار انتخاب وزیر دفاع به کجا انجامیده است؟ اظهار داشت: بعد از چند جلسه‌ی که کمیسیون وزارت دفاع داشت، در آنجا بحث شد (و به تصویب رسید که شورای احزاب در وزارت، دایر شود و انتخابات صورت بگیرد و از هر حزب دو نفر) انتخاب شوند و در کابل بیایند (انتخابات را) انجام بدهند. ولی به این زودی‌ها اجلاس قومندانان و انتخاب وزیر دفاع مشکل است.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره ۱۱۱، پنجشنبه ۲۸ اسد ۱۳۷۲ش.

خبرنگار سؤال نمود: در صورتی که وزیر دفاع وجود ندارد، چگونه ممکن است از مرزهای افغانستان حراست شود و مشکل فعلی مسأله‌ای مرزی را در چه می‌دانید؟

استاد مزاری فرمود: دفاع مشکل نیست، مشکل افغانستان این است که یک دولت مقتدر وجود ندارد تا امنیت را در کابل تأمین کند. دولتی که امنیت را در کابل تأمین نمی‌تواند چگونه ممکن است، بتواند از مرزها دفاع کند. روس‌ها که زمان خروج از افغانستان، دست خود را داغ گذاشته بودند که دیگر به افغانستان تجاوز نکنند امروز که دوباره تجاوز می‌کنند، ضعف در این جا است که در افغانستان، دولت نیست، اگر دولت باشد روس‌ها کاری نمی‌توانند انجام بدهند، باید دولت عمومی و فراگیر تشکیل شود (تا قادر به دفاع از مرزهای ملی باشد). اگر این‌ها (سران جهادی) روش دولت داری را بلد می‌بودند، باید از این مسأله‌ای که روس‌ها به وجود آورده اند، استفاده کرده، مشکل خود را حل می‌کردند، ضعف این جا است و الا من معتقدم روس ها، نسل به نسل دست خود را داغ کردند که با افغان‌ها (افغانستانی ها) درگیر نشوند. مجاهدین اگر روی منافع ملتشان توجه دارند باید مشکل خود را حل کنند، مردم افغانستان برای دفاع آماده است و ما مطمئین هستیم که مردم افغانستان یک بار دیگر، روس‌ها را درس خواهند داد. مردم افغانستان مشکل ندارند، این رهبران است که این وضع فجیع را بر مردم تحمیل نموده اند. ما به مسأله‌ای تاجیکستان کاری نداریم چون یک مسأله‌ای داخلی است اما در صورتی که به خاک افغانستان تجاوز شود هیچ فرد افغانی نمی‌تواند بی تفاوت باشد، باید رهبران و مجاهدین مشکل خود را حل کنند تا از استقلال و تمامیت ارضی کشور دفاع شود.

استاد مزاری ضمن بیان این مطلب که رهبریت حزب اسلامی خواستار جنگ نیست، در پاسخ به این سؤال خبرنگار که پرسید، در گلوله باران متقابل شورای نظار و حزب اسلامی چه کسانی عامل آن خواهند بود؟ اظهار داشت: یک تعداد عناصر (خودسر) از دو طرف شاید این کار را کرده باشند. اما این به نفع هیچ کسی نیست، حزب اسلامی اگر می‌خواست کاروان اکمالاتی را مورد حمله قرار بدهد، می‌توانست آن طرف سالنگ ضربه بزند وقتی که در آنجا ضربه نزده است، بعید به نظر می‌رسد که در شهر کابل آن ها، اقدام به چنین کاری کرده باشند.

۱۳۷۲/۵/۱۶ ـ کابل

مصاحبه‌ی اختصاصی کیهان با رهبر شیعیان افغانستان «چهره‌ی بی‌نقاب کابل جنگ زده»

گزارش خبرنگاران اعزامی روزنامه‌ی کیهان و مصاحبه‌ای اختصاصی با رهبر شیعیان افغانستان، استاد مزاری در غرب کابل پس از پیروزی انقلاب اسلامی افغانستان.

خبرنگاران کیهان: سومین روز ورودمان را به افغانستان سپری می‌کنیم که اوّلین مصاحبه‌ی رسمی مان با یکی از رهبران جهادی صورت می‌گیرد.

حجت الاسلام مزاری از چهره‌های شناخته شده‌ای است که از وی به عنوان رهبر شیعیان افغانستان نام برده می‌شود. در شرایطی با استاد مزاری به گفتگو می‌نشینیم که از بیرون صدای انفجارهای پراکنده شنیده می‌شود و شایعات زیادی در مورد آغاز مجدد درگیری‌ها بر سر زبان‌ها است. در مجموع، مصاحبه‌ی ما با دبیر کل حزب وحدت اسلامی در محیطی با حالت فوق العاده انجام می‌شود از وقتی که قرار می‌شود برای مصاحبه با دبیر کل حزب وحدت اسلامی به مقر این حزب در بخش «افشار» کابل که در تصرف آن‌ها است، برویم دلهره لحظه‌ای آرامان نمی‌گذارد، به خصوص که می‌شنویم حزب «اتحاد سیاف» که از متحدان «حکمتیار» رهبر حزب اسلامی افغانستان است، تاکنون چهار بار، طی حملات شدید به مقر و منطقه تحت تصرف حزب وحدت اسلامی با نیروهای این حزب درگیر شده و خسارات زیادی را ایجاد کرده است. بیم آغاز مجدد درگیری که چندان بعید هم نمی‌نماید و محاصره‌ی منطقه که خروج ما را امکان ناپذیر می‌کند، در تمام مدتی که در انتظار این مصاحبه هستیم، رهایمان نمی‌کند، هر چند که در مجموع، حضور در افغانستان که لقب «بشکه‌ی باروت» برای آن چندان بیراه نیست و هر آن انتظار می‌رود با یک جرقه به انفجار کشیده شود، سراسرش خطر کردن است.

منطقه‌ی حزب وحدت اسلامی

زمان موعد که فرا می‌رسد، به سوی منطقه‌ی افشار کابل به راه می‌افتیم، سر راه ما یک ساختمان بلند، از آنهایی که در تمام پایتخت افغانستان، تک و توکی پیدا می‌شود، نظرمان را جلب می‌کند، معلوم می‌شود که «هتل انتر کانتنانتال» (هتل بین المللی) کابل

است. نمایی بیرون آن سوت و کور می‌نماید و راننده‌ی که ما را به مقر حزب وحدت اسلامی می‌برد، می‌گوید هتل خالی است و مسافری ندارد.

از پیچ بعد از هتل که می‌گذریم، وارد منطقه‌ی حزب وحدت می‌شویم، این جا منطقه‌ی است که ساکنان آن را شیعیان کابل تشکیل می‌دهند و اغلب از طرفداران حزب وحدت اسلامی اند. حضور افراد مسلح و تانک‌ها و زره پوشها در این قسمت شهر چشمگیرتر است. اینجا منطقه‌ی اصلی درگیری است و آثار این درگیری‌ها که به قول اهالی، قربانیان زیادی داشته از در و دیوار منطقه پیدا است. تانک‌های سوخته، خانه‌های که با موشک و با گلوله‌های توپ خراب شده‌اند و ساکنان خود را به کام مرگ کشیده اند، گودال‌های بزرگ وسط خیابان‌ها و پیاده روها، تصاویر عادی این منطقه هستند، این جا چهره جنگ زده‌ی کابل، بدون هیچ نقابی خود را به رخ بیننده می‌کشاند و از درگیری‌ها و خونریزی‌های که همین چندی پیش چون بلای بر سر ساکنان شیعه‌ی منطقه فرود آمده، خبر می‌دهد. علی رغم وضعیت ناراحت کننده‌ی منطقه، برخورد گرم و گیرا، چهره‌های آشنا و لبخندهای دلنشین شیعیان در این جا همه چیز را از یادمان می‌برد. فراموش می‌کنیم که در کانون خطر قرار داریم و هر لحظه باید منتظر اصابت موشک و گلوله‌ی توپ در اطرافمان باشیم.

برخورد شیعیان کابل با ما چنان عطوفت آمیز و نزدیک است که چند بار می‌خواهیم از اتومبیل پیاده شویم و دمی را با آنان بگذرانیم، اما وقت مصاحبه نزدیک است و این امکان وجود ندارد. سر پست‌های بازرسی که توقف می‌کنیم، پس از آنکه می‌فهمند ایرانی هستیم بلا استثنا با صمیمیت و یکرنگی خاصی خود، ما را به نوشیدن چای دعوت می‌کنند. وقتی می‌فهمیم که چای نزد مردم افغانستان گواراترین نوشیدنی‌ها است و به علت کمبودهای ناشی از جنگ و درگیری ها، بسیار کمیاب و گران است، آن وقت متوجه لطفی که مردم به ما دارند می‌شویم.

قبل از مصاحبه، تعریف استاد مزاری و موضع گیریهایش را در وقایع اخیر می‌شنویم، اتومبیلی که ما را به دیدن ایشان می‌برد، پس از گذر از یک میدان، به داخل یک بلوار می‌پیچد، ناگهان عده‌ی زیادی دور ماشین می‌ریزند و از هویت ما می‌پرسند. در یکی دو کلمه، راننده مسأله را می‌گوید و ما بلوار را با سرعت پشت سر می‌گذاریم.

در انتهای آن، اتومبیل به داخل کوچه‌ای در سمت راست می‌پیچد و جلوی درب آهنی بزرگی متوقف می‌شود. یک بار دیگر تشریفات بازرسی انجام می‌گیرد و در بزرگ با اشاره‌ی مأمور بازرسی گشوده می‌شود. قطعه زمین زراعی و نسبتاً وسیع پیش رویمان قرار می‌گیرد که وسط آن جاده‌ای برای عبور اتومبیل ها، باز کرده اند. جلو ساختمان که می‌رسیم از اتومبیل پیاده می‌شویم و بلافاصله در حلقه عده‌ای از مجاهدان مسلح قرار می‌گیریم. (سپس در سالنی وارد شده) مدتی منتظر می‌مانیم تا استاد مزاری اجازه‌ی حضور بدهند، در این مدت به چای و شکلات پذیرایی می‌شویم و استاد (کسانی را که قبل از ما به حضور پذیرفته است) رخصت می‌دهد.

قبل از ورود به دفتر ایشان، (کسی می‌گوید استاد) یکی از شاگردان امام رضوان اللّه علیه و حضرت آیت اللّه خامنه‌ای و از هم بندهای شهید رجایی بوده است و از زندگی ساده‌ی او حرف‌ها می‌زند. برای این دیدار بی تابی می‌کنیم و بالاخره لحظه‌ی بعد ناگهان همه از جا برمی خیزند، استاد از بالای پلکان ما را می‌خواند. ریش بلند جو گندمی و چهره‌ی روشن و رفتار متواضعش اوّلین چیزهای است که جلب توجه مان را می‌کند، نزدیک تر می‌رویم، سلام می‌کنیم و مصافحه، استاد ما را به دفترش راهنمایی می‌کند، جای که خودش رویی تشکچه ای، نزدیک یک تلفن می‌نشیند و ما هم در کنارش قرار می‌گیریم و سؤال هایمان را با او در میان می‌گذاریم. تا اذان مغرب نیم ساعتی باقی مانده است و یکی از یاران استاد مزاری قبل از مصاحبه، این زمان را یادآوری می‌کند. طبعاً در این فرصت کم نمی‌توان درباره‌ی تمام مسائل افغانستان به گفتگو نشست. ابتداء ترجیح می‌دهیم که وقت مصاحبه را به زمان دیگری موکول کنیم، اما باز دلمان راضی نمی‌شود که دست خالی برگردیم، استاد با روی گشاده منتظر طرح سؤالات است.

مصاحبه‌ی اختصاصی کیهان با استاد مزاری

استاد مزاری، قبل از هر چیزی از روزنامه‌ی کیهان به خاطر این که گزارشگرانی را به منظور انعکاس دردها و رنج‌های ملت مسلمان افغان (افغانستان) به کابل اعزام نموده است تشکر می‌کند، جایگاه دولت فعلی افغانستان و درگیری‌های حزب اسلامی حکمتیار، با آن مهم‌ترین مسأله‌ی روز افغانستان محسوب می‌شود. از استاد، نظر حزب

وحدت اسلامی را پیرامون دولت فعلی افغانستان جویا می‌شویم، حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری چنین پاسخ می‌دهد:

از نظر ما فعلا دولتی در افغانستان وجود ندارد، زیرا توافق بین گروه‌های مجاهدین در پاکستان بر مبنای تشکیل یک شورای رهبری و یک شورای جهادی و ایجاد یک دولت دو ماهه و چهار ماهه بود. از روزی که قدرت از آقای صبغت اللّه مجددی به آقای ربانی انتقال یافت تاکنون شورای جهادی دایر نشده و در مورد شورای رهبری هم اکثریت قاطع اعضای آن حضور ندارد.

وی سپس به استعفا، اخراج و سفر عده‌ای از اعضای شورای (رهبری) و نیز عده‌ای از وزرای دولت به خارج از کشور اشاره می‌کند و می‌گوید: در حال حاضر تنها وزرای دفاع و کشور در دولت حاضر می‌شوند.

وی ریشه‌ی اختلافات و درگیری‌های فعلی را لجاجت، قشرگرایی و انحصارطلبی می‌داند و می‌گوید: اگر طرفین متخاصم دست از انحصارطلبی برندارند، امکان بروز مجدد جنگ وجود خواهد داشت.

استاد مزاری سپس به تشریح تاریخچه‌ی تشکیل شورای حل و عقد یا «لویه جرگه» در افغانستان می‌پردازد و می‌گوید: بعد از دولت موقت آقای ربانی، لویه جرگه متشکل از نمایندگان مناطق مختلف تشکیل می‌شود و لویه جرگه، یک نفر را به عنوان رئیس دولت انتخاب می‌کند که طبق توافق قبلی گروه ها، عمر این دولت یک سال و نیم است و پس از آن انتخابات آزاد در کشور برگزار می‌شود.

به اعتقاد رهبر حزب وحدت اسلامی، در حال حاضر امکان برگزاری انتخابات در افغانستان به دلایل زیادی وجود ندارد. مهم‌ترین این دلایل عدم بازگشت مهاجرین افغان (افغانستان) از کشورهای مختلف، عدم تأمین امنیت و عدم توان نظارتی سازمان ملل بر انتخابات است. وی تشکیل لویه جرگه را به شرط آن که اعضای آن از میان همه‌ی گروه ها، بر اساس عدالت و بر مبنای میزان جمعیت، انتخاب شوند، در شرایط فعلی مثبت تلقی نموده و هشدار می‌دهد که چنانچه بخواهد این لویه جرگه مثل لویه جرگه‌های گذشته فرمایشی باشد، از آنجا که شرایط قدرت فعلی مثل سابق نیست و همه‌ی گروه‌ها مسلح هستند، این مجلس نمی‌تواند موفق باشد.

استاد مزاری، موضع حزب وحدت اسلامی را در درگیری بین دولت و حکمتیار بی طرفی اعلام می‌کند و می‌گوید: ما تنها با گروه‌های که بخواهند و موجودیت ما را به مخاطره باندازند می‌جنگیم، هم چنان که در مقابل «اتحاد سیاف» از حقوقمان دفاع کردیم.

تأمین حقوق کلیه‌ی گروه‌های جهادی و مشارکت آنان در تصمیم گیری‌ها بر اساس میزان جمعیت گروه‌ها و قطع ایادی بیگانگان، در امور داخلی افغانستان، دو راه حل برای خاتمه‌ی بحران فعلی این کشور است که رهبر حزب وحدت اسلامی مطرح می‌سازد.

وی می‌گوید: همه‌ی کشورهای که در جریان جهاد ۱۴ ساله‌ی ملت مسلمان افغانستان به نحوی به گروه‌های جهادی کمک کردند، در حال حاضر در امور داخلی افغانستان دخالت می‌کنند و تا دخالت آنان قطع نشود، افغانستان روی آرامش را نخواهد دید.

وی می‌افزاید: هیچ کشوری حق ندارد که برای مردم افغانستان دایه‌ی دلسوزتر از مادر شود، گروه‌های جهادی که با جنگ ۱۴ ساله‌ی خود یک ابر قدرت را شکست دادند، بهتر از هر کسی می‌توانند اداره‌ی امور کشور را در دست گیرند.

منابع و مآخذ:

۱. روزنامه کیهان، چهارشنبه ۲۲ مهر (میزان) ۱۳۷۱ش.
۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۶۸، ۳۰ میزان ۱۳۷۱ش.

مصاحبه‌ی مهم خبرنگار مجله‌ی «الوطن» و رادیو فرانسه با دبیرکل حزب وحدت اسلامی استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر دوشنبه ۱۳۷۲/۷/۲۶ خبرنگار الوطن العربی و رادیو ملی فرانسه را به حضور پذیرفتند و به سؤالات مختلف آنان پاسخ گفتند:

خبرنگار: آیا تمام (اعضای) حزب وحدت اسلامی هزاره هستند؟

استاد مزاری: خیر، در حزب وحدت اسلامی از نژادهای مختلف عضویت دارد و به

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۱، پنجشنبه ۶ عقرب ۱۳۷۲ش.

علاوه‌ی هزاره ها، پشتون ها، تاجیک، ترکمن و قزلباش نیز عضو این حزب هستند.

خبرنگار: هزاره‌ها چند فی صد نفوس افغانستان را تشکیل می‌دهند و چند فی صد رهبران حزب وحدت اسلامی هزاره هستند؟

استاد مزاری: در حدود ۲۶ فی صد نفوس افغانستان را هزاره‌ها تشکیل می‌دهند در ولایات مختلف افغانستان سکونت دارند، مانند بادغیس، فاریاب، بغلان، تخار، کندوز (قندوز)، بدخشان و قسمت اعظم بامیان، غور، غزنی و ارزگان و تقریباً ۹۰ فی صد، رهبران حزب وحدت را هزاره‌ها تشکیل می‌دهند.

خبرنگار: آیا شیعه‌های افغانستان در گذشته از حقوقشان برخوردار بودند؟

استاد مزاری: در گذشته حقوق شیعه‌ها و هزاره‌ها غصب شده بود و از هیچ گونه امتیازی برخوردار نبوده، ولی در طول انقلاب ما سهم فعال، اساسی و رول مهمی را داشتیم، به نحوی که در طول ۱۴ سال جهاد مناطق هزاره جات آزاد بود و روس‌ها هرگز نتوانستند مناطق شیعه و هزاره نشین را تصرف کنند. فعلا تا نفوس شماری دقیق صورت نگرفته (ما) حداقل ۲۵ فی صد حقوق را در تمام امور کشور خواهانیم.

خبرنگار: آقای ربانی خواستار رسمیت مذهب تشیع در مناطق شیعه نشین شده است، شما چه نظر دارید؟

استاد مزاری: مذهب تشیع بدون امر آقای ربانی در مناطق شیعه نشین رسمی است و نیاز به رسمیت ندارد. ما می‌گوییم که باید هر دو مذهب (تشیع و تسنن) در قانون اساسی افغانستان رسمیت پیدا کند.

خبرنگار: در رابطه با قانون اساسی موقت چه نظر دارید؟ و آیا گروه‌های دیگری به رسمیت شناختن مذهب شما را قبول دارد؟

استاد مزاری: آقای ربانی از طرف (گروه) جمعیت اسلامی با ما توافق دارد و امضاء کرده است که مذهب جعفری رسمیت پیدا بکند و حکمتیار و جنبش ملی اسلامی افغانستان نیز این توافق را با ما دارند، ولی آقای سیاف (که) این قانون اساسی را به وجود آورده و در آن فقط به رسمیت شناختن مذهب حنفی تکیه شده است و فعلا کمیسیون دیگری تشکیل شده تا در این رابطه تجدید نظر شود.

خبرنگار: جمعیت که به شما این وعده‌ی امتیاز را می‌دهد به این معنی است که

شما با آن‌ها نجنگید؟

استاد مزاری: ما با هیچ یک از احزاب جنگ نداریم وقتی که گروه‌های مقیم پاکستان در هنگام تشکیل دولت، مردم ما را نادیده گرفته بودند ما علیه آن‌ها جنگ را شروع نکردیم با این که بهتر از حالا در کابل نیرو داشتیم و مراکز عمده، از قبیل وزارت داخله، وزارت صنایع و... در اختیار ما بود ما جنگ نکردیم[1] و این اتحاد (سیاف) بود که از ابتداء جنگ را علیه ما شروع کرد و جنگ را بر ما تحمیل کرد. ما حقوق خود را خواهانیم اما نه از راه جنگ بلکه از راه صلح و مذاکره‌ی سیاسی.

خبرنگار: هر روز بین حزب وحدت و اتحاد سیاف، جنگ است عامل آن جنگ‌ها کیست؟

استاد مزاری: این جنگ‌ها از طرف اتحاد شروع می‌شود، ما به خاطر پایان دادن به این جنگ‌ها پیشنهاد کردیم که نیروهای حزب اسلامی و جنبش ملی اسلامی بین ما و آن‌ها حایل شوند، چون بین ما و شورای نظار هم درگیری بود از وقتی که نیروهای جنبش حایل شده (است) این درگیری‌ها قطع گردید ولی آقای سیاف این پیشنهاد ما را قبول نکرد و به همین خاطر هر روز جنگ است.

خبرنگار: پس هر روز جنگ است و ممکن است این جنگ‌ها به جنگ بزرگتری تبدیل شود، در آن صورت موضع شما چه خواهد بود؟

استاد مزاری: ما طرفدار جنگ نیستیم و با تمام توان می‌کوشیم تا جنگ پیش نیاید و اگر بین گروه‌های دیگر جنگ در بگیرد ما بی طرف خواهیم بود، از طرف ما هیچ تحرکی برای آمادگی گرفتن برای جنگ نیست، ولی کسان دیگر اگر بخواهند بالای ما حمله کنند از خود دفاع خواهیم کرد.

خبرنگار: کدام یکی از حزب اتحاد و جمعیت، دشمن شما است؟

استاد مزاری: ما چون جنگ را راه حل نمی‌دانیم، با هیچ کسی بنای دشمنی نداریم اتحاد تا حالا چهار بار علیه ما جنگیده است و جمعیت نیز دو بار.

خبرنگار: حزب وحدت چند مدتی با جمعیت رابطه‌ی (حسنه) داشت و فعلا با حزب

---

۱. پس از مذاکره و توافقی که با حضرت صاحب مجددی، اوّلین رئیس جمهوری دولت اسلامی افغانستان حاصل گردید حزب وحدت اسلامی به عنوان حسن نیت بعضی از مناطق و مراکز تحت تصرف خود را جهت استقرار صلح و اعاده‌ی امنیت و آرامش در کشور، به دولت اسلامی تحویل داد. (هیأت تنظیم آثار رهبر شهید «ره»)

اسلامی، چرا این روابط تغییر کرده و حکمتیار برای شما چه وعده داده است؟

استاد مزاری: ما خواهان حقوق مردم خود هستیم و هر کسی بیاید، حکومت کند و عدالت اجتماعی را رعایت کند، از هر حزبی که باشد (فرق نمی‌کند) ما از او حمایت می‌کنیم. جمعیت علیه ما جنگید وقتی که جنگ پیش بیاید دیگر رابطه‌ی دوستی باقی نمی‌ماند. آقای حکمتیار، حضرت صاحب مجددی و ربانی با ما توافق نامه دارند (و با امضاء خود تعهد سپرده اند) که حقوق ما را رعایت کنند ولی جمعیت، علیه ما جنگید و ارتباط ما با حزب اسلامی مستحکم تر شد، بعد از مدتی جمعیت اعلام کرد که ما جنگ نمی‌خواهیم و ما هم (دوباره) با آن‌ها رابطه برقرار کردیم و فعلا کمیسیونی بین ما و آن‌ها کار می‌کند. اگر یک روز اتحاد هم اعلام کند که دیگر جنگ نمی‌خواهد با آن‌ها هم رابطه برقرار می‌کنیم.

خبرنگار: آیا حکمتیار آتش بس حزب وحدت و جمعیت را قبول دارد؟

استاد مزاری: بلی، آقای حکمتیار طرفدار جنگ نیست و طبق توافق نامه‌ی جلال آباد کمیسیون آتش بس، بین احزاب تشکیل شد که حزب اسلامی و جمعیت اسلامی هم در آن نماینده دارند.

خبرنگار: وقتی کمیسیون است پس چرا هر روز جنگ است؟

استاد مزاری: جنگ‌های پراکنده است (ولی) جنگ رسمی نیست، در سروبی که جنگ پیش آمده است بین قوم احمد زی و شورای جهادی ننگرهار است، هم حکمتیار و هم مسعود، شرکتشان را در این جنگ‌ها تکذیب کرده است.

خبرنگار: مانع ایجاد صلح چیست و حزب وحدت در این زمینه چه موقعیت دارد؟

استاد مزاری: کسانی که توافق نامه‌ها را امضاء کرده اند، ولی به تعهد خود پایبند نیستند و هر کسی به شکلی آن را نقض می‌کند، عامل اساسی جنگ‌ها هستند. دولت ائتلافی از سوی احزاب تشکیل شده است ولی آقای ربانی به شکلی بر امورات دولت اقدام می‌کند و آقای حکمتیار به شکل دیگر، تا وقتی که این مسائل وجود داشته باشد ایجاد صلح مشکل خواهد بود. اما حزب وحدت اسلامی با وجود این که نسبت به توافق نامه‌ی جلال آباد ملاحظاتی داشت با آن (هم به توافق نامه) عمل کرد و اوّلین مفاد آن را که ایجاد آتش بس بود رعایت نمود، متأسفانه از طرف احزاب دیگر این

موضوع رعایت نشد.

خبرنگار: به نظر شما چه کسی نمایندگی از حکومت می‌کند حکمتیار یا ربانی؟

استاد مزاری: دولت ائتلافی است و تمام احزاب در آن نماینده دارند و هر کس نمایندگی از حزب خود می‌کند. آقای حکمتیار نمایندگی از حزب خود می‌کند، آقای ربانی نمایندگی از حزب خود، حزب وحدت اسلامی هم نماینده دارد، این که دولت منحصر به یک حزب باشد نیست، در دولت باید تمام احزاب سهیم باشند.

خبرنگار: درباره‌ی شایعات صدر اعظمی آقای گیلانی چه نظر دارید؟

استاد مزاری: ما این مسأله را راه حل نمی‌دانیم، در صورتی که آقایان ربانی و حکمتیار هر دو استعفا بدهند و یک حکومت موقت بشمول احزاب مستقل تشکیل شود، ما از آن استقبال می‌کنیم ولی در صورتی که ربانی در مقامش ثابت بماند و حکمتیار برکنار شود، جنگ پیش خواهد آمد.

خبرنگار: حکومت موقت توسط چه ارگانی تشکیل خواهد شد؟

استاد مزاری: طبق فیصله‌ی رهبران در جلال آباد و اسلام آباد، شورای عالی نظارت بر دولت که متشکل از ۹ نفر از رهبران جهادی و ۱۱ نفر از صاحب نظران و افراد با صلاحیت از بین مردم می‌باشند، این دولت را تشکیل می‌دهند.

خبرنگار: حزب وحدت با ایران روابط حسنه دارد و همکاری شما در چه سطحی است؟

استاد مزاری: ما با (همه ی) کشورهای همسایه روابط حسنه داریم، ایران هیچ استثنایی ندارد، ما در پاکستان، ایران، آمریکا و اروپا دفتر نمایندگی داریم و دفتر مرکزی ما چه در دوران جهاد، چه بعد از پیروزی مجاهدین در بامیان بوده است.

خبرنگار: آیا ایران حزب وحدت را از نظر اقتصادی و تسلیحاتی کمک می‌کند؟

استاد مزاری: ایران، نه ما را از نظر اقتصادی کمک کرده است و نه از نظر تسلیحاتی.

خبرنگار: چگونه روابطی بین ایران و حزب وحدت اسلامی وجود دارد؟

استاد مزاری: مهاجرینی که در ایران وجود دارند اکثراً از حزب وحدت اسلامی (و مردم ما) می‌باشند به همین خاطر ما در آن جا دفتر داریم تا در رابطه با بهبود وضعیت مهاجرین با مقامات ایرانی در ارتباط باشند.

خبرنگار: ایران مهاجرین را وادار به ترک ایران می‌کنند آیا حکمتیار در این زمینه توافق نامه‌ی امضاء کرده است؟

استاد مزاری: آقای حکمتیار توافق نامه‌ی با ایران و نمایندگی سازمان ملل متحد، در امور مهاجرین امضاء کرده است به اینگونه که مهاجرینی که داوطلب بازگشت به افغانستان هستند، ایران ممانعت ایجاد نکند و سازمان ملل متحد نیز کمک کند. همین توافق نامه را با پاکستان هم امضاء کرده است، مقامات ایرانی وعده داده‌اند که مهاجرین را وادار به خروج از ایران نکنند.

خبرنگار: آیا روابط شما با عربستان سعودی حسنه است؟

استاد مزاری: نماینده‌ی حزب وحدت اسلامی در ترکیب هیأتی که به خاطر امضای توافق نامه‌ی (جلال آباد) به عربستان سعودی رفته بودند شرکت داشت و در کابل سفیر عربستان مرتباً با ما در ارتباط است.

خبرنگار: آیا عربستان و ایران چیز خاصی از حزب وحدت مطالبه دارند؟

استاد مزاری: خیر.

خبرنگار: مناسبات شما با پاکستان چگونه است؟

استاد مزاری: ما هم در پیشاور و هم در کویته، دفتر نمایندگی داریم و روابط ما حسنه است.

خبرنگار: سیستم نظامی و اقتصادی حزبتان را کی کمک می‌کند؟

استاد مزاری: دو میلیون مهاجر از ما در ایران است و تعداد زیادی در پاکستان و هم چنین در کشورهای غربی: اروپا و آمریکا (هستند) که آن‌ها ماهانه از آنجا کمک می‌فرستند و در افغانستان هم مردم کمک می‌کنند و هیچ دولتی در دوران جهاد و پس از پیروزی، به ما کمک نکرده است.

خبرنگار: با این پولی که مردم کمک می‌کنند سلاح ثقیله می‌خرید؟

استاد مزاری: نه، سلاح ثقیله به قدر کافی از دولت، به غنیمت گرفته ایم.

خبرنگار: چه نوع سلاح ثقیله دارید؟

استاد مزاری: همه نوع سلاح ثقیله داریم غیر از طیاره.

خبرنگار: موشک استینگر هم دارید؟

استاد مزاری: بله.

خبرنگار: آمریکا اعلام کرده است که هر کدام از موشک‌ها را یک صد هزار دلار می‌خرد، شما حاضرید که به آن‌ها بفروشید؟

استاد مزاری: نه، چون برای دفاع از خود ضرورت داریم.

خبرنگار: جمعیت، سلاح خریداری می‌کنند، آیا به آن‌ها حاضر هستید سلاح بفروشید؟

استاد مزاری: هر کس از مردم ما (اگر) سلاح‌ها را بفروشد دستگیر و زندان می‌شوند.

خبرنگار: با این حساب شما معتقد به جنگ هستید؟

استاد مزاری: تا یک اردوی ملی و اسلامی به وجود نیامده ما این سلاح‌های خود را حفظ می‌کنیم، برای دفاع نه برای جنگ. هر وقت یک اردوی ملی اسلامی به وجود آمد، تمام سلاح‌های خود را تسلیم اردو خواهیم کرد.

خبرنگار: نظر شما در رابطه با آینده‌ی کشور چه است و رول حزب شما چه خواهد بود؟

استاد مزاری: ما قبلا طرح داده بودیم که چهار گروه که در افغانستان از نظر نظامی عمده هستند به توافق برسند و دولت را تشکیل بدهند و بقیه احزاب، به تناسب حضورشان نقش داده شود. این طرح را جنرال دوستم، حکمتیار و ربانی قبول کرده بودند ولی مسعود، با این طرح مخالفت کرده و جنگ را علیه ما شروع نمود، اگر این طرح عملی می‌گردید مشکلات افغانستان حل می‌شد، حزب وحدت برای مردم خود یک چهارم، حق در دولت آینده را خواهان است که باید در تمام مسائل کشور و تصمیم گیری‌ها شریک باشند به همین تناسب.

خبرنگار: اگر کسی را به خاطر حوادث یک سال گذشته‌ی کابل ملامت کنید چه کسی را ملامت می‌کنید؟

استاد مزاری: هر کسی که از راه زور بخواهد اراده‌ی خود را بر مردم تحمیل کند و واقعیت‌های عینی جامعه را انکار کند، مورد ملامت ما است.

خبرنگار: در شرایط فعلی مسعود ملامت است یا حکمتیار؟

استاد مزاری: کسی خاصی را ملامت نمی‌کنیم، ولی کسانی که نسبت به تعهداتشان پایبند نباشند، منافع شخصی و گروهی خود را بر منافع ملی ترجیح می‌دهند مورد ملامت مردم افغانستان است.

خبرنگار: اگر در کشمکش حکمتیار و مسعود، حکمتیار برنده شود شما چه موضعی اتخاذ می‌کنید؟

استاد مزاری: شانزده ماه جنگ در کابل، ثابت کرد که این جنگ‌ها غالب و مغلوب ندارد، به آن معنی که یک جریان کاملا حذف شود، باید منطق تفاهم بر منطق جنگ ترجیح داده شود.

خبرنگار: اگر بالفرض این مسأله واقع شود در آن صورت چه موقف دارید؟

استاد مزاری: اگر کسی علیه ما نجنگد ما با کسی دشمنی نداریم.

خبرنگار: شما و آقای حکمتیار متهم به بنیادگرایی هستید آیا این موضع صحت دارد؟

استاد مزاری: مردم افغانستان ۹۹ فی صد مسلمان هستند و ۱۴ سال با همین انگیزه علیه روس‌ها جهاد کرده‌اند و اگر صرف مسلمان بودن را بنیادگرایی می‌دانید همه‌ی مردم افغانستان بنیادگرا هستند، ولی بنیادگرایی را با مفهوم تروریسم و دخالت در امور دیگر کشورها اگر یکی بگویید ما این مسأله را محکوم می‌کنیم، حالا عامل این کار مسلمان باشد یا غیر مسلمان.

خبرنگار: ایران را می‌توانیم بگوییم که بنیادگرا است؟

استاد مزاری: رهبران و مسئولین ایران این موضع را قبول ندارند.

خبرنگار: درباره‌ی آمریکا چه نظر دارید؟

استاد مزاری: آمریکا در طول ۱۴ سال (جهاد) برای گروه‌های مقیم پاکستان کمک کرده است. و ما انتظار داریم که پس از پیروزی مجاهدین، کشورهای خارجی در امورات داخلی ما مداخله نکنند، فرق نمی‌کند که این کشور (آمریکا) باشد یا غیر آمریکا.

خبرنگار: به نظر شما هنوز کمونیست‌ها در امورات دولت نفوذ دارند؟

استاد مزاری: وقتی که مجاهدین به پیروزی رسیدند، عفو عمومی اعلام شد و

رهبران کمونیست‌ها به خارج (از کشور) فرار کردند و کسانی که باقی هستند ممکن است به خاطر ارتباط قومی با بعضی از احزاب ارتباط داشته باشند، ولی تصمیم گیرنده نیستند.

خبرنگار: در رابطه با نقش زنان چه نظر دارید؟

استاد مزاری: ما معتقدیم زنان نصف جامعه‌ی افغانستان را تشکیل می‌دهند و در طرح انتخاباتی که ما داشتیم گفتیم که زن‌ها هم انتخاب شوند و حق انتخاب نمودن را دارند، ولی دیگر احزاب یا علناً و یا تلویحاً با این مسأله مخالف هستند.

خبرنگار: کدام یک از احزاب مخالف نقش زنان هستند؟

استاد مزاری: حزب اسلامی یونس خالص، اتحاد سیاف و دیگران یا اظهار نظر نمی‌کنند یا مخالفت خود را اعلام کرده اما تلویحاً.

والسلام

مصاحبه‌ی استاد مزاری با خبرنگار فرانس پرس[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر دوشنبه ۱۳۷۲/۱۱/۱۸ خبرنگار فرانس پرس را در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی به حضور پذیرفته و به سئوالات وی در مورد وضعیت فعلی کشور پاسخ گفتند.

استاد مزاری نظرش را در رابطه با جنگ فعلی و موقف حزب وحدت اسلامی چنین گفت: حزب وحدت اسلامی چون جنگ را راه حل نمی‌داند همیشه تأکید کرده است که مسائل کشور از طریق تفاهم و مذاکره حل و فصل گردد. اما در رابطه با جنگ کنونی باید بگویم که جنگ یک پدیده‌ی زشت و مذموم است و در زمانی که همه‌ی مردم، مسلح هستند و در حکومت، عدالت اجتماعی رعایت نمی‌شود و آن حکومتی که روی کار است همه جانبه نیست، طبیعی است که جنگ پیش می‌اید و حل ریشه‌ی جنگ‌های فعلی در تشکیل یک حکومت وسیع البنیاد است و در صورتی که برای مردم افغانستان حقوق عادلانه در نظر گرفته شود، جنگ بکلی خاتمه می‌یابد.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۰، پنجشنبه ۲۸ دلو ۱۳۷۲ش.

خبرنگار در مورد مهاجرین، به غرب کابل سؤال نمود، استاد مزاری پاسخ داد: بیش از پنجاه هزار نفر به مناطق هزاره نشین غرب کابل آمده است که اکثراً در منازل مردم جای داده شدند که توسط افراد خیّر مربوط حزب وحدت اسلامی سه وعده غذا، البسه، کمپل و دارو در اختیار آنان قرار داده شده‌اند و به علاوه‌ی کمک از طرف حزب وحدت اسلامی به مهاجرین مستقر در غرب کابل، دو هزار قرص نان از طریق چهار آسیاب و مکرویان فرستاده شد که در بین مردم باقی مانده، در آنجا توزیع می‌شود.

استاد مزاری، در پاسخ به این پرسش خبرنگار که نظر وی را در مورد پافشاری دولت برای خارج شدن نیروهای ژنرال دوستم از کابل، سؤال نمود، اظهار داشت: موضع دولت، موضع منطقی نیست کابل متعلق به مردم افغانستان است و متعلق به حزب خاص و یک قوم خاص نیست، کابل پایتخت افغانستان است و همه حق دارند که تا به وجود آمدن اردوی ملی در آنجا، نیروهای نظامی داشته باشند.

خبرنگار سؤال نمود که همه‌ی رهبران با برگزاری انتخابات (موافق بوده و) تأکید دارند ولی این موضوع عملی نشده است علتش چیست؟ استاد مزاری پاسخ دادند: همه انتخابات می‌گویند ولی عمل نمی‌کنند و انتخابات را به خاطر قدرت خودشان می‌خواهند. من قبلا گفته بودم کسی که ریاست جمهوری اسلامی را (موقتاً) به عهده می‌گیرد نباید در انتخابات کاندید شود، تا انتخابات عادلانه برگزار شده و از بیت المال مسلمین به نفع شخصی استفاده نشود ولی این موضوع را آقای ربانی قبول نکرد.

استاد مزاری، در مورد طرح حزب وحدت اسلامی برای آینده‌ی افغانستان گفت: ما طرح سازمان ملل متحد را قبول کردیم و یک حکومت بی طرف را به نفع مردم افغانستان می‌دانیم، منتها مدت این حکومت کم باشد و زمینه‌ی انتخابات را فراهم نماید.

استاد مزاری، در رابطه با استعفا کردن آقای ربانی و موضع حزب وحدت اسلامی در قبال شورای هماهنگی فرمودند: در صورتی که آقای ربانی استعفا نکند، جنگ ادامه خواهد یافت و حزب وحدت اسلامی از موضع و خواسته‌های شورای عالی هماهنگی انقلاب اسلامی پشتیبانی می‌نماید.

مصاحبه‌ی استاد مزاری با خبرنگاران بی بی سی[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی عصر روز گذشته ۱۳۷۲/۱۱/۲۵ خبرنگاران رادیو بی بی سی را در اقامتگاهشان غرض مصاحبه به حضور پذیرفتند و به سؤالات آن‌ها پاسخ گفتند.

استاد مزاری در پاسخ سؤال در مورد قضیه‌ی افشار اظهار داشتند: پس از به وجود آوردن فاجعه‌ی افشار توافق نامه‌ی ۸ ماده‌ای بین حزب وحدت و جمعیت، به منظور آتش بس و مسایل فی ما بین از جمله افشار به امضاء رسید و به دنبال جنگ ۱۲ روزه‌ی دارالامان و دهمزنگ با وساطت جنرال دوستم توافق نامه‌ای ده ماده‌ای دیگری امضاء شد که جنرال دوستم به عنوان نیروی حایل و تضمین کننده‌ی توافق نامه، پای آن امضاء کرد. در این توافق نامه باز هم تأکید شده است که به توافق نامه‌ی ۸ ماده‌ای گذشته عمل شود.

موضوع اوّل توافق نامه‌ی ۸ ماده‌ای عبارت است از رهایی بدون قید و شرط اسراء که تاکنون به آن عمل نشده است. ما به عنوان حسن نیت در همان اوایل ۵۱ نفر از نظامیان جمعیت را که در منطقه‌ی دارالامان دستگیر کرده بودیم به جنرال دوستم تسلیم کردیم که باید تبادله صورت گیرد. اما از طرف جمعیت، حتی ۸ نفر حاضر کرده نتوانست و به همین ترتیب کار کمیسیون ادامه داشت تا جنگ اخیر بین شورای عالی هماهنگی و جمعیت پیش آمد، مردم و مهاجرین افشار بر ما فشار آوردند که حزب وحدت داخل جنگ شده و افشار را آزاد کند. ما این موضوع را به کمیسیون صلح مشترک محول کردیم که موضوع آزادی افشار جزء توافق نامه است و باید آزاد شود.

پس از این مسایل کمیسیون بین خود نشسته و توافق نامه‌ای دیگری را امضاء کردند که طبق آن افشار باید تخلیه شود منتهی یک صد و پنجاه نفر از نظامیان حزب وحدت در افشار و یک صد و پنجاه نفر از شورای نظار در خوشحالخان و یک صد و پنجاه نفر از اتحاد در کمپنی باشند و تمام مناطق نظامی که در اختیار حزب وحدت اسلامی قرار داشت باید دوباره مسترد شود و در مسیر راه سیلو و افشار پسته‌های مشترک گذاشته شود و برای برگشتن مردم به افشار هیچگونه ممانعت نباید به

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۱، پنجشنبه ۱۲ حوت ۱۳۷۲ش.

وجوداید و کسانی که از مردم افشار مسلح هستند، با سلاح خود برگردند و این چیزی است که در فیصله آمده است. منتهی در تطبیق این فیصله دچار مشکل شده‌اند چون راه ما به طرف افشار باز نبود، نظامیان ما از نظر نظامی صلاح نمی‌دانستند به افشار بروند و در بین مردم نیز، این خبر پیچید که افشار آزاد می‌شود و همه هم آمادگی گرفته بودند، برای برگشتن به افشار. اما جمعیت، به تمام مواد موافق نامه عمل نکرده و کوه‌های افشار را تخلیه نکردند و پسته‌های مشترک نیز به وجود نیاوردند از این جهت مردم احساس ناراحتی کردند و امروز هم دیدید که دست به تظاهرات زدند که باید به کل توافقنامه عمل شود در آن صورت ما برمی گردیم اگر کل توافق نامه عمل نشود، نیروهای نظامی باید برگردند.

خبرنگار سؤال نمود که در تظاهرات امروز مردم خواستار تخلیه کوه‌ها و پرداخت غرامت جنگی از سوی دولت بودند و می‌گفتند که در صورتی که خواسته‌های ما عملی نشود علیه دولت دست به اقدام خواهند زد. آیا حزب وحدت ضرب الاجلی در این زمینه تعیین نکرده است؟ استاد مزاری جواب داد: دولت به ما این قول را داده است که خسارات را بپردازد و توافق نامه‌ی کمیسیون حزب وحدت اسلامی و جمعیت تطبیق شود.

مصاحبه‌ی استاد مزاری با خبرنگاران فرانسوی[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر روز پنجشنبه ۱۳۷۳/۱/۱۳ خبرنگاران فرانسوی را به حضور پذیرفته و به سؤالات آنان پاسخ گفتند که متن کامل آن را از نظر خوانندگان محترم می‌گذرانیم.

خبرنگار: به نظر شما سازمان ملل متحد می‌تواند نقشی در افغانستان بازی نماید و طرح شما چه است؟

استاد مزاری: سازمان ملل در صورتی که طبق شرایط و اوضاع افغانستان طرح داشته باشد می‌تواند نقش مثبت و سازنده‌ی را در جهت حل بحران افغانستان ایفا

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۳، پنجشنبه ۱ ثور ۱۳۷۳ش.

نماید. طرح حزب وحدت اسلامی این است که باید یک دولت موقت بی طرف با توافق احزاب به وجوداید که این دولت موقت در طول مدت معین طرح انتخابات را تدوین نموده و پیش نویس قانون اساسی را تهیه کند که در آن حقوق تمام مردم افغانستان اعم از زن و مرد در نظر گرفته شود، در همین ایام باید رفراندوم و همه پرسی درباره‌ی نوع حکومت آینده‌ی افغانستان که سیستم فدرالی باشد یا متمرکز، فراهم گردد. اردوی ملی با شرکت همه‌ی اقوام طبق معیار نفوس ساخته شود و اعضای دولت موقت حق کاندید شدن را در انتخابات آینده نداشته باشد.

خبرنگار: شما کدام نوع حکومت را قبول دارید؟

استاد مزاری: ما سیستم فدرالی را می‌پذیریم.

خبرنگار: نیروهای مسلح در این شرایط به چه شکلی خواهد بود؟

استاد مزاری: نیروهای مسلح باید از تمام ملیت‌ها ساخته شود و زیر نظر حکومت مرکزی کار نمایند.

خبرنگار: تشکیلات اداری کنونی تغییر خواهد کرد؟

استاد مزاری: ما می‌گوییم در حکومت فدرالی باید این تغییرات به وجود بیاید.

خبرنگار: در گذشته خواست‌های مردم شما در نظر گرفته نشده است، حالا چه خواسته‌ای دارید؟

استاد مزاری: باید در آینده، برای همه‌ی مردم افغانستان سهم داده شود. در انتخابات همه‌ی اقشار مردم اعم از زن و مرد شرکت نمایند و تبعیض وجود نداشته باشد.

خبرنگار: آیا شما تعداد معینی از پست‌های دولتی را می‌خواهید؟

استاد مزاری: تا زمانی که نفوس شماری دقیق صورت نگیرد ما خواهان یک چهارم سهم گیری در دولت برای مردم هزاره می‌باشیم.

خبرنگار: شما فکر می‌کنید مردم هزاره مانند گذشته در محرومیت بسر می‌برند؟

استاد مزاری: تا حکومت قانونی به وجود نیاید و آزادی اجتماعی، مدنی، سیاسی و فرهنگی وجود نداشته باشد هم چنان محرومیت است.

خبرنگار: آیا شما این موضوع را با سایر تنظیم‌ها در میان گذاشته اید؟

استاد مزاری: پیش از این که روس‌ها از افغانستان خارج شوند ما روی این موضوع بحث کردیم و با تنظیم‌های که در تماس بودیم گفتیم که در آینده‌ی افغانستان هیچ کس نباید ظلم کند و حق مردم باید داده شود و طبق شعاع وجودی‌اش باید در قدرت سهیم باشند.

خبرنگار: آیا در سمیناری که چند روز پیش در هتل انتر کانتینانتال دایر شده بود، نماینده‌ی شما شرکت کرده بود؟

استاد مزاری: این سمینار از سوی طرفداران آقای ربانی سازماندهی شده بود و ما با آقای ربانی مخالف هستیم، آن‌ها از ما دعوت کرده بودند ولی کسی شرکت نکرد.

خبرنگار: شما فکر می‌کنید سمینار جنبه‌ی تبلیغاتی داشته است؟

استاد مزاری: (بلی) بیشتر به خاطر سفر هیأت سازمان ملل متحد بود که خواسته‌های آقای ربانی را می‌خواسته از زبان آن‌ها بیان نمایند و به نمایندگان سازمان ملل متحد منتقل نمایند.

خبرنگار: علت جنگ‌های داخلی چه چیزی بوده است؟

استاد مزاری: تصمیم عجولانه تنظیم‌های مقیم پیشاور بود که نظر همه‌ی مردم افغانستان را نادیده گرفته و حکومت ۴ ماهه و ۲ ماهه را برای مردم که ۱۴ سال مبارزه‌ی مسلحانه داشته‌اند به وجود آورند. ثانیاً انحصارطلبی‌های جمعیت اسلامی بود که باعث اوضاع رقت بار کنونی در کشور گردید.

خبرنگار: در بین رهبران چه کسی را مسئول می‌دانید؟

استاد مزاری: مسئولیت بیشتر به عهده آقای ربانی است که به حیث مسئول دولت طی بیست ماه گذشته حکومت کرد و آقای سیاف که این مجلس حل و عقد را، که از سوی هفت تنظیم رد شده بود تشکیل نمودند.

خبرنگار: از پنج ولایت در حکومت فدرالی کدام یک مربوط به شما خواهد بود؟

استاد مزاری: مناطق مرکزی.

خبرنگار: مناطق مرکزی چند ولایت فعلی را احتوا خواهد کرد؟

استاد مزاری: پنج ولایت فعلی را در بر می‌گیرد.

خبرنگار: وضعیت کابل در آینده چگونه خواهد بود؟

استاد مزاری: تا یک حکومت قانونی به وجود نیامده، وضعیت کنونی باقی خواهد ماند.

خبرنگار: در حکومت فدرالی، کابل چه موقعیتی را خواهد داشت؟

استاد مزاری: حکومت مرکزی کنترل آن را به عهده می‌گیرد.

خبرنگار: آیا کشورهای خارجی در جنگ‌های داخلی افغانستان دخالت دارند؟

استاد مزاری: طرح پیشاور اشتباه بود، و باید با تفاهم یک حکومت فراگیر و دراز مدت تشکیل می‌شد و فعلا مشکلات در داخل افغانستان است، ممکن است بعضی از گروه‌ها با خارج تماس داشته باشند ولی عامل درگیری‌ها و تشنجات در داخل افغانستان است.

خبرنگار: چگونه رابطه‌ی خاصی با ایران دارید؟

استاد مزاری: با همه‌ی کشورهای همسایه روابط داریم ولی تنها تنظیمی که در داخل افغانستان به وجود آمده و در طول دوران جهاد مرکزیتش داخل افغانستان بوده است، حزب وحدت اسلامی است که تنظیم‌های دیگر هیچ کدام این خصوصیت را ندارند. ما در ایران، پاکستان، کشورهای اروپایی، عربی و آمریکایی دفاتر نمایندگی داریم و غیر از این، با هیچ کدام رابطه‌ی خاصی نداریم.

خبرنگار: به نظر شما آیا ایران می‌تواند رول مثبتی را برای حل قضیه‌ی افغانستان بازی کند؟

استاد مزاری: سال گذشته با کمک دولت‌های ایران، پاکستان و عربستان سعودی توافق نامه‌ی اسلام آباد امضاء شد اما مشکل افغانستان حل نشد.

خبرنگار: چرا این توافق نامه به ناکامی مواجه گردید؟

استاد مزاری: آقای ربانی به هیچ یک از توافق نامه‌های امضاء شده عمل نکرد.

خبرنگار: آیا حزب شما از نظر سیاسی مخالف آقای ربانی است و از نظر نظامی بی‌طرف است؟

استاد مزاری: در کابل بلی، ولی در شمال حزب وحدت اسلامی عضو جنبش ملی است و با آن هماهنگ عمل می‌نماید.

خبرنگار: دلیل عمده‌ای که شما را در کابل وادار به جنگ کند چه خواهد بود؟

استاد مزاری: باید ربانی بپذیرد که وضعیت افغانستان به نفع او و مردم افغانستان نمی‌باشد و باید استعفا بدهد و اگر ربانی به این کار خود ادامه دهد طبیعی است که نه قابل تحمل برای ما و نه برای سایر تنظیم‌ها است.

مصاحبه‌ی استاد مزاری با رادیو بی بی سی[۱]

استاد عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان در گفتگو با میرویس جلیل در کابل

خبرنگار: موقف حزب وحدت اسلامی افغانستان در رابطه با درگیری‌های شهر کابل (و سمت شمال) چیست؟

استاد مزاری: البته در درگیری‌های سمت شمال، حزب وحدت در آنجا جزء جنبش است. یعنی جنبش از مجموعه‌ی همه‌ی احزاب جهادی تشکیل شده که (حزب وحدت اسلامی هم) جزءشان است.

(اما) در کابل موقف حزب وحدت بی طرفی بوده که جنگ را، راه حل کننده نمی‌دانسته، از نگاه سیاسی موضعی داشته که باید آقای ربانی و آقای حکمتیار استعفا بکنند و یک دولت موقت تشکیل شود.

مصاحبه‌ی رهبر حزب وحدت اسلامی در مورد طالبان و تحولات اخیر[۲]

خبرنگار: نیروهای حزب وحدت اسلامی افغانستان در شرایط حاضر بین نیروهای جمعیت اسلامی افغانستان و نیروهای طالبان در چهار آسیاب قرار گرفته‌اند و در نتیجه موضع و اقدامات آن‌ها از اهمیت خاصی برخوردارند. ضمناً آن‌ها تصویر نسبتاً دقیقی هم از درگیری‌های چهار آسیاب داشته است و از استاد عبدالعلی مزاری رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان در کابل پرسیدم، تا آنجا که اطلاع دارید در این درگیری‌ها چه گذشته است؟

استاد مزاری: در درگیری که پیش آمده بود، این‌ها (یعنی) حزب اسلامی یک

---

۱. پیک، (خبرنامه‌ی حزب وحدت اسلامی)، شماره‌ی ۷۰۱، یکشنبه ۱۳۷۳/۱/۷ش (بی بی سی، شام ۱۳۷۲/۱۲/۲۹).

۲. پیک، (خبرنامه‌ی حزب وحدت اسلامی)، شماره‌ی ۷۹۵، ۲۷ دلو ۱۳۷۳ش، (بی بی سی، شام ۱۳۷۳/۱۱/۲۵).

مقداری اوّل در «میدان شهر» مقاومت داشت، بعد از آن، نخواستند مقاومت بکنند، نیروهای خود را کشیدند. در مسأله‌ی لوگر هم دیشب طلبه‌ها در پل علم بودند،... ولی اینها (حزب اسلامی) از ساعت ۱۲ بجه شب به بعد تصمیم گرفت که نیروهای خود را از چهار آسیاب بیرون کرده ببرند، آن هم دلیلش این بود که در جلال آباد توافق شده بود بین آقای ربانی و حکمتیار، که (در مقابل طلبه ها) مشترکاً دفاع بکنند، بعد وقتی که آقای قانونی (از جلال آباد) آمد در کابل این مسأله را آقای مسعود قبول نکرد، آقای حکمتیار گفت: تا حالا خوب من، در جنگ بودم شما نظاره می‌کردید حالا دیگر من نیروهای خود را می‌کشم بعد ببینم که شما جنگ کنید، من نظاره می‌کنم. لهذا، از این جهت نیروهای خود را کشیده رفتند و نیروهای شورای نظار در چهار آسیاب جا به جا شده بود، طلبه‌ها ساعت‌های ۱۰ امروز بود که رسیده و در چهار آسیاب آمدند و این جنجال را دارند که به آقای مسعود می‌گویند این جاها را باید تخلیه کنید، [ما] مناطق حزب اسلامی را می‌گیریم بعد از او، با شما مذاکره می‌کنیم، تا حالا دو هیأت بینشان تبادله شده هنوز مشکلشان حل نشده است.

ما نیروهای جنبش را از آن منطقه کشیدیم، شب آوردیم در این جا، غرب شهر کابل، یک خط دفاعی کامل دورادور غرب کابل به وجود آوردیم. آن‌ها [شورای نظار و طلبه‌ها]الآن در جنجال است. دیگر، مسأله‌شان معلوم شود (که) چه می‌شود؟

خبرنگار: نیروهای جنرال دوستم که در جنوب و غرب کابل بودند الآن کجا هستند؟

استاد مزاری: الآن این نیروها کاملا [منتقل شده است، یعنی] از دیشب، وقتی که آقای حکمتیار منطقه را ترک و تخلیه می‌کرد این‌ها را هم ما از آنجا منتقل کردیم، بیش از هزار نفر با وسایلش آوردیم، حالا در غرب کابل است، همین جا خط دفاعی تشکیل داده در کنار ما است.

خبرنگار: آیا درسته، که نیروهای وحدت اسلامی الآن در محاصره‌ی نیروهای جمعیت اسلامی هستند؟

استاد مزاری: نه، غرب کابل خوب از طرف طلبه ها، از طرف اتحاد سیّاف و این ها...، قبلا که مناطق حزب اسلامی [سقوط نکرده] بود، در محاصره بود ولی این که جمعیت اسلامی محاصره کرده باشد نه، در محاصره نیست و ما مذاکره داریم یعنی امروز هم

این‌ها (جمعیت...) نفر فرستاده بودند... با طلبه‌ها هم (مذاکره داریم) نفر فرستادیم که مذاکره بکنیم، ما طرفدار جنگ نیستیم جنگ را راه حل نمی‌دانیم ولی اگر کسی تعرض بکند طبعاً در دو سال و هشت ماه که این جا دفاع کردیم حالا هم مصمم هستیم که دفاع کنیم.

خبرنگار: شما فکر می‌کنید برخوردی لازم باشد و [یا برخوردی] صورت بگیرد؟

استاد مزاری: فکر نمی‌کنم، یعنی (اطراف درگیر اگر معقولانه فکر کنند امیدواریم که) مذاکرات منجر به یک راه حل اساسی شود، چون همه خواهان این مسأله‌اند که یک صلح بیاید در افغانستان و یک حکومت به پایه‌های وسیع که همه درش شریک باشد و تصمیم هم در آنجا باشد، از این جهت طلبه‌ها و همه از طرح سازمان ملل حمایت کرده است. ما هم مکرر حمایت کردیم لذا فکر نمی‌کنیم جنگی پیش بیاید، طرح سازمان ملل یک راه حلی است که همه به آن توافق دارند.

مصاحبه‌ی معصومه طرفه با استاد مزاری[1]

ضمناً دیشب درگیری‌های میان نیروهای جمعیت اسلامی و حزب وحدت اسلامی در کارته سه و دهمزنگ صورت گرفت.

به گفته‌ی عبدالعزیز مراد آغازگر این درگیری حزب وحدت اسلامی بود. اما استاد عبدالعلی مزاری رهبر حزب وحدت اسلامی در گفتگوی با معصومه طرفه خبرنگار رادیو بی بی سی گفت: دیشب ساعت ۸ آقای مسعود درگیری را شروع کرد، پیش از این، او گفته بود که ما حمله می‌کنیم و سفیر ایران که با او مذاکره داشت به آن‌ها [یعنی به سفیر و همراهانش] گفته بود که ما سر غرب کابل حمله می‌کنیم و هر چه آن‌ها گفته بودند که شما دلیلی برای حمله ندارید ولی گفته بود نه، ما حمله می‌کنیم. فلهذا ساعت هشت حمله را شروع کرد و تا ساعت ۱۲ طول کشید.

از استقامت کوته سنگی تا «گذرگاه» جنگ شدید بود، بعد خاموش شد از آن طرف خساراتش بسیار زیاد است، بعد حمله‌ی این‌ها رفع شد و امروز آرام بود.

خبرنگار: آیا ممکن است که نیروهای طالبان هم به شما حمله بکنند یا نه؟

---

۱. پیک، (خبرنامه‌ی حزب وحدت اسلامی)، شماره‌ی مسلسل ۷۹۶، دوشنبه ۱ حوت ۱۳۷۳ش، (بی بی سی، شام ۱۳۷۳/۱۱/۲۸).

استاد مزاری: ما مذاکراتی داشتیم این‌ها فعلا تصمیم حمله به ما را ندارند و برای (گرفتن) شهر آمده و میدان هوایی را خواسته و نقاط استراتژیک شهر را از آن‌ها خواسته. بعد اگر آن مسأله تمام شد و دوران حکومت تشکیل دادن پیش آمد، آن وقت به ما گفته که شما هم سلاحتان را بدهید ما گفتیم اگر در حکومت سهم مردم ما در نظر گرفته شد، در اردو و این ها، آن وقت حرفی نداریم.

خبرنگار: قبل از این که حمله‌ی جمعیت اسلامی به شما صورت بگیرد آیا آقای مسعود یا نماینده هایش از شما خواستند که اسلحه را تحویل بدهید یا این که مناطق تحت کنترل خودتان را ترک بکنید؟ یا بدون اینکه شما انتظار داشته باشید حمله انجام شد؟

استاد مزاری: نه آن‌ها قبلا به ما پیغام دادند که شما این منطقه را به ما تحویل بدهید، ما گفتیم مفهوم ندارد که ما منطقه‌ی خود را به شما تحویل بدهیم، شما منطقه‌ی خود را به ما تحویل بدهید، بعد روی این مسأله گفتند که ما حمله می‌کنیم، گفتیم که خوب حمله بکنید ما هم آماده‌ی دفاع هستیم.

خبرنگار: شما فکر می‌کنید که چرا مسعود می‌خواست به شما حمله کند؟

استاد مزاری: ما معتقدیم که مسعود برای طرح سازمان ملل می‌خواهد اغتشاش پیش بیاورد و جنگ راه بیندازد، و یکی هم حزب اسلامی که موضع خود را با فشار طلبه‌ها یا با توافق طلبه‌ها ایلا (رها) کرده اند، این‌ها خیال می‌کردند که ما متکی به حزب اسلامی هستیم، حالا یک حمله اگر بکند این جا را می‌گیرد یا با تهدید می‌گیرد، آقای مسعود اشتباه می‌کند، حزب اسلامی گرچه الآن در منطقه‌ی سروبی و منطقه‌ی لته بند (است) آنجا درگیری دارد، امروز شدیداً با شورای نظار درگیر بود و طلبه‌ها هم آماده است که شهر را تصرف شوند. او (مسعود) رقیب خود را از میدان بیرون نکرده، رقبای دیگر هم در مقابلش هست و ایشان به این پیروزی‌ها نمی‌رسد بلکه مجبور است که تسلیم خواست عمومی مردم شود، تا یک حکومت همه جانبه تشکیل شود.

مصاحبه‌ی کسری ناجی با رهبر حزب وحدت اسلامی در کابل[1]

گوینده‌ی رادیو بی بی سی: در همین حال همکار ما کسری ناجی به کابل رفته با استاد عبدالعلی مزاری از حزب وحدت گفتگوی کرده است.

و طالبان از همه‌ی گروه‌ها از جمله احمد شاه مسعود و عبدالعلی مزاری خواسته‌اند سلاح‌های خود را به فرماندهان طالبان تحویل دهند. همکار ما از آقای مزاری پرسید: که موضع حزب آن‌ها درباره‌ی این خواست طالبان چیست و در صحبت‌هایی که تا به حال با این گروه داشته به چه نتایجی رسیده اند؟

استاد مزاری: امروز سومین بار است که ما با گروه طلبه‌ها صحبت کردیم و تا حالا نتیجه به جایی نرسیده آن‌ها حرفشان و پافشاریشان سر مسأله‌ی خلع سلاح عمومی است و در این رابطه طبق شرائطی که در غرب کابل حاکم است تا حالا به توافق نرسیده‌ایم و مذاکره ادامه دارد. آن‌ها به ما می‌گویند که ما همه را خلع سلاح می‌کنیم. چون طرف ما مسعود بوده و با ما ۱۳ جنگ کرده، تا آن‌ها را خلع سلاح نکرده مشکل است که ما سلاح خود را بگذاریم.

خبرنگار: دو، سه روز اخیر نبردهای یا جنگ‌های هم بوده با طرف نیروهای که از طرف شمال شما و مناطق که (تحت کنترل) نیروهای دولتی و نیروهای آقای ربانی هستند. این جنگ‌ها در نتیجه‌ی چه بوده است؟ آیا مذاکره هم با آن طرف در جریان است؟

استاد مزاری: قبل از حمله، دو شب پیش مذاکره در جریان بود مذاکره می‌کردیم. صحبت داشتیم، ولی...، آن‌ها مذاکراتش به این بود، که حزب اسلامی منطقه را ترک کرده شما هم باید ترک بکنید.ما گفتیم این خود منطق ناسالم است شما باید منطقه را ترک بکنید. بعد آن‌ها اعلان کرد که ما حمله می‌کنیم ما هم گفتیم آماده برای دفاع هستیم، تا هنوز که ۱۳ جنگ را دفاع کردیم و [پس از این هم می‌توانیم دفاع کنیم] همین بود که از ساعت ۸ شب تا ۱۲ شب را آن‌ها (شورای نظار) حمله کردند و بعد از تلفات سنگین نزدیک ۷۰ نفر کشته و زخمی داشتند و حمله‌شان دفع شد ما فقط ۲ نفر شهید و ۴ نفر زخمی داشتیم.

---

۱. پیک، (خبرنامه‌ی حزب وحدت اسلامی)، شماره‌ی ۹۷۶، ۱۳۷۳/۱۲/۱ش، (بی بی سی، شام ۱۳۷۳/۱۱/۳۰).

خبرنگار: آقای مستری هم در کابل هستند، دارند سعی می‌کند بلکه قدرت به یک کمیسیون موقت منتقل بشود فکر می‌کنید که این کمیسیون در یکی ـ دو روز آینده تشکیل بشود و انتقال قدرت صورت بگیرد؟

استاد مزاری: آقای محمود مستری برای آن، روزی دوشنبه را که فردا باشد اعلان کرده بود ولی ما معتقدیم که مانع اصلی در سر راه این مسأله آقای مسعود است و حالا هم سخنگوی ربانی که اعلان کرده در رابطه با صلح سازمان ملل مانع خلق بکند، زیاد امیدوار نیستم که این مسأله تحقق پیدا بکند زیرا که این‌ها مانع خلق می‌کنند.

خبرنگار: فهرستی از اسامی اعضای کمیسیون منتشر شد دیروز، نظر شما راجع به این فهرست چیه؟

استاد مزاری: آقای محمود مستری که این جا آمده بود از ما یک نماینده خواسته بود که از طرف حزب وحدت معرفی بکنیم که ما آقای خلیلی را معرفی کردیم و باقی افراد بی طرف را گفته بود لیستش را ما به زودی برای شما می‌دهیم و تا حالا این لیست را برای ما نداده و این لیستی که منتشر شده هم مورد توافق ما نیست.

خبرنگار: آخرین سؤال از خدمتتان، مردم این جا می‌خواهند بدانند که آیا جنگ می‌شود در کابل بین طالبان و دولت و طالبان و شما، نظر شما چیه، آیا روزهای آینده منتظر جنگ باید باشیم؟

استاد مزاری: از حرفی که طلبه‌ها سرش پافشاری دارد و تا حالا عمل کرده گفته خلع سلاح عمومی و آقای مسعود و افرادش و نظامیانش که می‌گویند شما مقاومت کنید. سنگرهایتان را محکم بکنید (با توجه به) این دو تا مسأله برای آینده جنگ حتمی است که بین طلبه‌ها و آقای مسعود پیش می‌آید. چون این‌ها دستور می‌دهد که مقاومت بکنید و طلبه‌ها هم که خلع سلاح عمومی را در نظر دارد.

مصاحبه‌ی استاد مزاری با خبرنگاران صدای آمریکا و بی بی سی[1]

استاد عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی قبل از ظهر روز چهارشنبه ۱۳۷۳/۳/۲۵ در دفتر کارشان خبرنگاران B. B. Cو خبرنگار صدای آمریکا را به حضور

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۸، پنجشنبه ۹ سرطان ۱۳۷۳ش.

پذیرفته و به سئوالات آنان پاسخ گفتند.

استاد مزاری، در پاسخ این سؤال که با توجه به کم ماندن مدت دولت آقای ربانی نظر شما درباره‌ی تمدید آن چیست و اگر آقای ربانی استعفا نکند وضعیت کشور چگونه خواهد بود؟ اظهار داشت: مشروعیت دولت کنونی به توافق نامه‌های اسلام آباد و جلال آباد است که نمایندگان و رهبران احزاب آن را امضاء کرده اند، پس از اتمام موعد معین حتی یک روز هم تمدید این دولت به صلاح کشور نیست و آقای ربانی اگر به منافع و مصالح مردم بیاندیشد، باید کنار برود و طبیعی است وقتی که آقای ربانی استعفا نکند چنانچه طی دو سال گذشته جنگ و خونریزی در افغانستان حاکم بود بعد از این نیز حاکم خواهد بود و آقای ربانی در راه تشنج در کشور گام خواهد گذاشت.

استاد مزاری، در پاسخ این سؤال که آیا در شورای که قرار است در هرات دایر شود شرکت خواهد کرد؟ گفتند: اسماعیل خان طی ملاقات‌های که با ما داشت طرح خود را ارائه داد و بعد از خواندن و بررسی آن در صورتی که همه‌ی جوانب در شورای هرات شرکت کنند ما هم شرکت می‌کنیم.

دبیر کل حزب وحدت اسلامی در مورد کوشش‌های سازمان ملل و نقش ظاهر شاه در شرایط کنونی چنین بیان داشت: هیأت سازمان ملل به سرپرستی محمود مستری که چندی قبل به افغانستان آمده بود در جریان طرح حزب وحدت اسلامی قرار گرفت و طرح مدون حزب وحدت اسلامی به آنان داده شد.

ولی سازمان ملل در صورتی که طرح مطابق با واقعیت‌های عینی جامعه‌ی افغانستان طرح کند، ما چنانچه قبلا هم اعلام کردیم اقدام مؤثر می‌دانیم و در حد توان با آنان هم همکاری خواهیم نمود. اما ظاهر شاه در شرایط کنونی نمی‌تواند در افغانستان نقشی بازی نماید. استاد مزاری، در مورد مسایل جاری در حزب وحدت اسلامی اظهار داشت: قرار بود تعیینات حزب وحدت اسلامی برگزار شود اما مردم تشویش داشتند و با انجام تظاهرات ابراز عقیده می‌کردند و این یک چیزی طبیعی است. اما متأسفانه عواملی باعث گردید تا تظاهرات منجر به حادثه شد. اکنون مسائل رو به حل شدن می‌رود و نگرانی وجود ندارد.

دبیر کل حزب وحدت اسلامی، در مورد ملی گرایی در حزب وحدت گفتند: در حزب وحدت اسلامی مانند هر حزب دیگر اختلاف نظر در جلسات وجود دارد و هم، همه روی اساسنامه و مصوبات حزب توافق دارند. بی طرفی در جنگ‌های جاری مواضع رسمی حزب وحدت اسلامی بود و همه روی آن توافق دارند. اما از نظر سیاسی با توجه به اقدامات انحصارطلبانه‌ی آقای ربانی طی دو سال گذشته، ما مخالف دولت آقای ربانی هستیم و روی این موضوع نیز همه‌ی اعضای حزب اتفاق نظر دارند.

مصاحبه‌ی خبرنگار رادیو بی بی سی با استاد مزاری[1]

استاد عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۳۷۳/۴/۲۳ در دفتر کارشان آقای میرویس جلیل خبرنگار رادیویی B. B. C را غرض انجام مصاحبه به حضور پذیرفته و به سئوالات وی پاسخ گفتند که ذیلا متن کامل آن تقدیم می‌گردد:

خبرنگار: سیاست‌های حزب وحدت اسلامی از سوی دبیر کل یا شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی طرح و عمل می‌شود؟

استاد مزاری: تصمیم گیرنده شورای مرکزی است ولی مجری رئیس شورای مرکزی می‌باشد.

خبرنگار: با توجه به تحولات که پیش آمده است آیا سیاست حزب وحدت نیز تغییر خواهد کرد؟

استاد مزاری: حزب وحدت اسلامی سیاست اصولی و ثابت دارد، حقوق مردم خود را می‌خواهد، جنگ را راه حل نمی‌داند و معتقد است، تا تمام ملیت ها، اقوام و مذاهب در تصمیم گیری کشور شریک نباشد معضل کشور حل نخواهد شد.

خبرنگار: تخلیه‌ی بالاحصار و تپه مرنجان را شکست تلقی می‌کنید، یا معامله‌ی بعضی از قومندانان می‌دانید؟

استاد مزاری: قبل از سقوط بالاحصار گزارش‌های داشتیم، مبنی بر این که عده‌ی از قومندانان بالاحصار توسط هلیکوپتر منتقل شده با مسعود ملاقات کرده بودند، ما

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۴۰، پنجشنبه ۶ اسد ۱۳۷۳ش.

این گزارش را برای مسئولین جنبش هم منتقل کردیم، متأسفانه این گزارش دیر به دست آن‌ها رسید و قضیه به وجود آمد؛ ما این مسأله را شکست نظامی تلقی نمی‌کنیم، بلکه معامله‌ی بود که انجام گرفت، مثل این واقعه قبلا نیز در جاه‌های دیگر به وقوع پیوسته بود.

خبرنگار: آیا معامله‌ای که صورت گرفته راهی در جهت حل قضیه‌ی افغانستان محسوب خواهد شد؟

استاد مزاری: نه! به هیچ وجه، مسأله‌ی افغانستان اگر به تفاهم حل نگردد با معامله گری و گرفتن یک یا دو نقطه‌ای نظامی قابل حل نخواهد بود بلکه مشکل پیچیده تر می‌گردد. بر فرض این که قبول کنیم جنبش، در کابل شکست خورده باشد آنان در شمال مناطق وسیعی را در کنترل دارند و نیروهای سنگینی در اختیارشان هست که می‌توانند سال‌ها بجنگند.

خبرنگار: آیا قضیه‌ی که در بالاحصار پیش آمد شورای عالی هماهنگی از هم خواهد پاشید؟

استاد مزاری: شورای هماهنگی بر اساس یک سیاست اصولی و با یک خط مشی مشخص به وجود آمده است و تا تحقق کامل اهداف آن، ادامه خواهد یافت، شورای عالی هماهنگی با گرفتن و یا از دست دادن چند سنگر از هم نخواهد پاشید.

خبرنگار: تا چه حد حاضر هستید با جنرال دوستم در گرفتن سنگرهایش همکاری نمایید؟

استاد مزاری: ما بارها گفته‌ایم قضایای کشور از طریق جنگ حل نخواهد شد ما از نگاه سیاسی موضع مشخص و مخالف دولت آقای ربانی داریم و از نظر نظامی، بی طرف بوده ایم. جنرال دوستم نیاز به کمک نظامی ندارد و خودش به اندازه‌ی کافی توانمندی نظامی دارد.

خبرنگار: برخوردهای اخیر بین نیروهای شما و حزب اسلامی آیا تأثیر منفی بر روابط شما با حزب اسلامی خواهد داشت؟

استاد مزاری: متأسفانه این درگیری بین یک قومندان حزب اسلامی و یک قومندان ما که برای حفاظت مناطق مسکونی مردم ما در سمت جنوب شرقی کابل مستقر بود

به وقوع پیوست که بعد از درگیری بلافاصله آقای حکمتیار از سوی حزب اسلامی هیأتی را موظف ساخت تا قضیه را بررسی سازد و مقصر را شناسایی نمایند.

خبرنگار: آیا شخصاً حاضر هستید تا در جلال آباد جهت مذاکره با آقای حامد الغابد بروید؟

استاد مزاری: ضرورت نیست که شخصاً به جلال آباد بروم، نماینده‌ی با صلاحیت حزب وحدت اسلامی حضرت آیت اللّه صادقی پروانی که به خاطر اجلاس جلال آباد رفته بود، اکنون در پاکستان است دو بار هم با نماینده‌ی کنفرانس اسلامی مذاکره نموده است و توافقی که بین آنان به عمل‌اید حزب وحدت اسلامی مکلف بر رعایت آن می‌باشد.

خبرنگار: شورای عالی هماهنگی منتظر این است که شما وارد جنگ شوید، آیا این کار را انجام خواهید داد؟

استاد مزاری: مسأله‌ی افغانستان باید از طریق تفاهم حل شود، ۲۵ ماه گذشته ثابت کرد که جنگ تعیین کننده نیست، علاوه بر این موضع ۳۵ کیلومتر عرض جبهه داریم و مهاجرین زیادی از مرکز شهر به این منطقه آمده است و بسیاری نقاط غرب کابل جنگ زده است و ما جنگ را صلاح نمی‌دانیم و مسایل باید از راه‌های سیاسی، و مسالمت آمیز حل و فصل گردد.

طی مصاحبه‌ی دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان نسبت به انحصارطلبی و عدم تقسیم عادلانه قدرت، به دولت موقت هشدار داد[۱]

کابل خبرگزاری جمهوری اسلامی: عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی نسبت به انحصارطلبی و نادیده گرفتن حقوق برخی از گروه‌های جهادی توسط دولت موقت افغانستان هشدار داد، وی روز چهارشنبه در گفتگو با خبرنگار اعزای خبرگزاری جمهوری اسلامی در کابل گفت: بی توجهی مسئولان دولت موقت، نسبت به خواست‌های گروه‌هایی که ۱۴ سال بار سنگین جهاد را بر دوش کشیده‌اند ممکن است در آینده وضعیتی به وجود آورد که قابل کنترل نباشد.

---

۱. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۱۳۷۱/۲/۲۶.

دبیر کل حزب وحدت اسلامی افزود: ما خواهان رعایت حقوق مساوی برای تمامی گروه‌های جهادی در دولت آینده‌ی افغانستان هستیم، وی درباره‌ی نتایج گفتگوهایش با اعضای دولت موقت افغانستان گفت: مشکلات میان طرفین حل نشده و با توجه به عملکرد مسئولان دولت موقت تصور بر این است که آنان در صدد تحمیل یک دیکتاتوری جدید در افغانستان هستند.

وی گفت متأسفانه به خواست‌های گروه‌های که در اتحاد شمال و در آزادی مزار شریف و استان‌های شرقی افغانستان نقش به سزایی داشتند توجه نشده و اگر این وضع ادامه پیدا کند آن ها، (گروه‌های جهادی) ساکت نخواهند نشست.

پیک، خبرنامه‌ی حزب وحدت اسلامی افغانستان، شماره‌ی ۴۰۱، ۱۳۷۱/۴/۳۰

مصاحبه‌ی خبرنگار اعزامی رسالت به کابل با دبیرکل حزب وحدت اسلامی[1]

روزنامه رسالت: آقای مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی در مصاحبه‌ای با خبرنگار ما در مورد شرایط حکمتیار مبنی بر خروج نیروهای شبه نظامی ازبک از کابل گفت: این جنگی است میان حکمتیار و ژنرال دوستم و ربانی که ما در این رابطه موضع بی طرف داریم.

وی اظهار داشت به هر حال ژنرال دوستم دارای یک نیروی منظم نظامی است که قسمت‌های مختلف از افغانستان را در اختیار دارد.

گزارشی از مصاحبه‌ی استاد مزاری با خبرنگاران صدا و سیمای ایران[2]

مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان دیروز در آستانه هفته وحدت خواستار مذاکره‌ی مستقیم با سیاف رهبر اتحاد اسلامی شد. و به گزارش واحد مرکزی خبر

۱. پیک، خبرنامه‌ی حزب وحدت اسلامی، شماره ۴۳۶، مورخ ۱۳۷۱/۶/۲۶ (روزنامه‌ی رسالت ۱۳۷۱/۶/۲۳).

۲. همان منبع، ص ۲۱، (روزنامه رسالت، ۱۳۷۱/۶/۲۱).

از برون مرزی، آقای مزاری که در مصاحبه با خبرنگاران اعزامی صدا و سیما به مناسبت هفته‌ی وحدت سخن می‌گفت با اعلام این خبر افزود: امید می‌رود که این مذاکره طی هفته‌ی آینده صورت گیرد.

بر اساس این گزارش، آقای مزاری اضافه کرد: امیدوار است که در آینده‌ی نزدیک با دولت ربانی رئیس جمهور افغانستان بر سر موقعیت شیعیان در حکومت اسلامی کابل به توافق بیشتری دست یابد.

مصاحبه‌ی استاد مزاری با رادیو بی بی سی در مورد نقض آتش بس[1]

محمد معصوم خبرنگار بی بی سی: به اعتقاد شما مسئول این نقض دقیقاً کدام گروه و جناح است؟

استاد مزاری: بعد از آن که توافق نامه‌ی آتش بس اسلام آباد امضاء شد که یکی از موادهای توافق نامه، آتش بس دائمی بود تا حالا به هیچ وجه رعایت نشده ما بر علاوه آن در راستای مسأله، دو تا کمیسیون را هم به وجود آوردیم هم با شورای نظار و هم با حزب اتحاد اسلامی آقای سیاف که هم برای آتش بس و تبادل اسراء و این‌ها و هم برای تحکیم آتش بس و نظارتش مشترکاً پنج نفر، به وجود بیاوریم. ولی با همه‌ی این مسایل همه شب و همه روزه جنگ است و هیچ روزی نیست که سی تا چهل نفر مردمان غیر نظامی از ما زخمی و شهید نشوند.

محمد معصوم: آقای مزاری! چرا کمیسیون نظارت بر آتش بس شکست خورد؟

استاد مزاری: این کمیسیون حل کننده نیست مگر در صورتی که کمیسیون حاضر شود از کشورهای اسلامی که نظارت دارند متخلف را اعلان بکنند و این کسی که ناظر هست در آنجا، غیر از گزارش دادن هیچ توانایی جلوگیری از آتش بس را ندارد. لهذا در این اواخر نفرهای ما که در کوه تلویزیون و کوه سیلو از این جاها، ناظر بودند دو سه شب می‌شود نفرهای ما را به زور از آنجا پایین کردند و این جنگ هم ادامه داشته، و این جا درگیری که وجود داشته بین شورای نظار بوده از یک طرف و مسأله حزب وحدت از طرف دیگر بوده که آن‌ها (شواری نظار) آتش بس را نقض کرده و مناطق

---

۱. رادیو بی بی سی، ۱۳۷۲/۱/۲۵ ـ پیک (خبرنامه‌ی وحدت اسلامی) شماره ۴۸۹.

مسکونی ما را زده‌اند و طبیعی است که این طرف هم به درگیری کشانده شدند.

مصاحبه‌ی استاد مزاری با رادیو بی بی سی در رابطه با اجلاس اسلام آباد[۱]

حامد علمی: آقای مزاری علت اساسی جنگ شما با حکومت چه است؟

استاد مزاری: ما با حکومت جنگ نداریم ولی شورای نظار است که برای تحکیم پایه‌های حکومتشان نه توافق را قبول دارند و نه فیصله را که امضاء می‌کنند قبول دارند لهذا، به خاطر استحکام پایه‌های حکومتشان، این چند بار است که به عنوان تصفیه شهر، جنگ را علیه ما آغاز کردند.

حامد علمی: ولی بیشتر در این جنگها اهالی تلفات می‌بینند، آیا شما برای قطع جنگ کدام پیشنهادی دارید؟

استاد مزاری: از این جهت که اهالی شریف کابل بیشترین خسارات را می‌بینند، ما بسیار متأثر و متأسف هستیم، ما به مردم احترام داریم و همین مسأله است که ما تمام جنگ‌های را که آقای مسعود علیه ما تحمیل کرده در همه‌ی این جنگها، هر کس که پا در میانی کرده و صلح طلبی کرده، ما قبول کردیم.

حامد علمی: ولی در حال حاضر دو کمیسیون با دو هیأت صلح است که برای صلح تلاش می‌کنند ولی هیچ یک از تلاش‌ها به نتیجه نرسیده علت چه هست؟

استاد مزاری: این‌ها یک تلاش‌های یک جانبه است. یعنی توافق بی طرفانه نیست ولی با ما هر کسی که تماس گرفت گفتم آتش را آن‌ها قطع بکنند ما قطع می‌کنیم. بعد آن‌ها طیاره جنگی را بالا کردند مردمان غیر نظامی را زدند. منتهی در اخیر به ما دو پیشنهاد شده که ما با هر دویش موافقت کردیم. گفتند یک هیأت از طرف رهبران از جلال آباد می‌اید با دو نفر عضو شورای جهادی جلال آباد، و جنرال دوستم هم پیام داده که ما یک هیأت می‌فرستیم برای میانجیگری. ما هر دویش را گفتیم که خوب است تا حالا نرسیده اند.

حامد علمی: آیا شما برای صلح امیدوار هستید؟

استاد مزاری: واللّه، اگر آقای مسعود دست از جنگ بردارد و قانع بشود به توافق

---

۱. پیک، (خبرنامه‌ی حزب وحدت اسلامی)، شماره ۵۱۰، رادیو بی بی سی ۱۳۷۲/۲/۲۸.

رهبران، و رهبران هم پابند امضاءشان باشند و عهدشکنی نکنند، امیدوار هستیم که راه حل باشد که مردم آرام شود.

مصاحبه‌ی استاد مزاری با خبرنگار بی بی سی، در رابطه با ملاقات جنرال دوستم[۱]

این مصاحبه که توسط خبرنگار بی بی سی، با استاد مزاری، دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان، در رابطه با ملاقات جنرال دوستم، صورت گرفته است که اینک از نظرتان می‌گذرد.

حامد علمی: مذاکرات شما با هیأت صلح به چه توافقی رسیده است؟

استاد مزاری: مذاکراتی با آن‌ها برای صلح و آرامش بود توافقاتی کردیم که جنگ دیگر نشود، به کلی در کابل دیگر جنگ نشود.

حامد علمی: توافقاتی امضاء شده؟

استاد مزاری: مذاکرات ادامه دارد امیدوار هستیم که همه جانبه، مذاکرات انجام شده و مشکلات کلا حل شود.

حامد علمی: مردم فکر می‌کنند و گفته می‌شود که جنرال دوستم می‌خواهد که یک ائتلاف تازه‌ی با حزب وحدت اسلامی به وجود بیاورد صحت دارد؟

استاد مزاری: مذاکره‌ی که ما با جنرال دوستم داشتیم، برای امنیت و صلح در کابل بود و (فعلا) مسأله‌ی ائتلاف جدیدی مطرح نیست و امیدواریم همه‌ی طرف‌های درگیری تفاهم بکنند.

حامد علمی: جنرال دوستم از شما پشتیبانی می‌کند و شما همیشه از آن‌ها حمایت کرده‌اید و در مورد شرکت دادن آن‌ها به کابینه شما تلاش کرده اید؟

استاد مزاری: [رهبران] با جنرال دوستم که در کابینه شرکت کنند مخالفت نداشتند ولی با حضورشان در جلال آباد از طرف عده‌ی از رهبران مخالفت شده و ما پافشاری داشتیم که برای آن‌ها (جنبش شمال) سهم داده شود. آقای حکمتیار و ربانی متقاعد شده که آن‌ها را سهم بدهند و خود این‌ها هم خواهان صلح و آرامش هستند.

[استاد مزاری گفت:] برای شرکت دادن جنرال دوستم در کابینه با رئیس جمهور

---

۱. رادیو بی بی سی، ۱۳۷۲/۴/۱۷ ـ پیک (خبرنامه‌ی حزب وحدت اسلامی)، شماره ۵۴۲.

و نخست وزیر صحبت خواهد کرد و این تضمین مسأله را می‌کند.

مصاحبه‌ی استاد مزاری با خبرنگار بی بی سی، در مورد سفر جنرال دوستم به کابل[۱]

سوزی پیرایس: درباره‌ی ملاقات ژنرال دوستم و مشکلاتی حزب وحدت با جمعیت اسلامی از استاد مزاری سؤال کرد!

استاد مزاری در جواب گفت: در این رابطه قبلا جمعیت، پیشنهاد کرده بود که با مشکلاتی که بین ما و جمعیت است در راستای توافق نامه‌های قبلی که آزادی اسراء و تردد و باز بودن راه‌ها و برگشت مهاجرین و این‌ها است، حل شود. ما توافق نامه‌ی هشت ماده‌ی داشتیم کمیسیونی را هم تشکیل داده بودیم که این مسأله حل شود. در این راستا تا حالا از طرف جنبش چیزی گفته نشده، فقط جنرال صاحب دوستم در مصاحبه‌اش گفته که من این میانجیگری را می‌کنم و این تفاهم را، ما از این مسأله خوشبینیم و آماده هستیم که هر کسی برای صلح و ثبات گامی بردارد و دست دراز بکند ما آن دست را فشار می‌دهیم و از این مسأله استقبال می‌کنیم، هر کسی باشد که کمک بکند به صلح و ثبات و رفع معضلات، ما از او استقبال می‌کنیم.

استاد مزاری ادامه داد که: نفرات او می‌توانند به آشتی دادن دشمنان سابق یعنی جنرال دوستم، حزب اسلامی نقش داشته باشند. همه‌ی گروه‌ها خواهان انعطاف قابل ملاحظه‌ای جنرال دوستم هستند و این، موقعیت جنرال دوستم را برای برقراری صلح هدف او می‌باشد. (بالا می‌برد).

و استاد مزاری ادامه داد که: پنج نفر، در منطقه‌ی جنوب غربی شهر، در دشت برچی، کشته و ده نفر زخمی شده اند.

و استاد مزاری ادامه داد که: جنرال دوستم سعی دارد روابط میان احمد شاه مسعود وزیر دفاع پیشین با حزب وحدت اسلامی بهبود یابد.

مصاحبه‌ی استاد مزاری با خبرنگار جمهوری اسلامی ایران ـ کابل[۲]

---

۱. رادیو بی بی سی، شام ۱۳۷۲/۴/۱۵ ـ پیک (خبرنامه‌ی حزب وحدت اسلامی)، شماره ۵۴۲.

۲. ابرار ۱۳۷۱ ـ پیک (خبرنامه‌ی حزب وحدت اسلامی) شماره ۴۵۷.

کابل ـ خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۱/۱۰/۲۹

حجت الاسلام و المسلمین مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان با ابراز نگرانی از بروز یک جنگ دیگر در این کشور گفت: این حزب، (حزب وحدت اسلامی) که مخالفت با دولت برهان الدین ربانی را، از راه‌های سیاسی پیگیری می‌کند، آغاز کننده جنگ نخواهد بود. وی که صبح دیروز در گفتگو با خبرنگاران ایرانی اعزامی به کابل شرکت کرده بود افزود: حزب وحدت اسلامی معتقد است شورای قیادی مرکب از رهبران تمامی احزاب جهادی این کشور، بایستی هرچه زودتر یک سرپرستی موقت برای دولت افغانستان انتخاب کند. بر پایه‌ی پیشنهاد دبیر کل حزب وحدت اسلامی دولت موقت انتخابی، شورای قیادی نیز موظف است زمینه را برای انتخابات عمومی در این کشور و انتخاب رئیس جمهوری و دولت آینده با رأی مستقیم مردم افغانستان فراهم آورد.

استاد مزاری گفت: این پیشنهاد را در دیدار با آقای محسنی رئیس هیأت صلح، میان گروه‌های افغانی ارائه داده ام.

وی در این گفتگو بار دیگر از حزب اسلامی حکمتیار، جنبش ملی اسلامی شمال جنرال دوستم، حزب محاذ ملی سید احمد گیلانی و جبهه نجات ملی صبغت اللّه مجددی به عنوان چهار متحد حزب وحدت اسلامی افغانستان یاد کرد.

استاد مزاری هم چنین بزرگ‌ترین عامل اشتراک مردم افغانستان را تشکیل حکومتی که حقوق همه ملت‌ها را در این کشور تأمین کند و از اسلام سرچشمه گیرد خواند.

دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان با ابراز نگرانی از احتمال بروز یک جنگ دیگر در این کشور گفت: ما امیدواریم ربانی قدرت سیاسی را به شورای قیادی مرکب از رهبران تمامی گروه‌های جهادی افغانستان واگذار کرده از بروز چنین جنگ خونین جلوگیری کند. با این حال وی تأکید کرد ائتلاف ۵ گروه مخالف علیه دولت ربانی خواست‌های خود را از راه‌های سیاسی پیگری می‌کند و هرگز آغاز کننده جنگ نخواهد بود.

مصاحبه‌ی استاد مزاری با روزنامه رسالت، در رابطه با مذاکرات ریاض[۱]

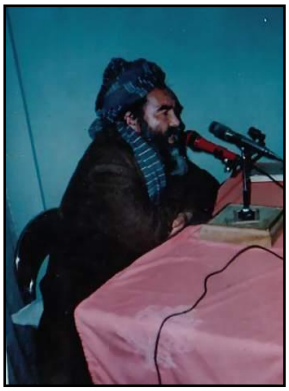

استاد مزاری، دبیر کل حزب وحدت اسلامی با طرح دو پیش شرط آمادگی‌اش را برای شرکت در کنفرانس ریاض اعلام کرد.

وی روز چهارشنبه در گفتگو با رادیو بی بی سی، توقف جنگ از سوی شورای نظار و آقای ربانی علیه حزب وحدت و حزب اسلامی، دعوت از آقای ربانی به عنوان رهبر حزب جمعیت اسلامی، نه تحت عنوان رئیس جمهوری افغانستان، به عنوان دو پیش شرط برای شرکت در اجلاس مذکور ذکر کرد.

استاد مزاری، اظهار امیدواری کرد با شرکت کلیه رهبران احزاب جهادی افغانستان در ریاض، عوامل اصلی بحران فعلی و جنگ خانمانسوز کابل شناسایی شود.

آقای مزاری، در زمینه گفتگوهای جاری حزب وحدت با آقای ربانی گفت: این گفتگوها بیشتر بر محور بررسی آتش بس، برآورد خسارات منطقه‌ی چنداول که توسط شورای نظار تخریب شده بود و تبادل اسرای جنگ قبلی بوده است.

مزاری، هم چنین بار دیگر تأکید کرد، جنگ اخیر در افغانستان را آقای ربانی و احمد شاه مسعود بر حزب اسلامی تحمیل کرده است.

مصاحبه‌ی استاد مزاری با رادیو بی بی سی، درباره شرایط آتش بس[۲]

خبرنگار محمد معصوم: برای قطع جنگ بین دولت و حزب وحدت چه توافقی حاصل شده است؟

استاد مزاری: مدتی دو سه روز می‌شود که از طرف دولت کم فیر می‌شود، لهذا از طرف ما هم جواب کم داده می‌شود، اگر دولت [آتش بس را] رعایت بکند که دو طرف تا حل سیاسی مسأله [یک دیگر را] نزند، از طرف ما آتش بس رعایت می‌شود، ولی چون عملیات را دولت شروع کرده و ما جنگ را آغاز نکرده‌ایم حالا آتش بس هم بستگی به عمل آن‌ها دارد.

---

۱. روزنامه رسالت، ۱۳۷۱/۱۱/۸ ـ پیک (خبرنامه‌ی وحدت اسلامی) شماره ۴۶۰.

۲. رادیو بی بی سی، ۱۳۷۱/۱۱/۲۸ ـ پیک (خبرنامه‌ی وحدت اسلامی) شماره ۴۶۴.

خبرنگار: قراری که شنیده می‌شود نیروهای حایل بین نیروهای دولت و مخالفین آن جابجا خواهد شد، آیا در این زمینه شما کدام پیشرفت کردید و کدام مذاکراتی تا حال صورت گرفته است؟

استاد مزاری: نیروهای که الآن در جنگ بی طرف است نیروی فرقه ۵۳ جنبش است البته ما مطرح کردیم که اگر نیروهای حایل بیاید برای حفظ آتش بس، و از این فرقه ۵۳ باشد [خوب است] ولی این را تا حالا آن‌ها موافقت نکرده اند.

خبرنگار: به جز از نیروهای ۵۳، نیروهای کمیته صلح شهر کابل هم حاضر بودند که، نیروهای حایل شوند، به چه دلیل شما قبول نکردید و گفتید نیروهای فرقه ۵۳ باید حایل باشند؟

استاد مزاری: چون ما در جنگ قبلی با وزراء به اصطلاح دفاع که علیه ما جنگ را آغاز کرده بود، ما قبلا از این کمیته نیرو پذیرفتیم در «گردنه باغ بالا» و این‌ها هم هیچ مؤثر برای حفظ آتش بس نبود، لهذا هر روز درگیری آن‌ها بیشتر می‌شد و درگیری می‌کردند. و این‌ها مانع شده نمی‌توانست. چون در این جهت مؤثر نیست و بی طرف هم نیست از این جهت ما آن‌ها را قبول نکردیم.

خبرنگار: آقای مزاری! در جریان جنگ‌های اخیر مردم کابل بسیار تلفات دادند و از هر جناح مردم تلف شدند، به نظر شما من حیث یک رهبر، این جنگ‌ها چقدر مردم کابل را تلف کند، تا شما رهبران بین هم کنار بیایید؟

استاد مزاری: مردم کابل، جای شک نیست که فشار بسیار دیده و رنج زیادی کشیده و ما از این مسأله رنج می‌بریم، ولی عامل این مسأله آقای ربانی است که خلاف مرجع قانونی عمل کرد و بعد هم دست به حمله علیه ما و حزب اسلامی زد، عامل این مسأله آقای ربانی است و مردم باید از او بازخواست بکند.

مصاحبه‌ی استاد مزاری با خبرنگار جمهوری اسلامی ایران[1]

عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان، تنها راه حل مشکل سیاسی این کشور را کناره گیری برهان الدین ربانی رئیس جمهور و گلبدین حکمتیار

۱. پیک، خبرنامه‌ی وحدت اسلامی افغانستان، شماره ۶۵۳، سال سوم، ص ۳، ۱۳۷۲/۹/۲۱ (روزنامه سلام ۱۳۷۲/۹/۱۹).

نخست وزیر دانست. وی که دیروز با خبرگزاری جمهوری اسلامی گفتگو می‌کرد اعلام نمود. هیچ یک از توافق‌های اسلام آباد که در اسفند (حوت) گذشته حاصل شده بود تا کنون عملی نشده است.

وی گفت: برای حل مشکل افغانستان یک دولت موقت بی طرف باید جایگزین دولت فعلی افغانستان شود و زمینه‌ی انتخابات و تشکیل یک ارتش (اردو) ملی را فراهم سازد.

حجت الاسلام مزاری، مجدداً بر بی طرفی حزب وحدت در درگیری‌های شمال شرق کابل تأکید کرد و یادآور شد؛ که حزبش هرگز به حل مشکل سیاسی افغانستان از طریق جنگ معتقد نیست و بر این باور است که آینده‌ی سیاسی این کشور باید از طریق مذاکره و تفاهم رهبران جهادی افغانستان پایه ریزی شود.

وی در مورد آتش بس بین نیروهای اتحاد اسلامی سیاف و حزب وحدت در غرب کابل اظهار داشت: در رده‌ی رهبری با اتحاد اسلامی سیاف و جمعیت اسلامی افغانستان مشکلی وجود ندارد و تنها بعضی از فرماندهان در مورد آزادی اسراء مشکلاتی به وجود آورده اند.

حجت الاسلام مزاری گفت: با وجود این آتش بس، مشکل اساسی مردم غرب کابل هنوز حل نشده است. ابراز امیدواری کرد، طرفین با خویشتنداری به طور ریشه‌ای به اختلافاتشان پایان دهند.

دبیر کل حزب وحدت اسلامی گفت: از مجموع ۷۲۰ اسیر نظامی و غیر نظامی این حزب، طی دو مرحله مبادله اسراء، تنها ۲۶ نفر آزاد شده‌اند و بقیه در اسارت فرماندهان نظامی اتحاد سیاف و جمعیت اسلامی می‌باشند.

وی گفت: از مجموع این تعداد ۲۷۰ تن در اسارت اتحاد اسلامی سیاف و بقیه در اختیار فرماندهان جمعیت اسلامی هستند.

حجت الاسلام مزاری با اشاره به ویرانی‌های جنگ در غرب کابل افزود: پس از روی کار آمدن دولت مجاهدین این منطقه به طور مطلق از داشتن برق محروم است و مردم با مشکلات عدیده‌ای از قبیل کمبود مواد سوختی و مواد غذایی، مسدود بودن راه‌ها و از بین رفتن زمینه‌ی کار مواجه هستند.

وی گفت: در جنگ‌های یک سال و نیم گذشته بیش از چهار هزار واحد مسکونی در غرب کابل ویران شده است و ۱۶ هزار تن بر اثر اصابت سلاح دوربرد مجروح شده اند.

وی افزود: از دو هزار نفری که تا به حال جزء کشته شدگان این منطقه ثبت شده اند. تنها ۳۳۰ تن نظامی بوده‌اند و بقیه را غیر نظامیان تشکیل می‌دهند.

مصاحبه‌ی استاد مزاری با میرویس جلیل در رابطه با آتش بس موقت در کابل[1]

میرویس جلیل: آیا این آتش بس (موقت) می‌تواند مقدمه برای آتش بس دائمی باشد؟

استاد مزاری: در صورتی آتش بس دائمی پیش می‌آید که مذاکرات شروع شود و مسأله‌ی خواسته‌های طرفین بررسی شود و به یک راه حل اساسی قانع شوند، آن وقت آتش بس دائمی می‌شود که بعد تضمینی هم در این جا داده شود که دوباره این آتش بس نقض نشود، جنگ دوباره شروع نشود که ما در آنجا از کشورهای پاکستان، سعودی و ایران و نهضت‌های جهان اسلامی تضمین خواستیم که نظارت بکنند و این توافقاتی که می‌شود باید در اجرایش آن‌ها هم حاضر باشند.

مصاحبه‌ی استاد عبدالعلی مزاری، سخنگوی احزاب مؤتلفه‌ی اسلامی افغانستان که به تاریخ ۱۳۶۴/۵/۱۰ در هتل استقلال تهران با جمعی از خبرنگاران داخلی و خارجی انجام گرفت

خبرگزاری جاپان: خواهشمندیم اعضای کنفرانس، خودشان را معرفی نموده در مورد اهداف این کنفرانس روشنی باندازند؟

---

۱. رادیو بی بی سی، ۱۳۷۱/۱۲/۵ ـ پیک (خبرنامه‌ی وحدت اسلامی) شماره ۵۱۰.

استاد مزاری، سخنگوی احزاب مؤتلفه‌ی اسلامی: بسم اللّه الرحمن الرحیم. این کنفرانس از سوی چهار گروه ائتلافی مستقر در ایران تشکیل گردیده و هدف از برپایی این کنفرانس موضع گیری است علیه کنفرانس ژنو که به عنوان نمایندگان (واقعی) ملت افغانستان نظریات خویش را در قبال آن مذاکرات اعلام می‌دارند.

خبرگزاری جاپان: چهار گروه ائتلافی کدام هااند؟

استاد مزاری: گروه‌های ائتلافی عبارت‌اند از سازمان نصر افغانستان، پاسداران جهاد اسلامی افغانستان، نهضت اسلامی افغانستان و جبهه‌ی متحد انقلاب اسلامی افغانستان.

خبرگزاری جاپان: نفوذ و جمعیت این چهار گروه به چه حداند؟

استاد مزاری: افغانستان سرزمینی است که در آن بیش از هفده قوم با زبان‌های مختلف و خصوصیات اجتماعی ـ مذهبی مختلف زندگی می‌کنند. ولی مذهب رسمی مردم از دیر زمان به این طرف تشیع و تسنن بوده است. منتهی وقتی در این سرزمین کودتای روسی صورت گرفت و بعداً روس‌ها علناً دست به تجاوز نظامی زدند کلیه‌ی اقشار ملت بدون در نظر داشت قوم، زبان و مذهب در کنار هم علیه تجاوز روسیه و رژیم کودتاچی به مقابله و دفاع برخاستند. بنابراین احزاب سیاسی که گردانندگان این قیام و مجاهدات ملت هستند، برخاسته از (میان) اقوام مختلف و زبان‌های مختلف و مذاهب مختلف اند. از اینجاست که اکثریت اعضای این چهار گروه (نصر، پاسداران، نهضت، جبهه) را شیعیان تشکیل می‌دهند و از آنجایی که تشیع ثلث نفوس ۲۱ میلیونی افغانستان را تشکیل می‌دهند گفته می‌توانیم این چهار گروه نمایندگی ثلث نفوس افغانستان را به عهده دارند، پایگاه‌های نظامی ـ فرهنگی‌شان عموماً در مناطق شیعه نشین بوده که عبارت‌اند از: ارزگان، بامیان، غزنی، پروان، کابل، قندهار، سمنگان، بلخ، جوزجان، هرات، میدان، غور، بادغیس... قابل یادآوری است که کلیه‌ی مناطق شیعه نشین از ۶ سال گذشته به این طرف آزاد گردیده و تحت سرپرستی گروه‌های اسلامی قرار دارند.

خبرگزاری جاپان: امیدواریم که در مورد کنفرانس ژنو روشنی بیاندازید؟

استاد مزاری: کنرانس کذایی ژنو که قرار است چندی بعد پنجمین دور خود را به مرحله‌ی اجرا گذارد تاکنون نتوانسته به اهداف عاملین آن جامه‌ی عمل بپوشاند و

مجاهدین مسلمان افغانستان هم تاکنون به این کنفرانس شرکت نکرده و آن را محکوم نموده است. به لحاظ این که ملت افغانستان وقتی مبارزه‌ی خود علیه روسیه و مزدوران او را آغاز کرد با هیچ کشوری و ملتی مشوره نکردند چون روس‌ها سرزمین‌شان را اشغال نمودند و آن‌ها هم قیام کردند. و این حق طبیعی ملت افغانستان است که از خاک و ناموس خود در برابر هر متجاوز دفاع نمایند.

ملت مسلمان افغانستان از ابتدای روی کار آمدن کودتاچیان روسی تاکنون دولت کابل را به رسمیت نمی‌شناسد و مذاکراتی که از سوی کشورهای استعماری و مزدورتر تیب داده می‌شود، احترام نمی‌گذارد، چون مردم قیّم و وکیل نمی‌خواهند و معتقدند سرزمینی که به زور اشغال شده و دشمن آنجا تجاوز کرده باید هم به زور بیرون کرده شود. ما در مقابل تجاوز روسیه به سرزمین اسلامی خود جز تفنگ و بازوی پر توان مجاهدان خویش مذاکره‌ای را نمی‌شناسیم و این خواست قاطبه‌ی ملت ما است و کسانی که به نام ملت ما در این کنفرانس‌ها شرکت کنند و یا طرفدار آن باشند، موضع خودشان است نه موضع ملت و (ملت ما) آن‌ها را طرد خواهند نمود.

خبرنگار روزنامه‌ی جاپانی مائین چی: لطفاً بفرمایید سرپرستی احزاب مؤتلفه به عهده چه کسی است؟

استاد مزاری: گروه‌های ائتلافی سرپرست مخصوص به عنوان رئیس و یا منشی ندارند، به طور شورایی ایفای وظیفه می‌نمایند، در مسایل درونی و خصوصیات گروهی خود این چهار گروه مستقل از همدیگر بوده ولی در سیاست خارجی و موضع گیری‌ها مشترکاً اعلامیه صادر می‌کنند و در مسایل داخلی هم، همکای‌ها و هماهنگی‌های فرهنگی ـ سیاسی با هم دارند.

خبرنگار روزنامه‌ی جاپانی مائین چی: چه کشورهایی تاکنون در کنفرانس ژنو شرکت نموده اند؟

استاد مزاری: در چهار دوره گذشته‌ی این مذاکرات کشورهای دیگر جهان شرکت نجسته فقط دولت پاکستان و رژیم دست نشانده‌ی روس با هم گفتگو نموده اند. کنفرانس برگزار شده کلا از نظر ما غیر قانونی بوده، هیچگونه ارزش و اهمیت نداشته چون دولت غیر قانونی وابسته به روس در آن راه یافته بود. ملتی که ۸۰٪ کشور خود

را آزاد ساخته و در راه این آزادی یک میلیون شهید و ۵ میلیون آواره داده است، هیچ گاه در این نشست‌ها حضور نداشته است. دولت پاکستان هم بنا به خواست ملت (ملت افغانستان) هیچ گونه صلاحیت ندارد تا از سوی آن‌ها در میز مذاکره بنشیند، چون وکیل ما نیست.

این حقیقت آشکار است و برای هیچ عاقلی پوشیده نیست که روس‌ها به خاک ما تجاوز کرده و ملت هم علیه آن‌ها می‌جنگد و مذاکره را در راه رسیدن به هدف نهایی که همان پیروزی اسلام بر کفر جهانی و کمونیسم است، اصولی نمی‌داند.

خبرنگار روزنامه‌ی جاپانی: سلاح‌هایی که با روس‌ها می‌جنگید از کجا تأمین می‌شود، یعنی منابع امکانات نظامی شما کجا است؟

استاد مزاری: ملت افغانستان در آغاز انقلاب، مقدار سلاح و مهمات از قبل یعنی از زمان جنگ با انگلیس ذخیره یی داشتند که همان سلاح‌های غنیمتی دوران‌های چند جنگ معروف و غیره می‌باشد و در جریان انقلاب با دادن تلفات و خسارات فراوان غنایمی را هم از کشته شدگان ارتس سرخ به دست آورده که با استفاده از آنان با خود آن‌ها به نبرد مشغول اند.

از این جا است که تاکنون از هیچ دولتی اسلحه دریافت نداشته و قصد دریافت اسلحه از سوی دولت‌ها را نیز ندارد، به اساس همین قاطعیت، بدون سلاح‌های سنگین با همان سلاح‌های سبک و با نیروی ایمان به نبرد خود علیه روس ادامه می‌دهند و تا رسیدن به آزادی و استقلال کامل و برپایی حکومت اسلامی از پای نخواهد نشست.

خبرگزاری ایتالیا: سازمان‌های هم هستند که از آمریکا طلب کمک می‌نمایند، نظر شما در این مورد چیست؟

استاد مزاری: قبلا هم تذکر دادم ملت ما، انقلابشان را علیه روس آغاز نموده و آمریکا هم در این تجاوز با روس موافق است. لذا گروه‌های که نمایندگی این ملت را دارند از نگاه جهانخواری و استکباری، روس و آمریکا را در برابر ملت یکسان می‌دانند. با این که ما علناً با روسیه درگیر هستیم ولی از نگاه شعاری و عملی با آمریکا هم درگیری داریم و شعار مرگ بر روسیه، شعار مرگ بر آمریکا را به دنبال دارد، بنابراین (دراز کردن) دست کمک به سوی آمریکا و نسبت دادن آن به ملت نادرست بوده،

شایعه‌ای بیش نیست. اگر گروهی این ادعا را سر می‌دهد موضع او از ملت جدا بوده، ربط به ملت ندارد.

هرگاه آمریکا معتقد باشد که فردا می‌تواند با استفاده از چهره‌ی اینگونه احزاب و افراد استفاده نموده و تحت مسایل فرهنگی... به افغانستان جای پا باز کند، سخت در اشتباه است، ملتی که امروز با روس می‌جنگد آن روز با آمریکا هم خواهد جنگید.

خبرنگار: احزاب مؤتلفه در چه کشورهای دفاتر سیاسی دارند آیا ممکن است لطف فرموده بگویید این احزاب می‌توانند با گروه‌های دیگر اتحاد نمایند؟

استاد مزاری: احزاب مؤتلفه در کشور ایران و اغلب شهرهای مشهور آن مثل تهران... دفاتر سیاسی دارند و اما در مورد اتحاد باید یادآور شویم پس از آغاز قیام کلیه‌ی مسلمانان اعم از شیعه و سنی، همگام و متحد علیه روس قیام نمودند و اینگونه هماهنگی از قبل وجود دارد. و اما راجع به اتحاد گروه‌ها ما یک سلسله شرایط و قواعدی جهت اتحاد ارائه داده ایم. که عبارت اند:

الف) اسلامی بودن: چون مردم با ۹۹٪ مسلمان و پیرو دین اسلام بوده از این رو گروه‌های غیر اسلامی نمی‌توانند در بین ملت جای پا باز کنند و مورد قبول ملت باشند. لذا با گروه‌های اتحاد می‌کنیم که اسلامی فکر کنند و مسلمان باشند.

ب) عدم وابستگی: و نیز می‌توان با گروه‌های اتحاد نمود که مستقل از سیاست شرق و غرب بوده و با هیچ کشور استعمارگر و دولت مزدور، ارتباط نداشته باشند. فرقی ندارد که این گروه‌ها شیعه باشند یا سنی.

ج) وحدت اسلامی: معیار دیگر که برای اتحاد با گروه‌ها ارائه داشتیم مسأله‌ی وحدت اسلامی و اعتقاد به رهبریت واحد اسلامی در سراسر جهان است. این جا است که اعلام می‌داریم هر گروهی چنین شرایطی داشته باشد و این شرایط را قبول کند و ما آماده‌ایم با ایشان اتحاد نماییم.

خبرگزاری کیودوی جاپان: تاریخ تشکیل کنفرانس ژنو چه زمانی است و نیز بگویید نظر شما درباره اعزام نیروهای تازه نفس روسی در افغانستان چیست؟

استاد مزاری: طبق اعلاناتی که صورت گرفته هر گاه برگزاری آن به تعویق نیافتد بعد از بیست روز دیگر... دائر خواهد شد و این نکته را نیز باید تکرار کرد که از نظر

ما قانونیت ندارد.

و اما در مورد اعزام نیروهای تازه نفس روسی باید بگویم در ظرف ۶ سال جنگ و نبرد مجاهدان با ارتش سرخ، بیش از ۶۰ هزار تن از نیروی نظامی دشمن به هلاکت رسیده اند، بنابراین طبیعی است که نیروهای دیگر جایگزین کشته شدگان نمایند و از طرف دیگر می‌خواهند همزمان با مطرح شدن مذاکرات کذایی ژنو و تشدید حملات هوایی بر مناطق مسکونی مردم و با گسیل داشتن این نیروها به خیال خام خویش ملت ما را به تسلیم وادارند. ولی ملت ما تصمیم دارند تا یک تن از سربازان روسی به سرزمینشان باقی باشد به نبرد خود ادامه می‌دهند و افغانستان را قبرستان روس می‌سازند.

خبرگزاری جمهوری اسلامی: گروه‌های مؤتلفه در چه مناطقی حضور نظامی دارند؟

استاد مزاری: احزاب مؤتلفه در کلیه‌ی نقاط شیعه نشین حضور نظامی دارند که قبلا هم در این موضع اشاره کردم و این‌ها از نزدیک با مردم در تماس بوده چون همین مردم‌اند که بار سنگین انقلاب را بر دوش حمل می‌کنند و نیروی مالی و انسانی در اختیار احزاب می‌گزارند تا علیه روسیه بجنگند. احزاب مؤتلفه در بدل این کمک‌ها فرزندان ملت را آموزش نظامی و فرهنگی می‌دهند، جلسات سخنرانی، قرآن... به وجود می‌آورند. و در یک کلام می‌توان گفت گروه‌های مؤتلفه از متن توده‌ها جوشیده و با آن‌ها همساز و هم آواز است و دوش به دوش هم از مناطق آزاد شده‌ی خویش حراست و نگهداری می‌کنند.

خبرگزاری جمهوری اسلامی: لطفاً بفرمایید خودتان از کدام گروه هستید؟

استاد مزاری: بنده عضو سازمان نصر افغانستان بوده و به عنوان سخنگوی آن ایفای وظیفه می‌نمایم و سازمان نصر هم از این گروه‌های ائتلافی است.

خبرگزاری پیام نصر: در صورت توافق گروه‌های سازش کار با کنفرانس ژنو مبنی بر ایجاد یک دولت ائتلافی شرقی ـ غربی، گروه‌های مؤتلفه چه موضعی را اتخاذ خواهند نمود؟

استاد مزاری: موضع گروه‌های ائتلافی کاملا مشخص است، چون ملت نه تنها برای استرداد سرزمینشان از چنگال روس بلکه جهت برپایی حکومت اسلامی نیز مبارزه و

پیکار می‌کنند. کسانی هم اگر پیدا شوند که با شرق و غرب سازش کنند ملت بنا به خواسته هایشان مبنی بر خط اصیل اسلام، با سازش کاران نبرد خواهند نمود.

خبرگزاری جمهوری اسلامی: موضع شما در قبال سازمان ملل در رابطه با مسأله‌ی افغانستان همان است که در مقابل کنفرانس ژنو دارید؟

استاد مزاری: موضع ما درباره‌ی سازمان همان است که مکرراً اعلام داشته‌ایم و سازمان ملل را یک سازمان خیرخواه و در جهت منافع ملت‌ها نمی‌دانیم، چون به خوبی ثابت شده که این سازمان آله‌ی دست استعمار و مجری طرح‌ها و نقشه‌های شوم آنان است.

سازمانی که جز منافع روس و آمریکا و دیگر کشورهای استعمارگر را در نظر ندارد، چگونه می‌توان از او انتظار خدمت به ملت‌ها را داشت؟ ما نه از طرح‌ها این سازمان استعماری حمایت می‌کنیم و نه هم به نمایندگی خود قبول داریم.

خبرنگار پاسداران جهاد اسلامی افغانستان: به جز احزاب مؤتلفه آیا احزاب دیگری کنفرانس و یا سمیناری به خاطر محکوم نمودن کنفرانس ژنو دایر نموده‌اند یا خیر؟

استاد مزاری: نه خیر فقط این گروه‌های مؤتلفه است که جهت روشن شدن ماهیت کنفرانس و روشن ساختن موضع خود، این کنفرانس را ترتیب داده اند.

خبرنگار پاسداران جهاد اسلامی افغانستان: نحوه‌ی کار و فعالیت احزاب مؤتلفه‌ی افغانستان در آینده چگونه خواهد بود؟ و چه روشی را در پیش خواهند گرفت؟

استاد مزاری: قراری که از حضور فعال و همه جانبه‌ی ۶ ساله‌ی این احزاب با مردم در ساحات سیاسی ـ نظامی ـ فرهنگی ـ تبلیغاتی... در میدان نبرد با روس به اثبات رسیده، فعالیت‌های آینده هم به همین منوال تا استقرار حکومت اسلامی در سراسر افغانستان ادامه خواهد یافت.

خبرنگار پیام نصر: با توجه به این که احزاب مؤتلفه بیشتر از پیروان مذهب تشیع ترتیب گردیده خواهشمندیم بفرمایید تشیع در پدید آوردن انقلاب اسلامی در افغانستان تا چه حد نقش داشته و احزاب شیعی در تداوم این نهضت و ایجاد حکومت اسلامی در آن سرزمین از چه موقعیتی برخوردار است؟

استاد مزاری: البته به طور طبیعی اکثریت اعضای گروه‌های مؤتلفه از تشیع تشکیل

گردیده چون بیشتر در مناطق شیعه نشین حضور دارند ولی این بدان معنی نیست که اصلا در این گروه‌ها تسنن وجود ندارد و یا تسنن را نمی‌پذیرد. گروه هایائتلافی جهت پیشبرد اهداف عالیه‌ی انقلاب اسلامی به وجود آمده و از همه‌ی ملت بوده و برای خدمت به جامعه‌ی اسلامی تشکیل گردیده، منتهی نقش عمده را در این گروه‌ها افراد شیعی به عهده دارند.

در دیگر مسایل همان طوری که قبلا هم عرض کردم تمامی ملت یکپارچه علیه روس دست به قیام و انقلاب زدند.

و اما در مورد اینکه تشیع تا چه حد در انقلاب اسلامی افغانستان نقش داشته، باید متذکر شد از آن جایی که ۳۰ درصد کل جمعیت افغانستان را پیروان این مذهب تشکیل می‌دهد و از نگاه سوق الجیشی و استراتژیک، ستون فقرات افغانستان به دست این‌ها است. لذا رول عمده را در انقلاب تاکنون بازی نموده و در آینده هم می‌تواند نقش فعال در قبال حکومت اسلامی ایفا نمایند. چون تمام مناطق شیعه نشین در آغاز قیام در مدت کمتر از ۳ ماه به دست مردم آزاد گردید و تا به حال هم چنان آزاد و سربلند باقی است. بنابراین احزاب مؤتلفه در کنار ملت مسلمان تا استقرار حکومت جهان شمول اسلام در آن سرزمین به پیش می‌تازد و در راه رسیدن به هدف جهاد و مبارزه مقدسشان مرز جغرافیایی نمی‌شناسند چون مرز، در اسلام عقیده و ایمان است.

خبرگزاری جمهوری اسلامی: در مورد تعطیلی دفتر یکی از گروه‌های افغانستانی در تهران اخیراً رسانه‌های گروهی تبلیغاتی راه انداختند و گفتند، گروه‌های افغانستانی از سوی ایران تحت تعقیب هستند در این رابطه نظرتان چیست؟

استاد مزاری: گروهی که دفتر خود را بسته و فعالیت خود را محدود نموده این اقدام ارتباط به خودشان دارد. قراری که ما اطلاع داریم محدودیت هم از جانب جمهوری اسلامی نبوده، بلکه هر گروه پیش خود یک سلسله قواعد و پیشینی‌ها را دارد و با خود می‌سنجد که در کجا بهتر می‌تواند فعالیت نمایند. دفتر داشتن و یا نداشتن ارتباط مستقیم به طرز فعالیت گروه دارد و اما در مورد تبلیغاتی که علیه جمهوری اسلامی به راه انداختند که ایران محدودیت‌هایی را برای مجاهدین و مهاجرین ایجاد نموده، اغراق آمیز بوده و محدودیتی بدان صورت که بتوان از آن به عنوان مشکل

عمده یاد کرد وجود ندارد. واضح است جمهوری نوپای اسلامی ایران از بدو پیروزی تاکنون به مشکلات فراوانی از جمله مسأله‌ی جنگ روبرو بوده که در این شرایط، مشکلاتی بیش از یک و نیم میلیون آواره افغانستان هم علاوه گردیده است.

با تمامی مشکلات باز هم جمهوری اسلامی توانسته است گام‌های وسیعی در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی افغانستان بردارد و مواضع قاطع سیاسی‌شان در قبال افغانستان در سطح جهانی قابل ستایش بوده و نیز کمک‌های فرهنگی و مساعدت‌های در آن باره از اهمیت والایی برخوردار است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. اما درباره‌ی خود محدودیت‌ها باید بگویم مهاجرت خود یک سلسله مشکلات و ناراحتی‌ها را به دنبال می‌آورد.

ما به ملت قهرمان و مجاهد افغانستان توصیه می‌نماییم، همان طوری که در این مدت هفت سال با اشغالگران روسی مبارزه نموده اید، تا آزادی نهایی سرزمینتان از چنگال متجاوزین به نبرد خود ادامه دهند و مشکلات آوارگی را تحمل نمایند. البته نکته‌ای هم لازم به تذکر است با برادران ایرانی در میان می‌گذارم و آن مسأله‌ی مشکلات و کمبودهاست که طبعاً محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی چنین پیامدهایی را به دنبال دارد و این ربطی به ملت ما ندارد، از طرف دیگر ملت ما به خوش خود نیامده تا باعث کثرت جمعیت و کمی مواد مورد نیاز شما گردد، بلکه روس است که این مهاجرت را بر ملت ما تحمیل نموده است. ملت مسلمان و قهرمان ایران بدانند حساب چند مزدور روسی و یا دست پرورده‌ی رژیم کابل که یک سلسله خرابکاری راه می‌اندازند و یا تعدادی از مزدوران روسی که در ایران وجود دارند و می‌خواهند دو ملت را با هم بیاندازند و خود بهره برداری کنند نباید این اقدامات را به حساب ملت آورد، چون هر ملت خرابکار دارد.

در حالی که مبارزه بر حق ما بر همگان روشن است، بدون اتکاء به هیچ نیروی خارجی با دست خالی علیه دشمن قوی می‌جنگیم، طبعاً آوارگی و مهاجرت هم اتفاق می‌افتد و تعدادی به اثر خرابی خانه و کاشانه‌شان به دیار همسایگان روی می‌آورند که باید برخورد انسانی و اسلامی شود.

پیام مستضعفین: گروه‌های مؤتلفه در برخوردهای اخیر پاکستان که به نام مهاجرین

افغانستان صورت گرفت چه موضع گرفته است؟

استاد مزاری: مسأله‌ی پاکستان مربوط به خود ملت پاکستان است، واضح است که مردم مسلمان پاکستان از مدت‌ها قبل خواهان برکناری جنرال ضیاء بوده و بارها در این مورد اقداماتی انجام دادند ولی رسانه‌های گروهی جهان این حرکات اخیر را به مهاجرین افغانستانی مقیم آنجا نسبت دادند و دولت پاکستان هم جهت مخدوش ساختن اذهان جهانی این موضوع را سر لوحه‌ی تبلیغات خود قرار داد. در حالی که این شایعات جز ترفند استعمار چیزی بیش نبود، چون ملت ما امروز درگیر جنگ نابرابر با روسیه‌ی وحشی است و هر چه نیرو دارد علیه او به کار می‌بندند تا خانه‌شان را آزاد کنند نه اینکه در کشور میزبان حادثه بیافرینند.

و اما در مورد درخواست‌های ملت پاکستان باید اظهار نمود که خواسته هایشان بر حق بوده و تشکیل حکومت اسلامی خواسته هر مسلمان است و ما طرفدار برپایی حکومت جهانی اسلام هستیم و رژیم جنرال را به خاطر سرکوبی مسلمانانی درخواست کننده‌ی حکومت اسلامی در آن کشور، محکوم می‌نماییم. و از اعلامیه‌های ما کاملا این موضوع روشن است.

پیام مستضعفین: خواهشمندیم نتایج دیدار نمایندگان احزاب و سازمان‌های افغانستانی را با حضرت آیت اللّه العظمی منتظری بیان دارید؟

استاد مزاری: به اساس مسئولیت انسانی و اسلامی که حضرت آیت اللّه العظمی منتظری در قبال انقلاب و ملت افغانستان به خود احساس می‌کرد، به خوبی به انجام رسانید. و در یک اقدامی به جا و به موقع کلیه‌ی سران گروه‌ها را خواسته و رهنمودهای لازم و ضروری را درباره‌ی اسلام و انقلاب که نقش تعیین کننده در آینده‌ی انقلاب در جهان اسلام دارد ارائه نمودند. به یقین می‌توان گفت هر گاه دستورات ارزنده فقیه بزرگوار به مرحله‌ی اجرا گذارده شود، تضمین کننده‌ی پیروزی انقلاب اسلامی در آینده خواهد بود.

از جمله مطالبی که فقیه بزرگوار مطرح نمودند رهبریت واحد در جهان اسلام است که دشمنان سخت تلاش می‌کنند تا این اصل اسلامی را خدشه دار سازند. و با مطرح کردن تشیع و تسنن بین مسلمین رخنه ایجاد نمایند و در افغانستان این تز استعمار

بیشتر از سایر سرزمین‌ها مؤثر بوده و ملت (افغانستان) از آن رهگذر دائم به شکست مواجه شده اند. لذا ایشان تأکید نمودند که گروه‌های اسلامی با هم وحدت و تفاهم نمایند.

مسأله‌ی دیگری که ایشان مورد تأکید قرار دادند همان خودکفایی و استقلال سیاسی است که واقعاً شما می‌دانید، این وابستگی چه روزی را به سر نهضت‌ها و ملت‌ها آورده است، لذا گروه‌ها را تشویق و ترغیب به خودکفایی و برنامه ریزی برای آینده‌ی انقلاب نمودند. طرد عوامل نفوذی از جریانات اسلامی هم یکی از رهنمودهای ایشان در این دیدار بود که اظهار نمودند باید گروه‌ها از عناصر وابسته به استعمار و سازمان‌های جاسوسی آنان تصفیه گردند. البته نتایج این نفوذی‌ها به همگان روشن است که چه فاجعه‌های را به بار آورده اند.

همه آگاه‌اند که روس‌های وحشی در جنگ با مجاهدین افغانستان از نگاه نظامی ـ فرهنگی ـ سیاسی به شکست مواجه گردیده، تنها امید و آرزویشان همان جبهه ملی پدر وطن و «خاد» است که در گروه‌های به اصطلاح اسلامی نفوذ داده، امیدواریم با عملی ساختن رهنمود عالمانه‌ی فقیه گران قدر، طرح سازمان جهنمی (کا. جی. بی) را خنثی نماییم. نکاتی هم درباره قدردانی از خدمات و زحمات فراموش نشدنی طلاب جوان به میان آورد و (فرمود) به حق نقش این عزیزان خیلی باارزش است در انقلاب، زیرا از آغاز تاکنون مسئولیت جبهات را به عهده گرفته و تعداد زیادشان در راه هدف و آرمان خدایی خویش به شهادت رسیده اند. به راستی اگر تمام جوانب دستورات ایشان سنجیده شود و به اجرا درآید به طور قطع آنچه برای یک انقلاب لازم و ضروری است به طور اختصار بیان فرموده است.

با اینکه از نگاه عملی ساختن طرحشان فعلا فقط همان اعلان آتش بس را می‌توان نام برد. ولی امیدواریم بتوانیم روزی تمامی رهنمودهایشان را جامه عمل بپوشانیم.

پیام نصر: موقعیت احزاب مؤتلفه در راه ایجاد اتحاد کامل گروه‌های اسلامی تا چه حد و چه عکس العمل‌های خارجی را برانگیخته است؟

استاد مزاری: از آن جایی که احزاب مؤتلفه جوشیده از متن توده‌های مسلمان کشور است، که قبلا هم در این مورد اشاره کردم، بنابراین، استکبار جهانی در شیوه‌های

تبلیغاتی خود دائم مخالف خواسته‌های ملت‌ها حرکت می‌کنند. از این رو گمان می‌کنم بازتاب خارجی چندانی نداشته باشد. چون استکبار نمی‌خواهد حقایق را بازگو کند، لذا ما تلاش خود را تا استقرار حکومت اسلامی در کشور ادامه می‌دهیم و احتیاج به بازتاب خارجی هم نیستیم که کسی ما را خوب بگوید یابد، ما به وظیفه‌ی اسلامی خود عمل می‌کنیم در این راه تا پای جان ایستاده ایم.

بخش سوم

پیام‌ها و نظرهای رهبر شهید استاد مزاری (ره)

پیام‌های استاد مزاری به مناسبت‌های مختلف

پیام استاد مزاری به کنگره شهید علامه بلخی[1]

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدو اللّه علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا.[2]

بیست و چهارم سرطان سال روز شهادت بزرگ مردیست که در تاریخ نهضت اسلامی معاصر یکی از استوانه‌ها و پیشگامان اصلی و از عناصر بزرگ علمی، فرهنگی، سیاسی و مبارزاتی در وطن اسلامی افغانستان، تنها چهره‌ی شاخص مبارزات اسلامی چند دهه‌ی اخیر و یگانه اسوه‌ی حسنه‌ی پایدار و ایستادگی در برابر استبداد، استعمار و استحمار به شمار می‌رود.

شهید علامه بلخی که به حق از پیشوایان بزرگ سیاسی انقلاب بین المللی و پایه گذار نهضت اسلامی در افغانستان است. تنها ستاره‌ی ثاقبی است که برای همیشه در آسمان مبارزات اسلامی و گستره‌ی فرهنگ، فلسفه، عرفان، هنر و ادبیات متعهد و رسالتمند وطن ما درخشش داشته و یاد و نامش در اذهان و قلوب مردان و زنان آزاده‌ی این سرزمین زنده خواهد بود. اینک به یمن پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی

---

۱. پیام توحید ارگان نشراتی حزب وحدت اسلامی، ولایت بلخ، شماره ۴ ـ ۵، سال اوّل، ۱۵ اسد ۱۳۷۱ش.

۲. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۲۳.

آخرین دژهای کفر و کمونیزم بین المللی، اوّلین کنگره‌ی عظیم بزرگداشت و تجلیل از این آزاد مرد میدان جهاد و مقاومت در بلخ باستان، زادگاه ذوقی و فکری او برگزار می‌گردد. شایسته و ضروری است که ضمن گرامی داشت یاد و نام بلند علامه بلخی نکات و مطالبی را یادآوری نمایم.

۱ـ بلخی تنها فریادگری بود که در اوج حاکمیت استبداد و نظام مستبد خاندانی و در شرایطی که سایه‌ی شوم سکوت در همه جا گسترده و آهنگ سازش و تسلیم از همه جا به گوش می‌رسید و جنایت‌ها و وحشیگری‌های دستگاه سلطه‌ی زمان که خود از سیطره و سلطه‌ی استعمار فرهنگی آن آب خورده و با هدایت و حمایت همه جانبه‌اش بر توده‌های پا برهنه و مظلوم ما حکم می‌راند، پرچم مبارزه و قیام را برافراشت و در مقابل دیو سیاه ستم قامت راست نموده و با یک اقدام شجاعانه و انقلابی بنیان استبداد را به لرزه درآورد و همین حرکت سرنوشت ساز و تعیین کننده در آن روزگار که همه‌ی مردم از جاودانگی! و تغییر ناپذیری نظام حاکم دم می‌زدند، بلخی را در ردیف یکی از قهرمانان مبارزات رهای بخش و آزادی خواهانه قرار داد و نام او را در تاریخ سیاسی افغانستان و نهضت‌های اسلامی جهان جاودانه ساخت، ولی با همه‌ی این‌ها و پیش از آن که او یک مبارز و قهرمان آزادی خواه باشد. یک عالم دین و یک متفکر اسلامی و یک فیلسوف عارف کامل بود که با الهام از اندیشه‌های ناب اسلامی و توشه گیری از دریای بیکرانه‌ی معرفت دینی گام در مسیر مبارزه گذاشت و در چارچوب اصول، معیارها و روابط اعتقادی به مبارزات بی امان خود ادامه داد.

تلاش وسیع، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های والای او در مورد مسایل و مقولات گوناگون اجتماعی، سیاسی، اعتقادی، فرهنگی، عمیق و محققانه برای بازشناسی این بعد از شخصیت عظیم بلخی و تبیین و تدوین و در حقیقت بازفهمی تفکر تجدید حیات یافته‌ی اسلام یکی از ضرورت‌های اصلی فکری، فرهنگی در وضعیت حاضر انقلاب اسلامی می‌باشد و بر همه‌ی اندیشمندان، متفکرین، نویسندگان، هنرمندان و روشنفکران مسلمان متدین و متعهد کشور است که در این راستا گام‌های اساسی و اصولی برداشته و به دور از شعارها و جنجال‌های تبلیغاتی و با تکیه به اصول و معیارهای علمی و فرهنگی به این امر مهم و حیاتی بپردازند. در این زمینه آثار و گفتار، مخصوصاً اشعار و

سرودهای به جای مانده از آن فرزانه‌ی اندیشه گر بهترین هادی و رهنما خواهد بود.

۲ـ یکی از وجوه مبارزات اسلامی بلخی عدالت خواهی و دفاع از حریم کرامت و عزت انسانی و حقوق پایمال شده‌ی او توسط انحصارطلبان و فرقه گرایان بوده و هم او بود که نوای ایثار و شورانگیز عدالت را در منبر و سنگر سر داد و نژادپرستی‌های افسار گسیخته آل یحیی را به محاکمه کشید. و از برابری انسان و برادری اسلامی در میان مردم سخن گفته تبلیغات گوناگون قومی، زبانی، مذهبی و منطقه‌ای را به هر شکل و شیوه‌اش محکوم نمود. چه بلخی معتقد بود که بدون تحقق عدالت اجتماعی و وحدت و یکپارچگی ملی، حکومت اسلامی، امکان تحقق نخواهد یافت و عدالت اجتماعی هنگامی عینیت خواهد یافت که همه مردم افغانستان بدون در نظر گرفتن نژاد و مذهبشان به صورت برابر و متناسب با میزان حضور آنان در عرصه‌های حیات اجتماعی کشور در امر تعیین سرنوشت سیاسی و تقدیر تاریخی خود سهیم باشند. تکیه‌ی اصولی و خدشه ناپذیر بر این بعد از ابعاد مبارزات بلخی و مبارزه‌ی پیگیر، پر دامنه و دایمی در جهت تحقق عدالت اجتماعی و تأمین و تعیین حقوق تمام مردم افغانستان اعم از ازبک، تاجیک، هزاره، پشتون، نورستانی، ایماق، بلوچ و عرب در سایه‌ی اسلام شرط اصلی وفاداری و تعهد به راه و رسم فکری و خط مبارزاتی بلخی خواهد بود.

۳ـ وضعیت بحرانی و بن بست آفرین کنونی کشور مستلزم دوراندیشی ـ هوشیاری و درایت انقلابی کلیه‌ی مردم افغانستان و بالاخص علماء، دانشمندان و زعمای سیاسی و فکری می‌باشد. توطئه‌های پر حجم و دامنه دار استکبار جهانی پس از پیروزی‌های اخیر مجاهدین و سرنگونی رژیم الحادی نجیب اللّه، علیه انقلاب اسلامی مردم ما نه تنها کاهش نیافته که افزایش چشمگیری نیز یافته است. ایجاد و تشدید اختلافات مذهبی، سیاسی، زبانی و منطقوی در میان صفوف مجاهدین مسلمان، تصفیه فیزیکی و ترور شخصیت پیشاهنگان نهضت اسلامی، ایجاد فضای بی اعتمادی، سوءظن و بدبینی گسترده، موج هرج و مرج و آشوب و ناامنی و بلوای سیاسی، پیشگیری از سامان یابی و تشکیل یک نظام ضد اسلامی و ضد مردمی در افغانستان از شگردهای است که در این روزها علیه مردم و مجاهدین مسلمان ما مورد استفاده قرار گرفته و کشور را به سوی بی سامانی مطلق و تخریب و تباهی و فروپاشی به پیش می‌راند.

آغاز یک رستاخیز بزرگ دیگری در جهت تحکیم وحدت اصولی و سراسری کلیه نیروهای مسلمان و مجاهدین کشور یگانه آرمان بلخی بزرگ در طول مبارزات بوده و برای تحقق آن از هیچ کوششی دریغ نورزیده و هرگز این رستاخیز، اهمیتی کم تر از جهاد کبیر و آزادی بخش ۱۴ ساله‌ی مردم ما نخواهد داشت و بدون تردید تنها راه نجات از بن بست‌های فعلی و ایجاد یک فضای سالم اسلامی و الهی مقابله با خواست‌ها و شیطنت‌های محافل استکبار، وحدت و هماهنگی و همدلی تمامی نیروها و قوت‌های سیاسی جهادی می‌باشد.

۴ـ علیرغم شعارها و کوشش‌های تبلیغاتی و بافته‌های کلی، متأسفانه هر روز تصویر روشنی از نظام اسلامی که هدف اصلی مبارزات اسلامی کشور و تنها آرمان مقدس شهدای میلیونی نهضت اسلامی می‌باشد از سوی هیچ جناح و جریان فکری سیاسی ارائه نگردیده و چشم انداز حکومت اسلامی آینده همچنان نامشخص و مبهم می‌ماند. ضرورت پاسخنگویی به این نیاز عمده و اساسی ایجاب می کند که صاحب نظران مسایل، اسلامی، متخصصین و کارشناسان حقوق اسلامی و سایر اندیشه گران مسایل سیاسی با توجه به واقعیت انکارپذیر جامعه‌ی افغانستان و مقتضیات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی این سرزمین و نیز ملاحظه‌ی دقیق و همه جانبه‌ی سنت ها، آداب، علایق و پیشینه‌های تاریخی و سایر عوامل تعیین کننده در رابطه با تدوین قانون اساسی که ساختار شکلی و محتوای اعتقادی نظام اسلامی آینده را مشخص ساخته و راه را برای تشکیل یک حکومت اسلامی مستقل و متکی به اراده آزاد و آگاه مردم باز نمایند. اقدام جدی به عمل آورده و به دور از جو سازی‌های کاذب سیاسی، دستورات دیکته ی، مسئولیت عظیم و بزرگشان در برابر خدا، مردم و خون‌های مطهر شهدای مقاومت را به انجام رسانند.

۵ـ اگر کشور ما در گذشته از تمرکز انحصاری قدرت در دست یک گروه و نژاد خاص رنج برده و از این راه خسارات و ضایعات جبران ناپذیر فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را متحمل گردیده، اینک به حوزه‌های حکم روایی متعدد و مستقل تقسیم شده که با اظهار تأسف هیچگونه پیوند و رابطه‌ی منظم و تنگاتنگ اداری و سیاسی با یکدیگر نداشته و از این راه مشکلات و دشواری‌های دیگری را پیشاروی مردم مسلمان و

رهبران سیاسی قرار داده است.

سازماندهی مجدد و راهیابی به یک سیستم قدرتمند و متمرکز که بتواند کشور را از خطر تجزیه رهایی بخشیده و وحدت ملی، استقلال و تمامیت ارضی را تأمین نماید، تنها در سایه‌ی ایجاد یک حکومت فدرالی که در برگیرنده‌ی حق خود مختاری نسبی حوزه‌های مستقل کنونی و حاکمیت دولت مرکزی بوده و زمینه‌ی برقراری نظام عادلانه‌ی اسلامی را فراهم نماید، امکان پذیر خواهد بود. تعریف دقیق علمی و روشن، از سیستم فدرالی و تبیین و تعیین چارچوبه‌ای آن ضرورت دیگری است که بیش از هر زمان احساس می‌گردد.

و اللّه علی ما نقول وکیلا

دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان عبدالعلی مزاری

۱۳۷۱/۴/۲۴

پیام دبیر کل حزب وحدت اسلامی به وزیر امور خارجه‌ی ایران[1]

بسمه تعالی

برادر محترم! جناب دکتر ولایتی وزیر محترم امور خارجه‌ی جمهوری اسلامی ایران السلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته.

حادثه‌ی ناگواری که در طی آتشباری نیروهای وزارت دفاع آقای ربانی، منجر به زخمی شدن یکی از کارمندان وزارت امور خارجه‌ی جمهوری اسلامی ایران و شهادت یک تن دیگر شد موجب تأثر و تألم ما گردید.

این حادثه و حوادث مشابه که متأسفانه در این روزها مکرراً اتفاق می‌افتد، نتیجه‌ی سیاست جنگ افروزانه‌ی (است) که آقای ربانی در راستای حذف و سرکوبی سایر نیروها و آرمان‌های جهادی افغانستان در پیش گرفته و جنگ ناخواسته‌ای را بر مردم مسلمان و مستضعف این کشور تحمیل نموده است و بدتر از آن، به جای اینکه مسؤلیت سنگین خود مبنی بر حفاظت از نمایندگان سیاسی کشورها را به خوبی انجام دهد، آن‌ها را هدف آتش تفنگداران خویش قرار می‌دهد.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۸۴، پنجشنبه، ۲۲ دلو ۱۳۷۱ش.

اینجانب به نمایندگی از هیأت رهبری حزب وحدت اسلامی افغانستان و مردم مجاهد و مسلمان افغانستان شایسته می‌دانم که مراتب همدردی عمیق و همه جانبه‌ی خود را نسبت به این حادثه، به حضرت عالی و از طریق شما به دولت جمهوری اسلامی و ملت مسلمان و انقلابی ایران ابراز داشته و برای دولت و ملت مسلمان ایران، آرزوی سعادت و سربلندی نمایم.

و من اللّه التوفیق

عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان

۱۳۷۱/۱۱/۱۴ ـ کابل

پیام استاد مزاری به مهاجرین، طلاب و علمای خارج از کشور

بسم اللّه الرحمن الرحیم

و مکروا و مکر اللّه و اللّه خیر الماکرین[۱]

برادران و خواهران مهاجر! علماء و طلاب حوزه‌های علمیه! کارگران و کسبه کاران و مسئولین محترم دفاتر نمایندگی حزب وحدت اسلامی افغانستان در خارج از کشور! در شرایطی که دشمنان دیرنه و افزونخواه شما، برای نابودی و انهدام موجودیت سیاسی و تشکیلاتیتان با تمام قوا در پناه آتش وسیع و سلاح‌های سنگین، حمله‌ی ناجوان مردانه‌ی را بر مواضع حزب وحدت اسلامی آغاز نمودند و تلاش داشتند که مرکزیت تنها حزب سیاسی شما را به تصرف خویش در آورند، دفاع قهرمانانه‌ی فرزندان شما از سنگرها و مواضع خود بار دیگر حماسه‌های جاودان دوران جهاد را زنده ساخته و برگ زرین دیگری بر صفحات خون رنگ تاریخ سراسر مبارزه و پیکار شما افزود. مجاهدین جان بر کف شما با آمادگی کامل رزمی در برابر دشمن متجاوز، پیکار بی امان خویش را ادامه داده و به سوی فتح آخرین سنگرهای شرارت پیشه گان و اجیران استکبار بین المللی به پیش می‌تازند.

این جانب شایسته می‌دانم که به نمایندگی از هیأت رهبری حزب وحدت اسلامی و مجاهدین جان بر کف و همیشه در صحنه‌ی کابل، احساسات پاک و اسلامی شما را

---

۱. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۴۸.

ستوده و از شما بخواهم که برای دفاع از موجودیت تشیع و تأمین حقوق حقه‌ی شیعیان کشور در جهت تحقق یک حکومت عادلانه و اسلامی با پایه‌های وسیع اجتماعی به یاری سنگرداران مجاهد خویش در شهر کابل شتافته و از بذل هیچگونه کمک مالی و دارویی و اقتصادی دریغ نورزید.

واللّه المستعان ـ عبدالعلی مزاری

دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان، مرکز علوم اجتماعی ـ کابل

۱۳۷۱/۱۱/۲۴

پیام استاد مزاری به امت مسلمان و سلحشور کابل[۱]

و لاتهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلوان ان کنتم مؤمنین[۲]

مهراسید و اندوهگین نشوید که شما برترید اگر از مؤمنان باشید.

امت مسلمان و حماسه آفرین!

قبل از همه صمیمانه‌ترین تبریکات و تهنیات خود و شورای تصمیم گیری حزب وحدت اسلامی را در رابطه با پیروزی هایدرخشان و افتخار آفرین فرزندان فداکار و قهرمان شما تقدیم حضورتان می‌نمایم و از خدای منان و لایزال استدعا می‌دارم توفیقات مزید برای شما در سایه‌ی هدایت‌ها و راهنمایی‌های بی دریغ خویش عنایت فرماید، مسلماً جنگ‌ها و درگیری‌های خونین و خانمان برانداز که از سوی دشمنان اسلامی و به خاطر محو و نابودی شما امت آزاده و زنجیر شکن به راه می‌افتد، بزرگترین و دشوارترین آزمون‌ها را در برابر شما قرار می‌دهد که بر اساس آن شما را وا می‌دارد تا آخرین و سازنده‌ترین تصمیم را، در رابطه با سرنوشت کنونی خودتان و نیز سرنوشت نسل‌های بعدی و بعدترتان اتخاذ نمایید. که اگر شما از این آزمون‌ها و امتحان ها، موفق و سرافراز برآیید، یقین که صفحه‌ی تاریخ را در مورد خود و نسل‌های بعد از خود عوض می‌کنید و فصل تازه‌ای از زندگی عدل انسانی‌تان را در پرتو نعمت‌ها و محبت‌های الهی آغاز می‌دارید. من احساس افتخار می‌کنم که امروز خود را در کنار شما مردم شجاع و سربلند می‌یابم و لحظه‌های زندگی ام را از فروغ تصمیم و اراده‌ی

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۹۸، پنجشنبه ۱ جوزای ۱۳۷۲ش.

۲. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۳۹.

تسلیم ناپذیر شما رونق می‌بخشم.

پدران! مادران! برادران! خواهران!

شکی نیست که گسستن زنجیرهای اسارت و محرومیت چندین صد ساله، کار سهل و ساده‌ای نیست که توسط چند فرد و آن هم ظرف چند روز و با تحمل کوچک‌ترین دشواری‌ها به آن دست یافت، بلکه این امر در واقع مستلزم تحمل مصائب و زحمات پی گیر و بیوقفه و آگاهانه‌ی فرد فرد ملت و در طی سال‌ها و زمان‌های طولانی می‌باشد، اگر در این مسیر، خدای نخواسته کوچک‌ترین ضعف و سستی و هراس و غفلت دامنگیر شود، بدون شک، همه‌ی ره آوردها و دست آوردها را نابود خواهیم ساخت و حالا شما ملت قهرمان و سرافرازی که آهنگ ایجاد فردای روشن و تابناک را نموده‌اید نیک بدانید که دشمنان آزادی شما، علیرغم زخم‌های که خورده‌اند هنوز از پای ننشسته و خیال نابودی شما و مقاومت حماسی‌تان را، از سر بیرون نکرده‌اند و به محض دسترسی به کوچک‌ترین فرصت‌ها و توانمندی‌ها از ضربه زدن دریغ نخواهند ورزید.

بناءً، اکنون بنده ضمن قدردانی و سپاسی از زحمات و مقاومت‌های دشمن شکن شما و نیز اهدای کمک‌های بیوقفه‌ی انسانی، غذایی و اقدامی برای مجروحین توسط شما، می‌خواهم این نکته را اکیداً تذکر دهم که هم چنان پا بر جا و استوار و یکپارچه، هوشیاری و بیداریتان را حفظ کنید و دشمن را مجال ندهید که به تصدیق قرآن، شما برترید اگر از جمله‌ی مؤمنان باشید.

دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان

عبدالعلی مزاری

۱۳۷۲/۲/۲۶

پیام استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی به مهاجرین مقیم ایران و پاکستان[1]

برادران و خواهران مهاجر مقیم جمهوری اسلامی ایران و پاکستان!

السلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۶، پنجشنبه ۲ جدی ۱۳۷۲ش.

همانگونه که در جریان هستید، مبارزات بی امان و پیگیر مردم و تنها حزب سیاسی شما در راه احقاق حقوق حقه‌ی شما و تمامی مردم افغانستان، تأمین عدالت اجتماعی و تشکیل یک حکومت اصیل اسلامی با قاعده‌ی وسیع و فراگیر ملی، اکنون به مرحله‌ای رسیده است که می‌توان از آن به عنوان عالی‌ترین نقطه‌ی تکامل این مبارزه‌ی حق طلبانه و عدالت خواهانه یاد کرده و بدان افتخار کرد.

به دنبال بیش از یک و نیم سال مقاومت و ایستادگی و پایمردی در برابر عظیم‌ترین تهاجمات نظامی، پیچیده‌ترین توطئه‌ها و تفتین‌های سیاسی و بیرحمانه‌ترین کشتارهای دسته جمعی، اینک بدان جا رسیده‌ایم که دیگر کسی نمی‌تواند از شما به مثابه‌ی یک اقلیت ناچیز نام برده و موجودیت سیاسی و حضور قهار و قهرمانانه‌تان در جهاد کبیر و آزادی بخش چهارده ساله‌ی ضد روسی را بیشرمانه و متعصبانه کتمان نماید و بر نقش قاطع و تعیین کننده‌تان در شکل گیری نظام سیاسی آینده و تصمیم گیری‌های مربوط به اداره‌ی کشور خط انکار کشند.

فداکاری ها، از جان گذشتگی‌ها و نبردهای بی باکانه‌ی فرزندان شما در کابل، این شهر زخم خورده و ماتم زده، حتی متعصب ترین، کینه توزترین و وابسته‌ترین دشمنانتان را مجبور ساخت که سرانجام در برابر اراده‌ی استوار و پولادین شما سر تسلیم فرود آورده و از عظمت روح و عزت رزمی دریادلان دلاور شما به احترام یاد نمایند و سرانجام به این واقعیت اعتراف کنند که بدون حضور و سهم گیری فعال و متناسب شما هیچ طرحی، راه به جایی نبرده و هر راه حلی منجر به شکست خواهد شد.

بدون تردید راز همه‌ی پیروزی‌ها و موفقیت‌ها در همبستگی و وحدت همه جانبه و عیمق مردم ما در داخل و خارج کشور نهفته است. اگر مجاهد مردان غیور و زنجیرشکن شما کوچه به کوچه و سنگر به سنگر با نیروهای اهریمنی و ایادی استکبار جهانی رزمیده و پیروزمندانه از حماسه‌های جاوید جهاد و عزت و کرامت ملی ـ مذهبی خویش پاس داشته و در چنداول شکوهمندترین و ماندگارترین صحنه‌های مقاومت و پایداری در برابر خوک‌های قدرت، سپاهیان جنایت و جهالت را سازمان داده و در افشار، به افشای ماهیت پلید و ضد مردمی سردمداران نظام تعصب و بیداد، پرداخته و در دارالامان فتح الفتوح مقاومت‌های بی بدیل کابل و اوج صلابت و استواری یک

ملت، در مبارزه‌ی بزرگ سرنوشت را به نمایش در آورده اند، حمایت بی دریغ و همه جانبه‌ی شما از این مبارزات، همبستگی تاریخی و گسترده‌تان در داخل و خارج با حزب وحدت اسلامی به عنوان یگانه سازمان سیاسی و تنها فریادگر راستین خواست‌های بر حق و عادلانه‌تان نیز نقش سترگی در تداوم این پیکار عظیم تاریخی وایستادگی رزم آوران شما در مقابل دشمنان ستمسالار و انحصارجویتان داشت.

کاملا به جا است که ایثار آن خواهر مهاجر مقیم سوریه را که تنها یادگار عروسی‌اش را هدیه‌ی مظلومین افشار کرده و آن کارگر رنجدیده و مظلومی را که پس انداز سالیان کار و مهاجرت را یک جا نثار سنگرداران مرزهای عزت و شرف خویش نموده و آن دانش آموزی نونهال را که قلک خویش را شکافته و عاشقانه برای کمک به مجاهدین شهر کابل تقدیم کرده است، بستاییم. و بر همت و همدردی و همدلی آنان به عنوان نمونه و شاهد کوچکی از ایثار و فداکاری مردم خوب و صمیمی و سراپا اخلاصمان درود بفرستیم.

برادران و خواهران!

زمستانی که فراپیش است، برای مردم مظلوم و مخصوصاً مهاجرین و آوارگان جنگ‌های تحمیلی و نیز مجاهدین و سنگرداران شما، فصل سختی خواهد بود. هم اکنون قسمت اعظمی از برادران و خواهران شما از فقدان درآمد اقتصادی و در نتیجه خطر مرگ در برابر سرما و گرسنگی و انواع بیماری‌های رنج می‌برند. خانواده‌های شهدا و معلولین جنگی اکثراً با مشکلات عظیم اقتصادی و فشارهای ناشی از آن، دست و پنجه نرم می‌کنند و در مجموع مجاهدین قهرمان حزب افتخار آفرین و مجاهدپرورتان در نتیجه کمبود امکانات مالی و اقتصادی با دشواریهای فراوانی روبرو می‌باشند و هزاران کودک یتیم و خانواده بی سرپرست، چشم انتظار کمکهای برادرانه و صمیمانه شما است.

اینک که به یمن امدادهای الهی، اوّلین هیأت بررسی دفاتر حزب وحدت اسلامی در پاکستان و ایران، متشکل از آقایان حجج اسلام سجادی، محقق زاده و رزمجو اعضای محترم شورای عالی نظارت و مرکزی این حزب به آن کشورها اعزام می‌گردند، شایسته است که یکبار دیگر ضرورت بسیج همگانی شما برای کمک به مردم در خون طپیده

و مقاوم و در عین حال سخت نیازمند کابل را یادآور گردیده و از شما جداً بخواهیم که با ارسال کمک‌های خالصانه‌تان توسط هیأت اعزامی به یاری برادران و خواهران‌تان در کابل بشتابید.

واللّه علی ما نقول وکیل

عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی ـ کابل

۱۱ قوس ۱۳۷۲

پیام استاد مزاری به مناسبت عاشورای مشهد، به رهبر معظم انقلاب ایران حضرت آیت اللّه خامنه‌ای دامت برکاته الشریف

السلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته![1]

حادثه‌ی غم انگیز انفجار که با طراحی و توطئه سازمان یافته‌ی استکبار جهانی و ایادی مزدور آن در روز عاشورا و آن هم در حرم مطهر هشتمین پیشوای امت اسلامی حضرت امام رضا(ع) به وقوع پیوسته است که در نتیجه‌ی آن ده‌ها نفر از مسلمانان جان سوخته و شیفته دلان شهیدان کربلا و عاشورای خون بار حسین(ع) به شهادت رسیده است و صدها تن دیگر مجروح گردیده اند، تأثر عمیق ملت مسلمان افغانستان و شیفتگان مظلوم و مقاوم این سرزمین را برانگیخته و در حقیقت دل کلیه‌ی امت اسلامی در سراسر جهان اسلام را جریحه دار و سوگوار ساخته است. این رویداد اگر چه یکبار دیگر مظلومیت و حقانیت پیروان اسلام ناب محمدی(ص) را به تماشای زمان گذاشت و پرده از رخسار کریه و جنایتکارانه‌ی عوامل وابسته به سیستم کفر بین المللی برمی دارد، ولی از سوی دیگر عمق کینه و عداوت آشتی ناپذیر و بی انتهای سردمداران این نظام ستم پرور و افزون خواه نسبت به اسلام و نهضت همیشه پویا و رو به گسترش اسلامی را نیز به نمایش می‌گذارد.

این جنایت تاریخی درست در هنگامی انجام می‌گیرد که رعایت صبر و مبارزه اسلام با الهام از حماسه‌ی همیشه جاوید عاشورا و انقلاب خونبار کربلا سراسر دنیای اسلام را فرا گرفته و طنین فریادهای حق طلبانه و برائت خواهانه مسلمانان جهان، در

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۸، پنجشنبه ۹ سرطان ۱۳۷۳ش.

تمام نقاط عالم کاخ‌های استکبار بین المللی و رژیم‌های منحط جاهلی، وابسته به آن را به لرزه در آورده و بشریت مظلوم و سرگردان، خویش را به فلاح و رستگاری نزدیک کرده و از قید و بند نظام‌های الحادی و استکبار، رهایی بخشیده که رسیدن به دنیای نوین ایمان و ایثار و عدالت را فرا بخواند و همین جرم کافی است که شبکه‌های استعماری و سرویس‌های استخباراتی آن، با تمامیت وجود، وارد معامله گردیده و جنایت شرم‌آور و ننگین بوسنی را به وجود آورند و جنوب لبنان را به خاک و خون کشانند و هزاران فاجعه و خیانت را در «نگورنی قره باغ» به انجام رسانند و هزاران تن از فرزندان اسلام در عراق، فلسطین، الجزایر، مصر، تونس، حجاز، کشمیر هند، آسیایی میانه را به جوخه‌های مرگ بسپارند و کشتارهای دسته جمعی چنداول و افشار را در افغانستان سازماندهی کنند و دردآورتر از همه رایت افرازان عزای سالار شهیدان و پیشوای آزادگان جهان حسین ابن علی(ع) را در مشهد خونین حضرت ثامن الائمه(ع) به خون کشند و یک بار دیگر کربلا و عاشورا و شهادت مظلومانه ۷۲ تن را تکرار نمایند.

اینجانب به نمایندگی از مردم افغانستان و شیعیان نستوه این سرزمین و هیأت رهبری حزب وحدت اسلامی ضمن محکوم نمودن این عمل ننگین و وحشیانه مزدوران حلقه به گوش استکبار جهانی، مراتب عمیق تسلیت خویش را نسبت به شهادت مظلومانه‌ی این دلباختگان ساحت قدسیه ولایت به پیشگاه حضرت بقیة اللّه الاعظم روحی و ارواح العالمین له الفداه، جناب عالی و ملت مسلمان و انقلابی ایران و خانواده‌های معظم شهدا ابراز داشته از درگاه حضرت حق برای نهضت جهان اسلام پیروزی نهایی و برای شهدای خون جامه این طریقت، علو درجات مسئلت می‌نمایم.

و اللّه المستعان و نعم الوکیل.

عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان ـ کابل ۱۳۷۳/۳/۳

پیام دبیر کل حزب وحدت اسلامی به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران[1]

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۸۵، پنجشنبه ۱۹ دلو ۱۳۷۱ش.

محضر مبارک رهبر معظم انقلاب جهانی اسلام، حضرت آیت اللّه خامنه‌ای دامت برکاته، السلام علیکم و رحمة اللّه!

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران طلیعه‌ی فجر آزادی و نخستین انفجار نور در ظلمت آباد الحاد و لا أبالیگری و یکی از بزرگ‌ترین و عظیم‌ترین رویدادهای تاریخ بشری بود. طی آن، ملت یک پارچه و مقاوم با تکیه بر نیروی ایمان و اعتقاد به قدرت لایزال پروردگار و با الهام از آموزه‌های وحی الهی و اصول اعتقادی اسلام ناب محمّدی و پیروی آگاهانه و مؤمنانه از رهبری‌های خردمندانه و قاطعانه‌ای رهبر و پیشوای انقلاب بین المللی اسلامی حضرت آیت اللّه العظمی امام خمینی رضوان اللّه تعالی علیه، یکی از کهنسال‌ترین و مستبدترین رژیم‌های ضد اسلامی را در هم کوبیده و بر ویرانه‌ی آن، بنیاد اوّلین نظام الهی و عدالت پیشه را پایه ریزی نمود. عظمت این رستاخیز کبیر از آنجا مایه می‌گیرد که هنگامه‌ی حاکمیت بی چون و چرای فرهنگ استعماری در اندیشه، ذوق و بینش و گرایش مسلمانان [آشکارا شد] و تسلط همه جانبه‌ی استعمار فرهنگی در کلیه‌ی شئون حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنان و در اوج ترکتازی‌های خیمه شب بازان مزدور، مواجب بگیران استکبار بین المللی در سراسر بلاد اسلامی گسترش یافت و در روزگارانی که اندیشه‌ی استعماری جدایی دین از سیاست بر ذهن بسیاری از زورباوران، در دنیای اسلامی جوانه زد و سراپا با کمونیزم و سوسیالیزم و اسم‌های وارداتی دیگر به عنوان بهشت موعود تعداد دیگری از طلایه داران نجات رهایی بشر، قامت کشیده بود.

در این هنگامه بود که نغمه‌های ملکوتی (و صدای) رسای توحید و آوای سعادت آفرین و رهای بخش عدالت و آزادی را پاکترین مرد و پارساترین دعوتگر دیار عزت و رستگاری سر داده و بشریت سرگردان، وامانده در گرداب‌های جهل، جنایت و جادو خوانده را، راه به سوی سرزمین آزادی و ایمان، عبودیت و آراستگی و صلح، فرا خواند و چشم انداز نوینی از مبارزه علیه جباران و ستمکاران زمان را در برابر نگاه‌های منتظر و سردرگم عصر خویش ارائه کرد و اسلام را که در نتیجه‌ی القاآت دنیای استعماری و تحریکات سردمداران نظام‌های زور، زر و تزویر از صحنه‌ی سازماندهی زندگی اجتماعی مسلمانان و هدایت و رهبری بشر، به سوی سفیدی‌های فرازمند خلافت

[اشراف و کرامت دروغین انسان] رانده شده و کار قیصر را بر قیصر واگذاشته و تنها به تنظیم روابط فرد با خدا در عزلتگاه‌های مساجد و تکایا و خانقاه‌ها اتکاء کرده بود و از آن به عنوان ابزار توجیه جنایت و قتاله گری‌های اربابان قدرت و خیانت‌های دلالان مذهب، بهره گیری می‌گردید؛ که به مثابه‌ی تنها دین مبارزه و جهاد و اجتهاد و مذهب اعتراض علیه خناسان و شیاطین حاکم بر سرنوشت میلیون‌ها انسان مستضعف قیام نموده و به این ترتیب خط مبارزه‌ی همیشگی و پایان ناپذیر حق علیه باطل، ایمان علیه کفر و مستضعفین علیه مستکبرین بر اساس اصول و ضوابط اعتقادی، اسلام را فرا راه پیکار جویان طریقت حق و عدالت قرار داد.

بدون تردید جریان داد خیزی مسلمانان و بعثت مجسم دنیای اسلام و اوج گیری مبارزات اسلامی در سراسر کشورهای اسلامی یکی از مهم‌ترین دست آوردهای انقلاب شکوهمند ۲۲ دلو (بهمن) ۱۳۵۷ به شمار می‌اید که در ادامه‌ی آن و با توشه گیری از رهنمودها و افکار بلند و متعالی تنها آیت خدا بر روی زمین به ودیعت الهی در میان انسان‌ها و طریقت و جهاد و پیشوای قبیله انقلاب، حضرت امام خمینی قدس اللّه سره الشریف و پیروی از سنت و سیره‌ی مبارزاتی و سلوک عرفانی آن حضرت، علیه کلیت کفر و استکبار جهانی برپا ایستاده و رایت بلند مبارزه و پیکار دائمی علیه مظاهر شرک و نفاق و بیداد و تجاوز را به اهتزاز درآورده است و در مدت کمتر از یک دهه پیکار مردان مسلمان در برابر حکام جاهل و مستبد وابسته به سیستم استکبار جهانی به پا خاسته و بزرگترین حماسه‌های مبارزاتی و شکوه بارترین صحنه‌های ایثار و از جان گذشتگی در راه اعتلای کلمة اللّه را به یاری دین خدا و برپای سنت رسول اللّه و اجرای احکام و حدود الهی را به نمایش گذاشته و بنیاد کاخ‌های ستم، غارت، جنایت و چپاول را به لرزه در آورده اند.

شکی نیست که امروز در عصر بیداری مسلمانان راهسپار امت اسلامی به سوی آینده‌ی نوین سیاسی و تشکیل یک اردوگاه نیرومند اعتقادی در مقابل أئمة الکفر تمامی شبکه‌های وابسته به استعمار جهانی در مقابل نهضت جهانی اسلام قد علم کرده و با تمامیت وجود و کلیت توان، برای نابودی و انهدام کیش اعتقادی و موجودیت تشکیلات سیاسی آن، در کلیه‌ی کشورهای اسلامی تلاش می‌کنند و برآنند که تا بر تثبیت

حاکمیت‌های وابسته و ضد مردمی و تحریک جنگ‌های خانمان برانداز محلی و ارسال طریق بنیان کن نفاق و تضادهای فرقه ای، مذهبی و ملی در میان امت اسلامی و در نهایت توسل به شیوه‌های کشتارهای جمعی و قتل عام مسلمانان از طریق تجاوزات نظامی، موج عظیم و فراگیری را مهار و ادامه‌ی سلطه‌ی سیاسی حاکمیت استعماری و ستمکارانه‌ی خویش در بلاد اسلامی را تضمین نمایند. بر اساس همین خط مشی و استراتژی توطئه طلبانه و سرکوب گرانه‌ی استکبار جهانی هزاران انسان بی گناه در لبنان به خون طپیده و هزاران تن دیگر در فلسطین اشغالی بی خانمان گردیده و در بوسنی و هرزگوین به جرم آزادی خواهی و مسلمان بودن در طوفانی از خون و آتش فرو رفته و انقلابیون مسلمان در کشمیر، با بی رحمانه و سبعانه‌ترین اقدامات نظامی سرکوب می‌شوند و فرزندان بیدار دل اسلام در مصر و الجزایر، تونس، عراق و سوریه و سایر کشورهای اسلامی به سیاه چاله‌های قرون وسطایی فرستاده شده و کانون انقلاب اسلامی در معرض هزاران فتنه و توطئه ضد انسانی و استکباری قرار می‌گیرد.

همچنان افغانستان آزاد اسلامی پس از چهارده سال مبارزه‌ی عظیم و خستگی ناپذیر خویش، موفق گردیده بزرگترین قدرت نظامی جهان و مجهزترین ارتش دنیای استکباری را در هم شکسته و در نتیجه‌ی مقاومت بزرگ و بی بدیل خویش، عمیق‌ترین تحولات سیاسی، اجتماعی را در حوزه‌های امپراطوری افزون خواه روس پدید آورده و دیواری برلین را در هم ریخته، اروپای شرقی را به دیار آزادی و استقلال، راهبری نماید و آسیای میانه را پس از ده‌ها سال اسارت و بردگی، در سنگر تجاوز کمونیزم بین الملل بار دیگر به ارزش‌ها و عظمت‌های پیشین و دنیای نوین به پا خواسته‌ی اسلام پیوند داده و مهم تر از همه بنیاد یک نظام کهن متمرکز نیرومند بین المللی، یعنی اتحاد جماهیر شوروی را در هم ریزد، گسترده‌ترین و بی شرمانه‌ترین توطئه‌های سازماندهی گردیده، برای پیشگیری از تحقق نظام عادلانه و اسلامی که خون بهای شهدای میلیونی مقاومت و تنها آرمان به حق مردم مسلمان و مجاهدین سربلند این سرزمین است، میلیون‌ها دلار سرمایه گذاری می‌گردد، به همین خاطر و برای جلوگیری از تأثیرات عمیق تر و گسترده تر جهاد رهای بخش اسلامی افغانستان در جهان اسلام و نهضت‌های رو به گسترش اسلامی در آسیایی میانه، کشورهای عربی بلافاصله، پس از

پیروزی مجاهدین و فروپاشی رژیم الحادی وابسته‌ی کابل فتنه‌های استکباری [همه جا را فرا] گرفته و با طرح تشدید تضادهای قومی، قبیله ای، زبانی، مذهبی و سازمان تحریک نیروهای مواجب بگیر، کاملا [آگاهانه] و بایسته، سنگین‌ترین و وحشتناک‌ترین جنگ‌ها را بر مردم مسلمان این دیار مخصوصاً شهریان زجر دیده و چشم به راه کابل تحمیل و ملت ما را که برای برپای جشن‌های پیروزی به استقبال از نظام برین اسلامی لحظه شماری می‌کردند درگیر اندوهناک‌ترین مصیبت‌ها و بحران‌های سیاسی و اجتماعی نمود.

هر چند ملت مسلمان و خداجوی افغانستان و مجموعه‌ی رهبری متعهد، دلسوز و مؤمن به انقلاب اسلامی در این کشور با همه‌ی توان و استعداد در برابر اقدامات خرابکارانه‌ی استکبار جهانی و عوامل (داخلی) آن ایستاده و از حریم اسلام و دست آوردهای جهاد، با صلابت و استواری تمام دفاع نموده و تا تشکیل دومین حکومت راستین اسلامی در افغانستان و حل اصولی تضادها و اختلافات گوناگون قومی، نژادی، مذهبی در چهارچوب اصول و ارزش‌های وحدت آفرین اسلام و تحقق همبستگی اجتماعی، برادری اسلامی، وحدت فراگیر ملی پرچم مبارزه را بر زمین نگذاشته و سنگرهای جهاد را ترک نخواهند گفت، ولی حمایت همه جانبه و برادرانه‌ی کلیه‌ی کشورهای اسلامی از داعیه‌ی بر حق و آرمان مردم مسلمان افغانستان مبنی بر تشکیل یک نظام اعتقادی و الهی با قاعده‌ی وسیع مردمی می‌تواند ما را در مبارزه‌ی بزرگ ما علیه کفر جهانی و ایادی آن یاری رسانده و راهمان به سوی فتح آخرین قله‌های پیروزی را هموار نماید.

حزب وحدت اسلامی به عنوان بخشی از نهضت جهان اسلام و انقلاب اسلامی افغانستان و نماینده‌ی مجموعه‌ی عظیمی از مردم مسلمان این کشور، چهاردهمین سالگرد پیروز انقلاب اسلامی را برای حضرت عالی و از طریق شما به ملت مسلمان و خداجوی ایران تبریک و تهنیت گفته، شایسته می‌داند در این مقطع حساس از تاریخ نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی افغانستان، از حمایت‌های بی دریغ و پشتیبانی‌های برادرانه‌ی نظام مقدس جمهوری اسلامی و دولت و ملت انقلابی و بزرگ ایران، از جهاد چهارده ساله‌ی مردم افغانستان کمال سپاسگزاری را به عمل آورده و در پایان از

مقامات جمهوری اسلامی تقاضا نماید تا حل اصولی و قانونی مشکل افغانستان و برپایی یک حکومت اسلامی و اعاده‌ی صلح و ثبات لازم سیاسی در این سرزمین همانطور که در طول چهارده سال پذیرای مهاجرین مسلمان افغانستان و مشکلات ناشی از مهاجرت آنان بوده و در این راه مشقات زیادی را نیز تحمل نموده اند، از بازگشت دادن اجباری آن‌ها به افغانستان جداً خودداری نمایند. تا باشد که با استعانت و امدادهای الهی و توجهات خاصه‌ی حضرت بقیة اللّه الاعظم(عج) زمینه‌ی بازگشت آبرومندانه و داوطلبانه‌ی آنان آماده شده و کشور اسلامی آزاد و مستقل افغانستان آغوش پر مهر خویش را به روی آن عزیزان باز گشاید.

و اللّه علی ما نقول وکیل

عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان.

۱۳۷۱/۱۱/۲۰ ـ کابل

پیام استاد مزاری به اهالی کابل[1]

به عموم اهالی متدین و مسلمان شهر کابل اعم از زن و مرد ابلاغ می‌دارد که در شرایط حساس فعلی که دشمن می‌خواهد با استفاده از هر وسیله وحدت شما را خدشه دار نماید، یکی از راه‌های شکست دادن وحدت، تحریکات و تبلغیات علیه شخصیت‌ها و علماء می‌باشد. به صراحت اعلام می‌دارم که حزب وحدت اسلامی افغانستان، وقتی ارزش دارد که به مجموع شخصیت‌های حزب احترام گذاشته شده و همه با هم باشند و فلهذا هرگونه تظاهرات را تا ختم کار شورای نظارت و اعلام نتیجه ممنوع اعلام می‌نمایم و کسی حق تظاهرات ندارد، در غیر آن با متخلف برخورد قانونی خواهد شد و نیروهای امنیتی و نظامی موظف به حفظ امنیت می‌باشند.

والسلام

عبدالعلی مزاری ـ کابل ۱۳۷۳/۳/۶

پیام استاد مزاری در رابطه با حادثه‌ی اخیر کابل

بدین وسیله به اطلاع عموم مردم متدین رسانیده می‌شود که حوادث روز جمعه‌ی

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۶، پنجشنبه ۱۵ ثور ۱۳۷۳ش.

گذشته به شدت مایه‌ی تأسف و ناراحتی اینجانب گردید که طی آن عوامل اجنبی و دست‌های پلید و پنهان دشمن تلاش به خرج دادند، صلابت مردم ما را شکسته و افتخاراتی را که در سایه‌ی وحدت شکوهمندشان به دست آورده بودند نابود نمایند، ما ضمن این که از بیداری مردم و حضور آن‌ها در صحنه قدردانی می‌نماییم به هیچ عنوان کارشکنی، خرابکاری، هتک حرمت مسئولین و هرج و مرج را تحمل نکرده و با آن مقابله‌ی جدی نموده، از تمام مردم محبوب و انقلابی نیز انتظار داریم هر گونه توطئه را خنثی نمایند و اجازه ندهند از احساسات پاک آن‌ها دشمن بهره برداری نمایند. بنابراین از عموم مردم تقاضا می‌نمایم تا آرامش کامل را حفظ نموده. برای مسئولین اجازه دهند تا مشکلات فراروی را بگونه‌ی اصولی حل و فصل کنند و ما هم بتوانیم عوامل خرابکاری‌های جمعه‌ی گذشته را که عزیزانی را نیز از ما قربانی گرفتند شناسایی، دستگیر و مجازات نماییم.

والسلام

عبدالعلی مزاری ـ کابل ۱۳۷۳/۳/۷

پیام امتنانیه‌ی استاد مزاری به مردم و مسئولین حزب وحدت اسلامی[1]

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق

خدای را سپاس که یک بار دیگر عنایات بی مرز و بی انتهای خویش را شامل حال ملت مقاوم و به پا خواسته‌ی ما نمود و حزب وحدت اسلامی را که حاصل مبارزات مجاهدین و ثمره‌ی خون مطهر شهیدان است از کوره‌ی بزرگترین آزمایش‌های تاریخ سربلند و سرافراز بیرون آورد.

اینجانب ضمن قدردانی از مردم بیدار و همیشه در صحنه که با حضور فعال و گسترده‌ی خویش اوج همبستگی مذهبی و ملی خویش را معلوم ساخت و ضمن احترام عمیق به تلاش‌های همه جانبه و شبانه روزی شورای عالی نظارت و مرکزی و کمیسیون تعیینات که با دلسوزی و هوشیاری و درایت کامل، کار برگزاری تعیینات سالانه حزب

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۴۱، پنجشنبه ۲۰ اسد ۱۳۷۳ش.

وحدت اسلامی را به وجه احسن به پایان رسانیده لازم می‌دانم از کلیه‌ی شخصیت‌های سیاسی، جهادی، مجامع علمی، فرهنگی و مخصوصاً از اعضای شورای عالی نظارت و مرکزی حزب وحدت اسلامی، فرماندهان و مجاهدین حزب وحدت اسلامی، مردم مجاهد مسلمان کابل، اتحادیه‌ها و مسئولین و اعضای کمیته‌های شورای مرکزی، ریاست محترم شورای نمایندگی و نمایندگی‌های حزب وحدت اسلامی در پاکستان، آلمان، دانمارک، آمریکا، سوریه، علماء و طلاب، مهاجرین مسلمان مقیم ایران، پاکستان و کشورهای عربی و اروپایی، رؤسا و مسئولین شوراهای ولایت غور، غزنی، بلخ، ارزگان، بامیان، میدان، سمنگان، بغلان، قندوز، هلمند، نیمروز و... رهبران و احزاب سیاسی و اسلامی که با حضور در دارالانشاء حزب وحدت اسلامی یا ارسال پیام‌های تبریکیه ما را رهین منت و عنایت خویش قرار دادند کمال تشکر و سپاس را به عمل آورده، از خدای بزرگ توفیق و سربلندی و استواری همه‌ی ره پویان طریقت و پاسداری از دست آوردهای جهاد چهارده ساله و تحقق حاکمیت برین اسلامی را در کشور مسألت می‌نمایم.

و من اللّه التوفیق

عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی ـ ۱۳۷۳/۵/۲

پیام استاد مزاری خطاب به مردم شهیدپرور کابل[1]

بسمه تعالی

ان تنصروا اللّه ینصرکم و یثبت اقدامکم.[2]

ملت مسلمان و خداپرست کابل!

اینک خدای بزرگ لایزال را سپاس می‌گزارم که بار دیگر در ساحه‌ی الطاف بی پایان خود، فرزندان غیور و زنجیر شکن شما را یاری نموده تا در برابر توطئه‌ی ناجوانمردانه و خائنانه‌ی یک عده عناصر خود فروخته و مزدور، با موفقیت و سرفرازی تمام عمل نمایند و تعهد خالصانه‌ای خویش را در دفاع از عزّت، عظمت و غرور والای شما ثابت و استوار نگهدارند.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۴۴، پنجشنبه ۳۱ سنبله ۱۳۷۳ش.

۲. سوره‌ی محمد، آیه‌ی ۷.

در دسیسه‌ی خائنانه‌ی جدید که به همدستی یک مشت افراد ضعیف النفس و بی اراده طراحی شده و با پشتوانه‌ی عظیم پولی، امکانات و نیروی تسلیحاتی دشمنان قسم خورده‌ی ملت ما به راه افتاده بود، آخرین تلاش‌های مذبوحانه‌ی قاتلین مردم آزاده‌ی ما به شکست انجامید و کلیه‌ی پندارهای شوم و ددمنشانه‌ی آنان در روشنایی باور، ایمان، هوشیاری و همبستگی فرزندان همیشه بیدار شما نقش بر آب گردید و بار دیگر، صلابت و استواری شما در برابر حوادث ناخواسته تحمیلی و دسیسه‌های دشمنان به اثبات رسید.

بنده که از ابتداء به خاطر دفاع از حقوق، عزّت و سربلندی شما مردم قهرمان و زنجیر شکن، تعهد سپرده و پیمان بستم که هیچ کس را اجازه معامله و خیانت در رابطه با سرنوشت شما ندهم. اینک افتخار دارم که در ظل امدادهای بی پایان خداوند، باز هم شاهد پیروزی و موفقیت شما بر کلیه‌ی عناصر خود فروخته، اجیر و بیگانه از خود می‌باشم و نیک باور دارم که با برچیده شدن آخرین مهره‌های فساد و توطئه و جنایت و خیانت، فصل تازه‌ای از زندگی شرافتمندانه و غرور آفرین شما آغاز و دشمنان شکست خورده تان، راهی گورستان سیاه ننگ و نفرین خواهند شد.

اما در این ضمن نکاتی را که لازم به یادآوری می‌دانم، تذکر می‌دهم و از همه شما ملت آزاده و به پا خواسته و نیز مجاهدین قهرمان و عزّت آفرین، صمیمانه انتظار دارم که با رعایت آن‌ها همچنان هوشیاری، بیداری و همبستگی‌تان را حفظ نمایید:

۱ـ همانطوری که می‌دانید در عملیات تصفیوی اخیر، بزرگترین توطئه‌ی دشمنان خنثی گردیده و نهایی‌ترین نقطه‌ای اتکای آنان از بین رفته است. اما با این هم، شرارت پیشگان زخم خورده، کاملا از پای ننشسته و باز هم به جنایت و آشوبگری دست خواهند زد. چنانکه گلوله باری و بمباران وحشیانه‌ای مناطق مسکونی شما، توسط طیاره‌های «شورای نظار» در روز گذشته و امروز، اوج سراسیمگی و نیز وحشیگری آنان را نشان می‌دهد که برای جبران شکست ننگین خود از هیچ جنایت فروگذار نمی‌کنند.

بناءً لازم است که شما، هم چنان که تاکنون به اثبات رسانیده اید، باز هم با آگاهی و بیداریتان در برابر تمامی تهاجمات ایستادگی نموده و توطئه‌های دشمنان را در همه‌ی عرصه‌ها خنثی نمایید و نیک باور داشته باشید که دشمنان شما، همچنان که در تمامی

دسایس خویش ناکام مانده اند، از شرارت‌های دهشت افکنانه‌ی اخیر خود که در قالب بمباران و راکت باران مناطق مسکونی ظاهر می‌سازند، نیز طرفی نخواهند بست و بهره‌ای نخواهند برد، من از سوی نیروهای قهرمان «حزب وحدت اسلامی»، بار دیگر به شما ملت غیور و مقاوم، اطمینان می‌دهم که به یاری خداوند و با امکانات و تسلیحات کافی که در اختیار داریم، تمامی این شرارت‌ها را خنثی و از حریم امنیت شما قاطعانه دفاع خواهیم نمود.

۲ـ از شما ملت بیدار و مجاهدین پاکباز، صمیمانه می‌خواهم که با همکاری‌های صادقانه یتان در راستای تأمین امنیت و حفظ آرامش و جلوگیری از هر گونه هرج و مرج و بی بند و باری، قاطعانه و پیگیرانه تلاش نمایید و عملکردهای توطئه باری را که ممکن است به آبرو و عزت و همبستگی‌تان آسیب رساند، اجازه‌ی بروز و ظهور ندهید و به محض هر گونه حرکت مشکوک، مراکز امنیتی «حزب وحدت اسلامی» را در جریان قرار دهید.

۳ـ گروپ‌های نظامی که وظیفه‌ی حفظ امنیت و آرامش مناطق مسکونی را به عهده دارند، به هیچ وجهی حق ندارند، تحت عناوین مختلف واردخانه‌های مردم شده و موجب آزار و اذیت آنان گردند. در غیر آن، مقامات امنیتی «حزب وحدت اسلامی» با متخلفین قاطعانه برخورد خواهند کرد.

۴ـ اکثریت عظیمی از مجاهدین مردم دوست «حرکت اسلامی»، در عملیات موفقانه‌ی اخیر، دوشادوش مجاهدین «حزب وحدت اسلامی» قرار داشته اند. بناءً از عموم این مجاهدین باید تقدیر و سپاس شایسته به عمل‌اید و به هیچ وجهی حساب آنان، با یک عده از اجیران خود فروخته که در ازای پول و عنوان‌های بی ارزش، تمام مقدسات مردمشان را معامله می‌کنند، اشتباه نشود. مسلماً که چهره‌های خائنین ملت روشن تر از آن است که شناسایی آنان شبهه‌هایی ایجاد کند یا ذهنیت کسی را به تردید اندازد.

خواهران و برادران مسلمان!

یقین کامل دارم که این آخرین توطئه‌ی دشمن را نیز در سایه‌ی همت والا و روشن بینی هوشیارانه شما و فرزندان دلیرتان، موفقانه پشت سر گذاشته و به این ترتیب،

گامی بزرگ در مسیر آزادی و آزادگی راستین همه ملت ما برداشته خواهد شد.

و اللّه نعم المولی و نعم النصیر

عبدالعلی مزاری ـ کابل ۱۳۷۳/۶/۲۵

پیام استاد مزاری به مهاجرین مقیم اروپا و آمریکا در رابطه با توطئه‌ی خائنانه‌ی اخیر[1]

برادران و خواهران مسلمان اروپا و آمریکا!

قبل از همه سلام‌های گرم و برادرانه‌ی خود و تمام مسئولین و مجاهدین قهرمان حزب وحدت اسلامی را صمیمانه تقدیم نموده از خداوند بزرگ و لایزال موفقیت و سرافرازی شما را در انجام رسالت‌های انسانی و اسلامی خواستارم. اما بعد هم چنان که از طریق رسانه‌های گروهی و منابع خبری در جریان هستید، این روزها بار دیگر ملت آزاده‌ای ما، خصوصاً حزب وحدت اسلامی، از یک آزمون بس بزرگ و خطیر موفق و سرفراز به در آمده و خطرناک‌ترین توطئه‌ی دشمنان آزادی و سربلندی مردم ما را به موقع کشف و خنثی ساخته است.

یقیناً که این توطئه مستقیماً از سوی شورای نظار و اتحاد سیاف طراحی شده و با همدستی مشتی از عناصر اجیر، خود فروخته و بیگانه از مردم به راه افتاده بود، بخشی از یک سلسله‌ی طولانی تهاجمات دشمن است که پس از پیروزی مجاهدین و دست آوردهای عزت آفرین حزب وحدت اسلامی در عرصه‌های ملی و بین المللی آغاز و طی دو سال و اندی گذشته، در قالب‌ها و اشکال گوناگون به مرحله‌ی اجرا در آمد و همه به لطف خدای بزرگ همت و هوشیاری مردم به پا خواسته و مسئولین آگاه و متعهد حزب وحدت اسلامی بدون کوچکترین تأثیری خنثی و نقش بر آب گردید. جنگ‌های خونین و وحشت آوری که بر مردم بی دفاع تحمیل گردید، در کنار

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۴۴، پنجشنبه ۳۱ سنبله ۱۳۷۳ش.

ده‌ها توطئه و دسیسه‌ی ضد مردمی دیگر همه و همه‌ی آن حربه‌های بود که دشمنان ما در راستای محو و نابودی مردم ما به راه انداختند که در اثر هوشیاری، پایداری و مقاومت بی نظیر مردم ما به شکست انجامید.

توطئه شوم و خائنانه‌ی اخیر نیز که دقیقاً در امتداد توطئه‌ها و جنایتکاری‌های قبلی شورای نظار و اتحاد سیاف قرار داشت، از نظر این که با صرف هزینه‌ها و امکانات بیشتر و نیز با همدستی یک عده افراد مزدور و ضعیف النفس در داخل حرکت اسلامی و حزب وحدت اسلامی طراحی گردیده و آخرین حد کینه توزی و خصومت عاملین خود را در برابر مردم آزاده ما نشان داد و ظاهراً امیدواری‌های زیادی را نیز برای آنان خلق کرده بود بگونه‌ای که همه‌ی آن‌ها به وضاحت و بدون کدام پرده پوشی و مصلحت اندیش، از آن یاد کرده بسا جاها از حتمی التوفیق بودن آن ابراز شادمانی می‌کردند، تا جایی که به زعم کور خود، کوچک‌ترین مانع یا مشکلی را نیز در این راه تصور نمی‌نمودند.

باند شرور و ضد مردمی انوری ـ جاوید در حرکت که خصومت و کینه‌شان با ملت ما دیگر برای هیچ کسی پوشیده نیست، با آقای اکبری و مصطفی کاظمی که متأسفانه پس از شکست، نقطه‌ای امیدشان در تعیینات حزب وحدت اسلامی سخت عقده آلود عمل می‌کردند، در توطئه‌ی اخیر کاملا در خط اهداف ضد مردمی شورای نظار و اتحاد سیاف قرار گرفته و از هیچ گونه امکانی در جهت تخریب و تضعیف حزب وحدت اسلامی چشم پوشی نمی‌کردند. نیروهای نظامی حزب را با پول‌های گزاف و وعده و وعیدهای چشم پر کنی در کنار خود می‌کشیدند و به عناوین گوناگون روحیه‌ی مذموم تسلیم طلبی را در میان مردم گسترش می‌دادند و جداً تلاش داشتند که از هر طریق ممکن برای ایجاد فاصله میان مردم و حزب و نیز ایجاد تفرقه میان مسئولین و قومندانان حزب وحدت، استفاده کنند و بالاخره هم در طراحی و راه انداختن توطئه خائنانه‌ی اخیر به طور قطع به این تلاش‌ها و مساعی‌شان امید بسته و چشم دوخته بودند، برای این که عمق و پهنای توطئه‌ی اخیر روشن تر باشد، کافی است که بدانید که پس از کشف و خنثی شدن آن، تنها از منزل مصطفی کاظمی پانصد میل اسلحه و مبلغ بس هنگفت پول با سایر امکانات لازمه به دست آمده است.

حالا این رقم را در مقایسه با آنچه که شخص آقای اکبری، انوری، جاوید و... در اختیار داشته و نیز مقداری که این طرف و آن طرف توزیع نموده بودند یک جا نماییم به خوبی می‌فهمیم که اوج خطر تا کدامین نقطه بوده است. با این هم خدای بس بزرگ را سپاس می‌گزارم که در کشف و خنثی شدن سریع و پیروزمندانه‌ی این توطئه شوم، حزب و مردم ما را به طور شگفت‌آور و معجزه آسای یاری نمود و قبل از آن که این عناصر اجیر و خود فروخته و باداران شکست خورده‌شان بتوانند کوچکترین اقدام مؤثری را سازماندهی کنند به سختی شکست خوردند و به جز چند مورد محدود، تقریباً تمامی مراکز و پایگاه‌های آنان به دست مجاهدین فتح گردیده و اکنون عملیات موفقانه‌ی ما هم چنان ادامه دارد که ان شاء اللّه به زودی خبر پیروزی نهایی آن را خواهید شنید.

برادران و خواهران! شرح دقیق و مفصل توطئه دقیق و کم و کیف ویژه‌ی آن از حوصله‌ی این سطور خارج است ولی با آن هم امیدوارم که توانسته باشم ضمن این پیام برادرانه! شما را مختصراً در جریان آن قرار دهم. نکته‌ی را که لازم به تذکر می‌دانم این است که شورای نظار و اتحاد سیاف پس از این شکست سنگین به طور کاملا جنون آسا و وحشیانه‌ای اقدام به تلافی جوی کرده و از تمامی جبهات و با استفاده از تمامی امکانات خود بالای مواضع حزب وحدت اسلامی و مناطق غرب کابل تهاجم نموده و مقر مرکزی حزب و سایر نقاط مسکونی مردم ما را شدیداً بمباران کردند که در اثر آن عده از مردم بی دفاع شهید و مجروح گردیده و خسارات هنگفتی بر اهالی بی دفاع غرب کابل وارد آمد.

امیدواریم که برادران و خواهران محترمی که در آن دیار احساس تعهد و دلسوزی نسبت به مردم خویش دارند هم چنان که تاکنون، صادقانه و صمیمانه به یاری مردم بی دفاع خویش شتافته اند، باز هم با بذل مساعی بیشتر، کمک‌ها و امدادهای مادی و معنوی خود را در اختیار آنان قرار داده و ملت خویش را در راه بزرگی که تا سرزمین آزادی و آزادگی راستین فرا پیش دارند، یاری رسانند.

والسلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته

عبدالعلی مزاری ـ کابل ۱۳۷۳/۶/۲۷

گزارشی از پیام رهبر شهید استاد مزاری در دومین مجمع شیعیان افغانستان ـ در تهران[۱]

متن پیام استاد مزاری توسط حجت الاسلام موحد، قرائت گردید در این پیام آمده است:

ضمن پوزش از نرسیدن خود به خاطر شهادت جانگداز شهید سجادی [که] احترام به سجادی، احترام به دوازده سال جهاد است و هم چنین تأثر خود را نسبت به خالی بودن جای شهید استاد صادقی نیلی ابراز می‌دارم.

در این پیام هم چنین بعد از برشمردن و تذکر دست آوردهای بزرگ حزب وحدت اسلامی آمده است: با وجود ضعف و کج اندیشی یک عده و پشتیبانی عده‌ای ناآگاه، توطئه می‌شود و از سوی دیگر دولت مزدور و ارتجاع وهابی و غرب، نیز در تلاش و توطئه‌اند باید با هوشیاری پیگیر توطئه‌های دشمن بود و مسئولانه رسالت تاریخی خود را در این شرایط حساس پیش ببریم که عزت و سرنوشت آینده در گرو جریان حزب وحدت خواهد آمد، باید راه‌های سرنگونی دولت ملحد کابل و راه رسیدن به حکومت اسلامی و بازسازی کشور را جستجو کرد که در بازی‌های سیاسی فقط جیب فرصت طلبان پر می‌شود.

دیدگاه‌های دبیر کل حزب وحدت اسلامی درباره‌ی طرح صلح آقای حقانی[۲]

مولوی جلال الدین حقانی از فرماندهان عالی رتبه جهادی و یکی از شخصیت‌های برجسته حزب اسلامی یونس خالص قبل از ظهر روز پنجشنبه ۲۱ حوت ۱۳۷۲ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان با وی دیدار و پیرامون حل اصولی بحران جاری کشور و پایان دادن به جنگ‌های ۲۰ ماهه کابل گفتگو نمودند.

در این گفتگوها طرح پیشنهادی شورای اصلاحی که آقای حقانی آن را رهبری می‌کند به استحضار دبیر کل حزب وحدت اسلامی رسیده و از وی خواسته شد که برای تطبیق این طرح با شورای اصلاحی همکاری نمایند. آقای حقانی همچنین تأکید

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره ۲۷، دوشنبه ۲۷ حوت، ۱۳۶۹ش.

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۲، ۱۸ حمل ۱۳۷۳ش.

به عمل آورد که بدون پشتیبانی و تشریک مساعی حزب وحدت اسلامی هیچ طرحی قابل تطبیق نبوده و مشکل افغانستان حل نخواهد گردید. در طرح آقای حقانی و همکارانش تشکیل یک شورای بزرگ، متشکل از دو صد نفر از کسانی که شورای اصلاحی معرفی می‌کند ده، ده نفر از هر یک از احزاب جهادی و جمعی از بروکرات‌های مقیم غرب، خلع سلاح عمومی در سطح شهر کابل، جمع آوری سلاح‌های ثقیله و انتقال آن به خارج از شهر کابل، واگذاری امنیت شهر به قومندانان جهادی کابل و در نهایت تشکیل یک دولت بی طرف توسط یکی از رهبران جهادی که در جنگ‌های فعلی شرکت نداشته‌اند پیش بینی گردیده است.

به دنبال اظهاراتی آقای حقانی، دبیر کل حزب وحدت اسلامی از تلاش‌های بیوقفه‌ی وی و همکارانش در جهت استقرار صلح و ثبات سیاسی در کشور با بیان مواضع اصولی و واقع بینانه حزب وحدت اسلامی پرداختند و اصول طرح پیشنهادی وی را مورد ارزیابی قرار دادند.

استاد مزاری با تأکید بر این مطلب که باید واقعیت جامعه افغانستان را در نظر گرفته و بر اساس آن فرمول‌های مناسب برای حل بحران جاری جستجو (گردد)، طرح پیشنهادی آقای حقانی را غیر قابل تطبیق با شرایط کنونی افغانستان دانست. در این دیدار و گفتگو که از سوی رهبری حزب وحدت اسلامی با صراحت و قاطعیت نیز همراه بود، نکات ذیل مورد تأکید دبیر کل حزب وحدت اسلامی قرار گرفت:

۱ـ جنبش ملی اسلامی یک واقعیت نیرومند در جامعه افغانستان بوده و از بخشش عظیمی از مردم ساکن در کشور نمایندگی می‌کند هر طرحی در زمینه‌ی حذف جنبش از روند مذاکره و تصمیم گیری‌های اساسی که مربوط به آینده کشور باشد، منجر به شکست خواهد گردید.

۲ـ ترکیب شورای مورد نظر در طرح پیشنهادی آقای حقانی غیر عادلانه بوده و معیارهای لازم و ضروری در آن از نظر انداخته شده، اگر چنانچه می‌خواهند برای سرنوشت آینده‌ی کشور تصمیم بگیرند باید از کلیه مردم افغانستان و به تناسب جمعیت و میزان حضورشان در صحنه‌های سیاسی و نظامی نمایندگی نمایند.

۳ـ تا وقتی که یک حکومت عادلانه‌ی مردمی به شمول همه‌ی ملیت‌های افغانستان

تشکیل نگردیده است و اردوی ملی از کلیه قوت‌های مربوط به احزاب سیاسی سازمان نیافته است هیچ کس حاضر نخواهد شد سلاح خود را بر زمین گذاشته و سرنوشت را به دست تقدیر بسپارد.

۴ـ شهر کابل متعلق به همه‌ی مردم افغانستان بوده و کلیه آحاد این سرزمین خود را متعلق به این شهر که مرکز سیاسی و ثقافتی افغانستان است، می‌دانند. انحصار قیمومت و اداره‌ی این تنها مرکز سیاست و ثقافت کشور به دست قوماندانی که اکثریت این‌ها نیز از کابل نیست جز تشدید دور بی نظمی ها، کشتار جمعی، غارت و چپاول، حاصلی نخواهد داشت.

۵ـ آن‌های که به زعم آقای حقانی بی طرف بوده و شایستگی رهبری حکومت موقت را دارند، نه تنها بی طرف نبوده‌اند که در طول جنگ‌های ۲۰ ماه به گونه‌ای سهم گرفته و در جنگ اخیر نیز از فتوای جناب آقای ربانی حمایت کرده و علیه شورای هماهنگی فتوی دادند و اگر نتوانسته‌اند در مقابل جناح‌های مقابل جبهه‌ای باز کنند، نه به خاطر بی طرفی، که به علت ضعف و ناتوانی‌شان بوده است.

نظر و پیشنهاد استاد مزاری[۱]

استاد مزاری با رادیو لندن پیشنهاداتش را برای مذاکره اسلام آباد اینگونه عنوان کرد:

پیشنهادات ما این است که یک دولت موقت تشکیل شود و یک کمیسیون تشکیل شود که این مجلس حل و عقد را طبق لایحه‌ی مصوبه‌ی قبلی بررسی بکند تا زمینه یک مجلس حل و عقد درست، دایر شود و رئیس دولت را تعیین بکند و پست‌های مهم دولتی باید دوتایش در یک حزب نباشد و وزارت دفاع هم شورایی اداره شود.

نظر استاد مزاری در رابطه با کمیسیون قانون اساسی[۲]

یکی دیگر از رهبران شیعه استاد عبدالعلی مزاری از حزب وحدت گفت: حزب او در کمیسیون قانون اساسی حتی عضوی هم ندارد و تصمیمات آن را قبول نخواهد کرد.

استاد مزاری اظهار داشت: ما به کمیسیون قانون اساسی موقت موافقت نداریم از

---

۱. رادیو بی بی سی، ۱۳۷۱/۱۲/۱۱ ـ پیک (خبرنامه‌ی وحدت اسلامی) شماره ۴۷۵.

۲. پیک، خبرنامه‌ی حزب وحدت اسلامی افغانستان، شماره ۶۰۳، سال سوم، ص ۲، (۱۳۷۲/۷/۳ رادبو بی بی سی).

جهت این که از مجرای قانونی‌اش تشکیل نشده، این از صلاحیت شورای عالی نظارت در دولت است و باید همه‌ی احزاب نظر بدهند و آن مسأله‌ی که از مجرای قانونی نیست ما موافق نیستیم، نماینده‌های ما شرکت نکردند.

استاد مزاری، همچنین گفت: علت عدم شرکت نمایندگانی از حزب او در کمیسیون قانون اساسی، این است که در قرارداد جلال آباد نامی از این کمیسیون برده نشده، او اضافه کرد که حزب وحدت در کمیسیون انتخابات نماینده دارد و آن را می‌پذیرد و همچنان به فعالیت در درون چهار چوب آن ادامه خواهد داد.

سخنان استاد مزاری در اجلاس حقوق بشر، به میزبانی حزب وحدت اسلامی در کابل[1]

در این حال امروز صبح در مرکز کابل حداقل ۹ نفر از افراد دانشگاهی که برای شرکت در یک اجلاس حقوق بشر به طرف جنوب غرب شهر در حرکت بودند، در اثر اصابت موشک مجروح شدند، اجلاس مذکور از طرف حزب وحدت اسلامی که حزب شیعه مذهب است تشکیل شده بود و حال سه تن از افراد مجروح، وخیم گزارش شده است.

(در این اجلاس استاد) عبدالعلی مزاری رهبر حزب وحدت اسلامی گفت: که آقای ربانی باید تا آخر ماه میلادی جاری از مقام خود استعفا دهد. او در ادامه گفت که اگر آقای ربانی از کناره گیری خودداری کند، جنگ همچنان ادامه پیدا خواهد کرد.

آقای مزاری که از متحدان آقای گلبدین حکمتیار است گفت: تنها عاملی که به آقای ربانی اعتبار می‌بخشد، موافقت‌های کسب شده در اسلام آباد و جلال آباد (است که) دوره‌ی ریاست جمهوری آقای ربانی را تا آخر ماه ژوئن که ما جاری میلادی است، تعیین کرده است.

نظر استاد مزاری در رابطه با موانع یک دولت فراگیر در افغانستان[2]

---

۱. پیک، (خبرنامه‌ی حزب وحدت اسلامی)، شماره‌ی ۷۳۲، پنجشنبه ۲ سرطان ۱۳۷۳ش (بی بی سی، شام ۱۳۷۳/۳/۲۶).

۲. (خبرنامه‌ی حزب وحدت اسلامی)، شماره‌ی ۷۳۰ شنبه ۱۳۷۳/۳/۲۱ش (بی بی سی، شام ۱۳۷۳/۳/۲۰).

بی بی سی: و موانعی که در راه برقراری صلح و تشکیل یک دولت با پایگاه وسیع وجود دارد بررسی می‌شود:

استاد عبدالعلی مزاری رهبر حزب شیعه‌ی وحدت که متحد سیاسی حزب اسلامی است می‌گوید: کمونیست‌ها نمی‌توانند عامل به وجود آمدن وضع فعلی باشند.

استاد مزازی: شما می‌دانید که حتی مسأله‌ی کمونیست‌ها در افغانستان یک بهانه است و ما معتقد هستیم که کمونیست الآن به آن شکل متشکل که پشتوانه داشتند، پشتوانه‌ی خود را از دست دادند و الآن در خود روسیه، حزب کمونیست متلاشی شده و این‌ها به حیث یک قدرتی امروز در این جا عامل شده نمی‌تواند که عامل ناآرامی در افغانستان باشد، ولی مسلماً یک تعداد این‌ها در کشور هست...

هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۸، پنجشنبه ۹ سرطان ۱۳۷۳ش پیک، نظر استاد مزاری در گزارش کسری ناجی از کابل[1]

حزب وحدت که بخش مهمی از غرب کابل را در کنترل خود دارد، برگزاری لوی جرگه را رد می‌کند، اما آقای مزاری می‌گوید: سازمان ملل می‌تواند به تشکیل یک دولت موقت کمک کند. (ولی) لوی جرگه مرجع قانونی نمی‌شود در افغانستان باشد، چون درصد سنجی‌شان را یک معیار درست نیست، ولسوالی‌ها واحد اداری عادلانه نیست چون که از پنج هزار نفر تا یکصد و شصت هزار نفر نفوسشان فرق دارد روی این مسأله، این (لویه جرگه) مشکل افغانستان را حل نمی‌کند. راه نزدیک آن احزاب بود که در دو سال گذشته از این راه رفته شد که اگر چه عادلانه نبود ولی باز هم یک راهی بود که این جا از نگاه وجهه‌ی جهادی می‌شد رویش حساب کرد، باز هم راه عادلانه از این (جهت) نبود که یک حزب کلان بود، یکی خرد بود و این جهات در نظر گرفته نمی‌شد ولی این راه هم در دو سال گذشت فاجعه آفرید.

ما معتقد هستیم که باید زیر نظر سازمان ملل یک دولت موقت تشکیل شود و زمینه‌ی نفوس شماری و انتخابات فراهم شود که همه قانع شود و هر کسی حق دارد چه از نگاه اقشار مردم که در نظر گرفته شود تا این جا یک حکومت قانونی به وجود

---

۱. پیک، (خبرنامه‌ی حزب وحدت اسلامی)، شماره‌ی ۷۳۰، شنبه ۱۳۷۳/۳/۲۱ش، بی بی سی، (شام ۱۳۷۳/۳/۲۰).

بیاید، همیشه در افغانستان، ثبات برقرار شود و این جار و جنجال و کشمکش خاتمه پیدا بکند.

نظر حزب وحدت اسلامی در برابر پیشنهاد صدارت برای گیلانی[۱]

استاد عبدالعلی مزاری منشی عمومی حزب وحدت اسلامی طی بیانیه‌ای که از طرف دفتر پیشاور آن حزب نشر شده، می‌گوید: پیشنهاد تعیین صدر اعظم جدیدی نه تنها کامل نیست بلکه اگر موقت هم تعیین شود باعث خونریزی جدید خواهد شد.

او می‌گوید: اگر رئیس جمهور و صدر اعظم هر دو استعفاء کنند و یک حکومت موقتی تشکیل شود، در آن صورت صدرات سید احمد گیلانی قابل قبول می‌باشد. استاد عبدالعلی مزاری می‌گوید: که سید احمد گیلانی با قبولی این پیشنهاد یک طرفه زمینه‌ی جنگ را در افغانستان برابر می‌کند.

اعلامیه‌ی هیأت اعزامی حزب وحدت اسلامی به خارج از کشور به ریاست استاد مزاری در رابطه با ادعاهای نجیب اللّه[۲]

بسمه تعالی

انقلاب اسلامی افغانستان که هم چنان توفنده و پرخروش به سوی فتح آخرین سنگرهای دشمن به پیش می‌تازد و می‌رود تا رایت بلند استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را بر قله‌های ایمان و ستیغ سرافراز «مطلع الشمس» به اهتزاز درآورد، اینک در برابر حساس‌ترین مراحل تاریخی خویش قرار گرفته و با انواع توطئه‌ها و شگردهای استکباری و بین المللی روبرو است.

استکبار جهانی که از پیروزی انقلاب اسلامی و برپایی نظام عادلانه و فراگیر اسلامی در افغانستان به وحشت افتاده، تلاش دیگری را در راستای تحقق خواسته‌ها و مطامع استعماری خویش آغاز نموده است و آن، تطهیر و تبرئه رژیم منحوس کابل و شرکت دادن آن در ساختار نظام سیاسی افغانستان می‌باشد و زمینه سازی برای سفر رهبر

---

۱. پیک، خبرنامه‌ی حزب وحدت اسلامی افغانستان، شماره ۶۱۸، سال سوم، ص ۱ (۱۳۷۲/۷/۲۶ از رادیو دری آمریکا).

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره ۱۴، ۲۶ قوس (آذر) ۱۳۶۹ش.

منفور و جنایتکار رژیم دست نشانده‌ی اجنبی به ژنو و مذاکره‌ی وی با عناصر مجهول الهویه، بیانگر این تبانی جهانی علیه ملت مظلوم و مسلمان افغانستان است.

شایعه‌ی ورود نجیب به جمهوری اسلامی ایران و مذاکره‌ی وی با برخی از رهبران جهادی نیز، بر خواسته از همین انگیزه و رویه‌ی سیاسی دنیای استکبار است.

حزب وحدت اسلامی به عنوان نیرومندترین بخش جنبش مقاومت اسلامی افغانستان ضمن محکوم کردن هر نوع مذاکره، سازش و تبانی با حکومت مزدور کابل و در رأس آن نجیب جلاّد، اعلام می‌دارد که ما نجیب را به عنوان قاتل مردم افغانستان و عامل کشتارهای وحشیانه‌ی هزاران تن از زنان، مردان و کودکان بی گناه این سرزمین و نهایتاً جنایتکار اصلی جنگ افغانستان شناخته و هر کسی را نیز که با نجیب و عوامل آن مذاکره نماید یا مزدور و جاسوس دولت کابل و از جمله ایادی سازمان جاسوسی روسیه (کا، گ، بی) می‌دانیم و در پایان از ملت مجاهد و شهیدپرور افغانستان می‌خواهیم که با هوشیاری و بیداری انقلابی و حضور فعال و سازنده در صحنه‌های مختلف جهادی و مبارزاتی، تمامی نقشه‌های دشمن را خنثی ساخته و در مسیر مبارزه‌ی خونبار اسلامی هم چنان استوار، بی باک و نستوه گام زنند و بدانند که سرانجام پیروزی از آن مجاهدان مؤمن و صالح خدا خواهد بود.

و ما النصر الا من عندالله.

از طرف هیأت اعزامی حزب وحدت اسلامی افغانستان ـ مشهد

نامه جامعه اسلامی افغانستانی‌ها در کانادا، عنوانی دبیر کل حزب وحدت اسلامی و پاسخ آن[1]

دبیر کل محترم حزب وحدت اسلامی افغانستان و اعضای محترم شورای عالی نظارت و شورای مرکزی، سلام علیکم.

ضمن آرزوی موفقیت هر چه بیشتر حضرت عالی و سروران عزیز، بدین وسیله به عرض می‌رسانیم این که: انجمن وحدت محمدیه (جامعه‌ی اسلامی افغان‌ها در کانادا) و مهاجرین اهل تشیع این کشور صمیمانه‌ترین تبریکات خویش را در رابطه با آزادی کشور از چنگال روس‌ها و ایادیشان و نیز ایجاد وحدت کامل بین مجاهدین جان بر

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره ۶۰، ۵ سنبله ۱۳۷۱ش.

کف اهل تشیع به رهبری آن بزرگواران در مرحله‌ی حساس و سرنوشت ساز کنونی، به آن عزیزان عرض نموده و بر خود واجب می‌دانستیم تا از تلاش هایشبانه روزی، تحمل نمودن رنج‌ها و مشقت‌های فراوان حضرت تعالی، در به ثمر رسانیدن آرمان و اهداف شهدای گلگون کفن که همانا وحدت و احقاق حقوق این قشر عظیم و شلاق خورده در طول تاریخ است، اظهار تشکر نماییم.

شیعیان با وجود این که صاحبان اصلی آن مرز و بوم اسلامی بوده اند، ولی تحت عناوین مختلف و با تعدی حاکمان جور و ظلم و نوکران کشورهای استعماری و اجنبی این امت مظلوم و مسلمان از حقوق خویش محروم بوده اند. برادرانی به اصطلاح، دینی ما در طول جهاد بر حق و مبارزه علیه اشغالگران روسی بر حسب عادت ناپسندی که از گذشتگان خویش به ارث برده و بنا بر تحریکات (برخی از) کشورهای به ظاهر مسلمان ولی در باطن دشمنان اسلام و سیاست‌های ناپاک و مرموز دیگر، باز هم حق مسلم مردم مسلمان ما را کتمان نموده اند، زهی خیال باطل و هواهای که در سرشان می‌پرورانند!؟

بنابراین جامعه‌ی اسلامی افغان‌ها در کانادا و مهاجرین افغانی و اهل تشیع مقیم این کشور، ضمن اعلام پشتیبانی از تمام مواضع بر حق آن عزیزان در تثبیت حقوق مردم تشیع و حزب وحدت اسلامی در حکومت اسلامی و دولت‌های آینده، خود را مکلف می‌دانند تا از هیچگونه کمک و همکاری دریغ ننمایند و از خداوند بزرگ توفیقات روز افزون آن عزیزان را خواهانیم.

والسلام ـ محمد ابراهیم قاسمی

هیأت اجرائیه جامعه‌ی اسلامی افغان‌ها در کانادا

پاسخ دبیر کل حزب وحدت اسلامی

جامعه‌ی اسلامی افغانستانی‌ها در کانادا، مهاجرین اهل تشیع مقیم آن کشور! این جانب نیز به نمایندگی از مردم مسلمان و مجاهدین دلاور حزب وحدت اسلامی افغانستان ضمن تقدیم سلام‌های گرم، متقابلا پیروزی‌های اخیر مجاهد مردان ستم برانداز کشور بر رژیم مزدور و الحادی کابل را به شما و همه‌ی دلسوزان اسلام و انقلاب اسلامی و مردم افغانستان تبریک عرض می‌کنم، و از درگاه حضرت حق جلّت

عظمته برایتان توفیق رهسپاری در طریق حق و عدالت را مسئلت نموده، امیدواریم در راه انجام وظایف و مسئولیت‌های اسلامی و انسانی در برابر مردم، کشور و خون پاک شهیدایتان مؤید و پیروز باشید. چون که ملت ما با براندازی آخرین دژهای کمونیزم بین المللی بزرگترین پیروزی‌ها را در تاریخ سیاسی جهان به نام خویش رقم زدند، و هزاران حماسه را در میادین پیکار و جهاد علیه مستکبرین آفریدند، ولی تا رسیدن به پیروزی نهایی و تحقق جامعه‌ی اسلامی برادری و برابری در افغانستان، مبارزه‌ی عظیم و دشوارتری پیش رو است که در این راه و مسئولیت روشنفکران و متخصصان و تحصیلکردگان و اقشار آگاه و بیدار جامعه، سنگین تر از هزاران افراد دیگری است که می‌باید با حضور فعال و گسترده و مسئولانه خویش در صحنه‌های مبارزه برای بازسازی و باز آفرینی افغانستان مستقل و اسلامی و آزاد که در آن، حقوق همه‌ی مردم مسلمان و مجاهد افغانستان بدون کمترین تبعیض و نابرابری تأمین گردد، و وظایف اسلامی و ملی خویش عمل نمایند و با استمداد از کشورهای آزاد و صلح دوست جهان و فراخوانی همه‌ی نیروهای متخصص و فنی برای بازسازی و اعمار مجدد افغانستان که پس از ۱۴ سال جنگ به ویرانه تبدیل گردیده، گام‌های مؤثر در راه آبادی و شکوفایی وطن اسلامی خویش بردارند.

حزب وحدت اسلامی افغانستان به عنوان پرچمدار و طلایه دار صلح و دفاع از حقوق مظلومین و محرومین افغانستان، دست همه‌ی کسانی را که برای ایجاد جامعه و نظام عادلانه‌ی اسلامی و فاقد تبعیض، سلطه طلبی، گردن فرازی و خودخواهی‌های قومی، قبیلوی و مذهبی و با حضور زنده‌ی همه اقشار، اقوام و ملیت‌های محروم در افغانستان تلاش میورزند، صمیمانه می‌فشارد.

و ما النصر الا من عندالله العزیز الحکیم

دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان عبدالعلی مزاری ـ کابل

نظر استاد مزاری، در رابطه با قانون اساسی پیشنهادی[1]

استاد مزاری، یکی از رهبران عمده‌ی حزب وحدت برای بار دیگر قانون اساسی

---

۱. خبرنامه‌ی پیک، شماره ۶۰۶، سال سوم، ص ۱، (۱۳۷۲/۷/۷ رادیو بی بی سی).

موقت را مورد حمله قرار داده گفت: قانون اساسی پیشنهادی، قدمی در راه تقسیم و نابودی افغانستان است و به دولت توصیه کرد که از اجرای چنین سندی خودداری کند. آقای مزاری به همراه حزب حرکت اسلامی، خواهان اضافه کردن قوانین شیعه‌ی جعفری در قانون اساسی است.

استاد مزاری، برای حل مشکل افغانستان خواستار استعفای رئیس جمهور و صدر اعظم شد[۱]

استاد عبدالعلی مزاری منشی عمومی حزب وحدت، نظر این حزب را در مورد حل بحران فعلی افغانستان چنین بیان می‌کند: حزب وحدت اسلامی این را (می گوید) که باید هم رئیس جمهور و هم صدر اعظم استعفاء بکند و یک دولت موقت تشکیل شود، همه توافق بکند به آن مسأله، تا زمینه‌ی انتخابات فراهم شود. زمینه‌ی ساختن اردوی ملی فراهم شود. حالا با این وضع که هست، نه اردوی ملی ساخته می‌شود نه سلاح جمع می‌شود و نه هم انتخابات دائر می‌شود.

استاد عبدالعلی مزاری هم چنان گفت که: توافقات اسلام آباد و جلال آباد عملی نشده، امنیت در کشور تأمین نشده و در بعضی مناطق کشور جنگ جریان دارد. او می‌گوید حزب وحدت معتقد است که تمام رهبران در مورد مصالح علیای کشور فکر کرده و چنان راهی را انتخاب کنند که به نفع همه باشد.

منشی عمومی حزب وحدت می‌گوید: اگر وضع فعلی ادامه بیابد، وضع مردم خرابتر خواهد شد زیرا زمستان فرا رسیده و چاره‌ی برای مهاجرین نشده است. استاد عبدالعلی مزاری علاوه کرد: که رابطه‌ی حزب وحدت با تنظیم جمعیت اسلامی خوب شده است.

او گفت: مرکز حزب وحدت به کابل منتقل شده و با اتحاد اسلامی نیز آتش بس را اعلام کرده و این آتش بس تا به حال برقرار مانده است.

---

۱. پیک، خبرنامه‌ی حزب وحدت اسلامی افغانستان، شماره ۶۵۴، سال سوم، ص ۱، ۱۳۷۲/۹/۲۳ (رادیو دری آمریکا ۱۳۷۲/۹/۱۸).

بخش چهارم

ملاقات‌های رهبر شهید

استاد مزاری (ره)

گزارشاتی از ملاقات‌های استاد شهید مزاری

گزارشی از ورود دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان به کابل[1]

۱۳۷۱/۴/۳۰

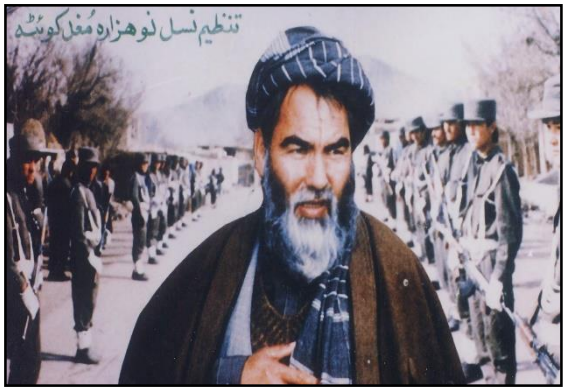

بخش خبری: حجت الاسلام عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان عصر دیروز با استقبال وسیع وارد کابل شد.

گزارش خبرنگار ما از شهر کابل حاکی است. دبیر کل حزب وحدت اسلامی را که یک گروه متشکل از اعضای مجاهدین افغانستان همراهی می‌کردند در بیرون شهر کابل مورد استقبال گسترده‌ی نیروهای جهادی قرار گرفت و در میان شور و شوق آن‌ها وارد شهر شد و در مقر این حزب مستقر شد. وی قرار است مذاکراتی را با آقای برهان الدین ربانی رئیس شورای رهبری افغانستان پیرامون نقش نیروهای حزب وحدت و سهم آن‌ها در آینده‌ی این کشور داشته باشد.

---

۱. پیک، (خبرنامه‌ی حزب وحدت اسلامی)، شماره‌ی ۴۰۱، سال دوم، ۱۳۷۱/۴/۳۰.

دیدار هیأت فرهنگی، سیاسی ایران با دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان[۱]

استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی در دیدار هیأت ایرانی با وی، ضمن تشریح موقعیت سیاسی ـ نظامی افغانستان، از کمک‌های جمهوری اسلامی ایران در طول چهارده سال مبارزات مهم افغانستان تشکر کرد و سفر هیأت ایرانی به افغانستان را موجب توسعه‌ای همکاری همه جانبه‌ی دو کشور ذکر کرد و افزود: ملت افغانستان به خاطر سال‌های مبارزه و جهاد در بعضی امور فرهنگی و آموزشی شدیداً نیاز به مساعدت کشورهای همسایه دارد. و با توجه به روابط دیرینه بین دو ملت مسلمان ایران و افغانستان زمینه برای همکاری فرهنگی وجود دارد.

ملاقات هیأت صلح مناطق مرکزی با استاد مزاری[۲]

گزارش دیگر از خبرنگار ما، حاکیست که قبل از ظهر ۱۳۷۱/۶/۳۰ هیأت صلح ولایات مناطق مرکزی افغانستان با استاد مزاری، دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان دیدار و در ارتباط با پایان یافتن جنگ‌های کابل و حل صلح آمیز اختلافات بین جناح‌های مختلف سیاسی با وی گفتگو کرده و در این ملاقات استاد مزاری یک بار دیگر بر مواضع روشن و خدشه ناپذیر حزب وحدت اسلامی مبنی بر قطع خونریزی و حل اختلافات از طریق مذاکره تأکید کرد و برای هیأت‌های صلح آرزوی موفقیت در انجام وظایف خطیرشان نمود. قابل ذکر است که هیأت‌های از مناطق شمال و جنوب کشور (نیز) برای پایان بخشیدن به جنگ‌های خونین شهر کابل و برقراری صلح در میان کلیه‌ی طرف‌های درگیر به کابل آمده و ملاقات‌های با برخی از مقامات دولتی و حزبی داشته اند.

ملاقات جمعی از هنرمندان کشور با استاد مزاری[۳]

به گزارش خبرگزاری وحدت اسلامی از کابل جمعی از هنرمندان کشور روز

---

۱. پیک، (خبرنامه‌ی حزب وحدت اسلامی)، شماره‌ی ۴۴۳، سال دوم ۱۳۷۱/۴/۳۰).

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۶۵، پنجشنبه ۹ میزان ۱۳۷۱ش.

۳. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۶۷، پنجشنبه، ۲۳ میزان، ۱۳۷۱ش.

۱۳۷۱/۷/۶ در اقامتگاه حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی، در حاضر شده، با ایشان دیدار و گفتگو کردند. در این ملاقات ابتدا یک تن از آنان، از طرف هنرمندان معروف کشور در رابطه با سیر انکشاف هنر و وضع هنرمندان و آینده‌ی هنری کشور سخنانی ایراد کرد.

آنگاه استاد مزاری با تقدیر از موضع اصولی و متعهدانه هنرمندان در رابطه با مسایل سیاسی اخیر، در مورد هنر متعهد و مردمی و نقش تربیتی هنر در کمال بخشی جامعه‌ی انسانی و رسالت خطیر هنرمندان در جهت بیداری و هدایت مردم به سوی ارزش‌های متعالی الهی و انسانی، سخنانی مبسوطی ارائه نموده، تأکید به عمل آورد.

دیدار وزیر اطلاعات و کلتور با استاد مزاری[1]

به گزارش خبرگزاری وحدت اسلامی از کابل:

محمد صدیق چکری وزیر اطلاعات و کلتور کشور قبل از ظهر ۱۳۷۱/۷/۱۱ با حضور در دفتر کار استاد مزاری، دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان با وی دیدار و گفتگو کردند.

در این دیدار آقای چکری ضمن ارائه گزارش از وضعیت فرهنگی و دستگاه‌های تبلیغاتی بر ضرورت تأمین وحدت ملّی و امنیت همگانی، صلح و آرامش در کشور تأکید به عمل آورد.

آن گاه استاد مزاری، با اشاره به اهمیت رسانه‌های خبری و وسایل ارتباط جمعی و لزوم استفاده‌ی همگانی از این وسایل، انحصارطلبی از دستگاه‌های عمومی کشور را مضر به انقلاب و کشور اسلامی افغانستان توصیف کرد.

استاد مزاری، هم چنین در این دیدار ضمن تحلیل و بررسی آینده‌ی سیاسی کشور تأمین حقوق حقه‌ی همه‌ی مردم افغانستان، واقع بینی و تفاهم رهبران سیاسی کشور را یگانه راه حل معضله‌ی افغانستان دانسته، در پایان این دیدار، مبارزه‌ی همه جانبه و عمیق با فسادهای اجتماعی و بی بندوباری‌ها و ابتذالات فرهنگی را یک امر حیاتی برای انقلاب اسلامی ذکر نمود.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۶۷، پنجشنبه، ۲۳ میزان، ۱۳۷۱ش.

ملاقات وزیر امور خارجه با استاد مزاری[۱]

به گزارش خبرگزاری وحدت اسلامی:

سید سلمان گیلانی وزیر امور خارجه دولت موقت اسلامی افغانستان، بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۳۷۱/۷/۲۷ در مقر حزب وحدت اسلامی افغانستان با دبیر کل این حزب دیدار و گفتگو کرد.

در این دیدار ابتداء وزیر خارجه گزارشی از جریان سفر خود به سازمان ملل ارائه داده مذاکرات خود با سران و نمایندگان کشورهای عضو سازمان ملل را مثبت و امیدوار کننده توصیف کرد. و هم چنین از اعلام آمادگی کشورهای صلح دوست جهان برای اعمار مجدد افغانستان سخن گفت، در این دیدار هم چنین بحث‌های ثمر بخش پیرامون شورای اهل حل و عقد و نحوه‌ی تشکیل آن صورت گرفت:

دبیر کل حزب وحدت اسلامی نیز با تأکید بر ضرورت تفاهم کلیه‌ی مجاهدین و تأمین صلح سراسری و جلب کمک‌های بین المللی برای اعمار مجدد افغانستان و تدویر به موقع شورای اهل حل و عقد را یک گام به سوی حل قضایای سیاسی افغانستان دانسته، انتخاب اعضاء شورا بر اساس نفوس کشور را عادلانه‌ترین راه برقراری حاکمیت ملی دانست.

ملاقات سفیر چین با استاد مزاری[۲]

دیروز شنبه ۱۳۷۱/۷/۲۷ بعدازظهر، سفیر جمهوری خلق چین به مرکز حزب وحدت اسلامی آمد و با استاد مزاری دیدار و در مورد علاقات و مناسبات میان کشورهای چین و افغانستان گفتگو کردند. در این دیدار سفیر کبیر کشور چین با تأکید بر حسن روابط بین کشورش و افغانستان اظهار امیدواری کرد که در افغانستان یک حکومت باثبات، جامع، مبنی بر آراء کلیه‌ی مردم افغانستان استقرار یابد. سفیر چین همچنین آمادگی کشورش را برای همکاری در امر بازسازی افغانستان اعلام نمود.

در این دیدار دبیر کل حزب وحدت اسلامی، ضمن استقبال از گسترش روابط بین دو کشور افغانستان و چین در رابطه با انقلاب چین و وجوه مشترک آن با انقلاب

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۶۹، پنجشنبه، ۷ عقرب ۱۳۷۱ش.

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۶۹، پنجشنبه ۷ عقرب ۱۳۷۱ش.

اسلامی افغانستان سخنان مبسوطی ایراد و اظهار امیدواری کرد، جمهوری خلق چین تجارب خود را در امر بازسازی در اختیار مجاهدین مسلمان افغانستان قرار دهد.

ملاقات آقای جنتی معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران با استاد مزاری[۱]

به گزارش خبرگزاری وحدت اسلامی از کابل:

استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان، قبل از ظهر روز ۱۳۷۱/۷/۲۹ با آقای جنتی معاون امور بین المللی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جمهوری اسلامی ایران ملاقات و گفتگو کرد.

در این دیدار که در دفتر کار استاد مزاری در مرکز حزب وحدت اسلامی افغانستان صورت گرفت، طرفین بر امر گسترش روابط فرهنگی دو کشور تأیید به عمل آورده، ضرورت کمک‌های فرهنگی جمهوری اسلامی به ملت مسلمان افغانستان را یادآور شدند.

دیدار وزیر صنایع با استاد مزاری[۲]

محترم حاج سلیمان یاری، وزیر صنایع خفیفه و مواد غذایی با حضور در مرکز حزب وحدت اسلامی با استاد مزاری ملاقات و پیرامون آخرین انکشافات در اوضاع سیاسی، نظامی کشور بحث و گفتگو نمودند.

همچنین در رابطه با ضرورت تأمین مواد غذایی برای مردم کابل و کنترل قیمت‌ها تبادل نظر به عمل آمد و راجع به شورای اهل حل و عقد و کاندیداها صحبت‌های مفید و ارزنده‌ی صورت گرفت.

ملاقات رئیس مجتمع فرهنگی جهاد دانش، با استاد مزاری[۳]

۱۳۷۱/۹/۱۹

برادر مجاهد آقای سید محمد علوی، مسئول مجتمع فرهنگی جهاد دانش، بعد از

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۶۹، پنجشنبه، ۷ عقرب ۱۳۷۱ش.

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۷۵، پنجشنبه، ۱۹ قوس ۱۳۷۱ش.

۳. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۷۵، پنجشنبه، ۱۹ قوس ۱۳۷۱ش.

ظهر دیروز با حضور در مرکز حزب وحدت با دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان دیدار و پیرامون نحوه‌ی تأسیس و عمل کرد و برنامه‌های مجتمع فرهنگی جهاد دانش گزارش مبسوطی را ارائه نمود. در این دیدار هم چنان دبیر کل حزب وحدت، ضمن اظهار قدردانی از صحبت هایمتعهدانه‌ی برادران فرهنگی این مجتمع، برای آنان آرزوی توفیق نمود.

ملاقات سفیر هند با دبیر کل حزب وحدت اسلامی استاد مزاری[۱]

۱۳۷۱/۱۰/۱۴

دبیر کل حزب وحدت اسلامی در ملاقات با سفیر هند، عملکرد دولت موقت ربانی را مخالف با خواسته‌ها و آرمان‌های ملت افغانستان دانست و راه خروج از بن بست پیش آمده را که دورنمای خونین و ناامنی را پیش روی ملت افغانستان قرار داده است، کناره گیری ربانی از قدرت دانست و ضمن این که شورای حل و عقد را غیر قانونی خواند، گفت: بازگرداندن ثبات سیاسی به کشور، به نفع افغانستان و حتی منطقه خواهد بود.

در این ملاقات جمع زیادی از نمایندگان قندهار و ایالت‌های شمال نیز حضور داشتند و در این ملاقات نمایندگان مذکور گفتند: که به اعتقاد آن‌ها فشارهای نظامی اعمال شده در جریان انتخابات نمایشی شورای حل و عقد حتی رسواتر از انتخابات فرمایشی دوران نجیب و ببرک کارمل بوده است.

ملاقات علاءالدین بروجردی معاون آسیا و اقیانوسیه وزارت امور خارجه‌ی ایران، با استاد مزاری[۲]

۱۳۷۱/۱۰/۱۵

علاءالدین بروجردی معاون آسیا و اقیانوسیه وزارت امور خارجه‌ی ایران با حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان دیدار و آخرین تحولات افغانستان را با وی مورد بحث و تبادل نظر قرار داد.

---

۱. ۱۳۷۱/۱۰/۱۴ ـ پیک (خبرنامه‌ی حزب وحدت اسلامی)، شماره‌ی ۵۴۱.

۲. ۱۳۷۱/۱۰/۱۵ ـ پیک (خبرنامه‌ی حزب وحدت اسلامی)، شماره ۴۵۱.

بروجردی در این ملاقات اظهار امیدواری کرد که کلیه‌ی رهبران گروه‌های جهادی افغانستان برای برقراری آرامش و خاتمه درگیری‌ها در کابل تلاش کنند. وی افزود: جمهوری اسلامی ایران معتقد است که مشکلات افغانستان باید توسط مردم این کشور حل شود...

حجت الاسلام مزاری، نیز ضمن تشکر از اقدامات خیرخواهانه جمهوری اسلامی ایران گفت: ما همانگونه که بارها اعلام کرده ایم، مخالف جنگ و خونریزی هستیم و ما معتقدیم که حقوق تمام اقوام در افغانستان باید رعایت شود و این شرط لازم برای برقراری ثبات و آرامش در افغانستان است.

ملاقات وزیر ترانسپورت با استاد مزاری[1]

خلیل زهاد، وزیر ترانسپورت قبل از ظهر روز گذشته ۱۳۷۱/۱۱/۹، با حضور در مرکز حزب وحدت اسلامی با دبیر کل این حزب دیدار کرد.

در این دیدار ابتداء وزیر ترانسپورت در رابطه با جنگ اخیر و بحران جاری کشور اظهار نگرانی نمود و خواستار حل مسائل از طریق تفاهم و مذاکرات ذات البینی گردید.

آنگاه دبیر کل حزب وحدت اسلامی با تشریح وضعیت اسفبار کشور و تأکید بر راه حل اصولی و عملی گفت: راه خروج از بن بست فعلی تن دادن آقای ربانی بر واقعیت‌های جامعه‌ی افغانستان و احترام به مصوبات و تصمیمات رهبران احزاب جهادی است. به اعتقاد ما کناره گیری ربانی از قدرت و تعیین یک دولت معقول با شرکت کلیه‌ی احزاب جهادی می‌تواند سرآغاز حل اصولی مشکلات جاری باشد.

ملاقات اعضای کمیسیون فرهنگی با استاد مزاری[2]

اعضای کمیسیون فرهنگی حزب وحدت اسلامی، بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۳۷۱/۱۱/۱۱، با حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی ملاقات و گفتگو نمود، طی این ملاقات ابتداء گزارشی از چگونگی کار کمیسیون فرهنگی به استحضار دبیر کل حزب وحدت اسلامی رسید.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره ۸۵ پنجشنبه، ۲۹ دلو ۱۳۷۱ش.

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۸۴ پنجشنبه، ۲۲ دلو ۱۳۷۱ش.

استاد مزاری، ضمن قدردانی از تلاش‌های اعضای فعال کمیسیون فرهنگی در رابطه با اهمیت کار فرهنگی در شرایط حساس کنونی سخنانی مبسوطی بیان داشت، دبیر کل حزب وحدت اسلامی در بخشی از این سخنان با اشاره به حاکمیت منحط و مبتذل و الحادی غربی در گذشته و ایجاد یک خلاء فرهنگی بعد از فروپاشی رژیم الحادی مارکسیستی گفت: تمام نابسامانی‌های کنونی از فقر فرهنگی است، جامعه‌ی ما وقتی به سوی سعادت و پیروزی راه خواهد سپرد که از نظر فرهنگی رشد نماید.

استاد مزاری، ضمن تأکید بر این امر که از نظر قرآن چهار امتیاز برای جوامع انسانی و افراد بشر برشمرده شده است که پایه همه‌ی آن‌ها فرهنگ است. در رابطه با تقوای الهی، جهاد، مبارزه، انفاق و دست گیری از دیگران بیانات مشروحی بیان داشت و گفت: مبنای همه این امتیازات فرهنگ است، اگر جامعه‌ای به جهاد پرداخته و مجاهد تربیت می‌کند و یا اگر جامعه‌ای به سمت تقوای الهی روی آورده و معیارهای تقوا را در زندگی خویش تطبیق می‌کند و جامعه‌ای (که) با انفاق مبانی فقر، و تیره روزی را در هم می‌شکند به خاطر این است که از نظر فرهنگی غنی است و اگر فرهنگ یک جامعه منحط و مبتذل بوده و فقر فرهنگی در آن جامعه حاکم باشد نه از تقوا خبری است و نه از جهاد و نه از اتفاق.

استاد مزاری، در ادامه‌ی سخنانش با اشاره به ضرورت تشکیل کادرهای فرهنگی حزب وحدت اسلامی گفت: با توجه به خلأ فرهنگی موجود و با توجه به اینکه همه‌ی مردم ما امروز مسلح اند، مسئولیت شما در امر جهت دادن به مردم و نیروهای مسلح و احیای ارزش‌های معنوی و فضایل اخلاقی و تبلیغ آن در میان توده‌های مسلمان و مجاهد کشور است و (باید) جّدی تر از هر زمان دیگر عمل نمایید.

استاد مزاری، در قسمتی از سخنانش با تأکید بر ضرورت تشریح تاریخ خونبار تشیع و هزاره‌ها در افغانستان و ارائه آن به نسل‌های آینده، از کارگزاران فعالیت‌های فرهنگی خواست که در جهت ثبت دقیق و مستند حوادث و ثبت تحولات فعلی و به تصویر کشیدن صحنه‌ها و حماسه‌های که مردم کسب کرده‌اند از نهایت تلاش، کار گرفته و تعهد انسانی و رسالت اسلامی خود در این زمینه را از یاد نبرند.

استاد مزاری، هم چنین اظهار داشت که فرهنگیان همیشه در خط مقدم و اوّل

جبهات حضور داشته و صحنه‌ها را به تصویر کشیده و یا فلم و عکس و گزارش تهیه نموده اند. یک فرهنگی باید یک مجاهد نیز باشد.

استاد مزاری، در بخش دیگری از سخنانش با اشاره بر ضرورت کار تبلیغات سالم و رهگشا گفت: زبان یک جریان سیاسی، تبلیغات آن است. اگر یک جریان سیاسی تبلیغات فعال، پویا و جهت بخش نداشته باشد، در حقیقت زبان ندارد و نمی‌تواند اهداف خود را دنبال نماید، اگر از جهاد مجاهد و ایثارگری‌ها و آرمان‌ها و اهداف و خواسته‌های به حق و عادلانه‌ی او، تبلیغ نشود ممکن است کارش بی نتیجه بماند.

استاد مزاری، در پایان سخنانش با بیان این که تبلیغ در فرهنگ اسلامی از جایگاه خاص و ویژه برخوردار بوده و ریشه‌ی تاریخی دارد گفت: جهاد امام حسین(ع) در کربلا و قیام خونبار عاشورا را زینب(س) با تبلیغ و ایراد خطبه‌های افشاگرانه‌ی خویش در کوفه و شام و مدینه به ثمر رسانید و برای همیشه جاودان ساخت.

دیدار جنرال همایون فوزی و جنرال مؤمن با استاد مزاری[۱]

جنرال همایون فوزی نماینده‌ی جنبش ملی اسلامی در کابل و قوماندان فرقه‌ی ۵۳ و جنرال مؤمن قومندان فرقه‌ی ۷۰ عصر روز گذشته ۱۳۷۱/۱۱/۱۳، در مرکز حزب وحدت اسلامی با استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی، دیدار و پیرامون جنگ‌های جاری کابل، راه‌های رسیدن به آتش بس و یک صلح پایدار و جابجایی قوای فرقه‌ی ۵۳ برای حائل شدن میان نیروهای حزب وحدت اسلامی و شورای نظار به استحضار دبیر کل حزب وحدت اسلامی رسید.

آنگاه حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری ضمن ارج نهادن به تلاش‌های دلسوزانه‌ی جنرالان جنبش ملی اسلامی، آمادگی حزب وحدت اسلامی را برای پذیرش نیروهای حائل فرقه‌ی ۵۳ در گردنه‌ی باغ بالا و غرب افشار، به اطلاع جنرالان جنبش ملی اسلامی رسانید.

ملاقات جنرال فوزی و جنرال غیبی با استاد مزاری[۲]

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۸۴ پنجشنبه، ۲۲ دلو ۱۳۷۱ش.

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۸۴ پنجشنبه، ۲۲ دلو ۱۳۷۱ش.

جنرال فوزی نماینده‌ی جنبش ملی اسلامی شمال و فرمانده فرقه‌ی ۵۳ و جنرال غیبی رئیس ارکان فرقه‌ی ۸۰، عصر روز گذشته ۱۳۷۱/۱۱/۱۳ در مرکز حزب وحدت اسلامی با حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب دیدار و پیرامون جنگ جاری در کابل و آینده‌ی سیاسی کشور گفتگو و تبادل نظر نمودند، در این دیدار ابتداء جنرال فوزی ضمن ارائه گزارش از اوضاع سیاسی ـ نظامی از ولایات شمال کشور، همچنین آمادگی دفاع نیروهای فرقه‌ی ۵۳ در کابل و آمادگی کامل فرقه‌ی ۵۳ برای حایل شدن میان نیروهای حزب وحدت اسلامی و شورای نظار در گردنه‌ی باغ بالا، به استحضار دبیر کل حزب وحدت اسلامی رسانید.

جنرال فوزی در ادامه‌ی این دیدار با تأکید بر بی طرفی مطلق نیروهای جنبش ملی اسلامی در جنگ فعلی گفت: نیروهای ما کاملا بی طرف بوده و به نفع هیچ یک از طرفین درگیر وارد جنگ نخواهد شد.

آنگاه استاد مزاری، ضمن حسن استقبال از اقدامات صلح جویانه‌ی نیروهای جنبش ملی اسلامی گفت: ما از این که نیروهای شما به عنوان یک نیروی حائل بین نیروهای ما و شورای نظار، در گردنه‌ی باغ بالا، مستقر شود استقبال می‌کنیم و ما آماده‌ایم که نیروهای شما را به عنوان حائل بپذیریم.

استاد مزاری، سپس با برشمردن دست آوردها و نتایج اجلاس شورای قیادی در جلال آباد، آخرین تحولات سیاسی مربوط به قضایای افغانستان را به اطلاع فرماندهان جنبش ملی اسلامی رسانیده و یک بار دیگر بر مواضع خدشه ناپذیر حزب وحدت اسلامی مبنی بر کناره گیری ربانی از قدرت و غیر قانونی بودن حکومت ربانی و تشکیل یک دولت موقت فراگیر تأکید به عمل آورد. در پایان این ملاقات بار دیگر جنرال فوزی به دبیر کل حزب وحدت اسلامی اطمینان داد که در جنگ‌های فعلی کاملا بی طرف خواهد ماند.

دیدار جنرال مجید روزی و جنرال مؤمن با استاد مزاری[1]

دگر جنرال مجید روزی قوماندان عمومی فرقه ۵۳ در کابل و جنرال مؤمن قوماندان

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره ۸۵، پنجشنبه، ۲۹ دلو ۱۳۷۱ش.

لوای ۷۰ مکانیزه‌ی حیرتان بعد از ظهر دیروز ۱۳۷۱/۱۱/۲۰، در مرکز حزب وحدت اسلامی با حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دیدار و پیرامون اوضاع نظامی شهر کابل و جنگ جاری بین حزب اسلامی و شورای نظار جمعیت اسلامی گفتگو کردند و در این دیدار، بی طرفی کامل نیروهای جنبش ملی اسلامی در جنگ اخیر، به استحضار دبیر کل حزب وحدت اسلامی رسانده و بر امر هماهنگی نیروهای جنبش ملی اسلامی تأکید به عمل آمد.

در این ملاقات همچنین استاد مزاری ضمن تأکید بر بی طرفی نیروهای جنبش ملی اسلامی، عامل اصلی جنگ اخیر را دولت ربانی و شورای نظار دانسته، اظهار امیدواری کرد که سران جمعیت اسلامی سر عقل آمده، بیش از این سبب کشتار و خونریزی در شهر کابل نگردند.

ملاقات سفیر جمهوری اسلامی ایران با استاد مزاری[۱]

آقای محی الدین نجفی سفیر کبیر جمهوری اسلامی ایران و نماینده‌ی فوق العاده‌ی این کشور در کابل قبل از ظهر دیروز با حضور در مرکز حزب وحدت اسلامی با حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل این حزب دیدار و پیرامون اوضاع جاری افغانستان و راه‌های دستیابی به صلح پایدار، در این کشور گفتگو نمود. در این دیدار مراتب نگرانی مقامات جمهوری اسلامی ایران به استحضار دبیر کل حزب وحدت اسلامی رسیده و آمادگی این کشور، برای میانجیگری بین اطراف درگیر اعلام گردید.

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری ضمن تشریح وضعیت سیاسی و نظامی کشور، یک بار دیگر بر مواضع اصولی حزب وحدت اسلامی تأکید به عمل آورده و کناره گیری ربانی از قدرت و مذاکرات چهار جانبه را یگانه راه خروج از بن بست فعلی توصیف کرد.

ملاقات جنرال حمید گل با استاد مزاری[۲]

جنرال حمید گل در ملاقات با عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۸۴، پنجشنبه، ۲۲ دلو ۱۳۷۱ش.

۲. روزنامه‌ی رسالت، ۱۳۷۱/۱۱/۲۹ ـ پیک (خبرنامه‌ی وحدت اسلامی)، شماره ۴۶۴.

گفت: لازم است قبل از تشکیل اجلاس مشترک ایران، پاکستان و عربستان با گروه‌های افغانی، آتش بس دائمی میان طرفین درگیر برقرار شود.

استاد مزاری تشکیل دولت موقت یک هفته پس از آغاز مذاکرات با حضور متناسب تمام احزاب، برگزاری انتخابات در ظرف کمتر از یک سال و تشکیل یک لشکر منظم اسلامی با حضور نیروهای نظامی کلیه‌ی گروه‌های زیر نظر نمایندگان احزاب را از دیگر شرایط این حزب برای شروع مذاکره ذکر کرد.

ملاقات سفیر پاکستان با دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان[1]

سفیر کبیر کشور اسلامی پاکستان بعد از ظهر دیروز با حضور در مرکز حزب وحدت اسلامی با حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت و حضرت آیت اللّه صادقی پروانی عضو شورای عالی نظارت این حزب، دیدار و در رابطه با بحران سیاسی کنونی و کنفرانس ریاض گفتگو نمود.

در این ملاقات ابتداء سفیر پاکستان ضمن اشاره بر نقش تعیین کننده‌ی حزب وحدت اسلامی در تحولات سیاسی افغانستان، خواستار ارائه نظرات و دیدگاه‌های این حزب در قبال بحران جاری کشور گردید. آنگاه حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی با تقدیم اظهار سپاس از احساس همدردی دولت و ملت پاکستان نسبت به حوادث دردبار افغانستان به تشریح نقطه نظرات حزب وحدت اسلامی افغانستان پرداخته، آمادگی این حزب را برای شرکت در مذاکرات ریاض، اعلام کرد.

دبیر کل حزب وحدت اسلامی در این زمینه گفت: حزب وحدت اسلامی آماده است برای حل مسائل افغانستان و پایان بخشیدن به حوادث اسفبار این کشور در مذاکرات ریاض شرکت نماید، اما به شرطی که (اولا) از ربانی به عنوان رهبر جمعیت اسلامی، نه رئیس حکومت، دعوت به عمل‌اید و ثانیاً از جنبش شمال به عنوان یکی از اطراف قضایای افغانستان دعوت گردد.

استاد مزاری در ادامه سخنانش افزود: حزب وحدت اسلامی خواستار حل اصولی و

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره ۸۵، پنجشنبه ۲۹ دلو ۱۳۷۱ش.

همه جانبه‌ی بحران افغانستان بوده و معتقد است بدون حضور کلیه‌ی جوانب نیروهای مؤثر سیاسی و جهادی مشکلات فعلی حل نخواهد گردید.

دیدار ارغندی وال نماینده‌ی خاص حزب اسلامی با استاد مزاری[۱]

ارغندی وال، بعد از ظهر روز گذشته، ۱۳۷۲/۱/۴ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی، با وی دیدار کرد و پیرامون ترکیب کابینه و نحوه‌ی تشکیل دولت گفتگو نمود، در این اجلاس لیست اعضای کابینه‌ی معرفی شده را تقدیم حضور دبیر کل حزب وحدت اسلامی نمود و پیرامون آن توضیحات لازم ارائه شد.

استاد مزاری، ضمن تأکید امر تأمین صلح و امنیت در کشور و استقرار یک دولت فراگیر مردمی و اسلامی، نقطه نظرات و دیدگاه‌های حزب وحدت اسلامی را در این زمینه، تشریح کرد، و آرزوی موفقیت نمود.

دیدار جمعی از قومندانان فرقه‌ی ۰۹۳ با استاد مزاری[۲]

عصر دیروز ۱۳۷۲/۱/۱۸ جمعی از قوماندانان فرقه‌ی ۰۹۳ حزب وحدت اسلامی با حضور در مرکز این حزب، با استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی دیدار و گفتگو نمودند، در این ملاقات ابتداء توسط یکی از قومندانان گزارشی از وضعیت نظامی و دفاع فرقه‌ی ۰۹۳، به استحضار دبیر کل رسید و آمادگی کامل رزمی‌شان را در مقابله با هر گونه تجاوز، اعلام داشتند.

آنگاه استاد مزاری با تأکید بر حفظ توانمندی و نظم نظامی نیروها و رعایت مقررات تشکیلاتی رهنمودهای لازم را ارائه نمود.

دیدار موسفیدان دشت آزادگان و نمایندگان مهاجرین افشار با استاد مزاری[۳]

عصر دیروز ۱۳۷۲/۱/۱۸ نمایندگان مهاجرین افشار مستقر در تایمنی با حضور در مقر حزب وحدت اسلامی، با استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی دیدار و

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۹۲، پنجشنبه ۲۶ حمل ۱۳۷۲ش.

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۹۲، پنجشنبه، ۲۶ حمل ۱۳۷۲ش.

۳. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۹۲، پنجشنبه ۲۶ حمل ۱۳۷۲ش.

گفتگو نمودند. نخست یکی از نمایندگان در رابطه با وضع مهاجرین افشار در تایمنی و مشکلات آنان توضیحاتی ارائه داد و هم چنین در رابطه با مشکلات خانواده‌های شهدا و اسراء و خانواده‌های بی سرپرست، خواستار توجه مسئولین حزب وحدت به این خانواده‌ها شد و گزارشی از آزار و اذیت اسراء توسط اتحاد سیاف و شورای نظار را، به استحضار استاد مزاری رسانید.

آنگاه استاد مزاری، در رابطه با اسراء یادآوری گردید و گفت: دو کمیسیون جداگانه با شورای نظار و اتحاد سیاف تشکیل شده ولی شورای نظار با آنکه تعهد نموده است، بدون قید و شرط اسراء را آزاد نماید تاکنون تعلل ورزیده و برخلاف معاهده‌ی اسلام آباد که خواستار آزادی بی قید و شرط اسراء بود، عمل نموده است.

استاد مزاری، با ذکر این نکته که حزب وحدت اسلامی و مسئولین آن خود را موظف به رسیدگی به خانواده‌های شهدا و اسراء و مهاجرین می‌داند، افزود: حزب وحدت اسلامی برای کمک به خانواده‌های شهدا، مخصوصاً شهدای مظلوم افشار تاکنون اقداماتی را انجام داده‌اند و در آینده به این کمک‌ها ادامه خواهند داد و در زمینه‌ی خانواده‌های بی سرپرست، حزب وحدت اسلامی منازل مسکونی را در نظر گرفته است که در صورت آماده شدن آن در اختیار خانواده‌ها قرار خواهند گرفت.

طبق همین گزارش، دیروز موسفیدان دشت آزادگان نیز با استاد مزاری دیدار نمودند، ابتدا توسط یکی از آنان گزارشی در ارتباط با کمبود و نقایصی (کار) اتحادیه‌ی تعاون اسلامی در امر توزیع مواد امدادی را به استحضار دبیر کل حزب وحدت اسلامی رسانید و طرح‌های پیشنهادی برای بهبودی وضع این اتحادیه ارائه شد.

سپس استاد مزاری، ضمن تقدیر و تشکر از احساس مسئولیت و طرح پیشنهادی آنان تشکر نموده و یادآور گردید، در صورتی که ضرورت پیدا شود از طرح آنان استفاده خواهد شد.

ملاقات استاد عرفانی و قوماندان علوی با استاد مزاری[1]

عصر دیروز ۱۳۷۲/۱/۲۳، استاد عرفانی نماینده‌ی حزب وحدت اسلامی در

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۹۲، پنجشنبه، ۲۶ حمل ۱۳۷۲ش.

مذاکرات صلح با جمعیت، با استاد مزاری دیدار و گفتگو نمود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار، ابتدا گزارشی از وضع پیشرفت مذاکرات صلح و آتش بس و مبادله‌ی اسراء، با طرف مقابل توسط استاد عرفانی به استحضار دبیر کل حزب وحدت اسلامی رسانیده شد.

سپس استاد مزاری، با یادآوری نقض مکرر آتش بس از سوی جمعیت از نماینده‌ی حزب وحدت اسلامی در مذاکرات صلح خواست، تا در این زمینه اقدام لازم و جدی به عمل آورد.

طبق همین گزارش قومندان علوی از مسئولین نظامی ولایت میدان حزب وحدت اسلامی، دیروز با حضور در مقر این حزب، با استاد مزاری ملاقات نمود. در این ملاقات قومندان علوی گزارشی از وضعیت نظامی و امنیتی ولایت میدان را به استحضار دبیر کل حزب وحدت اسلامی رسانیده آمادگی کامل نیروهای حزب وحدت اسلامی مستقر در ولایت میدان را اعلام نمود.

آنگاه استاد مزاری، ضمن تأکید بر این نکته که سیاست حزب وحدت اسلامی همواره بر عدم جنگ و خونریزی استوار بوده و در تمام درگیری‌های که داشته است (فقط) از خود دفاع نموده و در ادامه نیز این سیاست، در سر لوحه‌ی کار و برنامه‌ی این حزب نقش خواهد داشت، ولی اصل دفاع از خود را در مقابل متجاوزین، حق مسلم و مشروع خویش می‌داند.

دیدار نماینده‌ی سازمان ملل با استاد مزاری[1]

عصر روز جمعه ۱۳۷۲/۲/۱۰ استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی، نماینده‌ی سازمان ملل متحد را جهت ملاقات و مذاکره به حضور پذیرفت. در این دیدار نماینده‌ی سازمان ملل متحد پلان کمک به مهاجرین و آوارگان جنگ‌های کابل را به استحضار استاد مزاری رسانید و از ایشان خواستار همکاری در جهت اجری آن شد.

استاد مزاری ضمن قدردانی از حسن نیت (و احساس) بشر دوستانه‌ی سازمان ملل

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۹۵، پنجشنبه، ۱۹ ثور ۱۳۷۲ش.

متحد، وضعیت زندگی مهاجرین جنگ‌های تحمیلی را تشریح نموده و آمادگی این حزب را، در جهت هر نوع همکاری با کارمندان امداد سازمان ملل اعلام نمود.

دیدار جنرال مجید روزی با استاد مزاری[۱]

قبل از ظهر دیروز، ۱۳۷۲/۳/۱۸ دگر جنرال مجید روزی، معاون جنبش ملی اسلامی افغانستان، با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی، با ایشان ملاقات و گفتگو نمود.

در این دیدار جنرال مجید، سلام‌های گرم ستر جنرال عبدالرشید دوستم را تقدیم استاد مزاری نموده و ضمن تبریک گفتن پیروزی‌های اخیر حزب وحدت اسلامی از حمایت‌ها و پشتیبانی‌های صادقانه‌ی حزب وحدت اسلامی در محافل سیاسی از جنبش ملی اسلامی تقدیر نموده و خواستار ادامه‌ی این مساعدت‌های حزب وحدت اسلامی شد. جنرال مجید، تبلیغات سوء و مغرضانه‌ی بعضی از رسانه‌های خبری خارجی را که بیانگر دوری جنبش از حزب وحدت اسلامی بود محکوم نموده گفت: جنبش ملی اسلامی افغانستان هیچگاه تلاش‌های حزب وحدت اسلامی را، در مشروعیت بخشیدن به جنبش ملی اسلامی و مطرح نمودن در سطح کشور و جهان فراموش نمی‌کند. نیروهای جنبش ملی اسلامی خود را از متحدین طبیعی و غیر قابل انفکاک حزب وحدت اسلامی می‌داند. جنرال مجید ضمن تأکید بر این مطلب که جنبش ملی اسلامی از متحدین همیشگی حزب وحدت اسلامی است، پیام ستر جنرال عبدالرشید دوستم را تسلیم استاد مزاری نمود.

سپس استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی ضمن تقدیر و تشکر از سلام‌های گرم و پیام دوستانه‌ی رهبر جنبش ملی اسلامی عوامل آخرین جنگ تحمیلی شورای نظار، علیه حزب وحدت اسلامی را بر شمرده و یادآور گردید که شورای نظار در هیچ نقطه‌ی از افغانستان پیروزی نظامی نداشته است و در هر کجا که پیروزی نسبی داشته است، به خاطر پخش پول و انواع و اقسام ناجوانمردی‌های دیگر بوده است.

استاد مزاری ضمن تأکید بر ادامه‌ی پشتیبانی‌های حزب وحدت اسلامی از جنبش

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره‌ی مسلسل ۱۰۲، پنجشنبه ۲۷ جوزا ۱۳۷۲ش.

ملی اسلامی اظهار داشت که حزب وحدت اسلامی در روزهای اوّل پیروزی مجاهدین و حتی قبل از آن، سیاست دفاع از ملیت‌های محروم را سر لوحه‌ی کارهای دیپلماتیک خویش قرار داده و در این راستا جنگ‌های مختلف علیه حزب وحدت اسلامی تحمیل شد که یکی از دلایل جنگ افروزان، این بود که حزب وحدت اسلامی از نیروهای (ملیشه) و کمونیست، حمایت می‌کند.

اما حزب وحدت اسلامی علی رغم تحمل تمامی مشکلات تحمیل شده از سوی دشمنان، از مواضع و سیاست مقدس خود دست برنداشته و نخواهد برداشت. زیرا مردم مربوط به حزب وحدت اسلامی، درد و رنج محرومیت چشیده است و حمایت از ملیت‌های محروم را وظیفه‌ی خود می‌داند و هیچ گاه منتظر این نمی‌باشیم دوستانی که مورد حمایت ما قرار گرفته است کاری برای ما انجام دهند و این (کار...) مربوط خود آن‌ها می‌شود که تا چه اندازه به مسایل و جناح بندی‌های کشور آگاه می‌باشند، زیرا حوادث یک سال گذشته تمامی موضع گیری‌ها و خواسته‌های گروه‌ها و احزاب را روشن ساخته است.

استاد مزاری ضمن ابراز این مطلب که حزب وحدت اسلامی، حزب مردم است و اکنون به قدر کافی نیروی نظامی در اختیار دارد گفت: همانگونه که در محافل سیاسی از جنبش ملی اسلامی حمایت کرده ایم، حاضر هستیم که در هر کجا، جنبش مورد تهاجم نظامی قرار بگیرد به یاری آن بشتابیم.

ملاقات اعضای انجمن‌های فرهنگی انصار الزهراء(س) و فاطمه الزهراء(س) با استاد مزاری[1]

بعد از ظهر دیروز ۱۳۷۲/۳/۱۹ استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی، خواهران عضو انجمن‌های فرهنگی انصار الزهراء و فاطمه الزهراء را به حضور پذیرفت و در این دیدار استاد مزاری، پیروزی اخیر حزب وحدت اسلامی را مورد تجلیل قرار داد و یکی از عوامل مهم این پیروزی را همبستگی مردم دانسته، گفت: با وحدت و انسجام مردم هیچ قدرتی قادر به شکستاندن این مردم نخواهد بود.

استاد مزاری نقش بارز خواهران در طول جهاد مقدس و به خصوص یک سال

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۰۲ پنجشنبه ۲۷ جوزا ۱۳۷۲ش.

گذشته در کابل را، تعیین کننده توصیف نموده اظهار داشت: خواهران ما نیز، به عنوان یک قشر مؤثر جامعه باید مانند برادران‌شان دارای یک تشکیلات و مرکزیت باشند، تا فعالیت هایشان، بهتر و پرثمرتر از گذشته به انجام برسد.

استاد مزاری تأکید نمود که، تفکر وحدت باید در تمام اقشار جامعه وجود داشته باشد، اتحاد و همبستگی اسلامی زن و مرد نمی‌شناسد باید تمام مردم، این مسایل را رعایت کنند.

سپس خواهر آمنه پیوند و رقیه حسینی از اعضای انجمن فرهنگی انصار الزهراء و ضیاء گل احمدی، و فاطمه بختیاری از انجمن فرهنگی فاطمه الزهراء از سخنان روشنگرانه‌ی استاد مزاری تشکر نموده و آمادگی کامل شانرا برای منحل کردن انجمن‌های سابق اعلام نمودند و تأکید کردند که به دنبال فرمایشات دبیر کل حزب وحدت اسلامی از این پس با هماهنگی کامل در خدمت اهداف مقدس مردم و حزب وحدت اسلامی فعالیت خواهند کرد.

ملاقات گلبدین حکمتیار صدر اعظم دولت اسلامی افغانستان با استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی[1]

امروز ۱۳۷۲/۳/۱۹ انجنیر گلبدین حکمتیار صدر اعظم دولت اسلامی افغانستان و رهبر حزب اسلامی، با استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان در قصر دارالامان گفتگو نمود و آخرین رویدادهای سیاسی ـ نظامی کشور، توسط طرفین مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این ملاقات انجنیر گلبدین حکمتیار، ضمن تقدیر و تشکر از تلاش‌های مخلصانه‌ی حزب وحدت اسلامی به خاطر تشکیل کابینه و باز آوردن صلح و امنیت در کشور، آخرین گزارش ها، از تشکیل کابینه و مذاکرات و معاهدات با احزاب و دیگر تنظیم‌ها را به استحضار استاد مزاری رسانید.

سپس استاد مزاری، بار دیگر بر تشکیل هر چه زودتر کابینه تأکید نموده اظهار داشت: مذاکرات جلال آباد، زمینه‌ی بسیار مناسبی را برای حل قضایای افغانستان فراهم آورده است و باید تمام احزاب و مردم افغانستان و به خصوص مردم رنجدیده‌ی کابل، به خاطر عملی شدن توافق‌ها تلاش و کوشش نمایند که ان شاء اللّه در آینده‌ی

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۰۲، پنجشنبه ۲۷ جوزای ۱۳۷۲ش.

نه چندان دور شاهد برقراری یک حکومت اسلامی مقتدر در افغانستان باشیم. در این ملاقات تعدادی از مسئولین سیاسی و نظامی طرفین نیز حضور داشتند.

جنرال عبدالمجید روزی با استاد مزاری ملاقات نمود[1]

بعد از ظهر پنجشنبه ۱۳۷۲/۳/۲۰ دگر جنرال عبدالمجید، معاون ستر جنرال عبدالرشید دوستم و مسئول فرقه‌ی ۵۳ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری با ایشان دیدار و گفتگو نمود. به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این ملاقات جنرال مجید، آخرین نظریات جنبش را درباره‌ی تحولات و رویدادهای جاری کشور به اطلاع استاد مزاری رسانید و پیام ستر جنرال عبدالرشید دوستم را تقدیم استاد مزاری نمود.

سپس استاد مزاری، از توجه جنبش ملی اسلامی به سرنوشت مردم محروم افغانستان تشکر نموده و اظهار داشت: جنبش با اتخاذ این موضع جدید که توجه بر سرنوشت خود را در رأس اقدامات خویش قرار داده اند، در آینده‌ی کشور یقیناً جایگاه مناسبی را خواهند داشت.

در این دیدار استاد مزاری گزارشی از آخرین پیشرفت‌ها و تحولات پیش آمده در کابینه‌ی جدید را به اطلاع معاون جنرال دوستم رسانید و در این ملاقات تعدادی از قوماندانان نظامی حزب وحدت اسلامی و جنبش ملی اسلامی نیز حضور داشتند.

لازم به یادآوری است که روز شنبه هفته‌ی گذشته نیز جنرال مجید، با استاد مزاری ملاقات نموده بود و توافقاتی در زمینه‌ی آخرین رخدادهای نظامی ـ سیاسی کشور حاصل شده بود.

ملاقات معاون وزیر خارجه‌ی جمهوری اسلامی ایران با استاد مزاری[2]

بعد از ظهر دیروز ۱۳۷۲/۳/۲۳ هیأت اعزامی جمهوری ایران به سرپرستی علاء الدین بروجردی، معاون وزارت خارجه‌ی جمهوری اسلامی ایران با استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان و اعضای شورای تصمیم گیری حزب وحدت

---

۱. هفته نامه وحدت، شماره مسلسل ۱۰۴، سه شنبه ۸ سرطان ۱۳۷۲ش.

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۰۴، سه شنبه ۸ سرطان ۱۳۷۲ش.

اسلامی، در قصر «تاج بیک» دیدار و گفتگو نمودند.

در این ملاقات آقای بروجردی ضمن تبریک گفتن اعیاد گذشته‌ی قربان و عید غدیر خم، آخرین موضع گیری جمهوری اسلامی ایران در قبال مسایل افغانستان، منطقه و جهان را به استحضار استاد مزاری و اعضاء شورای تصمیم گیری رسانید و یادآور شد، مقام معظم رهبری حضرت آیت اللّه خامنه‌ای و ریاست محترم جمهوری و رئیس قوه‌ی قضائیه، مسئولین و مردم ایران، نگران وضعیت برادران افغانی خود هستند و منتظر هستند تا هر چه زودتر قضایای افغانستان حل و فصل گردد.

آقای بروجردی گزارش‌های در رابطه با دیدارهای حضرت آیت اللّه العظمی محقق کابلی، دبیر شورای عالی نظارت حزب وحدت اسلامی، با حضرت آیت اللّه العظمی خامنه‌ای و مسئولین سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران و اجلاس سران «اکو» و مذاکرات با مقامات پاکستان و برهان الدین ربانی را ارائه نمود و تأکید ورزید که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور همسایه‌ی افغانستان، خواستار حل هر چه زودتر مشکلات افغانستان از طریق مذاکره و تفاهم می‌باشند.

سپس استاد مزاری، رئیس شورای تصمیم گیری و دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان، تشریف آوری هیأت جمهوری اسلامی ایران را خیر مقدم گفته و از تمامی مسئولین و ملت انقلابی ایران مخصوصاً مقام معظم رهبری و آقای هاشمی رفسنجانی و آیت اللّه یزدی و وزیر خارجه، تقدیر و تشکر نموده گفت: مردم افغانستان نیز دلسوزی‌ها و مهمان نوازی‌های مردم و جمهوری اسلامی ایران را، فراموش نخواهند کرد.

استاد مزاری افزود: استکبار جهانی یکی از حربه‌های برنده‌ای را که علیه انقلاب بزرگ ایران به کار برد، مطرح کردن اختلاف مذهبی و شیعه بودن آن انقلاب بود و به همین دلیل تا حدودی توانست عده‌ای از متعصبین دیگر کشورها را تحریک کند و جنگ تحمیلی عراق را علیه شما آغاز نمود. اما در افغانستان هیچ وقت نمی‌توانست این حربه را به کار برد و نمی‌توانست انقلاب اسلامی افغانستان را مختص به یک مذهب و به یک نژاد بداند و به همین دلیل انقلاب افغانستان، در تمامی کشورهای اسلامی قابل قبول است. چنان که بعد از پیروزی مردم الجزایر در انتخابات... جوانان

مسلمان آن کشورها با الهام از انقلاب اسلامی افغانستان، مبارزات خویش را آغاز نمودند.

استاد مزاری در ادامه‌ی سخنان خویش به تحولات داخلی افغانستان اشاره نموده و گفت: متأسفانه بعد از پیروزی مجاهدین عده‌ای از رهبران و سران بعضی از گروه‌های (جهادی) با کوتاه بینی، انحصارطلبی و خودخواهی، جهاد افغانستان را به افتضاح کشانید و چهره‌ی درخشان مجاهدین را، تا حدودی خدشه دار نمود. حزب وحدت اسلامی از همان آغاز پیروزی، با سعه‌ی صدر خواستار آن بود که تمام اقوام و ملیت‌های ساکن در این کشور، چنانچه که در جهاد ۱۴ ساله سهم داشته اند، باید در ساختار حکومت اسلامی نیز شریک باشند. اما تعدادی از برادران با کوتاه فکری خود، این مسأله را نادیده گرفتند و باعث اینگونه فجایع و ستم در حق مردم کابل گردیدند.

حزب وحدت اسلامی افغانستان در آغاز تحولات، سیاست مذاکره و تفاهم را در رأس کار خویش قرار داده و تا حال نیز همان سیاست را سر لوحه‌ی فعالیت‌های دیپلماتیک خویش قرار داده است و بهترین راه برای حل مشکلات افغانستان را، عملی شدن توافقات جلال آباد می‌داند و حزب وحدت اسلامی با تمامی توان برای عملی شدن آن، گام برمی دارد.

لازم به یادآوری است که آقای بروجردی و هیأت همراه قبل از ظهر دیروز ۱۳۷۲/۳/۲۳ با برهان الدین ربانی نیز مذاکره نموده بودند و بعد از آن به ضیافتی که از سوی حزب وحدت اسلامی در قصر تاج بیک ترتیب یافته بود، شرکت کردند.

ملاقات قوماندانان گروپ اپراتیفی حزب وحدت اسلامی با استاد مزاری[1]

قوماندانان گروپ اپراتیفی حزب وحدت اسلامی ۱۳۷۲/۳/۲۶ با حضور در اقامتگاه دبیر کل این حزب، با ایشان ملاقات و گفتگو نمودند. در این دیدار آقای هاشمی قوماندان گروپ اپراتیفی گزارشی از فعالیت‌های گذشته و طرح‌های آینده‌ی این گروپ را، ارائه داد و خواستار رهنمودهای لازم از سوی رهبری حزب وحدت اسلامی گردید.

سپس استاد مزاری، از مسئولین گروپ اپراتیفی که در جنگ تحمیلی اخیر زحمات

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۰۳، پنجشنبه ۳ سرطان ۱۳۷۲ش.

شبانه روزی کشیده، تقدیر و تشکر نموده و بر تمامی اعضای گروپ و جزوتام‌های نظامی حزب وحدت اسلامی توصیه نمود که فداکاری و وظیفه شناسی این برادران را سرمشق خود سازند. این گروپ اپراتیفی باید نمونه باشد و منافع اسلام و مردم را مدنظر داشته باشد و از تعصبات کور جاهلی، قوم گرایی، منطقه گرایی، و اختلافات سیاسی و سلیقه‌ای پرهیز نمایند و باید نمونه‌ی اعلی وحدت و یکپارچگی باشند.

استاد مزاری، افزود: در استراتژی‌تان باید از افراط و تفریط بپرهیزید و جهت اسلامی را در نظر داشته و پشتیبان منافع اکثریت مردم باشید و در رابطه با اصلاح نواقص و جلوگیری از تلف شدن حقوق مردم، باید خدا را در نظر گرفته و بی جهت به آزار و اذیت مردم نباید پرداخت. دستگیری‌های خودسرانه، خلاف روحیه‌ی اسلامی است و آرامش و امنیت با زور تفنگ تحقق نخواهد یافت بلکه باید قانونی عملکرد و مراعات نمودن اصل اسلامی و ضوابط اسلامی است که آرامش، امنیت و عدالت را به دنبال دارد.

استاد مزاری، به ترفندهای خائنانه‌ای دشمن اشاره نموده گفت: دشمن امروز جهت اختلاف افکنی در بین صفوف فشرده‌ی شما از هیچ تلاشی أبا نمیورزد و برای ایجاد اختلاف با صرف میلیاردها پول (افغانی) عده‌ای از اشخاص ضعیف الایمان را خریداری می‌کند و در بین اقوام و مناطق آن حزب و آن محله...، توطئه می‌کند و اختلاف می‌اندازد. شما باید هوشیار باشید و در مقابل این توطئه‌ها فعالانه و متعهدانه عمل نمایید.

پس از ختم صحبت‌های استاد مزاری، مسئولین و قوماندانان گروپ اپراتیفی نظریات و پیشنهادات خود را ارائه نموده و یک بار دیگر تجدید عهد کردند که تا آخرین قطره خون خود در راه تحقق اهداف والای اسلام و مردم، تلاش و پیکار همیشگی نمایند.

ملاقات معاون سفارت جمهوری اسلامی ایران با استاد مزاری[1]

بعد از ظهر دیروز ۱۳۷۲/۳/۲۶ آقای علوی زاده معاون سفارت جمهوری اسلامی

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۰۳، پنجشنبه ۳ سرطان ۱۳۷۲ش.

ایران در کابل، با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی، با ایشان دیدار و گفتگو نمود. در این دیدار که تعدادی از اعضاء هیأت اعزامی جمهوری اسلامی ایران به کابل نیز حضور داشتند، روی موضوعات طرح شده، در دیدار آقای بروجردی معاون وزیر خارجه‌ی ایران با استاد مزاری به تفصیل صحبت شد و هر دو طرف مذاکرات، بار دیگر تأکید نمودند که بهترین راه حل مشکلات کنونی افغانستان تشکیل هر چه زودتر کابینه می‌باشد.

ملاقات فرماندهان ولایت هرات و بادغیس با استاد مزاری[1]

تعدادی از فرماندهان ولایت هرات و بادغیس با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی با ایشان دیدار و گفتگو نمودند. در این دیدار که قوماندانان حزب اسلامی، جبهه‌ی نجات، محاذ ملی و حرکت انقلاب، شرکت داشتند، در ابتداء یکی از قوماندانان حاضر به تشریح وضعیت نظامی ولایت هرات و بادغیس پرداخته و یادآور شدند که در آنجا اسماعیل خان والی هرات، اقدام به شرارت می‌کند و جز حزب جمعیت، جریان دیگری را نمی‌تواند تحمل کند. وی ادامه داد ما از تمامی احزاب جهادی به خصوص حزب وحدت اسلامی می‌خواهیم که علیه انحصارطلبی‌های حزب جمعیت، اقداماتی انجام دهند.

سپس استاد مزاری با اظهار تأسف از خودکامگی و قدرت طلبی مسئولین جمعیت، یادآور شد که مسأله افغانستان با شرارت افکنی و ایجاد جو رعب و وحشت، حل نمی‌گردد. ما از تمام کسانی که در طول جهاد ۱۴ سال علیه تجاوزکاران روس مبارزه نموده است (می خواهیم) تا مصالح جمعی و ملی کشور (را) بر هر چیزی مقدم بشمارند و همگی بکوشند تا حکومت باثبات اسلامی در کشور حاکم گردد.

استاد مزاری افزود حزب وحدت اسلامی پالیسی حل قضایا را از طریق مذاکره و مفاهمه در رأس اقدامات خود قرار داده و همواره کوشیده‌اند تا مسایل را از راه تفاهم حل نمایند.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۰۲، پنجشنبه ۲۷ جوزا ۱۳۷۲ش.

ملاقات فرستاده‌ی ویژه‌ی انجنیر گلبدین حکمتیار با استاد مزاری[۱]

قبل از ظهر دیروز ۱۳۷۲/۴/۷ محترم محمد همایون جریر، فرستاده‌ی ویژه‌ی انجنیر گلبدین حکمتیار با حضور در اقامتگاه استاد مزاری با ایشان ملاقات و گفتگو نمود.

در این دیدار آقای جریر از روند فعالیت وزارت خانه‌ها و کمیسیون‌های موظف گزارشی ارائه داد و تأثر و تأسف عمیق صدر اعظم کشور را، مبنی بر راه گیری وزراء و هتک حرمت آنان توسط تفنگداران را ابراز داشته و اظهار امیدواری نمود تا احزاب جهادی و رهبرانی که دلسوز مردم هستند اینگونه افراد (بی مسئولیت) را از صف مقدس نیروهای جهادی طرد نموده و به مردم رنج دیده‌ی افغانستان و جهانیان معرفی نمایند.

سپس استاد مزاری، دبیر کل حزب وحدت اسلامی ضمن بیان این نکته که ایجاد مانع در برابر کابینه‌ی جدید، مخالفت با خواست تمام مردم کشور است گفت: در شرایطی که کشور به ثبات و آرامش و صلح نیاز دارد و فعالیت کابینه زمینه‌ی خوبی را برای تحقق این مسأله فراهم آورده بود کار شکنی‌های عده‌ای انحصار طلب هیچگونه توجیه شرعی و عقلی ندارد.

ملاقات نماینده‌ی سازمان ملل متحد با استاد مزاری[۲]

نماینده‌ی سازمان ملل، ضمن تشکر از همکاری‌های بی دریغ حزب وحدت اسلامی گفت: صلیب سرخ بین المللی، یک سازمان بی طرف است و در فعالیت‌های خود همه‌ی احزاب و نیروها را در نظر دارد وی افزود صلیب سرخ تصمیم دارد درباره‌ی اسراء نیز اقداماتی را انجام دهد و در این باره از حزب وحدت اسلامی تقاضا داریم با ما همکاری نماید.

سپس استاد مزاری از فداکاری‌های صلیب سرخ، در شرایط جنگی با مردم مظلوم کابل قدردانی نموده گفت: اسلام اسیر گرفتن را یک عمل نادرست می‌داند، اما در شرایطی کنوی کابل که هیچ قانون بین المللی قابل عمل نیست ما نیز مجبوریم به

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۰۵، پنجشنبه ۱۸ سرطان ۱۳۷۲ش.

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۰۴، سه شنبه ۸ سرطان ۱۳۷۲ش.

خاطر رهایی اسرای خود نظامیان شورای نظار را دستگیر کنیم، ولی ما اگر می‌خواستیم مانند شورای نظار و اتحاد سیاف عمل نماییم که در افشار انجام دادند و غیر نظامیان ما را اسیر گرفتند، می‌توانستیم چهار هزار نفر را در دارالامان اسیر بگیریم اما فقط نظامیان صحنه‌ی جنگ را اسیر نمودیم تا اسرای ما را آزاد کنند.

استاد مزاری افزود نمایندگانی از مردم تشیع کابل به ما مراجعه کردند و از ما خواستند تا اسرای خود را در اختیار آنان قرار دهیم و ما نیز قبول کردیم و اسرا را در اختیار آنان قرار دادیم تا برای رهایی اسرای مردم خود از آنان، استفاده نماییم.

گزارش رادیو بی بی سی، در مورد مذاکرات بین استاد مزاری و جنرال دوستم[1]

۱۳۷۲/۴/۱۳

استاد مزاری درباره‌ی این ملاقات گفت: در این ملاقات راه‌های پایان دادن به زد و خوردها، باز کردن جاده‌ها و تبادله‌ی زندانیان مورد بحث قرار گرفته است.

استاد مزاری ادامه داد: علی رغم تلاش‌های جنرال دوستم، هنوز توافق نهایی بین جناح‌های مختلف که از ربانی و حکمتیار حمایت می‌کنند حاصل نشده است.

استاد مزاری افزود که: جنرال دوستم برای رفع اختلافات حزب اسلامی حکمتیار و جمعیت اسلامی ربانی تلاش می‌کند (ولی تا هنوز) در زمینه‌ی ملاقات بین رئیس جمهور و نخست وزیر و احمد شاه مسعود وزیر دفاع پیشین تصمیمی گرفته نشده است.

دیدار هیأت عالی رتبه‌ی اتحاد اسلامی با استاد مزاری[2]

قبل از ظهر دیروز ۱۳۷۲/۴/۱۵ هیأت عالی رتبه‌ای از سوی اتحاد اسلامی، با استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان دیدار و گفتگو نمود. در این دیدار که محترم وکیل باز محمد زرمتی و محترم قاضی عبدالرحیم شرکت داشتند، ابتدا محترم باز محمد زرمتی اظهار داشت در زمانی که جنگ بین اتحاد و حزب وحدت اسلامی

---

۱. رادیو بی بی سی، ۱۳۷۲/۴/۱۳ ـ پیک، (خبرنامه‌ی حزب وحدت اسلامی)، شماره‌ی ۵۴۷.

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۰۶، پنجشنبه ۲۴ سرطان ۱۳۷۲ش.

جریان داشت بعضی از کسانی که به ظاهر میانجیگری می‌نمودند، اهداف سیاسی خود را دنبال می‌کردند و خود حزب وحدت اسلامی و اتحاد اسلامی هیچ چیز ناتقسیم نداشتند (که بر سر آن بجنگند) و لذا باید جنگ خاتمه پیدا کند.

وکیل زرمتی ضمن مخاطب قرار دادن استاد مزاری گفت: شما چه دستور می‌دهید و چه هدایت می‌دهید تا جنگ حل شود؟

سپس استاد مزاری، ضمن بیان این مطلب که در دوران یک سال گذشته مراحل مختلف طی شد و تجربیاتی حاصل گشت و در ضمن گفت: بعد از جنگ دوم، شورای قیادی در پغمان جلسه ترتیب دادند و در آن جلسه آقای ربانی این مسأله را مطرح کرد که باید حزب وحدت و اتحاد، از منطقه خارج شوند، من و آقای سیاف گفتیم که ما با هم اختلاف نداریم، می‌توانیم مشترکاً زندگی کنیم و ما مستقیماً مشکل خود را حل می‌کنیم، اما کسانی بودند که نمی‌خواستند مسأله ما حل شود، در جنگ‌های گذشته شورای نظار صد در صد نقش داشته و عامل (اصلی) جنگ‌ها به حساب می‌رفته است.

استاد مزاری افزود، چند مسأله باید حل شود:

۱ـ آزادی راه ها.

۲ـ رهایی اسراء.

در اسلام اسیر گرفتن اشتباه است، ما معتقدیم که مردم افغانستان همگی مسلمان هستند، اسراء مشکلات دارند، فامیل دارند و... باید آزاد شوند.

۳ـ بازگشت مهاجرین و جلوگیری از جنگ برای بازگشت آنان، و هم چنین پیشنهاد ما این بود که نیروهای حزب اسلامی آقای حکمتیار، بین نیروهای ما و اتحاد، حایل شوند چون بقیه‌ی احزاب به نوعی با شورای نظار و دولت، ارتباط دارند و حیثیت وزارت دفاع هم از بین رفته است. و چون مردم ما به حزب اسلامی اعتماد دارند و هم مردم شما با نیروهای حزب اسلامی، رابطه‌ی قومی و خویشاوندی دارند، لذا ما می‌خواهیم مسایل خود را حل کنیم و حقوق خود را از اتحاد نمی‌خواهیم چون در دست آن نیست و لهذا ما از مذاکرات مستقیم استقبال می‌کنیم.

سپس استاد معصومیار و الحاج مقصودی با نمایندگان اتحاد اسلامی (سیاف) مذاکراتی انجام دادند و تصمیم گرفته شد تا برای رهایی مردم از مصیبتی که دشمنان

مردم بر آنان تحمیل نموده‌اند گام‌های عملی برداشته شود.

همچنین توافق به عمل آمد در روز پنجشنبه (۱۳۷۲/۴/۱۷) تعدادی از اسراء آزاد شوند و زمینه‌ی آزادی بقیه‌ی اسراء فراهم آید.

لازم به یاد آوریست که تاکنون چندین بار بین اتحاد اسلامی و حزب وحدت اسلامی، توافقاتی برای برقراری آتش بس و آزادی اسراء به وجود آمده و از سوی اتحاد، عملی نگردیده است و هر بار به بهانه‌ای از زیر بار مسئولیت آن شانه خالی کرده است.

ملاقات جنرال عبدالرشید دوستم با استاد مزاری[1]

ساعت ۸ صبح روز چهارشنبه ۱۳۷۲/۴/۱۶ محترم ستر جنرال عبدالرشید دوستم رهبر جنبش ملی اسلامی افغانستان با محترم استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان در مقر مرکزی این حزب، دیدار و گفتگو نمود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی حوالی ساعت ۷ صبح روز چهارشنبه نیروهای امنیتی حزب وحدت اسلامی و جنبش ملی اسلامی، تحت فرماندهی دگر جنرال عبدل چریک، امنیت مسیر راه قصر ریاست جمهوری الی مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی واقع در غرب کابل را تحت کنترل شدید امنیتی قرار دادند. گزارش می‌افزاید که نیروهای امنیتی حزب وحدت اسلامی تمام معابر و چهارراهی‌ها را در اختیار گرفتند.

ساعت ۸ صبح کاروان حامل جنرال دوستم و هیأت همراه، شامل ده‌ها عراده موتر و ماشین‌های محاربوی و تانک‌ها از استقامت دهمزنگ وارد منطقه تحت کنترل حزب وحدت اسلامی شدند.

طبق این گزارش کاروان حامل جنرال دوستم از منطقه‌ی دهمزنگ تا مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی توسط چندین عراده تانک و قوماندانان و نیروهای رزمی حزب وحدت اسلامی افغانستان اسکورت شد، در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی، جنرال دوستم و هیأت همراه توسط استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی و مسئولین

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۰۶، پنجشنبه ۲۴ سرطان ۱۳۷۲ش.

سیاسی، نظامی حزب وحدت اسلامی افغانستان و محاسن سفیدان و نمایندگان محترم حزب در کابل، استقبال شدند و به افتخار ورود جنرال دوستم، گوسفند قربانی گردید.

در این دیدار که در فضای مملو از صمیمت برگزار شد، نخست استاد شفق عضو شورای مرکزی به نمایندگی از سوی مسئولین حزب وحدت اسلامی ورود جنرال دوستم و هیأت همراه وی را در کابل و مناطق تحت کنترل حزب وحدت اسلامی خیر مقدم گفت و اظهار امیدواری نمود که دو ملت برادر، ازبک و هزاره در کنار شخصیت‌ها و افتخارات ملی خود در سازندگی و آبادی کشور سهم فعال ایفاء نمایند.

سپس جنرال دوستم رهبر جنبش ملی اسلامی افغانستان ضمن تقدیر و تشکر از استقبال گرم مردم و مسئولین حزب وحدت اسلامی، طی سخنان کوتاهی هدف از مسافرت خود در کابل را مذاکره و مفاهمه با تمامی جوانب درگیر دانستته گفت: هدف مهم ما از این مسافرت ایجاد هماهنگی و وحدت و انسجام بیشتر میان ملیت‌های محروم ساکن در کشور می‌باشد.

وی افزود ما بدون در نظر داشت مسایل سیاسی و دیپلماتیک، مردم هزاره را قلباً یگانه دوست واقعی خود می‌دانیم و این حرف را که می‌گویم صادقانه می‌گویم و حزب وحدت اسلامی را نزدیک‌ترین و صادق‌ترین دوست خود می‌دانیم و امیدوارم که این دوستی محکم تر شود.

جنرال دوستم در اخیر اظهار داشت: برای ملت، هر روز مزاری پیدا نمی‌شود، با دوستان خود در راه (که می‌آمدیم) گفته بودم، در ملاقات با استاد مزاری حاضرم مرمی بخورم و امیدوارم که با تفاهم قضایای افغانستان را حل و فصل نماییم.

در آخر این ملاقات تحایف و هدایای باارزشی از سوی جنرال دوستم به استاد مزاری و از سوی استاد مزاری به جنرال دوستم اعطاء گردید و پس از این ملاقات که در حضور شورای عالی نظارت و شورای تصمیم گیری حزب وحدت اسلامی و هیأت همراه جنرال دوستم صورت گرفت مذاکرات دو جانبه را در پشت درهای بسته شروع نمودند و این گفتگو مدت ۳ ساعت و ۴۵ دقیقه به طول انجامید.

پس از ختم مذاکرات هر دو طرف مذاکره کننده، طی مصاحبه‌های با خبرنگاران داخلی و خارجی از مذاکراتشان اظهار رضایت نموده تأکید کردند که حزب وحدت

اسلامی و جنبش ملی اسلامی از موضوع واحد برخوردارند.

در پایان این ملاقات جنرال دوستم و هیأت همراه، در ضیافتی که به افتخارشان از سوی حزب وحدت اسلامی ترتیب یافته بود شرکت نمودند.

دیدار محترم محمد همایون جریر با استاد مزاری[۱]

قبل از ظهر روز گذشته، چهارشنبه ۱۳۷۲/۵/۶ محمد همایون جریر فرستاده‌ی ویژه‌ی محترم انجنیر گلبدین حکمتیار صدر اعظم دولت اسلامی افغانستان با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی با وی ملاقات و گفتگو نمود.

در این ملاقات روی مسایل جاری کشور بحث و بررسی به عمل آمد و در زمینه‌ی مناقشات در مرزهای تاجیکستان و افغانستان بحث و تبادل نظر صورت گرفت.

در این دیدار، درباره‌ی توافقات به عمل آمده در جلسه‌ی هیأت وزراء در مورد مناقشه‌ی مرزی کشور اظهار رضایت شده و هر دو طرف مذاکره کننده از اقدامات جدی دولت برای جلوگیری از تجاوزات نیروهای روسیه تأکید نمودند.

در ادامه‌ی این دیدار روی موضوعات ذیعلاقه تبادل نظر صورت گرفت و توافقاتی به عمل آمد.

ملاقات اعضای انجمن اسلامی جوانان با استاد مزاری[۲]

قبل از ظهر دیروز ۱۳۷۲/۵/۱۱، استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان اعضای انجمن اسلامی محصلین و جوانان را، به حضور پذیرفته و با آنان ملاقات نمود، در این دیدار که با تلاوت آیاتی از قرآن کریم آغاز شد، نخست برادر عوضعلی، یکی از مسئولین انجمن اسلامی محصلین و جوانان، گزارش مفصلی از روند تشکیل و فعالیت‌های انجمن اسلامی را ارائه داده و برنامه‌های تربیتی و آموزشی و نحوه‌ی تدریس این انجمن را برشمرد.

سپس استاد مزاری، دبیر کل حزب وحدت اسلامی، نقش محصلین و جوانان را در سطح جامعه اساسی و تعیین کننده دانست و یادآور شد که من به نوبه‌ی خود از

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۰، پنجشنبه ۲۱ اسد ۱۳۷۲ش.

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۱، پنجشنبه ۲۸ اسد ۱۳۷۲ش.

بنیان گزاران انجمن اسلامی تشکر می‌کنم که زحماتی فراوانی را در این راه کشیده‌اند و در جامعه کار مثبت و مفیدی را انجام داده است.

استاد مزاری، با بیان این مطلب که در جامعه دو قشر نقش سرنوشت ساز دارند؛ یکی دانشجویان و دیگری طلاب علوم دینی، آنگاه افزودند: هر جریان سیاسی که می‌خواهد برای جامعه‌ی خود کار کند سرمایه‌ی اصلی امت نیروهای جوان و فعال وابسته به آن جریان است. و این مملکت خواهی نخواهی به دست جوانان یک روزی خواهد افتاد، روی این جهت است که یک محصل جوان مسلمان، وظیفه دارد که از فرهنگ اسلامی پیروی کند و طبق دستورات اسلامی عمل نماید.

استاد مزاری، در اخیر با ذکر این مطلب که دوران تحصیل از بهترین دوران زندگی است، تمام اعضای انجمن اسلامی محصلین و جوانان را متوجه وظایف دینی و اسلامی‌شان نموده، در جهت هر چه بهتر آموختن علم و دانش تأکید فراوان کرد.

استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی خواستار بازگشایی دفتر سازمان ملل در کابل شد[1]

استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی، بعد از ظهر روز سه شنبه ۱۳۷۲/۵/۱۳ دگروال لولاند مشاور نظامی سر منشی ملل متحد در افغانستان و پاکستان را به حضور پذیرفت و در طی این ملاقات آقای لولاند ضمن ابراز علاقه مند کارکنان سازمان ملل متحد برای خدمت به مردم افغانستان گفت: مردم کابل، به خصوص مردم غرب کابل با مشکلات زیادی روبرو بوده و ما علاقه داریم تا بتوانیم در زمینه‌های که برای این مردم ممکن باشد خدمت کنیم.

آقای لولاند افزود کارمندان سازمان ملل متحد به خاطر جنگ، کابل را ترک گفتند و اکنون تعدادی از آن‌ها دوباره بازگشته‌اند و اگر ما از نگاه امنیت بهتر مطمئن باشیم خوب تر می‌توانیم کار کنیم و کمک‌های دیگر کشورها را برای افغانستان، جلب کنیم. وی ضمن تأکید بر بی طرفی سازمان ملل در جنگ‌های کابل اظهار امیدواری نمود که با برقرار شدن صلح دائمی در افغانستان زمینه‌ای کمک و بازسازی افغانستان فراهم شود.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۱، پنجشنبه ۲۸ اسد ۱۳۷۲ش.

سپس استاد مزاری، دبیر کل حزب وحدت اسلامی، ضمن تشکر از حس انسان دوستی کارکنان سازمان ملل متحد گفت: در چهارده ماه گذشته ده جنگ بر غرب کابل تحمیل شد، متأسفانه در این مدت هیچگونه توجهیی از سوی مجامع بین المللی به غرب کابل صورت نگرفته و تنها یک شفاخانه‌ای صلیب سرخ بوده، که در طول این جنگ‌ها خدمات شایان را به مجروحین انجام داده است.

استاد مزاری، ضمن برشمردن نیازها و کمبودهای مناطق غرب کابل، اظهار داشت مردم غرب کابل از نظر بهداشتی، آب و برق و عدم فعالیت مکاتب، مشکل دارند. حزب وحدت اسلامی با تمام امکانات حاضر است با کارمندان سازمان ملل متحد در این زمینه‌ها همکاری نماید.

وی با ذکر این نکته که با توجه به شرایط موجود، ضروری است تا سازمان ملل متحد دفتر نمایندگی در غرب کابل ایجاد نمایند، فعلا شهر به دو قسمت تقسیم شده است و نیازهای غرب کابل بیشتر از مرکز کابل است. اگر دفتر شما ایجاد شود هم رابطه‌ی شما با ما قطع نمی‌شود و هم شما می‌توانید بر جنگ‌ها نظارت داشته باشید که از سوی چه کسانی آغاز می‌شود.

استاد مزاری، افزود: ما از طرف حزب وحدت اسلامی به شما اطمینان می‌دهیم که آتش بس را رعایت کنیم و هیچ وقت آغاز کننده‌ی جنگ نبوده و نخواهیم بود و در صورت عدم وقوع جنگ، امنیت کارکنان سازمان ملل را تأمین خواهیم کرد.

دیدار مشاور سر منشی سازمان ملل متحد در افغانستان با استاد مزاری[1]

دگروال «لولاند» مشاور نظامی سر منشی سازمان ملل متحد در افغانستان و پاکستان قبل از ظهر روز شنبه ۱۳۷۲/۶/۱۳ با استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی دیدار و گفتگو نمود.

به گزارش خبرگزاری وحدت اسلامی در این ملاقات که آمر فنی وزارت آب و برق کابل نیز، حاضر بود آقای لولاند گفت: ما از امروز می‌خواهیم کار تکنیکی آب رسانی و جریان برق را به این سمت شهر آغاز کنیم و امیدواریم که دیگر جنگ پیش

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۵، پنجشنبه ۲۵ سنبله ۱۳۷۲ش.

نیاید تا ما بتوانیم کمک‌های سازمان ملل را به این طرف انتقال دهیم و مشکل آب و برق را حل نماییم.

سپس استاد مزاری، با یادآوری این مطلب که ما قبلا هم صحبت کردیم و گفتیم که از نگاه امنیت در مناطق (و جاهایی که شما می‌خواهید کار را شروع کنید) هیچ مشکلی از طرف ما پیش نخواهد آمد و از طرف خود، ما حاضر هستیم امنیت شما را تضمین نماییم و اظهار داشت: ما قوماندانان خود را خواستیم و با آنان تأکید کردیم که آتش بس را به طور دقیق مراعات کنند و آنان به آتش بس پای بند است، اما از طرف مقابل تضمین وجود ندارد.

استاد مزاری افزود: اگر جنگ‌ها به اختیار ما می‌بود هیچ وقت نمی‌گذاشتیم جنگ پیش بیاید و باعث ویرانی کشور شود ولی متأسفانه دیگران جنگ‌ها را بالای ما تحمیل کردند و همین دیروز مناطق مسکونی را گلوله باران کردند. لهذا شما باید با طرف مقابل هم صحبت کنید تا با آتش بس تعهد نمایند.

استاد مزاری در بیان این مطلب که ما آماده‌ی هر نوع همکاری با شما هستیم گفت: تعدادی از افراد متخصص را نیز به اختیار شما قرار خواهیم داد، تا با شما همکاری نمایند.

ملاقات علامه عابد حسین با استاد عبدالعلی مزاری، دبیر کل حزب وحدت اسلامی[1]

هیأت اعزامی تحریک نفاذ فقه جعفری پاکستان به سرپرستی علامه عابد حسین بعد از ظهر چهارشنبه ۱۳۷۲/۵/۱۳ با اعضای شورای عالی نظارت و تصمیم گیری و اعضای شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی، دیدار و گفتگو نمود.

در این دیدار استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان ورود هیأت پاکستانی را از سوی حزب وحدت اسلامی و شیعیان کابل، خیر مقدم گفته یادآور گردید: در تاریخ شیعیان افغانستان و پاکستان این اوّلین باری است که شیعیان آن دو کشور تا این حد، با هم همبستگی دارند.

استاد مزاری، با بیان این مطلب که مردم، در افغانستان محرومیت‌های تاریخی،

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۱، پنجشنبه ۲۸ اسد ۱۳۷۲ش.

فرهنگی و مذهبی را پشت سر گذاشته فرمود: انقلاب که شروع شد کمک‌های بین المللی به کشور سرازیر شد ولی مردم ما محروم بود و از نظر تبلیغات هم محروم بود، بعد از پیروزی انقلاب، مردم کابل مقداری از امکانات دولتی را گرفتند و منسجم شدند و حضور قوی ما در کابل قابل قبول مخالفین ما نبود و بر همین اساس جنگ را بالای ما شروع کردند. ما جنگ طلب نیستیم، ما صلح می‌خواهیم، ولی از طرف مقابل اطمینان وجود ندارد، ممکن است باز هم جنگ‌های را بر ما تحمیل کنند که در این صورت باز هم ما، محکم ایستاده‌ایم و مردانه از خود دفاع می‌کنیم.

استاد مزاری، ضمن تأکید بر همبستگی احزاب اسلامی پاکستان گفت: برادران تحریک نفاذ، باید از حریم مکتب و ملت خود مردانه دفاع کنند و حقوقشان را بخواهند و برای استقرار عدالت تلاش نمایند، خداوند و ائمه معصومین(ع) حتماً ما و شما را یاری خواهند کرد.

استاد مزاری افزود: خواسته‌های اصولی حزب وحدت اسلامی تغییر واحد اداری و رسمیت مذهب جعفری و شرکت مردم در تصمیم گیری دولت آینده می‌باشد.

سپس علامه عابد حسین حسینی، معاون تحریک نفاذ فقه جعفری پاکستان، ضمن تشکر از پذیرایی گرم مسئولین و شیعیان کابل گفت: مشاهدات ما از جبهات حزب وحدت اسلامی موجب خوشحالی و احساس غرور برای ما گردیده است و خداوند را شکر کردیم که شیعیان (افغانستان در کابل) اینگونه عظمت دارند.

ما در پاکستان صدای شما را می‌شنیدیم و نظریات شما را منعکس می‌کردیم و مظلومیت شما را برای مسلمانان ابلاغ می‌کردیم.

علامه عابد حسین افزود: با وحدتی که بین شما است ما امیدواریم انقلابی را که به وجود آوردید ادامه دهید و امیدواریم که روزی برسد ما هم از اتحاد و شهامت شما، در پاکستان درس بگیریم و ما از بیانات شما برای شیعیان پاکستان تشکر می‌کنیم و آن را برای مردم پاکستان انتقال خواهیم داد.

ملاقات تورن جنرال واثق و مولوی میر افغان با استاد مزاری[1]

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۳، پنجشنبه ۱۱ سنبله ۱۳۷۲ش.

تورن جنرال واثق و مولوی میر افغان نمایندگان فرقه‌ی ۸۰ جنبش ملی اسلامی، قبل از ظهر روز چهارشنبه با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی با وی دیدار و گفتگو نمودند. در این دیدار نمایندگان جنبش ملی اسلامی در رابطه با وضعیت و امنیت مناطق تحت کنترل آنان در شهر کابل، گزارشی ارائه دادند و خواستار همکاری بیشتر حزب وحدت اسلامی در مناطق تایمنی، قلعه‌ی فتح اللّه خان و چهار قلعه و وزیر آباد شدند.

بعد استاد مزاری وعده‌ی هر نوع همکاری را در مناطق مذکوره، با نمایندگان فرقه ۸۰، یادآور شد (و تأکید نمود همکاری‌های ما ادامه خواهد داشت). در همین زمینه هیأتی در قسمتی از شهر رفته با مردم و مسئولین آن مناطق دیدار نمود.

ملاقات معین وزارت تعلیم و تربیه با استاد مزاری[1]

شاه آقا مجددی معاون اوّل وزارت تعلیم و تربیه‌ی دولت اسلامی افغانستان، قبل از ظهر دوشنبه ۱۳۷۲/۵/۲۵ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی با ایشان ملاقات نمود. در این ملاقات معین وزرات تعلیم و تربیه ضمن بیان این مطلب که واقعاً به شما محبت و علاقه داریم گفت: الحمدللّه از زمانی که من در وزارت تعلیم و تربیه هستم بدون تبعیض کار کردم به تعلیم و تربیه همه احتیاج دارند ما نیز اقدامات لازم جهت بازگشایی مکاتب انجام داده ایم.

شاه آقا مجددی افزود: ما برای سال ۱۳۷۲ امتحان چهار ماهه را حذف و به امتحانات سالانه اکتفا نمودیم و درباره‌ی بازگشایی مکاتب با آقای حکمتیار ملاقات کردم و تصمیم گرفتیم که با شما نیز دیدار نمایم.

سپس استاد مزاری، ضمن تشکر و قدردانی از زحمات مسئولین تعلیم و تربیه اظهار داشت: مردم ما، مردم قدرشناس است و هر کسی به آنان احترام بگذارد آنان نیز متقابلاً احترام خواهد گذاشت. مردم ما به آقای مجددی (اوّلین رئیس جمهوری دولت مجاهدین) احترام قائل هستند زیرا که تعصب ندارد و دلسوز است.

استاد مزاری افزود: در رابطه با بازگشایی مکاتب ما به شما اطمینان می‌دهیم که با

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۳، پنجشنبه ۱۱ سنبله ۱۳۷۲ش.

تمام امکانات، با شما همکاری خواهیم کرد و از لحاظ امنیتی از طرف حزب وحدت اسلامی کاملا مطمئن باشید. اما اگر جنگ را طرف‌های مقابل شروع کنند ما نمی‌توانیم تضمین بدهیم و برای هماهنگی بیشتر باید وزارت تعلیم و تربیه به این قسمت شهر نیز نمایندگی ایجاد نماید و ما امنیت نمایندگان شما را می‌گیریم.

استاد مزاری ضمن تأکید بر این نکته که وزارت خانه‌های ملی نباید اختصاصی باشد، گفت: ما باید در تصمیم گیری‌های تعلیم و تربیه‌ی کشور شریک باشیم.

سپس محترم شاه آقا مجددی ضمن بیان این مطلب که هر تنظیم یک نفر به عنوان رئیس در وزارت خانه سهم دارد گفت: حزب وحدت اسلامی یک نفر را به عنوان رئیس در وزارت تعلیم و تربیه معرفی نماید.

ملاقات جمعی از معاونین و رؤسای وزارت خانه‌های دولت اسلامی با استاد مزاری[1]

جمعی از معاونین وزارت خانه‌های پلان، آب و برق، تجارت، ترانسپورت، احیاء و انکشاف دهات، صحت عامه و شاروالی کابل، قبل از ظهر دوشنبه ۱۳۷۲/۵/۲۵ با استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی ملاقات و گفتگو نمودند. در این دیدار معاونین و رؤسای وزارت خانه ها، مشکلات موجود در وزارت خانه‌های مربوطه‌ی خویش را مطرح نمودند و از رهبری حزب وحدت خواستار همکاری بیشتر در زمینه‌ی فعالیت‌های وزارت خانه‌ی مربوطه‌شان در غرب کابل شدند.

معاونین و رؤسای وزارت خانه‌های مذکور طرح و برنامه هایشان را برای رسیدگی به مشکلات مردم غرب کابل به اطلاع استاد مزاری رساندند.

سپس استاد مزاری ضمن تشکر از زحمات مسؤلین وزارت خانه‌های مذکور، اظهار داشت شما باید برای وزارت خانه هایکه در غرب کابل مرکزیت ندارند نمایندگی ایجاد نمایید و حزب وحدت اسلامی با تمام توان با شما همکاری خواهد کرد و نسبت به امنیت، ما به شما اطمینان کامل می‌دهیم که کاملا تأمین خواهد شد.

استاد مزاری ضمن بیان این نکته تا زمانی که یک دولت مقتدر نباشد مشکل است که تمام مشکلات حل شود، افزود: باید برای حل قضایا، مشکل کل کشور حل شود و

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۳، پنجشنبه ۱۱ سنبله ۱۳۷۲ش.

مادر قسمت حزب وحدت اسلامی حاضر هستیم تضمین بدهیم که جنگ از طرف ما آغاز نخواهد شد و تصمیم جنگ نداشته و نخواهیم داشت و برای برقراری صلح تلاش می‌کنیم.

دیدار ورزشکاران کلپ (کلوپ) میهن با استاد مزاری[۱]

ورزشکاران و استادان کلپ میهن، قبل از ظهر دیروز با استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی دیدار و گفتگو نمودند.

در این دیدار و گفتگو که پهلوان حر و پهلوان نجف، استادان کلپ میهن و قهرمانان مسابقه کشتی انتخابی تیم ملی افغانستان حضور داشتند، نخست پهلوان میر علم حر، تاریخچه‌ی کلپ میهن را به تفصیل تشریح نمود و قهرمانان کلپ را در رشته‌های مختلف معرفی کرد و گزارشی از مسابقات اخیر کشتی انتخابی تیم ملی افغانستان را ارائه داد و افزود: کشتی گیران کلوپ میهن که از مردم هزاره می‌باشند توانستند در چهار وزن از هفت وزن مسابقات کشتی، مقام اوّل را کسب نموده به دست بیاورند و برای شرکت در مسابقات بین المللی کانادا و روسیه انتخاب شدند.

استاد مزاری: ضمن اظهار خرسندی از ملاقات با ورزشکاران، ارزش و اهمیت ورزش را از نظر اسلام، جامعه و مردم و هم چنین نقش ورزش را در تندرستی بدن و مطرح بودن آن را در مجامع بین المللی و کشوری ارزنده توصیف نمود.

استاد مزاری افزود: برای تثبیت هویت یک ملت لازم است در تمام ابعاد، از جمله ورزش افراد آن ملت رشد کنند، در شرایط کنونی ما برای تثبیت هویت و موجودیت خود مبارزه می‌کنیم و پس از تثبیت موجودیت ما، مسأله حقوق ما مطرح است و در آنجا حقوق نظامیان، فرهنگیان و ورزشکاران ما، مطرح می‌شود.

استاد مزاری، در اخیر از قهرمانان کلپ میهن که مربوط به هزاره‌ها می‌باشد تقدیر نموده و وعده هر نوع همکاری را برای ورزشکاران داد.

در پایان این دیدار به قهرمانان کلپ میهن که توانستند در مسابقات اخیر حائز مقام اوّل قهرمانی شدند، جوایزی از طرف استاد مزاری اهداء شد.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۱، پنجشنبه ۲۸ اسد ۱۳۷۲ش.

ملاقات نمایندگان مؤسسات خیریه، با استاد مزاری[1]

نمایندگان تعدادی از مؤسسات خیریه بعد از ظهر دوشنبه ۱۳۷۲/۵/۲۵ با حضور در مرکز حزب وحدت اسلامی با استاد مزاری دیدار و گفتگو نمودند. در این ملاقات که حاجی خلیل نماینده‌ی مؤسسه‌ی خیریه‌ی اکبر، انجنیر خیرخواه نماینده‌ی مؤسسه‌ی بین المللی «پامیراید» انجنیر عبدالغفار از احیاء مجدد افغانستان، انجنیر عباس از کمیته‌ی «بتا» و داکتر احمد شاه ارجمند شرکت داشتند، نخست گزارش‌های از مؤسسات مذکور توسط نمایندگان ارائه شد و برای بهبود بهداشت، آب و برق و اعمار کشور به خصوص غرب کابل، طرح‌های ارائه گردید.

سپس استاد مزاری، از احساسات و مسئولیت نمایندگان خیریه تشکر کرده و وضعیت کشور و غرب کابل را تشریح نمود. و استاد مزاری با بیان این مطلب که در طول یک سال گذشته ده جنگ بر مردم ما تحمیل شد، گفت: جنگ در غرب کابل بود و مردم این منطقه از همه‌ی امکانات محروم بودند، آب و برق و شفاخانه نبود و مردم با هزاران مشکل دیگر روبرو بودند و فجایع بی شماری را برای آن‌ها به وجود آوردند، مردمی که ۳۰۰ سال برادرانه زندگی کردند. امروز دچار نفاق شده‌اند و کسانی که به استقلال و تمامیت ارضی کشور فکر می‌کنند باید جلو این نفاق را بگیرند و این وقتی امکان پذیر است که حکومت وسعت نظر داشته باشد.

ضمناً، استاد مزاری، افزود: وقتی که در پاکستان کشمکش بین صدر اعظم و رئیس جمهور ایجاد می‌شود، هر دو استعفا کرده (کنار می‌روند) و این در تاریخ برای پاکستان افتخار است، اما متأسفانه در افغانستان این خودگذری وجود ندارد. اگر با وسعت نظر با قضایا برخورد می‌شد، این فاجعه پیش نمی‌آمد.

استاد مزاری، تبلیغات رادیو را مورد انتقاد قرار داد و گفت: اعلان بی معنی رادیو، مبنی بر جمع آوری سلاح‌ها از جنوب و غرب کابل، معنایش این است که آقایان پابند معاهده‌ی جلال آباد نیستند و رهبران هنوز به این نتیجه نرسیده‌اند که مردم آسایش پیدا کنند و آرام زندگی کنند.

استاد مزاری رسالت روشنفکران و متخصصین کشور را مهم خواند، گفت: مظلومیت

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره‌ی مسلسل ۱۱۳، پنجشنبه ۱۱ سنبله ۱۳۷۲ش.

مردم افغانستان باید منعکس شود و این وضع قابل تحمل نیست، (چنانچه) حکومت کمونیستی مردم را به جرم مسلمان بودن نابود می‌کرد که قابل تحمل نبود و شکست خورد، حکومت اسلامی که به نام اسلام مردم را نابود می‌کند نیز قابل تحمل نخواهد بود.

ملاقات سرپرست وزارت احیاء و انکشاف دهات با استاد مزاری[۱]

سید اسحاق جوهری سرپرست وزارت احیاء و انکشاف دهات، قبل از ظهر روز دوشنبه ۱۳۷۲/۵/۲۵ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی با وی دیدار و گفتگو نمود. در این دیدار که تعدادی از مسئولین و معاونین آن وزارت خانه حضور داشتند، نخست سرپرست وزارت، گزارشی از روند کار وزارت ارائه کرد و در خاتمه خواستار رهنمود از سوی استاد مزاری شد.

سپس استاد مزاری، با تشریح وضعیت کشور اظهار داشت کابینه‌ی موجود یک کابینه‌ی ملی نیست، بلکه کابینه‌ی احزاب است.لذا وزراء مربوط کاملا با حزب خود در تماس باشند و از سیاست‌های بر حق آن حزب، پیروی نمایند.

استاد مزاری، ضمن ناعادلانه خواندن تشکیلات اداری سابق، به تغییر آن تأکید نمود و خواستار توزیع کمک‌های سازمان ملل به طور عادلانه، به تمام مناطق شد.

دیدار جنرال و افسران و روشنفکران تشیع هزاره با استاد مزاری[۲]

جمع کثیری از جنرالان، افسران و روشنفکران مردم هزاره قبل از ظهر روز پنجشنبه ۱۳۷۲/۵/۲۸ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی با وی ملاقات و گفتگو نمودند. در این دیدار که با تلاوت آیاتی از کلام اللّه مجید آغاز شد، نخست یک تن از حاضرین به نمایندگی از دیگران، هفتاد و چهارمین سالروز استقلال کشور را که محصول خون بهای قهرمانان ملی کشور، به خصوص ملت تشیع و هزاره بود، به استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی تبریک گفت.

سپس محترم محمد شافع، یک تن از روشنفکران هزاره، ضمن اظهار سپاس از

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۳، پنجشنبه ۱۱ سنبله ۱۳۷۲ش.

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۳، پنجشنبه ۱۱ سنبله ۱۳۷۲ش.

رهبری خردمندانه‌ی استاد مزاری و دلسوزی وی نسبت به مردم کشور گفت: دست آورد سیاسی نظامی حزب وحدت اسلامی در طول سالیان جهاد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قابل قدر است و این رشادت ها، صفحه‌ی نوین و جدیدی را در زندگی ملیت مظلوم هزاره و تشیع گشوده است. در ادامه‌ی این دیدار طرح‌ها و پیشنهادات حاضرین در مورد تأمین امنیت در کشور و رشد و گسترش معارف الهی و تأمین خدمات اجتماعی مطرح گردید.

سپس استاد مزاری، ضمن تشکر و قدردانی از احساسات نیک روشنفکران، به ایراد سخن پرداخته و ضمن عرض تسلیت به مناسبت شهادت حضرت امام رضا(ع) به پیشگاه امام زمان(عج) و خانواده شهداء اظهار داشت: روشنفکران جامعه باید شرایط جامعه‌ی (خود) را در نظر بگیرند و بر اساس واقعیت‌های ملموس اجتماع، طرح و برنامه بریزند و مطابق با امکانات عمل نمایند و باید هماهنگ شوند و در مسایل مختلف برای نجات مردمشان تبادل نظر نموده و راه حل جستجو کنند.

استاد مزاری، در تشریح وضعیت جاری کشور رهنمودهای لازم را برای روشنفکران و افسران و جنرالان و مسئولین ارائه داد.

دیدار مسئولین مجتمع فرهنگی شهید واحدی با استاد مزاری[1]

مسئولین و اعضای مجتمع فرهنگی شهید واحدی قبل از ظهر روز ۱۳۷۲/۶/۲ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری با وی دیدار و گفتگو نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری، وحدت اسلامی در این دیدار آقای سجادی مسئول کمیسیون فرهنگی و معلم عزیز از بنیانگزاران مجتمع فرهنگی شهید واحدی حضور داشتند. نخست داکتر ابوذر مسئول مجتمع فرهنگی شهید واحدی گزارشی از روند شکل گیری مجتمع فرهنگی و فعالیت‌های انجام شده ارائه نمود و برنامه‌ها و طرح‌های آینده‌ی مجتمع را تشریح نمود.

سپس استاد مزاری، نقش علم و فراگیری دانش را از نظر اسلامی مهم توصیف نموده گفت: پیغمبر اسلام (هر گونه قید و) محدودیت زمانی و مکانی را از فراگیری

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۴، پنجشنبه ۱۸ سنبله ۱۳۷۲ش.

دانش برداشته است و در تحصیل علم فرقی بین زن و مرد قائل نشده، پیامبر اسلام علم را ضالّه و گمشده‌ی مؤمن می‌داند و انسان، گشمده‌اش را در هر کجا و در دست هر کسی که مشاهده کند باید آن را بگیرد. ولی ما مسلمان‌ها متأسفانه کمتر به علم و دانش توجه کردیم.

استاد مزاری، ضمناً از خلاء فکری ایجاد شده در دوره‌ی اشغال کشور یادآوری کرده اظهار داشت: کسانی که احساس مسئولیت می‌کنند در برابر جامعه و مردم و توان کار فرهنگی را دارند باید کار کنند و اخلاق و فرهنگ اسلامی را در بین جوانان رواج بدهند. شما که با وضعیت دشوار و ناگوار کابل، به ایجاد چنین مجتمع اقدام گردید و با امکانات ناچیزی که داشتید توانستید کار مؤثری برای نجات قشر جوان جامعه انجام دهید.

از طرف حزب وحدت اسلامی صمیمانه از شما تشکر می‌کنم و از خداوند برای شما توفیق می‌خواهم تا مسئولیت بزرگی را که به عهده دارید به خوبی به انجام برسانید.

در این دیدار، برادران: انجنیر نصرالله و انجنیر اسحاق جمال و قاری موسی خان حسینی، داکتر اکرم، معلم وفا و خواهران: حسنیه، نسرین پارسا و عزیزه پارسان معلمین دشت آزادگان شرکت داشتند.

ملاقات قومندانان و مسئولین نظامی حزب وحدت اسلامی با استاد مزاری[1]

قومندانان و نظامیان حزب وحدت اسلامی قبل از ظهر روز سه شنبه ۱۳۷۲/۶/۷ در اقامتگاه استاد مزاری با وی ملاقات و دیدار نمودند.

در این دیدار استاد مزاری ضمن مشخص نمودن جایگاه ویژه‌ی نیروهای نظامی به خصوص قومندانان در تأمین امنیت مردم اظهار داشت: برادران همانگونه که در جنگ و دفاع از مردمشان، سربلند بیرون آمده است باید در تأمین امنیت، در شرایط صلح نیز باید ثابت کنند که انسان‌های با فرهنگ و با نظمی هستند.

استاد مزاری، در ضمن سخنانش نیز افزود: شما مجاهدین که این قدر احترام دارید به خاطر دفاع از منافع مردم است و اگر روزی تخلف از شما سر بزند و بر خلاف

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۴، پنجشنبه ۱۸ سنبله ۱۳۷۲ش.

خواست و اراده‌ی مردم حرکت کنید مجازات خواهید شد.

استاد مزاری، در رابطه با بازگشایی پوهنتون و مکاتب گفت: تعدادی از مکاتب را نظامیان تخلیه کرده است و مدارسی که باقی مانده است باید در اسرع وقت تخلیه شود و هیچ کس حق ندارد مزاحم دانشجویان و هم چنین اساتید بشود و اگر ثابت شد که کسی به یک استاد پوهنتون اهانت و بی احترامی کرده است به شدیدترین وجه او را مجازات خواهیم کرد. چون ما طرفدار منافع مردم خود هستیم، هر کسی منافع مردم و آبروی مردم ما را با خطر مواجه نماید مجازات خواهد شد.

استاد مزاری، در مورد جمع آوری پسته‌های غیر مسئول مستقر در خط سوم جبهه تأکید نمود و یادآور شد که، این پسته‌ها برچیده شود و یا در قرارگاه فرقه و غندشان بروند و یا در خط اوّل و دوم جبهه مسقتر شوند.

استاد مزاری با بیان این مطلب که ما طرفدار جنگ نبوده و نیستیم، این مطلب به این معنی نیست که طرف‌های مقابل ما دست از توطئه برداشته باشد. چون در جنگ اخیر دشمن بزرگترین ضربه را خورده است و فهمیده است که در جنگ نمی‌تواند با مردم ما مقابله کند. لهذا باز هم می‌خواهد توطئه‌ی «افشار» را عملی کند ولی هر کس در توطئه‌ی با ملت خود با دشمن همکاری کند، خائن ملی شمرده شده و جزایش اعدام خواهد بود.

در آخر تعدادی از قومندانان اپراتیفی فرقه‌های ۹۵ ـ ۹۶ ـ ۹۷ به نمایندگی از دیگران آمادگی خود را برای پیاده نمودن دستورالعمل‌های رهبری حزب وحدت اسلامی اعلام کردند و تأکید نمودند که در راستای اهداف والای مردم و حزب خود از هیچگونه فداکاری دریغ نخواهند نمود.

سرکنسول دولت روسیه در افغانستان با استاد مزاری ملاقات نمود[1]

آقای سرکین میخاسیوف، سر کنسول دولت روسیه در افغانستان قبل از ظهر روز یکشنبه ۱۳۷۲/۶/۱۴ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی با وی ملاقات و گفتگو نمود.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۵، پنجشنبه ۲۵ سنبله ۱۳۷۲ش.

به گزارش خبرنگار وحدت اسلامی در این ملاقات که معاون سر کنسول روسیه و تعدادی از مسئولین وزارت خارجه‌ی دولت اسلامی افغانستان، نیز حضور داشتند، ابتداء آقای میخاسیوف از همکاری صادقانه‌ی حزب وحدت اسلامی در امر حفاظت از سفارت روسیه در کابل، تشکر نموده گفت: به زودی هیأت کارشناسی تخنیکی برای ترمیم خرابی‌های سفارت خانه، به کابل خواهد آمد و پس از تکمیل کار، سفیر روسیه شروع به فعالیت خواهد نمود.

سرکنسول روسیه از ایجاد درگیری‌های مرزی تاجیکستان و افغانستان، اظهار تأسف کرده اظهار داشت: سربازان روسی مستقر در مرز، به هیچ یک از درگیری‌ها سهیم نبودند. بلی کسانی که درگیر بودند، نیروهای تاجیکی مربوط دولت تاجیکستان و مخالفین دولت هستند.

سپس استاد مزاری، ضمن اظهار تأثر شدید مردم افغانستان نسبت به گلوله باری کشور از آن سوی مرز گفت: درست است که ما ۱۴ سال با اتحاد جماهیر شوروی جنگیدیم، ولی ما معتقدیم که عاملین این جنگ‌ها کسانی بودند که فعلا رهبران دولت روسیه نیستند. ما مردم روسیه را به عنوان دشمن نمی‌بینیم، ولی این گلایه را ما از دولت روسیه داریم که مناطق سر حدی ما را نیروهای تحت فرمان آن‌ها زیر آتش قرار دادند ولی ما تحمل کردیم. اما باید شما بدانید که افغان‌ها در این گونه مسایل کمتر تحمل دارند.

ملاقات نایب سفیر عربستان سعودی با استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی[1]

نایب سفیر کشور پادشاهی عربستان سعودی بعد از ظهر روز شنبه ۱۳۷۲/۶/۲۸ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی با وی دیدار و گفتگو نمود. طی این دیدار نایب سفیر عربستان سعودی به تجلیل از مقاومت مردم مسلمان افغانستان در برابر اردوی متجاوز روس پرداخته و نقش بزرگ و تاریخی مجاهدین کشور ما را ستود. وی همچنین با تأکید به روابط عمیق دینی و دیرینه‌ی دو ملت مسلمان افغانستان و عربستان، اظهار امیدواری نمود که پس از پیروزی مجاهدین این

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۷، پنجشنبه ۸ میزان ۱۳۷۲ش.

روابط گسترش و عمق بیشتری یافته و مردم مسلمان افغانستان موفق شوند با کمک‌های کشورهای اسلامی، وطن ویران شده‌ی خود را آباد نمایند.

آنگاه حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری ضمن اشاره به کمک‌های عربستان سعودی به مجاهدین مسلمان، یادآور گردید که این کمک‌ها در مرحله‌ی بازسازی نیز ادامه یافته کشور و دولت عربستان نقش بارزی در امر برقراری صلح و تحکیم مناسبات برادرانه، میان جناح‌های سیاسی بازی کند.

هم چنین با اشاره به این که کشور شما امانت دار دو ودیعه‌ی الهی یعنی؛ کعبه و مدینة الرسول می‌باشد و بر همین اساس از احترام شایان توجهی در میان مسلمانان جهان برخوردار است گفت: توقع مسلمان افغانستان از شما این است که همه‌ی مسلمانان اعم از شیعه و سنی را به یک دید نگریسته و با آن‌ها برخورد یکسان داشته باشید.

دبیر کل حزب وحدت اسلامی، آمادگی کامل این حزب را برای گسترش روابط اعلام داشته و اظهار امیدواری نمود که در سال‌های آینده برای حجاج افغانستان تسهیلات بیشتری فراهم نماید.

دیدار سید اسحاق گیلانی با استاد مزاری[1]

سید اسحاق گیلانی، یکی از شخصیت‌های عمده‌ی جبهه‌ی محاذ ملی اسلامی قبل از ظهر روز یکشنبه ۱۳۷۲/۶/۲۸ با حضور در مرکز حزب وحدت اسلامی با حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی دیدار و گفتگو نمود. در این دیدار که آقای سید امان یکی دیگر از مسئولین محاذ ملی اسلامی، نیز حضور داشت ابتداء آقای گیلانی به تشریح دیدگاه‌های کشورهای جهان در رابطه به اوضاع افغانستان پرداخته و ضرورت تحکیم امنیت و استقرار صلح پایدار و دائمی در کشور را یادآور گردید.

وی در بخشی از سخنانش گفت: تا وقتی که ثبات سیاسی و صلح در کشور ما برقرار نگشته و یک حکومت مقتدر مرکزی به وجود نیامده نباید انتظار کمک‌های بین المللی

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۷، پنجشنبه ۸ میزان ۱۳۷۲ش.

برای بازسازی افغانستان را داشت و محافل بین المللی به دقت مراقب اوضاع کشور ما بوده و در شرایط بحران کنونی حاضر به ارائه کمک نخواهند بود. آقای گیلانی هم چنین بر ضرورت برگزاری انتخابات عادلانه و ملی تأکید نموده و تشکیل لوی جرگه را یگانه راه بیرون رفت از وضعیت کنونی دانست. وی در ادامه سخنانش گفت: وضع کنونی کابل، ناآرام و قابل تحمل نبوده و باید تغییر کند و در غیر این صورت کشور با فاجعه‌ی بزرگتری روبرو خواهد شد.

آنگاه استاد مزاری، دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان با تأکید بر این که مردم افغانستان بعد از ۱۴ سال مبارزه و جهاد خواهان تحقق عدالت اجتماعی و رفع تبعیض‌های ناروای گذشته است یادآور گردید: هر طرحی که منجر به تأمین حقوق ملیت‌ها و تأمین عدالت اجتماعی گردد مورد قبول حزب وحدت اسلامی است.

دبیر کل حزب وحدت اسلامی با بیان این نکته که ما خواهان حل بحران جاری بوده و بر همین اساس توافق احزاب در اسلام آباد را پذیرفتیم، گفت: متأسفانه اطراف اصلی قضایای کشور، به تعهداتشان پایبند نبوده و بلافاصله بعد از امضای معاهده‌ی اسلامی آباد، آن را نقض کردند. مشکل افغانستان ناشی از عدم تعهد و پایبندی احزاب به تعهدات خودشان می‌باشد.

وی با اشاره به طرح انتخابات ارائه شده از سوی حزب وحدت اسلامی گفت: ما بر اساس مسئولیت و درک ضرورت‌های ملی و اسلامی، طرحی را برای انتخابات عادلانه و مردمی تدوین و به کمیسیون انتخابات ارائه کردیم، در صورتی که این طرح پذیرفته شود و در عمل پیاده گردد بسیاری از مشکلات فعلی کشور حل خواهد شد. البته این، به آن معنی نیست که ما طرح قابل قبول و عادلانه‌ی دیگران را قبول نداریم، حزب وحدت اسلامی از هر طرحی که منجر به عدالت اجتماعی در جامعه‌ی افغانستان گردد و حقوق ملیت‌های محروم را اعاده کند استقبال می‌کند. برای ما مهم نیست که لوی جرگه تشکیل شود و یا مجلس ملی، مهم این است که حقوق مردم در نظر گرفته شده، به تناسب حضور و میزان جمعیتشان در تصمیم گیری‌های سهیم باشند.

استاد مزاری، در خاتمه‌ی این دیدار، بار دیگر برای تحقق عدالت اجتماعی، تحکیم صلح و اعاده‌ی امنیت تأکید نمود و گفت: تا وقتی که عدالت پیاده نشده، مشکل

افغانستان نیز حل نخواهد شد.

دیدار قومندانان ولایت فراه و هلمند با استاد مزاری[1]

جمعی از قوماندانان ولایت فراه و هلمند، قبل از ظهر پنجشنبه ۱۳۷۲/۷/۱ با حضور در اقامتگاه دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان با وی دیدار و گفتگو نمودند. در این دیدار مشکلات و مسایل محیط‌شان را به اطلاع استاد مزاری رسانیدند. به گزارش خبرنگار وحدت اسلامی در این دیدار نخست یکی از قومندانان به نمایندگی از سایرین گزارش مفصلی از ولایات مذکور ارائه داده و از وحشیگری ها، بی رحمیها و تجاوزات بعضی از تنظیم‌ها بر مردم هلمند و نیمروز پرده برداشته و خاطر نشان کرد که مردم این مناطق از منازلشان آواره شده است و اموالشان، به غارت رفته است.

سپس استاد مزاری با اظهار تأسف از وقایعی که در هلمند و گرشک رخ داده است، این گونه اعمال را از تفوق طلبی و قدرت خواهی بعضی از انسان‌های کوته فکر دانسته اظهار داشت:

مشکلات و مسایل باید از طریق گفتگو و تفاهم حل شود و تمامی نیروها همانگونه که در دوران جهاد در یک سنگر می‌رزمیده‌اند باید اکنون در یک سنگر در فکر بازسازی و عمران کشور باشند. اگر با انحصارگرایی و تکروی مسایل حل می‌شد باید در طول ۱۵ ماه گذشته کابل آباد می‌شد. اما دیدیم، تمامی این مسایل و مشکلات موجود ناشی از همان انحصارطلبی بعضی از گروه‌ها بود.

استاد مزاری در اخیر، بر تشکیلات وحدت نیروهای فوق الذکر تأکید نموده و رهنمودهای لازم را ارائه داد.

دیدار دگر جنرال حسام الدین با استاد مزاری[2]

جنرال سید حسام الدین قبل از ظهر روز جمعه ۱۳۷۲/۷/۲ با استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان، در محل اقامت وی دیدار و در مورد مسایل جاری کشور گفتگو نمود. در این دیدار دگر جنرال سید حسام الدین گزارشی مفصل از

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۸، پنجشنبه ۱۵ میزان ۱۳۷۲ش.

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۸، پنجشنبه ۱۵ میزان ۱۳۷۲ش.

اوضاع ولایات شمال کشور ارائه کرده بر هماهنگی جنبش ملی اسلامی و حزب وحدت اسلامی را در قبال قضایای جاری شور تأکید نمود.

متعاقباً استاد مزاری ضمن ارائه رهنمودهای لازم، مواضع حزب وحدت اسلامی را در قبال تحولات جاری کشور بیان داشته و با انتقاد از روند کار کمیسیون غیر قانونی، تصویب اصول اساسی موقت از سوی آن را، به عنوان یک فاجعه‌ی ملی یاد کرد.

در پایان، آقای سید حسام الدین ضمن حضور در شفاخانه‌ی صلیب سرخ، از مجروحان اخیر عیادت به عمل آورد و مبلغ دو میلیون افغانی به بیماران و کارمندان این شفاخانه اهداء کرد.

دیدار دگر جنرال رئوفی با استاد مزاری[۱]

دگر جنرال رئوفی از مسئولین عالی رتبه‌ی جنبش ملی افغانستان قبل از ظهر روز یکشنبه ۱۳۷۲/۷/۴ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی با ایشان دیدار و گفتگو نمود. در این دیدار دگر جنرال رئوفی گزارش مشروحی از ولایات شمال کشور را به اطلاع استاد مزاری رسانیده و آخرین مواضع جنبش ملی اسلامی را در قبال قضایای جاری کشور، به استحضار استاد مزاری رسانید.

سپس استاد مزاری، تحرکات کنونی کشور را نگران کننده توصیف نموده اظهار داشت: با نادیده گرفتن حقوق ملیت‌های مختلف ساکن کشور در تصمیم گیری‌های آینده، هیچ مشکل از مشکلات جاری کشور حل نخواهد شد. همچنین استاد مزاری، از تشکیل کمیسیون تصویب قانون اساسی موقت به عنوان یک فاجعه‌ی جبران ناپذیر برای کشور یاد کرده گفت: بهترین راه پایان بخشیدن منازعات جاری، تلاش در جهت برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه بود و باید برادران کوشش خود را در این جهت معطوف می‌ساختند که مورد توافق همه‌ی تنظیم‌ها و اقوام ساکن کشور بود.

دیدار آقای قرقین با استاد مزاری[۲]

آقای قرقین از افسران برجسته‌ی برادران ترکمن، قبل از ظهر چهارشنبه ۱۳۷۲/۷/۷ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی با وی

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۸، پنجشنبه ۱۵ میزان ۱۳۷۲ش.

۲. همان.

ملاقات و گفتگو نمود و مسایل مربوط به شمال کشور و سایر موضوعات ذیعلاقه را مورد بحث و بررسی قرار دادند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این ملاقات آقای قرقین گزارش مبسوطی از وضعیت ولایات شمال کشور را ارائه داده و خواستار همبستگی احزاب سیاسی و اقوام محروم به منظور کمک به پروسه صلح در کشور گردید.

سپس استاد مزاری، با تشریح قضایای موجود در پایتخت کشور اظهار داشتند، حزب وحدت اسلامی سیاست دفاع از ملیت‌های محروم را در سرلوحه‌ی برنامه‌های کاری خود قرار داده و شرارت جنگ افروزان علیه حزب وحدت اسلامی و جنگ‌های متعددی را که تحمیل کردند، به خاطر حمایت حزب وحدت اسلامی از ملیت‌های محروم بوده است و از این پس نیز حزب وحدت اسلامی پشتیبان محکم برای ملیت‌های محروم خواهد بود.

ملاقات سفیر عربستان سعودی در کابل با استاد مزاری[1]

سفیر دولت عربستان سعودی در کابل قبل از ظهر روز چهارشنبه ۱۳۷۲/۷/۷ در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی با وی دیدار و ملاقات نمود و مسایل مختلف ذیعلاقه‌ی دو طرف مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

بر اساس گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این ملاقات دگر جنرال مصطفی کاظمی عضور شورای تصمیم گیری حزب وحدت اسلامی نیز حاضر بود.

سفیر عربستان سعودی در کابل با دعوت از همه‌ی رهبران جهادی برای عمل نمودن به وعده‌ها و تعهداتشان گفت: اگر رهبران جهادی به مذاکرات مستقیم، صبر و کنار گذاشتن اختلافات قومی، مذهبی و...، توجه می‌نمودند مشکلات افغانستان حل می‌شد.

سفیر عربستان سعودی رعایت قوانین اسلامی را مورد تأیید قرار داده گفت: باید به خاطر مصالح از بسیاری خواسته‌ها چشم پوشی شود.

سپس استاد مزاری، با بیان این نکته که مشکلات افغانستان مشکلات داخلی این

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۹، پنجشنبه ۲۲ میزان ۱۳۷۲ش.

کشور است اظهار داشتند: اگر ظلم‌های گذشته که بر مردم صورت می‌گرفت بعد از این انجام نگیرد مشکلات افغانستان حل می‌گردد، زیرا نه خداوند و نه رسول آن، بر ظلم و ظلم پذیری صحه می‌گذارند بلکه مبارزه را علیه ظلم تأکید نموده‌اند و تا ظلم از بین نرفته است با تعهد و مذاکره مشکلات حل نمی‌شود.

استاد مزاری افزود: اگر طبق قوانین اسلامی عمل می‌شد دیگر مشکلاتی در کشورهای اسلامی به وجود نمی‌آمد، ولی چیزی که همه‌ی مسلمان‌ها از آن رنج می‌برند تفرقه است و هر کی برای خود توجیهی از اسلام دارد و فکر می‌کند اسلام راستین همان است. مشکلات اساسی افغانستان نیز همین مسأله است، امیدها این است که امت واحد اسلامی به وجوداید و تمام مرزها از بین برداشته شود فقط مرز اسلام با کفار باقی بماند و بس.

همچنین استاد مزاری، اضافه نمود که در جهاد اسلامی افغانستان همه‌ی مسلمانان شریک هستند اگر حکومت اصیل اسلامی در افغانستان استقرار یابد نگرانی تمام کشورهای اسلامی برطرف خواهد شد.

استاد مزاری، با تشریح سیاست حزب وحدت اسلامی به بررسی قضایای جاری کشور پرداخته گفت: حزب وحدت اسلامی هیچگاه راه جنگ را راه حل ندانسته و نمی‌داند. (اما) عمل نمودن تمامی رهبران را به تعهدشان، تنها راه حل مشکلات موجود می‌داند.

دیدار جمعی از قومندانان مناطق مختلف حزب وحدت اسلامی با استاد مزاری[1]

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی قبل از ظهر روز شنبه ۱۳۷۲/۷/۱۰ جمعی از قومندانان ولسوالی‌های کهمرد، سیغان، ولایت بامیان و ارزگان و فرماندهان نظامی حزب وحدت اسلامی در ولسوالی‌های پنجاب، ورس و شهرستان نیز با حضور در اقامتگاه دبیر کل حزب وحدت اسلامی، به طور جداگانه با وی دیدار و گزارشی از اوضاع ولسوالی‌های یاد شده را به استحضار استاد مزاری رسانیدند.

در این دیدارها استاد مزاری، ضمن توصیه‌ی فرماندهان جهادی به حفظ نظم

۱. هفته نامه‌ی وحدت، مسلسل ۱۱۹، پنجشنبه ۲۲ میزان ۱۳۷۲ش.

تشکیلاتی، تقوای الهی و اطاعت و سازماندهی در امر انجام خدمات بهتر و بیشتر را به مردم آن مناطق متذکر شد. و شرکت مجاهدین در امر بازسازی و راه اندازی فعالیت‌های عمرانی را یادآور گردید و در رابطه با رفع مشکلات و نیازمندی‌های مردم ولسوالی‌های مذکور به شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی در بامیان، رهنمایی‌های لازم را خواهد داد.

ملاقات داکتر عبدالرحمن با استاد مزاری[1]

داکتر عبدالرحمن، وزیر هوانوردی سابق و معاون شورای نظار جمعیت اسلامی قبل از ظهر شنبه ۱۳۷۲/۷/۱۰ با حضور در مرکز حزب وحدت اسلامی با حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی دیدار و پیرامون آخرین رویدادهای سیاسی کشور گفتگو نمودند. در این دیدار داکتر عبدالرحمن، ضمن تأکید بر صلح و بازگشت آرامش به شهر کابل، پیام عبدالرسول سیاف، مبنی بر ختم جنگ و تمایل به مذاکره‌ی سیاسی را به استحضار دبیر کل حزب وحدت اسلامی رسانید و یادآوری گردید که ما حاضریم. بحیث میانجی میان دو طرف عمل کرده و زمینه‌ی مذاکرات دو جانبه را فراهم آوریم.

سپس دبیر کل حزب وحدت اسلامی، ضمن برشمردن موارد مکرر نقض آتش بس توسط نیروهای اتحاد آقای سیاف، یادآور شد که حزب وحدت اسلامی هیچگاه خواهان حل سیاسی از طریق جنگ نبوده و ادامه‌ی جنگ و خونریزی را در افغانستان فاجعه‌ی ملی می‌داند، ولی این اتحاد سیاف است که هر روز و هر شب مناطق مسکونی ما را هدف آتش باری سلاح‌های ثقیله خویش قرار داده و زنان و کودکان بی گناه ما را به خاک و خون می‌کشد.

استاد مزاری، با بیان این مطلب که ما از هر گونه تلاش که منجر به صلح و تأمین امنیت برای مردم مسلمان شهر کابل گردد استقبال می‌کنیم در امر حل سیاسی و اختلافات از طریق مسالمت آمیز تأکید نمود.

ملاقات اعضای کمیته دومین سمینار بررسی مسایل سیاسی افغانستان

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۹، پنجشنبه ۲۲ میزان ۱۳۷۲ش.

با استاد مزاری[1]

اعضای کمیته برگزاری سیمینار بررسی مسایل سیاسی افغانستان بعد از ظهر روز یکشنبه ۱۳۷۲/۷/۱۱ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری با وی دیدار نموده، مسایل و (چگونگی) کار سیمینار را بررسی کردند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار نخست آیاتی از قرآن کریم قرائت گردید بعد از آن حجت الاسلام و المسلمین آقای سجادی عضو شورای عالی نظارت و مسئول کمیسیون فرهنگی، اعضای کمیته سیمینار را معرفی نمود، سپس استاد فیضی گزارش مفصل از روند کار کمیته برگزاری سیمینار را به استحضار استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی رسانید.

متعاقباً استاد مزاری طی سخنانی مبسوطی از زحمات کمیسیون فرهنگی حزب وحدت اسلامی در برگزاری سیمینار تشکر کرده گفت: در شرایطی که تصادمات فکری و فرهنگی در کشور موجود است و نظام در حال شکل گیری است آنچه مهم است عرضه کردن نظام تشیع است، در گذشته فرهنگ تشیع در بین اهل تسنن عرضه نشده بود و کسی به درستی ما را نمی‌شناخت.

استاد مزاری ادامه داد، امروز که مارکسیست‌ها در جهاد افغانستان شکست خورده و خلاء فکری به وجود آمده است دنیا از این وحشت دارد که با استقرار حکومت اسلامی در افغانستان، جوانان تغذیه فکری شوند و این بزرگترین جهاد است که ما بتوانیم چهره‌ی واقعی اسلام را برای دنیا به نمایش بگذاریم. لهذا سیمینار گامی مؤثری در این زمینه بود، جنبه‌ی سیاسی مسأله زیاد مهم نیست، (چون) سیاست را فعلا تفنگ تعیین می‌کند ولی چیزی که بسیار ارزنده است در این سیمینار، چهره‌ی مترقی و ناب تشیع شناسانده شد و اگر بگوییم سیمینار گذشته و سیمینار امسال از ۱۵ سال جهاد هم تأثیری بیشتر در معرفی تشیع داشته، حرف گزافی نیست. سیمای واقعی اسلامی نشان داده شد که اسلام اصیل غیر از آن چیزی است که مظاهر و مجسمه‌های عینی جهل از آن دم می‌زنند.

استاد مزاری، افزود: در افغانستان از تشیع و هزاره یک تصویری مبهمی ارائه شده

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۹، پنجشنبه ۲۲ میزان ۱۳۷۲ش.

بود که همیشه مردم ما تحقیر و توهین می‌شدند ولی امروز که فرهنگ راه گشای تشیع در مجامع علمی و فکری عرضه می‌شود، مردم فردا تجزیه و تحلیل می‌کند، بینششان عوض می‌شود و موضع گیریشان فرق می‌کند. در پایان این دیدار پرسش‌های از سوی اعضای کمیته مرکزی، دومین برگزاری سیمینار بررسی مسایل سیاسی افغانستان صورت گرفت که از سوی استاد مزاری پاسخ‌های مناسب داده شد.

دیدار استاد توانا با استاد مزاری[1]

استاد توانا از رهبران جمعیت اسلامی افغانستان قبل از ظهر روز دوشنبه ۱۳۷۲/۷/۱۲ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان با وی دیدار و مسایل جاری کشور را بررسی نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار که آقای هاشمی قوماندان اپراتیفی حزب وحدت اسلامی نیز حضور داشت استاد توانا ضمن ارائه گزارشی از وضعیت ولایات شمال کشور اظهار داشت: اگر شرایط کشور به همین ترتیب ادامه پیدا کند تا سال‌های پس از این، مشکلات باقی خواهد ماند. استاد توانا گفت باید تفاهم به وجود بیاید و منافع مردم بر منافع حزبی و گروهی ترجیح داده شود.

سپس استاد مزاری، انحصارگرایی‌ها و عدم واقعیت نگری از سوی برخی از مسئولین را عامل اساسی بحران جای دانسته گفت: اگر رهبران و مسئولین احزاب با قضایا واقع بینانه برخورد کنند و همدیگر را به خاطر اسلام و مملکت تحمل کنند مشکلات حل خواهد شد.

استاد مزاری با اشاره به واقعیت‌ها و وقایع یک سال گذشته اظهار داشتند: باید از گذشته عبرت گرفت (که) بار دیگر، راه طی شده، طی نشود حوادث یک سال گذشته ثابت کرد که با جنگ افروزی نمی‌توان یک گروه و یک جریان را از صحنه حذف کرد، جنگ راه حل نیست باید همدیگر را تحمل کرد و به تعهدات پایبند بود و تمام جریان‌ها را در تصمیم گیری‌ها باید سهم داد تا مسایل حل گردد.

ملاقات آقای بهرامی دبیر اوّل سفارت جمهوری اسلامی ایران با استاد

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۹، پنجشنبه ۲۲ میزان ۱۳۷۲ش.

مزاری[۱]

آقای بهرامی دبیر اوّل سفارت جمهوری اسلامی ایران در کابل قبل از ظهر دوشنبه ۱۳۷۲/۷/۱۲ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی با وی دیدار و گفتگو نمود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این دیدار که آقای علوی زاده نیز حضور داشت، مسایل مختلف ذیعلاقه‌ی دو طرف مورد مذاکره قرار گرفت.

نخست آقای بهرامی گزارشی از وضعیت مهاجرین افغانستانی مقیم ایران را ارائه کرد و اظهار امیدواری نمود که با برقراری صلح دائمی در افغانستان و تأمین امنیت، مهاجرین بتوانند به کشورشان باز گردند و در امورات بازسازی افغانستان سهم بگیرند.

متعاقباً استاد مزاری از مهمان نوازی ملت و دولت ایران در طول ۱۴ سال گذشته تقدیر نموده و با اشاره به شرایط موجود افغانستان تأکید کردند که فعلا راه‌ها امنیت ندارد و یک دولت مقتدر و حاکم بر تمامی نقاط کشور، حاکم نیست. البته اگر دولتی که مورد قبول همه‌ی اقشار جامعه باشد، به وجود بیاید، مهاجرین بدون اینکه وادار به بازگشت شوند برخواهند گشت و به بازسازی و عمران مجدد افغانستان خواهند پرداخت.

دیدار فرستاده‌ی سیاف با دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان[۲]

وزیر سابق هوانوردی و معاون شورای نظار، با دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان دیدار و پیرامون آخرین مسایل این کشور و درگیری‌های کابل بحث و گفتگو نمودند.

در این دیدار معاون شورای نظار ضمن تأکید بر صلح و بازگشت آرامش به شهر کابل، پیام عبدالرسول سیاف پیرامون آمادگی برای انجام مذاکره‌ی سیاسی را به اطلاع آقای مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی رساند.

سپس دبیر کل حزب وحدت اسلامی ضمن برشمردن موارد مکرر نقض آتش بس

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۱۹، پنجشنبه ۲۲ میزان ۱۳۷۲ش.

۲. پیک، خبرنامه‌ی حزب وحدت اسلامی افغانستان شماره ۶۱۰، سال سوم، ص ۲ (۱۳۷۲/۷/۱۴ روزنامه جمهوری اسلامی).

توسط نیروهای اتحاد سیاف، یادآور شد که حزب وحدت اسلامی هیچگاه خواهان حل مسایل از طریق جنگ نبوده و ادامه‌ی جنگ و خونریزی را در افغانستان خلاف جنبه‌های ملی می‌داند. ولی این نیروهای وابسته به سیاف است که هر روز و هر شب مناطق مسکونی را هدف آتشباری سلاح‌های خویش قرار داده و زنان و کودکان بی گناه را به خاک و خون می‌کشند.

آقای مزاری در پایان از هر گونه تلاش که منجر به صلح و تأمین امنیت برای مردم مسلمان شهر کابل گردد. استقبال نمود و حل اختلافات از طریق مسالمت آمیز را مورد تأکید قرار داد.

ملاقات استاد حاجی محمد محقق رئیس شورای ولایتی مزاری شریف با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد حاجی محمد محقق، عضو شورای مرکزی و رئیس شورای ولایتی حزب وحدت اسلامی و معاون جنبش ملی اسلامی افغانستان بعد از ظهر روز سه شنبه ۱۳۷۲/۷/۱۷ در بدو ورودش به کابل با استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی وحدت اسلامی ملاقات و گفتگو نمود.

به گزارش خبرنگای خبرگزاری وحدت اسلامی استاد محقق در این ملاقات گزارشی از وضعیت ولایات شمال کشور، حضور و نقش فعال حزب وحدت اسلامی در صحنه‌های نظامی ـ سیاسی ـ اقتصادی و فرهنگی و هم چنین در رابطه با درگیری‌های ایجاد شده بین نیروهای فرقه ۵۳ و جمعیت اسلامی، بی طرفی و تلاش حزب وحدت اسلامی را برای پایان بخشیدن به این تشنجات ارائه نمود.

سپس استاد مزاری، ضمن تشریح اوضاع حاکم بر پایتخت کشور از فعالیت‌های مسئولین حزب وحدت اسلامی در جهت برقراری نظم در ولایات شمال کشور قدردانی نموده ضمن تأکید بر نظم و انسجام نیروها اظهار داشتند: که جنگ و درگیری به هیچ وجه برای مردم افغانستان قابل تحمل نبوده و باید در مسیر اتحاد و تفاهم و صلح و ثبات دائمی در کشور گام برداشت.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۱، پنجشنبه ۶ عقرب ۱۳۷۲ش.

ملاقات قوماندانان جنبش ملی اسلامی در کابل با استاد مزاری[۱]

دگر جنرال رئوفی معاون جنبش ملی اسلامی و قوماندانان نیروی جنبش ملی اسلامی در کابل، روز یکشنبه ۱۳۷۲/۷/۱۸ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان با وی ملاقات نمودند و مسایل جاری کشور را مورد بررسی قرار دادند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار که جمعی از قوماندانان جنبش ملی اسلامی نیز حضور داشتند دگر جنرال رئوفی ضمن ارائه گزارش از وضع عمومی ولایات شمال کشور مواضع جنبش ملی اسلامی را در قبال قضایای کنونی کشور و جنگ‌های اخیر به اطلاع استاد مزاری رساند.

سپس استاد مزاری، ضمن تأکید بر استقرار صلح و امنیت برای مردم مسلمان کابل، مواضع بر حق و اصولی حزب وحدت اسلامی مبنی بر دفاع از حقوق ملیت‌های محروم را تبیین نموده و اظهار امیدواری نمود که با ختم جنگ و خونریزی ها، ملت مسلمان افغانستان به تشکیل حکومت اسلامی منتخب و مردمی موفق گردد.

دیدار جنرال مجید روزی و جنرال همایون فوزی با استاد مزاری[۲]

دگر جنرال مجید روزی و دگر جنرال همایون فوزی از معاونین جنبش ملی اسلامی افغانستان طی روزهای پنجشنبه و جمعه ۲۲ و ۱۳۷۲/۷/۲۳ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی با وی ملاقات نمودند و اوضاع سیاسی ـ نظامی کشور، به خصوص شهر کابل را بررسی نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی بعد از ظهر روز پنجشنبه دگر جنرال روزی و دگر جنرال فوزی که به تازگی از مزار شریف وارد کابل شده بودند در این دیدار که حجت الاسلام و المسلمین استاد حاجی محمد محقق عضو شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی و معاون جنبش ملی اسلامی افغانستان نیز حضور داشت، گزارش مشروحی از ولایات شمال کشور تقدیم نمودند و دگر جنرال مجید روزی و دگر جنرال فوزی آخرین مواضع جنبش ملی اسلامی افغانستان را، به دنبال جنگ‌های اخیر و

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۰، پنجشنبه ۲۹ میزان ۱۳۷۲ش.

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۱، پنجشنبه ۶ عقرب ۱۳۷۲ش.

رخدادهای موجود کشور، به اطلاع دبیر کل حزب وحدت اسلامی رسانیدند و بر سیاست پرهیز از جنگ تأکید نمودند.

سپس استاد مزاری، از جنگ‌های ایجاد شده در شرق کشور اظهار تأسف نموده و بر سیاست بی طرفی، دوری از درگیری‌های نظامی با احترام گذاشتن به توافقنامه جلال آباد و منافع مردم و کشور تأکید نمودند.

ملاقات استاد خلیلی و آیت اللّه فاضل با استاد مزاری[1]

آیت اللّه فاضل عضو شورای عالی نظارت و استاد محمد کریم خلیلی عضو شورای مرکزی و وزیر مالیه‌ی دولت اسلامی افغانستان، در روز یکشنبه ۱۳۷۲/۷/۲۵ با استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی به طور جداگانه ملاقات نموده و گزارش مشروحی را از مسافرتشان ارائه دادند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، آیت اللّه فاضل که در ترکیب هیأت اعزامی به پاکستان و ایران رفته، برگشته بود نتایج مسافرتش را مثبت ارزیابی نموده اظهار داشت به علاوه‌ی ملاقات با مقامات پاکستان و دیدار با آقای هاشمی رئیس جمهور و آقای بشارتی وزیر داخله و تعداد دیگر از مسئولین جمهوری اسلامی ایران داشته، در رابطه با وضعیت مهاجرین و استحکام ارتباط برادرانه ایران و افغانستان صحبت گردید که در نتیجه از برخوردهای که علیه مهاجرین صورت می‌گرفت کاسته شد.

آیت اللّه فاضل افزود ملاقات‌های که با مهاجرین داشتیم شاهد ابراز احساسات عمیق آنان نسبت به مقاومت و دفاع مردم کابل بودیم و همه‌ی مهاجرین پشتیبانی خود را از حزب وحدت اسلامی ابراز داشتند.

استاد خلیلی نیز، از جریان مذاکراتش با مسئولین بانک جهانی و وزرای کشورهای عضو بانک جهانی گزارش مفصلی داده و اظهار داشت: که مسئولین بانک جهانی و بانک اسلامی و صندوق رسمی بین المللی، وعده‌ی هر نوع همکاری را با هیأت افغانی دادند. ولی با وجود وضعی بحرانی حاکم بر کشور، بعضی از مؤسسات بین المللی حاضر

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۱، پنجشنبه ۶ عقرب ۱۳۷۲ش.

نبودند که برای بازسازی افغانستان وارد عمل شوند، همچنین در این دیدار استاد خلیلی از جریان مسافرتش به کشورهای هند، آلمان و ایران نیز گزارشی ارائه داده و نتیجه مذاکراتش را با این کشورها مثبت خواند.

استاد مزاری، در طی این ملاقات ها، تحولات و رخدادهای سیاسی و نظامی کشور را تشریح نموده و بر سیاست پرهیز از جنگ و عدم توسل به زور، از سوی حزب وحدت اسلامی تأکید نمود.

ملاقات انجنیر حکمتیار با استاد مزاری[۱]

انجنیر حکمتیار صدر اعظم دولت اسلامی و آمر عمومی حزب اسلامی صبح روز پنجشنبه ۱۳۷۲/۷/۲۹ با حضور در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی با استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی ملاقات نمود و اوضاع سیاسی، نظامی و رخدادهای جاری کشور را مورد غور و بررسی قرار دادند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار نخست انجنیر حکمتیار صدر اعظم دولت اسلامی راجع به فعالیت کابینه‌ی دولت صحبت نمود و گزارش مشروحی از جنگ سروبی که میان قوم احمدزی و شورای جهادی ننگرهار اتفاق افتاده بود ارائه نمود.

سپس استاد مزاری، در ارتباط با موضع گیری‌های احزاب و تنظیم‌های جهادی اظهار نظر نموده و بر مواضع مشترک حزب وحدت اسلامی با آنان را، مثبت خواند و در این دیدار موضوعات سیاسی ـ نظامی کشور مورد تبادل نظر قرار گرفت و هر دو طرف بر استحکام روابط برادرانه بین تمام احزاب و جریان‌های جهادی به خصوص روابط حزب وحدت اسلامی و حزب اسلامی در جهت برقراری امنیت و صلح دایمی در کشور تأکید نمودند.

ملاقات اعضاء شورای صلح مناطق غرب کابل با استاد مزاری[۲]

اعضای شورای صلح مناطق غرب کابل، متشکل از اقوام هزاره، پشتون، تاجیک، قبل

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۲، پنجشنبه ۱۳ عقرب ۱۳۷۲ش.

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۲، پنجشنبه ۱۳ عقرب ۱۳۷۲ش.

از ظهر شنبه ۱۳۷۲/۸/۱ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی با وی دیدار و گفتگو نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی دو تن از حاضرین به نمایندگی از سایر اعضا هدف از تشکیل این شورا را بر شمرده گفتند: ما در این شورا سه اصل اساسی را مد نظر داریم:

۱ـ اوّل قطع جنگ.

۲ـ عودت مهاجرین به خانه هایشان.

۳ـ آزادی اسراء.

هم چنین آنان مشکلات مردم مناطق غرب کابل را مفصلا بیان داشته و برای رفع آن مشکلات از استاد مزاری طالب رهنمود و هدایت شدند.

آنگاه استاد مزاری، از احساس مسئولیت اعضای این شورا، که برادروار می‌خواهند مشکلات مردم غرب کابل را بررسی کنند اظهار داشت: ما هیچ وقت طرفدار جنگ نبودیم و هر وقت صدای برای قطع جنگ بلند شده است به آن جواب مثبت دادیم و هر کس که برای صلح پیش ما، آمدند آن را ستودیم، چند وقت قبل اعضای شورای آزادگان انقلاب اسلامی آمدند و گفتند: جنگ باید قطع شود و من برای آن‌ها از طرف خود اطمینان کامل دادم که شما هر تصمیمی که برای ایجاد صلح بگیرید ما قبول داریم و حالا که شما اقدام به چنین کاری نموده‌اید و هر قدمی که برای ایجاد صلح و ثبات بردارید ما استقبال می‌کنیم.

استاد مزاری افزود: تا آنجا که مربوط به ما می‌باشد، شما هر راه عملی را برای ایجاد صلح پیشنهاد کنید ما قبول داریم، منتهی صلح از یک طرف به وجود نمی‌اید شما باید با طرف مقابل هم بنشینید و مذاکره کنید که تا چه اندازه حاضر به همکاری هست. ما با هر راه که صلح را در غرب کابل برقرار کند موافق هستیم.

آقای سیاف خواست که (نیروی حزب اسلامی) حکمتیار بین ما حایل باشد، ما قبول کردیم. باز گفتند مستقیم مذاکره کنیم ما قبول کردیم، آقای سیاف این مسأله را هم رد کرده گفت: باید جمعیت میان ما و شما حایل شود باز هم قبول کردیم و (کمیسیونی تشکیل شد) ولی در این اواخر این کمیسیون را آقای سیاف رد کرد. حالا اگر شما

بتوانید برطرف مقابل، بقبولانید که حاضر به آتش بس و صلح شود از طرف ما هیچ مانعی وجود ندارد.

لازم به تذکر است شورای صلح روز پنجشنبه ۲۹ میزان ۱۳۷۲ از سوی موسفیدان مناطق گذرگاه، چهل ستون، چهار قلعه، قلعه‌ی شاده، کارته سخی، دشت آزادگان، کارته سه و چهار، تشکیل شد و برای استقرار صلح در این مناطق با رهبران جهادی ملاقات خواهند نمود و در قدم اوّل این دیدارها، قبل از ظهر روز شنبه با استاد مزاری ملاقات کردند.

دیدار عده‌ی از محاسن سفیدان و متنفذین منطقه‌ی علاءالدین با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی قبل از ظهر روز دوشنبه مورخ ۱۳۷۲/۸/۳ جمعی از متنفذین و محاسن سفیدان اهل سنت منطقه‌ی علاء الدین را، به مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی به حضور پذیرفت و با آنان ملاقات نمود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این ملاقات چند تن از حاضرین طی سخنانی از اقدامات مسئولین حزب وحدت اسلامی در امر ایجاد امنیت برای ساکنین مناطق تحت کنترل این حزب تشکر نموده و در رابطه با مشکلات آن منطقه از مقام دبیر کل این حزب، طالب هدایت و رهنمود گردیدند.

سپس استاد مزاری، با بیان این نکته که حزب وحدت اسلامی برخواسته از متن مردم مستضعف کشور است اظهار داشتند: تمام سعی و تلاش حزب وحدت و مسئولینش این است تا زمینه‌ی آسایش و زندگی مسالمت آمیز را برای مردم فراهم کند و در این رابطه از هیچ کوشش فروگذار نخواهد کرد.

استاد مزاری هم چنین با ذکر این مطلب که مهاجرین (هر منطقه) باید به منازلشان بازگردند افزود: در مناطق که تحت کنترل حزب وحدت اسلامی باشند، در رابطه با ایجاد امنیت در مناطق، هر چه از ما ساخته باشد انجام خواهیم داد و به افراد فرصت طلب و کسانی که باعث ناامنی در مناطق (مسکونی) می‌گردند اجازه نخواهیم داد که

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۲، پنجشنبه ۱۳ عقرب ۱۳۷۲ش.

دست به آزار و اذیت مردم بزنند. استاد مزاری در رابطه با رفع مشکلات مردم علاء الدین به مسئولین ذی ربطه هدایات لازم را دادند.

ملاقات داکتر صادق مدبر و آقای واثق با دبیر کل حزب وحدت اسلامی استاد مزاری[1]

داکتر صادق مدبّر معین وزارت کار و امور اجتماعی و عضو شورای مرکزی حرکت اسلامی و آقای واثق رئیس اداره ۳۳ امنیت ملی بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۳۷۲/۸/۵ با حضور در اقامتگاه، استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی با وی ملاقات و گفتگو کردند.

به گزارش خبرنگار وحدت اسلامی در این دیدار داکتر صادق مدبّر و آقای واثق در ارتباط با مسایل امنیتی همشهریان کابل، مخصوصاً مناطق غرب کابل و هم یکپارچگی مردم، مطالبی را بیان داشتند.

سپس استاد مزاری، با برشمردن مصایب و مشکلاتی که بر مردم غرب کابل وارد شد، بر ضرورت تحکیم پایه‌های امنیت و آسایش این منطقه تأکید نمود و آن را اقدامی در جهت برقراری صلح و امنیت در سطح کشور خواند.

استاد مزاری، در ضمن، وحدت و همبستگی تمام نیروهای جهادی را در جهت استقرار حاکمیت مقتدر اسلامی (فرا) خوانده و استحکامات اخوت و برادری را بین نیروهای مربوط مردم مظلوم هزاره، برای احقاق و حقوق شرعیشان با اهمیت دانسته تأکید کردند.

دیدار جمعی از قومندانان ولایت هرات و بادغیس با استاد مزاری[2]

استاد مزاری، دبیر کل حزب وحدت اسلامی قبل از ظهر روز چهارشنبه ۱۳۷۲/۸/۵ جمعی از قوماندانان جهادی ولایات هرات و بادغیس را در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی به حضور پذیرفته و با آنان ملاقات نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار، نخست چند تن از

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۳، پنجشنبه ۲۰ عقرب ۱۳۷۲ش.

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۳، پنجشنبه ۲۰ عقرب ۱۳۷۲ش.

قوماندانان به نمایندگی از سایرین، پیرامون اوضاع سیاسی ولایت هرات و بادغیس صحبت نموده و از انحصارطلبی‌های بعضی از گروه‌ها شکایت نموده و آن را مغایر با روحیه‌ی جهادی و اسلامی دانستند. هم چنین در رابطه با پاره‌ی از مشکلات موجود در آن ولایات پرداخته خواستار هدایات و رهنمودهای لازم از سوی دبیر کل حزب وحدئت اسلامی گردیدند.

سپس استاد مزاری، با بیان این مطلب که در افغانستان دوران خود محوری‌ها پایان یافته اظهار داشت: که قضایای یک سال گذشته‌ی کابل، شاهد خوبی بر این مدعا است و کسانی که درک و فهم سیاسی داشته باشند باید از حوادث (یک ساله ی) کابل درس عبرت بگیرند و به منافع مردم و میهن فکر کنند.

در ضمن استاد مزاری، تأکید بر وحدت و یکپارچگی گروه‌ها و جریان‌های جهادی در رابطه با مشکلات ولایت هرات و بادغیس، هدایات مشخص و رهنمودهای لازم را ارائه داد.

دیدار شورای عالی آزادگان با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر دوشنبه ۱۳۷۲/۸/۱۰ اعضای شورای عالی آزادگان انقلاب اسلامی را در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی به حضور پذیرفته و با آنان ملاقات نمود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری حزب وحدت اسلامی در این دیدار، نخست محترم شاه آقا مجددی معاون وزارت تعلیم و تربیه دولت اسلامی و سخنگوی شورای عالی آزادگان انقلاب اسلامی، طی سخنانی خطاب به استاد مزاری اظهار داشت: به تعقیب ملاقات اعضای شورای عالی آزادگان با شما، انکشاف چشم گیری در عرصه‌های سیاسی کشور به وجود آمد که امروز شاهد برقراری امنیت نسبی در غرب کابل هستیم و در این باره تلاش‌های شورای عالی آزادگان را نمی‌توان نادیده گرفت.

آقای مجددی افزود: پس از قضیه‌ی سروبی و قطع برق شهر کابل، هیچ کسی نتوانست جریان برق را در کابل بازگرداند ولی شورای آزادگان دست به کار گردیده

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۴، پنجشنبه ۱۸ قوس ۱۳۷۲ش.

و پس از دیدارها و ملاقات‌های (متعدد) با قوماندانان آنجا، موفق گردید که جریان برق را به شهر کابل انتقال دهد و در این زمینه هیچ کس نمی‌تواند مدعی شود که باعث انتقال برق آن‌ها نیست.

آقای مجددی اظهار داشت: شورای آزادگان، من حیث یک امین و متعهد به آرمان‌های انقلاب اسلامی در این اواخر با وجود این که تلاش‌های وزارت خانه‌های موظف در امر فعال ساختن دانشگاه بی نتیجه ماند و از سوی صدارت عظمی وظیفه یافت که تا این امر مهم را به انجام رساند، به همین منظور ما ملاقات‌های با رئیس جمهوری آقای ربانی و آقای سیاف رهبر اتحاد اسلامی داشتیم و آن‌ها هم وعده دادند که هر گونه همکاری را در رابطه با فعالیت دانشگاه انجام خواهند داد.

آقای مجددی در ضمن با اشاره به طرح انتقال دانشگاه از غرب کابل به نقاط دیگر گفت: طرح انتقال دانشگاه و آغاز دروس در مناطق دیگر یک توطئه و فریب بوده ما طی جلسه‌ی که داشتیم شدیداً با این طرح مخالفت کردیم و گفتیم وقتی که ممکن است لیسه‌ها و مکاتب در دشت برچی فعال شود، چرا فعال شدن دانشگاه را در جای اصلی آن غیر ممکن جلوه می‌دهند.

آقای مجددی افزود: دانشگاه باید در جای اصلی خود فعّال شود و در این زمینه در قدم اوّل مسأله امنیت دانشگاه مطرح است که باید حزب وحدت اسلامی در آن فعالانه سهم بگیرد.

سپس استاد مزاری، دبیر کل حزب وحدت اسلامی ضمن تشریح اوضاع مناطق غرب کابل اظهار داشتند: در مرکز شهر سه یا چهار روز برق قطع شد همه را به عکس العمل واداشت ولی در غرب کابل ۱۸ ماه می‌شود که نه آب وجود دارد و نه برق، برادران آزاده به خاطر صبغه‌ی مردمی و اسلامی که دارند باید در این زمینه اقدامی می‌کردند ولی متأسفانه این کار را نکردند و فکر نمی‌کنم که پیش مردم جواب قانع کننده داشته باشند.

استاد مزاری، افزودند: در ملاقات قبلی که با برادران داشتم شما را صاحب اختیار خود قرار دادیم و گفتیم که در این منطقه برای برقراری صلح و آتش بس هر اقدامی که انجام بدهید و از طرف ما مسأله‌ای نخواهد بود. اگر جنگ بد است در تمام مناطق

بد است و برادرانی که برای انتقال جریان برق به سروبی می‌روند، حداقل برای آتش بس بین حزب وحدت اسلامی و اتحاد (سیاف) اقدام می‌کردید و با وجهه بی طرفی که دارید می‌توانستید موفق بشوید.

استاد مزاری، با اشاره به آتش بس ایجاد شده‌ی چند روز اخیر بیان داشتند: اقدام آقای محسنی قابل تقدیر و مورد حمایت کامل حزب وحدت اسلامی می‌باشد ولی با توجه به این که نیروهای آقای محسنی یک طرف درگیر، در جنگ است و شاید در بعضی موارد بیشتر از حزب وحدت با نیروهای اتحاد اسلامی درگیر بوده است هم نیروهای جمعیت اسلامی در کنار نیروهای اتحاد دیده شدند، به خاطر این منظورها نیروهای که خودشان درگیر هستند برای برقراری صلح و آتش بس مطمئین نیستند. لذا اگر برادران آزاده اقدام می‌کردند یقیناً مؤثر تمام می‌شد و هر آن، این اقدام صورت بگیرد کار خیر است و ما از آن حمایت می‌کنیم، چون طرفدار جنگ نیستیم (لذا) از هر اقدامی که در راستای ختم جنگ انجام گیرد استقبال می‌کنیم.

استاد مزاری، با اشاره به وقوع جنگ خطاب به آزادگان، اظهار داشتند: شما می‌توانید در جهت مهار کردن و خاموش ساختن آتش جنگ فعالیت نمایید زیرا اقداماتی که از سوی دو طرف درگیر در منطقه پلچرخی دیده می‌شود احتمال گسترش جنگ و کشانده شدن آن در شهر کابل می‌رود.

استاد مزاری، یادآوری کردند، برادران باید قبول کنند که جنگ حل کننده (مشکل) نیست چون اگر جنگ می‌توانست مسایل را حل کند باید، ده جنگی که به وقوع پیوست تا حالا مشکلات را حل می‌کرد ولی همه دیدیم که بر عکس بر مشکلات افزوده شد و باید برادران آزاده جدّی کار کنند و اقدام نمایند تا از گسترش جنگ جلوگیری شود.

استاد مزاری، با اشاره به مسایل امنیت و فعال شدن دانشگاه گفت: من عقیده ام این است و بارها هم گفتم که همه‌ی خسارات در افغانستان قابل جبران است اما خساراتی که از ناحیه‌ی بسته شدن دانشگاه و سایر مراکز علمی بر مردم وارد شده هرگز قابل جبران نخواهد بود. آنچه که مربوط حزب وحدت اسلامی است در رابطه با دانشگاه، از هیچ نوع اقدامی دریغ نکرده و نخواهد کرد، منتهی امنیت و سنگرهای در اطراف دانشگاه مربوط به ما نیست بلکه مربوط به همه‌ی این طرف‌های ذیدخل

در قضیه است اگر تصمیم گرفته شود که در تمام شهر کابل یک نفر نظامی باقی نماند، شما یک نفر مسلح ما را نخواهید دید و از شهر خارج می‌سازیم. ولی وقتی که سنگرهای در مقابل هم قرار دارند، منطقی نخواهد بود که از چندین طرف جنگ (فقط) یک طرف را بگوییم که سنگرهای خود را عقب ببرند و طرف دیگر در جای خود باقی بماند.

استاد مزاری، افزود: اگر شما بگویید منطقه را تخلیه کنید، ما حاضر هستیم این کار را انجام دهیم، ولی وقتی که مردم نتوانند احساس امنیت کنند و از کوه‌های اطراف دانشگاه برای آنان ایجاد ناامنی کنند، ما نمی‌توانیم خلاف خواسته و اراده‌ی مردم خود کاری را انجام دهیم و مردم ما باید اطمینان کنند که در این منطقه دیگر جنگی بالای آنان تحمیل نخواهد شد، در آن صورت ما قدم یک نفر نظامی را در ساحه‌ی دانشگاه و اطراف دانشگاه نخواهیم گذاشت.

استاد مزاری، در اخیر، به شورای عالی آزادگان انقلاب اسلامی توصیه نمود: تا مانند سایر نهادها آله‌ی دست دیگران قرار نگیرند و هم چنان بی طرف باقی بمانند و با افتخار انقلاب اسلامی به ایجاد صلح در کشور بیندیشند و (در این راستا) تلاش جدی کنند. بار دیگر استاد مزاری تأکید نمود که شورای عالی آزادگان، صاحب اختیار است و هر طوری که در جهت فعال شدن دانشگاه تصمیم اتخاذ کنند مورد توافق ما هست.

دیدار قومندانان جنبش ملی اسلامی افغانستان با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری، دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر روز پنجشنبه ۱۳۷۲/۸/۱۳ قوماندانان عالی رتبه‌ی جنبش ملی اسلامی افغانستان را در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی به حضور پذیرفته و در رابطه با اوضاع سیاسی و نظامی کشور بحث و تبادل نظر نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار که، دگر جنرال رئوفی دگر جنرال محمد همایون فوزی، دگر جنرال فقیر محمد و محمد اشرف شهکار مسئول فرهنگی و مطبوعاتی جنبش ملی اسلامی در کابل، شرکت داشتند نخست گزارشی از وضعیت ولایات شمال کشور توسط دگر جنرال رئوفی و همایون فوزی به استحضار

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۴، پنجشنبه ۱۸ قوس ۱۳۷۲ش.

دبیر کل حزب وحدت اسلامی رسانیده شد و ضمن توضیحاتی در رابطه با جنگ در ولسوالی تگاب، تأکید نمودند که جنبش ملی اسلامی در این درگیری‌ها کاملا بی طرف است و به نفع هیچ یک از اطراف درگیر وارد جنگ نخواهد شد.

سپس استاد مزاری، از مواضع عاقلانه و منطقی جنبش ملی اسلامی در قبال جنگ اخیر تگاب اظهار داشتند که باید تمامی تلاش‌های اطراف مؤثر و ذیدخل، برای مهار و قطع جنگ کنونی به کار گرفته شود. هم چنین استاد مزاری، تأکید نمود اطراف درگیر و جریانات مطرح در کشور روی مصالح علیای وطن اندیشیده و سعی‌شان را در جهت آبادانی کشور صرف نماید.

ملاقات حشمت اللّه مجددی با استاد مزاری[1]

داکتر حشمت اللّه مجددی برادر حضرت صبغت اللّه مجددی بعد از ظهر چهارشنبه ۱۳۷۲/۸/۱۴در حین ورود به کابل با حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان ملاقات و گفتگو نمود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این دیدار که در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی در قصر تاج بیک، انجام گرفت به علاوه‌ی داکتر حشمت اللّه مجددی، دگر جنرال محمد بلال قوماندان عمومی جبهه‌ی نجات ملی، قاضی صاحب مظفری، حاج سلیمان یاری، دگر جنرال محمد حکیم ایوبی، جنرال خان محمد خان و سر معلم صاحب غلام سخی از اعضای اجراییه جبهه‌ی نجات ملی افغانستان و آقای هاشمی قوماندان عمومی اپراتیفی حزب وحدت اسلامی شرکت داشتند، نخست داکتر حشمت اللّه مجددی سلام‌های گرم و برادرانه‌ی حضرت صاحب، صبغت اللّه مجددی (اوّلین رئیس جمهوری دولت اسلامی افغانستان) را تقدیم استاد مزاری نمود و ضمن ابراز تأسف شدید حضرت صاحب نسبت به آغاز درگیری‌ها در ولسوالی تگاب، اظهار داشت: جبهه‌ی نجات ملی افغانستان همواره مواضع مشخص و قاطع داشته و در این راستا در طرفداری از حق و انکسار باطل هیچگونه بیم را به خود راه نداده است. داکتر حشمت اللّه مجددی مواضع رهبر جبهه‌ی نجات ملی افغانستان را در قبال اوضاع

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۵، پنجشنبه ۱۸ قوس ۱۳۷۲ش.

کنونی کشور بیان داشته و اظهار داشت: رهبری جبهه‌ی نجات ملی افغانستان بدون در نظر داشت مسایل قومی، نژادی، مذهبی و حزبی همیشه از موضع گیری‌های عاقلانه و مدبرانه‌ی رهبری حزب وحدت اسلامی حمایت کرده و از حضور مسلم و مشروع حزب وحدت اسلامی در تمام عرصه‌ها قاطعانه پشتیبانی کرده و از این پس نیز پشتیبانی خواهد کرد.

داکتر حشمت اللّه مجددی در اخیر پیام حضرت صاحب مجددی را تقدیم استاد مزاری نمود، سپس استاد مزاری، ضمن تقدیر و تشکر از پیام و سلام‌های برادرانه‌ی حضرت صاحب صبغت اللّه مجددی اظهار داشت: حزب وحدت اسلامی از متن جامعه‌ی محروم افغانستان برخواسته و هیچگاه بر خلاف خواست و اراده‌ی مردم خود تصمیم نگرفته است اگر درگیر جنگ‌های تحمیلی شده است به خاطر دفاع از همین مردم بوده است و هم چنین اوّلین حزبی بوده است که توافقنامه‌ی آتش بس را امضاء کرده است. باز هم به خاطر آرامش و امنیت عمومی مردم بوده است و در آینده نیز حزب وحدت اسلامی در پی اهداف والا و مقدس مردم افغانستان حرکت خواهد کرد.

استاد مزاری، افزود: مردم مسلمان و مسئولین حزب وحدت اسلامی، احترام خاصی نسبت به حضرت صاحب مجددی قایل هستند. چون ایشان از مواضع بر حق و منطقی حزب وحدت اسلامی حمایت کرده و در قبال شرایط موجود در کشور تصمیم مشخص، ثابت و مردمی اتخاذ نموده است.

استاد مزاری، در اخیر از آغاز جنگ و درگیری در تگاب اظهار نگرانی نموده و گسترش آن را به سایر مناطق به خصوص شهر کابل فاجعه آمیز خواند. در ادامه‌ی این دیدار روی سایر موضوعات ذیعلاقه‌ی دو طرف بحث همه جانبه صورت گرفته و توافقاتی نیز به عمل آمد.

ملاقات سفیر سودان در کابل با استاد مزاری[1]

آقای محمد ابراهیم سلیمان، سفیر دولت سودان در کابل قبل از ظهر روز پنجشنبه ۱۳۷۲/۸/۱۶ در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان با وی

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۵، پنجشنبه ۱۸ قوس ۱۳۷۲ش.

گفتگو و ملاقات نمود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این دیدار آقای محمد ابراهیم سلیمان سفیر سودان، ضمن اظهار خوش وقتی از دیدار با یکی از رهبران شناخته شده‌ی جنبش‌های آزادی بخش اسلامی گفت:

مردم و مسئولین دولت سودان به مجاهدین افغانی احترام دارند و به آنان با دید تعظیم می‌نگرند و برای استقرار اهداف مجاهدین که همان حکومت اسلامی است از هیچ نوع همکاری دریغ نخواهند کرد. آقای ابراهیم سلیمان به تشریح برنامه‌های آتی سفارت سودان در کابل پرداخته و اظهار داشت:

در قدم نخست ما تصمیم داریم با رهبران جهادی ملاقات کنیم و طی این ملاقات‌ها از آنان خواهیم خواست که به منافع جهان اسلامی و مسلمین بیاندیشند و با مذاکره و قبول یکدیگر مسایل خود را حل کنند و برنامه‌ی بعدی ما کمک و مساعدت کشور سودان به منظور بازسازی افغانستان است که در حد توان در این زمینه اقدام خواهد شد.

سفیر سودان در اخیر با اشاره به این که نزدیک کنفرانسی با شرکت جنبش‌های آزادی بخش اسلامی در خارطوم پایتخت سودان، به منظور بررسی مشکلات جهان اسلام دایر می‌شود، که دعوت نامه‌ی رسمی کنرانس را تسلیم استاد مزاری نموده و از وی خواست تا در کنفرانس آتی شرکت نمایند.

سپس استاد مزاری، از احساسات نیک مردم و مسئولین و دولت سودان نسبت به مردم افغانستان، تشکر نموده اظهار داشت: بعد از پیروزی مجاهدین در کابل، اوّلین هیأت خارجی که از افغانستان دیدار کرد هیأت سوداتی بود و این اقدام برادران، نشان می‌دهد که روابط نزدیک و دوستانه‌ای ما بین مردم و مسئولین کشور اسلامی سودان با مردم افغانستان است.

استاد مزاری، افزودند: دو ویژگی مهم و برجسته‌ی که دو ملت افغانستان و سودان را بیشتر به هم نزدیک می‌کند: یکی مبارزات ضد استعماری آن‌ها است که در عین محرومیت از امکانات اولیه‌ی مادی و معیشتی، علیه حکومت‌های استبدادی و تجاوزات خارجی دست به قیام زده و در نتیجه پیروز از میدان خارج شده است. مردم افغانستان

هم استعمار غرب یعنی انگلیس را شکست داد و هم (استعمار شرق یعنی) شوروی را.

ویژگی دوم مردم افغانستان و سودان، صبغه‌ی اسلامی دو ملت است. برای مردم ما، موضع گیری‌های اسلامی دولت سودان بسیار دلچسب می‌باشد، زیرا مردم ما نیز بیش از ۹۹٪ مسلمان هستند و برای استقرار حکومت اسلامی مبارزه کرده‌اند که با در نظر داشت این دو ویژگی می‌خواهیم روابط ما با دولت سودان گسترش پیدا کند.

استاد مزاری، با بیان این مطلب که امروز، روز بیداری مسلمانان است اظهار داشت:

کفر جهانی می‌خواهد این موج آگاهی مسلمانان را خاموش کند و ضروری است که کشورهای انقلابی و اسلامی در کنار هم علیه توطئه‌های استکبار جهانی بایستند.

استاد مزاری، در رابطه با تحولات افغانستان ادامه دادند: یکی از عوامل جنگ‌ها در افغانستان دخالت کفر جهانی در این کشور است و می‌خواهد جنگ در افغانستان ادامه یابد تا مردم از دست مجاهدین خسته شود و آن وقت حکومت دلخواه خود را پیاده کند (لذا) کشور سودان به عنوان یک کشور انقلابی و اسلامی باید اقدام کند و با رهبران جهادی افغانستان صحبت نماید و آنان را نسبت به وظایف خطیرشان متوجه سازد.

استاد مزاری، ضمناً از همکاری‌های دولت سودان در زمینه‌ی بازسازی کشور، تقدیر نموده و گفتند: همکاری مردم سودان در این زمینه اگر چه ناچیز باشد ولی برای مردم ما حائز اهمیت است، زیرا مردم سودان با تفکر اسلامی و برادری که دارند این کار را می‌کنند ولی تعدادی از کشورهای دیگر است که این تفکر را ندارند، اگر چه کمک‌های آن‌ها زیاد هم باشد و آن ارزش را ندارد.

استاد مزاری، در اخیر وعده داد که نمایندگان حزب وحدت اسلامی در کنفرانس شرکت خواهند کرد.

دیدار کمیسیون صلح اتحاد و وحدت با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری، دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر روز سه شنبه ۱۳۷۲/۸/۱۸ اعضاء کمیسیون صلح حزب وحدت اسلامی و اتحاد اسلامی را در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی به حضور پذیرفته و با آنان

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۵، پنجشنبه ۱۸ قوس ۱۳۷۲ش.

گفتگو نمودند.

خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی گزارش داد، در این دیدار که دگروال سعید و عبدالاحمد از جمعیت اسلامی و قوماندان اسحاق خان و سراج الدین از اتحاد سیاف، آقایان ذاکری و فیضی از حرکت اسلامی و حجت الاسلام اخلاصی و واثق از حزب وحدت اسلامی شرکت داشتند، نخست آقای اخلاصی عضو شورای مرکزی و نماینده‌ی حزب وحدت اسلامی در کمیسیون صلح، گزارشی از فعالیت‌های کمیسیون را ارائه داده و اظهار داشتند: هم اکنون چندین قرارگاه نظارت بر آتش بس به نقاط حاکم بر منطقه، در بند کوه چهل دختران، آبرسانی، تپه‌ی عقب سیلو، قلعه‌ی حیدر، کوته‌ی سنگی، قلعه‌ی واحد و آخر دشت آزادگان (برچی) مستقر شده‌اند و تا حدود زیادی موفق به کنترل درگیری شده اند.

سپس قوماندان اسحاق خان گفت: اعضای کمیسیون صلح باصفا و صمیمت تمام در صدد هستند از گسترش درگیری‌ها جلوگیری کنند و پس از تحکیم آتش بس در قسمت رهایی اسراء، بازگشایی راه‌ها و بازگشت مهاجرین به منازلشان تصمیم گرفته خواهد شد. قوماندان اسحاق خان ادامه داد، که البته اعضای کمیسیون صلح می‌خواهند تمام مسایل و مشکلات مربوط به افغانستان حل شود تا آنجایی که در توان آنان باشد اقدام خواهند کرد. قوماندان اسحاق خان از استاد مزاری خواهش نمود تا در مورد مسایل ذکر شده آنان را راهنمایی نماید.

سپس استاد مزاری، ضمن تقدیر از تلاش‌های اعضای کمیسیون صلح که توانستند طی چند روز اخیر، آتش بس نسبی را برقرار نمایند، بیان داشتند: متأسفانه طی یک سال گذشته حوادثی به وقوع پیوست، اگر کفر جهانی هر قدر امکانات و نیروی خود را مصرف می‌کردند تا اسلام و جهاد را بد نام کند تا این اندازه نمی‌توانست موفق شوند که خود مسلمانان به جهاد و اسلام ضربه زدند. جهاد غرور آفرین مجاهدین افغانستان برای مسلمان جهان این امیدواری را به وجود آورده بود که پس از استقرار حکومت اسلامی در افغانستان، این انقلاب گسترش پیدا کند و مسلمانان را بیدار نماید، متأسفانه عملکردهای مسئولین دولتی و جهادی یک بار دیگر ثابت کرد که مردم افغانستان قادر هستند که فقط خوب بجنگند، ولی متأسفانه رهبران سیاسی و جهادی غالباً در درک

درست مسایل و مشکلات دچار ضعف‌های می‌باشند (که جبران ناپذیر است).

استاد مزاری افزود: ملت افغانستان، ملت بیست سال پیش نمی‌باشد، باید مظالمی که در آن زمان صورت می‌گرفت و وجود داشت امروز از بین برود. اگر مظالم گذشته تغییر بکند باید به ملیت‌های محروم حقوق‌های در نظر گرفته شود تا آنان قناعت کنند که افتخار چهارده سال جهاد مربوط همه است.

استاد مزاری، با ذکر این نکته که تجربه‌های تلخ گذشته را نباید دوباره آزمود، بر سخنانش ادامه دادند که: پیش از کودتای مارکسیستی مردم افغانستان این قدر ظلم و جور حکومت‌های وقت (گذشته) را دیده بودند که مجبور شدند به دامن مارکسیست‌ها پناه ببرند، اگر ظلم و استبداد رژیم (کمونیستی) حاکم بر کابل نمی‌بود تعداد زیادی از مردم از آن رژیم حمایت می‌کردند، ولی ظلم و ستم و ضدیت آنان با اسلام، مردم را وادار به انقلاب و جهاد نمود.

امروز هم، نباید واقعیت‌های انکارناپذیر جامعه را نادیده گرفت (مثلا) بعد از آن که عفو عمومی اعلام شد نباید با بازماندگان رژیم گذشته رفتار استبدادی نمود. یک واقعیت دیگر این است که برادران ما، در دوران جهاد و حکومت موقت حضور و سهم مردم هزاره و تشیع افغانستان را انکار می‌کردند، و این (حق و واقعیت) را نادیده می‌گرفتند، متأسفانه این تجربه‌ی شکست خورده را یک بار دیگر آقای سیاف و مولوی محمدی در تدوین قانون اساسی موقت به کار بردند که باز هم تجربه‌ی شکست، تلخ تر گردید و این کار آنان نه اسلامی بود، نه منطقی و نه ملی، آن‌ها با چه توجیه شرعی و عقلی مردم ما را نادیده گرفتند؟ ما در اوایل پیروزی مجاهدین که مردم ما در حکومت تشکیل شده در پاکستان نادیده گرفته شدند، می‌توانستیم از ورود حضرت صاحب به کابل جلوگیری کنیم، همین نیروی که حالا داریم در آن زمان نیز داشتیم ولی ما روی مصالح ملی افغانستان فکر می‌کردیم و این را خیانت ملی می‌دانیم، در این حال (آیا) برای آن‌ها ایجاب می‌کرد که بدون نظر و خبر، ما را حذف کنند؟ آیا این واقع بینانه بود؟ در صورتی که در کابل، نصف شهر در اختیار ما است. ما در جنگ با انگلیس و روس‌ها اثبات کردیم که از همه بیشتر به فکر منافع ملی و اسلامی کشور خود می‌باشیم. در طول تاریخ، یک نفر هزاره را نمی‌توانید بیابید که پای یک توافق نامه

را که خیانت ملی شمرده شود امضاء کرده باشد. در دوران روس‌ها هم بیایید یک نمونه را اثبات کنید که بیست نفر هزاره‌ی مسلح به دولت پیوسته باشد، در صورتی که در هرات پنج هزار نفر تسلیم دولت می‌شدند در این صورت چگونه ممکن است که مردم ما در تصمیم گیری‌ها شریک نباشند و مذهب‌شان به رسمیت شناخته نشود؟

این مسأله‌ای است که تا واقعیت‌ها در افغانستان پذیرفته نشود مشکل افغانستان حل نخواهد شد، کی دنبال حل مسایل رفته که حل نشده است؟ ولی برادران به جای حل مسایل آگاهانه یا ناآگاهانه در صدد مشکل ایجاد کردن هستند؟! طی یک سال گذشته آقای حکمتیار صدر اعظم بود و حزب وحدت به عنوان یک حزب جهادی، یک پول افغانی برای نیروهای جهادی خود نگرفته است (و از طرف دیگر می‌دانیم) تمام بودجه‌ی وزارت دفاع صرف یک گروه مشخص شده است. وقتی که برادران این گونه عمل کنند، طبیعی است که مشکل حل نمی‌شود بلکه هر روز معضله‌ی تازه‌ای خلق می‌شود.

استاد مزاری، با توجه به عملکرد یک سال گذشته‌ی آقای ربانی و انجنیر حکمتیار گفت: آنان تجربه‌ی خود را دارند، وقتی که می‌بینند برای کشور نمی‌توانند خدمت کنند بیایند شجاعت به خرج بدهند و به خاطر مصلحت جامعه و کشور از پست‌های خود استعفا بدهند تا یک دولت بی طرف تشکیل شود و زمینه‌ی برگزاری انتخابات را فراهم سازد.

نجیب، با توجه به اعمال (ننگین) گذشته‌اش در آخر بسیار آبرومندانه کار کرد، با اینکه اردوی منظم کشور در اختیارش بود و می‌توانست مدت‌ها مقاومت کند و اکثر گروه‌ها نیز طرح «بنان سوان» نماینده‌ی سازمان ملل را قبول کرده بودند و با وجود همه‌ی این مسایل حاضر به استعفا گردید، ولی در حال حاضر تنها از دولت و وزارت دفاع نام است، نه اردوی منظم است و نه حاکمیت نسبی.

استاد مزاری، افزودند: در آخر، سازمان ملل حکومتی را بر ما تحمیل خواهد کرد و از افغانستان نیز سومالیای دیگر خواهد ساخت. پس بهتر است رهبران جهادی و مجاهدین و احزاب خود اقدام کنند و بیشتر از این منافع علیای کشور را فدای منافع شخصی خود نکنند.

استاد مزاری، از آتش بس ایجاد شده اظهار خوش وقتی نمود و درباره‌ی مجازات متخلفین، بازگشت مهاجرین و رهایی اسراء، بازگشایی راه‌ها اظهار داشتند: نمایندگی حزب وحدت اسلامی در کمیسیون صلح از صلاحیت عام و تام برخوردار هستند و در این زمینه به هر توافقی که برسند، توافق ما به حساب می‌اید و تا آخرین لحظه حمایت خواهیم کرد.

دیدار دگر جنرال فوزی با استاد مزاری[1]

استاد مزاری، دبیر کل حزب وحدت اسلامی روز چهارشنبه ۱۳۷۲/۸/۱۹ دگر جنرال محمد همایون فوزی معاون جنبش ملی اسلامی و قوماندان نیروهای جنبش در کابل را، در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی به حضور پذیرفته و با وی ملاقات و گفتگو نمود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این ملاقات که مسئول نظامی حزب وحدت اسلامی در مزار شریف نیز حضور داشت، نخست دگر جنرال فوزی گزارش مشروحی از جریان جنگ در شیرخان بندر را ارائه داد و اظهار داشت: نیروهای جنبش ملی اسلامی با کمک سایر نیروها در حال پیشروی به سوی شیرخان بندر می‌باشند. دگر جنرال فوزی در اخیر پیام ستر جنرال عبدالرشید دوستم رهبر جنبش ملی اسلامی افغانستان را تسلیم استاد مزاری نمود.

سپس استاد مزاری، از جریان درگیری‌ها در ولسوالی تگاب و ولایت قندوز اظهار تأسف نموده گفتند: اگر این همه نیرو و توان، در راه آبادانی و عمران کشور به کار گرفته می‌شد یقیناً قسمت‌های زیادی از وطن ویرانه‌ی ما آباد می‌شد، ولی متأسفانه هر روز بر خرابی و ویرانی‌ها با ایجاد چنین جنگ‌های افزوده می‌شود و خون‌های فرزندان میهن بدون کدام دستاوردی بر زمین می‌ریزد.

در ادامه‌ی این دیدار میان طرفین، جریان جنگ در ولسوالی تگاب و شیرخان بندر، بررسی گردید و بر ضرورت تحکیم روابط نزدیک بین احزاب و گروه‌های جهادی، به خصوص جنبش ملی اسلامی و حزب وحدت اسلامی در جهت برقراری صلح دایمی بر

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۵، پنجشنبه ۱۸ قوس ۱۳۷۲ش.

کشور، تأکید نمودند.

ملاقات نماینده‌ی یونیسف سازمان ملل با استاد مزاری[۱]

داکتر حمیدالله سیما، نماینده‌ی سازمان یونیسف ملل متحد در کابل قبل از ظهر روز جمعه ۱۳۷۲/۸/۲۱ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی با وی ملاقات و گفتگو نمود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار، نخست داکتر حمیدالله سیما، گزارشی از جریان فعالیت‌های سازمان مذکور را به اطلاع دبیر کل حزب وحدت رسانید و تصمیم آن سازمان را مبنی بر تأسیس یک مرکز جهت نگهداری و تربیت کودکان بی سرپرست در غرب کابل اعلام کرد و در این زمینه خواستار همکاری همه جانبه بین حزب وحدت اسلامی و یونیسف گردید.

استاد مزاری، ضمن تقدیر از اقدامات انسان دوستانه‌ی سازمان‌های مربوط به ملل متحد در افغانستان به خصوص شهریان مسلمان و مظلوم کابل و با تشریح وضعیت غرب کابل آمادگی کامل حزب وحدت اسلامی را برای همکاری سازمان‌های خیریه‌ی به خصوص سازمان یونیسف ملل متحد اعلام کرد.

ملاقات نمایندگان مردم بهسود با استاد مزاری[۲]

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری، دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر روز سه شنبه ۱۳۷۲/۹/۸ تعدادی از نمایندگان و محاسن سفیدان ولسوالی بهسود ولایت میدان را در مقر مرکزی این حزب به حضور پذیرفتند و با آنان ملاقات و گفتگو نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار، آقای عبدالرحمن خان، اسکندر خان، علیخان راغب، مظفر زاده و دگروال بوستانعلی شرکت داشتند، نخست یک تن از حاضرین گزارش مشروحی از وضعیت موجود در ولسوالی بهسود را تقدیم استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی نمود و با اشاره به محرومیت‌ها و ظلم‌هایی

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۵، پنجشنبه ۱۸ قوس ۱۳۷۲ش.

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۶، پنجشنبه ۲ جدی ۱۳۷۲ش.

که در دوران حکام جور گذشته بر مردم افغانستان به خصوص هزاره جات روا داشته شده بود، اظهار امیدواری کردند که با پیروزی انقلاب اسلامی تحول عمده و اساسی در زندگی مردم هزاره جات به وجوداید آنان در اخیر در رابطه با پاره‌ی از مشکلات و مسایل مربوط ولسوالی بهسود از مقام رهبری حزب وحدت اسلامی طالب هدایت و دستور لازم گردیدند.

سپس استاد مزاری، ضمن تقدیر از احساسات نیک مردم بهسود اظهار داشت: وقتی تاریخ ملت‌ها به خصوص قصص قرآنی را در رابطه با نجات و فروپاشی اقوام مطالعه می‌کنیم پی می‌بریم که خود مردم نقش اساسی را در تغییر سرنوشت خود بازی کرده اند.

استاد مزاری، افزودند: با توجه به نقش مردم ما در دوران جهاد و دفاع مردانه، امیدوار هستیم که دیگر دوران ظلم و استبداد بر مردم ما پایان یابد و هدف عمده‌ی ما این است که هزاره‌ها از این پس آزاد باشند و کسی جرأت پیدا نکند که به آن‌ها ریاست کند و آن‌ها را تحقیر نمایند. و ما می‌خواهیم هزاره، هزاره باشد و کسی این (کلمه) راننگ نداند، همان طوری که برای پشتون، پشتون بودن و برای تاجیک، تاجیک بودن ننگ نیست، هزاره بودن هم نباید ننگ باشد. ما چوکی و ریاست از کسی نمی‌خواهیم، تصمیم داریم مانند دیگران، مردم ما از حقوق حقه‌ی خود برخوردار باشند.

استاد مزاری، در ادامه‌ی سخنانش فرمودند: حزب وحدت اسلامی به عنوان مدافع ملیت‌های محروم و مظلوم افغانستان در این راستا حرکت می‌کند و مانند گذشته از سیاست‌های اصولی و اسلامی خود دفاع خواهد کرد.

استاد مزاری، در اخیر رهنمودها و هدایات لازمه را در رابطه با مسایل مطرح شده توسط حاضرین، صادر نمود.

ملاقات نایب سفیر فرانسه با استاد مزاری[1]

استاد عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی بعد از ظهر روز سه شنبه ۱۳۷۲/۹/۱۶ نایب سفیر فرانسه را در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی به حضور

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۶، پنجشنبه ۲ جدی ۱۳۷۲ش.

پذیرفته و با وی دیدار و گفتگو نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار، نخست نایب سفیر فرانسه از جریان جنگ‌های جاری در افغانستان ابراز تأسف نموده و اظهار کرد: با پایان یافتن اختلافات زمینه‌ی عمران و بازسازی افغانستان فراهم‌اید و ضمناً آمادگی کشور متبوعش را برای بازگشایی سفارت و ارسال کمک‌های صحی و بازسازی افغانستان، اعلام کرد.

سپس استاد مزاری، از حسن نظر مسئولین و مردم فرانسه نسبت به مردم زجر دیده‌ی افغانستان تقدیر نموده، مواضع حزب وحدت اسلامی را تشریح نموده گفت: راه حل کنونی افغانستان این است که با استعفای رئیس جمهور و صدر اعظم، دولت موقت تشکیل شده و زمینه‌ی را برای تشکیل اردوی ملی اسلامی و انتخابات آزاد و مستقل که در آن همه‌ی ملیت‌های ساکن در افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را داشته باشند، فراهم سازد.

استاد مزاری، افزود: حزب وحدت اسلامی، مردمی‌ترین حزب افغانستان است و هیچ دولت خارجی در سیاست گزاری‌های آن، دخالت ندارد و موضع گیری‌های این حزب نیز، بر اساس حفظ منافع مشترک تمام افغان‌ها استوار است و به همین منظور جنگ را در کشور راه حل ندانسته و آن را بر خلاف خواست و اراده‌ی قاطبه‌ای مردم افغانستان می‌داند.

استاد مزرای، از اعلام آمادگی کشور فرانسه برای اعمار افغانستان تشکر نموده و اظهار امیدواری نمود تا خاتمه‌ی جنگ و استقرار یک حکومت باثبات در افغانستان روابط ملت افغانستان و فرانسه در راستای احترام متقابل بیش از پیش گسترش و تحکیم یابد.

ملاقات دگر جنرال فوزی با استاد مزاری[1]

دگر جنرال محمد همایون فوزی معاون قومندان عمومی گارد جنبش ملی اسلامی قبل از ظهر چهارشنبه ۱۳۷۲/۹/۱۷ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری با وی دیدار و

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۶، پنجشنبه ۲ جدی ۱۳۷۲ش.

گفتگو نمود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این دیدار دگر جنرال فوزی از وضعیت شمال کشور گزارش مشروحی را ارائه داده و پیام ستر جنرال عبدالرشید دوستم رهبر جنبش ملی اسلامی افغانستان را تقدیم دبیر کل حزب وحدت اسلامی نمود.

سپس استاد مزاری، از پیام دوستانه‌ی رهبر جنبش ملی اسلامی تشکر کرده و اظهار امیدواری نمود که قضایای جاری کشور از راه مفاهمه و با درک موقعیت حساس کنونی کشور و مردم حل گردد. در این دیدار روی موضوعات ذیعلاقه‌ی دو طرف بحث و تبادل نظر صورت گرفت و بر استحکام و گسترش روابط برادرانه‌ی دو جریان تأکید به عمل آمد.

ملاقات محمد همایون جریر و ارغندیوال با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۳۷۲/۹/۱۸ آقای محمد همایون جریر و ارغندیوال، فرستادگان محترم انجنیر حکمتیار صدر اعظیم دولت اسلامی و رهبر حزب اسلامی افغانستان را در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی به حضور پذیرفته و با آنان ملاقات و گفتگو نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار نخست فرستادگان مخصوص انجنیر حکمتیار گزارش مفصلی از جریان جنگ در ولسوالی تگاب را به استحضار دبیر کل حزب وحدت اسلامی رسانید و ضمن تقدیم پیام انجنیر حکمتیار به استاد مزاری، در رابطه با تأمین امنیت مسافرینی که در مسیر راه کابل ـ غزنی از سمت چهار آسیاب و لوگر رفت و آمد می‌کنند اطمینان دادند که مقامات حزب اسلامی، موضوع را دقیقاً مورد توجه قرار داده و فعلا امنیت کامل راه در این مسیر برقرار می‌باشد.

سپس استاد مزاری، از توجه مسئولین حزب اسلامی نسبت به تأمین امنیت مسیر کابل ـ غزنی و پیام برادرانه‌ی انجنیر گلبدین حکمتیار تشکر کرده و از درگیری و

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۶، پنجشنبه ۲ جدی ۱۳۷۲ش.

بمباران مناطق مسکونی ولسوالی تگاب اظهار تأسف نمودند. در این ملاقات همچنین روی موضوعات مورد علاقه‌ی دو طرف، بحث و تبادل نظر صورت گرفت.

ملاقات نایب سفیر هند با استاد مزاری[۱]

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر روز شنبه ۱۳۷۲/۹/۲۰ نایب سفیر دولت هند در کابل را در مقر مرکزی آن حزب، به حضور پذیرفته و با وی ملاقات و گفتگو نمود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار نایب سفیر هند آمادگی کشور متبوعش را برای همکاری در زمینه‌ی بازسازی و ساختار اقتصادی افغانستان، اعلام داشت و ضمن تقدیر از سیاست‌های صلح جویانه‌ی حزب وحدت اسلامی ابراز امیدواری نمود که با قطع جنگ و استقرار صلح دایمی در کشور، همه انرژی و امکانات، برای بازسازی افغانستان صرف شود.

سپس استاد مزاری، از حسن نظر ملت و دولت هند نسبت به مردم افغانستان تقدیر نموده، از مشترکات فرهنگی دو ملت در گذشته‌های دور تاریخ به نیکی یاد نموده و ابراز امیدواری کرد که با استقرار صلح در افغانستان روابط بین دو کشور بیش از گذشته گسترش یابد. در ادامه‌ی این دیدار دو طرف روی سایر موضوعات ذیعلاقه بحث و تبادل نظر همه جانبه به عمل آوردند.

ملاقات موسفیدان و نمایندگان منطقه‌ی افشار با استاد مزاری[۲]

جمع زیادی از نمایندگان و محاسن سفیدان منطقه‌ی افشار شهر کابل، قبل از ظهر ۱۳۷۲/۹/۲۰ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان با وی دیدار نمودند و خواهان مجازات خائنین افشار گردیدند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار، ابتداء یک تن از حاضرین آیاتی از کلام اللّه مجید قرائت کرد و سپس علیخان به نمایندگی از حاضرین طی سخنانی نخست تشریف آوری اعضایی شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی را به

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۶، پنجشنبه ۲ جدی ۱۳۷۲ش.

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۶، پنجشنبه ۲ جدی ۱۳۷۲ش.

کابل خیر مقدم گفته و اظهار امیدواری نمود که تحت قیادت مقام رهبری حزب وحدت اسلامی بتوانند مصدر خدمات ارزنده و ارزشمند برای این حزب و مردم خود باشند. وی با برشمردن مشکلات اهالی افشار که در نقاط دیگر پراکنده می‌باشند یادآور شد، ما تمام مشکلات و مصایب را به جان می‌خریم و در قبال آن از مسئولین حزب وحدت اسلامی می‌خواهیم که در مورد تثبیت هویت ملی و بین المللی مردم ما تلاش نماید.

رئیس مراد علی نیز با اشاره به تجمع روز جمعه‌ی اهالی افشار در منطقه‌ی تایمنی اظهار داشت: در این تجمع تمامی مردم افشار بدون استثنا خواستار محاکمه و مجازات خائنین ملی فاجعه‌ی افشار شدند و حمایت و پشتیبانی قاطع خود را از تلاش‌های مسئولین حزب وحدت اسلامی مبنی بر دستگیری آنان اعلام داشتند.

متعاقباً استاد مزاری، ضمن اظهار خرسندی از ملاقات با نمایندگان و مو سفیدان افشار گفتند: مادر طول تاریخ از اینگونه قتل، غارت و مصیبت‌ها را دیده‌ایم و به خاطر مذهب و نژاد، مردم ما را مورد تحقیر قرار دادند ولی به خاطر استقامت و پایداری بی نظیر مردم در کابل، برای دنیا و افغانستان ثابت گردید که هیچ کس، با هیچ نیروی این مردم را از صحنه‌ی تصمیم گیری‌های آینده‌ی کشور نمی‌توانند حذف کنند و نادیده بگیرند.

استاد مزاری، با اشاره به حوادث تلخ هجده ماه گذشته در کابل اظهار داشتند: ما نمی‌گوییم که در افشار و چنداول صدمه ندیدیم، مردم ما شهید، زخمی و اسیر نشدند بلکه در طول ۱۸ ماه گذشته ما ۲۰۰۰ نفر شهید ۱۶۰۰۰ نفر مجروح و بیش از ۴۰۰۰ خانه ویران، داشته‌ایم ولی با وجود این همه مسایل و مصائب این نتیجه را نیز در برداشته است که حتی از کشورهای آمریکا، آلمان و دیگر کشورهای غربی به حزب وحدت اسلامی مراجعه نموده بگویند در طول ۱۴ سال گذشته اشتباه کردیم و نمی‌دانستیم که مردم هزاره و شیعه تا این حد حضور گسترده و قوی در افغانستان دارند و همگی آن‌ها آمادگی خود را برای کمک و اعمارمناطق هزاره جات اعلام کردند.

استاد مزاری، با بیان این نکته که در گذشته نیز از وضعیت اقتصادی خوبی برخوردار نبودیم اظهار داشتند: ما زندگی نوینی را آغاز کردیم و باید به احترام خون شهداء و مقاومت بی نظیر مردم خود آن را حفظ کنیم و با اعمال ذلیلانه نگذاریم این

افتخار و عزّت و آبرو، پایمال گردد.

استاد مزاری، با اشاره به فاجعه‌ی افشار افزودند: فاجعه‌ی افشار بسیار سخت و سنگین بود برای ما، و این حادثه در ادامه‌ی قتل عام‌ها و ظلم‌های گذشته صورت گرفت، ولی فرقش با گذشته این است که به برکت خون شهداء و توجه مردم ما اکثریت قاطع خائنین را دستگیر کردیم و مصمم هستیم که آنان را مجازات نماییم.

استاد مزاری، در اخیر مجدداً بر حفظ عزت و آبروی ملت مجاهد ما تأکید کرد و گفتند: امیدواریم با استقامت مردم مظلوم ما مذهب تشیع رسمی شود، چون اگر یک ملیت و یک مذهب، رسمی نباشد و در تصمیم گیری‌های کشور سهیم نباشند زنده نیست.

با ختم سخنان استاد مزاری، مو سفیدان و نمایندگان مردم افشار اعلام کردند، تمامی مال و جان ما فدای هدف‌های مقدس حزب وحدت اسلامی باد و باید مسئولین این حزب در راستای همین اهداف از هیچگونه تلاش و کوشش دریغ نورزند و مردم ما، مانند گذشته از سیاست‌های این حزب پشتیبانی خواهند کرد. هم چنین در این دیدار از سوی حاضرین پیشنهادهای مطرح گردید که مورد قبول استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی قرار گرفت.

دیدار استاد مزاری از بیماران شفاخانه‌ی کارته سه[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان بعد از ظهر یکشنبه ۱۳۷۲/۹/۲۱ با حضور در شفاخانه جراحی کارته ۳ از مجروحین و بیماران آن شفاخانه عیادت کردند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در حین دیدار استاد مزاری از بیماران در شفاخانه، حجت الاسلام و المسلمین استاد عرفانی، آقای اعلا رحمتی و هاشمی از اعضاء شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی و داکتران شفاخانه، وی را همراهی می‌کردند از احوال مجروحین و بیماران جویا شده و با تقدیم تحایفی برای آنان آرزوی صحت و سلامتی نمودند و هم چنین از بارگاه خداوند بزرگ استدعا کردند که

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۶، پنجشنبه ۲ جدی ۱۳۷۲ش.

بیماران هر چه زودتر صحت و سلامت خویش را باز یافته و از بیمارستان مرخص شوند.

خبرنگار ما علاوه می‌کند که داکتر عزیز رئیس شفاخانه کارته ۳ در ابتداء ضمن اظهار خرسندی از تشریف آوری دبیر کل حزب وحدت اسلامی، حضور ایشان را در شفاخانه، خیر مقدم گفت و ضمناً رئیس شفاخانه با ارائه گزارشی از فعالیت‌های پرسنل شفاخانه و عملکرد آنان در ارائه خدمات برای مردم گفت: تلاش ما همواره این است که برای نجات مریضان از هر نوع تلاش و کوشش دریغ نخواهیم کرد و با (وجود مشکلات موجود، خدمات و فعالیت‌های خود را) از نقطه‌ای شروع کردیم که مصدر خدمات بیشتری واقع شویم و در آینده نیز به تلاش‌های خویش در راه خدمات برای مردم ادامه خواهیم داد. نامبرده شفاخانه‌ی جراحی کارته ۳ را به عنوان شفاخانه‌ی ممتاز در سطح کشور یاد کرده وعده داد که بر ارائه خدمات به مردم وقفه‌ای پیش نخواهد آمد.

سپس استاد مزاری، در جمع داکتران و پرسنل شفاخانه‌ی مذکور با قدردانی از تلاش‌های شبانه روزی آنان در راستای خدمات طبی برای مردم ستمدیده گفتند: نجات مردم محروم و ستمدیده، مرهون زحمات شما است و من به وکالت از طرف حزب وحدت اسلامی و مردم از شما تشکر می‌نمایم و مسلماً در نزد خداوند اجر عظیمی خواهید داشت و دعای خیر این مردم همواره بدرقه‌ی راهتان باد.

استاد مزاری، افزود: برای مردم غرب کابل معلوم است که در روزهای جنگ تحمیلی بالای مردم، شفاخانه‌ی جراحی کارته ۳ تنها شفاخانه‌ی بوده است که مجروحین جنگی را در شدیدترین شرایط جنگی پذیرش و نسبت به تداوی آنان اقدام می‌نمود. دبیر کل حزب وحدت اسلامی در پایان اظهار امیدواری کرد که ارائه خدمات طبی برای مردم، بیش از پیش ادامه یابد.

ملاقات نمایندگان هیأت صلح با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۷، پنجشنبه ۱۶ جدی ۱۳۷۲ش.

بعد از ظهر روز شنبه ۱۳۷۲/۹/۲۳ نمایندگان هیأت صلح حوزه‌های ۱ ـ ۲ ـ ۵ ـ ۷ را در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی به حضور پذیرفته و با آنان دیدار و گفتگو نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار، تعدادی از حاضرین به نمایندگی از دیگران طی اظهاراتی گزارش داده و نظریات آقای سیاف را در رابطه با آتش بس ایجاد شده به استحضار استاد مزاری رسانیده و پیشنهادات شخص‌شان را تقدیم استاد مزاری نمودند.

سپس استاد مزاری، ضمن تقدیر از زحمات بی شائبه و صادقانه‌ی هیأت صلح، حوادث ۱۹ ماهه‌ی گذشته را مورد تحلیل و بررسی قرار داده و اظهار داشتند، مشکل افغانستان با جنگ حل نمی‌شود، باید واقعیت‌های انکارناپذیر جامعه را بپذیریم. امروز این یک واقعیت است. دوازده جنگ در غرب کابل تحمیل شد و جنگ اوّل را آقای سیاف به تاریخ ۱۴ جوزای سال ۱۳۷۱ آغاز کرد که ما آمادگی داشتیم تا سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره) را مراسم بگیریم، در همان روز جنگ را شروع کرد.

(شما می‌دانید که ما) امام را به عنوان یک رهبر مذهبی و رهبر اسلامی که انقلاب اسلامی ایران را به وجود آورد قبول داریم و منکر شده نمی‌توانیم، حتی در زمان نجیب، در رحلت امام خمینی (ره) مردم در کابل مراسم مذهبی و سخنرانی برپا می‌کردند و همین مردم بودند که بعد از ساقط شدن حکومت کمونیستی احساس نمودند که همراه این حزب وحدت اسلامی در سالگرد رحلت امام خمینی (ره) مراسمی داشته باشند و در این مراسم مرا، موظف نمودند که سخنرانی کنم، حالا باورتان می‌اید و وجدانتان قبول می‌کند که ما در آن روز، مراسم مذهبی خود را به هم بزنیم و جنگ را شروع کنیم...؟ این یک سند زنده‌ای است که آقای سیاف باید آن را جوابگو باشد.

استاد مزاری، با بیان این نکته که عقیده داریم از نظر اسلامی اسیرگیری مسلمان توسط مسلمان ناجایز است، اظهار داشت: وقتی که مردم ما را می‌گیرند و راهی برای رهایی آنان وجود ندارد، ما نیز مجبور می‌شویم که برای رهایی مردم خود نظامیان طرف‌های مقابل خود را بگیریم. آخرین باری که با اتحاد (سیاف) اسراء را مبادله کردیم آن‌ها از جمله یک بچه‌ی ده ساله را آزاد کردند، اگر مسأله این طور باشد، باید ما راهی را انتخاب کنیم تا مردم ما راضی باشند و ما تعهد سپرده‌ایم که خواست و

اراده‌ی مردم خود را تحقق بخشیم. لهذا اگر اسرای ما را آزاد کنند ما یک نفر را هم نگه نمی‌داریم.

استاد مزاری، در اخیر اطمینان دادند که آنچه مربوط حزب وحدت اسلامی می‌شود با تمام توان برای برقراری صلح تلاش خواهد کرد و در این راستا از اقدامات هیأت صلح پشتیبانی می‌نماییم.

ملاقات مسئولین تیم میوند با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۳۷۲/۹/۲۳ مسئولین و بازیکنان تیم فوتبال میوند را به حضور پذیرفته و با آنان دیدار و گفتگو نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی تیم فوتبال میوند در مسابقات گروپ ب، فوتبال کابل حایز مقام قهرمانی گردیده و فتح این دوره از مسابقات را از آن خود ساخته بود. روز دوشنبه در دیدار با استاد مزاری، آمادگی خود را برای تلاش بیشتر در زمینه‌ی ورزش و روحیه‌ی ورزشی به خاطر کسب افتخارات بیشتر برای ملت و مردم خویش اعلام داشتند.

در این دیدار یک تن از مسئولین تیم میوند ضمن ابراز خوش وقتی از ملاقات با استاد مزاری، (در مورد) چگونگی تشکیل و فعالیت تیم میوند اظهار داشت: در کلپ عده‌ای کثیری از جوانان روشنفکر با استعداد از تمام ملیت‌های ساکن در کشور عضویت دارند و در این کلپ رشته‌های پهلوانی تکواندو کونگفوتوا، والیبال و بوکس و جودو، وجود دارد و مربیان موجود با تلاش خستگی ناپذیر به تربیت صالح جوانان ما می‌پردازند، وی با اشاره به مسابقات اخیر گفت: که این سومین تیم فوتبال کلوپ میوند است که در بین ۱۷ تیم کابل حایز مقام قهرمانی گردیده و به گروپ الف فوتبال کشور راه یافت، وی در اخیر طول عمر و صحتمندی برای دبیر کل حزب وحدت اسلامی، پیروزی و موفقیت مجاهدین را از درگاه خداوند تمنا نمود.

سپس کاپ قهرمانی مسابقات اخیر تیم فوتبال میوند توسط ماما کبیر مسئول تیم

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۷، پنجشنبه ۱۶ جدی ۱۳۷۲ش.

میوند، به پاس فداکاری‌ها و پایمردی‌های استاد مزاری در صحنه‌های سیاسی، نظامی (صلح و آشتی ملی) تقدیم دبیر کل حزب وحدت اسلامی گردید.

و متعاقباً استاد مزاری، طی سخنانی از تلاش‌های بیوقفه‌ی ورزشکاران تیم میوند، تقدیر نموده گفتند: یک ملتی که بخواهد ملیّت خود را پیدا و تثبیت نمایند باید در همه‌ی صحنه‌های اجتماعی حضور داشته باشند، ورزش از نظر اسلام عامل سعادت جامعه می‌باشد چون وقتی که بدن سالم بود می‌توان گفت که جامعه در بعد جسمانی سالم است و هم چنین ورزش جنبه‌ی سیاسی نیز دارد و شما که هویّت سیاسی و اجتماعی مردمتان را تثبیت کرده‌اید قابل قدر هستید.

استاد مزاری، در بخش دیگر از سخنانش اظهار داشت: مردم ضرورت دارد که استعدادهای خویش را از قوت به فعلیت برساند که این یک ضرورت اجتماعی و ملی است و در این راستا باید تلاش صورت بگیرد.

استاد مزاری، در اخیر از ورزشکاران تیم میوند تقدیر کرد و برای آنان آرزوی توفیق نمود تا در راستای تثبیت هویت ملی و مذهبیشان بیش از پیش تلاش نمایند. استاد مزاری کاپ قهرمانی و دیپلم افتخار را که تیم میوند تقدیم وی کرده بود، دوباره به ماما کبیر، مسئول کلپ میوند اهداء نموده و یادآور شد که این کاپ حاصل تلاش‌های شما است و باید کلکسیون افتخارات میوند حفظ شود.

دیدار ریش سفیدان و محترمین ولسوالی ورس با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان روز یکشنبه ۱۳۷۲/۹/۲۸ محاسن سفیدان و متنفذین منطقه‌ی سرخ جوی، ولسوالی ورس از مربوطات ولایت بامیان را به حضور پذیرفته و با آنان ملاقات نمودند. در این دیدار نخست یک تن از حاضرین به نمایندگی از سایرین سلام‌ها و احترامات مردم ولسوالی ورس را خدمت استاد مزاری تقدیم نموده و در رابطه با بعضی از مشکلات که دامن گیر مردم منطقه است از استاد مزاری خواستار هدایت شدند.

سپس استاد مزاری، ضمن تقدیر از احساسات نیک حاضرین طی سخنانی وضعیت

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۷، پنجشنبه ۱۶ جدی ۱۳۷۲ش.

فعلی و مواضع حزب وحدت اسلامی را در قبال قضایای جاری تشریح نمودند. دبیر کل حزب وحدت اسلامی در قسمتی از سخنانش نقش مردم را جهت به ثمر رسانیدن انقلاب اسلامی و خنثی سازی توطئه‌های اجانب بعد از پیروزی، مهم توصیف کرده و فرمودند: حزب وحدت اسلامی با داشتن پشتوانه‌ی مردمی و بر اثر فداکاری‌های بی دریغ فرزندان ملت هزاره و تشیع، توانست در برابر توطئه‌های استعماری بیگانه ایستاده و از حیثیت و شرف و ناموس مردم و مذهب شیعه دفاع نمایند.

استاد مزاری، افزودند: که حزب وحدت اسلامی از همان آغاز طرفدار جنگ نبود و جنگ را به نفع مردم نمی‌داند اما وقتی امواج توطئه‌ها علیه این مردم از هر سو شروع شد مجبور گشت به خاطر دفاع از ارزش‌های اعتقادی مردم خود به دفاع برخیزد. و هم چنین اظهار امیدواری کرد: که وضعیت به وجود آمده کم کم به ثبات سیاسی بدل شود. در پایان راجع به مشکلات ارائه شده دستورات مقتضی را بالای مراجع مربوطه صادر فرمودند.

ملاقات نایب سفیر ترکیه با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر روز پنجشنبه ۱۳۷۲/۹/۲۹ نایب سفیر ترکیه را به حضور پذیرفته و با وی ملاقات و گفتگو نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این ملاقات که در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی انجام گرفت نایب سفیر ترکیه آمادگی کشورش را برای کمک به پروسه‌ی بازسازی افغانستان اعلام کرد. نایب سفیر ترکیه از مواضع صلح جویانه‌ی حزب وحدت اسلامی تقدیر نموده و اظهار امیدواری کرد، هر چه سریع تر جنگ‌ها در افغانستان پایان یافته و تلاش‌ها در جهت آبادانی کشور افغانستان صرف گردد.

سپس استاد مزاری، از حسن نظر دولت و مردم ترکیه نسبت به مسایل افغانستان قدردانی نموده گفتند: حزب وحدت اسلامی مردمی‌ترین حزب در افغانستان است تمامی سیاست گزاری هایش در راستای آرمان مردم افغانستان صورت می‌گیرد و

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۷، پنجشنبه ۱۶ جدی ۱۳۷۲ش.

هیچگاه جنگ را راه حل ندانسته و نخواهد دانست.

وی از اعلام آمادگی کشور ترکیه برای کمک به بازسازی افغانستان تشکر نموده، اظهار امیدواری نمود که در آینده روابط برادرانه‌ی دو ملت مسلمان بیش از پیش گسترش یابد.

ملاقات مسئول تنظیم نسل نو هزاره با استاد مزاری[1]

آقای حیدری مسئول تنظیم نسل نو هزاره، در کویته‌ی پاکستان، قبل از ظهر روز پنجشنبه ۱۳۷۲/۹/۲۹ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان، با وی ملاقات و گفتگو نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این دیدار آقای حیدری سلام‌های گرم مردم هزاره‌ی کویته را تقدیم استاد مزاری نمود و گزارشی از وضعیت زندگی آنان مشروحاً بیان داشتند و از استاد مزاری به عنوان فرزند عظیم و تاریخی جهان یاد کرده و اظهار داشتند: تمامی هزاره‌های مقیم کویته پشتیبان فرزندان افتخارآمیز حزب وحدت اسلامی می‌باشند.

سپس استاد مزاری، ضمن تقدیر از احساسات پاک هزاره‌های مقیم کویته و کمک‌های صادقانه‌ی آنان به مردم کابل، اظهار داشت: افتخاراتی که توسط مردم کابل نصیب ما شده است تنها مربوط کابل نمی‌شود بلکه همه‌ی مردم ما در هر نقطه‌ی از جهان باشد، در این افتخارات شریک هستند.

استاد مزاری، در تشریح مواضع حزب وحدت اسلامی در آینده‌ی کشور بهترین راه را، راه حکومت فدرالی دانسته افزودند: امتیازات با توجه به واقعیت‌های انکارناپذیر جامعه اتخاذ شده است و حزب وحدت اسلامی با دلایل کافی و مقنع این طرح را در مجامع تصمیم گیری کشور پیشکش خواهد کرد.

استاد مزاری، در اخیر با ذکر این نکته که افتخاراتی به دست آمده مرهون اتحاد و یکپارچگی مردم ما است از برادران مقیم کویته خواست تا با حفظ دست آوردهای سیاسی و نظامی خویش، در صحنه‌های سیاسی حضور داشته باشند.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۷، پنجشنبه ۱۶ جدی ۱۳۷۲ش.

ملاقات مسئولین ولایت میدان با استاد مزاری[1]

مسئولین حزب وحدت اسلامی و حرکت اسلامی ولایت میدان روز جمعه ۱۳۷۲/۱۰/۴ با حضور در اقامتگاه حجت الاسلام و المسلمین استاد عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان، با وی ملاقات و گفتگو نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار آقایان نوید مسئول شورای ولایتی، نوری، میر حسین محمدی و... از حزب وحدت اسلامی و آقایان حاجی فیضی، حاجی غفوری، سعیدی و...، از حرکت اسلامی شرکت داشتند.

نخست آقایان نوید و فیضی به ترتیب صحبت نموده ضمن ارائه گزارش از روند فعال ساختن واحدهای اداری ولایت میدان از مقام رهبری حزب وحدت اسلامی طالب هدایت و دستورات لازم گردیدند.

سپس استاد مزاری، ضمن ناسالم خواندن تشکیل واحدهای اداری سابق بر ضرورت تغییر آن واحدها و تشکیل واحدهای جدید تأکید نموده در این زمینه رهنمودهای لازم ارائه کردند.

ملاقات آقای همایون جریر با استاد مزاری[2]

حجت الاسلام و المسلمین استاد عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان بعد از ظهر روز جمعه ۱۳۷۲/۱۰/۴ آقای همایون جریر فرستاده‌ی ویژه‌ی انجنیر گلبدین حکمتیار صدر اعظم دولت اسلامی و امیر عمومی حزب اسلامی را در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی، به حضور پذیرفته و با وی ملاقات نمود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این ملاقات آقای جریر آخرین گزارش‌های از جنگ تگاب و موضع حزب اسلامی را مشروحاً بیان داشته و پیام انجنیر گلبدین حکمتیار را تسلیم دبیر کل حزب وحدت اسلامی نمود.

سپس استاد مزاری، ضمن تشکر از پیام دوستانه‌ای صدر اعظم دولت اسلامی اظهار امیدواری نمود که هر چه زودتر جنگ، خاتمه یافته و همه‌ی احزاب و جریان‌های اسلامی، با درک واقعیت‌ها برادروار در بازسازی خرابی‌های کشور شرکت نمایند.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۷، پنجشنبه ۱۶ جدی ۱۳۷۲ش.

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۷، پنجشنبه ۱۶ جدی ۱۳۷۲ش.

در ادامه‌ی این دیدار طرفین روی موضوعات ذیعلاقه بحث و تبادل نظر نموده و در استحکام روابط دوستانه بین تمام احزاب، به خصوص حزب وحدت اسلامی و حزب اسلامی در راستای ایجاد صلح سراسری در کشور تأکید کردند.

ملاقات سفیر ایران با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد عبدالعلی مزاری، دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر ۱۳۷۲/۱۰/۶ آقای حدادی سفیر کبیر جمهوری اسلامی ایران را در مقر مرکزی این حزب، به حضور پذیرفته با وی ملاقات و گفتگو نمود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این دیدار آقای حدادی مراتب تأسف ایران را از جنگ‌های کنونی ابراز داشته و آمادگی کشور متبوعش را برای کمک به مجروحین و آسیب دیدگان و تلاش در جهت برقراری آتش بس اعلام کرد.

سپس استاد مزاری، از توجه ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران، نسبت به مردم افغانستان و از تلاش آنان در جهت کمک به مردم مصیبت دیده‌ی شهر کابل تقدیر نمود.

دیدار متنفذین ولسوالی بهسود با استاد مزاری[2]

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر روز چهارشنبه ۱۳۷۲/۱۰/۸ جمعی از محاسن سفیدان و متنفذین مردم بهسود و ولایت میدان را به حضور پذیرفته و با آنان ملاقات نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این دیدار که جنرال علی اکبر قاسمی قوماندان فرقه‌ی ۹۵ حزب وحدت اسلامی نیز حاضر بود ارباب سلطان مجاهد، کلانتر قلی زاده، عبدالرحمن و آقای جعفری حضور داشتند، نخست جنرال علی اکبر قاسمی حاضرین را معرفی نموده و هدف از آمدن آنان را به کابل تشریح نمودند و سپس ارباب سلطان مجاهد، طی سخنانی از پایمردی و استقامت بی نظیر دبیر کل حزب وحدت اسلامی و مردم قهرمان کابل، طی بیش از یک سال گذشته تقدیر نموده

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۷، پنجشنبه ۱۶ جدی ۱۳۷۲ش.

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۸، پنجشنبه ۳۰ جدی ۱۳۷۲ش.

و آن را مایه‌ی مباهات و سربلندی فرزندان قوم، در داخل و خارج از افغانستان ذکر کرده و گزارشی از وضعیت مردم بهسود و آمادگی مردم آن ولسوالی را به منظور اجرای فرامین مقام رهبری حزب وحدت اسلامی در همه‌ی عرصه ها، اعلام کرد.

متعاقباً استاد مزاری، از احساس آنان تشکر نموده اظهار داشتند: مردم ما باید نسبت به سرنوشتشان حساس باشند و سرنوشت آنان نیز در کابل تعیین می‌شود، اگر در کابل مردم شکست می‌خورد در تمام مناطق هزاره جات مردم ما شکست می‌خوردند.

استاد مزاری، از مقاومت مردم کابل به نیکی یاد کرد و افزودند: مردم ما در کابل خوب مقاومت کردند و با تمامی توان از حیثیت خود دفاع نمودند و در آینده نیز وضعیت ثابتی برای آن، پیش بینی نمی‌شود باید مردم ما، حیثیت و هویت شانرا حفظ کنند و مسایل قومی و قبیله‌ای را نباید دامن بزنند چون از دیر زمان تا حال مشکلات ما همین اختلافات داخلی بوده است. مردم ما هم شهامت دارند و هم شجاعت، ولی همیشه دست دشمن در داخل مردم ما کار کرده و مردم ما را از داخل ضربه زده است. مردم باید متوجه باشند و به دشمنان اجازه ندهند که به نام وحدت و حرکت تفرقه ایجاد کنند، مردم ما باید آگاه باشند که دشمن موجودیت هزاره‌ها را نمی‌توانند تحمل کنند. (مسأله ای) وحدت و حرکت نیست، با این انگیزه حتی هزاره‌های سنی مذهب را نیز مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند.

استاد مزاری، ادامه دادند: که مردم ما در کابل در سال گذشته بیش از انتظار مقاومت کردند و هیچگونه اختلافی در صفوفشان دیده نمی‌شد و ما امیدواریم که به احترام خون شهداء این همبستگی و وحدت مانند سابق، دوام یابد.

استاد مزاری، در بخشی از سخنانش بیان داشتند: من از این احساس مسئولیت قوما، تشکر می‌کنم و جای خوش وقتی است که مردم ما امروز تمامی مسایل را به خوبی تجزیه و تحلیل می‌کنند، این موضوع باعث وحشت دشمنان ما است. کسانی که در گذشته منکر موجودیت ما بودند امروز می‌دانند که مردمی‌ترین حزب و قوی‌ترین نیرو را مردم ما دارند. در افغانستان احزاب زیادی وجود دارند، ولی تنها حزبی که به اعتراف دشمن مردمی‌ترین حزب افغانستان است، حزب وحدت اسلامی است. حتی

کسانی که عامل و مزدور دشمنان بودند در قضیه‌ی افشار، اعتراف نمودند که اشتباه کردیم ما فکر می‌کردیم که با سقوط افشار حزب وحدت اسلامی را از مردم تفکیک می‌کنیم، ولی قضیه‌ی افشار بر عکس شد و مردم بیشتر از قبل منسجم و یکپارچه شدند.

استاد مزاری، با بیان این مطلب که تمامی این افتخارات مال شما مردم است افزود: ما می‌خواهیم این افتخارات حفظ شود و دیگر هزاره بودن در افغانستان ننگ شمرده نشود و می‌خواهیم که با تثبیت هویت ما، مذهب ما، عنعنات ما رسمی شود، اگر مذهب و عنعنات ما، رسمیت داشته باشد، هویت ما نیز نادیده گرفته نخواهد شد.

استاد مزاری، در اخیر با اشاره به مشکلات مردم ما اظهار داشت: از بین بردن محرومیت ۲۵۰ ساله نیاز به قربانی و تحمل مشکلات دارد و تغییر حالت گذشته ممکن نیست مگر این که همه‌ی مردم ما احساس مسئولیت کنند و مانند ۱۸ ماه گذشته‌ی کابل، از موجودیت و حیثیت خود دفاع کنند و حافظ آبرو و دست آوردهای خون شهداء باشند و امیدواریم با این حماسه، روز اسارت‌های گذشته بر مردم ما تکرار نگردیده و محرومیت‌های گذشته جبران گردد.

دیدار سرپرست صلیب سرخ با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر امروز ۱۳۷۲/۱۰/۲۱ آقای «هاندرس» سرپرست کمیته‌ای بین المللی صلیب سرخ را در مقر مرکزی آن حزب، به حضور پذیرفته و با وی ملاقات و گفتگو نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار، نخست آقای هاندرس گزارش مشروحی از جریان فعالیت‌های کمیته صلیب سرخ را به اطلاع استاد مزاری رسانید و در قسمتی از سخنانش اظهار داشت: کمک‌های صلیب سرخ به شفاخانه‌های وزیر اکبر خان و کارته ۳ ادامه خواهد داشت و در شرایط کنونی کمک‌های ما به تمامی شفاخانه‌های که در شهر کابل فعال هستند می‌رسد. وی با اشاره به عملکردهای آن

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۸، پنجشنبه ۳۰ جدی ۱۳۷۲ش.

کمیته در سایر ولایات کشور گفت: پس از یک هفته؛ فعالیت «ارتوپدیک» و ساختن پاهای مصنوعی در شهر مزار شریف دوباره از سوی کمیته‌ی صلیب سرخ آغاز خواهد شد آقای هاندرس ضمن اعلام آمادگی کمیته‌ی صلیب سرخ مبنی بر کمک به مهاجرین جنگ‌های اخیر که در غرب کابل پناه آورده‌اند و ضمناً در رابطه با وضعیت سیاسی ـ نظامی کشور از مقام رهبری حزب وحدت اسلامی خواستار توضیحاتی گردید تا در آینده کمیته‌ی صلیب سرخ بر اساس آن تصمیم اتخاذ کند.

سپس استاد مزاری، از فعالیت‌های انسان دوستانه‌ی صلیب سرخ در طول ۱۸ ماه گذشته تشکر نموده و اظهار داشتند: در این شرایط که دیپلمات‌های خارجی شهر کابل را ترک می‌کنند، برای مردم افغانستان فداکاری‌های کارمندان صلیب سرخ، قابل تقدیر خواهد بود. به خصوص زحمات پرسنل کمیته‌ی صلیب سرخ برای مردم غرب کابل، که نصف جمعیت شهر را تشکیل می‌دهند و قسمت اعظم جنگ‌ها بر این مردم تحمیل شده است، خاطره‌ی فراموش نشدنی برای ما خواهد بود.

استاد مزاری، با اشاره به مشکلات مردم غرب شهر کابل از لحاظ درمانی افزودند در طول ۱۸ ماه گذشته تنها شفاخانه‌ی که جوابگوی نیازهای مردم بوده است، شفاخانه‌ی جراحی کارته ۳ بود و در این اواخر یک شفاخانه ۵۰ بستری به خاطر جلوگیری از امراض کلرا، به طور موقت به وجود آمده است.

استاد مزاری، در ادامه‌ی سخنانش فرمودند: به خاطر این که مردم ما نمی‌توانستند مریضشان را به داخل شهر برای تداوری انتقال بدهند در این اواخر یک شفاخانه‌ای از طرف مردم به وجود آمده است که کمیته‌ی صلیب سرخ می‌تواند با آن همکاری نموده کمک‌های انسانی خود را ارسال دارد.

استاد مزاری، در رابطه با مهاجرین جنگ‌های اخیر گفتند: طی روزهای اخیر بیش از چهار هزار نفر از مهاجرین مرکز شهر به مناطق غرب کابل در منازل شخصی مردم استقرار یافته‌اند و بیش از پانصد نفر در مساجد و مهمان خانه‌های که از سوی حزب وحدت اسلامی ترتیب یافته است پذیرایی می‌شوند که کمیته‌ی صلیب سرخ می‌تواند با هماهنگی شورای مساجد و اتحادیه تعاون اسلامی که در زمینه‌ی رسیدگی به مهاجرین فعالیت دارند کمک‌های خود را به آنان برساند.

استاد مزاری، نیز ادامه دادند که به علاوه‌ی مهاجرین، جمع کثیری از مردم مستقر در مرکز شهر، هنوز تعدادی از آن‌ها در مکروریان‌ها باقی مانده است که حزب وحدت اسلامی تاکنون بیش از دوازده هزار دانه نان برای مردم آن جا فرستاده است و آن‌ها روزانه، به دو هزار دانه نان نیاز دارند که ما آمادگی داریم در این زمینه با کمیته‌ی صلیب سرخ همکاری نماییم.

استاد مزاری، در رابطه با درخواست آقای هاندرس مبنی بر توضیح وضعیت سیاسی ـ نظامی افغانستان بیان داشت: هر دو طرف درگیر مصمم هستند جنگ را ادامه دهند مخالفین دولت ربانی خواستار استعفای وی می‌باشند و در صورت عدم استعفای آقای ربانی جنگ ادامه و گسترش خواهد یافت و هم اکنون در اطراف شندن و ولایت قندوز جنگ ادامه دارد و اسماعیل خان در مرز فاریاب نیرو فرستاده است و از طرف جنبش نیز نیروهای تحت امر رسول پهلوان در مقابل آنان قرار دارد. هم چنین جنرال دوستم به طرف قندوز نیرو فرستاده است و احتمال دارد دامنه‌ی این جنگ به ولایات تخار و بدخشان نیز برسد و برای بیرون رفتن از وضعیت جاری، ما از طرح سازمان ملل متحد حمایت می‌کنیم و جنگ‌های ۱۸ ماهه گذشته نشان داده است که جنگ حل کننده‌ی مسایل کشور نیست. باید هم آقای حکمتیار و هم آقای ربانی استعفاء بدهند و تحت نظر سازمان ملل و کشورهای همسایه، انتخابات آزاد با شرکت همه‌ی اقوام، احزاب و ملیت ها، اعم از زن و مرد برگزار گردد.

استاد مزاری، در بخش دیگر از صحبتهایش اظهار داشت: در طول زمامداری آقای ربانی بیش از ۲۵ جنگ در نقاط مختلف افغانستان بر مردم تحمیل شده، اگر آقای ربانی به فکر منافع علیای مردم و کشور باشد باید استعفاء کند.

استاد مزاری، در اخیر بار دیگر از فعالیت‌های کمیته‌ی بین المللی صلیب سرخ در کابل، تقدیر نموده و به خاطر اصابت راکت به مرکز آن کمیته در شهر کابل، آمادگی حزب وحدت اسلامی را برای در اختیار گذاشتن مکان مناسب، در غرب کابل برای آن کمیته اعلام نمود و افزود: نیروهای حزب وحدت اسلامی در غرب کابل، مرکز کشور (هزاره جات) و ولایات شمال کشور با تمام توان، با پرسنل صلیب سرخ همکاری خواهد کرد.

آقای هاندرس نیز در ا خیر بار دیگر از همکاری‌های رهبری و مجاهدین حزب وحدت اسلامی تشکر نموده اظهار داشت: در صورتی که وضعیت در مرکز شهر بدتر شود طبیعی است از شما کمک خواهیم گرفت.

دیدار هیأت ایرانی به سرپرستی آقای طاهریان و دیدار فرستاده‌ی ویژه‌ی رئیس جمهور و صدر اعظم پاکستان با دبیر کل حزب وحدت اسلامی استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر امروز ۱۳۷۲/۱۰/۲۲ هیأت ایرانی به سرپرستی آقای طاهریان و فرستادگان ویژه‌ی رئیس جمهور و صدر اعظم پاکستان را به طور جداگانه در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی به حضور پذیرفته و با آنان ملاقات نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در دیدار هیأت ایرانی که آقای حدادی سفیر ایران در کابل نیز حضور داشت، نخست آقای طاهریان از شرایط پیش آمده در شهر کابل تأسف عمیق مردم و مسئولین کشور را ابراز داشته و طرح‌های ایران برای استقرار صلح دائم را در افغانستان به اطلاع استاد مزاری رسانید و پیام کتبی داکتر علی اکبر ولایتی وزیر خارجه‌ی ایران را نیز تقدیم دبیر کل حزب وحدت اسلامی نمود.

در دیدار دیگر نیز فرستادگان ویژه‌ی رئیس جمهور و صدر اعظم پاکستان با استاد مزاری مراتب تأسف دولت و ملت پاکستان را از وضعیت حاکم بر کابل ابراز داشته و طرح صلح کشور متبوعشان را ارائه دادند که بر اساس آن آتش بس، روز جمعه ۱۳۷۲/۱۰/۲۴ برقرار شود و رهبران جریان‌های سیاسی برای مذاکرات همه جانبه و به خاطر حل معضلات افغانستان به اسلام آباد، پایتخت پاکستان گرد هم آیند. در ادامه‌ی این دیدار پیام کتبی آقای فاروق لغاری رئیس جمهور و بی نظیر بوتو صدر اعظم پاکستان تقدیم استاد مزاری گردید.

استاد مزاری، نیز طی این ملاقات‌ها موضع حزب وحدت اسلامی را مفصلا تشریح نموده و از عملکردهای آقای ربانی طی هجده ماه گذشته، اظهار تأسف نموده و اظهار

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۸، پنجشنبه ۳۰ جدی ۱۳۷۲ش.

داشت: با توجه به موضع گیری‌های آقای ربانی مبنی بر عدم استعفای وی از پست ریاست جمهوری قبول آتش بس، از سوی مخالفین آقای ربانی بعید به نظر می‌رسد ولی به نظر حزب وحدت اسلامی تنها راه حل، استعفای همزمان آقایان ربانی و حکمتیار، از پست‌های صدارت عظمی و ریاست جمهوری می‌باشد که به تعقیب آن باید حکومت موقت برای فراهم ساختن زمینه‌ی انتخابات عمومی فراهم آید.

لازم به تذکر است که آقای طاهریان با آقای حکمتیار و برهان الدین ربانی نیز ملاقات نموده است و پیام کتبی داکتر علی اکبر ولایتی وزیر خارجه‌ی جمهوری اسلامی ایران را تسلیم آنان نمود و هم چنین در ملاقات هیأت ایرانی پیام شفاهی آقای علی اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری اسلامی ایران به وی ابلاغ گردید.

دیدار مردم ده قابل با استاد مزاری[1]

جمع کثیری از متنفذین، مو سفیدان و روشنفکران ده قابل شهر کابل قبل از ظهر امروز ۱۳۷۲/۱۰/۲۵ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان با وی ملاقات و گفتگو نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این دیدار نخست آیاتی از کلام اللّه مجید قرائت گردیده، سپس مدیر حسین احمدی و مدیر محمد ساقی به نمایندگی از مردم ده قابل، صحبت نموده و با اشاره به موضع گیری‌های خردمندانه‌ی مقام رهبری حزب وحدت اسلامی، در طول ۱۸ ماه گذشته ثابت کردیم که با جان و مال خود از سیاست‌های حزب وحدت اسلامی حمایت و پشتیبانی می‌کنیم و در آینده نیز در کنار دبیر کل محبوب و قهرمان حزب وحدت اسلامی خواهیم بود و هم چنین آنان، انزجار و نفرت خویش را علیه معامله گران و کسانی که از آبرو و حیثیت مردم شجاع و بیدار هزاره، برای رسیدن به مال و مقام خویش استفاده می‌کنند ابراز داشته و از موضع بی طرفی حزب وحدت اسلامی در شرایط حساس کنونی کشور اظهار نگرانی نمودند.

استاد مزاری، ضمن تقدیر از احساسات نیک حاضرین نسبت به سرنوشت مردم و

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۲۹، پنجشنبه ۱۴ دلو ۱۳۷۲ش.

حزب‌شان اظهار داشت: این موضع برای ما بسیار با اهمیت است که ملت ما در حد بالایی از رشد سیاسی رسیده‌اند و درباره سرنوشت خود حساس هستند.

استاد مزاری، با اشاره به حوادث جاری که فعلا جریان دارد گفتند: ما قبل از انقلاب، برای ایجاد هماهنگی بین ملیت‌های محروم از جمله آقای ربانی و مسعود فعالیت داشتیم تا این که این هماهنگی به وجود آمد، وقتی که آقای ربانی و جمعیت اسلامی روی کار آمدند بر خلاف تعهدات خود عمل کردند و تا این‌ها روی کار نیامده بودند ما فکر می‌کردیم، عده‌ای از پشتون‌ها عامل تمامی ظلم‌ها در افغانستان هستند، ولی حکومت آقای ربانی ثابت کرد که ظلم و حق کشی اختصاص به یک قشر خاصی ندارد، هر کس به قدرت برسد تاکنون کمتر توانسته است خود را حفظ کند.

استاد مزاری، ادامه داد: آقای مسعود در ابتدا طرح ریخته بود که جنبش ملی اسلامی را علیه حزب اسلامی درگیر سازد و اتحاد اسلامی را علیه حزب وحدت اسلامی تا با آسانی بتواند حکومت کند. اما با تلاش‌های دلسوزانه‌ی حزب وحدت اسلامی تا حدی دشمنی‌های ایجاد شده در بین مردم و ملیت‌های افغانستان از بین رفت، بحمداللّه حزب وحدت اسلامی در تحکیم و ایجاد پیوند ملی در افغانستان نقش اساسی داشته است، پیوند ملیت‌های ساکن در کشور، یک موضوع حیاتی است باید تک تک مردم این موضوع را درک کنند.

استاد مزاری، با اشاره به عملکردهای آقای ربانی و مسعود اظهار داشت: ما مجبور شدیم برای آسایش مردم خود با دیگران رابطه برقرار کنیم و ارتباط با حزب اسلامی در راستای تحکیم وحدت صورت گرفته است و بر اساس آن شصت درصد مشکل مردم افغانستان حل گردید و دیگر پشتون، هزاره را دشمن خود نمی‌داند و هم چنین هزاره، پشتون را. مسأله‌ای دشمنی ایجاد شده بین پشتون و ازبک بود که این موضوع نیز بحمداللّه، اکنون رفع شده و از بین رفته است.

استاد مزاری، بر یکپارچگی حزب وحدت و مردم تأکید نموده افزودند: اگر این وحدت و انسجام مردم ما ادامه یابد در آینده هیچ کس نمی‌تواند حقوق ما را غصب کند و ما امیدوار هستیم با این همبستگی و احساس پاک، مردم ما سربلند زندگی کنند و از این حالت، بیرون بیایند و در تصمیم گیری‌های کشور نقش اساسی ایفا کنند.

دیدار استاد مزاری با اهالی افشار[1]

پس از ارائه گزارش‌های هیأت‌های مؤظف در جهت حل قضیه‌ی افشار و شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی قرار شد در این زمینه حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی، ضمن دیدار با اهالی منطقه‌ی افشار آنان را در جریان فعالیت‌های اخیر هیأت‌های مؤظف حزب وحدت اسلامی قرار داده و از آنان خواستند تا نظرشان را درباره‌ی رهایی اسراء بیان دارند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۳۷۲/۱۱/۱۴ صدها تن از مهاجرین منطقه‌ی افشار در مسجد عمرجان صاحب زاده‌ی قندهاری، واقع در پل سرخ برای شنیدن آخرین خبرها و تصامیم مربوط به اهالی افشار گرد هم آمده بودند تا با استاد مزاری دیدار نموده و نظراتشان را بیان دارند. در این دیدار که با تلاوت آیاتی از کلام اللّه مجید آغاز شد، استاد مزاری ضمن اظهار خوش وقتی از ملاقات با مهاجرین گرامی منطقه‌ی افشار اظهار داشت: جای بسیار خوشحالی است که بعد از آن حادثه‌ی تلخ و غم انگیز، این روز با شما درباره‌ی رهایی افشار صحبت می‌کنیم.

استاد مزاری، در قسمت دیگر از سخنانش گفتند: خداوند تبارک و تعالی در آیه‌ی می‌فرماید: اگر خدا را یاری کنید خداوند شما را یاری می‌کند و قدم‌های شما را استوار می‌گرداند منظور از یاری خداوند، یاری دین خداوند است و من مطمئن هستم که مردم قهرمان و خداجوی ما در سی ماه گذشته به یاری دین خدا شتافته و از مرزهای عقیده، ایمان و مذهب خود دفاع کردند و خداوند نیز شما را یاری کرد.

استاد مزاری، ضمن تشریح متن توافقنامه‌ی حزب وحدت اسلامی و جمعیت، مبنی بر رهایی و جبران خسارات افشار، از مردم منطقه‌ی افشار خواستند تا پس از نشست و تبادل نظر نتیجه‌ی تصامیم‌شان را اعلام نمایند. مهاجرین افشار، نیز ضمن تقدیر از زحمات و تلاش‌های صادقانه‌ی حزب وحدت اسلامی، به خصوص دبیر کل آن حزب، سؤالاتی را مطرح کردند که توسط استاد مزاری جواب‌های مقنع ارائه گردید.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۰، پنجشنبه ۲۸ دلو ۱۳۷۲ش.

ملاقات اعضای شورای عالی آزادگان با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی، قبل از ظهر دیروز ۱۳۷۲/۱۱/۱۵، اعضای شورای عالی آزادگان انقلاب اسلامی افغانستان را در اقامتگاهشان غرض ملاقات و تفاهم به حضور پذیرفته و با آنان گفتگو نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار اکثر اعضای شورای عالی آزادگان که متشکل از احزاب مختلف می‌باشد، شرکت داشتند و ابتداء یک تن از حاضرین به نمایندگی از دیگران تأسف عمیق شورای عالی آزادگان را در قبال جنگ‌های جاری ابراز داشته و افزود: ما با مسئولیت ملی و اسلامی که در قبال جامعه داریم تصمیم داریم تا در جنگ آتش بس ایجاد نماییم و در این زمینه از حزب وحدت اسلامی و مقام رهبری خردمند آن، می‌خواهیم که ما را یاری رساند.

سپس استاد مزاری، ضمن تقدیر از حسن نظر و احساس مسئولیت شورای عالی آزادگان ابراز داشتند: اگر در کشور ما سایر مقامات و احزاب، این احساس مسئولیت را در قبال خون شهداء و جهاد ۱۴ ساله و مردم و کشور می‌داشتند این مصایب دامن گیر مردم زجر دیده‌ی ما نمی‌شد. متأسفانه در کشور ما معیار حزب و ریاست، بالاتر از هر مصلحت دیگر تلقی می‌شود.

استاد مزاری، با تشریح انگیزه‌های اصلی جنگ خونین اخیر افزودند: آقای ربانی و سایر مسئولین دولت او با اقداماتی که در قسمت شمال کشور و سایر ولایات داشتند؛ از جمله با پخش پول باعث به وجود آمدن قضیه‌ی شیرخان بندر و مزار شریف گردید، طبیعی است که تمام جریانات فعلی کشور مسلح است و از توان نظامی برخوردارند و اجازه نمی‌دهند که علیه آنان دسیسه و توطئه صورت گیرد و مجبوراً از خود عکس العمل نشان می‌دهند. حزب وحدت اسلامی قبل از جنگ اخیر، طرح استعفای رئیس جمهور و صدر اعظم و تشکیل یک حکومت موقت را پیشنهاد کرده بود. اما از سوی آقای ربانی پذیرفته نشد و (در نتیجه) باعث شد که این حوادث غم بار، در شهر کابل و سایر ولایات به وجوداید و ما معتقد هستیم در صورتی که آقای ربانی استعفا ندهد جنگ به آسانی خاتمه پیدا نخواهد کرد.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۰، پنجشنبه ۲۸ دلو ۱۳۷۲ش.

استاد مزاری، بار دیگر از اقدامات نیک و مثبت شورای عالی آزادگان انقلاب اسلامی تقدیر نمود و پشتیبانی کامل حزب وحدت اسلامی را از برقراری صلح و ثبات دایمی در کشور ابراز داشت اما تأکید نمود: که در شرایط کنونی، با اصرار آقای ربانی بر حفظ قدرت، تلاش شورای عالی آزادگان بسیار ناچیز خواهد بود.

استاد مزاری، اقدام قومندانان قسمتی از شهر کابل را نمونه آورد و اظهار داشت: با این که این قومندانان با حمایت مستقیم و غیر مستقیم شورای نظار، با رهبر حزب اسلامی حکمتیار ملاقات نمودند و طرح هشت ماده‌ی را جهت استقرار آتش بس اعلام داشتند است و چون یکی از ماده‌های طرح، بر استعفای آقای ربانی تأکید داشت، جمعیت اسلامی با آن مخالفت نمود و این اقدام نیک آنان ناقص ماند. لهذا برادران باید تلاش کنند تا عامل اصلی جنگ‌ها را از بین برداشته و زمینه‌ی استقرار اصلح دایمی را در کشور فراهم سازند و در این راستا حزب وحدت اسلامی با تمامی توان و قدرتی که دارد از شما پشتیبانی خواهد کرد.

دیدار اعضای مجتمع فرهنگی جهاد دانش با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی، عصر روز یکشنبه ۱۳۷۲/۱۱/۱۷ مسئولین و اعضای مجتمع فرهنگی جهاد دانش را به اقامتگاه‌اش پذیرفته و با آنان ملاقات و گفتگو نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این دیدار نخست آقای علوی مسئول مجتمع فرهنگی جهاد دانش، ضمن معرفی اعضای این مجتمع، گزارش مشروحی از نحوه‌ی کار مجتمع به استحضار دبیر کل حزب وحدت اسلامی رسانیده و در زمینه‌ی فعالیت‌های آینده‌شان خواستار همکاری‌های مسئولین حزب وحدت اسلامی به خصوص دبیر کل محترم آن حزب گردید.

سپس استاد مزاری، ضمن تقدیر از فعالیت‌های مثبت و ارزشمند مجتمع فرهنگی جهاد دانش در جهت رشد استعدادهای نسل جوان کشور اظهار داشت: برای اصلاح و ترقی یک جامعه اساسی‌ترین کار، فعالیت‌های فرهنگی است و فرهنگ در هنری تبارز

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۰، پنجشنبه ۲۸ دلو ۱۳۷۲ش.

می‌کند که هم تاریخ را تدوین می‌کند و هم فرهنگ و عنعنات مردم را به تصویر می‌کشد و برای نسل‌های آینده به صورت فلم، نقاشی و خطاطی باقی می‌گذارد.

استاد مزاری، در قسمت دیگری از سخنانش فرمودند: از این که برادران خود جوش اقدام به کارهای فرهنگی، هنری کرده‌اند برای ما بسیار مایه‌ی امید است. چون در افغانستان قبل از انقلاب کارهای فرهنگی بسیار ضعیف بود و در طول چهارده سال اخیر اقدامات مؤثری صورت نگرفت، اما ملت ما در طول جهاد بر خلاف دیگر ملت‌ها از رشد چشمگیری در عرصه‌ی فرهنگی برخوردار بودند و دوران انقلاب، عصر طلایی مردم ما به شمار می‌رود.

استاد مزاری، با اشاره به نقش فرهنگ در انقلاب ها، اظهار داشتند: انقلاباتی که در سطح دنیا به وجود می‌آید، دارای بخش‌های مختلفی می‌باشد مانند بخش نظامی، اقتصادی و اما در میان این بخش‌ها مهم‌ترین کار یک انقلاب را برای تغییر یک حکومت، کار فرهنگی تشکیل می‌دهد.

استاد مزاری، در اخیر با اشاره به اهمیت ثبت حوادث و جریانات یک انقلاب، فرهنگیان کشور را به وظیفه‌ی حساس و خطیر زمان، متوجه ساخته و اضافه نمود: که حزب وحدت اسلامی در حد توان، در خدمت فرهنگیان کشور خواهد بود.

ملاقات اعضای مجمع خدمتکاران صلح با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر روز یکشنبه ۱۳۷۲/۱۱/۱۷ اعضای مجمع خدمتکاران صلح در افغانستان را در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی به حضور پذیرفته و با آنان دیدار نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار که با تلاوت آیاتی از کلام اللّه مجید آغاز یافته بود، نخست پوهنوال غلام نبی ناطق طی سخنانی هدف از تشکیل مجمع سراسری صلح را برشمرد با تشریح فراخوان عمومی صلح گفت: در این فراخوان از تمامی جریانات ذیدخل خواسته شده است تا ضمن برقراری آتش بس، زمینه‌ی بازگشایی راه‌ها و عادی ساختن جریان برق و تخلیه‌ی مناطق مسکونی از وجود

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۰، پنجشنبه ۲۸ دلو ۱۳۷۲ش.

نیروهای نظامی را فراهم سازند.

متعاقباً استاد مزاری، با تقدیر از نیات خیر اعضای مجمع خدمتکاران صلح در افغانستان اظهار داشتند: شما با این اقدامتان امتیاز بزرگی را کسب کرده‌اید زیرا در این شرایط اکثر دانشمندان و افراد با نفوذ، کشور را با تمام مشکلات ترک گفته اند.

استاد مزاری، از وضعیت جاری کشور اظهار تأسف نموده و گفت: کشور ما در عرصه‌ی نظامی در سطح دنیا بزرگترین افتخارات را کسب کرد و روسیه را که همه از تجاوزات آن در هراس بودند شکست داد اما در صحنه سیاسی (مردم افغانستان) ضعیف برخورد نمودند و اکنون با عمل کرد عده‌ی از رهبران، عزت و غرور ملت ما، زیر سؤال رفته است.

استاد مزاری، ضمن حمایت از اقدام هیأت مجمع خدمتکاران صلح در افغانستان، افزودند: کسی که برای حل یک قضیه پادرمیانی می‌کند باید طرحی را که قابل قبول هر دو طرف باشد (مطرح کند) و اگر نظریات یک طرف تنها مد نظر گرفته شده و طرف دیگر نادیده گرفته شود ناقص و قبل از قبل، خنثی می‌شود. لهذا باید دانشمندان و کسانی که برای برقراری صلح در کشور تلاش می‌کنند طرح معقول و عادلانه ارائه نمایند.

استاد مزاری، در قسمت دیگری از سخنانش گفتند: آزادی اسراء و عادی ساختن جریان برق مشکل را حل نمی‌کند، مسایل آب، برق و راه‌ها مسایل ساده است. فعلا در کشور ما آدم کشی است که باید راه حل برای این معضله پیدا شود.

استاد مزاری، وعده دادند: در صورتی که طرح اصولی و عادلانه تصویب شود حزب وحدت اسلامی از آن پشتیبانی خواهد کرد و در اخیر نظریاتی همراه با سؤالات از سوی دانشمندان مطرح شد و از سوی استاد مزاری پاسخ مقنع داده شد.

لازم به تذکر است اعضای مجمع خدمتکاران صلح متشکل از دانشمندان و برادران خییر تاجیک می‌باشد که در روزهای اخیر از منطقه‌ی خیرخانه، این مجمع را به وجود آورده است.

ملاقات رئیس مرکز صلیب سرخ با استاد مزاری[1]

آقای پیتر رئیس مرکز صلیب سرخ، در کابل قبل از ظهر امروز شنبه ۱۳۷۲/۱۱/۲۳ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان با وی ملاقات و گفتگو نمود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این دیدار که مسئول اجرایی کمیته‌ی صلیب سرخ نیز حضور داشت، نخست آقای پیتر از همکاری‌های بی دریغ حزب وحدت اسلامی با کمیته‌ی بین المللی صلیب سرخ تشکر نموده و مشکلات این کمیته را در امر کمک رسانی به مردم کابل برشمرد و در این زمینه خواستار تلاش‌های هر چه بیشتر حزب وحدت اسلامی گردید.

سپس استاد مزاری، نیز طی سخنانی از اقدامات بشر دوستانه‌ی کمیته‌ی بین المللی صلیب سرخ تشکر کرده و در رابطه با مشکلات آن کمیته در امر انتقال مواد غذایی به داخل شهر کابل اظهار داشتند: فعلا در کابل جنگ جریان دارد و طرفین یکدیگر را می‌کشند و هر دو طرف نمی‌خواهند مواد غذایی به طرف مقابل برسد و شورای عالی هماهنگی می‌خواهد بگوید مواد غذایی که چندی قبل افراد کمیته‌ی صلیب سرخ به کابل منتقل کرده اند، به دست نظامیان شورای نظار افتاد است و به این علت آن‌ها (شورای هماهنگی) فعلا اجازه نمی‌دهند که مواد غذایی در اختیار دولت قرار گیرد.

استاد مزاری، در بخش دیگر از سخنانش گفتند: با توجه به امنیت و آرامش که در غرب کابل است، در صورت که کمیته‌ی بین المللی صلیب سرخ، دیپوهای خود را به این منطقه منتقل ساخته و به فعالیت‌های خود ادامه دهند، ما می‌توانیم شورای عالی هماهنگی را متقاعد سازیم تا راه‌ها را به روی کاروان‌های صلیب سرخ باز نگهدارد.

استاد مزاری گفت: با وجود داشتن تعدادی زیادی از اجساد طرفین در مناطق درگیری افزود: شورای عالی هماهنگی آمادگی کامل خود را برای تبادل اجساد اعلام نموده، ولی شورای نظار تاکنون جواب نداده است لذا کمیته‌ی بین المللی صلیب سرخ می‌تواند در این زمینه مظهر خدمات بشر دوستانه باشد.

استاد مزاری، در اخیر آمادگی کامل حزب وحدت اسلامی را برای همکاری با

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۱ پنجشنبه ۱۲ حوت ۱۳۷۲ش.

کمیته‌ی بین المللی صلیب سرخ، اعلام نمودند و آقای پیتر نیز ضمن سپاسگزاری پیشنهادات خیرخواهانه حزب وحدت اسلامی گفتند، پیشنهاد مطرح شده را مورد بررسی قرار داده و در این زمینه اقدام خواهند کرد.

ملاقات آقای حدادی سفیر ایران با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر دیروز ۱۳۷۲/۱۱/۳۰ آقای غلامرضا حدادی سفیر کبیر ایران در کابل را غرض ملاقات در دفتر کارش به حضور پذیرفته با وی گفتگو نمودند.

به گزارش خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار، آقای حدادی در رابطه با آخرین تلاش‌های هیأت ایرانی جهت حل قضایای افغانستان و برقراری صلح و امنیت در افغانستان گزارش مشروحی را به استحضار دبیر کل حزب وحدت اسلامی رسانیده و تأثر و تأسف عمیق دولت و ملت ایران را از وضع موجود در افغانستان ابراز داشته و در مورد کمک‌های ایران به مهاجرین جنگی کابل روشنی انداخت.

آنگاه استاد مزاری، دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان، از تلاش‌های صلح جویانه هیأت ایرانی تقدیر نموده و از حسن نظر دولت و ملت ایران تشکر کردند.

سپس استاد مزاری، وضعیت جاری و ریشه‌ی بحران‌های مربوط به افغانستان را بیان داشته و افزودند: باید هیأت‌های که به منظور ختم جنگ و خون ریزی در افغانستان تلاش می‌کنند قضایا را همه جانبه و ریشه‌ای بررسی کرده و در جهت رفع مشکلات اقدام نمایند و الا تلاش‌ها بی نتیجه خواهد ماند.

استاد مزاری، در قسمت دیگری از سخنانش گفتند: حزب وحدت اسلامی بر اساس احترام به منافع علیای کشور و مردمش جنگ را هرگز راه حل ندانسته و نمی‌داند. روی این لحاظ قبل از آغاز درگیری‌های اخیر کابل، طرح استعفای همزمان رئیس جمهور و صدر اعظم را پیشنهاد کرد که متأسفانه از سوی جریان حاکم بر دولت پذیرفته نشد و این حوادث غم انگیز را به وجود آورد. اکنون نیز ما معتقد هستیم که باید ریشه‌ی بحران در افغانستان از بین برود و جریان حاکم رسماً استعفای خود را از

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۱، پنجشنبه ۱۲ حمل ۱۳۷۲ش.

قدرت همزمان با استعفای صدر اعظم اعلام کند، در غیر این صورت بحران پایان نخواهد یافت و خون ریزی هم چنان ادامه پیدا می‌کند.

استاد مزاری، در اخیر آمادگی حزب وحدت اسلامی را در جهت همکاری با هیأت‌های صلح اعلام داشته، مشروط به این که قضایای بحران ریشه‌ای بررسی شود.

ملاقات وزیر امور خارجه‌ی پاکستان با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۳۷۲/۱۱/۴ آقای سردار آصف احمد علی وزیر خارجه‌ی دولت اسلامی پاکستان و هیأت همراه وی را در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان غرض ملاقات به حضور پذیرفته و با آنان دیدار و گفتگو نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی افغانستان، در این دیدار که آیت اللّه فاضل عضو شورای عالی نظارت و حجت الاسلام اکبری معاون اوّل هیأت رئیسه شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی و آقای امیر عثمان سفیر کبیر دولت اسلامی پاکستان در کابل نیز حضور داشتند نخست آقای سردار آصف احمد علی وزیر خارجه‌ی پاکستان از استقبال گرم مسئولین و مردم مربوط حزب وحدت اسلامی تشکر نموده و اظهار داشتند قبلا با نمایندگی شما در پاکستان ارتباط داشتیم و در این اواخر نیز نمایندگان شما را ملاقات کردیم و پیشنهادات معقول را برای حل قضیه‌ی افغانستان با خود آورده بودند. وی ادامه داد شما چهارده سال جهاد را با افتخار سپری کردید و شوروی را از کشور خود اخراج نمودید و پاکستان به شما کمک کرد و از این کمک خود افتخار می‌کند. هم چنین ما افتخار داریم که مهمان دار مهاجرین شما هستیم و این مهمان داری، ادامه خواهد یافت.

قضیه‌ی اخیری که بر اثر گروگان گیری به وجود آمد، به هم نخواهد خورد و به هیچ یک از افراد مهاجرین گفته نخواهد شد که پاکستان را ترک گویند.

آقای سردار آصف احمد علی از پرابلم‌های موجود در افغانستان اظهار نگرانی نموده گفت: دولت پاکستان هیچ گاه موضوعی را به شما تحمیل نخواهد کرد و چنانچه که در

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۱ پنجشنبه ۱۲ حمل ۱۳۷۲ش.

جهاد ۱۴ ساله در کنار شما بودیم اکنون برای حل قضیه جاری در افغانستان تلاش خواهیم کرد و مانند برادر مسلمان شما در هر نوع مذاکره و مصالحه برای برقراری صلح در افغانستان کمک خواهیم کرد. وی تلاش فعلی دولت پاکستان را در جهت انتقالی مواد غذایی به کابل ضروری دانسته و اظهار داشتند. در این زمینه با آقای حکمتیار و مولوی حقانی در جلال آباد ملاقات داشتیم و آقای حکمتیار به ما اطمینان دادند که در این مورد هیچگونه مخالفتی ایجاد نخواهد کرد و دولت پاکستان مواد غذایی زیادی در اختیار دارد که می‌تواند به کابل انتقال دهد و این مواد هیچگاه در اختیار حزب و گروه خاصی قرار نخواهد گرفت و می‌خواهیم این مواد از طریق کمیسیون صلیب سرخ به کابل انتقال یابد.

آقای آصف احمد علی در مورد قطع جنگ جاری بیان داشت: ما با مولوی حقانی ملاقات کردیم و در این زمینه پیشنهاداتی داریم که در آینده با کمک سایر کشورهای اسلامی طرح خواهیم کرد. وی افزود: آرزوی دولت‌های پاکستان، ایران، عربستان سعودی، ترکیه و چین و کشورهای همسایه شما این است که هر چه زودتر جنگ خاتمه یافته و صلح و آرامش در افغانستان برقرار گردد. آقای آصف احمد علی اظهار امیدواری نمود که رهبران جهادی در رابطه با حل مشکلات افغانستان از خود انعطاف‌های بیشتری نشان دهند.

متعاقباً استاد مزاری، ضمن خیر مقدم گفتن به هیأت پاکستانی از کمک‌های مردم و دولت پاکستان در طول ۱۴ سال جهاد تشکر نموده افزودند: ارتباط نزدیک دو ملت افغانستان و پاکستان از علایق اسلامی سرچشمه می‌گیرد، دو ملت و مردم ما از اقدام اخیر شما تقدیر می‌کند. ملت و دولت پاکستان بیشترین کمک را در جریان جهاد ۱۴ ساله به مردم افغانستان داشته است و تاکنون بیشترین مهاجرین ما را در کشور خود جای داده‌اند و ما این اقدام تاریخی مردم پاکستان را هیچگاه فراموش نخواهیم کرد.

استاد مزاری، ادامه دادند: تمامی کشورهای اسلامی در شکست روس‌ها در افغانستان به ما کمک کردند اما نقش پاکستان بسیار برجسته و قابل قدر بود. متأسفانه وقتی که روس‌ها از افغانستان خارج شدند و دولت دست نشانده آنان نیز در حال سقوط بود یک دولت فراگیر به وجود نیامد و باعث این اختلافات گردید که برای

افغانستان بسیار سنگین تمام شد و افتخارات جهاد غرورانگیز ما را زیر سؤال قرار داد. غرور و امیدی که پس از شکست روس‌ها در افغانستان برای سایر ملیت‌های مسلمان جهت تشکیل حکومت اسلامی به وجود آمده بود به یأس و نومیدی مبدل شد و از این رو ما شدیداً متأثر هستیم.

استاد مزاری، در قسمت دیگر از سخنانش فرمودند: حزب وحدت اسلامی معتقد است چنانچه که در جهاد ۱۴ ساله همه احزاب، اقوام و مذاهب شرکت داشتند باید در تشکیل حکومت و تصمیم گیری درباره آینده کشور نیز همه شریک باشند. باید انحصارطلبی از بین برود و همه حق را قبول کنند. مردم افغانستان ۱۴ سال بر علیه خودمحوری‌ها قیام مسلحانه داشتند و اکنون به هیچ وجه نمی‌توانند حکومت یک حزب و یا یک قوم را تحمل کنند. راه حل قضیه افغانستان تشکیل یک حکومت وسیع البنیاد است.

استاد مزاری، افزودند: حزب وحدت اسلامی بر اساس همین سیاست بنا نهاده شد و به خاطر مصالح علیای کشور سال گذشته در اجلاسی که از سوی دولت پاکستان در اسلام آباد ترتیب یافته بود، همراه با سایر رهبران جهادی شرکت داشتند. اما وعده‌ی که مسئولین دولت پاکستان به ما داده بودند در اجلاس، که به واقعیت‌های جامعه افغانستان و نقش حزب وحدت اسلامی و جنبش ملی اسلامی توجه خواهد شد. اما این موضوع عمل نشد و با توجه به تفاوت احزاب از نظر کمی و کیفی به همه یکسان عمل شود و ما به خاطر احترام به مصالح افغانستان و کشور پاکستان این توافق را امضاء کردیم. پس از امضاء توافق نامه اسلام آباد رهبران برای حج به مکه مکرمه مشرف شدند و آنجا تعهد سپردند که به توافق نامه عمل شود. اما متأسفانه یک سال می‌شود که کوچک‌ترین اثر عملی به توافق نامه داده نشد و این وضع فجایع فعلی را به وجود آورد.

استاد مزاری، از پیشنهاد وزیر خارجه‌ی پاکستان در رابطه با انتقال مواد غذایی به کابل استقبال نمود و گفتند: مشکل افغانستان این است که با واقعیت‌های موجود در کشور سطحی برخورد می‌شود و کسی پایبند به تعهدات خود نیست وقتی که این وضعیت تغییر نکند باز هم مشکلات واقع می‌شود و طرح به خوبی عمل نخواهد شد.

استاد مزاری، از طرح منطقه‌ای پاکستان برای حل قضیه‌ی افغانستان استقبال نموده و در رابطه با طرح مولوی حقانی ا ظهار داشت: ما طرح آقای حقانی را مطالعه کردیم ولی این طرح به درد مشکلات جاری کشور نمی‌خورد و حداقل شش ماه دیگر برای عملی شدن آن وقت لازم است.

استاد مزاری، در مورد انتقال مواد غذایی از طریق پیشاور به کابل اظهار داشتند: موضع شورای عالی هماهنگی در این ارتباط همان است که آقای حکمتیار گفته است. اما دو طرف نظامی وقتی که درگیر جنگ هستند و تا جنگ را قطع نکنند قطعی است که نمی‌خواهد مواد غذایی در اختیار طرف مقابل قرار بگیرد. به همین خاطر است که حزب وحدت اسلامی فعلا با کمیته‌ی صلیب سرخ جهانی این موضوع را در میان گذاشته بود اعلام کرده بود در صورتی که مواد غذایی به غرب کابل انتقال یابد و صلیب سرخ در این منطقه دیپوهای ایجاد نمایند و تقسیم مواد غذایی را خود به عهده داشته باشند، ما توافق شورای عالی هماهنگی را برای انتقال مواد غذایی به کابل می‌گیریم و شورای عالی هماهنگی موضعی را که مد نظر دارد این است، که نباید این مواد در اختیار نظامیان قرار بگیرد.

استاد مزاری، صدور فتوای آقای ربانی را باعث پیچیده تر شدن اوضاع جاری در کشور دانست و اظهار داشت: با توجه با نفوذی که در جریان‌های درگیر دارید از شما می‌خواهیم که این وضعیت را تغییر دهید. ما به خاطر تخلفاتی که دولت ربانی از معاهدات امضاء شده داشته اند، از نظر سیاسی با آن مخالف هستیم و از ۳ ماه قبل پیشنهاد استعفای رئیس جمهور و صدر اعظم را مطرح نمودیم با این وجود جنگ را راه حل نمی‌دانیم و به همین دلیل در جنگ جاری دخالت نکردیم.

استاد مزاری، در اخیر بار دیگر از حسن نظر مسئولین دولت پاکستان نسبت به مردم افغانستان تشکر نموده و اظهار امیدواری نمود: که با حل مشکل کنونی افغانستان دو ملت برادر پاکستان و افغانستان روابط نزدیکتری را برقرار سازند. در اخیر تحفه‌ای از آقای محمد علی، از منطقه هزاره جات از سوی استاد مزاری، به وزیر خارجه‌ی پاکستان اهداء گردید.

آقای سردار آصف احمد علی روز گذشته با عبدالرسول سیاف رهبر اتحاد نیز

ملاقات نمود و در ضیافتی که از سوی سیاف ترتیب یافته بود شرکت نموده بود. آقای سردار آصف احمد علی و هیأت همراهش هنگام ورود به منطقه تحت کنترل حزب وحدت اسلامی توسط چندین عراده موتر و تعدادی از قومندانان نظامی حزب وحدت اسلامی تا مقر مرکزی حزب وحدت اسکورت گردیدند و در آنجا قطعه‌ی تشریفاتی اپراتیفی حزب وحدت اسلامی مراتب احترامشان را تقدیم نمودند و با تقدیم نمودن شاخه‌های گل با زبان‌های انگلیسی و دری ورود وزیر خارجه‌ی پاکستان را به کابل خیر مقدم گفتند.

دیدار جلال الدین حقانی با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر روز پنجشنبه ۱۳۷۲/۱۳/۱۹ مولوی جلال الدین حقانی و هیأت همراه وی را به دفتر کارش برای ملاقات به حضور پذیرفته و با آنان گفتگو نمودند.

در این دیدار که نمایندگان ولایت پکتیا، خوست و قوماندانان کابل و حجت الاسلام و المسلمین فیاض ارزگانی، جنرال علی اکبر قاسمی و آقای اعلا رحمتی از اعضای شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی نیز حضور داشتند، نخست مولوی جلال الدین حقانی گسترش جنگ در افغانستان را نگران کننده توصیف نمود و افزود: جنگ به اندازه‌ای خطرناک شده است که مال، نوامیس و خون‌های مسلمین بسیار بی ارزش شده است. اگر مسلمانان به خصوص مردم افغانستان لحظه‌ای غفلت کنند گناه کبیره را مرتکب می‌شوند. آقای حقانی از موضع حزب وحدت اسلامی در جنگ جاری تقدیر نموده و خطاب به استاد مزاری اظهار داشت: از این که با تدبیر و درایت توانسته‌اید منطقه و مردم خود را در این جنگ به بهترین وجه حفظ کرده‌اید و تعدادی از مهاجرین را در منطقه‌ی خود جا داده و از آنان پذیرایی گردیده‌اید بسیار قابل قدر است و خدمت بزرگی را برای اسلام و کشور انجام داده اید. امیدوارم که این موقف شما را دیگران هم اختیار کنند و مسایل را از طریق مفاهمه و مذاکره حل و فصل نمایند.

آقای حقانی با این این مطلب که یکی از طرح‌های شورای اصلاحی این است که

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۲، پنجشنبه ۱۸ حمل ۱۳۷۲ش.

پس از استعفای رئیس جمهور و صدر اعظم و تخلیه شهر از نیروهای نظامی، باید قوماندانان مربوط به کابل که هیچگونه تعصب حزبی، قومی، لسانی و مذهبی نداشته باشند امنیت کابل را به دست بگیرند طرح شورای اصلاحی را بیان نمودند، از استاد مزاری به عنوان یک برادر بزرگ خواهش نمود که تا در این جهت شورای اصلاحی را کمک نمایند. و مولوی صدیق اللّه از حرکت انقلاب اسلامی نیز طی سخنانی اظهار داشت که هم استاد ربانی را قانع خواهیم کرد که دوام راه شما، به نفع شما و ملت افغانستان نیست و هم حکمتیار صاحب را قانع می‌سازیم که طرح شورای اسلامی بگونه‌ای تدوین یافته است که آبروی شما و جهاد را حفظ خواهد کرد.

وی خطاب به دبیر کل حزب وحدت اسلامی افزود: ما تصمیم داریم که تا ابد ابتکار نمایندگان ولایت پکتیا، خوست و قوماندانان کابل در ترکیب شورای اصلاحی لشکر بزرگی به وجود بیاوریم و می‌خواهیم که شما به عنوان یک شخصیت شناخته شده کشور در رأس این لشکر قرار بگیرید.

مولوی قاضی محمد نیز یکی از اعضای هیأت طی سخنانی گفت، عامل درگیری‌های بین التنظیمی در افغانستان عوامل کمونیست‌ها است. وی اظهار امیدواری نمود که به کمک رهبران جهادی این درگیری‌ها مهار گردد.

متعاقباً استاد مزاری، ضمن تقدیر از قومندانان و مو سفیدان که در این ماه مبارک در قبال ملت و کشور افغانستان احساس مسئولیت کرده و قدم خیر را در جهت حل مسأله‌ی افغانستان برمی دارند سخنانی مبسوطی را بیان داشتند.

استاد مزاری، با بیان این مطلب که موقف حزب وحدت اسلامی بارها از طریق رسانه‌های گروهی و ملاقات ها، به خصوص در ملاقات قبلی مولوی صاحب ارائه شد. افزودند: تجربه بیست ماه گذشته باید ثابت کرده باشد که جنگ و تفکر حذف یک جریان، یک قوم و یک مذهب نه تنها حل کننده نیست بلکه بر پیچیدگی بیش از پیش اوضاع خواهد افزود و لهذا بر اساس تجارب بیست ماه گذشته باید برای حل قضیه‌ی افغانستان اساسی فکر شود به نظر ما بهترین راه حل، پذیرش یک دیگر است اگر با تعصب قشری و مذهبی برخورد شود مشکل حل نخواهد شد.

استاد مزاری، در بخش دیگری از سخنانش اظهار داشت: اگر آدم کشته می‌شود و

خانه‌های مسلمان‌ها خراب می‌شود در همه‌ی افغانستان است. لهذا باید در رابطه با کل افغانستان تصمیم گرفته شود. اگر باز هم عده‌ای نادیده گرفته شود، هر طرحی که پیش‌اید کارساز نخواهد بود.

استاد مزاری، جنبش ملی اسلامی افغانستان را یک بخش عظیمی از مردم افغانستان دانست و ادامه دادند: متأسفانه آقای ربانی علیه کل مردم افغانستان فتوی داده است. اگر ربانی ذره‌ای روی مصالح علیای کشور و مملکت اسلامی و مردم فکر می‌کرد نباید چنین کار مسخره‌ی را انجام می‌داد. چطور ممکن است که نیروهای باقی مانده از دولت سابق تا زمانی که در کنار ربانی بود هیچ مسایلی نداشتند و هم مسلمان بودند و هم خالد بن ولید بودند هم مجاهد کبیر و هم فرزند، اما به مجرد این که علیه اقدامات غیر مسؤلانه آنان موضع گیری نمودند کافر و مشرک می‌شوند و حکم جهاد علیه آنان اعلام می‌شود.

این عدم پذیرش برادران بود که فاجعه‌ی ۲۰ ماه گذشته و جنگ اخیر را به وجود آورد. لهذا ما معتقد هستیم که در صورتی که برادران در صدد حذف همدیگر باشند راه به جای نمی‌برند و از شما می‌خواهیم که طبق خواسته‌ها و اراده‌ی مردم افغانستان تصمیم بگیرید و حزب وحدت اسلامی افغانستان در جهت حل اساسی و ریشه‌ی قضایای افغانستان با طرح‌های مشخص خود در کنار شما خواهد بود.

در ادامه این دیدار برادرانه، به تماس‌های نزدیک رهبری حزب وحدت اسلامی با شورای اصلاحی تأکید به عمل آمد و ملاحظات حزب وحدت در قبال طرح‌های شورای اصلاحی تقدیم مولوی صاحب حقانی گردید.

اهدای جوایز مسابقات قرآن کریم، توسط استاد مزاری[1]

نتایج مسابقات قرائت قرآن کریم که جهت گرامیداشت ماه مهمانی خدا به ابتکار بخش تبلیغات (برگزار شده بود) به برندگان و ممتازین این مسابقات تحایفی از سوی کمیسیون فرهنگی حزب وحدت اسلامی همراه با تقدیرنامه‌ای از سوی استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی اهداء شد.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۲، پنجشنبه ۱۸ حمل ۱۳۷۲ش.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی صدها تن از مردم مؤمن و روزه دار شهر کابل هم چنین حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی و حجت الاسلام سجادی عضو شورای عالی نظارت و استاد شفق مسئول کمیته فرهنگی همراه با اعضای این کمیته، شخصیت‌های سیاسی، علمی، قوماندانان جهادی و سایر مجاهدین حزب وحدت اسلامی در این مراسم شرکت داشتند. در ابتدای این مراسم چهار تن از قاریان نوجوان کشور با تلاوت آیاتی چند از کلام اللّه مجید، شور و معنویت خاصی به محفل بخشیدند.

سپس حضرت حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی، به انتظار حاضرین که از ساعت‌ها قبل گرد آمده بودند پایان داده و با اندرزها و راهنمایی‌های مدبرانه خویش صحبت‌های ارزشمندی را ارائه دادند.

ایشان در ابتداء ضمن تشکر و قدردانی از کمیته فرهنگی که این محفل را به وجود آورده گفتند: اینگونه محافل اقدام بسیار خوب است و در صدد آشنایی هر چه بیشتر مردم و جوانان ما با قرآن می‌باشد، ایشان در ادامه بیاناتشان اظهار داشتند از آنجایی که قرآن کتاب هدایت و رستگاری برای جامعه بشری است باید در حد امکان در آن تدبّر نموده و از قوانین نجات بخش آن بهره گرفت.

استاد مزاری، در قسمت دیگر از سخنانش ضمن تشریح فضیلت قرائت قرآن کریم فرمودند نونهالان و نوجوانان عزیز که امروز با شور و علاقه فراوان رو به سوی قرآن آورده افتخار جامعه و مردم ما می‌باشد که ما به وجود این گونه جوانان می‌نازیم، ایشان در قسمت دیگری از سخنانش از جوانان و نوجوانانی که در صدد حفظ و قرائت قرآن کریم برآمده‌اند تقدیر و تشکر نموده فرمودند شما نشان دادید که می‌توانید در سطح بین المللی به بهترین وجه مسابقه بدهید و امیدواریم که در این باره از هیچ تلاش دریغ نکنید.

استاد مزاری، در پایان از اساتیدی که اداره‌ی این جلسه را بر عهده داشتند و هم چنین از قاریان و مردم مؤمن تقدیر و تشکر نمود.

ملاقات محصلین اعزامی به خارج از کشور با استاد مزاری[1]

محصلینی که در امتحان کنکور برگزار شده از سوی حزب وحدت اسلامی کامیاب گردیده بودند و پس از انجام کارهای مقدماتی که زمینه اعزام آنان به ایران فراهم شده بود، قبل از ظهر روز شنبه ۱۳۷۲/۱۲/۲۱ با حضور در دفتر کار حجت الاسلام و المسلمین استاد عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی با وی ملاقات نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این دیدار نخست یک تن از محصلین به نمایندگی از دیگران با تقدیر از اقدامات مسئولین حزب وحدت اسلامی به خصوص زحمات دلسوزانه دبیر کل آن حزب سپاسگزاری نموده و اظهار امیدواری کرد، که بتوانند پس از پایان تحصیل مصدر خدمات مفیدی برای مردمشان باشند.

سپس استاد مزاری، طی سخنانی وضعیت فرهنگی و تعلیمی گذشته مردم ما را تشریح نموده اظهار داشتند: پس از کودتای مارکسیستی در کشور ما، تمامی بنیادهای سست فرهنگی کشور ما به هم خورد و معیارهای بین المللی خود را به مارکسیست بودن و کمونیست بودن داد که این موضوع فاجعه‌ی بزرگی برای کشور ما محسوب می‌گردد، چون ملاک برای ترقی یک محصل به جای شایستگی و داشتن تفکر علمی، تصدیق و مدرک به شمار می‌رفت. لذا باید وضعیت گذشته تغییر کند و معیارهای ترقی، علم شود نه تصدیق، چون تصدیق برای جامعه و انسان کارساز نیست.

استاد مزاری، فراهم ساختن زمینه تحصیل برای جوانان را از سوی مجاهدین ناچیز خواند و افزود: در این میان شیعیان و حزب وحدت اسلامی از امکانات کمتری برخوردار بودند و نتوانسته‌اند آن گونه که (لازم بود) برای مردم خود زمینه‌های تحصیل را فراهم سازند، به همین دلیل خلاء فکری که در دوران حکومت مارکسیست‌ها در کشور ایجاد شده بود، پر نشد.

استاد مزاری، تعطیل شدن مراکز علمی و پوهنتون را در طول دو سال گذشته فاجعه‌ای بر فاجعه‌های گذشته فرهنگی کشور دانسته و افزودند: شما جوانان که برای اعزام به خارج از کشور تعیین گردیدید باید مشکلات مردم خود را در نظر داشته و برای آبادانی کشور درس بخوانید.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۲، پنجشنبه ۱۸ حمل ۱۳۷۲ش.

استاد مزاری، ادامه دادند: که در تاریخ تشیع کشورها این موضوع بی سابقه بوده که خود آنان تصمیم به اعزام دانشجو به خارج از کشور بگیرند و خود آنان امتحان برگزار کنند این موضوع را تاریخ شیعه در افغانستان تاکنون نداشته، در کنار پیروزی‌های بزرگ دیگر اعزام دانشجو به خارج از کشور نیز پیروزی و دست آورد بزرگی برای مردم ما به شمار می‌رود. لذا شما برادران باید اهمیت مسأله را درک کرده و چنانچه که مردم ما با سرفرازی هویت خود را در کشور و جهان تثبیت نمودند شما نیز با آموختن علم و دانش مایه افتخار و سربلندی برای ما و مردم ما شوید.

استاد مزاری، از احساس زنده‌ی مردم ما تقدیر نموده اظهار امیدواری نمود که این احساس هم چنان برای مردم ما باقی بماند و پس از این هیچ کس نتواند بالای مردم ما ظلم کند.

دیدار قومندان‌های حزب وحدت با استاد مزاری[1]

قوماندانان اپراتیفی فرقه‌های ۹۵، ۹۶، ۹۷، غندها، لواءها، و کندک‌های مستقل حزب وحدت اسلامی قبل از ظهر روز شنبه ۱۳۷۲/۱۲/۲۱ با حضور در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی با حجت الاسلام و المسلمین استاد عبدالعلی مزاری، آیت اللّه فاضل عضو شورای عالی نظارت و حجت الاسلام استاد اکبری معاون اوّل هیأت رئیسه شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی دیدار نمودند.

به گزارش خبرگزاری وحدت اسلامی، در این دیدار که با تلاوت آیاتی از کلام اللّه مجید آغاز یافته بود استاد مزاری طی سخنانی اظهار داشتند: حزب وحدت اسلامی تا وقتی می‌تواند از منافع مردم خود دفاع کند که مردم را هم چنان به عنوان یک سرمایه‌ی عظیم در کنار خود داشته باشد، دشمنان نیز به این موضوع واقف شده و اعتراف کرده‌اند که حزب وحدت اسلامی تا وقتی که مردم در کنار آن است شکست ناپذیر است. لذا در این اواخر با توجه به امنیت ایجاد شده در مناطق تحت کنترل حزب وحدت اسلامی تعدادی، از جمله ریاست امنیت ملی، با توزیع نمودن پول قصد ناامن ساختن منطقه غرب کابل را دارند و در این اواخر از سوی بعضی از نظامیان

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۲، پنجشنبه ۱۸ حمل ۱۳۷۲ش.

ناامنی‌های ایجاد گردیده است. شورای عالی نظارت و مرکزی تصمیم گرفته‌اند که تا با نظامیان صحبت شود و آن‌ها را از تصمیم شورای عالی نظارت و مرکزی آگاه کنند.

استاد مزاری، در ادامه سخنانش افزودند: که مردم فعلا به دو چیز ضرورت دارند اوّل امنیت و دوم حفظ حیثیت. در صورتی که گروگان گیری و اعمال خودسرانه از سوی بعضی از نظامیان انجام گیرد امنیت به هم می‌خورد و هم حیثیت مردم ما زیر سؤال خواهد رفت و این موضوع را حزب وحدت اسلامی به هیچ وجه تحمل کرده نمی‌تواند و متخلّف هر کسی که باشد طبق قوانین نظامی محاکمه و مجازات خواهد شد.

استاد مزاری، با ذکر این نکته که نظامیان باید در سیاست دخالت نکنند گفت: تجربه نشان داده است که دخالت نظامیان در سیاست سرآغاز فاجعه برای جامعه خواهد بود. لذا هیچ یک از نیروهای مسلح نباید در سیاست دخالت نمایند.

استاد مزاری، رعایت سلسله مراتب را در نظام عسکری ضروری دانسته و ادامه دادند که هیچ شخصی در هر مقامی [که] حق دخالت در امور نظامی را ندارد و نظامیان نیز جز از مرجع قانونی نباید طبق دستورات دیگران عمل نمایند.

ملاقات محمود مستری نماینده‌ی سازمان ملل با استاد مزاری[1]

آقای محمود مستری فرستاده ویژه‌ی دبیر کل سازمان ملل متحد و هیأت همراه وی شب دوشنبه ۱۳۷۳/۱/۱۵ در ضیافت شامی که از سوی حزب وحدت اسلامی در مقر مرکزی آن حزب ترتیب یافته بود شرکت نمود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، قبل از این ضیافت آقای محمود مستری در ملاقات مجددش با استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی، مذاکراتی را انجام دادند در جریان این مذاکرات آقای محمود مستری فرستاده خاص سازمان ملل متحد، آیت اللّه فاضل عضو شورای عالی نظارت، حجت الاسلام استاد اکبری معاون اوّل هیأت رئیسه شورای مرکزی حزب وحدت نیز شرکت داشتند، مشروح مذاکرات آقای مستری با استاد مزاری:

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۳، پنجشنبه ۱ ثور ۱۳۷۳ش.

محمود مستری: ما از مهمان نوازی مردم افغانستان به خصوص حزب وحدت اسلامی تشکر می‌کنیم و امیدوارم که آتش بس دوام یابد.

استاد مزاری: ما مجدداً از زحمات شما تشکر می‌کنیم، اوضاعی که پیش آمده به خاطر عدم توافق مجاهدین است کشورهای منطقه هم اقدام کردند ولی موفق نشدند و اکنون امیداوار هستیم که هیأت سازمان ملل متحد در قضیه‌ای که به عهده گرفته است موفق شوند. ما معتقد هستیم که نظر همه‌ی مردم گرفته شود ولی اگر توافق دو طرف قضیه، یعنی شورای هماهنگی و جمعیت اسلامی که به نام دولت یاد می‌شود گرفته شود، راه نزدیک تر است به صلح، اگر این دو طرف به توافق دست پیدا کنند مسأله زود حل می‌شود.

استاد مزاری: اگر مجاهدین هم حکومتی روی کار بیاورند بهترین چهره حضرت صاحب مجددی است که همه قبول دارند مشکلی اصلی آقایان ربانی و حکمتیاراند که باید استعفا کنند.

محمود مستری: حکمتیار به ما گفت که پروسه‌ی صلح جریان دارد و آقای حقانی آن را رهبری می‌کند و چند روز بعد اعلام خواهد شد، ما هم با آقای حقانی صحبت کردیم ولی از طرح وی صحبت به میان نیامد.

استاد مزاری: آقای حقانی با ما نیز صحبت‌های داشت و طرحی را ارائه کرد که به نظر ما عملی نبود. آقای حقانی مجدداً نماینده‌های خود را (فرستاد) که ما از طرح اوّلی صرف نظر کردیم و طرح جدیدی را روی دست، داریم در آن طرح آمده بود که امنیت کابل را قوماندانان کابل به عهده بگیرند و یک شورای محدود به وجود بیاید و حکومت موقت را تشکیل نمایند. ما گفتیم: که مردم کابل امنیت خود را به قوماندانی که ۱۲ جنگ را پشت سر گذاشته‌اند نمی‌دهند و از طرفی هم، کابل با بقیه‌ی ولایات فرق می‌کند، ممکن است قوماندانان قندهار، هرات، مزار، جلال آباد و... شورای را به وجود آورند و مناطق خود را اداره کنند و مردم سایر نقاط افغانستان اعتراض نکنند، ولی کابل تنها متعلق به قوماندانان کابل نیست، بلکه در کابل سرنوشت تمام کشور تعیین می‌گردد و همه خود را در کابل سهیم می‌دانند، مردم می‌گویند قوماندانان کابل در جنگ نتوانستند کابل را بگیرند حالا می‌خواهند با صلح بگیرند و این غیر قابل قبول

است. هم چنین گفتم: تا وقتی که اردوی ملی از همه اقشار مردم افغانستان به وجود نیاید هیچ کس از کابل بیرون نمی‌رود و نه سلاح خود را تسلیم می‌کند. در رابطه با آتش بس با آقای حقانی گفتیم: که اگر آقای ربانی و حکمتیار را قانع کردید که استعفا بدهند آتش بس به وجود می‌اید و الا جنگ خاموش نمی‌شود. درباره‌ی شورای محدود گفتیم: که معیار اعضای آن مشخص نیست ما با این ملاحظات به آقای حقانی گفتیم: که این طرح شما موفق نمی‌شود و بهتر است که اعلان نکنید. در رابطه با حکومت بی طرف، آقای حقانی گفت: باید از مجاهدین باشد و ما گفتیم: که از مجاهدین کسی بی طرف نیست، یا فتوای جنگ داده و یا در جنگ شرکت دارد و حزب وحدت اسلامی عقیده دارد باید آقایان ربانی و حکمتیار استعفا کنند و یک حکومت موقت بی طرف با توافق همه‌ی احزاب تشکیل شود، در این صورت جنگ تمام خواهد شد. به نظر ما دوران انحصارطلبی و حکومت یک قوم بر افغانستان تمام شده است. اگر سایر برادران ما به این واقعیت برسند مشکل حل می‌شود. (مثلا)، زنان نیمی از جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند و در مبارزه‌ها نیز نقش عمده را به عهده داشتند که باید در تصمیم گیری‌های آینده از حق رأی دادن و رأی گرفتن برخوردار باشند. متأسفانه عده‌ای هستند که هنوز هم حاضر نیستند برای زنان حقی قایل شوند.

ستوریس موسوریس: سازمان ملل از طرحی که زنان در آن نقش نداشته باشند به هیچ وجه حمایت نمی‌کند.

استاد مزاری: انتظار ما از سازمان ملل این است که در رابطه با تأمین حقوق انسانی مردم افغانستان از جمله حقوق زنان توجه جدی داشته باشد و در جهت تحقق عدالت اجتماعی در افغانستان تلاش کند که در آن صورت مردم افغانستان از شما حمایت خواهند کرد.

محمود مستری: سازمان ملل از طرح پشتیبانی می‌کند که در آن همه‌ی اقشار شریک باشند و ما قبلا برداشت داشتیم که طرح حقانی جامع است ولی از حرف‌های شما فهمیده می‌شود که این طرح هم هنوز جامعیت ندارد.

استاد مزاری: طرح آقای حقانی اگر به همین وضع باقی بماند حتماً شکست می‌خورد، چون هنوز هم حاضر نشده است جنبش ملی اسلامی را که یک بخش عظیمی از مردم

افغانستان از آن پشتیبانی می‌کند به رسمیت بشناسد ما قبلا گفتیم که خواهان حکومتی هستیم که فراگیر باشد و آزادی‌های مردم را تأمین کند و به وسیله‌ی آن عقاید مردم افغانستان مورد تهدید قرار نگیرد و تجربه حکومت‌های قبل تکرار نشود.

محمود مستری: این نشانه‌ای از فهم و دانش شما و حزب شما است.

استاد مزاری: جهاد ۱۴ ساله مردم ما برای عزت بود ولی متأسفانه آقای ربانی علیه مردم افغانستان فتوای جهاد داد که اقدام نادرست و غلطی بود. من به آقای حقانی گفتم که به آقای ربانی بگویید فتوایش اشتباه بوده و باید پس گرفته شود و با جنبش تفاهم صورت گیرد ولی حقانی قبول نکرد.

محمود مستری: برداشت من این است که ربانی آماده است فتوایش را پس بگیرد.

استاد مزاری: آقای ربانی باید اوّل استعفا کند تا زمینه‌ی تشکیل حکومت موقت و برگزاری انتخابات فراهم شود و مردم زعیم ملی‌شان را انتخاب نمایند.

محمود مستری: آقای ربانی دورانش ختم می‌شود.

استاد مزاری: برداشتی که ما از ربانی داریم این است که آقای ربانی به این آسانی حاضر نیست قدرت را رها کند.

محمود مستری: باید پافشاری شود که ربانی قبل از پایان دوره‌اش استعفا کند.

استاد مزاری: بلی فوراً استعفا کند در ظرف دو ماه حکومت موقت تشکیل شود اگر رئیس حکومت را از مجاهدین می‌خواهد ما حضرت صاحب را پیشنهاد می‌کنیم که هم مجاهد است و هم انحصار طلب نیست هم مردم او را قبول دارند و هم دو دوره ریاست جمهوری کرده است.

محمود مستری: در رابطه با سمینار جلال آباد چه نظری دارید؟

استاد مزاری: از سمیناری که حاجی قدیر قرار است دایر کند گزارشی نداریم ولی او قبلا رهبران را در جلال آباد جمع کرده بود ولی نتیجه‌ای نداد.

محمود مستری: آقای حاجی قدیر از شما در این سمینار دعوت کرده است؟

استاد مزاری: برای ما نامه‌ای نوشته است که از اقوام دعوت می‌کنیم و ما گفتیم که اقوام و احزاب یک واقعیت هستند که نباید نادیده گرفته شود ولی آن‌ها نتوانستند از جنبش ملی اسلامی دعوت کنند.

محمود مستری: آن‌ها با دوستم تماس نگرفته اند؟

استاد مزاری: خیر، آن‌ها به ما گفته‌اند که ما از شما نماینده دعوت می‌کنیم، طبق اطلاعی که به ما داده است آن‌ها برای کمیته کاری سمینار ۱۲ نفر را در نظر گرفته‌اند که ۷ نفر آن‌ها از برادران پشتون و ۵ نفر دیگر از باقی اقوام می‌باشد این موضوع عادلانه نیست.

محمود مستری: آیا می‌خواهید که پشتون‌ها اکثریت نداشته باشند؟

استاد مزاری: ما می‌گوییم باید عدالت رعایت شود.

ستوریس موسوریس: چه کسانی در سمینار شرکت می‌کنند؟

استاد مزاری: وقتی عدالت رعایت نگردد باقی اقوام شرکت نخواهد کرد و کار سمینار بی نتیجه می‌ماند.

محمود مستری: پس آینده روشن نیست؟

استاد مزاری: در صورتی که طرح ناقص باشد آینده روشن نیست. طرح حقانی، حاج قدیر و اسماعیل خان ناقص است، حالا باقی مانده، طرح سازمان ملل که آیا می‌تواند راه حل جامع را ارائه کند یا نه؟ دوران حکومت زور و تانک در افغانستان سپری شده است، انتظار حزب وحدت اسلامی این است که سازمان ملل طرح جامعی را ارائه کند که همه‌ی مردم افغانستان در نظر گرفته شود.

این مذاکرات که فضای کاملا دوستانه داشت یک و نیم ساعت به طول انجامید.

ملاقات نایب سفیر جاپان در پاکستان با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر جمعه ۱۳۷۳/۱/۲۱ نایب سفیر کشور جاپان را در پاکستان و آقای کاکا حاجی مسئول امور افغانستان آن سفارت خانه را در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی به حضور پذیرفته و با آنان ملاقات و گفتگو نمود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در جریان این ملاقات استاد خلیلی وزیر مالیه دولت اسلامی و عضو شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی نیز حضور

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۳، پنجشنبه ۱ ثور ۱۳۷۳ش.

داشت. نایب سفیر جاپان مراتب تأسف و تأثر عمیق ملت و دولت جاپن را به خاطر جنگ‌ها و مصایب که بر مردم افغانستان تحمیل شده است ابراز داشته و گفت: دولت جاپن آمادگی دارد در صورت قطع جنگ و استقرار صلح دایمی در افغانستان کمک‌های خود را در سطح وسیع در اختیار مردم افغانستان قرار دهد تا جهت بازسازی کشور ویران شده استفاده شود.

سپس استاد مزاری، ضمن تقدیر از توجه مردم و دولت ژاپن نسبت به مسایل افغانستان اظهار داشتند: مجاهدین افغانستان پس از شکست اتحاد جماهیر شوروی که منجر به فروپاشی نظام سوسیالیستی در سطح جهان گردید آن گونه که انتظار می‌رفت نتوانست عمل کنند و برخوردها، عمل کردها و روش‌های انحصار طلبانه از سوی بعضی از جریان‌های باعث گردید تا وضعیت اسفبار کنونی بر مردم ما تحمیل شود.

استاد مزاری افزود: حزب وحدت اسلامی که از متن توده‌های مستضعف و مسلمان و انقلابی برخواسته است اهداف و آرمان هایش خدمت به مردم و فراهم ساختن سایه‌ی امنیت دایمی و رفاه و آسایش مردم است و بر همین اساس جنگ را هرگز راه حل مسأله افغانستان نمی‌داند و در جنگ‌های که دخیل بودیم بر ما تحمیل شده بود و از خود دفاع کردیم.

استاد مزاری، با اشاره به سفر اخیر هیأت سازمان ملل متحد به افغانستان و طرح مدون حزب وحدت اسلامی که برای حل صلح آمیز قضیه‌ی افغانستان تأثیر دارد قسمت‌های طرح را بازگو نمود. دبیر کل حزب وحدت اسلامی راه حل اساسی بحران جاری را استعفای آقای ربانی و لغو فتوای جهاد وی دانسته گفتند: اگر آقای ربانی کوچک‌ترین توجه به منافع علیای کشور، مردم و اسلام داشت هرگز حاضر نمی‌گردید برای حفظ قدرت، که اکنون جز نامی از آن چیزی دیگری باقی نمانده است باعث ویرانی کشور و کشتار مردم بی گناه گردد.

متعاقباً نایب سفیر جاپن در پاکستان طرح مدون حزب وحدت اسلامی را که به هیأت سازمان ملل ارائه شده بود بهترین و جامع‌ترین راه حل مسأله‌ی افغانستان دانسته و اظهار امیدواری نمود که با از خودگذری مسئولین جریان‌های سیاسی، جهادی مسأله‌ی افغانستان هر چه زودتر حل و فصل گردد. در ادامه‌ی این ملاقات طرفین

روی سایر موضوعات ذیعلاقه بحث و مذاکره‌ی مفصل به عمل آوردند.

ملاقات اعضای کمیته‌ی صلح غرب کابل با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر روز شنبه ۱۳۷۳/۱/۲۲ اعضای کمیسیون مرکزی صلح غرب کابل را در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی به حضور پذیرفته و با آنان ملاقات و گفتگو نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این دیدار نخست جنرال سراج الدین نماینده اتحاد اسلامی در کمیسیون، گزارشی از وضعیت کمیسیون صلح را ارائه داد و مسایل و مشکلات مربوط به این کمیسیون را به استحضار دبیر کل حزب وحدت رسانید و در نتیجه خواستار هدایات لازم گردید.

سپس استاد مزاری، طی سخنانی ضمن تقدیر از تلاش‌های هیأت صلح در جهت تحکیم آتش بس و کنترل جنگ‌های پراکنده گفتند: متأسفانه کمیسیون صلح از مجموع مواد توافق شده در برقراری آتش بس در چند مواد آن موفق شده است و در دیگر مواد آن که مهم‌ترین آن‌ها رهایی اسراء بود نتوانستند عملی سازد، تا آنجای که مربوط ما می‌شود ما آمادگی خود را به قدر توان اعلام داشتیم ولی از جانب مقابل تاکنون در ارتباط با رهایی اسراء اقدامی صورت نگرفته است.

استاد مزاری، در قسمت دیگری از سخنانش اظهار داشتند مصایب و مشکلاتی جزئی که در اطراف کشور رخ می‌دهد ناشی از مشکلات و بحران عمومی است که تمام کشور را در بر گرفته است و تا سازمان امنیت در کشور برقرار نشود یک تنظیم و یک گروه نمی‌توان نظم و امنیت را برقرار نماید. به عقیده‌ی ما عامل همه‌ی این بی نظمی، جنگ‌ها و ناامنی‌ها در سطح کشور آقای ربانی و سیاف می‌باشد که در طول دو سال گذشته با انحصارطلبی با قضایا و جریان‌های کشور برخورد کرده اند، مجلسی که هفت گروه دیگر آن را رد کرده بودند دو گروه، آن را دایر کردند و به عقیده‌ی ما دوران انحصار قبلی و این که یک گروه و یا یک قوم حکومت کند و یک تعداد دیگر

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۳، پنجشنبه ۱ ثور ۱۳۷۳ش.

محکوم باشد گذشته است.

استاد مزاری، افزودند: اوضاع کشور را خود این برادران پیچیده می‌سازند و به فکر دوای درد این مردم نیستند، بلکه هر روز در آلام و دردشان می‌افزایند.

استاد مزاری، با اشاره به توافقات امضاء شده در اسلام آباد و جلال آباد اظهار داشتند: ۸۰٪ این توافقات را آقای ربانی نقض کرده است و با وجود آوردن وضع کنونی، تمام عزت مجاهدین و مردم افغانستان را پایمال نموده تلاشی که این آقایان در دوران زمامداری‌شان داشته است این است، که آقای ربانی بدون این که صلاحیت صدور فتوی را داشته باشد علیه مردم خود فتوی می‌دهد و یک عده‌ی دیگر نیز از آن حمایت می‌کند. و بالاخره نتیجه این می‌شود که مردم حاضر می‌شود طرح خارجی‌ها را برای پایان یافتن بحران موجود بپذیرد.

استاد مزاری، در ادامه گفت: مشکل اساسی این است که عده‌ی از نیروهای موجود در راستای حذف یکدیگر حرکت می‌کنند، برای هدف خود [در تلاشند] و رسیدن به آن غیر ممکن است. برادران اگر فهم و مذاکره را به جای حذف یکدیگر جایگزین سازند مقدار زیادی از مشکلات حل می‌گردد.

استاد مزاری، در اخیر اظهار داشتند: تا آنجای که مربوط حزب وحدت اسلامی و مردم ما است تلاش خواهیم کرد که هر طرح و راه حل معقول را بپذیریم و برای تحقق آن تلاش نماییم.

در این ملاقات آقای اخلاصی و فکوری از حزب وحدت اسلامی، جنرال سراج و جنرال فیض محمد خان از اتحاد اسلامی، دگروال محمد سعید و عبدالاحمد از جمعیت اسلامی و آقایان پیگیر و ذاکری از حرکت اسلامی شرکت داشتند.

ملاقات اعضای انجمن شعر و ادب کابل با استاد مزاری[1]

اعضای انجمن شعر و ادب کابل قبل از ظهر روز سه شنبه ۱۳۷۳/۱/۲۳ در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی با استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی دیدار نمودند.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۴، پنجشنبه ۱۵ ثور ۱۳۷۳ش.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این دیدار اعضای انجمن شعر و ادب کابل ابتدا مراتب خرسندی و سپاس خود را نسبت به استاد مزاری ابلاغ داشتند و آن گاه برادران، خدری و اسحاق واحدی هر کدام به نوبه خود قطعه شعری‌های زیبایی را قرائت نمودند. سپس یکی از اعضای این انجمن گزارش کار و چگونگی تشکیل این انجمن را تشریح نموده اظهار داشت: بسیار خوشحال هستیم که در شرایطی به خدمت می‌رسیم که به برکت خون شهدا و رهبری خردمندانه حزب وحدت اسلامی مناطق تحت کنترل حزب وحدت در امنیت کامل به سر می‌برد و آن گاه به انگیزه‌ی تشکیل انجمن شعر و ادب کابل اشاره نموده افزود: هیچ کسی نمی‌تواند نقش مردم ما را در تمدن و رشد فرهنگی نادیده بگیرد روی این جهت است که ما تصمیم گرفتیم انجمن شعر و ادب را ایجاد نماییم تا استعدادهای نهفته و شگرف که در نسل حاضر ما است شکوفا شود وی هم چنین افزود: شعر می‌تواند مسکن دردها و رنج‌های مردم ما باشد، لذا ما سعی می‌کنیم در این راه از هیچ تلاشی دریغ نورزیم گرچه مشکلات فراوان وجود دارد که دست و پای ما را بسته ولی ما وارث مردمی هستیم که در گذشته استعداد و شکوفایی خود را در صحنه‌های فرهنگی و تمدن نشان داده است و بزرگترین افتخارات تاریخی از خود به جای گذاشته اند.

سپس استاد مزاری، دبیر کل حزب وحدت اسلامی طی سخنان مشروحی از تشکیل انجمن شعر و ادب استقبال نموده آن را یک گام مثبت در راه شکوفایی و رشد فرهنگ و ادب در کشور دانستند. استاد مزاری در ادامه سخنانش افزودند: تاریخ مردم ما نشان می‌دهد که بزرگترین افتخارات را در صحنه‌های سیاسی و فرهنگی داشته است که حالا به صورت افسانه بازگو می‌شود.

استاد مزاری با برشمردن نمونه‌های از رنج‌ها و محرومیت مردم مظلوم شیعه باالخصوص هزاره‌ها افزودند: با تمام محرومیت و رنج‌های که در گذشته و حال مردم ما داشته است و با تمامی سختی‌های که جوانان ما در دوران مهاجرت متحمل گردیده اند، اما در صحنه شعر و ادب بزرگترین افتخارات را به جای گذاشته اند.

استاد مزاری، در ادامه سخنانش افزودند: هنرمندان و قلم بدستان و شاعران در تحولات سیاسی و فرهنگی جامعه نقش مؤثر داشته که اگر هنر و شعر سازنده ارائه

ندهند جامعه را منحرف ساخته و فرهنگ جامعه را دچار رکود می‌سازد.

استاد مزاری، در ادامه فرمودند دشمنان ما بسیار تلاش نمودند که حزب وحدت اسلامی را از صحنه سیاسی حذف نمایند و یک عده از بزرگان شیعه نیز هم صدا با آنان می‌گفتند که حزب وحدت در بامیان و در بین مردم هزاره به وجود آمده است و هیچ گونه سهمی را در کشور ندارد. با تمام این تلاش‌ها مردم ما با مقاومت خود آن چنان موقعیت کسب کردند و آن چنان موقعیت‌شان تثبیت شد که امروز حتی کسانی که ما را قبول نداشتند به عنوان ستون فقرات کشور می‌دانند.

در پایان استاد مزاری، از اعضای انجمن شعر و ادب قدردانی نموده اظهار داشت شرایط فعلی کابل یک شرایط تحمیلی است که ما را مجبور ساخته بیشترین توجه را به مسایل نظامی داشته باشیم. لذا ما نمی‌توانیم در این باره سخن جدی را به شما بگوییم حزب وحدت در هر شرایط آماده است تا شما بتوانید کارهایتان را به خوبی پیش ببرید. ولی این گام شما مورد تأیید ما است.

ملاقات قومندانان حزب وحدت اسلامی با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر روزی یکشنبه ۱۳۷۳/۱/۲۷ قومندانان اپراتیفی فرقه‌های ۹۵، ۹۶، ۹۷، غند نمبر ۳ پیاده و غند نمبر یک جهادی، لوای ۵۲۰، غند ۱۱۴ انجنیری، کندک ۷۲، کندک کشف، و قومندانان جزوتام‌های مسلح حزب وحدت اسلامی را در مقر مرکزی آن حزب به حضور پذیرفته و با آنان ملاقات و گفتگو نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار استاد مزاری طی سخنانی ضمن تأکید بر اهمیت و نقش نیروهای مسلح در حفظ و پاسداری از دست آوردهای مبارزه و جهاد ۱۴ ساله‌ی پر افتخار ملت ما در برابر تجاوز و اشغال ارتش سرخ شوروی و مقاومت و پایمردی سال گذشته در برابر فرصت طلب‌ها و تعصب‌های کور اظهار داشتند: این افتخارات که نصیب مردم ما گردیده است به خاطر ایمان و عقیده راسخ مردم و پشتیبانی وسیع و گسترده‌ی آنان از حزب وحدت اسلامی و

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۴، پنجشنبه ۱۵ ثور ۱۳۷۳ش.

مجاهدین این حزب می‌باشد. لهذا مجاهدین و نیروهای مسلح حزب وحدت اسلامی، به پاس این فداکاری و رشادت و از خود گذشتگی مردم کوچکترین حرکتی را بر خلاف اراده و خواست مردم نخواهند داشت. طبیعی است وقتی که اعمال خلاف از نظامیان سر بزند و گسترش پیدا کند، توسط مردم متخلفین تأدیب خواهند شد.

استاد مزاری در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به برقراری امنیت موجود در ساحات تحت کنترل حزب وحدت اسلامی فرمودند: وظیفه‌ی نیروهای مسلح برقراری امنیت در ساحات مربوطشان می‌باشد که با تمام توان بر این امر مهم توجه داشته باشند و از اعمال خودسرانه خودداری نمایند.

دبیر کل حزب وحدت اسلامی با خاطر نشان ساختن این موضوع که مکاتب غرب کابل بازگشایی خواهد شد تمام قومندانان حزب وحدت اسلامی را دستور دادند تا با معلمین و کارکنان مکاتب غرب کابل برخورد اسلامی و مطابق با شرع داشته باشند و اضافه نمودند در صورتی که افراد مزاحم معلمین و اساتید لیسه‌ها و مکاتب گردند با آنان به طور جدی برخورد خواهد شد. در اخیر این دیدار آقای هاشمی عضور شورای مرکزی و قومندان عمومی اپراتیفی حزب وحدت اسلامی افغانستان به نمایندگی از سایر قوماندانان در قبال گفتار روشن گرانه‌ی استاد مزاری آمادگی کامل نیروهای مسلح حزب وحدت اسلامی را برای اجرای فرامن حزب وحدت اسلامی اعلام کرد.

دیدار روشنفکران شهر کابل با استاد مزاری[1]

جمعی از روشنفکران و شخصیت‌های سیاسی شهر کابل بعد از ظهر روز سه شنبه ۱۳۷۳/۱/۳۰ با حضور در دفتر کار حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری، دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان با وی ملاقات نمودند و پیام امتنانیه‌ی روشنفکران شهر کابل را عنوانی استاد مزاری تقدیم ایشان کردند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این دیدار که استاد سمیع فیضی نماینده‌ی حزب وحدت اسلامی در کمیسیون مالی و بانکی کشور نیز حضور داشت نخست یک تن از روشنفکران جمع حاضر را معرفی و اظهار داشتند: جمع حاضر به

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۴، پنجشنبه ۱۵ ثور ۱۳۷۳ش.

نمایندگی از کلیه روشنفکران و شخصیت‌های شهر کابل خدمت شما رسیده‌اند تا مراتب سپاس و قدردانی خویش را به خاطر اتخاذ سیاست صلح جویانه و مطابق با شرایط عینی جامعه از سوی شما، ابراز دارند.

و متن مکتوب پیام امتنانیه‌ی روشنفکران را تقدیم دبیر کل حزب وحدت اسلامی نمود.

متعاقباً استاد مزاری، از احساس مسئولیت روشنفکران در برابر جامعه، مردم و کشور تقدیر کرده اظهار داشتند: در شرایطی که ممکن است زمینه پذیرش مهاجرت روشنفکران و متخصصین کشور در دول خارجی فراهم می‌باشد عده‌ی از آنان در داخل کشور باقی مانده‌اند و در صدد حل معضلات می‌باشند قابل قدر است و امیدوار هستیم که جو نظامی با تلاش روشنفکران و مردم شکستانده شود و تمام نیروی انسانی و اقتصادی ما در جهت عمران کشور استفاده گردد.

استاد مزاری، در قسمت دیگری از سخنانش گفتند: در جهاد چهارده ساله افغانستان همه اقشار جامعه ما اعم از زن و مرد، پیر و جوان روشنفکر و بازاری [و کارگر] شرکت داشتند باید در ساختار آینده‌ی کشور حقوق مطابق باشان آنان فراهم گردد و ریشه‌ی انحصارطلبی که کشور را در دو سال گذشته با بحران مواجه ساخته باید سوزانده شود و عده‌ی که هنوز با اندیشه‌ی تکروانه و انحصارگرایانه می‌خواهند بر سر مردم حکومت کنند باید بدانند که انحصارطلبی دیگر در افغانستان جا ندارد و افزود: این وضع را که افغانستان دارد در هیچ جای از دنیا وجود ندارد، در کجای دنیا دیده‌اید کشوری که یک میلیارد درآمد نداشته باشد یک هزار و دو صد میلیارد پول بی پشتوانه چاپ کند و ما معتقد هستیم که روس‌ها با چاپ پول بی پشتوانه برای افغانستان انتقام شکست فضاحت بار خود را از مردم افغانستان می‌گیرد.

استاد مزاری، در اخیر با بیان این مطلب که سیاست اصولی این است که افغانستان خانه مشترک همه مردم ماست و باید همه در آبادانی آن سهم داشته باشیم گفتند: روشنفکران سرمایه ملی مردم ما به شمار می‌روند و باید در آینده کشور نقشی اساسی داشته باشند و در راستای خدمت به مردم تلاش نمایند.

ملاقات مسئول مؤسسه‌ی W. I. S. N با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر روز ۱۳۷۳/۱/۳۰ داکتر فزیک مسئول مؤسسه‌ی W. I. S. N را در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی به حضور پذیرفت و با وی گفتگو نمود.

به گزارش خبرنگار وحدت اسلامی در این دیدار نخست آقای فزیک گزارشی از جریان فعالیت مؤسسه W. I. S. N را برشمرده و یادآور گردید که این مؤسسه فعلا روی دو برنامه کار می‌کند، اوّل این که در راستای گسترش خدمات صحی دفتری در مرکز بامیان ایجاد کردیم که از آن نقطه سایر مردم هزاره جات را زیر پوشش قرار خواهیم داد. برنامه دوم ما رسیدگی به مردم جنگ زده و حمایت طفل و مادر می‌باشد که در این زمینه می‌خواهیم مراکزی در غرب کابل که فعلا امن‌ترین نقطه‌ای این شهر می‌باشد، ایجاد نماییم که مرکز آن را دشت آزادگان انتخاب خواهیم کرد. وی از همکاری‌های همه جانبه مسئولین حزب وحدت اسلامی و مردم شریف غرب کابل تقدیر نموده، اظهار داشت: خوشبختانه در این نقطه‌ای از شهر کارمندان ما، در هیچ جای دیگر با چنین برخورد انسانی روبرو نشده‌اند این برخورد ما را بر ادامه کار ما، در غرب کابل تشویق می‌کند. وی در اخیر از رهبری حزب وحدت اسلامی خواستار همکاری بیشتر در جریان فعالیت‌های مؤسسه‌ی W. I. S. N گردید.

سپس استاد مزاری، از اقدامات بشر دوستانه مؤسسه W. I. S. N در افغانستان به خصوص در ولایت بامیان که محروم‌ترین مناطق کشور می‌باشد تقدیر نموده اظهار داشت: هر آن چه مربوط حزب وحدت اسلامی شود با تمام توان در خدمت شما خواهد بود و با شما همکاری خواهد نمود. لازم به تذکر است مؤسسه W. I. S. N یک مؤسسه فرانسوی می‌باشد که در طول جهاد در مناطق مختلف افغانستان فعالیت‌های داشته است.

ملاقات نمایندگان افشار کابل با استاد مزاری[2]

حجت الاسلام و المسلمین استاد عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۴، پنجشنبه ۱۵ ثور ۱۳۷۳ش.

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۴، پنجشنبه ۱۵ ثور ۱۳۷۳ش.

افغانستان قبل از ظهر امروز یکشنبه ۱۳۷۳/۲/۴ در دفتر کارشان با نمایندگان مردم افشار ملاقات نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این ملاقات نخست یک تن از حاضرین به نمایندگی از سایرین گزارشی از جریان فعالیت نمایندگان مردم افشار در ارتباط با رفع مشکلات مهاجرین و ثبت خسارات وارده به منازل مسکونی مردم ارائه داد و درباره‌ی سایر موضوعات مربوط به افشار صحبت نمود.

سپس استاد مزاری، ضمن تقدیر از زحمات نمایندگان مردم افشار بر دفن هر چه سریع تر شهدای افشار که تاکنون در گورهای دسته جمعی می‌باشند تأکید نموده اظهار داشتند: باید برای شهدای گرانقدر فاجعه‌ی افشار محلی مشخصی در نظر گرفته شود و به طور منظم دفن گردند. چون سند زنده‌ی مظلومیت مردم ما به شمار می‌روند و اوج قساوت و جنایت دشمنان مردم ما را به نمایش می‌گذارد.

استاد مزاری، افزودند: باید نسل‌های آینده‌ی مردم ما با زیارت کردن قبور شهدای افشار بدانند که بر نسل امروز ما چه گذشت و نیز باید بدانند و عبرت بگیرند که هیچ قدرتی که بتواند از خارج مردم ما را ضربه بزند وجود ندارد. مردم ما در طول دو سال جنگ کابل ثابت کرده که از اراده‌ی ثابت و استوار برخوردار هستند. اما وقتی که به خائنین ملی فرصت داده شود حادثه‌ی مانند افشار را به وجود خواهند آورد.

استاد مزاری در اخیر وعده دادند که حزب وحدت اسلامی با مردم خود تعهد سپرده است که قضیه‌ی افشار را به هر نحوی ممکن حل نماید و فعلا نمایندگان حزب وحدت اسلامی با مسئولین شورای نظار در حال مذاکره به سر می‌برند.

ملاقات نمایندگان مردم ناومیش و کجران با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان قبل از ظهر روز سه شنبه ۱۳۷۳/۲/۶ نمایندگان مناطق ناومیش و کجران ولایت ارزگان را در مقر مرکزی آن حزب به حضور پذیرفته و با آنان ملاقات و دیدار و گفتگو نمودند.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۴، پنجشنبه ۱۵ ثور ۱۳۷۳ش.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این دیدار نخست آقای مدرسی مسئول کمیسیون قضایی ولسوالی کجران حزب وحدت اسلامی طی سخنانی ضمن تقدیم سلام‌های خالصانه‌ی مردم و مسئولین مناطق ناومیش و کجران، به دبیر کل حزب وحدت اسلامی، آزادی خاک اشغال شده ناومیش را به همه عدالت خواهان جهان به خصوص مردم افغانستان و مقام رهبری حزب وحدت اسلامی تبریک گفت. وی مسایل و مشکلات مردم منطقه را برشمرده، اظهار داشت: هم اکنون مدافعین و مجاهدین غیور حزب وحدت اسلامی در مقابل نیروهای تحت امر رئیس عبدالواحد باغرانی قوماندان جمعیت ایستادگی کرده از مرزهای عقیده و شرف و عزت مردم خود پاس می‌دارند.

آقای مدرسی در زمینه حل مشکلات موجود منطقه از مقام رهبری حزب وحدت اسلامی خواستار هدایت و رهنمودهای لازم گردید.

سپس استاد مزاری، از احساسات پاک مردم و مسئولین ناومیش و کجران تقدیر کرده اظهار داشت: بر اثر استقامت بی نظیری مردم ما فتح و آزادسازی مناطق اشغالی ناومیش توسط مجاهدین آن سامان پیروزی بزرگی برای ملت ما به شما می‌رود و بار دیگر این حقیقت را به جهانیان و گروهای انحصارگر داخلی کشور ثابت ساخت که بر مردم ما دیگر تاریخ تلخ گذشته تکرار نخواهد شد و مردم ما به هیچ قیمتی زیر بار ظلم و ستم نخواهد رفت.

استاد مزاری، خطاب به نمایندگان کجران و ناومیش گفت: سلام‌های ما و مردم کابل را برای مردم منطقه‌ی ناومیش و کجران برسانید. فتح و آزادسازی خاک ناومیش اشغال شده را به مردم آن مناطق تبریک بگویید.

استاد مزاری، در اخیر در ارتباط با حل مشکل و مسایل ناومیش و کجران رهنمودهای لازم را ارائه داد و هدایت مشخصی در بالای شعبات مربوطه صادر نمود.

ملاقات نمایندگان شورای مساجد با استاد مزاری[1]

ساعت ۲ بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۳۷۳/۲/۲۸ نمایندگان شورای مساجد کابل

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۷، پنجشنبه ۲۶ جوزای ۱۳۷۳ش.

با حضور در دفتر کار دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان، استاد مزاری با ایشان ملاقات و گفتگو نمودند.

طبق گزارش گزارشگر ما، در این ملاقات که مسئولین شورای تصمیم گیری و اجرایی هزاره جات نیز حضور داشتند در ابتدا یک تن از نمایندگان ضمن نثار درود به روح طیبه‌ی شهدای اسلام اظهار داشت: دبیر کل محترم و مجاهد حزب وحدت اسلامی افغانستان! در این اواخر مردم غرب کابل دچار تشویش و نگرانی‌های زیادی اند، در این ارتباط ما شورای نمایندگان مساجد، یک بار خدمت حضرت آیت اللّه بهشتی رفته ضمن عرض خیر مقدم خواست‌ها و دردهای خود را در حضورشان بیان نمودیم و متنی را که مورد خواست مردم بود برایشان تقدیم کردیم، اکنون خدمت شما شرفیاب شده و خواست مردم خود را با شما در جریان می‌گذاریم.

استاد محترم! کسانی که اینک حضور شما نشسته‌اند نماینده‌ی فرد نیستند بلکه از جمعیتی نمایندگی می‌کنند و به عنوان نمایندگان شورای مساجد پیام مردم خود را به شما عرض می‌نمایند، عرض مردم این است که خواستشان در نظر گرفته شود. این ملت تشنه‌ی شمااند و شما را می‌خواهند و از شما پشتیبانی می‌کنند و این شما هستید که نه تنها به ما بلکه به جهانیان ثابت کردید که دلسوز این مردم هستید و از حقشان قاطعانه حمایت می‌کنید امروز نه تنها جامعه تشیع بلکه همه ملیت‌های محروم افغانستان چشم امید به شما دارند و سرنوشت خود را در حمایت و موقف استوار شما وابسته می‌شمارند.

استاد مزاری، دبیر کل حزب وحدت اسلامی، در پاسخ به اظهارات نمایندگان شورای مساجد فرمودند: برادرانی که زحمت کشیده این جا آمده‌اید و از مسایل اظهار نگرانی می‌کنید از زحمت و احساس شما تشکر می‌کنم، تاکنون عزتی را که تشیع کسب کرده است از حمایت شما مردم و فداکاری‌های شما بوده است. شما مردم مجاهد کابل و مقاومت جانانه‌ی‌تان موقعیت تشیع را در افغانستان تثبیت کرد. ما شاهد بودیم که بعد از سقوط افشار شما مردم سلاح گرفتید و دفاع کردید و از شما بچه شهید شد، برادر شهید شد، خانه‌ها ویران شد و اموال شما تلف شدند ما این عزت و افتخار را از شما می‌دانیم.

استاد مزاری در پاسخ به این گفتار نمایندگان که مردم از شما می‌خواهد که باید در آینده نیز مسئولیت رهبری حزب وحدت به شما سپرده شود فرمودند: مسئولیت ما زیاد مهم نیست ما هر چه باشیم در خدمت شما هستیم اکنون هم به عنوان یک مسئول با شما حرف نمی‌زنم، (بلکه) به عنوان خدمتکار با شما حرف می‌زنم.

استاد مزاری فرمودند: تعیینات یک فرمول تشکیلاتی است شما تشویش نداشته باشید تعیینات مهم نیست، وحدت شما مردم مهم است. بزرگان شما از داخل و خارج آمده‌اند قطعاً به صلاح شیعه تصمیم می‌گیرند و به مصالح شما فکر می‌نمایند و آنچه که این‌ها به صلاح شیعه تصمیم بگیرند همه‌ی ما رعایت کنیم.[1]

ملاقات مسئول دفتر نمایندگی حزب وحدت در لندن با استاد مزاری

حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی، قبل از ظهر روز چهارشنبه ۱۳۷۳/۳/۱۱ در دفتر کارشان آقای سهرابی مسئول دفتر حزب وحدت اسلامی در لندن را به حضور پذیرفته و با وی ملاقات و گفتگو نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این دیدار آقای سهرابی سلام‌های گرم و پیام امتنانیه‌ی مهاجرین، دانشمندان، دانشجویان افغانی مقیم شهرهای انگلستان را تقدیم استاد مزاری کرده و ضمن ارائه گزارشی از وضعیت مهاجرین و مربوطین حزب وحدت اسلامی مقیم انگلستان به استحضار دبیر کل حزب وحدت اسلامی رسانید. آقای سهرابی در قسمتی از سخنانش از پایمردی و مقاومت بی نظیر مردم شجاع و قهرمان کابل تقدیر کرده اظهار داشت: سربلندی و سرافرازی را که مردم ما در کابل به دست آوردند باعث سربلندی ما در تمام جهان گردید و مهاجرین و مربوطین حزب وحدت اسلامی در خارج از کشور خود را مدیون فداکاری ها، رشادت‌ها و خون پاک جوانان بی باک و شجاع، ما در کابل می‌دانند و با تمام توان و امکانات از موضع گیری‌های اصولی حزب وحدت اسلامی حمایت نمایند.

سپس استاد مزاری، از احساسات پاک و بی آلایش مهاجرین مقیم خارج از کشور به خصوص کشور انگلستان که نسبت به مردم و سرنوشت خود آگاهی پیدا کرده‌اند

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۷، پنجشنبه ۲۶ جوزای ۱۳۷۳ش.

تقدیر نموده و افزودند: عامل اساسی پیروزی مردم ما در کابل، وحدت و اتفاق آنان بود. دشمنان ما، با پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی بالای مردم ما شب و روز آتش باری می‌کردند. اما هر بار بیشتر از قبل، تن به شکست در دادند بگونه‌ای که تنها در جنگ ۱۲ روزه سال گذشته منابع شورای نظار اعتراف کرده بودند که ما بیش از سی هزار مرمی ثقیله بالای مردم غرب کابل انداخت کردیم. همان‌ها از فاجعه‌ی افشار و پس از جنگ ۱۲ روزه‌ی سال گذشته در مجالس خصوصی خود اعتراف کرده بودند که ما در جنگ با حزب وحدت اسلامی تمام مسایل را سنجیده بودیم، اما حمایت مردمی و همبستگی آنان را فکر نکرده بودیم و همین باعث شکست طرح‌های ما گردید... ایشان ادامه دادند! اکنون دشمنان مردم ما به این نکته دقیقاً پی برده‌اند که با همبستگی و انسجام حزب وحدت اسلامی، این مردم شکست ناپذیر است. لذا دست به توطئه‌های مختلف و گوناگون می‌زنند تا مردم ما را پارچه پارچه کنند، اما الحمدالله مسئولین و مردم ما پس از تجربه سالها تعدد احزاب و اختلاف و وحدت آگاهانه به این حد از آگاهی و شعور سیاسی رسیده‌اند که به هیچ قیمتی حاضر به از بین رفتن وحدت نمی‌گردند و این میثاق را با خدا و خون شهیدان بسته اند.

استاد مزاری، در قسمت دیگری از سخنانش گفتند: که چنانچه دشمنان ما در سنگرهای نبرد و سیاست نتوانستند حضور نیرومند ما را نادیده بگیرند آشکار و پنهان بر شکستشان اعتراف می‌کنند. در این توطئه نیز با درایت و هوشیاری مردم ما شکست خواهند خورد و یک بار دیگر مسئولین و مردم ما اثبات خواهند کرد که دیگر این مردم فریب نخواهند خورد و مانند دیگران با سربلندی و سرافرازی در این کشور زندگی خواهند کرد.

دیدار هیأت ایرانی با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان عصر روز جمعه ۱۳۷۳/۳/۱۳ هیأت وزارت خارجه‌ی جمهوری اسلامی ایران با سرپرستی آقای علاء الدین بروجردی معاون آسیا و اقیانوسیه آن وزارت خانه را به

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۷، پنجشنبه ۲۶ جوزای ۱۳۷۳ش.

حضور پذیرفته و با وی ملاقات و گفتگو نمودند به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این دیدار که در دفتر کار استاد مزاری انجام گرفت آقای غلام رضا حدادی سفیر کبیر جمهوری اسلامی ایران در کابل و جمعی از کارکنان وزارت امور خارجه‌ی ایران نیز حضور داشتند. نخست آقای بروجردی سلام‌های گرم مسئولین و مردم کشور برادر ایران را تقدیم استاد مزاری نموده و گزارشی از وضعیت مهاجرین افغانستانی مقیم ایران ارائه داد.

سپس استاد مزاری، سالروز رحلت حضرت امام خمینی (ره) را به تمام مسلمانان و آزادی خواهان جهان به خصوص مسئولین و مردم شریف جمهوری اسلامی ایران تسلیت گفته و از تلاش‌های کشورهای مسلمان به خصوص کشورهای همسایه جهت حل صلح آمیز قضیه‌ی افغانستان تقدیر کرده اظهار امیدواری نمود: که با قطع ریشه‌های بحران در افغانستان زمینه‌ی تشکیل یک حکومت فراگیر اسلامی ملی به وجود آمده و روابط متقابل دوستانه و برادرانه، افغانستان با کشورهای اسلامی به خصوص جمهوری اسلامی ایران استحکام یابد.

در ادامه این دیدار روی سایر موضوعات ذیعلاقه دو طرف بحث و تبادل نظر همه جانبه صورت گرفته و طرفین در حل قضایا و بحران‌های موجود کشور از طریق مفاهمه، مذاکره و تحمل یک دیگر تأکید نمودند.

ملاقات نماینده‌ی سازمان اوکندن وینچر با استاد مزاری[1]

برادر عزیز اللّه نماینده‌ی سازمان خیریه‌ی اوکندن وینچر قبل از ظهر امروز شنبه ۱۳۷۳/۳/۱۳ با حضور در دفتر کار استاد مزاری با وی دیدار و گفتگو نمود.

به گزارش خبرنگار ما در این دیدار که دکتر انور یوسفی نماینده‌ی صحی حزب وحدت اسلامی در پاکستان و داکتر محبی از مسئولین کمیته صحی حزب وحدت اسلامی در کابل نیز حضور داشتند. نخست برادر عزیز اللّه ضمن ابراز خرسندی از ملاقات با دبیر کل حزب وحدت اسلامی در رابطه با فعالیت‌های سازمان اوکندن وینچر صحبت نمود. وی در قسمتی از سخنانش گفت: سازمان خیریه‌ی اوکندن وینچر

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۷، پنجشنبه ۲۶ جوزای ۱۳۷۳ش.

انگلستان از سال ۱۹۸۴ میلادی فعالیت‌های خود را در رابطه (با) افغانستان آغاز نمود و اکنون در ولایات مختلف افغانستان در بخش‌های مختلف فعالیت امداد رسانی دارد.

وی برنامه‌های آینده‌ی سازمان را تشریح نموده گفت: غرب کابل که از تمامی کمک‌ها محروم بوده است در برنامه‌های آینده‌ی ما جایگاه به خصوص خود را خواهد داشت و با توجه به پیشرو بودن فصل تابستان در زمینه تنظیفات مناطق و چاه‌های آب، تلاش‌های جدی ما معطوف آن خواهد بود و برای اوّلین اقدام مقدار ۶۵۴ کیلوگرم ادویه به ارزش سه میلیون افغانی برای شفاخانه‌ی ۵۰ بستر انتقال دادیم که به مسئولین آن شفاخانه تحویل داده شد.

نماینده‌ی سازمان خیریه‌ی اوکندن وینچر انگلستان درباره‌ی فعالیت‌ها و برنامه‌های آینده آن سازمان خواستار همکاری‌های همه جانبه حزب وحدت اسلامی گردید.

سپس استاد مزاری، از اقدامات بشر دوستانه سازمان اوکندن وینچر تقدیر نموده اظهار داشت: در طول ۲ سال گذشته ۱۲ جنگ در کابل به وقوع پیوست و محل جنگ‌ها در غرب کابل بوده است و علاوه بر نبودن آب و برق از نظر صحی نیز با مشکلات زیاد و فراوان روبرو بوده ایم، در طول این جنگ‌ها بیش از پنجاه هزار مهاجر از مرکز شهر کابل به غرب کابل آمده‌اند که اکثر آن‌ها در خانه‌های مسکونی مردم جا داده (شده) است. لهذا در هر راستای همکاری با مؤسسات خارجی ما آماده‌ایم که از هیچ تلاشی فروگذار ننماییم.

ملاقات شورای مساجد با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان عصر روز دوشنبه ۱۳۷۳/۳/۱۶ جمع کثیری از نمایندگان شورای مساجد را در دفتر کارشان به حضور پذیرفته و با آنان ملاقات و گفتگو نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این ملاقات ابتدا آقایان عالمی و مردان علی به ترتیب صحبت نمودند و از شایعاتی که در رابطه با دوگانگی حزب وحدت اسلامی شنیده می‌شود ابراز نگرانی نمودند.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۸، پنجشنبه ۹ سرطان ۱۳۷۳ش.

سپس استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی ضمن اظهار قدردانی از خدمات شایسته شورای مساجد فرمودند: شورای مساجد یک نهاد مقدس مردمی است در حین مشکلات جنگ به وجود آمده و خدمات شایسته‌ای را تاکنون انجام داده است. شورای مساجد بود که اجساد شهداء را دفن کرد. سنگرها را کند و به مجاهدین غذا و مرمی می‌رسانید و به مجروحین کمک کرد. لذا از شورای مساجد تشکر می‌کنم و امیدوارم که مصدر خدمات بیشتر گردد، اما در رابطه با مسأله‌ی وحدت من معتقد هستم که وحدت به وجود آمده به هیچ وجه بستگی به من و کسی دیگری ندارد. زیرا مردم ما این قدر شعور و درایت پیدا کرده‌اند که وحدتشان را حفظ نمایند و به این اندازه از رشد سیاسی رسیده‌اند که از مسئولین مسایل را بیشتر می‌فهمند و من از این خاطر از شما ابراز تشکر می‌کنم. از این که شما از من اعلام پشتیبانی و حمایت می‌کنید ما به هر صورت در خدمت مردم خود هستیم ما از روزی که انقلاب کردیم، تعهد کردیم که در خدمت مردم باشیم.

استاد مزاری، در ادامه صحبتشان به تشکیل کنگره و تعیینات حزب وحدت اسلامی در بامیان اشاره نمود و گفتند: وقتی که برادران مرا مسئول تعیین کردند هنوز مرگ و زندگی من معلوم نبود، من در مرزهای غرب کشور به سر می‌بردم و وقتی که بامیان آمدم به این مسئولیت راضی نبودم و به برادران گفتم که من به حیث عضو شورای مرکزی باشم بهتر کار می‌کنم. اما با اصرار برادران مسئولیت را قبول کردم به هر صورت کابل آزاد شد و خدمت شما آمدم و به حیث وظیفه ملی و اسلامی تاکنون در کنار شما بوده ام در کابل دشمنان ما ۱۴ جنگ را به وجود آوردند و بر ما تحمیل کردند، خانه‌ای مردم ما ویران شد، زنان، کودکان و پیرمردان بی گناه، شهید شدند همه مصائب را مردم ما تحمل کرده و مردانه مقاومت کردند، وقتی که ما را در جبهه‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی شکست داده نتوانسته‌اند تلاش کردند که وحدت ما را بکشنند و طبیعی است که نقطه قوت وحدت حضور مردم در صحنه است.

استاد مزاری، در بخش دیگری از سخنانش از حادثه روز جمعه ششم جوزا اظهار تأسف نموده و به تلاش‌های نفاق افکنانه خادیست‌ها و ریاست امنیت شورای نظار اشاره نموده افزودند: قرار اطلاعی که پیش از حادثه‌ی روز جمعه به ما رسیده بود.

جنرال فهیم تمام مسئولین ریاست امنیت را جمع کرده گفته بود که پروسه ما در شکستن حزب وحدت اسلامی به خوبی پیش می‌رود زیرا در میان آن حزب آن قدر اختلاف به وجود آورده‌ایم که اگر یکی از اعضایشان را بکشیم از ما گمان نمی‌برد، از همدیگر می‌داند.

هم‌چنین استاد مزاری، فرمودند: ما معتقد هستیم که تظاهرات مردم یک مسأله‌ی طبیعی و منطقی است و در دنیا وجود دارد. امروز در تمام دنیا مردم برای حمایت از کسی و یا جریانی تظاهرات می‌کنند، ولی حادثه‌ای که در روز جمعه پیش آمد، دشمن خواست احساسات پاک مردم را ملوّث کند و من از این حادثه بسیار متأسفم و این حادثه برای من تلخ بود. زیرا با عظمت حزب وحدت ناسازگار بود.

استاد مزاری در رابطه با تبلیغات زهراگین دشمن تأکید نموده (گفتند:) مسأله‌ی دوگانگی حزب وحدت اسلامی تبلیغات دشمن است و رادیوهای دشمن جوسازی می‌کند که گویا بین مسئولین حزب وحدت اختلاف و دوگانگی وجود دارد ما به شما اطمینان می‌دهیم که وحدت علی رغم تبلیغات دشمن حفظ می‌شود. اوّل به دلیل هوشیاری مردم، دوم این که مسئولین بار سنگین مسئولیت را حفظ می‌کنند و در حفظ وحدت تلاش می‌نمایند.

استاد مزاری، ضمن یادآوری اینکه خسارات و تلفات مالی و جانی گروه‌ها قبل از تشکیل حزب وحدت اسلامی بسیار سنگین بوده و گفت: در گذشته بر اثر نفاق‌های داخلی صدها حجت الاسلام و جوانان جنگجوی ما کشته شده‌اند (ولی) ما آمدیم وحدت کردیم و به گفته شهید صادقی نیلی که شرینی وحدت برای کسی است که تلخی نفاق را چشیده است ما ۱۴ سال تلخی نفاق را چشیده‌ایم و سپس وحدت را به وجود آورده ایم.

استاد مزاری، در رابطه با این اظهارات آقای مردان علی؛ که از بعضی رهبران گله داریم زیرا که گفته‌اند گویا هزاره‌ها از شیعه‌ها جدا شده اند، فرمودند: این هم یکی از توطئه‌های دشمنان است که مسأله‌ی سید، قزلباش، هزاره را مطرح می‌کند در صورتی که در گذشته چندین ستم بر ما رفته است: ۱ـ ستم نژادی و ملی، هزاره‌ی سنی و هزاره‌ی شیعه، هر دو محروم نگهداشته شده‌اند و ستم دیده اند.

۲ـ ستم مذهبی و شیعه بودن، کسانی که شیعه بودند: سادات است، قزلباش، هزاره همه مظلوم بوده اند. من معتقد هستم که در افشار بیشتر از همه قزلباش‌ها صدمه دیدند و قربانی شدند زیرا که این‌ها خود را از منطقه نکشیدند و کوچ نکردند، امروز دشمن راه غیر از این ندارد که این مسأله را مطرح کند و وحدت را بشکند، این واقعیت است که ما هزاره‌ایم و انکار هم نمی‌کنیم که هزاره بودن به ما افتخار است، مگر افغان‌ها از افغان بودنشان ننگ دارند؟ یا تاجیک از تاجیک بودنشان شرم دارند؟ آخر این افتخار تاریخی ماست که هزاره علاقه شدید به مذهب داشته است حتی زمانی که معاویه مردم را مجبور به لعن علی(ع) می‌نماید مردم هزاره لعن را قبول نکرده اند، بلکه در عوض جریمه می‌دادند. لذا شما مو سفیدان جلو این تبلیغات را بگیرید و زمینه‌ی این تبلیغات را هم از دشمن بگیرید.

در پایان استاد مزاری، به فرا رسیدن ماه محرم و عاشورای حسینی اشاره نمودند از شورای مساجد خواستند تا با استفاده از حضور بی سابقه‌ی علما، مراسم محرم را هر چه باشکوه تر برپا دارند. ایشان در این رابطه با نمایندگان مساجد فرمودند: امسال تعداد یکصد و بیست نفر از علمای برجسته در کابل آمده‌اند که این یک نعمتی است که شما تا هنوز در کابل نداشته اید. لذا شورای مساجد از علما دعوت کند و مراسم عاشورای حضرت امام حسین(ع) را هر چه شکوهمندتر برپا داریم، زیرا ما هر افتخار که داریم از امام حسین(ع) و مکتب نجات بخش او داریم، شجاعت ها، شهامت ها، فداکاری‌ها و مقاومت ما از برکت امام حسین(ع) است.

استاد مزاری افزودند: امروز بحمداللّه غرب کابل امنیت است، اگر در ایام عاشورا دسته‌های عزا به وجود بیاید مانع نیست و امیدواریم شما در این مورد غفلت نکنید.

دیدار اسماعیل خان والی هرات با استاد مزاری[1]

ستر جنرال اسماعیل خان والی هرات که در رأس مجموعه‌ای از قومندانان و والیان حوزه‌ی جنوب غرب کشور در کابل به سر می‌بردند، عصر روز سه شنبه ۱۳۷۳/۳/۲۴ با حضور در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی با حجت الاسلام و المسلمین استاد

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۸، پنجشنبه ۹ سرطان ۱۳۷۳ش.

عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان دیدار و گفتگو نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، جنرال اسماعیل خان والی هرات که در هتل بین المللی کابل اقامت دارد عصر روز شنبه از مسیر سیلوی مرکزی وارد منطقه‌ی تحت کنترل حزب وحدت اسلامی گردید و در حالی که توسط ده‌ها چین تانک و وسائط زرهی و نیروهای جان بر کف حزب وحدت اسلامی همراهی می‌شد، به سمت قصر تاج بیک مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی رهسپار گردید، در طول مسیر راه سیلو و دارالامان، نیروهای مسلح حزب وحدت اسلامی در دو طرف مسیر راه مستقر شده بودند. در مقابل قصر تاج بیک ستر جنرال اسماعیل خان توسط ستر جنرال هاشمی قومندان عمومی اپراتیفی حزب وحدت استقبال گردید و با استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی و اعضای شورای نظارت و مرکزی حزب وحدت اسلامی ملاقات نمود.

در جریان این دیدار، مولوی صدیق اللّه آخوند والی ولایت زابل، مولوی قاری بابا والی ولایت غزنی، بشیر احمد والی ولایت فراه و تعداد از قومندانان ولایت نیمروز و بادغیس، داکتر جلیل اللّه شمس معاون وزارت خارجه، فضل کریم ایماق شاروال کابل، حضرت آیت اللّه محقق بهسودی، حجت الاسلام حکیمی از اعضای شورای عالی نظارت، استاد بلاغی وزیر تجارت، استاد خلیلی وزیر مالیه، استاد محقق رئیس شورای ولایتی بلخ، الحاج مقصودی، استاد شفق سرپل، استاد هادی بلخی و اخلاصی از اعضای شورای مرکزی وحدت اسلامی افغانستان نیز حضور داشتند.

نخست ستر جنرال اسماعیل خان، ضمن ابراز سپاس و تشکر فراوان از استقبال گرم مسئولین و مجاهدین حزب وحدت اسلامی اظهار داشت: ملت افغانستان از یک امتحان الهی موفق بیرون آمد و نصرت خداوند نصیب این ملت گردید و توسط ملت مسلمان افغانستان، اسلام و مسلمانان را عزّت بخشید، مردم ما جغرافیای جهان را تغییر دادند و این موضوع برای دشمنان اسلامی قابل قبول نبود و (لذا) ما را به این مصیبت‌ها روبرو ساختند، جنرال اسماعیل خان افزودند: ما این جا آمده ایم، تا از نظریات شما استفاده کرده و با همکاری شما از خداوند می‌خواهیم تا این مصیبت را از سر ما دور سازد.

سپس استاد مزاری، اسماعیل خان و هیأت همراه وی را خیر مقدم گفته و از نیات خیر آنان که تصمیم به قطع جنگ‌های جاری دارند تقدیر کردند و افزودند: در ۱۴ سال جهاد قهرمانانه‌ی مردم افغانستان، تمام مسلمانان به نحوی شریک بودند و با پیروزی مجاهدین برای مسلمانان امیدهای از قید و بند اسارت دولت‌ها به وجود آمد و عزت بی نظیری را برای مردم افغانستان خلق کرد.

استاد مزاری، با اشاره به مبارزه‌ی مردم افغانستان علیه اشغالگران انگلیس فرمودند: انگلیسی‌ها پس از این که از مردم افغانستان شکست خوردند در تمام جهان مواجه به شکست شدند و از همه جا جمع گردیده و به جزیره‌ی انگلستان فعلی محدود گردیدند. اما در آن زمان مردم افغانستان پس از شکست انگلیس نتوانستند حکومت قابل قبول همه‌ی مردم را به وجود آورند. متأسفانه این تجربه پس از سقوط دولت کمونیستی نیز بار دیگر تکرار شد و این (بار نیز) ثابت شد که مردم افغانستان خوب جهاد می‌کند ولی درایت سیاسی لازم را ندارد. در سه سال حکومت مجاهدین امیدی به وجود آمده برای مسلمانان به یأس مبدل شد و عظمت و افتخار مجاهدین افغانستان زیر سؤال رفت.

استاد مزاری، اضافه نمود: کسانی که ۱۴ سال جهاد کرده‌اند باید افتخار جهاد را حفظ کنند و یک حکومت را با سعه‌ی صدر تشکیل دهند تا هم مردم خود را شریک آن بدانند و هم برای تحکیم پایه‌های آن تلاش نمایند و این ممکن نیست مگر این که از قالب‌های محدود حزبی بیرون رفته و روی منافع و مصالح ملی تفکر صورت گرفته و تصمیم گرفته شود. افتخارات جهاد از همه‌ی مردم افغانستان است و هیچ قومی، حزبی و جریانی نمی‌تواند ادعا کند که به تنهایی در افغانستان جهاد کرده است.

استاد مزاری، ضمن تشریح سیاست و اصول مبتنی بر اراده و محوریت مردم افغانستان اضافه کرد: ما جنگ را راه حل قضایا نمی‌دانیم و اعتقاد داریم در نهایت همگی تن به تفاهم در خواهند داد. بنابراین از هر اقدامی که در راستای برقراری صلح دائمی انجام گیرد استقبال می‌نماییم و تا آنجا که مربوط ما است از هیچگونه همکاری دریغ نداریم.

طبق این گزارش پس از این ملاقات استاد مزاری و اسماعیل خان در جمع حاضرین

مدت دو ساعت خصوصی ملاقات کردند و در رابطه با مسایل و موضوعات ذیعلاقه تبادل نظر نمودند.

ملاقات اهالی دارالامان با استاد مزاری[1]

اهالی مناطق اطراف دارالامان که طی چند روز درگیری بین حرکت اسلامی و حزب اسلامی منازل و مناطق آنان توسط طرفین درگیر زیر آتش قرار گرفته و چند تن از مردم بی گناه شهید و یا زخمی شدند. عصر روز سه شنبه ۱۳۷۳/۳/۳۰ با حضور در دفتر کار حجت الاسلام مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی با ایشان دیدار و گفتگو نمودند.

به گزارش خبرنگار وحدت اسلامی، چند تن از این مردم گزارشی از وضعیت غیر قابل تحمل این مناطق را به استحضار دبیر کل حزب وحدت اسلامی رسانید و از حزب وحدت خواستار بررسی وضع این درگیری‌ها گردید.

آقای مزاری، در این دیدار افزود: که تاکنون دو نفر از اعضای شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی و سه نفر از قوماندانان حزب وحدت اسلامی وظیفه یافتند تا طی تماس با طرف‌های درگیر هر چه سریع تر آتش جنگ را خاموش سازند. متأسفانه این اقدامات بنا به دلایلی به نتیجه نرسید و باعث حوادث مصیبت باری که صدمات آن را غیر نظامیان متحمل می‌شوند گردید و ما برای توقف جنگ تلاش می‌کنیم.

ملاقات محصلین انستیتوی طب کابل با استاد مزاری[2]

محصلین انستیتوی طب کابل صبح روز شنبه ۱۳۷۳/۴/۱۸ با حضور در اقامتگاه حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری با ایشان دیدار و گفتگو نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این دیدار ابتداء یک تن از محصلین به نمایندگی از سایرین انتخاب مجدد استاد مزاری را به مقام دبیر کلی حزب وحدت اسلامی تبریک گفته و برایشان آرزوی موفقیت نمود، همچنین از دیدار محصلین با استاد مزاری ابراز خرسندی نموده و گزارش‌های کاری و مشکلات محصلین طب

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۳۹، پنجشنبه ۲۳ سرطان ۱۳۷۳ش.

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۴۰، پنجشنبه ۶ اسد ۱۳۷۳ش.

کابل را به استحضارشان رسانید و در این زمینه خواهان هدایت و رهنمودهای مقام دبیر کل حزب وحدت اسلامی گردید.

آن گاه استاد مزاری، از احساسات پاک محصلین طب کابل که سرمایه‌های ملت و جامعه‌ی ما است تقدیر نمودند و افزودند: ما امیدواریم مکاتب و مدارس فعال گردد و محصلین عزیز ما بتوانند تحصیلات خود را ادامه بدهند و ما در تلاش هستیم که در این شرایط که امنیت در کابل نیست در سایر ولایات و کشورهای خارجی زمینه را فراهم کنیم تا محصلین ما تحصیلات خود را ادامه بدهند.

ملاقات چنگیز پهلوان با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی بعد از ظهر روز سه شنبه ۱۳۷۳/۴/۲۱ با داکتر چنگیز پهلوان محقق و صاحب نظر ایرانی در امور افغانستان دیدار و گفتگو نمود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار آقای پهلوان نظرات و دیدگاه‌های خویش را پیرامون اوضاع جاری کشور ارائه داد.

سپس استاد مزاری، حوادثی پس از پیروزی مجاهدین را مفصلا تشریح نموده افزود: حزب وحدت اسلامی بر اساس سیاست مستقل و مشخصی که دارد همیشه خواستار حفظ منافع مردم خود و به دست آوردن حقوق آن‌ها می‌باشد.

ملاقات اعضای شورای مساجد کابل با استاد مزاری[2]

حجت الاسلام و المسلمین استاد عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی قبل از ظهر روز یکشنبه ۱۳۷۳/۴/۲۶ در دفتر کارشان اعضای شورای مساجد اهل تشیع کابل را به حضور پذیرفته و با آنان دیدار و گفتگو نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این دیدار نخست استاد سمیع فیضی نماینده‌ی حزب وحدت اسلامی در اتحادیه‌ی اسلامی و چند تن از اعضای شورا گزارشی از جریان فعالیت شورای مساجد را به اطلاع دبیر کل حزب وحدت اسلامی

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۴۰، پنجشنبه ۶ اسد ۱۳۷۳ش.

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۴۰، پنجشنبه ۶ اسد ۱۳۷۳ش.

رسانیده و نیز گزارشاتی مبنی بر آغاز عملیات بالای غرب کابل از سوی بعضی از جریان‌های شر طلب، اظهار نگرانی کرده و در این زمینه پیشنهادات خویش را ارائه دادند.

سپس استاد مزاری، از احساس نیک و خیرخواهانه‌ی اعضای شورای مساجد تقدیر نمود، اظهار داشت: ما نیز گزارش‌های در ارتباط آغاز درگیری توسط گروه‌های که باعث جنگ‌های سال گذشته علیه مردم ما گردیدند دریافت کردیم. لهذا مردم ما باید با هوشیاری کامل مانند گذشته تدابیر جدی و دفاعی خویش را اتخاذ نمایند که در این زمینه شورای مساجد می‌تواند نقش فعال و سازنده‌ی را ایفا نماید.

استاد مزاری، در قسمتی از سخنانشان افزودند: مردم ما و حزب وحدت اسلامی به هیچ وجه خواستار جنگ نیست و معتقد هستند که قضایای کشور باید از طریق مذاکره‌ی مسالمت آمیز حل گردد، ولی در صورتی که مورد تجاوز قرار گیرند با تمام توان از خود دفاع خواهند کرد.

ملاقات پهلوان نجف با استاد مزاری[1]

پهلوان نجف یکی از افتخارات و چهره‌های شاخص مردم ما که به تازگی از آلمان وارد کشور شده است. عصر روز سه شنبه ۱۳۷۳/۴/۲۸ با حضور در اقامتگاه استاد مزاری، با ایشان دیدار و گفتگو نمود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این دیدار، پهلوان نجف سلام‌ها و تبریکات نیک مهاجرین افغانستانی مقیم آلمان را به حضور ایشان ابراز داشتند و گزارشی از وضعیت دفتر حزب وحدت اسلامی در آلمان و مهاجرین مستقر در آن کشور را به استحضار ایشان رسانید.

استاد مزاری، از مهاجرین افغانی مقیم آلمان تشکر نمود و برای پهلوان نجف آرزوی توفیق نمود. پهلوان نجف از پهلوانان ملی کشور بوده که هنوز به حیث مربی ورزیده کشور در سطح آلمان فعالیت دارد.

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۴۰، پنجشنبه ۶ اسد ۱۳۷۳ش.

ملاقات جمعی از اهالی غرب کابل با استاد مزاری[1]

بر اساس گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلام روز یکشنبه ۱۳۷۳/۵/۱۹ جمعی از اهالی دشت آزادگان، ده قابل، پل سوخته، قلعه شهادت با حجت الاسلام استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی، ملاقات کردند.

در این دیدار رزمجو عضو شورای مرکزی و سمیع فیضی حضور داشتند. ابتداء یک تن از حاضرین آیاتی را از کلام اللّه مجید قرائت نمود آن گاه آقای سمیع فیضی گزارشی را ارائه نمود هم چنین مدیر طاهره خانم گزارشی را از وضعیت مردم غرب کابل در شرایط موجود به خصوص جنگ حرکت اسلامی و حزب اسلامی محدود شدن کار و غریبی مردم و نبودن مواد غذایی و سوختی و کوچ کردن اهالی غرب کابل، نسبت به مشکلات مواد ارتزاقی ارائه داد و از تلاش‌های حزب وحدت اسلامی اظهار قدردانی کرده گفت: حزب وحدت اسلامی تا امروز از مردم کابل به خوبی حمایت نموده و ما امیدواریم که در شرایط فعلی مخصوصاً شرایط که بعد از جنگ حرکت اسلامی و حزب اسلامی در غرب کابل پیش آمد مشکلات مردم را رفع سازد.

آن گاه حجت الاسلام مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی ضمن قدردانی از احساسات اهالی غرب کابل نسبت به حزب وحدت اسلامی گفت: که مقاومت مردم غرب کابل در طول دو سال گذشته هرگز فراموش نمی‌شود و حزب وحدت اسلامی و مسئولین این حزب خود را مدیون این مردم می‌داند.

ملاقات روشنفکران غرب کابل با استاد مزاری[2]

بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۳۷۳/۶/۳ روشنفکران غرب کابل با حضور در دفتر کار حجت الاسلام و المسلمین استاد عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی با ایشان ملاقات نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این ملاقات یک تن از روشنفکران به نمایندگی از سایرین ضمن اظهار خوشحالی از ملاقات خود با استاد مزاری فعالیت‌های روشنفکران غرب کابل را در طول دو سال گذشته برشمرده و از مقام

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۴۲، پنجشنبه ۲۸ اسد ۱۳۷۳ش.

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۴۳، پنجشنبه ۱۷ سنبله ۱۳۷۳ش.

ریاست شورای مرکزی برای ادامه کارشان هدایت خواستند.

سپس استاد مزاری از ابراز احساسات آن‌ها تقدیر نمود و یادآور گردید که امروز وظیفه‌ی ما و ملت و روشنفکران این است که در راستای تثبیت موقعیتمان بیش از پیش تلاش نماییم زیرا در گذشته ما حضور داشتیم ولی در تصمیم گیری سهم نداشتیم تمام افتخارات ما به نام دیگران تمام می‌شد و باید به دیگران بقبولانیم که برای آزادی افغانستان و بیرون کردن روس از این جا نقش تعیین کننده داشتیم، اگر چه این‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که بدون سهم گیری هزاره و شیعیان در اداره‌ی کشور مشکل افغانستان قابل حل نیست.

ملاقات قوماندانان خطوط مقدم جبهه با استاد مزاری[1]

حجت الاسلام و المسلمین استاد عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی عصر روز دوشنبه ۱۳۷۳/۶/۷ در دفتر کارش قوماندانان خطوط مقدم جبهات حزب وحدت اسلامی در گردنه‌ی سخی و تپه‌ی سلام و دهمزنگ را به حضور پذیرفتند و هدایات لازم را جهت رعایت آتش بس و بیداری کامل غرض دفاع از کرامت و حیثیت مذهبی و ملی مردم ارائه دادند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، در این دیدار که الحاج عبدالحسین مقصودی و حجت الاسلام و المسلمین اخلاصی اعضای شورای مرکزی و نمایندگان حزب وحدت اسلامی در کمیسیون صلح غرب کابل نیز حضور داشتند. نخست قوماندانان حزب وحدت اسلامی حاضر در مجلس توسط مسئولین معرفی گردید. آن گاه الحاج عبدالحسین مقصودی گزارش مشروحی از درگیری‌های چند روز اخیر در دهمزنگ، تپه‌ی سلام، گردنه‌ی سخی و فعالیت‌های کمیسیون صلح را به استحضار استاد مزاری رسانیده و در زمینه فیصله‌های به عمل آمده بین نمایندگان حزب وحدت اسلامی و شورای نظار در کمیسیون صلح صحبت نمود.

استاد مزاری، ضمن تشکر از تلاش‌های آقایان مقصودی و اخلاصی از رشادت‌ها و فداکاری‌های مردانه‌ی مجاهدین مستقر در خطوط مقدم تقدیر نمودند. استاد مزاری

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۴۳، پنجشنبه ۱۷ سنبله ۱۳۷۳ش.

ضمن تحلیل از جنگ‌های تحمیلی ۲۶ ماه گذشته اظهار داشتند: که حزب وحدت اسلامی هیچگاه جنگ را راه حل نمی‌دانست و در دو جنگ تحمیلی ما مدافع مردم خود بودیم و از این پس نیز در راستای منافع مردم خود حرکت می‌نماییم.

ایشان ضمن تأکید بر رعایت نظم و انضباط به نیروهای مسلح فرمودند: باید جنگ و صلح به دستور حزب باشد و هیچ قومندان و مسئولی حق ندارد خود سر اقدام به جنگ یا صلح نمایند در ارتباط پیگیری آتش بس بین نیروهای حزب وحدت اسلامی و شورای نظار کمیسیون صلح تشکیل شده است که آقایان اخلاصی و مقصودی نمایندگان با صلاحیت حزب وحدت اسلامی می‌باشد. مشکلاتی که پیش می‌اید از طریق آن‌ها حل و فصل گردد و هم توافقات که آن‌ها با طرف مقابل امضا می‌کنند احترام قائل شوند، این نشانگر یک نظم و منسجم بودن حزب وحدت اسلامی است و موجب عزت و افتخار مردم غیور ما خواهد بود.

استاد مزاری در اخیر گفت: دفاع بر همه واجب است اما تخلف، سرکشی و زیاده روی مخالف خواست و آرمان مردم ما است و متخلف که منافع مردم را به خطر اندازد مجازات خواهد شد.

ملاقات شورای مساجد کابل با استاد مزاری[1]

عصر روز چهارشنبه ۱۳۷۳/۶/۱۴ نمایندگان شورای مساجد با استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی ملاقات نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار که با تلاوت آیاتی از کلام اللّه مجید آغاز شد ابتداء آقای کاظمی یک تن از ملاقات کنندگان ضمن ابراز خرسندی از موضع گیری حزب وحدت اسلامی پیرامون وضعیت غرب کابل مخصوصاً وضعیت اقتصادی که بعد از تعطیل شدن مارکت دوغ آباد پیش آمده به تفصیل صحبت نمود.

آنگاه استاد مزاری از احساسات و توجه نمایندگان نسبت به سرنوشت مردم و منطقه‌ی غرب کابل تقدیر و تشکر نمودند و گفتند: که حزب وحدت اسلامی هیچ

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۴۴، پنجشنبه ۳۱ سنبله ۱۳۷۳ش.

مصلحتی را بالاتر از مصلحت مردم خود نمی‌داند.

ملاقات مسئولین تعاون اسلامی با استاد مزاری[۱]

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی عصر روز گذشته مورخ ۱۳۷۳/۶/۱۴ مسئولین تعاون اسلامی با حجت الاسلام و المسلمین مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی ملاقات کردند.

در این دیدار که استاد مزاری و انجنیر عادل حضور داشتند، پیرامون فعالیت‌های این اتحادیه و مشکلات آن به تفصیل صحبت نموده گفتند: اتحادیه تعاون اسلامی یک نهاد اسلامی است که به طور عموم برای مردم کار و فعالیت دارد و مربوط تنظیم خاصی نیست و در آینده نیز در خدمت تمام جامعه افغانستان خواهد بود.

وی هم چنین از وضع کابل مخصوصاً از وضع تعطیل شدن مارکت دوغ آباد، اظهار نگرانی و تأسف نموده اظهار داشت: ما از حزب وحدت اسلامی تقاضا داریم که با حزب اسلامی در این زمینه صحبت نمایند تا منطقه دوغ آباد غیر نظامی شود و مارکت دوغ آباد مجدداً باز و فعال شده و مردم غرب کابل بدون کدام ممانعت به کسب و کار بپردازد.

آقای انجنیر عادل نیز نسبت به وضع امنیتی شهر کابل بیاناتی را ارائه کرد.

آنگاه حجت الاسلام و المسلمین مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی طی صحبت‌های فعالیت‌های اتحادیه تعاون اسلامی را مورد قدردانی قرار دادند و گفتند که: اتحادیه تعاون اسلامی خدمات شایانی را مخصوصاً در طول جنگ انجام داده و جا دارد که از آنان قدردانی شود.

ملاقات محصلین عازم خارج از کشور با استاد مزاری[۲]

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی عصر روز گذشته ۱۳۷۳/۶/۱۵ محصلین آماده اعزام به خارج از کشور که بر اساس نمرات برتر امتحان کنکور پذیرفته شده بودند جهت خداحافظی با حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۴۴، پنجشنبه ۳۱ سنبله ۱۳۷۳ش.

۲. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۴۴، پنجشنبه ۳۱ سنبله ۱۳۷۳ش.

وحدت اسلامی ملاقات کردند در این دیدار ابتداء یک تن از محصلین به نمایندگی از دیگران از حزب وحدت اسلامی مخصوصاً اعضای کمیته فرهنگی به خاطر توجه و فراهم نمودن زمینه تحصیل جوانان و نوجوانان، اظهار قدردانی و تشکر نموده گفت: محصلین به پیشگاه خون شهداء و حزب وحدت اسلامی و ملت مقاوم خود تعهد می‌سپارد از نعمت بزرگی که نصیبشان شده است به خوبی استفاده نموده و در راه رشد استعدادهایشان و اندوختن علم و دانش از هیچ تلاشی دریغ نورزند و از آرمان‌های حزب وحدت اسلامی که یگانه «تبلور» اراده آگاهانه و خواسته‌های بر حق سیاسی و اجتماعی ملت مظلوم و سربلند تشیع می‌باشد پاسداری خواهند کرد.

متعاقباً استاد مزاری طی سخنانی ضمن تقدیر از نیات نیک محصلین گفت: جای خوش وقتی است که تعدادی از محصلین وطن را ترک می‌گویند تا خود را برای کمک به مردم خود آماده نمایند و این برای ملت تشیع و هزاره‌ها جای بسی افتخار است. در خاتمه ایشان برای محصلین از خداوند آرزوی موفقیت کرد.

ملاقات نمایندگان و محاسن سفیدان مسجد سجادیه و سرکاریز با استاد مزاری[1]

قبل از ظهر یکشنبه ۱۳۷۳/۶/۲۷ نمایندگان و محاسن سفیدان مسجد سجادیه، ده قابل سرکاریز و قلعه شهادت با حضور در مرکز حزب وحدت اسلامی با استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی دیدار و از شروع دور جدید جنگ‌های جاری ابراز نگرانی نمودند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی، ابتداء آقای حسینی و یک تن از محاسن سفیدان مسجد سجادیه با یادآوری فداکاری‌های استاد مزاری در راه سرنوشت‌شان یادآور گردید، که مردم مظلوم غرب کابل انتظار دارند که درگیری‌های اخیر هر چه زودتر پایان یافته و بیش از این در آتش اختلاف نسوزد.

سپس حجت الاسلام و المسلمین استاد مزاری، ضمن سپاس و قدردانی از همکاری‌های صادقانه و مخلصانه مردم در راه سرنوشتشان احساسات آنان را پاسخ گفت و در این زمینه یادآور گردید: که افتخارات به دست آمده از تلاش‌های دو سال

---

۱. هفته نامه‌ی وحدت، شماره مسلسل ۱۴۳، پنجشنبه ۳۱ سنبله ۱۳۷۳ش.

گذشته شما مردم نقطه‌ی عطفی در تاریخ ایجاد نمود که هرگز فراموش نخواهد شد آزادی و آزادگی شما را برای همیشه تضمین خواهد نمود.

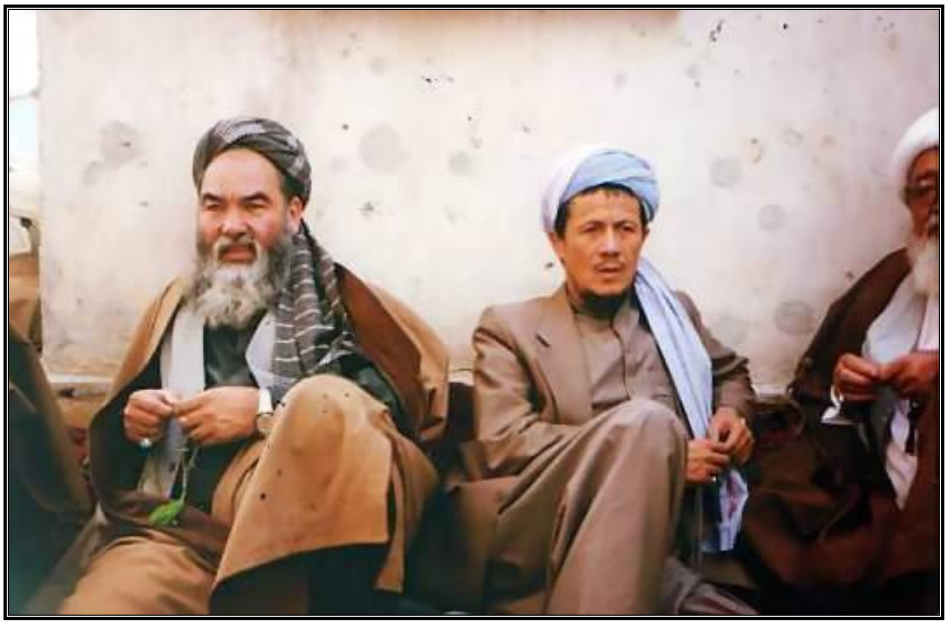

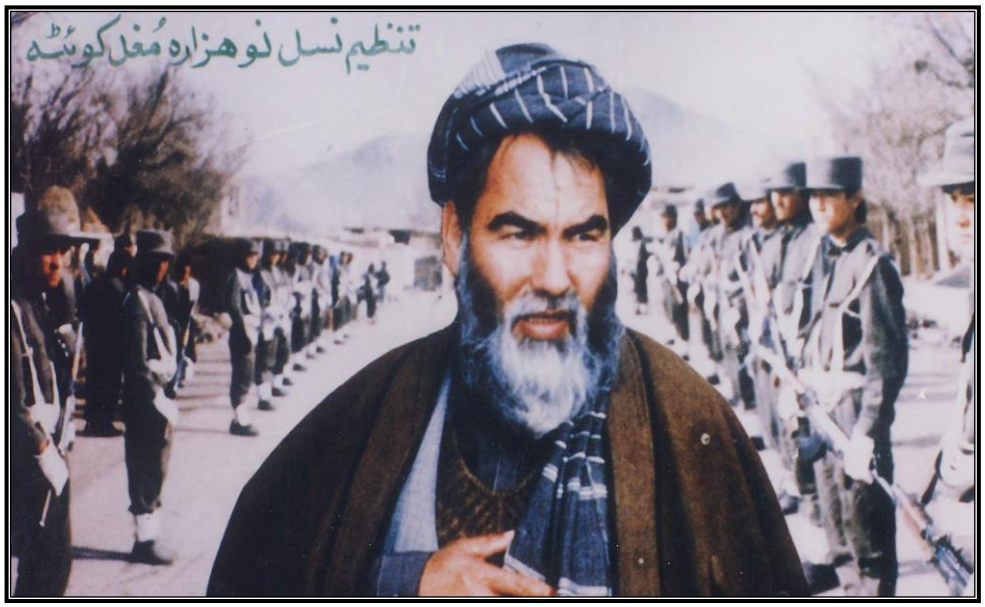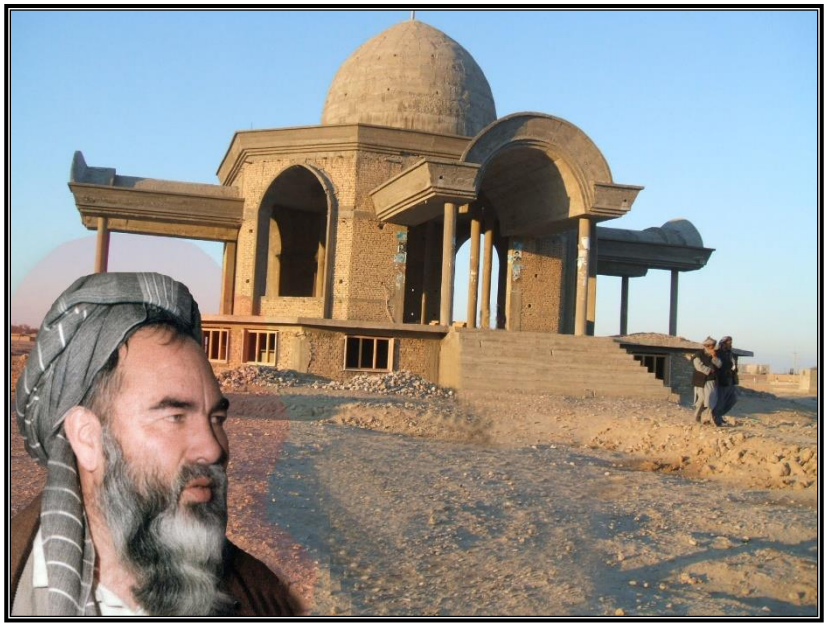
تنظیم نسل نو هزاره مُغل کوئٹه